

خلاصه حالات آخرین پیامبر و اشرف مخلوقات حضرت محمدصلی الله علیه واله

آن حضرت پیش از طلوع سپیده صبح ، روز جمعه یا روز دوشنبه ، هفدهم یا دوازدهم ماه ربیع الاول ، عام الفیل ۵۵ روز پس از هلاکت اصحاب فیل در شهر مکه شعب ابی طالب ختنه شده و پاکیزه و خندان به دنیا آمد و جهانی تاریخ را به نور مبارک خود روشن نمود.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شکم مادر تولّد یافت ، دست چپ خود را بر زمین گذارد و دست راست به سمت آسمان بلند نمود و چون کلمه توحید را بر زبان جاری نمود، نوری از دهان مبارکش ظاهر گردید که تمامی مکه را روشنائی بخشید.

نام : محمد ، احمد ، محمود و ... صلی الله علیه و آله .

کنیه : ابوالقاسم ، لبوابراهیم ، ابوطاهر ، ابوالطیب ، ابوالمساکین ، ابوالدّرتین ، ابوالریحانّین ، ابوالسبّطین و

لقب : خاتم ، رسول الله ، رسول الرّحمة ، رسول الرّاحة ، نبی الرّحمة ، نبی التّوبة ، سراج المنیر ، مبشّر ، منذر ، امین ، وفی ، مزمل ، مدّثر ، عالم ، ماحی ، حاشر ، شاهد و

و در تورات : مادامد ، در انجیل : فارقلیط ملّقب شده است .

پدر آن حضرت عبدالله فرزند عبدالمطلب و مادرش آمنه دختر وهب بن عبد مناف بوده است .

حضرت رسول صلوات الله علیه با سی واسطه به حضرت آدم می رسد و ۹۹۰۰ سال و چهار ماه و ده روز بعد از وفات حضرت آدم علیه السلام متولّد گردید (فضائل شاذان بن جبرئیل قمی: ص ۱۸، س ۱۱).
نقش انگشتر: آن حضرت دارای دو انگشتر بود، نقش یکی (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، محمد رسول الله) و دیگری (صدّق الله) بود که هر دو را به دست راست خود قرار می داد.

دو ماه بعد از آن که نطفه آن حضرت در رحم مادر قرار گرفت ، پدرش عبدالله وفات یافت و دوران شیرخوارگی را توسّط حلیمه سعدیه سپری نمود.

در سنین چهار یا شش سالگی ، مادرش آمنه و در هشت سالگی ، جدّش عبدالمطلب وفات کردند. همچنین نه سال و هشت ماه بعد از نبوّتش که دو سال پس از خروج از شعب ابی طالب باشد، عمویش ابوطالب وفات یافت و سه روز بعد از آن ، خدیجه آن بانوی باوفا، در سن ۶۵ سالگی در گذشت .
در سنین سیزده سالگی به همراه عمویش عمران ابوطالب به شهر شام مسافرت نمود و نزد قبائل و قوافل مورد اعتماد و اطمینان قرار گرفت ، به طوری که لقب امین بر او نهاده شد.

در سنین ۲۵ سالگی از طرف خدیجه برای تجارت به شام مسافرت نمود و چند ماه پس از بازگشت از سفر، با وی ازدواج کرد.

در چهل سالگی ۲۷ رجب به رسالت و نبوّت مبعوث گردید و هنگامی که دعوتش آشکار گردید مورد اذیت و آزار مشرکان و مخالفان قرار گرفت تا جائی که گفته اند:

پس از گذشت پنج سال از بعثت در محاصره شدید دشمنان قرار گرفت و به ناچار در محلّی به نام شعب ابی طالب به همراه دیگر یارانش پناهنده شد و مدّت سه سال با تحمّل سختی های فراوان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... به سر برد.

و چون اذیت و آزار دشمنان، بعد از وفات ابوطالب و خدیجه شدّت گرفت؛ روز پنجشنبه، اوّل ربیع الأوّل یعنی سیزده سال پس از بعثت در سنّین ۵۳ سالگی، آن حضرت به اصحاب و همراه یارانش از مکه به مدینه مهاجرت نمود و دوازدهم همان ماه، هنگام زوال خورشید وارد مدینه گردید و مدّت ده سال در آن شهر اقامت نمود.

آن حضرت حدود يك سال قبل از هجرت از مکه به مدینه، در بیداری با جسم و روح به معراج رفت و چون پاسی از شب گذشت پس از عروج از مسجد الحرام در مسجدالاقصی فرود آمد. و طبق فرمایش امام صادق صلوات الله علیه: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یکصد و بیست مرتبه به معراج رفت و در هر مرتبه خداوند بیش از دیگر فرایض و واجبات، توصیه به ولایت امام علی و دیگر ائمّه اطهار علیهم السلام می نمود. (خصال شیخ صدوق: ج ۲، ص ۶۰۰، ح ۳) در نیمه ماه رجب، سال دوّم هجرت، در بین نماز عصر، قبله مسلمانان از بیت المقدّس به سمت کعبه متحوّل شد. (وسائل الشّیعه: ج ۴، ص ۳۰۲)

در مدّت عمر پر برکت آن حضرت، بیش از چهارهزار و چهارصد معجزه توسط حضرتش واقع گردید. (بحارالانوار: ج ۱۷، ص ۳۰۱، ح ۱۳)

و آنچه معجزه توسط دیگر پیامبران الهی انجام گرفته بود، به وسیله پیامبر گرامی اسلام انجام شد که مهمّترین آنها قرآن بود به طوری که تمامی انسان ها از مقابله با آن عاجز و ناتوان بوده و هستند. روز هیجدهم ذی الحجه، سال نهم هجری (مطابق با دهم فروردین، سال دهم شمسی) پس از بازگشت از حجه الوداع، آن حضرت در محلّی به نام غدیر خم، از طرف خداوند متعال امام علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان خلیفه خود و امام مسلمین در جمع کلّیه حُجّاج معرّفی و منصوب نمود، که اکثر مفسّرين و تاریخ نویسان اهل سنّت نیز به آن تصریح کرده اند.

حضرت رسول صلوات الله علیه، چهل و هفت سَرّیه برای جنگ با مخالفان اعزام نمود که خود حضرت در بیست و شش جنگ، مشارکت و فرماندهی داشت و در ۹ جنگ مقاتله و جهاد نمود.

و در نهایت بعد از جنگ خیبر، توسط زنی یهودی به نام زینب دختر حارث برادر مرحب به وسیله زهری که در آبگوشت کله و پاچه ریخته بود، حضرت با تناول آن غذا مسموم شد و مدّتی پس از آن به شهادت رسید (امام صادق علیه السلام فرمود: ... به وسیله آن دو زن حفصه و عایشه مسموم و مقتول گردید؛ تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱۵۲، البرهان: ج ۱، ص ۳۲۰، نورالثقلین: ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۳۹۰، بحارالانوار: ج ۲۸، ص ۲۰، ح ۲۸)

در تاریخ وفات حضرت اختلاف است؛ ولی مشهور آن است که در ۲۸ ماه صفر، سال دهم هجرت (مطابق با هفدهم خرداد، سال دهم شمسی) در اثر زهر مسموم و در سنین ۶۳ سالگی شهید گشت. قبر آن حضرت توسط ابو عبیده جراح و زید بن شهیل، حفر و آماده شد، و جسد مطهرش توسط امام علی علیه السلام با کمک عباس بن عبدالمطلب و فضل بن عباس و اسامه، تجهیز و در خانه شخصی خودش دفن گردید.

در بیان حضرت را امام علی بن اءبی طالب علیه السلام و انس بن مالک و ابو رافع نام برده اند. در تعداد زوجات حضرت اختلاف است؛ لیکن مشهور آن است که حضرت از سنین ۲۵ سالگی به بعد، شانزده همسر جهت مصالح اسلام و مسلمین انتخاب نمود، که طبق مشهور (بر خلاف مشهور، عدّه ای از بزرگان بر این عقیده اند: حضرت خدیجه سلام الله علیها، عذراء باکره بوده است. و در این رابطه، کتابهائی مانند: هدایة الکبری حنینی: ص ۴۰، س ۱۶ و بحار الانوار: ج ۲۲، ص ۸ ملاحظه و دقت گردد) تمامی آن ها به جز عایشه بیوه بوده اند؛ و در موقع شهادت ۹ همسر برایش باقی مانده بود، بنابر مشهور از خدیجه هفت فرزند به نام های: قاسم، زینب، امّ کلثوم، رقیه قبل از بعثت و طاهر، عبدالله و فاطمه بعد از بعثت برای حضرت رسول به دنیا آمد؛ و از دیگر همسرش ماریه تنها یک فرزند به نام ابراهیم بعد از بعثت به دنیا آمد.

و در موقع شهادت تنها فرزندی که برایش به یادگار باقی مانده بود، حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها می باشد.

نماز آن حضرت: دو رکعت است، در هر رکعت پس از حمد، همچنین در رکوع و پس از رکوع و در هر سجده و بین دو سجده و بعد از سجده دوم پانزده مرتبه سوره قدر قرائت می گردد، که جمعاً ۲۱۰ مرتبه در هر رکعت باید خوانده شود بعد از سلام نماز تسبیح حضرت زهراء سلام الله علیها خوانده شود و حوائج مشروعه خود را از خداوند متعال درخواست نماید.

(تاریخ ولادت و شهادت و دیگر حالات حضرت رسول صلی الله علیه و آله، برگرفته شده است از: اصول کافی: ج ۱، بحار الانوار: ج ۱۵، ۲۲، اعیان الشیعة: ج ۱، تهذیب الاحکام: ج ۶، کشف الغمّة: ج ۱، ینایع المودّة، مناقب ابن شهر آشوب: ج ۱، تذکرة الخوّا ص، الفصول المهمّة، مجموعه نفیسه، اعلام الوری طبرسی: ج ۱، تاریخ اهل البیت، الهدایة الکبری، جمال اسبوع، اثبات الوصیة مسعودی و ...).

احادیث پیامبر گرامی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : أَنَا أَدِيبُ اللّٰهِ وَ عَلِیٌّ أَدِیْبِی، أَمَرَنی رَبِّی بِالسَّخَاءِ وَ الْبِرِّ وَ نَهَانی عَنِ الْبُخْلِ وَ الْجَفَاءِ وَ مَا شِئْتُ أَبْغِضُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْبُخْلِ وَ سُوءِ الْخُلُقِ، وَ إِنَّهُ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ؛ من ادب آموخته خدا هستم و علی، ادب آموخته من است. پروردگارم مرا به سخاوت و نیکی کردن فرمان داد و از بخل و سختگیری بازم داشت. در نزد خداوند عزوجل چیزی منفورتر از بخل و بد اخلاقی نیست. بد اخلاقی، عمل را ضایع می کند، آن سان که سرکه عسل را. (مکارم الاخلاق، ص ۱۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مُحَاسِنِهَا . من برای (احیای) مکارم و نیکی های اخلاقی مبعوث شدم. (الأمالی (طوسی) ص ۵۹۶)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : أَدَّبَنی رَبِّی بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. پروردگارم مرا به فضایل اخلاقی ادب آموخته است. (ارشاد القلوب الی الصواب (دیلمی) ج ۱، ص ۱۶۰)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللّٰهِ وَ خَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا؛ بهترین سخن، کتاب خدا و بهترین روش، روش پیامبر صلی الله علیه و آلله و بدترین امور بدعت هاست (پدیده های مخالف دین). (امالی (طوسی) ص ۳۳۷ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص ۱۲۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى : إِذَا هَمَّ عَبْدِي بِحَسَنَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبْتُهَا لَهُ حَسَنَةً فَإِنْ عَمِلَهَا كَتَبْتُهَا لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ وَ إِذَا هَمَّ بِسَيِّئَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ أَكْتُبْهَا عَلَيْهِ فَإِنْ عَمِلَهَا كَتَبْتُهَا عَلَيْهِ سَيِّئَةً وَاحِدَةً؛ خدای والا می فرماید: وقتی بنده من کار نیکی اراده کند و نکند آن را یک کار نیک برای وی ثبت کنم و اگر بکند ده کار نیک تا هفتصد برابر ثبت کنم و وقتی کار بدی اراده کند و نکند بر عهده او ثبت نکنم و اگر بکند یک کار بد بر عهده او ثبت کنم. (نهج الفصاحه، ص ۵۹۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ وَ إِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ وَقَالَ «إِنِّي مُسْلِمٌ» مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذِبَ وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَ إِذَا ائْتَمِنَ خَانَ؛ سه چیز است که در هر کس باشد منافق است اگر چه روزه دارد و نماز بخواند و حج و عمره کند و بگوید من مسلمانم، کسی که هنگام سخن گفتن دروغ بگوید و وقتی که وعده دهد تخلف نماید و چون امانت بگیرد، خیانت نماید. (نهج الفصاحه، ص ۴۲۲، ج ۱۲۸۰)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبِيتَ خَرِبٌ فَتَعَلَّمُوا وَ عَلَّمُوا وَ تَفَقَّهُوا وَ لَا تَمُوتُوا جُهْلًا فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يَعْزُرُ عَلَى الْجَهْلِ؛ دلی که در آن حکمتی نیست، مانند خانه ویران

است، پس بیاموزید و آموزش دهید، بفهمید و نادان نمیرید. براستی که خداوند، بهانه‌ای را برای نادانی نمی‌پذیرد. (نهج الفصاحه، ص ۶۰۰)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَجْلِسٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَتَذَكَّرُونَ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ غَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَ حَفَّتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ وَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ؛ هیچ جلسه قرآنی برای تلاوت و درس در مجلسی از مساجد خدا برقرار نشد، مگر این که آرامش بر آنان نازل شد و رحمت دربرشان گرفت و فرشتگان در اطراف آنان حلقه زدند و خداوند در میان کسانی که در نزدش هستند، از آنان یاد کرد. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۳۷۸۸، ج ۳، ص ۳۶۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَ خَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا؛ بهترین سخن، کتاب خدا و بهترین روش، روش پیامبر صلی لله علیه و آله و بدترین امور بدعت‌هاست (پدیده‌های مخالف دین). (امالی (طوسی) ص ۳۳۷ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص ۱۲۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْمَرَاءِ أَحْسَنُ، وَ السَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْغِنَاءِ أَحْسَنُ، أَلْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، أَلْصَبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، أَلْتَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشُّبَابِ أَحْسَنُ، أَلْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ؛ عدالت نیکو است اما از دولتمردان نیکوتر، سخاوت نیکو است اما از ثروتمندان نیکوتر؛ تقوا نیکو است اما از علما نیکوتر؛ صبر نیکو است اما از فقرا نیکوتر، توبه نیکو است اما از جوانان نیکوتر و حیا نیکو است اما از زنان نیکوتر. (نهج الفصاحه، ص ۵۷۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فِي الْإِنْسَانِ مُضْغَةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَ صَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ، فَإِذَا سَقَمَتْ سَقِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَ فَسَدَ، وَ هِيَ الْقَلْبُ؛ در انسان پاره گوشتی است که اگر آن سالم و درست باشد، دیگر اعضای بدنش هم با آن سالم می‌شوند و هرگاه آن بیمار شود، دیگر اعضای بدنش بیمار و فاسد می‌گردند. آن پاره گوشت، قلب است. (خصال ج ۱، ص ۳۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَأَصْلَحَهَا وَ عَرَفَ سُرْعَةَ رَحِيلِهِ فَتَزَوَّدَ لَهَا؛ بدانید که عاقل‌ترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد و از او پیروی کند، دشمنان خدا را بشناسد و از آنان نافرمانی کند، جایگاه ابدی خود را بشناسد و آن را آباد کند و بداند به زودی به آنجا سفر خواهد کرد و برای آن، توشه بردارد. (اعلام الدین، ص ۳۳۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ، لَا مَالٌ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ؛ هیچ تهیدستی سخت‌تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست. (تحف العقول، ص ۶)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا إِنْ شَرَّ الشَّرِّ شَرَّاءُ الْعُلَمَاءِ وَ إِنْ خَيْرَ الْخَيْرِ خَيْرُ الْعُلَمَاءِ؛ بدانید که بدترین بدها، علمای بدند و بهترین خوبان علمای خوبند. (منية المريد، ص ۱۳۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ؛ داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید. (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فرزندان خود را به کسب سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان و دوستی خاندانش و قرائت قرآن. (قاموس قرآن، المقدمة، ص ۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَّهُ إِذَا قَالَ الْمُعَلِّمُ لِلصَّبِيِّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَقَالَ الصَّبِيُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَ بَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ وَ بَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ؛ وقتی معلم به کودک بگوید: بگو بسم الله الرحمن الرحيم و کودک آن را تکرار کند خداوند برای کودک و پدر و مادرش و معلم، برائت از آتش در نظر خواهد گرفت. (بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۸۹، ص ۲۵۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ؛ خیر دنیا و آخرت با دانش است و شر دنیا و آخرت با نادانی. (بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۷۰)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ؛ طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. خداوند جویندگان دانش را دوست دارد. (مصباح الشریعه، ص ۱۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَبَّهٍ كَمْ بِي؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَحَسَّنْكُمْ خُلُقًا وَ أَيْتَنَكُمْ كَنَفًا وَ أَبْرَزَكُمْ بَقَرَاتِيهِ وَ أَشَدَّكُمْ حُبًّا لِإِخْوَانِهِ فِي دِينِهِ وَ أَصَبَرَكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَ أَكْثَمَكُمْ لِلْغِيظِ وَ أَحَسَّنَكُمْ عَفْوَا وَ أَشَدَّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبِ؛ آیا شما را از شبیه ترینتان به خودم با خبر نسازم؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمودند: هر کس خوش اخلاق تر، نرم خوتر، به خویشانش نیکوکارتر، نسبت به برادران دینی اش دوست دارتر، بر حق شکیباتر، خشم را فروخورنده تر و با گذشت تر و در خرسندی و خشم با انصاف تر باشد. (کافی (ط - الاسلامیه) ج ۲، ص ۲۴۰ و ۲۴۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَبْعَدِكُمْ مِنْ شَبَّهٍ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَلْفَاحِشُ الْمُتَفَحِّشِ الْبَذِيءِ، الْبَخِيلُ، الْمُخْتَالُ، الْحَقُودُ، الْحَسُودُ، الْقَاسِي الْقَلْبُ، الْبَعِيدُ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ يُرْجَى، غَيْرُ الْمَأْمُونِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ يُتَّقَى؛ آیا شما را از کم شباهت ترینتان به خودم آگاه نسازم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا! فرمودند: زشتگوی بی آبروی بی شرم، بخیل، متکبر، کینه توز، حسود، سنگدل، کسی که هیچ امیدی به خیرش و امانی از شرش نیست. (کافی (ط - الاسلامیه) ج ۲، ص ۲۹۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي؛ بهترین شما کسی است که برای زنان خود بهتر باشد و من بهترین شما برای زن خود هستم. (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۴۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَرَنِي رَبِّي بِسَبْعِ خِصَالٍ: حُبِّ الْمَسَاكِينِ وَالدُّنُوِّ مِنْهُمْ وَ أَنْ أَكْثَرَ مِنْ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» وَأَنْ أَصِلَ بِرَجْمِي وَأَنْ أَقْطَعَ عَنِّي وَأَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنِّي وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي وَأَنْ لَا يَأْخُذَنِي فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَأَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا وَأَنْ لَا أَسْأَلَ أَحَدًا شَيْئًا؛ پروردگارم مرا به هفت خصلت امر نموده است: دوست داشتن بینوایان و نزدیک شدن به آنها، ذکر لا حول و لا قوة الا بالله را بسیار گفتن، با خویشاوندان رابطه برقرار کردن؛ هر چند آنان قطع رابطه کنند، [و در مسائل مادی]، به پایین تر از خود نگاه کنم نه به بالاتر، در راه خدا سرزنش ملامتگران را به خود نگیرم، حق را بگویم اگر چه تلخ باشد و از کسی چیزی نخواهم. (الاصول الستة عشر - ط - دار الشبستری) ص ۷۵

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْ صَانِي رَبِّي بِتِسْعٍ: أَوْ صَانِي بِالْإِخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَالْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي، وَأَعْطِيَ مَنْ حَرَمَنِي، وَأَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي، وَأَنْ يَكُونَ صُمَّتِي فِكْرًا، وَمَنْطِقِي ذِكْرًا، وَنَظْرِي عِبْرًا. پروردگار متعال، مرا به نه چیز سفارش نمود: اخلاص در آشکار و پنهان، دادگری در خوشنودی و خشم، میانه روی در نیاز و توانمندی، بخشیدن کسی که در حق من ستم روا داشته است، کمک به کسی که مرا محروم گردانده، دیدار خویشاوندانی که با من قطع رابطه نموده اند، و این که خاموشیم اندیشه و سختم، یادآوری خداوند؛ و نگاهم عبرت و پند باشد. (اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۰۰، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۹، ضمن ح ۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْ صَانِي رَبِّي بِسَبْعٍ: أَوْ صَانِي بِالْإِخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي وَأَعْطِيَ مَنْ حَرَمَنِي وَأَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي وَأَنْ يَكُونَ صُمَّتِي فِكْرًا وَنَظْرِي عِبْرًا؛ پروردگارم هفت چیز را به من سفارش فرمود: اخلاص در نهان و آشکار، گذشت از کسی که به من ظلم نموده، بخشش به کسی که مرا محروم کرده، رابطه با کسی که با من قطع رابطه کرده، و سکوتم همراه با تفکر و نگاهم برای عبرت باشد. (بحار الانوار (ط - بیروت) ج ۷۴، ص ۱۷۰ - کنز الفوائد ج ۲، ص ۱۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ خِصَالَ الْإِيمَانِ: الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ وَإِنْ غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ مِنَ الْحَقِّ وَلَوْ قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ؛ سه ویژگی است که در هر کس یافت شود، ویژگی های ایمان کامل می گردد: آن که وقتی خشنود گردد، خشنودی اش او را به باطل نکشاند و خشمش او را به هنگام خشم، از حق برون نبرد و هر گاه توان یافت، به آنچه از او نیست، دست درازی نکند. (الاصول الستة عشر - ط - دارالحدیث) ص ۱۷۳

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَقْرَبُكُمْ غَدَاً مِنِّي فِي الْمُؤَقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَأَدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَأَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَأَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَأَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ؛ نزدیک ترین شما به من در قیامت: راستگوترین،

امانتدارترین، وفادارترین به عهد و پیمان، خوش اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است. (امالی طوسی) ص ۲۲۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فُسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ؛ أَيَا شِمَا رَا بِهَ چِيزِی بَا فَضِیلَتِ تَرِ از نِمَاز و رُوزِه و صَدَقَه (زکات) آگاه نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است، زیرا تیره شدن رابطه میان مردم ریشه کن کننده دین است. (نهج الفصاحه، ص ۲۴۰، ح ۴۵۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا فَقَهَّهَهُمْ فِي الدِّينِ وَوَقَّرَ صَغِيرَهُمْ كَبِيرَهُمْ وَرَزَقَهُمُ الرِّفْقَ فِي مَعِيشَتِهِمْ وَالْقَصْدَ فِي نَفَقَاتِهِمْ وَبَصَّرَهُمْ عُيُوبَهُمْ فَيَتَوَبُّوا مِنْهَا؛ هِرگاه خداوند برای خانواده ای خیر بخواهد آنان را در دین دانا می کند، کوچک ترها بزرگ ترهایشان را احترام می نمایند، مدارا در زندگی و میانه روی در خرج روزیشان می نماید و به عیویشان آگاهشان می سازد تا آنها را برطرف کنند. (نهج الفصاحه، ص ۱۸۱، ح ۱۴۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ وَسَرَتْهُ حَسَنَتُهُ فَهُوَ الْمُؤْمِنُ؛ هِر کس از بدی اش ناراحت و از خوبی اش خوشحال شود، پس او مؤمن است. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنِيَّةُ الْمُنَافِقِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ؛ نِيَّتِ مؤمن بهتر از عمل او و نیت منافق بدتر از عمل اوست. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص ۹۱) اَيْضًا: نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَكُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ؛ نیت مؤمن بهتر از عمل او، و نیت کافر بدتر از عمل اوست و هر کس مطابق نیت خود عمل می کند. (کافی (ط-الاسلاميه)، ج ۲، ص ۸۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَبِلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبَوَيْنِ فَيُكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يُضَيُّهُمَا مِنْ نُورِهِمَا وَجُوهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ هِر کس فرزندش را ببوسد، خداوند عزوجل برای او ثواب می نویسد و هر کسی که او را شاد کند، خداوند روز قیامت او را شاد خواهد کرد و هر کس قرآن به او بیاموزد، پدر و مادرش دعوت می شوند و دو لباس بر آنان پوشیده می شود که از نور آنها، چهره های بهشتیان نورانی می گردد. (کافی (ط-الاسلاميه)، ج ۶، ص ۴۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لَأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيُّ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ خانه ای که در آن قرآن فراوان خوانده شود، خیر آن بسیار گردد و به اهل آن وسعت داده شود و برای آسمانیان بدرخشد چنان که ستارگان آسمان برای زمینیان می درخشند. (کافی (ط-الاسلاميه)، ج ۲، ص ۶۱۰)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خِيَارَكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ قُرْآنَ وَ عِلْمَهُ . بِهَيْتَرِينَ شِمَا كَسَيْسَتْ كِه قُرْآنَ رَا بِيَامُوزِد وَ آمُوزَش دِهْد . (نَهْجُ الْفَصَاحَةِ ص ۴۷۳ ، ح ۱۵۲۴ - وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ ج ۶ ، ص ۱۶۷ ، ح ۷۶۴۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا بُنَيَّ لَا تَغْفُلَ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ - إِذَا أَصْبَحْتَ ، وَ إِذَا أَمْسَيْتَ - فَإِنَّ الْقُرْآنَ يُحْيِي الْقَلْبَ الْمَيِّتَ وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ ؛ فَرَزَنْدَم اَز خُوانْدَن قُرْآنِ غَافِل مَبَاشْ ، زِيَرَا كِه قُرْآنِ دَل مَرْدِه رَا زَنْدِه مِي كَنْد وَا ز فَحْشَاءِ وَ زَشْتِي بَا ز مِي دَارْد . (الْبَرْهَانُ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ج ۱ ، ص ۱۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ الظَّلَّ يَوْمَ الْخُرُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَأَدْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ ؛ اِگَر زَنْدَگِي سَعَادَتْمَنْدَانْ ، مَرْگ شَهِيدَانْ ، نَجَاتِ رُوزِ حَسْرَتِ (قِيَامَتِ) ، سَايِه رُوزِ سُوزَانِ وَ هِدَايَتِ دَر رُوزِ گَمْرَاهِي رَا مِي خُواهِيدْ ، قُرْآنِ رَا يَادِ بَگِيرِيْد كِه آن سَخَنِ خُدايِ مَهْرَبَانِ اسْتِ وَ سِپَرِي اسْتِ دَر مَقَابِلِ شَيْطَانِ وَ سَنَگِينِي دَر تَرَا زُويِ اَعْمَالِ . (الْحَيَاهُ (تَرْجَمَةُ يَ اَحْمَدِ اَرَامِ) ج ۲ ، ص ۲۳۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَ أَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ أَحْسَنُ الْقَصَصِ كِتَابُ اللَّهِ ؛ رَاسْتِ تَرِينِ سَخَنِ ، رَسَاتَرِينِ پَنْدِ وَ زِيَبَاتَرِينِ حِكَايَتِ ، كِتَابِ خُدا (قُرْآنِ) اسْتِ . (مَنْ لَا يَحْضُرُ الْفَقِيهَ ج ۴ ، ص ۴۰۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءً وَجْهِ اللَّهِ وَ تَقَفُّهُ فِي الدِّينِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ جَمِيعِ مَا أُعْطِيَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْمُرْسَلُونَ ؛ هَر كَسِ بَرَايِ كَسْبِ رِضَايَتِ خُدا وَ آگَاهِي دَر دِينِ قُرْآنِ بِيَامُوزِدْ ، ثُوابِي مَانَنْدِ هَمِه اَنْجِه كِه بِه فَرَشْتِگَانِ وَ پِيَا مَبْرَانِ وَ رَسُولَانِ دَا دِه شُدِه ، بَرَايِ اُوسْتِ . (وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ ، ج ۶ ، ص ۱۸۴ ، ح ۷۶۸۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْجَزْرِ مِثْلُ أَجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئًا وَ مَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا ؛ هَر كَسِي ، بِه هِدَايَتِي رَا هَنْمَائِي كَنْد ، پَا دَاشِي رَا كِه بَرَايِ پِيروَانِ هِدَايَتِ وَ جُودِ دَارْد ، بَرَايِ او نِيْزِ خُواهد بُوْد ؛ بِي اَن كِه اَز پَا دَاشِ پِيروَانِ كَاسْتِه شُود ، وَ هَر كَسِ بِه گَمْرَاهِي رَا هَنْمَائِي كَنْد گَنَاهِي كِه بَرَايِ پِيروَانِ اَن وَ جُودِ دَارْد ، بَرَايِ او نِيْزِ خُواهد بُوْد ؛ بِي اَن كِه اَز گَنَاهِ اَنها كَاسْتِه شُود . (نَهْجُ الْفَصَاحَةِ ، ص ۷۵۳ ، ح ۲۹۳۰)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ مِائَةَ رَحْمَةٍ كُلُّ رَحْمَةٍ طِبَاقٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَجَعَلَ مِنْهَا فِي الْأَرْضِ رَحْمَةً فِيهَا تَعْطِفُ الْوَالِدَةُ عَلَى وَلَدِهَا وَ الْوَحْشُ عَلَى الطَّيْرِ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَ أُخْرَ تَسْعَا وَ تَسْعَيْنَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَكْمَلَهَا بِهَذِهِ الرَّحْمَةِ ؛ خُدا وَ نْدِ رُوزِي كِه آسْمَانْها وَ زَمِينِ رَا آفَرِيْد ، صَد رَحْمَتِ بِيَا فَرِيْد كِه هَر يَكِ اَز اَنها مِيانِ زَمِينِ وَ آسْمَانِ رَا پَر مِي كَنْد وَ يَكِي رَا دَر زَمِينِ قَرَارِ دَا د كِه بُوْسِيْلِه اَن مَادِرِ بِه فَرَزَنْدِ مَحَبْتِ مِي كَنْد وَ حَيَواناتِ وَ حَشِي وَ پَرَنْدَگَانِ بِه يَكْدِيْگَر مَأْ نُوْسَنْد وَ نُوْد وَ نِه رَحْمَتِ رَا نَگِه دَاشْتِه وَ هَمِيْنِ كِه رُوزِ قِيَامَتِ شُود اَيْنِ يَكِ رَحْمَتِ رَا نِيْزِ بَرِ اَن مِي اَفَزَايِد . (نَهْجُ الْفَصَاحَةِ ، ص ۳۱۳ ، ح ۷۸۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ كُلَّ مُؤْنَةٍ وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا؛ هر کس از غیر خدا ببرد، خداوند، هزینه زندگی او را تأمین می کند و از جایی که انتظار ندارد، روزی اش می دهد؛ اما هر کس چشم امیدش به دنیا باشد، خداوند، او را به دنیا وا می گذارد. (نهج الفصاحه، ص ۷۳۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَنْتَظِرُوا إِلَى صَغِيرِ الذَّنْبِ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى مَا اجْتَرَأْتُمْ؛ به کوچکی گناه نگاه نکنید بلکه به چیزی [نافرمانی خدا] که بر آن جرات یافته اید بنگرید. {باب جهاد النفس ووسائل الشیعه} (ترجمه ی افراسیابی ، ص ۱۸۳ ، ج ۴۰۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرَ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا؛ اگر خداوند بوسیله تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر است از دنیا و هر آنچه در آن است. (الحیاء (ترجمه ی احمد آرام)، ج ۱، ص ۶۹۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ وَ هِيَ مِنْهَا جُ النَّبِيَاءِ وَ لِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدًى وَ إِيْمَانٌ وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ؛ نماز، از آیین های دین است و رضای پروردگار، در آن است. و آن راه پیامبران است. برای نمازگزار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی است. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ، ج ۳ ، ص ۷۷ - خصال ، ج ۲ ، ص ۵۲۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلِيٌّ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَالُ يَعْسُوبُ الْمُنَافِقِينَ؛ علی پیشوای مؤمنان و ثروت پیشوای منافقان است. (الأمالی (طوسی) ، ص ۳۵۵) ایضاً : امام علی علیه السلام : إِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ عَدُوٌّ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ يَعْسُوبُ الْمُنَافِقِينَ؛ ثروت فراوان، دشمن مؤمنان و پیشوای منافقان است. (التمحيص، ص ۴۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الطَّيْرَةُ شِرْكٌ وَ مَا مِنْهَا إِلَّا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُدْهِبُهُ بِالتَّوَكُّلِ؛ فال بد زدن شرك است و هیچ کس از ما نیست مگر این که به نحوی دستخوش فال بد زدن می شود، اما خداوند با توکل به او آن را از بین می برد. (مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ج ۱۱، ص ۳۹۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: فَظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ وَ ظُلْمٌ لَا يَتْرُكُهُ، فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرْكُ قَالَ اللَّهُ : «إِنَّ الشَّرْكَ لظُلْمٌ عَظِيمٌ» وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسُهُمْ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَبِّهِمْ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛ ظلم سه قسم است: ظلمی که خدا نمی آمرزد، ظلمی که می آمرزد و ظلمی که از آن نمی گذرد، اما ظلمی که خدا نمی آمرزد شرك است. خداوند می فرماید: «حقا که شرك ظلمی بزرگ است» و اما ظلمی که خدا می آمرزد، ظلم بندگان به خودشان میان خود و پروردگارشان است اما ظلمی که خدا از آن نمی گذرد ظلم بندگان به یکدیگر است. (نهج الفصاحه، ص ۵۶۱ ، ج ۱۹۲۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَدْنَى الْكُفْرِ أَنْ يَسْمَعَ الرَّجُلُ مِنْ أَخِيهِ الْكَلِمَةَ فَيَحْفَظُهَا عَلَيْهِ يُرِيدُ أَنْ يَفْضَحَهُ بِهَا. كَمْتَرِينَ كَفَرِ ابْنِ اسْتِ كِه اَنَسَان اَز بَرادَرش سَخَنِ بَشَنود و آن را نَگِه دارد تا او را با آن سَخَن رسوا كَند. (وسائل الشيعه، ج ۱۷، ص ۲۱۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مِعَاءٍ وَاحِدَةٍ وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أُمْعَاءٍ؛ مُؤْمِنٌ كَم خوراك است و منافق پرخور. (وسائل الشيعه، ج ۲۴، ص ۲۴۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ هِمَّتُهُ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْعِبَادَةِ وَالْمُنَافِقُ هِمَّتُهُ فِي الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ كَالْبَهِيمَةِ؛ هِمَّتُ مُؤْمِنٍ دَر نماز و روزه و عبادت است و هِمَّتُ منافق در خوردن و نوشیدن؛ مانند حیوانات. (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر (معروف به مجموعه ورام)، ج ۱، ص ۹۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِئُهَا الرِّيحُ كَذَا وَ كَذَا وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِئُهُ الْأَوْجَاعُ وَالْأَمْرَاضُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قُصْفًا؛ مَثَلُ مُؤْمِنٍ مانند ساقه کاشته است که بادها آن را به این سو و آن سو خم می کند هم چنین مؤمن را دردها و بیماریها خم می کند و مثل منافق مانند عصای آهنی است که چیزی به او نمی رسد تا اینکه مرگ او فرا رسد و او را سخت می شکند. (الكافي (ط-الاسلاميه)، ج ۲، ص ۲۵۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ وَرَاءَ قَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِشَيْءٍ يُدَبِّرُهُ قَلْبُهُ ثُمَّ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ وَ إِنَّ لِسَانَ الْمُنَافِقِ أَمَامَ قَلْبِهِ فَإِذَا هَمَّ بِشَيْءٍ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَتَدَبَّرْهُ قَلْبُهُ؛ زَبَانِ مُؤْمِنٍ دَر پس دل اوست، هرگاه بخواهد سخن بگوید درباره آن می اندیشد و سپس آن را می گوید اما زبانش منافق جلوی دل اوست هرگاه قصد سخن کند آن را به زبانش می آورد و درباره آن نمی اندیشد. (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر (معروف به مجموعه ورام)، ج ۱، ص ۱۰۶)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانٍ وَجَارُهُ طَاوِيَا، مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ كَاسِيَا وَجَارُهُ عَارِيَا؛ به من ایمان نیاورده است آن کس که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد. به من ایمان نیاورده است آن کس که شب پوشیده بخوابد و همسایه اش برهنه باشد. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۴۲۹، ح ۹۸۹۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤْمِنُ دَعَبٌ لَعِبٌ وَ الْمُنَافِقُ قَطْبٌ غَضِبٌ؛ مُؤْمِنٌ شوخ و شنگ است و منافق اخمو و عصبانی. (تحف العقول، ص ۴۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَ لَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ؛ به خدایی که جانم در اختیار اوست، وارد بهشت نمی شوید مگر مؤمن شوید و مؤمن نمی شوید، مگر این که یکدیگر را دوست

بدارید. آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که با انجام آن، یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن بین یکدیگر را رواج دهید. (مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۲۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ يَرَى مَا لَهُ مِنْ خَيْرٍ وَشَرٍّ. هِرْكَاهُ يَكُونُ مِنْ شَمَائِلِهَا، قِيَامَتُهُ بِرِجْلِهَا يَكُونُ مِنْ خَيْرٍ وَشَرٍّ. (ترجمه ی سلگی) ج ۱، ص ۶۴

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوَّلُ مَا يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسْنُ خُلُقِهِ؛ نَخَسْتَيْنِ شَيْءٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رِجْلُ الْوَسْطَى وَرِجْلُ الْوَسْطَى. (ترجمه ی سلگی) ج ۱، ص ۶۴

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي. رُوزِ غَدِيرِخَمِ بَرْتَرینِ عیدِ اُمّتِ من است. (امالی (صدوق) ص ۱۲۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ أَحِبَّ حَسَنًا وَحُسَيْنًا وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُمَا. بار خدایا! حسن و حسین را دوست بدار و دوستداران آن دو را نیز دوست بدار. (مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب) ج ۳، ص ۳۸۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مِنْكُمْ كَمَثَلِ كَلْبٍ نَجَسٍ مَنْ لَمَسَهُ لَمَسَ نَجَسًا. (امالی (طوسی) ص ۳۴۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ بَعْدَ وَقْتِهَا؛ كَسَى كَسِيًّا نَمَازَ رَا از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید. (محاسن ج ۱، ص ۸۰ - وسائل الشیعه ج ۴، ص ۱۱۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ اسْتِخَارَةُ اللَّهِ وَرِضَاهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ وَ مِنْ شِقْوَةِ ابْنِ آدَمَ تَرْكُهُ اسْتِخَارَةَ اللَّهِ وَ سَخَطُهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ؛ از خوشبختی انسان درخواست خیر از خداوند و خشنودی به خواست اوست و از بدبختی انسان است که از خدا درخواست خیر نکند و به خواست او ناخشنود باشد. (تحف العقول ص ۵۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ، فَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَ الْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ: الْجَارُ السُّوءُ وَ الْمَرْأَةُ السُّوءُ وَ الْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَ الْمَرْكَبُ السُّوءُ؛ چهار چیز از خوشبختی و چهار چیز از بدبختی است: چهار چیز خوشبختی: همسر خوب، خانه بزرگ، همسایه خوب و سواری نیکو است و چهار چیز بدبختی: همسایه بد، همسر بد، خانه کوچک و سواری بد است. (مکارم الأخلاق ص ۱۲۶)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا اسْتُحِقَّتْ وَلَايَةُ اللَّهِ وَالسَّعَادَةُ جَاءَ الْأَجَلَ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ وَ ذَهَبَ الْأَمَلُ وَرَاءَ الظَّهْرِ وَ إِذَا اسْتُحِقَّتْ وَلَايَةُ الشَّيْطَانِ وَالشَّقَاوَةُ جَاءَ الْأَمَلُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ وَ ذَهَبَ الْأَجَلَ وَرَاءَ الظَّهْرِ؛ هرگاه کسی مستحق دوستی خداوند و خوشبختی باشد، مرگ در برابر چشمان او می آید و آرزو پشت سرش می رود و هرگاه مستحق دوستی شیطان و بدبختی باشد، آرزو پیش چشم او، و مرگ پشت سرش قرار می گیرد. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۳، ص ۲۵۸، ح ۲۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهِمُهُ بِهِ السُّعْدَاءُ وَ يُحَرِّمُهُ الْأَشْقِيَاءُ؛ دانش پیشوای عمل و عمل پیرو آن است. به خوشبختان دانش الهام می شود و بدبختان از آن محرومند. (امالی (طوسی) ص ۴۸۸، ح ۳۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ مَنْزِلُ بُلْعَةٍ وَ عَنَاءٍ قَدْ نَزَعَتْ عَنْهَا نُفُوسُ السُّعْدَاءِ وَ انْتَزَعَتْ بِالْكَرهِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ فَاسْعُدُ النَّاسَ بِهَا أَرْغَبُهُمْ عَنْهَا وَ أَشْقَاهُمْ بِهَا أَرْغَبُهُمْ فِيهَا؛ دنیا سرای بلا و گرفتاری و محل گذران زندگی و زحمت است خوشبختان از آن دل کنده اند و از دست بدبختان به زور گرفته می شود پس خوشبخت ترین مردم، بی میل ترین آنان به دنیا و بدبخت ترین مردم، مایل ترین آنان به دنیاست. (اعلام الدین فی صفات المومنین ص ۳۴۲ - بحار الانوار (ط- بیروت) ج ۷۴، ص ۱۸۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ ضَمِنَ وَصِيَّةَ الْمَيِّتِ مِنْ أَمْرِ الْحَجِّ فَلَا يَعْجُزَنَّ فِيهَا فَإِنَّ عُقُوبَتَهَا شَدِيدَةٌ وَ نَدَامَتَهَا طَوِيلَةٌ، لَا يَعْجُزُ عَنْ وَصِيَّةِ الْمَيِّتِ إِلَّا شَقِيٌّ وَ لَا يَقُومُ بِهَا إِلَّا سَعِيدٌ؛ هر کس وصیت میت را در کار حج بر عهده بگیرد، نباید در آن کوتاهی کند، زیرا عقوبت آن سخت و پشیمانی اش طولانی است. از وصیت میت جز بدبخت کوتاهی نکند و به آن جز خوشبخت عمل ننماید. (جامع الأخبار (شعیری) ص ۱۵۹ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۴، ص ۱۱۶)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلْسَعِيدُ مَنْ اخْتَارَ بَاقِيَةَ يَدُومَ نَعِيمُهَا عَلَى فَانِيَةٍ لَا يَنْفَدُ عَذَابُهَا وَ قَدَّمَ لِمَا يَقْدُمُ عَلَيْهِ مِمَّا هُوَ فِي يَدَيْهِ قَبْلَ أَنْ يُخْلَفَهُ لِمَنْ يَسْعُدُ بِإِنْفَاقِهِ وَ قَدْ شَقِيَ هُوَ بِجَمْعِهِ؛ خوشبخت کسی است که سرای باقی را که نعمتش پایدار است بر سرای فانی که عذابش بی پایان است برگزیند و از آنچه در اختیار دارد برای سرائی که به آنجا می رود پیش فرستد قبل از آن که آنها را برای کسی بگذارد که او با انفاق آن خوشبخت می شود ولی خودش با گردآوری آن (دارایی ها) بدبخت شده است. (اعلام الدین فی صفات المومنین ص ۳۴۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلصَّدَقَةُ عَلَى وَجْهِهَا وَ اصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَ بُرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ تُحَوِّلُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً وَ تَزِيدُ فِي الْعُمَرِ وَ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ؛ صدقه بجا، نیکوکاری، نیکی به پدر و مادر و صله رحم، بدبختی را به خوش بختی تبدیل و عمر را زیاد و از پیشامدهای بد جلوگیری می کند. (نهج الفصاحه ص ۵۴۹، ح ۱۸۶۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ تَزَعَّتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سُلْطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الرِّضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ؛ تا زمانی که مردم، امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند، در خیر و سعادت خواهند بود، اما اگر چنین نکنند، برکت ها از آنان گرفته شود و گروهی بر گروه دیگر سلطه پیدا کنند. نه در زمین یاوری دارند و نه در آسمان.

(مجموعه ورام ج ۲، ص ۱۲۶ - تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالتَّحَلِّيِّ وَ لَا بِالتَّمَنَّى، لَكِنَّ الْإِيمَانَ مَا خَلَصَ فِي الْقَلْبِ وَ صَدَقَهُ الْأَعْمَالُ. ایمان به صرف ادعا و آرزو نیست، بلکه ایمان آن است که خالصانه در جان و دل قرار گیرد و اعمال هم آنرا تایید کند. (تحف العقول ص ۳۷۰)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَدَعَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا. یکس حقیقت ایمان را کامل نمی کند مگر اینکه جدال لفظی را رها کند، هر چند حق با او باشد. (بحار الانوار ج ۲ ص ۱۳۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَ ذَلِكَ أَوْعَى الْإِيمَانِ؛ هر کس از شما منکری ببیند باید با دست و اگر نتوانست با زبان و اگر نتوانست با قلبش آن را تغییر دهد، که پائین ترین درجه ایمان همین (تغییر قلبی) است. (نهج الفصاحه، ص ۷۶۸، ج ۱۰ ص ۳۰۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ بَعْدَ وَقْتِهَا؛ کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید. (محاسن ج ۱، ص ۸۰ - وسایل الشیعه ج ۴، ص ۱۱۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ أَكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ؛ انسان، در روز قیامت، قدم از قدم بر نمی دارد، مگر آن که از چهار چیز پرسیده می شود: از عمرش که چگونه گذرانده است، از جوانی اش که چگونه سپری کرده، از ثروتش که از کجا به دست آورده و چگونه خرج کرده است و از دوستی ما اهل بیت [پیامبر صلی الله علیه و آله]. (امالی (صدوق) ص ۳۹ - خصال ج ۱، ص ۲۵۳، ج ۱۲۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فِي الرِّزْنَا سِتُّ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ، فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَيَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ وَ يُعْجَلُ الْفَنَاءُ وَ يَقْطَعُ الرِّزْقُ وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَسَوْءُ الْحِسَابِ وَ سَخَطُ الرَّحْمَنِ وَ الْخُلُودُ فِي النَّارِ ؛ زنا، شش پیامد دارد: سه در دنیا و سه در آخرت. سه پیامد دنیایی اش این است که: آبرو را می برد، مرگ را شتاب می بخشد و روزی را می برد و سه پیامد آخرتی اش:

سختی حسابرسی، خشم خدای رحمان و ماندگاری در آتش است. (من لا یحضر الفقیه ج ۴، ص ۳۶۷ - خصال ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: طَوْبُ لِمَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَحَسَنَ عَمَلُهُ فَحَسَنَ مُنْقَلَبُهُ إِذْ رَضِيَ عَنْهُ رَبُّهُ وَوَيْلٌ لِمَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَسَاءَ عَمَلُهُ وَسَاءَ مُنْقَلَبُهُ إِذْ سَخِطَ عَلَيْهِ رَبُّهُ؛ خوشا به سعادت کسی که عمرش طولانی و کردارش خوب باشد. چنین کسی عاقبتش خوب است؛ زیرا پروردگارش از او راضی است. و وای بر کسی که عمرش طولانی و کردارش بد باشد. چنین کسی عاقبتش بد است؛ چرا که پروردگارش از او ناراضی است. (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۰، ح ۹۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَلْيَتَزَوَّدِ الْعَبْدُ مِنْ دُنْيَا لآخِرَتِهِ، وَمِنْ حَيَاتِهِ لِمَوْتِهِ وَمِنْ شَبَابِهِ لِهَرَمِهِ، فَإِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ وَأَنْتُمْ خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ؛ انسان باید برای آخرتش از دنیا، برای مرگش از زندگی و برای پیری اش از جوانی، توشه بگیرد، چرا که دنیا برای شما آفریده شده و شما برای آخرت آفریده شده اید. (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر) (معروف به مجموعه ورام) ج ۱، ص ۱۳۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَفِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ وَهِيَ مِنْهَا جُ النَّبِيَاءِ وَ لِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدًى وَ إِيْمَانٌ وَ نَوْرُ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ؛ نماز، از آیین های دین است و رضای پروردگار، در آن است. و آن راه پیامبران است. برای نمازگزار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی است. (خصال، ج ۲، ص ۵۲۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَجْمِلُوا فِي طَلَبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ مَيْسَرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ؛ در طلب دنیا معتدل باشید و حرص ننزید، زیرا به هر کس هر چه قسمت اوست می رسد. (شرح فارسی شهاب الاخبار ص ۳۲۰)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ مَنَزِلٌ بُلْغَةٍ وَ عَنَاءٍ قَدْ نَزَعَتْ عَنْهَا نُفُوسُ السُّعْدَاءِ وَ انْتَزَعَتْ بِالْكَرهِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ فَأَسْعَدَ النَّاسَ بِهَا أَرْغَبُهُمْ عَنْهَا وَ أَشْقَاهُمْ بِهَا أَرْغَبُهُمْ فِيهَا؛ دنیا سرای بلا و گرفتاری و محل گذران زندگی و زحمت است خوشبختان از آن دل کنده اند و از دست بدبختان به زور گرفته می شود پس خوشبخت ترین مردم، بی میل ترین آنان به دنیا و بدبخت ترین مردم، مایل ترین آنان به دنیاست. (اعلام الدین فی صفات المومنین ص ۳۴۲ - بحار الانوار (ط - بیروت) ج ۷۴، ص ۱۸۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّنِي يَعْجَلُهُمَا اللَّهُ فِي الدُّنْيَا الْبَغْيَ وَ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ؛ دو چیز را خداوند در دنیا کیفر می دهد: تعدی و ناسپاسی پدر و مادر. نهج الفصاحه ص ۱۶۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الرُّوحُ وَ الزَّاحَةُ وَ الْفَلَجُ وَ الْفَلَاخُ وَ التَّجَاحُ وَ الْبَرَكَهُ وَ الْعَفْوُ وَ الْعَافِيَةُ وَ الْمُعَافَاةُ وَ الْبُشْرَى وَ النَّصْرَةُ وَ الرِّضَا وَ الْقُرْبُ وَ الْقَرَابَةُ وَ النَّصْرُ وَ الظَّفَرُ وَ التَّمَكِينُ وَ السُّرُورُ وَ الْمَحَبَّةُ مِنْ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى مَنْ أَحَبَّ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْوَالَهُ وَ أَنْتُمْ بِهِ وَ أَقَرَّ بِفَضْلِهِ وَ

تَوَلَّى الْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَ حَقٌّ عَلَيَّ أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي وَ حَقٌّ عَلَى رَبِّي أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ وَ هُمْ أَتْبَاعِي وَ مَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي؛ آسایش و راحتی، کامیابی و رستگاری و پیروزی، برکت و گذشت و تندرستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایتمندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، شادی و محبت، از سوی خدای متعال، بر کسی باد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید، و امامان پس از او را به ولایت بپذیرد. بر من است که آنان را در شفاعتم وارد کنم. بر پروردگار من است که خواسته مرا درباره آنان اجابت کند. آنان پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند، از من است. (بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۲۷، ص ۹۲ {شبهه این حدیث در المحاسن ج ۱، ص ۱۵۲})

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : صَلَاةُ اللَّيْلِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَ حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ سُنَّةُ النَّبِيَاءِ وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ وَ أَصْلُ الْيَمَانِ وَ رَاحَةُ الْبَدَنِ وَ كَرَاهِيَةُ لِلشَّيْطَانِ وَ سِلَاحٌ عَلَى الْعَدَاءِ وَ إِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ وَ قَبُولُ الْعَمَالِ وَ بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ؛ نماز شب، موجب رضایت پروردگار، دوستی فرشتگان، سنت پیامبران، نور معرفت، ریشه ایمان، آسایش بدن ها، مایه ناراحتی شیطان، سلاحی بر ضد دشمنان، مایه اجابت دعا، قبولی اعمال و برکت در روزی است. (ارشاد القلوب الی الصواب (دیلمی)، ج ۱، ص ۱۹۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ صِفَّهُ؛ هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمانش را گرامی دارد. (کافی (ط - الاسلامیه)، ج ۶، ص ۲۸۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : مَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةٍ سِنَّهُ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ : يَا وَيْلَهُ، يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي؛ هر جوانی که در سن کم ازدواج کند، شیطان فریاد بر می آورد که: وای بر من، وای بر من! دو سوم دینش را از دستبرد من، مصون نگه داشت. پس بنده باید برای حفظ يك سوم باقی مانده دینش، تقوای الهی پیشه سازد. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۴، ص ۱۴۹ - نوادر (راوندی) ص ۱۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ؛ غیبت کردن در (نابودی) دین مسلمان مؤثرتر از خوره در درون اوست. (کافی (ط - الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۵۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْمُنَافِقِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ؛ نیت مؤمن بهتر از عمل او و نیت منافق بدتر از عمل اوست. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، ج ۱، ص ۹۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرُدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي وَيَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ؛ کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و آنگاه بمیرد بر دین من نمرده است و با خدا دیدار می کند در حالی که بر او خشمگین است. (جامع الاحادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۱۵۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ نَفَسَ مِنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَنْ سَتَرَ عَلَى مُسْلِمٍ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ هر کس غمی از غم‌های دنیا را از مسلمانی برطرف نماید، خداوند غمی از غم‌های روز قیامت را از او برطرف کند و هر کس بر شخص تنگدستی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان گیرد و هر کس راز مسلمانی را بیوشاند، خداوند در دنیا و آخرت راز پوش وی شود. (نهج الفصاحه ص ۷۲۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : وَ مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً حَقَّ لِیُحْيِيَ بِهَا حَقَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْجُهُ نَوَّرَ مَدَّ الْبَصَرِ تَعْرِفُهُ الْخَلَائِقُ بِاسْمِهِ وَ نَسَبِهِ ؛ کسی که برای زنده کردن حق یک مسلمان، شهادت حق بدهد، روز قیامت در حالی آورده می‌شود که پرتو نور چهره اش، تا چشم کار می‌کند دیده می‌شود و خلائق او را به نام و نسب می‌شناسند. (من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۵۸ - الکافی (ط-الاسلامیه)، ج ۷، ص ۳۸۱)

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... يُسَلِّمُ عَلَى مَنْ اسْتَقْبَلَهُ مِنْ كَبِيرٍ وَ صَغِيرٍ وَ غَنِيٍّ وَ فَقِيرٍ وَ لَا يَحْقُرُ مَا دُعِيَ إِلَيْهِ وَ لَوْ إِلَى خَشْفِ التَّمْرِ وَ كَانَ خَفِيفَ الْمَوْزَنَةِ كَرِيمَ الطَّبِيعَةِ، جَمِيلَ الْمُعَاشَرَةِ، طَلِقَ الْوَجْهِ، بَشَاشًا مِنْ غَيْرِ ضَحِكٍ، مَحْزُونًا مِنْ غَيْرِ عُبُوسٍ، مُتَوَاضِعًا مِنْ غَيْرِ مَذَلَّةٍ، جَوَادًا مِنْ غَيْرِ سَرَفٍ، رَقِيقَ الْقَلْبِ، رَحِيمًا بِكُلِّ مُسْلِمٍ...؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله به هر کس برخورد می‌نمودند، از بزرگ و کوچک، ثروتمند و فقیر، سلام می‌کردند و اگر به جایی حتی برای خوردن خرمایی خشک دعوت می‌شدند، آن را کوچک نمی‌شمردند. زندگیشان کم هزینه بود، بزرگ طبع، خوش معاشرت و گشاده رو بودند، بی آن که بخندند، همیشه متبسم بودند، بی آن که اخمو باشند، محزون بودند، بی آن که از خود ذلتی نشان دهند، متواضع بودند، می‌بخشیدند ولی اسراف نمی‌نمودند، دل نازک و نسبت به تمام مسلمانان مهربان بودند. (ارشاد القلوب الی الصواب (دیلمی) ج ۱، ص ۱۱۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تُضَيِّعُوا صَلَوتَكُمْ، فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَوتَهُ، حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ، وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ. نماز را سبک و ناچیز مشمارید، هر کس نسبت به نمازش بی‌اعتنا باشد و آنرا سبک و ضایع گرداند همنشین قارون و هامان خواهد گشت و حق خداوند است که او را همراه منافقین در آتش داخل نماید. (وسائل الشیعة: ج ۴، ص ۳۰، ح ۴۴۳۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاها حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيَّ مَنْزِلُهُ، عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ مَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ. هر کس قدمی به سوی یکی از مساجد خداوند بردارد، برای هر قدم ثواب ده حسنه می‌باشد تا برگردد به منزل خود، و ده خطا از لغزش‌هایش پاک می‌شود، همچنین در پیشگاه خداوند ده درجه ترفیع می‌یابد. (عقاب الا عمال: ص ۳۴۳، س ۱۴، وسائل الشیعة: ج ۵، ص ۲۰۱، ح ۶۳۲۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ لِاتِّظَارِ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يَحْدُثْ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْحَدُثُ؟ قَالَ: الْغَيْبَةُ. نشستن در مسجد جهت انتظار وقت نماز عبادت است تا موقعی که حدّثی از او صادر نگردد. سؤال شد: یا رسول الله، منظور از حدّث چیست؟ فرمود: غیبت و پشت سر دیگران سخن گفتن. (وسائل الشیعة: ج ۴، ص ۱۱۶، ح ۴۶۶۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ، إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي، فَلَمْ يُتِمِّ رُكُوعَهُ وَلَا سُجُودَهُ، فَقَالَ: نَفَرَكُنْكَ الْغُرَابُ، لَيْتَ مَا تَهَذَا وَهَكَذَا صَلَوَتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَيَّ غَيْرَ دِينِي. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود که شخصی وارد شد و مشغول نماز گشت و رکوع و سجودش را کامل انجام نداد و عجله و شتاب کرد. حضرت فرمود: کار این شخص همانند کلاغی است که منقار بر زمین می زند، اگر با این حالت از دنیا برود بر دین من نمرده است. (وسائل الشیعة: ج ۴، ص ۳۱، ح ۴۴۳۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ، وَ مَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا لَا وَ هُوَ حَزِينٌ، وَ كَيْفَ لَا يَحْزَنُ الْمُؤْمِنُ وَ قَدْ أَعَادَهُ اللَّهُ آئَةً وَارِدَةً جَهَنَّمَ. ای ابوذر، دنیا زندان مؤمن و بهشت کافران است، مؤمن همیشه محزون و غمگین می باشد، چرا چنین نباشد و حال آن که خداوند به او - در مقابل گناهان و خطاهایش - وعده مجازات و دخول جهنم را داده است. . . (امالی طوسی: ج ۲، ص ۱۴۲، بحارالانوار: ج ۷۴، ص ۸۰، ح ۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا، وَ شَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ. بدترین افراد کسی است که آخرت خود را به دنیایش بفروشد و بدتر از او آن کسی خواهد بود که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد. (من لا يحضره الفقيه: ج ۴، ص ۳۵۳، ح ۵۷۶۲ چاپ جامعه مدرسین)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ أَخَافُهُنَّ عَلَيَّ أُمَّتِي: اءِضْلَالُهُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ، وَ مُضِلَّاتُ الْفِتَنِ، وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ. سه چیز است که از آن ها برای امت خود احساس خطر می کنم: ۱ گمراهی، بعد از آن که هدایت و معرفت پیدا کرده باشند. ۲ گمراهی ها و لغزش های به وجود آمده از فتنه ها. ۳ مشتهیات شکم، و آرزوهای نفسانی و شهوت پرستی. (امالی طوسی: ج ۱، ص ۱۵۸، بحارالانوار: ج ۱۰، ص ۳۶۸، ح ۱۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعْجَلُ عُقُوبَتُهَا وَ لَا تُؤَخَّرُ إِلَيَّ الْآخِرَةُ: عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَ الْبَغْيُ عَلَيَّ النَّاسِ، وَ كُفْرُ الْإِحْسَانِ. عقاب و مجازات سه دسته از گناهان زودرس می باشد و به قیامت کشانده نمی شود: ایجاد ناراحتی برای پدر و مادر، ظلم در حق مردم، ناسپاسی در مقابل کارهای نیک دیگران. (امالی طوسی: ج ۱، ص ۱۳، بحارالانوار: ج ۷۰، ص ۳۷۳، ح ۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ، وَإِنَّ أَيْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ. عاجز و ناتوان ترین افراد کسی است که از دعا و مناجات با خداوند ناتوان و محروم باشد، و بخیل ترین اشخاص کسی خواهد بود که از سلام کردن خودداری نماید. (امالی طوسی: ج ۱، ص ۸۷، بحارالانوار: ج ۹۰، ص ۲۹۱، ح ۱۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا تَلَّاقَيْتُمْ فَتَلَّاقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَافُحِ، وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِإِلاَسْتِغْفَارٍ. هنگام بر خورد و ملاقات با یکدیگر سلام و مصافحه نمائید و موقع جدا شدن برای همدیگر طلب آمرزش کنید. (امالی طوسی: ج ۱، ص ۲۱۹، بحارالانوار: ج ۷۳، ص ۴، ح ۱۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بَكْرُوا بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّ الْبُلَاءَ لَا يَنْخَطُّهَا. صبحگاهان حرکت و کار خود را با دادن صدقه شروع نمائید چون که بلاها و آفت ها را بر طرف می گرداند. (امالی طوسی: ج ۱، ص ۱۵۷، بحارالانوار: ج ۹۳، ص ۱۷۷، ح ۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُؤْتِي الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ بِالْعَذَابِ، فَإِذَا أَتَى مِنْ قَبْلِ رَأْسِهِ دَفَعَتْهُ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ، وَإِذَا أَتَى مِنْ قَبْلِ يَدَيْهِ دَفَعَتْهُ الصَّدَقَةُ، وَإِذَا أَتَى مِنْ قَبْلِ رِجْلَيْهِ دَفَعَهُ مَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ. هنگامی که بدن مرده را در قبر قرار دهند، چنانچه عذاب از بالای سر بخواهد وارد شود تلاوت قرآن مانع عذاب می گردد و چنانچه از مقابل وارد شود صدقه و کارهای نیک مانع آن می باشد. و چنانچه از پائین پا بخواهد وارد گردد، رفتن به سوی مسجد مانع آن خواهد گشت . . (مسکن الفؤاد شهید ثانی: ص ۵۰، س ۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَنِي بِهَا، وَإِنَّ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ: أَنْ يَغْفُوَ الرَّجُلُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيُعْطِيَ مَنْ حَرَمَهُ، وَيَصِلَ مَنْ قَطَعَهُ، وَأَنْ يَعُودَ مَنْ لَا يَعُودُ. بر شما باد رعایت مکارم اخلاق، که خداوند مرا بر آن ها مبعوث نمود، و بعضی از آن ها عبارتند از: کسی که بر تو ظلم کند به جهت غرض شخصی او را ببخش، کسی که تو را نسبت به چیزی محروم گرداند کمکش نما، با شخصی که با تو قطع دوستی کند رابطه دوستی داشته باش، شخصی که به دیدار تو نیاید به دیدارش برو. (امالی طوسی: ج ۲، ص ۹۲، بحارالانوار: ج ۶۶، ص ۳۷۵، ح ۲۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وَجَدَ كَسْرَةً أَوْ تَمَرَةً فَأَكَلَهَا لَمْ يُفَارِقْ خَوْفَهُ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ. هر کس تکه ای نان یا دانه ای خرما در جایی ببیند، و آن را بردارد و میل کند، مورد رحمت و مغفرت خداوند قرار می گیرد. (امالی صدوق: ص ۲۴۶، ح ۱۴، بحارالانوار: ج ۶۳، ص ۴۳۰، ح ۱۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ. کسی اظهار تواضع و فروتنی نکرده، مگر آن که خداوند متعال او را رفعت و عزت بخشیده است. (امالی طوسی: ج ۱، ص ۵۶، بحارالانوار: ج ۷۲، ص ۱۲۰، ح ۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا، كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ. هر کس بدهکار ناتوانی را مهلت دهد برای هر روزش ثواب صدقه در راه خدا میباشد . (اعیان الشيعة : ج ۱، ص ۳۰۵، بحارالانوار: ج ۱۰۰، ص ۱۵۱، ح ۱۷)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا مِنْ هُدْهٍ إِلَّا وَفِي جَنَاحِهِ مَكْتُوبٌ بِالسَّرِيَانَةِ ((أَلْ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)). هیچ پرنده ای به نام هدهد وجود ندارد مگر آن که روی بال هایش به لغت سریانی نوشته شده است : آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) بهترین مخلوق روی زمین می باشند. (امالی طوسی : ج ۱، ص ۳۶۰، بحارالانوار: ج ۲۷، ص ۲۶۱، ح ۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ. زمانی بر مردم خواهد آمد که صبر نمودن در برابر مسائل دین و عمل به دستورات آن همانند در دست گرفتن آتش گداخته است . (امالی طوسی : ج ۲، ص ۹۲، بحارالانوار: ج ۲۸، ص ۴۷، ح ۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفِرُّ الْغَنَمُ مِنَ الذِّئْبِ، إِنْ تَلَاهُمْ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْأَوَّلُ: يَرْفَعُ الْبَرَكَةَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَالثَّانِي: سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا، وَالثَّلَاثُ: يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلَا إِيْمَانٍ. زمانی بر امت من خواهد آمد که مردم از علماء گریزان شوند همان طوری که گوسفند از گرگ گریزان است ، خداوند چنین جامعه ای را به سه نوع عذاب مبتلا می گرداند: ۱ برکت و رحمت خود را از اموال ایشان برمی دارد. ۲ حکمفرمایی ظالم و بی مروت را بر آن ها مسلط می گرداند. ۳ هنگام مرگ و جان دادن ، بی ایمان از این دنیا خواهند رفت . (مستدرک الوسائل : ج ۱۱، ص ۳۷۶، ح ۱۳۳۰۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلْعَالِمُ بَيْنَ الْجَهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ، وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى حَيْتَانِ الْبَحْرِ وَهَوَامُّهُ، وَسُبَاعُ الْبَرِّ وَآلِنَعَامُهُ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. دانشمندی که بین گروهی نادان قرار گیرد همانند انسان زنده ای است بین مردگان ، و کسی که در حال تحصیل علم باشد تمام موجودات برایش طلب مغفرت و آمرزش می کنند، پس علم را فرا گیرید چون علم وسیله قرب و نزدیکی شما به خداوند است ، و فراگیری علم، برهرفردمسلمانی فریضه است. (بحارالانوار: ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۲۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ زَارَ عَالِمًا فَكَأَنَّمَا زَارَنِي، وَمَنْ صَافَحَ عَالِمًا فَكَأَنَّمَا صَافَحَنِي، وَمَنْ جَالَسَ عَالِمًا فَكَأَنَّمَا جَالَسَنِي، وَمَنْ جَالَسَنِي فِي الدُّنْيَا أَجْلَسْتُهُ مَعِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هر کس به دیدار و زیارت عالم و دانشمندی برود مثل آن است که مرا زیارت کرده ، هر که با دانشمندی دست دهد و مصافحه کند مثل آن که با من مصافحه نموده ، هر شخصی همنشین دانشمندی گردد مثل آن است که با من مجالست کرده ، و هر که در دنیا با من همنشین شود، در آخرت همنشین من خواهد گشت. (مستدرک الوسائل : ج ۱۷، ص ۳۰۰، ح ۲۱۴۰۶)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَصَابَ مِنْ إِمْرَأَةٍ نَظْرَةً حَرَامًا، مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَيْهِ نَارًا. هرکس نگاه حرامی به زن نامحرمی بیفکند، خداوند چشم های او را پر از آتش می گرداند . (مستدرک الوسائل : ج ۱۴، ص ۲۷۰، ح ۱۶۶۸۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ تَزَوَّجَ إِمْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِجَمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ. هر کس زنی را به جهت ثروتش ازدواج کند خداوند او را به همان واگذار می نماید، و هر که با زنی به جهت زیبایی و جمالش ازدواج کند خوشی نخواهد دید، و کسی که با زنی به جهت دین و ایمانش تزویج نماید خداوند خواسته های او را تاءمین می گرداند. (تهذیب الاحکام : ج ۷، ص ۳۹۹، ح ۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ، صَحَّ بَدَنُهُ، وَ صَفَا قَلْبُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ طَعَامُهُ سَقُمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ. هر که خوراکش کمتر باشد بدنش سالم و قلبش با صفا خواهد بود، و هر کس خوراکش زیاد باشد امراض جسمی بدنش و کدورت ، قلبش را فرا خواهد گرفت . (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام : ص ۵۴۸، بحارالانوار: ج ۵۹، ص ۲۶۸، ح ۵۳)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تُشْبِعُوا، فَيُطْفَأَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ. شکم خود را از خوراک سیر و پر مگردانید، چون که سبب خاموشی نور عرفان و معرفت در افکار و قلب هایتان می گردد. (مستدرک الوسائل : ج ۱۶، ص ۲۱۸، ح ۱۹۶۴۶)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ تَوَلَّى عَمَلًا وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ، فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ. هر که ریاست و مسئولیتی را بپذیرد و بداند که اهلیت آن را ندارد، در قبر و قیامت جایگاه او پر از آتش خواهد شد. (تاریخ الإسلام : ج ۱۰۱۱۲۰، ص ۲۸۵)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لِيُبْعِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ، فَقِيلَ : وَ مَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ : الَّذِي لَا يَنْهِي عَنِ الْمُتَنَكَّرِ. همانا خداوند دشمن دارد آن مؤمنی را که ضعیف و بی دین است ، سؤ ال شد: مؤ من ضعیف و بی دین کیست ؟ پاسخ داد: کسی که نهی از منکر و جلوگیری از کارهای زشت نمی کند. (وسائل الشیعة : ج ۱۶، ص ۱۲۲، ح ۲۱۱۳۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : صَدَقَةُ السَّرِّ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ، كَمَا تُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ أَبَا مِنَ الْبَلَاءِ. صدقه ای که محرمانه و پنهانی داده شود سبب پاکي گناهان می باشد، همان طوری که آب ، آتش را خاموش می کند، همچنین صدقه هفتاد نوع بلا و آفت را بر طرف می نماید. (مستدرک الوسائل : ج ۷، ص ۱۸۴، ح ۷۹۸۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ مَخَافَةَ الدَّاءِ، كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذُّنُوبِ، مَخَافَةَ النَّارِ. تعجب دارم از کسانی که نسبت به خورد و خوراک خود اهمیّت می دهند تا

مبادا مریض شوند ولیکن اهمیتی نسبت به گناهان نمی دهند و باکی از آتش سوزان جهنم ندارند.
(بحارالانوار: ج ۷۰، ص ۳۴۷، ح ۳۴)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُبُّ الْجَاهِ وَالْمَالِ يُثْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ، كَمَا يُثْبِتُ الْمَاءُ الْبَقْلَ. علاقه نسبت به ریاست و ثروت سبب روئیدن نفاق در قلب و درون خواهد شد، همان طوری که آب و باران سبب روئیدن سبزیجات می باشند. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام: ص ۲۶)
قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْلَدُ كِبْدِ الْمُؤْمِنِ، إِنْ مَاتَ قَبْلَهُ صَارَ شَفِيعاً، وَإِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، فَيَغْفِرُ لَهُ. فرزند برای مؤمن همانند جگر و پاره تن اوست، چنانچه پیش از او بمیرد شفیع او می گردد، اگر بعد از او بمیرد برایش استغفار می کند و خداوند گناهانش را می آمرزد. (مستدرک الوسائل: ج ۱۵، ص ۱۱۲، ح ۱۷۶۸۸)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَسَنُوا اخْلَاقَكُمْ، وَاءْطِفُوا جِيرَانَكُمْ، وَاءْكَرُمُوا نِسَاءَكُمْ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. رفتار و اخلاق خود را نیکو سازید، نسبت به همسایگان با ملاحظت و محبت برخورد نمایید، زنان و همسران خود را گرامی دارید تا بدون حساب وارد بهشت گردید. (الشیعة: ج ۱، ص ۳۰۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَرْءُ عَلَي دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ اءَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِطُ. انسان بر روش و اخلاق دوستش پرورش می یابد و شناخته می شود، پس متوجه باشید با چه کسی دوست و همنشین می باشید. (امالی طوسی: ج ۲، ص ۱۳۲، بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۱۹۲، ح ۱۲)
قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّدَقَةُ بِعَشْرِ، وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةِ عَشْرِينَ. پاداش و ثواب دادن صدقه ده برابر درجه، و دادن قرض الحسنة هیجده درجه، و انجام صله رحم بیست و چهار درجه افزایش خواهد داشت. (مستدرک الوسائل: ج ۷، ص ۱۹۴، ح ۸۰۱۰)
قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَمْرُضُ مُؤْمِنٌ وَلَا مُؤْمِنَةٌ إِلَّا لَأَخَطَ اللَّهُ بِهِ خَطَايَاهُ. هیچ مؤمن و مؤمنه ای مریض نمی گردد مگر آن که خطاها و لغزش هایش پاک و بخشوده می شود. (جامع الاحادیث: ج ۳، ص ۸۹، ح ۳۵، مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۶۶، ح ۱۴۲۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وَقَرَ ذَا شَبَبَةٍ فِي الْأَسْلَامِ اءَمَّنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. هر کس بزرگسال مسلمانی را گرامی دارد و احترام نماید، خداوند او را در قیامت از سختی ها و مشکلات در امان می دارد. (کافی: ج ۲، ص ۶۵۸، ح ۳، بحارالانوار: ج ۷، ص ۳۰۲، ح ۵۳)
قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُلُّ عَيْنٍ بِاَكِيَّةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً اءَعْيِنَ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَ عَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ. تمامی چشم ها در روز قیامت گریانند، مگر سه دسته: ۱ آن چشمی که به جهت خوف و ترس از عذاب خداوند گریه کرده باشد. ۲

چشمی که از گناهان و موارد خلاف بسته و نگاه نکرده باشد. ۳ چشمی که شبها در عبادت و بندگی خداوند متعال بیدار بوده باشد. (ثواب الاعمال : ص ۲۱۱، ح ۱، بحارالانوار: ج ۴۶، ص ۱۰۰، ح ۸۸) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْحِيَاءُ، سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ. سرور و سید مردم در دنیا افراد سخاوتمند خواهند بود، و سید و سرور انسان ها در قیامت پرهیزکاران می باشند. (اعیان الشیعة : ج ۱، ص ۳۰۲، بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۳۵۰، ح ۱) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : وَ عَظَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُحَمَّدُ ، اَعْجِبْ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ، وَ اَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ. جبرئیل مرا موعظه و نصحت کرد: با هر کس که خواهی دوست باش ، بالا خره بین تو و او جدائی خواهد افتاد. هر چه خواهی انجام ده ، ولی بدان نتیجه و پاداش آنرا خواهی گرفت . (امالی طوسی : ج ۲، ص ۲۰۳، بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۱۸۸، ح ۵۴) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : اَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ : حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ عَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ؛ فرزندانتان را به سه چیز ادب کنید: عشق به پیامبران، عشق به خاندان او، و قرآن خواندن. (قاموس قرآن ، المقدمه ، ص ۲) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا. کشته شدن حسین علیه السلام چنان داغی در دل مؤمنان است که هرگز سرد نشود. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۰، ص ۳۱۸) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ بَعْدَ وَقْتِهَا؛ کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید. (محاسن ج ۱، ص ۸۰ - وسائل الشیعه ج ۴، ص ۱۱۴) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : خَمْسٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْحَيَاءُ وَ الْجِلْمُ وَ الْحِجَامَةُ وَ السُّوَاكُ وَ التَّعَطُّرُ؛ پنج چیز از سنت پیغمبران است: حیا، بردباری، حجامت کردن، و مسواک و عطر زدن. (نهج الفصاحه ، ص ۴۶۲، ح ۱۴۶۳) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَكْرَمُ أَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ وَ الصَّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ التَّزَاوُرُ فِي اللَّهِ؛ بزرگوارانه ترین اخلاق پیامبران، صدیقین (انسان های راستین) شهدا و صالحین، دیدار یکدیگر برای خداست. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۶، ص ۲۳۹، ح ۱۹۷۲۳ - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۶) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ (رَكِبَهَا) دَخَلَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ مَثَلِ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ، همانند کشتی نوح است که هر کس سوار آن شد، نجات یافت و هر کس رهائش کرد، غرق گردید. (امالی (طوسی) ص ۳۴۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّا أُمِرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا أُمِرْنَا بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ؛ مَا يَمْبِرَانِ، هَمَانُ كَوْنُهُ كَهْ بِرِيَا دَاشْتَنِ وَاجِبَاتِ مَأْمُورِ شُدِهَائِمِ، بِهْ مِدَارَا كِرْدَنِ بَا مَرْدَمِ نِيزِ مَأْمُورِ شُدِهَائِمِ. (کافی (ط - دار الحديث) ج ۳، ص ۳۰۴ - امالی (طوسی) ص ۵۲۱)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ إِنَّمَا فَضَّلَهُمُ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ بِشِدَّةِ مُدَارَاتِهِمْ لِأَعْدَاءِ دِينِ اللَّهِ وَحُسْنِ تَقْيِيَّتِهِمْ لِأَجْلِ إِخْوَانِهِمْ فِي اللَّهِ ؛ خُداوند از این رو پیامبران را بر دیگر مردمان برتری داد که با دشمنان دین خدا بسیار با مدارا رفتار می کردند و برای حفظ برادران همکیش خود نیکو تقیه می کردند. (بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۷۲، ص ۴۰۱، ح ۴۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْزَوْجُ وَ الزَّاحَةُ وَ الْفَلَجُ وَ الْفَلَاخُ وَ النَّجَاحُ وَ الْبَرْكَةُ وَ الْغَفْوُ وَ الْعَافِيَةُ وَ الْمُعَافَاةُ وَ الْبُشْرَى وَ النَّصْرَةُ وَ الرِّضَا وَ الْقُرْبُ وَ الْقَرَابَةُ وَ النَّصْرُ وَ الظَّفَرُ وَ التَّمَكِينُ وَ السُّرُورُ وَ الْمَحَبَّةُ مِنْ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى مَنْ أَحَبَّ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَالَاهُ وَ ائْتَمَّ بِهِ وَ أَقَرَّ بِفَضْلِهِ وَ تَوَلَّى الْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَ حَقٌّ عَلَى أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي وَ حَقٌّ عَلَى رَبِّي أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ وَ هُمْ أَتْبَاعِي وَ مَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي؛ آسایش و راحتی، کامیابی و رستگاری و پیروزی، برکت و گذشت و تندرستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایتمندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، شادی و محبت، از سوی خدای متعال، بر کسی باد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید، و امامان پس از او را به ولایت بپذیرد. بر من است که آنان را در شفاعتم وارد کنم. بر پروردگار من است که خواسته مرا درباره آنان اجابت کند. آنان پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند، از من است. (بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۲۷، ص ۹۲)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حَقٌّ عَلَيَّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ. حَقٌّ عَلَى بَرِّ أُمَّتٍ هَمْچُونِ حَقِّ پَدَرِ اسْتِ بَرِ فَرَزَنْدَش. (امالی (طوسی) ص ۵۴)

واگذاری امر دین به پیامبر صلی الله علیه وآله:

عَلَى بَنِي إِزْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِبَعْضِ أَصْحَابِ قَيْسِ الْمَاصِرِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَ الْأُمَّةِ لِيَسُوْسَ عِبَادَةَ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ مُسَدِّدًا مُوَفِّقًا مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ لَا يَزِلُّ وَ لَا يَخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوْسُ بِهِ الْخُلُقَ فَتَأَدَّبَ بِآدَابِ اللَّهِ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ الصَّلَاةَ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ فَأَصَافَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى الرَّكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ وَ إِلَى الْمَغْرِبِ رَكْعَةً فَصَارَتْ عَدِيلُ الْفَرِيضَةِ لَا يَجُوزُ تَرْكُهَا إِلَّا فِي سَفَرٍ وَ أَفْرَدَ الرُّكْعَةَ فِي الْمَغْرِبِ فَتَرَكَهَا قَائِمَةً فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ فَصَارَتْ الْفَرِيضَةُ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً ثُمَّ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص التَّوَافِلَ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ رَكْعَةً مِثْلَى الْفَرِيضَةِ فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ذَلِكَ وَ الْفَرِيضَةُ وَ النَّافِلَةُ إِحْدَى وَ خَمْسُونَ رَكْعَةً مِنْهَا رَكْعَتَانِ

بَعْدَ الْعَتَمَةِ جَالِسًا تُعَدُّ بِرَكْعَةٍ مَكَانَ الْوُثْرِ وَفَرَضَ اللَّهُ فِي السَّنَةِ صَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَسَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص صَوْمَ شَعْبَانَ وَثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ مِثْلَى الْفَرِيضَةِ فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ وَحَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَمْرَ بِعَيْنِهَا وَحَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُسْكِرَ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ فَأَجَازَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَغَافَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَشْيَاءَ وَكَرِهَهَا وَلَمْ يَنْهَ عَنْهَا نَهْيَ حَرَامٍ إِنَّمَا نَهَى عَنْهَا نَهْيَ إِعَافَةٍ وَكَرَاهَةٍ ثُمَّ رَخَّصَ فِيهَا فَصَارَ الْأَخْذُ بِرُخْصِهِ وَاجِبًا عَلَى الْعِبَادِ كَوُجُوبِ مَا يَأْخُذُونَ بِنَهْيِهِ وَعَزَائِمِهِ وَلَمْ يَرْخُصْ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص فِيمَا نَهَاَهُمْ عَنْهُ نَهْيَ حَرَامٍ وَلَا فِيمَا أَمَرَ بِهِ أَمْرَ فَرَضٍ لِأَزَمِ فَكَثِيرُ الْمُسْكِرِ مِنَ الْأَشْرِبَةِ نَهَاَهُمْ عَنْهُ نَهْيَ حَرَامٍ لَمْ يَرْخُصْ فِيهِ لِأَحَدٍ وَلَمْ يَرْخُصْ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَحَدٍ تَقْصِيرَ الرُّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ صَمَّهُمَا إِلَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَلْ أَلَزَمَهُمْ ذَلِكَ إِلْزَامًا وَاجِبًا لَمْ يَرْخُصْ لِأَحَدٍ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا لِلْمَسَافِرِ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَرْخُصَ شَيْئًا مَا لَمْ يَرْخُصْهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَوَافَقَ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ ص أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَهْيُهُ نَهْيَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَجَبَ عَلَى الْعِبَادِ التَّسْلِيمُ لَهُ كَالْتَسْلِيمِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. «اصول کافی ج ۲ صفحه ۵ روایه ۴»

فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام ببعضی از اصحاب قیس ماصر میفرمود: همانا خدای عزوجل پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت کرد، چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود: تو بر خلق عظیمی استواری ۴ سوره ۶۸ (سپس امر دین و امت را باو واگذار فرمود تا سیاست بندگان را بعهده گیرد، سپس فرمود): آنچه را رسول برای شما آورده بگیرد و از آنچه شما را نهی کرده باز ایستد ۷ سوره ۵۹) همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله استوار و موفق و مؤید بروح القدس بود، نسبت سیاست و تدبیر خلق هیچگونه لغزش و خطائی نداشت، بآداب خدا تربیت شد، خدای عزوجل نمازهای پنجگانه را دو رکعت دو رکعت واجب ساخت تا ده رکعت شد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو رکعت (ظهر و عصر و عشا) دو رکعت و بمغرب یک رکعت افزود، و این اضافات با واجب خدای تعالی همدوش گشت، به طوری که ترک آنها جز در سفر جایز نیست و چون در نماز مغرب یک رکعت افزود، آن را در سفر و حضر بر جا گذاشت. خدای عزوجل تمام این اضافات پیغمبر را اجازه کرد و نمازهای یومیه واجب هفده رکعت گشت. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله نمازهای نافله را که سی و چهار رکعت دو برابر نمازهای واجب است مستحب قرار داد. خدای عزوجل هم آنها اجازه کرد، و نمازهای نافله را که سی و چهار رکعت دو برابر نمازهای واجب است مستحب قرار داد. خدای عزوجل هم آنها اجازه کرد، و نمازهای واجب و مستحب پنجاه و یک رکعت گشت دو رکعت نماز نشسته بعد از عشا بجای نماز وتر است و یک رکعت بحساب می آید. و خدا در میان سال، تنها روزه ماه رمضان را واجب ساخت و رسول خدا صلی الله علیه و آله روزه ماه شعبان و سه روزه از هر ماه را سنت کرد تا دو برابر مقدار واجب شد (زیرا چون در ده ماه غیر از رمضان شعبان ماهی سه روز روزه ندارد، سی روز میشود و باضافه ماه شعبان، دو برابر سی روز رمضان میگردد) خدای عزوجل این را هم برای او اجازه کرد. و باز خدای عزوجل خصوص شراب انگور را

حرام ساخت و رسول خدا صلی الله علیه و آله هر نوشابه مست کننده ای را حرام کرد، خدا هم برای او اجازه کرد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله از چیزهایی خودداری کرد و آنها را بد دانست ولی بطور حرمت از آنها نهی نکرد، و تنها نهی خودداری و کراهت نمود و در ارتکاب آنها رخصت داد، اخذ بر رخصت او هم بر بندگان واجب گشت، مانند واجب بودن اخذ بنهی و غدقنهای او، رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت بآنچه نهی حرام نمود و امر واجب فرمود، بمردم رخصت تخلف نداد، از اینجهت بیشتر نوشابه های مست کننده را که از آن نهی حرام فرمود، رخصت ارتکاب آن نداد و نیز نسبت بدو رکعت نمازی که بواجب خدای عزوجل اضافه فرموده بود، به هیچکس رخصت تقصیر نداد، بلکه آنرا بطور واجب بر ایشان ملزم ساخت، برای هیچکس جز مسافر رخصت تقصیر نداد، و هیچکس را نرسد که نسبت بآنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله رخصت نداده رخصت دهد، پس امر رسول خدا صلی الله علیه و آله با امر خدای عزوجل و نهی او با نهیش موافق و برابر است، بر بندگان لازمست تسلیم او باشند همچنانکه تسلیم خدای تبارک و تعالی هستند.

حدیث لیلة المعراج:

رَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ: يَا رَبِّ! أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَيْسَ شَيْءٌ عِنْدِي أَفْضَلَ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَى وَالرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ. از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت شده است که: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در شب معراج از پروردگارش پرسید: پروردگارا! برترین و شریفترین کارها کدام است؟ خداوند عزوجل در پاسخ فرمود: هیچ عملی نزد من بالاتر از توکل بر من و راضی بودن به آنچه که من قسمت کرده ام، نیست. (حدیث معراج سید محمد رضا غیائی کرمانی)

عن ابی عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص) قال الله: ما تحبب الی عبدی بشیء احب الی مما افترضه علیه و انه لیتحبب الی بالنافله حتی احبه، فاذا احبته كنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یبصر به و لسانه الذی ینطق به، و یده الی ببطش بها و رجله الی یمشی بها اذا دعانی اجبته و اذا سألنی اعطیته. از پیامبر (ص) روایت شد که خداوند فرمود: اظهار دوستی نکرد بنده من به چیزی دوست داشتنی تر از آنچه واجب کردم بر او، و او با نوافل به سوی محبت من می آید تا اینکه من نیز او را دوست بدارم، پس هنگامی که او را دوست بدارم شنوایی او می باشم آن گاه که می شنود و بینایی او می باشم آن گاه که می بیند و زبان او می باشم آن گاه که سخن می گوید و دست او می باشم آن گاه که ضربه می زند و پای او می باشم آن گاه که راه می رود، هنگامی که به درگاه من دعا کند اجابت می کنم و اگر از من درخواست کند به او می دهم» (ر.ک: المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، ج ۱، ص ۲۹۱ و اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۳۵۲)

مختصر حالات دّومین معصوم ، اّولین اختر امامت امیرالمومنین علیه السلام

آن حضرت بنابر مشهور، روز سیزدهم ماه رجب ، سی سال بعد از عام الفیل ، در شهر مکه معظمه ، در میان کعبه الهی دیده به جهان گشود و با نور طلعتش ، جهانی تاریک را روشنائی بخشید. در اّولین مرحله ای که حضرت رسول صلوات الله علیه ، قنداقه این نوزاد مبارک را از مادرش تحویل گرفت ، نوزاد با زبان فصیح خواند: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ فِي صَلَوَتِهِمْ خَاشِعُونَ...) (سوره مؤمنون : آیه ۱). یعنی ؛ به نام خداوندی که بخشنده و مهربان است ، همانا آن مؤمنینی که در هنگام به جا آوردن نماز، خاشع باشند؛ رستگار و سعادتمند خواهند بود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مقابل ، به او فرمود: یا علی! بدان که مؤمنین به وسیله تو رستگار خواهند شد.

نام : علی (نام آن حضرت به عنوان علی مرتضی به ترتیب حروف اءبجد: ۱۱۰، ۱۴۵۰ می باشد) کنیه : ابوتراب ، ابوالا ثمه ، ابوالحسن و

لقب : امیرالمؤمنین ، یعسوب الدّین ، یعسوب المؤمنین ، قائد الغر المحجلّین ، امام المتّقین ، سید الاوصیاء، اسدالله ، مرتضی ، حیدر، أنزع ، قَضَم ، وصی، ولی و پدر: عمران عبدمناف معروف به ابوطالب .

مادر: فاطمه بنت اسد، نوه هاشم ، اّولین زن هاشمیه ای که با مرد هاشمی ابوطالب ازدواج کرد؛ و چون در پرورش حضرت رسول دخالت داشت ، حضرت او را به عنوان مادر خطاب ، می نمود. نسبت امام علی بن ابی طالب ، با سی واسطه همانند رسول گرامی اسلام ، به حضرت آدم صلوات الله علیهم ، می رسد.

نقش انگشتر: حضرت دارای چهار انگشتر بوده است ، که بر هر کدام نقش مخصوصی حک شده بود. دربان آن حضرت را سلمان فارسی و قنبر نام برده اند.

اّولین کسی که به نبوّت حضرت رسول صلی الله علیه و آله ایمان آورد، علی علیه السلام بود، که در سنّ هفت سالگی با آن حضرت نماز جماعت خواند.

آن بزرگوار در تمام جنگ های زمان حضرت رسول غیر از جنگ تبوک ، مشارکت داشت و بیشترین پیروزی ها به دست برومند و توانای آن حضرت نصیب اسلام و مسلمین گردید.

طبق نقل ابن عساکر: جنگ بدر توسط امام علی علیه السلام در سنّ ۲۰ سالگی به نفع اسلام و مسلمین به پایان رسید و نیز مکه توسط حضرتش در سنّ ۲۸ سالگی فتح گردید.

پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله جنگ هائی بر علیه اسلام و بر علیه آن حضرت توسط منافقین و مخالفین به وقوع پیوست ، که مهم ترین آن ها سه جنگ به نام های : جمل ، صفین و نهروان می باشد.

جنگ جمل در ماه جماد الثانی ، سال ۳۶ هجری قمری ، با ناکثین ، به سرکردگی عایشه ، طلحه و زبیر، اتفاق افتاد.(مطابق با آذر ماه ، سال ۳۵ شمسی)

جنگ صفین در ماه ذی الحجه ، سال ۳۶ هجری قمری ، با مارقین ، به سرکردگی معاویه ، رخ داد.(مطابق با خرداد ماه ، سال ۳۶ شمسی) .

جنگ نهروان در سال ۳۸ هجری قمری (مطابق با اردیبهشت ماه ، سال ۳۷ شمسی)، با قاسطین ، به سرکردگی خوارج واقع شد؛ و ایشان حدود چهل هزار نفر بودند، که با نصایح حضرت دوازده هزار نفر آن ها توبه کردند و فقط ۹ نفرشان از معرکه گریختند؛ و ما بقی کشته شدند و از مسلمین نیز تعداد ۹ نفر شهید گشت .

و به طور کلی آن حضرت هفتاد و دو مرحله جنگ و مبارزه با مخالفان و دشمنان داشته است .(آمار مذکور طبق جمع بندی صاحب کتاب ارشاد القلوب دیلمی ، صفحه ۲۱۹ می باشد)
حضرت در مناسبت های مکرر و مختلف ، توسط پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان اولین جانشین و خلیفه تعیین و معرفی گردید.

و در نهایت ، پس از حجة الوداع ، روز هیجدهم ذی الحجة ، سال نهم قمری (مطابق با دهم فروردین ماه ، سال دهم شمسی)، حضرت در محلی به نام غدیر خم بین مکه و مدینه به طور رسمی مطرح و منصوب به ولایت و خلافت شد.

ولی به علت هائی ، خلافت ظاهری به دست دیگران افتاد، تا آن که در سال ۳۵ هجری ، پس از قتل عثمان مردم با حضرت علی علیه السلام بیعت کردند و این بیعت پنج سال به طول انجامید.
امام علی علیه السلام در تمام دوران عمر پربركتش ، بر جمیع علوم و فنون ظاهری و باطنی آشنا و مسلط بود.

معجزات و کرامات بی شماری از آن امام مظلوم ، (چه در زمان حیات و چه پس از آن) واقع و صادر گردید، که اکثر دانشمندان شیعه و سنی و بلکه دانشمندان دیگر مذاهب در کتاب های مختلف خود ذکر کرده اند.

آن حضرت در اجرای حق و عدالت و قانون ، و طرفداری و حمایت از مظلومان و محرومان ، همچنین مبارزه با بی عدالتی و برخورد با ظالمان و چپاولگران ، قاطع و سختگیر بود.
و احادیث بسیاری در شائن و عظمت آن امام مظلوم وارد شده است ، که به کتاب های مربوطه ارجاع می شود.

در مدت عمر شریف حضرت بین محدثین و مورخین اختلاف است ؛ ولی مشهور ۶۳ سال گفته اند، که ۳۳ سال همزمان با پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله ۱۰ سال قبل از بعثت ، ۱۳ سال در مکه و

۱۰ سال در مدینه بود و سی سال هم پس از رحلت آن حضرت با تحمّل سختی ها و مصائب جانکاه به سر برد.

مدّت امامت و خلافت واقعی آن امام علیه السلام ، که بلافاصله پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله شروع شد، سی سال به طول انجامید؛ و خلافت ظاهری و واقعی که پس از قتل عثمان شروع گردید، تنها پنج سال بوده است .

در تعداد فرزندان آن حضرت نیز بین محدّثین و مؤرخین اختلاف است ، لیکن سید محسن امین (أعیان الشیعه : ج ۱، ص ۳۲۷) تعداد اولاد امام علی علیه السلام را ۳۳ نفر پسر و دختر نام برده است .

شهادت و محلّ دفن : حضرت در سال چهلّم هجری (مطابق با یازدهم بهمن ماه ، سال ۳۹ شمسی)، صبح جمعه ، نوزدهم ماه رمضان ، در محراب عبادت مسجد کوفه که یکی از چهار مسجد معروف و عظیم القدر است توسط عبدالرحمن بن ملجم مرادی ؛ و ترغیب زنی به نام قُطّامه ، به وسیله شمشیر زهرآگین ترور شد؛ و شب ۲۱ همان ماه به فیض عظمای شهادت نایل گردید.

میسّر نگردد به کس این سعادت - به کعبه ولادت ، به مسجد شهادت و پیکر مطهر و مقدّس آن حضرت در نجف اشرف ، کنار حضرت آدم و نوح علیهم السلام دفن گردید؛ و قبر آن حضرت توسط حضرت نوح علیه السلام تهیه و آماده شده بود. (سلام الله علیه یوم وُلِدَ، وَ یوم اسْتُشْهِدَ وَ یوم یبعثُ حیا).

نماز آن حضرت چهار رکعت است : در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحید خوانده می شود.

و بعد از سلام نماز، تسبیح حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها، گفته می شود و سپس خواسته های مشروع خود را از درگاه خداوند سبحان تقاضا نماید.

(شرح ولادت و دیگر حالات امام علی علیه السلام برگرفته شده است از: ناسخ التّواریخ ، دلائل الامّة طبری ، مناقب ابن شهر آشوب ، بحار الانوار، إحقاق الحقّ، کشف الغمّة ، إلام الوری طبرسی، انساب الاشراف ، عیون المعجزات شیخ حسین عبد الوهّاب ، تهذیب الاحکام شیخ طوسی ، مجموعه نفیسه ، تاریخ اهل البيت ، تذکرة الخواصّ، الفصول المهمّة و ...)

زیشت پرده تا بی پرده یار من نمایان شد - ز شرم روی او خورشید اندر پرده پنهان شد - ولادت یافت اندر کعبه آن مولود مسعودی - که ذات پاک او مرآت ذات پاک یزدان شد - تجلّی کرد تا نور رخس اندر حریم حق - حرم حرمت گرفت و قبله گاه اهل ایمان شد - همان نوری که موسی دید اندر سینه سینا - مگر بار دگر در کعبه باز آن نور تابان شد - همانا کعبه آمد در شرف بالاتر از سینا - که آن جا نور او این جا وجود او درخشان شد.

احادیث امیرالمومنین امام علی بن ابیطالب علیه السلام

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ خَمْسَةِ مَوَاطِنَ : عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ، وَ عِنْدَ الْإِذَانِ ، وَ عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ ، وَ عِنْدَ التَّقَاءِ الصَّفِّينِ لِلشَّهَادَةِ ، وَ عِنْدَ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ ، فَإِنَّهُ لَيَسَّ لَهَا حِجَابٌ دُونَ الْعَرْشِ . پنج موقع را برای دعا و حاجت خواستن غنیمت شمارید: موقع تلاوت قرآن ، موقع اذان ، موقع بارش باران ، موقع جنگ و جهاد - فی سبیل الله - موقع ناراحتی و آه کشیدن مظلوم . در چنین موقعیت ها مانعی برای استجابت دعا نیست . (اعمالی صدوق : ص ۹۷ ، بحارالانوار: ج ۹۰ ، ص ۳۴۳ ، ح ۱)

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلْعِلْمُ وَرَاثَةُ كَرِيمَةٍ ، وَ الْأَدَبُ حُلُلُ حِسَانٍ ، وَ الْفِكْرَةُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ ، وَ الْأَعْنَادُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ ، وَ كَفَى بِكَ أَدَبًا تَزَكُّكَ مَا كَرِهْتَهُ مِنْ غَيْرِكَ . علم ؛ ارثیه ای با ارزش ، و ادب ؛ زیوری نیکو، و اندیشه ؛ آئینه ای صاف ، و پوزش خواستن ؛ هشدار دهنده ای دلسوز خواهد بود. و برای با ادب بودن همین بس که آنچه برای خود دوست نداری ، در حق دیگران روا نداشته باشی . (اعمالی طوسی : ج ۱ ، ص ۱۱۴ ح ۲۹ ، بحارالانوار: ج ۱ ، ص ۱۶۹ ، ح ۲۰)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : السُّكْرُ أَزْبَعُ السُّكْرَاتِ : سُّكْرُ الشَّرَابِ ، وَ سُّكْرُ الْمَالِ ، وَ سُّكْرُ النَّوْمِ ، وَ سُّكْرُ الْمُلْكِ . مستی در چهار چیز است : مستی از شراب (و خمر)، مستی مال و ثروت ، مستی خواب ، مستی ریاست و مقام . (خصال : ج ۲ ، ص ۱۷۰ ، بحارالانوار: ج ۷۳ ، ص ۱۴۲ ، ح ۱۸)

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُّكْرِ الْمَالِ وَ سُّكْرِ الْقُدْرَةِ ، وَ سُّكْرِ الْعِلْمِ ، وَ سُّكْرِ الْمَدْحِ وَ سُّكْرِ الشُّبَابِ ، فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيحًا خَبِيثَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسْتَخِفُّ الْوَقَارَ ؛ سزاوار است که عاقل ، از مستی ثروت، قدرت ، دانش ، ستایش و مستی جوانی بپرهیزد، چرا که هر يك را بادهای پلیدی است که عقل را نابود می کند و وقار و هیبت را کم می نماید. (غرر الحکم، ص ۷۹۷)

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَقُّ جَدِيدٌ وَ إِنْ طَالَتْ الْأَيَّامُ ، وَ الْبَاطِلُ مَحْدُولٌ وَ إِنْ نَصَرَهُ أَقْوَامٌ . حق و حقیقت در تمام حالات جدید و تازه است گر چه مدتی بر آن گذشته باشد. و باطل همیشه پست و بی اساس است گر چه افراد بسیاری از آن حمایت کنند. (وسائل الشیعة : ج ۲۵ ، ص ۴۳۴ ، ح ۳۲۲۹۲)

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ ؛ قربانگاه عقلها غالبا در پرتو طمعها است. (نهج البلاغه، ص ۵۰۷)

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقْسَوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتْ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ . چشمها خشک نمی شود مگر به خاطر قساوت قلب و دلها قساوت پیدا نمی کند مگر به سبب زیادی گناه. (وسائل الشیعة ج ۱۶ ، ص ۴۵)

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : خُذِ الْحِكْمَةَ أَنَّى كَانَتْ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ ضَالَّةٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ ؛ حکمت را هر کجا که یافتی فراگیر، زیرا حکمت گمشده هر مومن است. (غررالحکم، ص ۳۶۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زَكَاةُ الْعِلْمِ بِذَلِكَ لِمُسْتَحِقِّهِ وَإِجْهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ؛ زَكَاتُ دَانِش، آموزش به کسانی که شایسته آنند و کوشش در عمل به آن است. (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْجَلْمُ غِطَاءٌ سَائِرٌ وَالْعَقْلُ حِسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلْلَ خَلْقِكَ بِحِلْمِكَ وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ؛ بردباری پرده ای پوشاننده و عقل شمشیری برنده است، پس عیبهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و با عقلت به جنگ هوا و هوست برخیز. (الذریه الى الحافظ الشریعه، ج ۱، ص ۲۱۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ كَانَ بِعَيْبِهِ بَصِيرًا وَعَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ ضَرِيرًا؛ عاقل ترین مردم کسی است که به عیبهای خویش بینا و از عیوب دیگران، نابینا باشد. (غرر الحکم، ص ۲۰۷)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا غِنَىٰ كَالْعَقْلِ، وَلَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ، وَلَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرٌ كَالْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون جهل و هیچ میراثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نخواهد بود. (نهج البلاغه، ص ۴۷۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ تَقْدِيرًا لِمَعَاشِهِ وَأَشَدُّهُمْ اهْتِمَامًا بِاصْلَاحِ مَعَادِهِ؛ عاقل ترین مردم کسی است که در امور زندگی بهتر برنامه ریزی کند و در اصلاح آخرتش بیشتر همت نماید. (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ به احترام پدر و معلمت از جای برخیز هرچند فرمان روا باشی. (غرر الحکم، ص ۱۳۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَالِسُ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّ عِلْمَكَ وَيَحْسُنُ أَدَبَكَ وَ تَرْكُ نَفْسِكَ؛ با علما معاشرت کن تا علمت زیاد، ادبت نیکو و جانت پاک شود. (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۴۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسَبِيحَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش دهنده و ادب آموز خود بیش از آموزگار و ادب آموز مردم، شایسته تجلیل است. (مشیر الاحزان، ص ۵۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ ثَمَنُ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعْلُمِهِمَا، فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَدَبِكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَ قَدْرِكَ، فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَ بِالْأَدَبِ تَحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ وَ بِأَدَبِ الْخِدْمَةِ يَسْتَوْجِبُ الْعَبْدُ وَلَايَتَهُ وَقُوَّتَهُ، فَاقْبَلِ النَّصِيحَةَ كَيْ تَنْجُو مِنَ الْعَذَابِ؛ ای مؤمن! به تحقیق این دانش و ادب بهای جان توست پس در آموختن آن دو بکوش که هر چه بر دانش و ادب افزوده شود بر قیمت و قدرت افزوده می شود؛ زیرا با دانش به پروردگارت راه می یابی و با ادب به پروردگارت خوش خدمتی می کنی و با ادب در خدمت گذاری، بنده سزاوار دوستی و نزدیکی به او می شود. پس [این] نصیحت را بپذیر تا از عذاب پرهی. (بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۱، ص ۱۸۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَأْسُ الْعِلْمِ التَّمْيِيزُ بَيْنَ الْأَخْلَاقِ وَ إِظْهَارُ مَحْمُودِهَا وَ قَمْعُ مَذْمُومِهَا؛ بِالْأَتَرِينِ
درجه دانایی، تشخیص اخلاق از یکدیگر و آشکار کردن اخلاق پسندیده و سرکوب اخلاق ناپسند
است. (غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۷۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَغَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ وَ سَافَرَ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسَ فَوَائِدَ تَقَرُّجُ هَمِّ
وَ اكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةُ مَا جِدَّ؛ برای کسب بلند مرتبگی از وطن خود دور شو و سفر
کن که در مسافرت پنج فایده است: برطرف شدن اندوه، بدست آوردن روزی و دانش و آداب زندگی،
و هم‌نشینی با بزرگواران. (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۱۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَدُنِّيَا تُطَلَّبُ لِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْغِنَى، وَ الْعِزُّ، وَ الرَّاحَةُ، فَمَنْ زَهَدَ فِيهَا عَزَّ، وَ مَنْ
قَنَعَ إِسْتَعْنَى، وَ مَنْ قَلَّ سَعْيُهُ إِسْتَرَاحَ. دنیا و اموال آن، برای سه هدف دنبال می شود: بی نیازی،
عزت و شوکت، آسایش و آسوده بودن. هر که زاهد باشد؛ عزیز و با شخصیت است، هر که قانع
باشد؛ بی نیاز و غنی گردد، هر که کمتر خود را در تلاش و زحمت قرار دهد؛ همیشه آسوده و در
آسایش است. (وافی: ج ۴، ص ۴۰۲، س ۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ لَا الدِّينُ وَ التَّقَى، لَكُنْتُ أَدْهَى الْعَرَبِ. چنانچه دین داری و تقوای الهی
نمی بود، هر آینه سیاستمدارترین افراد بودم - ولی دین و تقوا مانع سیاست بازی می شود - .
(أعيان الشيعة: ج ۱، ص ۳۵۰، بحارالانوار: ج ۴۱، ص ۱۵۰، ضمن ح ۴۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ، وَ الْعِلْمُ حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ، وَ حَسْبُكَ مِنَ الْعِلْمِ إِئِنَّ تَخْشَى
اللَّهَ، وَ حَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ إِئِنَّ تَعَجِبَ بِعِلْمِكَ. ملوک بر مردم حاکم هستند و علم بر تمامی ایشان حاکم
خواهد بود، تو را در علم کافی است که از خداوند ترسناک باشی؛ و به دانش و علم خود بالیدن،
بهترین نشانه نادانی است. (أمالی طوسی: ج ۱، ص ۵۵، بحارالانوار: ج ۲، ص ۴۸، ح ۷)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ: يَا بَنَ آدَمَ إِنَّا يَوْمَ جَدِيدٌ وَ
إِنَّا عَلَيْكَ شَهِيدٌ. فَقُلْ فِي خَيْرٍ، وَ اْعْمَلْ فِي خَيْرٍ، اءَشْهَدُ لَكَ بِهِ فِي الْقِيَامَةِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهُ أَبَدًا.
هر روزی که بر انسان وارد شود، گوید: من روز جدیدی هستم، من بر اعمال و گفتار تو شاهد می
باشم. سعی کن سخن خوب و مفید بگوئی، کار خوب و نیک انجام دهی. من در روز قیامت شاهد
اعمال و گفتار تو خواهم بود. و بدان امروز که پایان یابد دیگر مرا نخواهی دید و قابل جبران نیست.
(أمالی صدوق: ص ۹۵، بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۱۸۱، ح ۳۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ، كَفَّارَةٌ لِوَالِدَيْهِ. مریضی کودک، کفاره گناهان پدر و
مادرش می باشد. (بحارالانوار: ج ۵، ص ۳۱۷، ح ۱۶، به نقل از ثواب الاعمال)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّيْبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ، وَيُذْهِبُ بِالْمَرَضِ، وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ. خوردن مویز - کشمش سیاه - قلب را تقویت، مرض‌ها را برطرف، و حرارت بدن را خاموش، و روان را پاک می‌گرداند. (أمالی طوسی: ج ۱، ص ۳۷۲، بحارالانوار: ج ۶۳، ص ۱۵۲، ح ۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَطْعِمُوا صِبْيَانَكُمْ الزُّمَانَ، فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِلسَّيِّئَةِ. به کودکان خود انار بخورانید تا زبانشان بهتر و زودتر باز شود. (أمالی طوسی: ج ۱، ص ۳۷۲، بحارالانوار: ج ۶۳، ص ۱۵۵، ح ۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَطْرُقُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ، كَيْ يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ. در هر شب جمعه همراه با مقداری میوه - یا شیرینی ... - بر اهل منزل و خانواده خود وارد شوید تا موجب شادمانی آن هادرجعه گردد. (عَدَّةُ الدَّاعِي: ص ۸۵، ج ۱، بحارالانوار: ج ۱۰۱، ص ۷۳، ح ۲۴)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّوا مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخَوَانِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَأْذِي دُنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ. آنچه اطراف ظرف غذا و سفره می‌ریزد جمع کنید و بخورید، که همانا هرکس آن‌ها را به قصد شفا میل نماید، به اذن حق تعالی شفای تمام دردهای او خواهد شد. (مستدرک الوسائل: ج ۱۶، ص ۲۹۱، ح ۱۹۹۲۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ: الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى، بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافَاً إِذْ سَقُمَ، وَبَيْنَا تَرَاهُ غَنِيًّا إِذْ افْتَقَرَ. سزاوار نیست که بنده خدا، در دوران زندگی به دو خصوصیت اعتماد کند و به آن دلبسته باشد: یکی عافیت و تندرستی و دیگری ثروت و بی‌نیازی است. زیرا چه بسا در حال صحت و سلامتی می‌باشد ولی ناگهان انواع مریضی‌ها بر او عارض می‌گردد و یا آن‌که در موقعیت و امکانات خوبی است، ناگهان فقیر و بیچاره می‌شود، - پس بدانیم که دنیا و تمام امکانات آن بی‌ارزش و بی‌وفا خواهد بود و تنها عمل صالح مفید و سودبخش می‌باشد. (بحارالانوار: ج ۶۹، ص ۶۸، س ۲، ضمن ح ۲۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلْمُرَأِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَكْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَيَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ، وَيَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا أُثْنِيَ عَلَيْهِ، وَيَنْقُصُ إِذَا ذُمَّ. برای ریاکار سه نشانه است: در تنهایی کسل و بی‌حال، در بین مردم سرحال و بانشاط می‌باشد. هنگامی که او را تمجید و تعریف کنند خوب و زیاد کار می‌کند و اگر انتقاد شود سستی و کم‌کاری می‌کند. (مَحَبَّةُ الْبَيْضَاء: ج ۵، ص ۱۴۴، تنبیه الخواطر: ص ۱۹۵، س ۱۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ إِلَى نَبِيِّهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ: قُلْ لِقَوْمِكَ لَا يَلْبِسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي، وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي، وَلَا يَتَشَكَّلُوا بِمَشِ أَعْدَائِي، فَيَكُونُوا أَعْدَائِي. خداوند تبارک و تعالی بر یکی از پیامبرانش وحی فرستاد: به امت خود بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و

غذای دشمنان مرا میل نکنند و هم شکل دشمنان من نگردند، وگرنه ایشان هم دشمن من خواهند بود. (مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۲۱۰، ح ۳۳۸۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْعُقُولُ أَيْمَةُ الْأَفْكَارِ، وَالْأَفْكَارُ أَيْمَةُ الْقُلُوبِ، وَالْقُلُوبُ أَيْمَةُ الْحَوَاسِّ، وَالْحَوَاسُّ أَيْمَةُ الْأَعْضَاءِ. عقل هر انسانی پیشوای فکر و اندیشه اوست؛ و فکر پیشوای قلب و درون او خواهد بود؛ و قلب پیشوای حواس پنج گانه می باشد، و حواس پیشوای تمامی اعضاء و جوارح است. (بحارالانوار: ج ۱، ص ۹۶، ح ۴۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَفَضَّلْ عَلَىٰ مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ، وَاسْتَعِنْ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ نَظِيرُهُ، وَافْتَقِرْ إِلَىٰ مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَسِيرُهُ. بر هر که خواهی نیکی و احسان نما، تا رئیس و سرور او گردی؛ و از هر که خواهی بی نیازی جوی تا همانند او باشی، و خود را نیازمند هر که خواهی بدان - و از او تقاضای کمک نما - تا اسیر او گردی. (بحارالانوار: ج ۷۰، ص ۱۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعْزُّ الْعِزِّ الْعِلْمُ، لِأَنَّ بِهِ مَعْرِفَةَ الْمَعَادِ وَالْمَعَاشِ، وَأَذَلُّ الذُّلِّ الْجَهْلُ، لِأَنَّ صَاحِبَهُ أَصَمُّ، أَعْمَى، حَيْرَانٌّ. عزیزترین عزت ها علم و کمال است، برای این که شناخت معاد و تاءمین معاش انسان، به وسیله آن انجام می پذیرد. و پست ترین ذلت ها جهل و نادانی است، زیرا که صاحبش همیشه در کوری و لالی و کوری می باشد و در تمام امور سرگردان خواهد بود. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر حلوانی: ص ۷۰، ح ۶۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ إِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ، وَ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ تَعَالَىٰ مِنْ سَبْعِينَ طَوَافًا حَوْلَ الْبَيْتِ، وَأَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ مَقْبُولَةٍ، وَ رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَىٰ لَهُ سَبْعِينَ دَرَجَةً، وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ، وَ شَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: اءَنَّ الْجَنَّةَ وَ جَبَّتْ لَهُ. يك ساعت در محضر علماء نشستن - که انسان را به مبدء و معاد آشنا سازند - از هزار سال عبادت نزد خداوند محبوب تر خواهد بود. توجه و نگاه به عالم از اعتكاف و يك سال عبادت - مستحبی - در خانه خدا بهتر است. زیارت و دیدار علماء، نزد خداوند از هفتاد مرتبه طواف اطراف کعبه محبوب تر خواهد بود، و نیز افضل از هفتاد حج و عمره قبول شده می باشد. همچنین خداوند او را هفتاد مرحله ترفیع درجه می دهد و رحمت و برکت خود را بر او نازل می گرداند، و ملائکه شهادت می دهند به این که او اهل بهشت است. (عدّة الدّاعی: ص ۷۵، س ۸، بحارالانوار: ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۳۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَابْنَ آدَمَ، لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَىٰ يَوْمِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ، فَإِنَّ يَكُنْ بَقِيَ مِنْ أَعْجَلِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فِيهِ يَرْزُقُكَ. ای فرزند آدم، غصه رزق و آذوقه آن روزی که در پیش داری و هنوز نیامده است نخور، زیرا چنانچه زنده بمانی و عمرت باقی باشد خداوند متعال روزی آن روز را هم می رساند. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر حلوانی: ص ۵۲، ح ۲۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَىٰ قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَشَجَاعَتُهُ عَلَىٰ قَدْرِ نَفَقَتِهِ، وَصِدَاقَتُهُ عَلَىٰ قَدْرِ مُرُوتِهِ، وَعَفَّتُهُ عَلَىٰ قَدْرِ غَيْرَتِهِ. ارزش هر انسانی به قدر همت اوست، و شجاعت و توان هر شخصی به مقدار گذشت و احسان اوست، و درستکاری و صداقت او به قدر جوانمردی اوست، و پاکدامنی و عفت هر فرد به اندازه غیرت او خواهد بود. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر حلوانی: ص ۴۶، ح ۱۲)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ شَرِبَ مِنْ سُورِ أَخِيهِ تَبَرَّكَ بِهِ، خَلَقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مَلِكًا يَسْتَعْفِرُ لَهُمَا حَتَّىٰ تَقُومَ السَّاعَةُ. کسی که دهن خورده برادر مؤمنش را به عنوان تبرک میل نماید، خداوند متعال ملکی را مأمور می گرداند تا برای آن دو نفر تا روز قیامت طلب آمرزش و مغفرت نماید. (اختصاص شیخ مفید: ص ۱۸۹، س ۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلْجَلِيلَيْنِ: رَجُلٌ يَزِدُّ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِحْسَانًا، وَرَجُلٌ يَتَذَارَكُ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَءَانِي لَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَاللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّىٰ يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا لَا يُولَايَتِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ. خیر و خوبی در دنیا وجود ندارد مگر برای دو دسته: دسته اول آنان که سعی نمایند در هر روز، نسبت به گذشته کار بهتری انجام دهند. دسته دوم آنان که نسبت به خطاها و گناهان گذشته خود پشیمان و سرافکنده گردند و توبه نمایند، و توبه کسی پذیرفته نیست مگر آن که با اعتقاد بر ولایت ما اهل بیت عصمت و طهارت باشد. (وسائل الشیعة: ج ۱۶ ص ۷۶ ح ۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ فِيهِنَّ النَّجَاةُ: لُزُومُ الْحَقِّ وَتَجَنُّبُ الْبَاطِلِ وَرُكُوبُ الْجِدِّ؛ نجات و رستگاری در سه چیز است: پایبندی به حق، دوری از باطل و سوار شدن بر مرکب جدیت. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۶۹)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يَعْرِفَانِ بِالنَّاسِ، وَلَكِنْ اعْرِفِ الْحَقَّ بِاتِّبَاعِ مَنْ اتَّبَعَهُ وَالْبَاطِلَ بِاجْتِنَابِ مَنْ اجْتَنَبَهُ؛ حق و باطل به مردم (و شخصیت افراد) شناخته نمی شوند بلکه حق را به پیروی کسی که از آهن (حق) پیروی می کند بشناس (یعنی افراد - به غیر از معصوم - حجت نیستند مگر اینکه به سوی حق حرکت کنند) و باطل را به دوری کردن کسی که از آن (باطل) دوری می کند. (امالی (طوسی) ص ۱۳۴)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعَ - فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ هَذَا، فَجَمَعَ أَصَابِعَهُ وَوَضَعَهَا بَيْنَ أَذُنِهِ وَعَيْنِهِ - ثُمَّ قَالَ: أَلْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ: سَمِعْتُ وَالْحَقُّ أَنْ تَقُولَ: رَأَيْتُ؛ هان! میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. از آن حضرت درباره معنای این فرمایش سؤال شد. امام انگشتان خود را به هم چسباند و آنها را میان گوش و چشم خود گذاشت و آن گاه فرمودند: باطل این است که بگویی: شنیدم و حق آن است که بگویی: دیدم. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۱۹۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُتَرَادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ وَلَكِنْ يُؤَخَذُ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ؛ اِگر باطل با حق درنیامیزد، بر حقیقت جویان پوشیده نمی ماند و اگر حق با باطل آمیخته نشود، زبان دشمنان آن بریده می شود، لیکن مشتی از آن برداشته می شود و مشتی از این. (و بدین ترتیب حق و باطل درهم آمیخته می شود و شبهه پیش می آید). (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۸۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَجِبْتُ لِابْنِ آدَمَ، أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ، وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ، وَ هُوَ قَائِمٌ بَيْنَهُمَا وَعَاءٌ لِلْغَائِطِ، ثُمَّ يَتَكَبَّرُ. تعجب می کنم از کسی که اولش قطره ای آب ترش شده و عاقبتش لاشه ای متعفن - بد بو - خواهد بود و خود را ظرف فضولات قرار داده است، با این حال تکبر و بزرگ منشی هم می نماید. (وسائل الشیعة: ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۸۸۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي، وَ الْجَهْلُ يُغْوِي وَ يُرْدِي؛ عقل راهنمایی می کند و نجات می دهد و نادانی گمراه می کند و نابود می گرداند. (تصنيف غرر الحكم و درر الکلم، ص ۵۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ؛ نادانی ریشه همه بدیهاست. (تصنيف غرر الحكم و درر الکلم، ص ۷۳) ایضاً: أَلْعِلْمُ قَاتِلُ الْجَهْلِ؛ دانش، نابود کننده نادانی است. (تصنيف غرر الحكم و درر الکلم، ص ۴۴) ایضاً: الْجَهْلُ مُمِيتُ الْأَحْيَاءِ وَ مُحَلِّدُ الشَّقَاءِ؛ نادانی، مایه مرگ زندگان و دوام بدبختی است. (تصنيف غرر الحكم و درر الکلم ص ۷۵) ایضاً: زَكَاةُ الْعَقْلِ احْتِمَالُ الْجَهْلِ؛ زکات عقل تحمل نادانان است. (تصنيف غرر الحكم و درر الکلم ص ۵۶) ایضاً: لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطاً أَوْ مُفْرَطاً؛ همیشه جاهل یا افراط گر و تجاوزکار و یا کندرو و تفریط کننده است. (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۹۴) ایضاً: لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَلَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ، وَلَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ وَ لَا ظَهِيرٌ كَالْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون جهل و هیچ میراثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نخواهد بود. (وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۰- نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص ۴۷۸) ایضاً: رَبُّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ، وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ؛ چه بسیارند دانشمندانی که جهلشان آنها را کشته در حالی که علمشان با آنهاست، اما به حالشان سودی نمی دهد. (نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص ۸۵۲ ح ۴۸۵) ایضاً: رَأْسُ الْجَهْلِ مُعَادَاةُ النَّاسِ. سرآغاز نادانی، دشمنی با مردم است. (تصنيف غرر الحكم و درر الکلم، ج ۴، ص ۵۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرُ الْمُؤْمِنِ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ وَ أَمِنْ كَيْدِهِ؛ هر کس امر به معروف کند به مؤمن نیرو می بخشد و هر کس نهی از منکر نماید بینی منافق را به خاک مالیده و از مکر او در امان می ماند. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۵۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُ امْرِئٍ حَتَّىٰ يُحِبَّ مَنْ أَحَبَّ اللَّهُ وَ يُبْغِضُ مَنْ أَبْغَضَ اللَّهُ؛ إِيْمَانٌ هِيَ كَسْ كَامِلٌ نَمِي شُود مَگر هَر كِه رَا خُدا دُوست دَارَد دُوست دَاشْتِه بَاشَد وَ آن كِه رَا خُدا دُشْمَن دَارَد دُشْمَن دَاشْتِه بَاشَد. (شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۸، ص ۵۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ يُوْجِبُ أَلِيْمَ الْعِقَابِ؛ دَل بَسْتِگی بِه دُنیا، عَقْل رَا فَاسَد مِی كُنَد، قَلْب رَا اَز شَنِیدَن حَكْمَت نَاتَوَان مِی سَازَد وَ بَاعْث عَذَاب دَر دَنَاك مِی شُود. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۲، ص ۴۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَدْعُ النَّفْسِ عَنْ زَخَارِفِ الدُّنْيَا ثَمَرَةُ الْعَقْلِ؛ دُورِی اَز تَجَمُّلَات دُنیا مِیوَه عَقْل اسْت. (تصنيف غررالحکم و درر الکلم ص ۲۴۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَ لَمْ يُصِبْ صَاحِبُهَا مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصًا عَلَیْهَا وَ لَهْجًا بِهَا وَ لَنْ يَسْتَغْنَىٰ صَاحِبُهَا بِمَا نَالَ فِيْهَا عَمَّا لَمْ يَبْلُغْهُ مِنْهَا؛ بَرَاستی كِه دُنیا آدَمِی رَا بِه كَلِی سَرگَرَم خُود مِی سَازَد وَ دُنیا پَرست بِه چِیزِی اَز آن نَرَسَد، مَگر آن كِه بَاب حَرَص وَ شِیْفَتِگی بِه آن بَر رُویْش گِشُودِه شُود وَ بِه آنچِه اَز اِین دُنیا دَسْت یافْتِه اَكْتفا نَمِی كُنَد تَا دَر پِی چِیزِی كِه بَدَسْت نِیاوَرْدِه نَرُود. نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۴۲۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْأَمَلُ كَالسَّرَابِ يَغُرُّ مَنْ رَأَاهُ وَ يَخْلِفُ مَنْ رَجَاهُ. آرزو چُون سَرَاب اسْت، بِنِنْدِه رَا فَرِیْب دَاَدِه وَ اَمِیدوَار رَا مَایُوس مِی كُنَد. (تصنيف غررالحکم و درر الکلم ص ۳۱۲، ج ۷۲۰۷)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِبْنُ آدَمَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ أَيْسَرَ مَا فِيْهَا يَكْفِيكَ وَ إِنْ كُنْتَ إِنْمَا تُرِيدُ مَا لَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ كُلَّ مَا فِيْهَا لَا يَكْفِيكَ. اِی فَرزَنَد آدَم، اِگر اَز دُنیا بَقْدَر كَفَايَت بَخْوَاهِی اَنْدَكِی اَز دُنیا تُو رَا كَفَايَت مِی كُنَد وَ اِگر بَیْش اَز كَفَايَت بَخْوَاهِی هَمِه دُنیا هَم تُو بَس نَبَاشَد. (كافي ط - الاسلاميه) ج ۲، ص ۱۳۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَانَ فِيْهِ ثَلَاثٌ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ: يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْتَهِي بِه وَ يَنْتَهِي عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَنْتَهِي عَنْهُ وَ يُحَافِظُ عَلَىٰ حُدُودِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَلا؛ هَر كَس سِه خَصْلَت دَاشْتِه بَاشَد، دُنیا وَ آخِرْتَش سَالِم مِی مَانَد: بِه خُوبِی فَرْمَان دِهَد وَ خُود بِه آن عَمَل كُنَد، اَز زَشْتِی باز دَارَد وَ خُود اَز آن باز اِیْسَتَد وَ اَز حُدُود اِلهِی پَاسداری كُنَد. (تصنيف غررالحکم و درر الکلم ص ۳۳۲، ج ۷۶۴۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَفْضَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ تَقْدِيرًا لِمَعَاشِيهِ وَ أَشَدُّهُمْ اِهْتِمَامًا بِاصْلَاحِ مَعَادِهِ؛ عَاقِل تَرِین مَرْدَم كَسِی اسْت كِه دَر اَمُور زَنْدَگِیْش بَهِتَر بَرنامِه رِیزِی كُنَد وَ دَر اَصْلَاحِ آخِرْتَش بَیْشْتَر هَمَّت نَمَايَد. (تصنيف غررالحکم و درر الکلم ص ۵۲)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَّمَهُ وَ جَعَلَهُ نَصْرَهُ وَ نَاصِرَهُ. وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِه؛ دَر حَقِیْقَت خُداوَنَد جِهَاد رَا وَاجِب گَرْدَانِید وَ آن رَا بَزْرگدَاشْت وَ مایِه پِیروزِی وَ یَاوَر خُود قَرارَش دَاد. بِه خُدا سُوگَنْدکار دُنیا وَ دِین جَز بَا جِهَاد دَرَسْت نَمِی شُود. (وسائل الشیعه ج ۱۵، ص ۱۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا أَصْغَرُ وَأَحَقَرُّ وَأَنْزَرُ مِنْ أَنْ تُطَاعَ فِيهَا الْحَقَادُ؛ دُنْيَا كُوجَكْ تَر و حَقِير تَر و ناچیز تر از آن است که در آن از کینه ها پیروی شود. (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۸۰۴)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثٌ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ: يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَأْتُمِرُ بِهِ وَيُنْهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُنْتَهِي عَنْهُ وَيُحَافِظُ عَلَىٰ حُدُودِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَلا؛ هر کس سه خصلت داشته باشد، دنیا و آخرتش سالم می ماند: به خوبی فرمان دهد و خود به آن عمل کند، از زشتی باز دارد و خود از آن باز ایستد و از حدود الهی پاسداری کند. (تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۳۳۲، ح ۷۶۴۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَوَابُ الْآخِرَةِ يَنْسِي مَشَقَّةَ الدُّنْيَا. پاداش آخرت، رنج و سختی دنیا را از یاد می برد. (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم ج ۷، ص ۱۴۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»: لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَقُوَّتَكَ وَفَرَاغَكَ وَشَبَابَكَ وَنَشَاظَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْخِرَةَ؛ درباره آیه سهم خود را از دنیا فراموش مکن: [یعنی] سلامتی، توانایی، فرصت، جوانی و شادابی ات را فراموش مکن، تا با آنها، آخرت را به دست آوری. وسایل الشیعه ج ۱، ص ۹۰ - مجموعه ورام ج ۲، ص ۱۶۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ صَدُوقُ اللِّسَانِ بَذُولُ الْحَسَنِ؛ مؤمن بسیار راستگو و بسیار نیکوکار است. (تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۸۹، ح ۱۵۲۱ - شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۹، ح ۱۵۹۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَقْوُزُ بِالْجَنَّةِ إِلَّا مَنْ حَسُنَتْ سَرِيرَتُهُ وَخَلَصَتْ نِيَّتُهُ؛ به پاداش بهشت نمی رسد مگر آن کس که باطنش نیکو و نیتش خالص باشد. (تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۶۸، ح ۳۳۲۵) ایضا: عِنْدَ فَسَادِ النِّيَّةِ تَرْفَعُ الْبَرْكَةُ؛ هرگاه نیت ها فاسد باشد، برکت از میان می رود. (تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۹۲، ح ۱۶۱۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْعَدُ امْرُؤٌ إِلَّا بِطَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ لَا يَشْقَىٰ امْرُؤٌ إِلَّا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ؛ هیچ کس جز با اطاعت خدا خوشبخت نمی شود و جز با معصیت خدا بدبخت نمی گردد. (تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۱۸۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ أَنْزَلَ كِتَابًا هَادِيًا بَيَّنَّ فِيهِ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ، فَخَذُوا نَهْجَ الْخَيْرِ تَهْتَدُوا وَ أَصْدَفُوا عَنْ سَمْتِ الشَّرِّ تَقْصِدُوا؛ خدای تعالی کتابی راهنما فرستاد و در آن خوب و بد را روشن ساخت. پس راه خوبی را پیش گیرید تا هدایت شوید و از راه بدی دوری جوئید تا به مقصد برسید. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۲۴۲، خطبه ۱۶۷)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شِيعَتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وَلَايَتِنَا، الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا الْمُتَزَاوِرُونَ فِي إِحْيَاءِ أَمْرِنَا الَّذِينَ إِنْ غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَ إِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا، بَرَكَةُ عَلَىٰ مَنْ جَاوَرُوا سَلَامًا لِمَنْ خَالَطُوا؛ شیعیان ما

کسانی اند که در راه ولایت ما بذل و بخشش می کنند، در راه دوستی ما به یکدیگر محبت می نمایند، در راه زنده نگه داشتن امر و مکتب ما به دیدار هم می روند. چون خشمیگین شوند، ظلم نمی کنند و چون راضی شوند، زیاده روی نمی کنند، برای همسایگان شان مایه برکت اند و نسبت به هم نشینان خود در صلح و آرامش اند. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۲۳۶ و ۲۳۷)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يَعْطُ أَحَدًا مِثْلَ هَذَا الْقُرْآنِ؛ خدایوند سبحان هیچ کس را به چیزی چون این قرآن اندرز نداده است. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۲۵۴، خطبه ۱۷۶)
 إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَ إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا؛ فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ. وَ حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ * وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ؛
 فرزند را بر پدر حقی است و پدر را بر فرزند حقی. حق پدر بر فرزند این است که بجز در معصیت خدا، در هر امری از او اطاعت کند. و حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوب بر او بگذارد و او را خوب تربیت کند و قرآن به او بیاموزد. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۴۶، حکمت ۳۹۹)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوا قَلْبَكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ. قَلْبٌ بَعْجَةٌ نُورٍ وَ كَوَچُكٌ، مَانِدٌ زَمِينٍ خَالِيٍّ مِنْ بَذَرٍ وَ غِيَاةٍ اسْت. هر تخمی که در آن افشانده شود، به خوبی می پذیرد و در خود می پرورد. فرزند عزیز، از دوران کودکی تو استفاده نمودم و خیلی زود در پرورش تو قیام کردم، پیش از آنکه دل تربیت پذیرت، سخت شود و مطالب گوناگونی عقلت را اشغال نماید. (نهج البلاغه، فیض الاسلام، نامه ۳۱)
 قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَىٰ دِينِهِ وَ لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولَ أَمَدٍ غَيْبَةٍ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. بدانید آنان که در زمان غیبت حجت خدا در دین خود ثابت مانده و به خاطر طول مدت غیبت منکرش نشوند، روز قیامت با من هم درجه خواهند بود. بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۵۱ ص ۱۰۹)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يَحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ. ازدواج کنید؛ زیرا ازدواج، از سنت رسول خداست و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمود: هر کسی که دوست دارد پیرو سنت من باشد، از سنت من، ازدواج است. (وسائل الشیعة، کتاب النکاح، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱، ح ۶)
 قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنْبَقُ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَىٰ عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ؛ براستی که قرآن ظاهرش زیباست و باطنش عمیق، عجایبش پایان ندارد، اسرار نهفته آن پایان نمی پذیرد و تاریکی های جهل جز بوسیله آن رفع نخواهد شد. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۲۲۳، خطبه ۱۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ تَلَذَّذَ بِمَعَاصِي اللَّهِ أَوْزَنَهُ اللَّهُ ذُلًّا؛ هر که از معصیت خدا لذت ببرد خداوند او را به ذلت می افکند. (تصنيف غررالحکم و دررالکلم ، ص ۱۸۶ ، ح ۳۵۶۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ لَا يَخْلُوَ قَلْبُهُ مِنْ رَجَائِهِ وَخَوْفِهِ؛ کسی که خدای سبحان را می شناسد، شایسته است دلش از بیم و امید به او خالی نباشد. (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم ، ج ۶ ، ص ۴۴۱ ، ح ۱۰۹۲۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزِلُ بِهِمُ النَّقْمُ وَتَزُولُ عَنْهُمْ النِّعْمُ ، فَرَعَوْا إِلَىٰ رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَّاتِهِمْ وَوَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ ، لَرَدَّدَ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ ، وَأَصْلَحَ لَهُمْ كُلُّ فَاسِدٍ؛ اگر مردم به هنگامی که بلاها بر آنان فرود می آمد و نعمت ها از دستشان می رفت، با نیت های خوب و دلی مشتاق به پروردگارشان پناه می بردند، بی گمان هر از دست رفته ای به آنان باز می گشت و هر فاسدی اصلاح می شد. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ، ۲۵۷ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ، ج ۵ ، ص ۱۸۴)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ وَإِنَّ قَلْبَ الْمُنَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ ، لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ ، فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبْدَاهُ وَإِنْ كَانَ شَرًّا وَاوَاهُ وَإِنَّ الْمُنَافِقَ يَتَكَلَّمُ بِمَا أَتَىٰ عَلَىٰ لِسَانِهِ لَا يَدْرِي مَاذَا لَهُ وَمَاذَا عَلَيْهِ؛ زبان مؤمن، در پشت دل اوست و دل منافق، در پشت زبان او، زیرا مؤمن هرگاه بخواهد سخنی بگوید، ابتدا درباره آن می اندیشد، اگر خوب بود اظهارش می کند و اگر بد بود آن را پنهان می دارد. اما منافق هر چه به زبانش آید می گوید، بی آن که بداند چه سخنی به سود او و چه سخنی به زیان اوست. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ، خطبه ۱۷۶ ، ص ۲۵۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ صَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَىٰ أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي وَلَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَىٰ الْمُنَافِقِ عَلَىٰ أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي؛ اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که مرا دشمن بدارد با من دشمنی نمی کند و اگر همه دنیا را به منافق بدهم تا مرا دوست بدارد هیچگاه دوستم نخواهد داشت. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ، ص ۴۷۷ ، حکمت ۴۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَخُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ؛ شادی مومن در رخسار او و اندوهش در دل است. (مجموعه رسایل در شرح احادیثی از کافی ج ۲ ، ص ۲۴۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ يَضَعُ يَدَهُ عَلَىٰ رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحُّمًا لَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مَرَّتْ يَدُهُ عَلَيْهَا حَسَنَةً؛ هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که دست محبت بر سر یتیمی بگذارد، مگر این که خداوند به اندازه هر تار مویی که بر آن دست کشیده است ثوابی برایش بنویسد. (وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۳۷۵ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ، ج ۷۲ ، ص ۴ ، ح ۹)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَتَىٰ غَنِيًّا فَتَوَاضَعَ لَهُ لَغِنَاهُ ذَهَبٌ ثَلَاثًا دِينَةً؛ هر کس در مقابل ثروتمند به خاطر ثروتش تواضع کند دو سوم دینش از بین برود. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ، ص ۵۰۸ ، حکمت ۲۲۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلْمَنِيَّةُ وَ لَا الدِّيَّةُ وَ التَّقْلُّ وَ لَا التَّوَسُّلُ ؛ مَرَكٌ آرَىٰ أَمَّا پستی و خواری هرگز، به اندک ساختن آری اَمَّا دست سوی این و آن دراز کردن هرگز. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۲۱ - نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۴۶، حکمت ۳۹۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَطَفَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ أَذْبَاهُ وَ أَبْلِيَاهُ وَ إِلَى الْمَنَايَا أَذْنِيَاهُ؛ شب و روز بر هر کس بگذرد، او را ادب می کند، فرسوده اش می نماید و به مرگ نزدیکش می سازد. (تصنیف غرر الحکم و دررالکلم ص ۱۳۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَبْلَغُ الْعِظَاتِ الْاعتِبَارُ بِمَصَارِعِ الْأَمْوَاتِ؛ رساترین پندها، عبرت گرفتن از آرامگاه های مردگان است. (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم ج ۲، ص ۴۲۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَجِبْتُ لِمَنْ يَرَى أَنَّهُ يَنْقُضُ كُلَّ يَوْمٍ فِي نَفْسِهِ وَ عُمْرِهِ وَ هُوَ لَا يَتَاهَبُ لِلْمَوْتِ. در شگفتم از کسی که می بیند هر روز از جان و عمر او کاسته می شود، اَمَّا برای مرگ آماده نمی شود. (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم ج ۴، ص ۳۳۶ ح ۶۲۵۳ - تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۱۶۳، ح ۳۱۵۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : خَلَقَ الْأَجَالَ فَأَطَاعَهَا وَ قَصَّرَهَا ، وَ قَدَّمَهَا وَ أَخَّرَهَا ، وَ وَصَلَ بِالْمَوْتِ أَسْبَابَهَا . [خداوند] اجلها (مدت عمرها) را مشخص ساخته، برخی را کوتاه و برخی را دراز گردانید و پاره ای را پس و برخی را پیش انداخت و عوامل آنها را به مرگ ، پیوند داد (موجبات به سرآمدن اجل را فراهم آورد). (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۱۳۴، خطبه ۹۱) ایضاً : لَا شَيْءَ أَصْدَقُ مِنَ الْأَجْلِ . چیزی راست تر از اجل (مرگ) نیست. (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۱۰۶۴۸) ایضاً : نِعَمَ الدَّوَاءِ الْأَجْلُ . خوب دارویی است اجل. (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم ج ۶، ص ۱۶۰، ح ۹۹۰۵) ایضاً : نَفْسُ الْمَرءِ خُطَاؤه إِلَى أَجَلِهِ . نفسهای آدمی گامهای او به سوی مرگ است. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۴۸۰، حکمت ۷۴) ایضاً : كَفَى بِالْأَجْلِ حَارِسًا . نگهبانی اجل، کافی است. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۲۹، ح ۳۰۶) ایضاً : الْأَجْلُ حِصْنٌ خَصِينٌ . اجل ، دژی استوار است. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۱۶۱، ح ۳۱۱۱ - شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۴۹۴)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَّمَهُ وَ جَعَلَهُ نَصْرَهُ وَ نَاصِرَهُ. وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ؛ در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگداشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد. به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی شود. (الکافی (ط-الاسلامیه) ج ۵، ص ۸ - وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ يَكُونُ غَدًا جِيفَةً؛ در شگفتم از شخص متکبر، که دیروز نطفه ای بوده و فردا لاشه ای است. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۴۹۱، حکمت ۱۲۶)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكُمْ وَالدِّينَ ، فَإِنَّهُ هُمُ بِاللَّيْلِ وَ ذُلُّ بِالنَّهَارِ . از گرفتن نسیه و قرض ، خود را برهانید، چون که سبب غم و اندوه شبانه و ذلّت و خواری در روز خواهد گشت . (وسائل الشیعة : ج ۱۸، ص ۳۱۶، ح ۲۳۷۵۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ اءُنْتَنَ اءَهْلُ الْقِيَامَةِ، تَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ مِنْ دَوَابِّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ . آن عالم و دانشمندی که علم خود را - در بیان حقایق - برای دیگران کتمان کند، روز قیامت با بدترین بوها محشور می شود و مورد نفرت و نفرین تمام موجودات قرار می گیرد. (وسائل الشیعة : ج ۱۶، ص ۲۷۰، ح ۲۱۵۳۹)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا كُمَيْلُ، قُلِ الْحَقَّ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ، وَوَادِدِ الْمُتَّقِينَ، وَاهْجُرِ الْفَاسِقِينَ، وَجَانِبِ الْمُنَافِقِينَ، وَلَا تُصَاحِبِ الْخَائِنِينَ . در هر حالتی حق را بگو و مدافع آن باش ، دوستی و معاشرت با پرهیزگاران را ادامه ده ، و از فاسقین و معصیت کاران کناره گیری کن ، و از منافقان دوری و فرار کن ، و با خیانتکاران همراهی و هم نشینی منما. (تحف العقول : ص ۱۲۰، بحارالانوار: ج ۷۷، ص ۲۷۱، ح ۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ. ضمن سفارشی به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: پیش از آن که بخواهی مسافرت بروی ، رفیق مناسب راه را جویا باش ، و پیش از آن که منزلی را تهیّه کنی همسایگان را بررسی کن که چگونه هستند. (بحارالانوار: ج ۷۶، ص ۱۵۵، ح ۳۶، و ص ۲۲۹، ح ۱۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اعْظَمَ الْحَسَرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالاً فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَوَرِثَهُ رَجُلٌ فَانْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ وَ دَخَلَ الْأَوَّلُ بِهِ النَّارَ. روز قیامت بزرگترین افسوس افسوس مردی است که مالی را به ناروا گرد آورده به دوزخ رود و آن مال را برای کسی به ارث گذارد که در طاعت خداوند سبحان خرجش نموده به بهشت رود. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۵۲، حکمت ۴۲۹)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي إِصْلَاحِهَا سَعِدَ، مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ فِي لَذَاتِهَا شَقِيَ وَ بَعُدَ؛ هَر كَسْ بَرَايِ إِصْلَاحِ خُود، خُويشتن رَا بَهِ زحمت بيندازد، خوشبخت مي شود هر كس خود رَا در لذتها رها كند، بدبخت مي گردد و بي بهره مي ماند. (شرح آقا جمال الدين خوانساري بر غرر الحكم و درالكلم ج ۵، ص ۲۵۸، ح ۸۲۴۶ و ح ۸۲۴۷)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَسْعَدُ امْرُؤٌ إِلَّا بِطَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ لَا يَشْقَى امْرُؤٌ إِلَّا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ؛ هِيچ كس جز با اطاعت خدا خوشبخت نمي شود و جز با معصيت خدا بدبخت نمي گردد. (تصنيف غرر الحكم و درالكلم ص ۱۸۳ ح ۳۴۶۹)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكُمْ وَ الْعُلُوَّ فِينَا قُولُوا إِنَّا عَبِيدٌ مَرْبُوبُونَ وَ قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ. درباره ما غلو نکنید، ما را بندگان پرورش یافته (حق تعالی) بدانید آنگاه در فضیلت ما هر چه خواستید بگویید. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۱۰، ص ۹۲ - خصال ج ۲، ص ۶۱۴)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَىٰ دِينِهِ وَ لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لِطَوْلِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. بدانید آنان که در زمان غیبت حجت خدا در دین خود ثابت مانده و به خاطر طول مدت غیبت منکرش نشوند، روز قیامت با من هم درجه خواهند بود. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۵۱ ص ۱۰۹)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : طَيِّبٌ دَوَازِ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى (أَمْضَى) مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمِي وَ آذَانٍ صُمٍّ وَ أَلْسِنَةٍ بُكِمٍ، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ...؛ در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: پزشکی است که با دانش خود، همواره میان مردم می گردند، مرهم هایش را به خوبی فراهم و ابزار کارش را آماده کرده و آنها را هر جا که لازم باشد، از دل‌های کور و گوش‌های کر و زبان‌های گنگ به کار می برد. غفلت گاه‌ها و جایگاه‌های حیرت را جستجو و با داروی خود آنها را درمان می کند. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۱۵۶، خطبه ۱۰۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ذِكْرُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءٌ مِنَ الْعِلَلِ وَ الْأَسْقَامِ وَ وَسَوَاسِ الرَّيْبِ . یاد ما اهل بیت شفا بخش بیماریها و ناخوشی‌ها و درمانگر وسوسه شک است. (خصال ج ۲، ص ۶۲۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ لَا بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْتَ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدِي أُمِّهِ. به خدا سوگند که انس پسر ابوطالب به مرگ از انس کودک به پستان مادرش بیشتر است. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۲، خطبه ۵ {شبییه این حدیث در نزهه الناظر و تنبیه الخاطر ص ۵۶})

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ حَقِيقَةَ السَّعَادَةِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالسَّعَادَةِ وَ إِنَّ حَقِيقَةَ الشَّقَاءِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالشَّقَاءِ؛ برآستی که حقیقت خوشبختی آن است که پایان کار انسان خوشبختی باشد و حقیقت بدبختی آن است که کار انسان به بدبختی خاتمه یابد. (معانی الأخبار ص ۳۴۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلْتَوْفِيقُ مِنَ السَّعَادَةِ وَ الْخِذْلَانُ مِنَ الشَّقَاوَةِ؛ توفیق [انجام کار نیک] از خوشبختی و بی توفیقی از بدبختی است. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۱۲، ح ۷۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَسْعَدُ أَحَدٌ إِلَّا بِإِقَامَةِ حُدُودِ اللَّهِ وَ لَا يَشْقَى أَحَدٌ إِلَّا بِإِضَاعَتِهَا؛ هیچ کس جز با اجرای حدود و احکام خدا خوشبخت نمی شود و جز با ضایع کردن آن بدبخت نمی گردد. (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۶۷، ح ۳۲۹۴)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ أَسْعَدَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا مَنْ عَدَلَ عَمَّا يَعْرِفُ ضُرَّهُ، وَإِنَّ أَشْقَاهُمْ مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ؛ خوشبخت ترین مردم در دنیا، کسی است که از آنچه می داند برایش زیان آور است دوری کند و

بدبخت ترین آنان کسی است، که از هوای نفس خود پیروی کند. (وقعه صفین) (نصر بن مزاحم) ص ۱۰۸)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلٌ عَلَىٰ ضَعْفِ عَقْلِهِ . فخر کردن انسان به خودش ، نشانه کم عقلی او می باشد. (اصول کافی : ج ۱ ، ص ۲۷ ، بحارالانوار : ج ۱ ، ص ۱۶۱ ، ح ۱۵)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَعْيُهَا النَّاسُ ، إِتَاكُمُ الْدُّنْيَا ، فَإِنَّهَا رَأَتْكُمْ كُلَّ خَطِيئَةٍ ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ ، وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ . ای گروه مردم ، نسبت به محبت و علاقه به دنیا مواظب باشید ، چون که علاقه و محبت به دنیا اساس هر خطا و انحرافی است ، و دروازه هر بلا و گرفتاری است ، و نزدیک کننده هر فتنه و آشوب ؛ و نیز آورنده هر مصیبت و مشکلی است . (تحف العقول : ص ۱۵۲ ، بحارالانوار : ج ۷۸ ، ص ۵۴ ، ح ۹۷)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَللِّسَانُ سَبْعٌ اِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقَرٌ . زبان ، همچون درنده ای است که اگر آزاد باشد زخم و جراحت (سختی به جسم و ایمان) خواهد زد. (شرح نهج البلاغه عبده : ج ۳ ، ص ۱۶۵)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ اَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ . روز داد خواهی مظلوم بر علیه ظالم سخت تر است از روزی که ظالم ستم بر مظلوم می کند. (شرح نهج البلاغه فیض الاسلام : ص ۱۱۹۳)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ ، وَخَبَرٌ مَا بَعْدَكُمْ ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ . قرآن احوال گذشتگان ، و اخبار آینده را در بردارد ، و شرح وظایف شما را بیان کرده است . (شرح نهج البلاغه فیض الاسلام : ص ۱۲۳۵)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَزَلَ الْقُرْآنُ اَثَلَاثًا ، ثَلَاثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا ، وَثَلَاثٌ سُنَنٌ وَ اَمْثَالٌ ، وَثَلَاثٌ فَرَائِضٌ وَ اَحْكَامٌ . نزول قرآن بر سه قسمت است : يك قسمت آن درباره اهل بیت عصمت و طهارت ؛ و دشمنان و مخالفان ایشان ؛ و قسمت دیگر آن ، اخلاقیات و ضرب المثلها ؛ و قسمت سوّم در بیان واجبات و احکام الهی می باشد. (اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۶۲۷ ، ح ۲)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ ، وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ . مؤمن آن کسی است که خود را به جهت رفاه مردم در زحمت بیندازد و دیگران از او در امانیت و آسایش باشند. (بحارالانوار : ج ۷۵ ، ص ۵۳ ، ح ۱۰)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ ، فَجِهَادُ الرَّجُلِ بِذُلِّ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ اَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ اَذَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ . خداوند جهاد را بر مردان و زنان لازم دانسته است . پس جهاد مرد ، آن است که از مال و جانش بگذرد تا جایی که در راه خدا کشته و شهید شود. و جهاد زن آن است که در مقابل زحمات و صدمات شوهر و بر غیرت و جوانمردی او صبر نماید. (وسائل الشیعة : ج ۱۵ ، ص ۲۳ ، ح ۱۹۹۳۴)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عُلِمَ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ. در تغییر و دگرگونی حالات و حوادث، فطرت و حقیقت اشخاص شناخته می شود. (شرح نهج البلاغه فیض الاسلام: ص ۱۱۸۳)
 قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ، وَغَدَا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٍ. امروزه - در دنیا - رحمت و فعالیت، بدون حساب است و فردای قیامت، حساب و بررسی اعمال و دریافت پاداش است. (شرح نهج البلاغه ابن عبیده، ج ۱، ک ۴۱)

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكُمْ مَعَاصِي اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. دوری و اجتناب کنید از معصیت های الهی، حتی در پنهانی، پس به درستی که خداوند شاهد اعمال و نیات است؛ و نیز او حاکم و قاضی خواهد بود. (شرح نهج البلاغه ابن عبیده: ج ۳، ص ۳۲۴)

نقل عن أمير المؤمنين (عليه السلام): أنه رأى جابر بن عبد الله - رضي الله عنه - وقد تنفس الصعداء فقال عليه السلام: يا جابر على م تنفسك أعلى الدنيا؟ فقال جابر: نعم، فقال (عليه السلام) له: يا جابر ملاذ الدنيا سبعة: المأكول والمشروب والملبوس والمنكوح والمركوب والمشموم والمسموع، فألذُّ المأكولات العسل وهو بصدق من ذبابة، وأحلى المشروبات الماء، وكفى بإباحته وسباحته على وجه الأرض، وأعلى الملبوسات الديباج وهو من لعب دودة، وأعلى المنكوحات النساء وهو مبال في مبال، ومثال لمثال، وإنما يراد أحسن ما في المرأة لأقبح ما فيها، وأعلى المركوبات الخيل وهو قوائل، وأجل المشمومات المسك وهو دم من سرّة دابة، وأجل المسموعات الغناء والترنم وهو إثم، فما هذه صفته لم يتنفس عليه عاقل. روزی جابر بن عبدالله انصاری خدمت امام علی علیه السلام بود و آه عمیقی کشید. امام فرمود: گوئی برای دنیا، اینگونه نفس عمیق و آه طولانی کشیدی؟ جابر عرض کرد: آری بیاد روزگار و دنیا افتادم و از ته قلبم آه کشیدم. امام فرمود: ای جابر، تمام لذتها و عیشها و خوشیهای دنیا در هفت چیز است: خوردنیها و آشامیدنیها و شنیدنیها و آمیزش جنسی و سواری و لباس. اما لذیذترین خوردنی عسل است که آب دهان حشره ای به نام زنبور است. گواراترین نوشیدنیها آب است که در همه جا فراوان است. بهترین شنیدنیها غناء و ترنم است که آن هم گناه است. لذیذترین بوئیدنیها بوی مشک است که آن خون خشک و خورده شده از ناف یک حیوان (آهو) تولید می شود. عالیترین آمیزش، با همسران است و آن هم نزدیک شدن دو محل ادرار است. بهترین مرکب سواری اسب است که آن هم (گاهی) کشنده است. بهترین لباس ابریشم است که از کرم ابریشم به دست می آید. دنیائی که لذیذترین متاعش این طور باشد انسان خردمند برای آن آه عمیق نمی کشد. جابر گوید: سوگند به خدا بعد از این موعظه دنیا در قلبم راه نیافت. (بحار الأنوار العلامة المجلسی ج ۷۵ / ص ۱۱)

خلاصه حالات سؤمین معصوم حضرت زهرا علیها سلام

ولادت با سعادت آن بانوی نمونه و مجلله . بنابر مشهور، روز جمعه ، بیستم ماه جمادی الثانی سال پنجم بعثت ، سه سال پس از جریان معراج در شهر مکه معظمه واقع شد؛ و جهان ظلمانی را به نور مقدس خود روشن نمود.

و چون آن حضرت به دنیا آمد تنی چند از زنان بهشتی با ظرف هائی از آب کوثر در کنار بستر خدیجه حضور یافته و نوزاد را غسل دادند.

پس از آن ، نوزاد لب به سخن گشود و اظهار داشت :

(اشهد ان لا اله الا الله ، و ان ابی رسول الله سید الانبیاء، و ان بعلی سید الاوصیاء، و ولدی سادة الا سباط).

و سپس نام یکایک آن زنان بهشتی را به زبان آورد؛ و بر هر يك سلام نمود.

نام : فاطمه ، زهراء، صلوات الله و سلامه علیها.

کنیه : اُمّ اءیبها، اُمّ الائمه ، اُمّ الحسین و

لقب : سیده نساء العالمین ، بضعة الرسول ، بتول ، صدیقه ، راضیه ، مرضیه ، مبارکه ، طاهرة ، مطهّره ، عذراء ، زکیه ، محدّثه ، صفیه ، سیده ، عابده ، مظلومه ، حکیمه ، حلیمه ، تقیه ، حبیبه ، کاظمه ، رؤوفه و... و هر يك از لقب ها، اشاره به بعضی از کمالات و صفات حسنه مخصوص آن بانوی مکرمه خواهد بود.

پدر : حضرت محمد، پیامبر عظیم القدر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد.

مادر : خدیجه دختر خویلد، اولین زنی که به وحدانیت خداوند و نیز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد و همراه آن حضرت نماز جماعت خواند؛ و تمام ثروت خود را که یکی از ثروتمندان مهم بوده است برای ترویج دین اسلام در اختیار همسرش ، حضرت رسول قرار داد. خادمه آن حضرت : فضّه نام داشت که خود دارای فضائل و مناقبی است ، از آن جمله این که حافظ تمام قرآن بود.

نقش انگشتر حضرت : (اَمِنْ الْمُتَوَسِّلُونَ) بوده است .

حضرت زهراء سلام الله علیها کوچکترین فرزند خانواده و تنها یادگار حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود. آن بانوی بزرگوار، بسیار مورد تکریم و احترام خاص پدرش رسول گرامی اسلام قرار می گرفت و حتّی بارها هنگام ورود جلوی پایش بلند می شد و پیشانی او را می بوسید و می فرمود: فاطمه از من است و من از اویم ، پدرش فدایش باد، هر که فاطمه را خوشنود نماید مرا خوشنود کرده ، و هر که او را ناراحت نماید مرا ناراحت کرده است و

در بسیاری از روایات آمده است : حضرت زهراء سلام الله عليها، در طول مدّت عمر پر برکت خود، هیچ گاه خون حیض و یا خون نفاس مشاهده ننمود؛ و بر خلاف دیگر زن ها همیشه پاک و پاکیزه بود و به همین جهت است که آن حضرت را طاهره و مطهره نامیده اند.

در سنین هشت سالگی از شهر مکه معظمه به سوی شهر مدینه منوره مهاجرت نمود. در مورد زمان ازدواج حضرت زهراء سلام الله عليها بین مورّخین و محدّثین اختلاف نظر است ؛ ولی مشهور آن است که حضرت در سنین ده سالگی به ازدواج امیرالمؤمنین ، امام علی علیه السلام در آمد، که در ماه مبارک رمضان نامزدی و خطبه نکاح واقع شد؛ و در ماه ذی الحجه مراسم عروسی انجام گرفت .

در مدّت عمر آن حضرت نیز بین تاریخ نویسان و راویان حدیث اختلاف نظر است ، ولی مشهور عمر مبارک حضرت را بین ۱۸ تا ۲۵ سال گفته اند.

همچنین در این که آن بانوی مکرمه چند روز پس از شهادت پدر گرامیش ، دار فانی را وداع گفت و به شهادت رسید، در کتاب های تاریخ و حدیث ، مابین چهل روز تا شش ماه آمده است ، ولی معروف بین ۷۵ تا ۹۵ روز گفته شده است .

لیکن مشهور سیزدهم جمادی الاول و یا سوّم جمادی الثانی ، سال دهم هجری قمری را گفته اند. (به ترتیب ، مطابق بیست و هشتم مرداد، و یا هفدهم شهریور، سال دهم هجری شمسی خواهد بود) علّت رحلت و شهادت آن مظلومه تاریخ : مصیبت ها و شکنجه های دردناکی بوده است که پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، توسط افراد معلوم الحال بر آن حضرت وارد ساختند که تاریخ ، آنها را ثبت نموده است .

به طوری که حضرت پس از پدرش هیچ گاه خندان و شادمان دیده نشد، بلکه مرتّب گریان و ناراحت بود تا جایی که یکی از چهار گریه کنندگان عالم به حساب آمده است .

آن حضرت اوّلین فردی بود که در اسلام ، برایش توسط اءسماء بنت عمیس ، با تقاضای خود حضرت تابوت ساخته شد، به جهت آن که حتّی پس از وفاتش حجم بدن مقدّسش مورد دید افراد قرار نگیرد. مراسم غسل و کفن و دفن ، همچنین نماز بر جنازه مطهر آن حضرت توسط همسرش ، امام علی علیه السلام و برخی دیگر از نزدیکان خاصّ، شبانه انجام گرفت .

و محلّ قبر آن حضرت تا هنگام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از چشم همگان مخفی و پنهان بوده و خواهد بود.

فرزندان : حضرت دارای سه فرزند پسر به نام های : امام حسن ، امام حسین ، محسن ؛ و دو دختر به نام های : حضرت زینب و امّ کلثوم علیهم السلام بوده است .

نماز آن حضرت : دو رکعت است ، در رکعت اوّل پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه سوره قدر، و در رکعت دوّم صد مرتبه سوره توحید خوانده می شود.

و پس از سلام نماز، تسبیحات آن حضرت ؛ و سپس صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش سلام الله علیهم فرستاده می شود.

و بعد از آن حوائج و خواسته های مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال در خواست نماید.
(ولادت و دیگر حالات حضرت زهراء سلام الله علیها بر گرفته شده است از: الشيعة : ج ۱، مناقب ابن شهر آشوب : ج ۱، بحار الانوار: ج ۴۳ و ۴۴، عیون المعجزات شیخ حسین عبدالوهاب ، کشف الغمّة : ج ۱، انساب الاشراف : ج ۲، تهذیب الاحکام : ج ۶، اعلام الوری : ج ۱، مجموعه نفیسه ، تاریخ اهل البيت علیهم السلام ، تذکرة الخواصّ، الفصول المهمّة ، ینابیع المودّة ، فاطمة الزّهراء سلام الله علیها، دلائل الامامة و...))

احادیث از حضرت صدیقه کبری فاطمه الزهراء علیها سلام

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنَّ السَّعِيدَ، كُلَّ السَّعِيدِ، حَقُّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ هَمَانَا سَعَادَتُمُنْد (به معنای) کامل و حقیقی کسی است که امام علی (ع) را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد. (امالی (صدوق) ص ۱۸۲)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِذَا حَشَرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَرْفَعُ هَذَا إِلَى يَدِي وَأُشْفِعُ فِي عَصَا أُمِّ أَبِي. آن گاه که در روز قیامت برانگیخته شوم، دستم را بلند میکنم گناهکاران امت پدرم را شفاعت خواهم کرد. (عوالم العلوم و المعارف ج ۱۱، ص ۴۵۱)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : قَارِئُ الْحَدِيدِ، وَ إِذَا وَقَعْتُ، وَ الرَّحْمَنُ، يَدْعِي فِي الْمَلَكَاتِ السَّمَوَاتِ، سَاكِنِ الْفَرْدَوْسِ؛ تِلَاوَتِ كُنْدَةِ سُورَةِ حَدِيدٍ وَ وَاقِعِهِ وَ الرَّحْمَنِ فِي آسْمَانِهَا أَهْلُ بَهْشْتِ خَوَانْدَه مِی شُونَد. (عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیه السلام) ج ۱۱، قسم ۲، حضرت فاطمه سلام الله علیها، ص ۹۱۵)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِذَا حَشَرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَرْفَعُ هَذَا إِلَى يَدِي وَأُشْفِعُ فِي عَصَا أُمِّ أَبِي. آن گاه که در روز قیامت برانگیخته شوم، دستم را بلند میکنم گناهکاران امت پدرم را شفاعت خواهم کرد. (عوالم العلوم و المعارف ج ۱۱، ص ۴۵۱)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : نَحْنُ وَسَيَلَّتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ. ما اهل بیت پیامبر وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم، ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می باشیم، ما حجت و راهنما خواهیم بود؛ و ما وارثان پیامبران الهی هستیم. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۶، ص ۲۱۱)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَهُوَ الْإِمَامُ الزَّيْنِيُّ، وَالْهَيْكَلُ النُّورَانِي، قُطْبُ الْإِقْطَابِ، وَسُلَالَةُ الْأَطْيَابِ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نَقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ. در تعریف امام علی علیه السلام فرمود: او پیشوای الهی و ربانی است، تجسم نور و روشنائی است، مرکز توجه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای حَقِّگو و هدایتگر است، او مرکز و محور امامت و رهبریّت است. (ریاحین الشریعة: ج ۱، ص ۹۳)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَعْبَوْا هَذِهِ الْأُمَّةَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ، يُقِيمَانِ أَعْوَدَهُمْ، وَ يُنْقِذَانِ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا، وَ يُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَاَقَفُوهُمَا. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، والدین این امت هستند، چنانچه از آن دو پیروی کنند آن ها را از انحرافات دنیوی و عذاب همیشگی آخرت نجات می دهند؛ و از نعمت های متنوع و وافر بهشتی بهره مندشان می سازند. (تفسیر الامام العسکری علیه السلام: ص ۳۳۰، ج ۱۹۱، بحارالانوار: ج ۲۳، ص ۲۵۹، ح ۸)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَنْ أَعْصَدَ إِلَيَّ اللَّهُ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ. هرکس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت ها و برکات خود را برای او تقدیر می نماید. (تنبيه الخواطر معروف به مجموعة ورام : ص ۱۰۸ و ۴۳۷، بحار: ج ۶۷، ص ۲۴۹، ح ۲۵)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ. همانا حقیقت و واقعیّت تمام سعادت ها و رستگاری ها در دوستی علیّ علیه السلام در زمان حیات و پس از رحلتش خواهد بود. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد: ج ۲، ص ۴۴۹ مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۱۳۲)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِلَهِي وَ سَيِّدِي ، أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ، وَ بِكُفٍّ وَلَدَيَّ فِي مُفَارَقَتِي أَعَنْ تَغْفِرَ لِعَصَاةِ شِيعَتِي ، وَ شِيعَةِ ذُرِّيَّتِي . خداوندا، به حقّ اولیاء و مقربانی که آن ها را برگزیده ای ، و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان ، از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی . (کوکب الدرر: ج ۱، ص ۲۵۴)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كُلِّ مُحِبِّينَا وَ مَوَالِي أَوْلِيَانِنَا وَ مُعَادِي أَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا. شیعیان و پیروان ما، و همچنین دوستداران اولیاء ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند، نیز آن هائی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود. (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۱۵۵، س ۲۰، ضمن ح ۱۱)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَاللَّهِ يَابْنَ الْخَطَابِ لَوْ لَا إِنْ نِيَّ أَعْزُهُ أَعَنْ يُصِيبَ الْبَلَاءُ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، لَعَلِمْتُ أَنِّي سَاءُ قَسِمٌ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ أَعْزُهُ سَرِيعَ الْإِجَابَةِ. حضرت به عمر بن خطاب فرمود: سوگند به خداوند، اگر نمی ترسیدم که عذاب الهی بر بی گناهی ، نازل گردد؛ متوجه می شدی که خدا را قسم می دادم و نفرین می کردم . و می دیدی چگونه دعایم سریع مستجاب می گردید. (اصول کافی : ج ۱، ص ۴۶۰، بیت الا حزان : ص ۱۰۴، بحارالانوار: ج ۲۸، ص ۲۵۰، ح ۳۰)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَاللَّهِ، لَا كَلَمَتَكَ أَعْبَدُ، وَاللَّهِ لَا دُعُونَ اللَّهَ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَوةٍ. پس از ماجرای هجوم به خانه حضرت ، خطاب به ابوبکر کرد و فرمود: به خدا سوگند، دیگر با تو سخن نخواهم گفت ، سوگند به خدا، در هر نمازی تو را نفرین خواهم کرد. (صحیح مسلم : ج ۲، ص ۷۲، صحیح بخاری : ج ۶، ص ۱۷۶)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنْ نِيَّ إِشْهَادُ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتُهُ، أَعْنِكُمَا أَسْخَطْتُمَانِي ، وَ مَا رَضَيْتُمَانِي ، وَ لَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ لَا شُكُوكُكُمْ إِلَيْهِ. هنگامی که ابوبکر و عمر به ملاقات حضرت آمدند فرمود : خدا و ملائکه را گواه می گیرم که شما مرا خشنام کرده و آزرده اید، و مرا راضی نکردید، و چنانچه رسول

خدا را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را خواهم کرد. (بحارالانوار: ج ۲۸، ص ۳۰۳، صحیح مسلم: ج ۲، ص ۷۲، بخاری: ج ۵، ص ۵)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : لَا تُصَلِّ عَلَيَّ أُمَّةٌ تَقْضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ، وَ ظَلَمُوا لِي حَقِّي، وَاءْخَذُوا إِزْثِي، وَخَرَقُوا صَحِيفَتِي الَّتِي كَتَبَهَا لِي أَبِي بِمُلْكِكَ فَذَكَ . افرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام شکستند، و در حق من ظلم کرده و ارثیه ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگذارند. (بیت الاحزان: ص ۱۱۳، کشف الغمّة: ج ۲، ص ۴۹۴)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِيَّاكُمْ عَنِّي ، فَلَا عُذْرَ بَعْدَ غَدِيرِكُمْ، وَالْأَمْرُ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ، هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِكُمْ لِأَحَدٍ عُذْرًا. خطاب به مهاجرین و انصار کرد و فرمود: از من دور شوید و مرا به حال خود رها کنید، با آن همه بی تفاوتی و سهل انگاری هایتان، عذری برای شما باقی نمانده است. آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت؟ (خصال: ج ۱، ص ۱۷۳، احتجاج: ج ۱، ص ۱۴۶)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : جَعَلَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نِمْاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيْتًا لِأَخْلَاصٍ، وَ الْحَجَّ تَثْبِيْتًا لِلدِّينِ. خداوند سبحان، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهی ها و شقاوت ها قرار داد. و نماز را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود. و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین نمود. و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست. و حج را برای استحکام اساس شریعت و بناء دین اسلام واجب نمود. (ریاحین الشریعة: ج ۱، ص ۳۱۲، فاطمة الزهراء علیها السلام: ص ۳۶۰، قطعه ای از خطبه طولانی و معروف آن مظلومه در جمع مهاجرین و انصار)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهْدٌ إِلَيَّ وَ حَدَّثَنِي أَنَّ أَوَّلَ أَهْلِهِ لَحُوقًا بِهِ وَلَا بُدَّ مِنْهُ، فَاصْبِرْ لَا مَرَالِلَ تَعَالَى وَارْضَ بِقَضَائِهِ. ای ابا الحسن! همسر من همانا رسول خدا با من عهد بست و اظهار نمود: من اوّل کسی هستم از اهل بیتش که به او ملحق می شوم و چاره ای از آن نیست، پس تو صبر نما و به قضا و مقدرات الهی خوشنود باش. (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۲۰۰، ح ۳۰)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ أَوْ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، قُلْتُ لَهَا: فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ؟ قَالَتْ: نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا. هر که بر پدرم رسول خدا و بر من به مدت سه روز سلام کند خداوند بهشت را برای او واجب می گرداند، چه در زمان حیات و یا پس از مرگ ما باشد. (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۸۵، ح ۱۷)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَا صَنَعَ أَبُوالْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ، وَلَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسِبُهُمْ وَطَالِبُهُمْ. آنچه را امام علی علیه السلام نسبت به دفن رسول خدا و جریان بیعت انجام داد، وظیفه الهی او بوده است، و آنچه را دیگران انجام دادند خداوند آن ها را محاسبه و مجازات می نماید. (الا مامة والسياسة: ص ۳۰، بحارالانوار: ج ۲۸، ص ۳۵۵، ح ۶۹)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ. بهترین چیز برای حفظ شخصیت زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد. (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۵۴، ح ۴۸)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَوْصِيكَ يَا أَبَاالْحَسَنِ أَنْ لَا تُتَّسَنَى، وَ تَزُورَنِي بَعْدَ مَمَاتِي. ضمن وصیتی به همسرش اظهار داشت: مرا پس از مرگم فراموش نکنی. و به زیارت و دیدار من بر سر قبرم بیائی. (زهرة الرياض كوكب الدرر: ج ۱، ص ۲۵۳)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنِّي قَدِ اسْتَفْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ، إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْئَةِ الثَّوْبُ فَيَصِفُّهَا لِمَنْ رَأَى، فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سِرِّ ظَاهِرٍ، أُسْتَرِّنِي، سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ. در آخرین روزهای عمر پر برکتش ضمن وصیتی به اسماء فرمود: من بسیار زشت و زننده می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه ای روی بدنش تشییع می کنند. و افرادی اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می نمایند. مرا بر تخت و بلانکاردی که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن، خداوند تورا از آتش جهنم مستور و محفوظ نماید. (تهذيب الاحكام: ج ۱، ص ۴۲۹، كشف الغممة: ج ۲، ص ۶۷، بحار: ج ۴۳، ص ۱۸۹، ح ۱۹)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَعْرَاهُ، وَ هُوَ يَشُمُّ الرِّيحَ. مرد نابینائی وارد منزل شد و حضرت زهرا عليها السلام پنهان گشت، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله علت آن را جویا شد؟ در پاسخ پدر اظهار داشت: اگر آن نابینا مرا نمی بیند، من او را می بینم، دیگر آن که مرد، حساس است و بوی زن را استشمام می کند. (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۹۱، ح ۱۶، إحقاق الحق: ج ۱۰، ص ۲۵۸)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَصْبَحْتُ وَ اللَّهُ! عَاتِقَةً لِدُنْيَاكُمْ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ. بعد از جریان غصب فدک و احتجاج حضرت، بعضی از زنان مهاجر و انصار به منزل حضرت آمدند و احوال وی را جویا شدند، حضرت در پاسخ فرمود: به خداوند سوگند، دنیا را آزاد کردم و هیچ علاقه ای به آن ندارم، همچنین دشمن و مخالف مردان شما خواهم بود. (دلائل الامامة: ص ۱۲۸، ح ۳۸، معانی الاخبار: ص ۳۵۵، ح ۲)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنْ كُنْتُ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتُتَّهِى عَمَّا رَجَزْنَاكَ عَنْهُ، قَاءَنْتَ مِنْ شَيْعَتِنَا، وَإِلَّا فَلَا. اگر آنچه را که ما اهل بیت دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم خودداری نمایی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر. (تفسیر الامام العسکری علیه السلام: ص ۳۲۰، ج ۱۹۱)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْإِتْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است: تلاوت قرآن، نگاه به صورت رسول خدا، اتفاق و کمک به نیازمندان در راه خدا. (نهج الحیاة، ج ۱۶۴)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَوْصِيكَ أَوَّلَ أَعْنٍ تَتَزَوَّجُ بَعْدِي بِابْنَةِ أَخْتِي أَمَامَةٍ، فَإِنَّهَا تَكُونُ لَوْلَدِي مِثْلِي، فَإِنَّ الرِّجَالَ لَا يَبْدُ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ. در آخرین لحظات عمرش به همسر خود چنین سفارش نمود: پس از من با دختر خواهرم امامه ازدواج نما، چون که او نسبت به فرزندانم مانند خودم دلسوز و متدین است. همانا مردان در هر حال، نیازمند به زن می باشند. (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۹۲، ج ۲۰، اعیان الشیعة: ج ۱، ص ۳۲۱)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الزَّمْ رَجُلَهَا، فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَعْقَادِمِهَا، وَالزَّمْ رَجُلَهَا فَتَمَّ الْجَنَّةَ. همیشه در خدمت مادر و پای بند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن نعمت های بهشتی خواهد بود. (کنز العمال: ج ۱۶، ص ۴۶۲، ج ۴۵۴۴۳)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ. روزه داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضاء و جوارح خود را کنترل ننماید هیچ سودی از روزه خود نمی برد. (مستدرک الوسائل: ج ۷، ص ۳۳۶، ج ۲، بحارالانوار: ج ۹۳، ص ۲۹۴، ج ۲۵)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الْبُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ، وَ بُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ. تبسم و شادمانی در برابر مؤمن موجب دخول در بهشت خواهد گشت، و نتیجه تبسم در مقابل دشمنان و مخالفان سبب ایمنی از عذاب خواهد بود. (تفسیر الامام العسکری علیه السلام: ص ۳۵۴، ج ۲۴۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۲۶۲، بحارالانوار: ج ۷۲، ص ۴۰۱، ج ۴۳)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : لَا يَلُومَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ، يَبِيتُ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ غَمَرٌ. کسی که بعد از خوردن غذا، دست های خود را نشوید دست هایش آلوده باشد، چنانچه ناراحتی برایش بوجود آید کسی جز خودش را سرزنش نکند. (کنز العمال: ج ۱۵، ص ۲۴۲، ج ۴۰۷۵۹)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : اصْعَدُ عَلَى السَّطْحِ، فَإِنْ رَأَيْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَذَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُو. روز جمعه نزدیک غروب آفتاب به غلام خود می فرمود: بالای پشت بام برو، هر

موقع نصف خورشید غروب کرد مرا خبر کن تا برای خود و دیگران دعا کنم . (دلائل الامامة : ص ۷۱، س ۱۶، معانی الاخبار: ص ۳۹۹، ضمن ح ۹)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَلَا يُبَالِي . هَمَانَا خَدَاوَنَد مُتَعَال تَمَامِي
گناهان بندگان را می آمرزد و از کسی باکی نخواهد داشت . (تفسير التبيان : ج ۹، ص ۳۷، س ۱۶)
قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ . اَوَّلُ بَابٍ فِي فِكْرِ مَشْكَلَاتٍ وَ آسَافِشِ هَمْسَايَةِ وَ
نزدیکان و سپس در فکر خویشتن بود . (علل الشرايع: ج ۱، ص ۱۸۳، بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۸۲، ح ۴)
قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرِ دَابَّتِهِ، وَ صَدْرٍ فَرَّاشِهِ، وَ الصَّلَاةِ فِي مَنْزِلِهِ إِلَّا الْأُمَامَ يَجْتَمِعُ النَّاسُ عَلَيْهِ . هر شخصی نسبت به مرکب سواری ، و فرش منزل خود و برگزاری نماز در
آن از دیگری در اولویت است مگر آن که دیگری امام جماعت باشد و بخواهد نماز جماعت را ایقامه
نماید، نباشد . (مجمع الزوائد: ج ۸، ص ۱۰۸، مسند فاطمه : ص ۳۳ و ۵۲)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَيْتَهُ، ذَكَرْتُ الْمُحَشَّرَ وَوُقُوفَ النَّاسِ عُرَاءَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَاسْوَءَ تَأَهُ
يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ . اظهار داشت : ای پدر، من به یاد روز قیامت افتادم که مردم چگونه در
پیشگاه خداوند با حالت برهنه خواهند ایستاد و فریاد رسی ندارد، جز اعمال و علاقه نسبت به اهل
بیت علیهم السلام . (كشف الغمة : ج ۲، ص ۵۷، بحار الانوار: ج ۸، ص ۵۳، ح ۶۲)
قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِذَا خُشِيتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اءَشْفَعُ عُصَاةَ أُمَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ وَسَلَّمَ . هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم ، خطاکاران امت پیامبر صلی الله علیه
و آله ، را شفاعت می نمایم . (إحقاق الحق: ج ۱۹، ص ۱۲۹)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : فَأَعُوْثُ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَالدُّعَاءِ، فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى
أَنْسِ الْأَحْيَاءِ . ضمن وصیتی به امام علی علیه السلام اظهار نمود: پس از آن که مرا دفن کردی ،
برایم قرآن را بسیار تلاوت نما، و برایم دعا کن ، چون که میت در چنان موقعیتی بیش از هر چیز
نیازمند به انس با زندگان می باشد . (بحار الانوار: ج ۷۹، ص ۲۷، ضمن ح ۱۳)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنِّي لَا سَتَحِي مِنْ إِلَهِي اءِنْ اءَكَلَفَ نَفْسَكَ مَا لَا تُقْدِرُ
عَلَيْهِ . خطاب به همسرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام کرد: من از خدای خود شرم دارم که از تو
چیزی را در خواست نمایم و تو توان تهیه آنرا نداشته باشی . (اءمالی شیخ طوسی : ج ۲، ص ۲۲۸)
قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : خَابَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْ إِبْنَ بَنِي نَبِيِّهَا . رستگار و سعادتمند نخواهند شد
آن گروهی که فرزند پیامبر خود را به قتل رسانند . (مدینه المعاجز: ج ۳، ص ۴۳۰)

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ : ... وَ النَّهْيُ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهَا عَنِ الرِّجْسِ، وَاجْتِنَابُ الْقُذْفِ
حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكُ السَّرَقَةِ إِيْجَابًا لِلْعَقَةِ . خداوند متعال منع و نهی از شرابخواری را جهت پاکی
جامعه از زشتی ها و جنایت ها؛ و دوری از تهمت ها و نسبت های ناروا را مانع از غضب و نفرین قرار

داد؛ و دزدی نکردن ، موجب پاکی جامعه و پاکدامنی افراد می گردد. (ریاحین الشریعة : ج ۱، ص ۳۱۲، فاطمة الزهراء علیها السلام : ص ۳۶۰، قطعه ای از خطبه طولانی و معروف آن مظلومه) قَالَتْ فاطمة الزهراء علیها السلام : (حَرَّمَ اللَّهُ) الشِّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ اعْطِیْوُا اللَّهَ فِیْمَا اَمَرَکُمْ بِهِ، وَ نَهَاکُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ، إِنَّمَا یَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. و خداوند سبحان شرک را (در امور مختلف) حرام گرداند تا آن که همگان تن به ربوبیت او در دهند و به سعادت نائل آیند؛ پس آن طوری که شایسته است باید تقوای الهی داشته باشید و کاری کنید تا با اعتقاد به دین اسلام از دنیا بروید. بنابر این باید اطاعت و پیروی کنید از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده یا از آن نهی کرده است ، زیرا که تنها علماء و دانشمندان (اهل معرفت) از خدای سبحان خوف و وحشت خواهند داشت . (ریاحین الشریعة : ج ۱، ص ۳۱۲، فاطمة الزهراء علیها السلام : ص ۳۶۰، قطعه ای از خطبه طولانی و معروف آن مظلومه) قَالَتْ فاطمة الزهراء علیها السلام : أَمَّا اللَّهُ، لَوْ تَزَكَّوْا الْحَقَّ عَلَى اَهْلِهِ وَاتَّبَعُوا عِزَّةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ، وَلَوْ رَثَّهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ، وَخَلَفٌ بَعْدَ خَلَفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، النَّاسِخُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ . به خدا سوگند، اگر حق یعنی خلافت و امامت را به اهلش سپرده بودند؛ و از عترت و اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم پیروی و متابعت کرده بودند حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی کردند. و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد عجل الله فرجه الشریف ، و صلوات الله علیهم اجمعین می گردید که او نهمین فرزند از حسین علیه السلام می باشد. (الا مامة والتبصرة : ص ۱، بحارالانوار: ج ۳۶، ص ۳۵۲، ح ۲۲۴)

عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: أَتَيْتُ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، فَقُلْتُ: أَيُّنَ بَعْلِكَ؟ فَقَالَتْ (عليها السلام): عَرَجَ بِهِ جِبْرِئِيلُ إِلَى السَّمَاءِ، فَقُلْتُ: فِيمَاذَا؟ فَقَالَتْ: إِنَّ نَفَرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَشَاجَرُوا فِي شَيْءٍ، فَسَأَلُوا حَكَمًا مِنَ الْأَدَمِيِّينَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ تَتَخَيَّرُوا، فَاخْتَارُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام). عبد الله بن مسعود گوید: روزی بر فاطمه زهراء (علیها السلام) وارد شدم و عرضه داشتم: همسرت کجا است؟ فرمود: همراه جبرائیل به آسمان عروج نموده است، گفتم: برای چه موضوعی؟ فرمود: بین عده ای از ملائکه الهی مشاجره ای شده است؛ و تقاضا کرده اند یک نفر از آدم ها بین ایشان حکم و قضاوت نماید؛ و خداوند به ملائکه وحی فرستاد: خودتان یک نفر را انتخاب نمایید؛ و آن ها هم حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را برگزیدند. (اختصاص شیخ مفید: ص ۲۱۳، س ۷، بحارالأنوار: ج ۳۷، ص ۱۵۰، ح ۱۵)

قَالَتْ (عليها السلام): وَهُوَ الْإِمَامُ الزَّيْنِيُّ، وَالْهَيْكُلُ الثُّورَانِي، قُطِبُ الْأَقْطَابِ، وَسُلَالَةُ الْأَطْيَابِ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در تعریف امام علی (علیه السلام)

فرمود: او پیشوائی الهی و ربّانی است، تجسّم نور و روشنائی است، مرکز توجّه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای حقّ گو و هدایتگر است، او مرکز و محور امامت و رهبریت است. (ریاحین الشریعه: ج ۱، ص ۹۳)

قَالَتْ (علیها السلام): أَبُوهَ الْأَمَّةِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ، يُقِيمَانِ أَوْدَهُمَ، وَيُنْقِذَانِ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنَّ أَطَاعُوهُمَا، وَبُيِّحَاحْنَهُمُ النَّعِيمَ الدَّائِمِ إِنَّ وَاقَفُوهُمَا. حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و علی (علیه السلام)، والدین این امت هستند، چنانچه از آن دو پیروی کنند آن‌ها را از انحرافات دنیوی و عذاب همیشگی آخرت نجات می دهند؛ و از نعمت‌های متنوع و وافر بهشتی بهره مندشان می سازند. (تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام): ص ۳۳۰، ح ۱۹۱، بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۲۵۹، ح ۸)

قَالَتْ (سلام الله علیها): إِلَهِي وَ سَيِّدِي، أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ، وَ بَيْكَاءٍ وَلَدَيَّ فِي مُفَارَقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعُصَاةِ شِيعَتِي، وَشِيعَةِ ذُرِّيَّتِي. خداوندا، به حقّ اولیاء و مقرّبانی که آن‌ها را برگزیده ای، و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان، از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی. (کوکب الدّری: ج ۱، ص ۲۵۴)

قَالَتْ (سلام الله علیها): شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلِّ مُجَبِّبِنَا وَ مَوَالِي أَوْلِيَانِنَا وَ مُعَادِي أَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمِ بَقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا. شیعیان و پیروان ما، و همچنین دوستداران اولیاء ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند، نیز آن‌هایی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود. (بحار الأنوار: ج ۶۸، ص ۱۵۵، س ۲۰، ضمن ح ۱۱)

قَالَتْ (سلام الله علیها): وَاللَّهِ يَابْنَ الْخَطَابِ لَوْ لَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُصِيبَ الْبَلَاءُ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، لَعَلِمْتُ أَنِّي سَأُقْسِمُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ أَجِدُهُ سَرِيعَ الْأَجَابَةِ. خطاب به عمر فرمود: ای پسر خطاب! سوگند به خداوند، اگر ناپسند نمی داشتم که عذاب الهی بر بی گناهی، نازل گردد؛ متوجّه می شدم که خدا را قسم می دادم و نفرین می کردم. و می دیدی چگونه دعایم سریع مستجاب می گردید. (اصول کافی: ج ۱، ص ۴۶۰، بیت الأحزان: ص ۱۰۴، بحار الأنوار: ج ۲۸، ص ۲۵۰، ح ۳۰)

قَالَتْ (سلام الله علیها): وَاللَّهِ! لَا كَلَمْتُكَ أَبَدًا، وَاللَّهِ! لَا دَعَوَنَ اللَّهَ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَوةٍ. پس از ماجرای هجوم به خانه حضرت، خطاب به ابوبکر فرمود: به خدا سوگند، دیگر با تو سخن نخواهم گفت، سوگند به خدا، در هر نمازی تو را نفرین خواهم کرد. (صحیح مسلم: ج ۲، ص ۷۲، صحیح بخاری: ج ۶، ص ۱۷۶)

قَالَتْ (سلام الله علیها): إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ، أَنَّكُمْ اسْخَطْتُمَانِي، وَ مَا رَضِيتُمَانِي، وَ لَكِنُّ لَقِيتُ النَّبِيَّ لِأَشْكُونَكُمَا إِلَيْهِ. هنگامی که ابوبکر و عمر به ملاقات حضرت آمدند فرمود: خدا و ملائکه را گواه می گیرم که شما مرا خشمناک کرده و آزرده اید، و مرا راضی نکردید، و چنانچه رسول خدا را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را خواهم کرد. (بحار الأنوار: ج ۲۸، ص ۳۰۳، صحیح مسلم: ج ۲، ص ۷۲، بخاری: ج ۵، ص ۵)

خلاصه حالات چهارمین معصوم ، دّومین اختر امامت امام حسن مجتبی علیه السلام

آن حضرت روز سه شنبه یا پنج شنبه ، پانزدهم ماه مبارک رمضان ، سال سوّم هجری (مطابق با دوازدهم اسفند، سال سوّم شمسی) در شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود.

نام : (حسن) (نام و لقب حضرت بعنوان حسن مجتبی علیه السلام به رقم حروف اءبجد کبیر چنین می شود: ۱۱۸، ۴۴۶)؛ و در تورات (شُبّر) و در انجیل (طاب) می باشد.

کنیه : ابو محمّد.

لقب : مجتبی ، طیب ، سید، ولیّ، تقیّ، حجتّ ، سبط، قائم ، وزیر، امین و

نقش انگشتر: (أَعِزَّةٌ لِلَّهِ).

دربان : دو نفر افتخار درباری و پیش خدمتی حضرت را کسب کردند، که یکی به نام سفینه غلام رسول الله صلی الله علیه و آله ، و دیگری به نام قیس بن عبد الرحمن بوده است .

حضرت در حالی به دنیا آمد که مادرش ، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام دوازده ساله بود (مرحوم سید محسن امین با استفاده از برخی روایات و تواریخ استفاده نموده ، که امام حسن مجتبی علیه السلام شش ماهه متولّد شده است : اءعیان الشّیعة : ج ۱، ص ۵۶۲ - ۵۷۸).

و در هفتمین روز ولادت این نوزاد عزیز پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله دو گوسفند عقیقه نمود، و سپس موی سرش را تراشید و هم وزن آن نقره به فقیر صدقه داد.

امام حسن مجتبی علیه السلام ۲۵ مرتبه پیاده برای انجام مراسم حجّ و زیارت خانه خدا، به مکه معظمه رفت .

و در طیّ دو مرحله ، حضرت تمامی ثروت و اموال خود را بین فقراء و تهی دستان تقسیم نمود.

مدّت امامت : اوّلین روز امامت آن حضرت ، مصادف با جمعه ۲۱ ماه مبارک رمضان ، سال چهارم هجری (مطابق با یازدهم بهمن ماه ، سال سی و نهم شمسی) بوده است ؛ که مردم با آن بزرگوار بیعت کردند و حدود ۱۰ سال امامتش به طول انجامید.

حضرت درتمام دوران عمر پربرکت خویش مبارزات مختلفی بر علیه کفر و ظلم و بیدادگری داشته است. گوناگونی در برابر دستگاه حاکمه بنی امیه به سرکردگی معاویه داشت ؛ ولیکن بیشتر دوستان و اصحاب دنیاپرست ، به آن حضرت خیانت کرده و با ایشان برخورد منافقانه داشتند؛ و در نهایتِ امر، چون امام علیه السلام تنها ماند؛ و از طرفی ، هسته مرکزی اسلام در معرض خطر قرار داشت ، ناچار اقدام به صلح با معاویه نمود.

و طبق آنچه که مورّخین و محدّثین گفته اند: حدود شش ماه و اءنّدی پس از امامت آن بزرگوار، بین حضرت و معاویه صلح نامه ای به نفع اسلام و مسلمین امضاء گردید.

مر: آن حضرت حدود هشت سال در حیات جدّ گرامیش ، و حدود هشت سال و اندی هم زمان با مادر ارجمندش ، و ۳۷ سال نیز در کنار پدر بزرگوارش زندگی نمود، و سپس قریب ۱۰ سال امامت و رهبریت اسلام و مسلمان ها را بر عهده داشت ؛ و در مجموع مدّت عمر پربرکت آن امام مظلوم را، بین ۴۷ تا ۵۰ سال گفته اند.

شهادت : حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه ، توسط همسرش -جُعه دختر اُشعث بن قیس کندی - به دستور و تزویر معاویه مسموم گردید. و چهل روز پس از آن -یعنی ؛ روز پنج شنبه ، ۲۸ ماه صفر؛ ما بین سال ۵۰ تا ۵۳ هجری - به فیض شهادت نایل گشت .

امام حسن مجتبی علیه السلام در آخرین لحظات عمر گران مایه خویش به برادرش ، امام حسین علیه السلام اظهار داشت : مبدا در تشییع و تدفین جنازه ام خونی بر زمین ریخته شود. مام مظلوم را کنار جدّ بزرگوارش ، رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کنند، عده ای به سرکردگی عایشه ، مسلحانه هجوم آوردند و از ورود جنازه مطهر به محوطه حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله جلوگیری نموده ؛ و آن گاه جنازه و تشییع کنندگان را تیرباران کردند.

بر اساس وصیتی که حضرت فرموده بود: خونی در تشییع جنازه ام ریخته نشود، به ناچار پیکر مقدّس آن امام مظلوم را که چندین تیر به آن اصابت کرده بود به سمت قبرستان بقیع حرکت داده و در آنجا دفن نمودند.

صلوات الله علیه ، یَوْمَ وُلِدَ وَیَوْمَ اسْتُشْهِدَ وَیَوْمَ یُبْعَثُ حَیًّا.

تعداد فرزندان : مرحوم سید محسن اءمین تعداد پانزده دختر و هشت پسر برای امام حسن مجتبی علیه السلام بیان نموده است ، گرچه بعضی از محدّثین تمامی فرزندان آن حضرت را جمعاً پانزده دختر و پسر گفته اند.

نماز حضرت : دو رکعت است ، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، بیست و پنج مرتبه سوره توحید خوانده می شود(مطابق با یازدهم بهمن ماه ، سال سی و نهم شمسی).

و بعد از سلام نماز، تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام گفته می شود؛ و پس از آن ، خواسته ها و حوایج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال در خواست نماید که ان شاء الله برآورده خواهد شد.

(منابع : ولادت و دیگر حالات امام حسن مجتبی علیه السلام برگرفته شده است از: الشّیعة : ج ۱، دلائل الامامة طبری ، مناقب ابن شهر آشوب ، عیون المعجزات حسین بن عبدالوهاب ، تهذیب الا حکام شیخ طوسی ، بحارالانوار: ج ۴۳ و ۴۴، مستدرک الوسائل ، جمال الاسبوع ، مجموعه نفیسه ، إحقاق الحقّ: ج ۱۹، تذکرة الخواصّ، الفصول المهمّة ، تاریخ اهل البيت و ...)

احادیث امام حسن مجتبی علیه السلام

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَبْدَ اللَّهِ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ. هر کسی که خداوند را عبادت و اطاعت کند، خدای متعال همه چیزها را مطیع او گرداند. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص ۴۲۷، بحار: ج ۶۸، ص ۱۸۴، ضمن ح ۴۴)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَنَحْنُ رِيحَاتِنَا رَسُولِ اللَّهِ، وَسَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَتَقَدَّمُ، أَوْ يَقْدَمُ عَلَيْنَا أَحَدًا. به دنباله وصیتش در حضور جمعی از اصحاب فرمود: و ما دو نفر - یعنی حضرت و برادرش امام حسین علیهما السلام - ریحانه رسول الله صلی الله علیه و آله و دو سرور جوانان اهل بهشت هستیم، پس خدا لعنت کند کسی را که بر ما پیشقدم شود یا دیگری را بر ما مقدم دارد. (کلمة الا مامُ الْحَسَن عَلَيْهِ السَّلَام: ۷، ص ۲۱۱)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ. هر کس خدا را بشناسد، دوستش بدارد. (مجموعه ی ورام، ج ۱، ص ۵۲)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ إِذَا عَلِمْنَا الْحَقَّ تَمَسَّكْنَا بِهِ. ما خاندانی هستیم که هرگاه حق را شناختیم، بدان چنگ در می‌زنیم. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۴۴، ص ۶۰)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَإِنْ حُبَّنَا لِيُسَاقِطَ الذُّنُوبُ مِنْ بَنِي آدَمَ، كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ. همانا محبت و دوستی با ما (اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله) سبب ریزش گناهان - از نامه اعمال - می‌شود، همان طوری که وزش باد، برگ درختان را می‌ریزد. (کلمة الا مامُ الْحَسَن عَلَيْهِ السَّلَام: ۷، ص ۲۵، بحار الانوار: ج ۴۴، ص ۲۳، ح ۷)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ فَارَقَكُم رَجُلٌ بِالْأَمْسِ لَمْ يَسْفِهْهُ إِلَّا وُلُونِ، وَلَا يُدْرِكُهُ الْآخِرُونَ. پس از شهادت پدرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در جمع اصحاب فرمود: شخصی از میان شماها رفت که در گذشته مانند او نیامده است، و کسی در آینده نمی‌تواند هم تراز او قرار گیرد. (إحقاق الحق: ج ۱۱، ص ۱۸۳، س ۲ و ص ۱۸۵)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةً، إِمَّا مُعَجَّلَةً وَإِمَّا مُؤَجَّلَةً. کسی که قرآن را - با دقت - قرائت نماید، در پایان آن - اگر مصلحت باشد - دعایش سریع مستجاب خواهد شد - و اگر مصلحت نباشد - در آینده مستجاب می‌گردد. (دعوات الزاوندی: ص ۲۴، ح ۱۳، بحار الانوار: ج ۸۹، ص ۲۰۴، ح ۲۱)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَشِفَاءُ الصُّدُورِ. همانا در این قرآن چراغ‌های هدایت به سوی نور و سعادت موجود است و این قرآن شفای دل‌ها و سینه‌ها است. (بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۱۱۱، ضمن ح ۶)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَلَّى، فَجَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ كَانَ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ. هر که نماز - صبح - را به خواند و در جایگاه خود بنشیند تا خورشید طلوع کند، برایش پوششی از آتش خواهد بود. (وافی: ج ۴، ص ۱۵۵۳، ح ۲، تهذیب الاحکام: ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۱۶۶)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِصْمَارًا لِخَلْقِهِ، فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ، فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفَازُوا، وَقَصَرَ آخَرُونَ فَخَابُوا. خداوند متعال ماه رمضان را برای بندگان خود میدان مسابقه قرار داد. پس عده ای در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خوشنودی الهی از یکدیگر سبقت خواهند گرفت و گروهی از روی بی توجهی و سهل انگاری خسارت و ضرر می نمایند. (تحف العقول: ص ۲۳۴، س ۱۴، من لا يحضره الفقيه: ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۱۴۷۹)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَدَامَ الْاِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ: آيَةُ مُحْكَمَةٍ، إِخْلَافٌ مُسْتَفَادٌ، وَعِلْمٌ مُسْتَطَرَفٌ، وَرَحْمَةٌ مُنْتَظَرَةٌ، وَكَلِمَةٌ تَذُلُّ عَلَى الْهَدْيِ، أَوْ تَزِدُّهُ عَنِ الرَّدِّ، وَتَرْكُ الذُّنُوبِ حَيَاءٌ أَوْ خَشْيَةٌ. کسی که رفت و آمد خود را به مسجد زیاد کند یکی از هشت فایده شاملش می گردد: برهان و نشانه ای - برای معرفت -، دوست و برادری سودمند، دانش و اطلاعاتی جامع، رحمت و محبت عمومی، سخن و مطلبی که او را هدایت گر باشد، -توفیق اجباری - در ترك گناه به جهت شرم از مردم و یا به جهت ترس از عقاب. (تحف العقول: ص ۲۳۵، س ۷، مستدرک: ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۳۷۷۸) «ایضا اصبع از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت نموده است که فرمود: «کسانی که به مسجد رفت و آمد می کنند، یکی از هشت چیز عاید آنها می شود. ۱- استفاده از یک برادر دینی در راه خدا. ۲- آموختن یک علم تازه. ۳- دلیل محکمی که اعتقادشان را کامل می کند. ۴- کلمه ای که راهنمای او می شود. ۵- رحمتی از طرف خداوند که در انتظار او می باشد. ۶- شنیدن موعظه ای که او را از هلاکت نجات می دهد. ۷- ترك گناهی از خوف خدا یا از ترس مردم. ۸- ترك گناهی از روی حیا از خدا یا مردم». (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْغَفْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدَ، وَطَاعَتُكَ الْمُفْسِدَ. غفلت تو در این است که رابطه خود را با مسجد قطع می کنی و راه مُفسدین و تبهکاران را پیشه می گیری. (بحار، ج ۷۸، ص ۱۱۵)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَكْثَرَ مُجَالِسَةَ الْعُلَمَاءِ أَطْلَقَ عِقَالَ لِسَانِهِ، وَفَتَقَ مَرَاتِقَ ذَهْنِهِ، وَسَرَّ مَا وَجَدَ مِنَ الزِّيَادَةِ فِي نَفْسِهِ، وَكَانَتْ لَهُ وَلَايَةٌ لِمَا يَعْلَمُ، وَإِفَادَةٌ لِمَا تَعْلَمُ. هر که با علماء بسیار مجالست نماید، سخنش و بیانش در بیان حقایق آزاد و روشن خواهد شد، و ذهن و اندیشه اش باز و توسعه می یابد و بر معلوماتش افزوده می گردد و به سادگی می تواند دیگران را هدایت نماید. (إحقاق الحق: ج ۱۱، ص ۲۳۸، س ۲)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا حِفْظَهُ فَاتَّكِبُوهُ وَصَعُوهُ فِي بُيُوتِكُمْ. عِلْمٌ وَدَانِش را - از هر طریقی - فرا گیرید، و چنانچه نتوانستید آنرا در حافظه خود نگه دارید، ثبت کنید و بنویسید و در منزل خود - در جای مطمئن - قرار دهید. (إحقاق الحق: ج ۱۱، ص ۲۳۵، س ۷)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ، وَمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا. هَرَكْسِ خِدا را بشناسد، (در عمل و گفتار) او را دوست دارد و کسی که دنیا را بشناسد آن را رها خواهد کرد. (کلمة الامام الحسن عليه السلام: ص ۱۴۰)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلَاكُ الْمَرْءِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبَرُ، وَالْجِرْصُ، وَالْحَسَدُ؛ فَالْكِبَرُ هَلَاكُ الدِّينِ، وَبِهِ لُعِنَ إِبْلِيسُ، وَالْجِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ، وَبِهِ خَرَجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ. وَالْحَسَدُ رَائِدُ السُّوءِ، وَمِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ. هلاکت و نابودی دین و ایمان هر شخص در سه چیز است: تکبر، حرص، حسد. تکبر سبب نابودی دین و ایمان شخص می باشد و به وسیله تکبر شیطان - با آن همه عبادت ملعون گردید. حرص و طمع دشمن شخصیت انسان است، همان طوری که حضرت آدم علیه السلام به وسیله آن از بهشت خارج شد. حسد سبب همه خلاف ها و زشتی ها است و به همان جهت قایل برادر خود هابیل را به قتل رساند. (اعیان الشیعة: ج ۱، ص ۵۷۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۱۱، ح ۶)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ اَرْبَعُ اَصْصَاعٍ، مَا رَأَيْتَ بَعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ نَسَمِعُ بِأَدْنَيْكَ بَاطِلًا كَثِيرًا. بَیْنِ حَقِّ وَ بَاطِلِ چهار انگشت فاصله است، آنچه که را با چشم خود ببینی حَقُّ است؛ و آنچه را شنیدی یا آن که برایت نقل کنند چه بسا باطل باشد. (تحف العقول: ص ۲۲۹، س ۵، بحارالانوار: ج ۱۰، ص ۱۳۰، ح ۱)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: اءَلْعَاؤُ اَهْوَوْنَ مِنَ النَّارِ. سرزنش و ننگ شمردن مردم انسان را، آسان تر است از معصیت و گناهی که موجب آتش جهنم شود. (کلمة الامام حسن عليه السلام: ص ۱۳۸، تحف العقول: ص ۲۳۴، س ۶، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۰۵، ح ۴)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا لَقِيَ اءَحَدُكُمْ اءَخَاهُ فَلْيُقَبِّلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ. وقتی انسان برادر مؤمن - و دوست - خود را ملاقات نمود، باید پیشانی و سجده گاه او را ببوسد. (تحف العقول: ص ۲۳۶، س ۱۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۰۵، ح ۴)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَيْسَ بِتَارِكِكُمْ سُدًى، كَتَبَ آجَالَكُمْ، وَقَسَمَ بَيْنَكُمْ مَعَائِشَكُمْ، لِيَعْرِفَ كُلُّ ذِي لُبٍّ مَنَزِلَتَهُ، وَءَنْ مَاقَدَرَ لَهُ اءَصَابُهُ، وَمَا صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصِيبَهُ. خداوند شما انسان ها را بیهوده و بدون غرض نیافریده و شما را آزاد، رها نکرده است. لحظات آخر عمر هر يك معين و ثبت می باشد، نیازمندی ها و روزی هرکس سهمیه بندی و تقسیم شده است تا آن که موقعیت و منزلت شعور و درک اشخاص شناخته گردد. (تحف العقول: ص ۲۳۲، س ۲، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۱۰، ح ۵)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَيْسَ ثَوْبُ الشُّهْرَةِ، كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ. هرکس لباس شهرت - و انگشت نما، از جهت رنگ، دوخت، مد و ... - بپوشد، روز قیامت خداوند، او را لباس آتشین خواهد پوشاند. (مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۲۴۵، ح ۴)

سُئِلَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنِ الْبُخْلِ؟ فَقَالَ: هُوَ أَنْ يَرَى الرَّجُلُ مَا أَنْفَقَهُ تَلَفًا، وَمَا اءْمَسَّكَ شَرْفًا. از حضرت پیرامون بخل سؤال شد؟ در جواب فرمود: معنای آن چنین است که انسان آنچه را به دیگری کمک و انفاق کند فکر نماید که از دست داده و تلف شده است و آنچه را ذخیره کرده و نگه داشته است خیال کند برایش باقی می ماند و موجب شخصیت و شرافت او خواهد بود. (اعیان الشیعة: ج ۱، ص ۵۷۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۱۳، ح ۷)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَزُكُّ الزَّانَا، وَكُنُسُ الْفِنَاءِ، وَغَسْلُ الْأَنْهَاءِ مَجْلَبَةٌ لِلْغِنَاءِ: اِنْجَام نَدَادَن زَنَا، جَارُوب وَ نَظَافَت كَرْدَن رَاهِرُو وَ دَرَب مَنَزَل، وَ شَسْتَن ظُرُوف سَبَب رِفَاه وَ بِي نِيَاِزِي مِي گَرَدَد. (کلمة الامام حسن عليه السلام: ص ۲۱۲، بحارالانوار: ج ۷۳، ص ۳۱۸، ح ۶)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: السِّيَاسَةُ أَنْ تَرَعَى حُقُوقَ اللَّهِ، وَحُقُوقَ الْأَحْيَاءِ، وَحُقُوقَ الْأَمْوَاتِ. - مفهوم ومعنای - سیاست آن است که حقوق خداوند و حقوق موجودات زنده و حقوق مردگان را رعایت کنی. (کلمة الامام حسن عليه السلام: ص ۵۷)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هَدُّوا إِلَى رُشْدِهِمْ. هیچ گروهی در کارهای - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... - با یکدیگر مشورت نکرده اند مگر آن که به رشد فکری و عملی و ... رسیده اند. (تحف العقول: ص ۲۳۳، اعیان الشیعة: ج ۱، ص ۵۷۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۰۵، ح ۴)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَفِيهِ: اءِلْشُكْرُ مَعَ النَّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ. آن خوبی که شَرّ و آفتی در آن نباشد شکر در مقابل نعمت ها و صبر و شکیبائی در برابر سختی ها است. (تحف العقول: ص ۲۳۴، س ۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۰۵، ح ۴)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَابْنَ آدَمَ، لَمْ تَزَلْ فِي هَذِهِ عُمْرِكَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ، فَخَذُ مِمَّا فِي يَدَيْكَ لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ. ای فرزند آدم از موقعی که به دنیا آمده ای در حال گذراندن عمرت هستی، پس از آنچه داری برای آینده ات (قبر و قیامت) ذخیره نما. (کلمة الامام الحسن عليه السلام: ص ۳۵، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۱۱، ح ۶)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ مَنَ خَوْفَكَ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَمْنَ، خَيْرٌ مِمَّنْ يُؤْمِنُكَ حَتَّى تَلْتَقِيَ الْخَوْفَ. همانا کسی تو را - در برابر عیب ها و کم بودها - هشدار دهد تا آگاه و بیدار شوی، بهتر است از آن کسی که فقط تو را تعریف و تمجید کند تا بر عیب هایت افزوده گردد. (إحقاق الحق: ج ۱۱، ص ۲۴۲، س ۲)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ، وَالْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قَرَّبَ نَسَبُهُ. بهترین دوست نزدیک به انسان آن کسی است که در تمام حالات دلسوز و با محبت باشد گرچه خویشاوندی نزدیک نداشته باشد. و بیگانه ترین افراد کسی است که از محبت و دلسوزی بعید باشد گرچه از نزدیک ترین خویشاوندان باشد. (تحف العقول: ص ۲۳۴، س ۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۰۶، ح ۴)

وَسُئِلَ الْمُجْتَبَى عَنِ الْمَرْوَةِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شُحُّ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ، وَإِصْلَاحُ مَالِهِ، وَقِيَامُهُ بِالْحَقُوقِ. از حضرت سلام الله علیه پیرامون مروّت و جوانمردی سؤال شد، فرمود: جوانمرد کسی است که در نگهداری دین و عمل به آن تلاش نماید، در اصلاح اموال و ثروت خود همت گمارد، و در رعایت حقوق طبقات مختلف پا بر جا باشد. (تحف العقول: ص ۲۳۵، س ۱۴، بحارالانوار: ج ۷۳، ص ۳۱۲، ح ۳)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَجِبْتُ لِمَنْ يُفَكِّرُ فِي مَاءٍ كَوَلِهِ كَيْفَ لَا يُفَكِّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجْنِبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ، وَيُوَدِّعُ صَدْرَهُ مَا يُؤْدِيهِ. تعجب می کنم از کسی که در فکر خوراک و تغذیه جسم و بدن هست ولی درباره تغذیه معنوی روحی خود نمی اندیشد، پس از غذاهای فاسد شده و خراب دوری می کند. و عقل و قلب و روح خود را کاری ندارد - هر چه و هر مطلب و برنامه ای به هر شکل و نوعی باشد استفاده می کند - . (کلمة الامام الحسن علیه السلام، ص ۳۹، بحارالانوار: ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۴۳)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: غَسَّلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يُنْفِي الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يُنْفِي الْهَمَّ. شستن دست ها قبل از طعام فقر و تنگدستی را می زداید و بعد از آن ناراحتی ها و آفات را از بین می برد. (کلمة الامام الحسن علیه السلام: ص ۴۶)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. کسی که عادت سؤال و حالت پرس و جو دارد مثل آن است که نصف علم ها را فرا گرفته باشد. (کلمة الامام الحسن علیه السلام: ص ۱۲۹)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْجَلْمَ زِينَةٌ، وَالْوَفَاءَ مَرْوَةٌ، وَالْعَجَلَةَ سَفَهٌ. صبر و شکیبائی زینت شخص، وفای به عهد علامت جوانمردی، و عجله و شتابزدگی (در کارها بدون اندیشه) دلیل بی خردی می باشد. (کلمة الامام الحسن علیه السلام: ص ۱۹۸)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اسْتَحَفَّ بِاخْوَانِهِ فَسَدَتْ مَرْوَتُهُ. کسی که دوستان و برادرانش را سبک شمارد و نسبت به آن ها بی اعتناء باشد، مروّت و جوانمردیش فاسد گشته است. (کلمة الامام الحسن علیه السلام: ص ۲۰۹)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا نَمَّا يُجْزَى الْعِبَادُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. همانا در روز قیامت بندگان به مقدار عقل و درک و شعورشان مجازات میشوند. (کلمة الامام الحسن علیه السلام: ص ۲۰۹)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الْمَالِ، وَالَّذِينَ لَعِبُوا عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يُحِيطُونَ مَا دَرَتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْصُوا لِلْأَبْيَاقِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ. همانا مردم اسیر و بنده دنیا و اموال آن هستند، و دین را وسیله رسیدن به اهداف خود قرار داده اند و به هر نوعی که زندگی آن ها تاءمین شود حرکت می کنند. بنابر این هنگامی که در بوته آزمایش در آیند، دین داران اندک خواهند شد. (إحقاق الحق: ج ۱۱، ص ۲۳۴، س ۸)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمِرْأَحُ يَأْكُلُ الْهَيْبَةَ، وَقَدْ أَكْثَرَ مِنَ الْهَيْبَةِ الصَّامِتُ. مزاح و شوخی - های زیاد و بیجا - شخصیت و وقار انسان را از بین می برد، و چه بسا افراد ساکت دارای شخصیت و وقار عظیمی می باشند. (کلمة الامام الحسن عليه السلام: ص ۱۳۹، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۱۳، ح ۷) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَلُّمُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النُّعْمَةَ. از علائم پستی شخص، شکر نکردن از ولی نعمت است. (کلمة الامام الحسن عليه السلام: ص ۱۳۹، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۰۵، ح ۴) قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَضَاءُ حَاجَةِ أَخٍ لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ مِنِّي إِعْتِكَافٍ شَهْرٍ. هر آینه برآوردن حاجت و رفع مشکل برادر، از يك ماه اعتكاف، در مسجد - و عبادت مستحبی نزد من - بهتر و محبوب تر است. (کلمة الامام الحسن عليه السلام: ص ۱۳۹)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الدُّنْيَا فِي خِلَالِهَا حِسَابٌ، وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، وَفِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ، فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ، خُذْمِنَهَا مَا يَكْفِيكَ. چیزهای دنیا اگر حلال باشد حساب و بررسی می شود و اگر از حرام به دست آید عذاب و عقاب دارد و اگر حلال و حرام آن معلوم نباشد سختی و ناراحتی خواهد داشت. پس باید دنیا (و موجوداتش) را همچون میت و مرداری بشناسی که به مقدار نیاز و اضطرار از آن استفاده کنی. (کلمة الامام الحسن عليه السلام: ص ۳۶، بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۱۳۸، ح ۶)

قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَأَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَأَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. در دنیا چنان برنامه ریزی کن - از نظر اقتصاد و صرفه جوئی و... - مثل آن که می خواهی همیشه دوام داشته باشی، و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن مثل این که فردا خواهی مُرد. (کلمة الامام الحسن عليه السلام: ص ۳۷، بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۱۳۸، ح ۶) قَالَ الْمُجْتَبَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْكَئِيسُ الْكَئِيسُ التَّقَى، وَ أَلْخُمُقُ الْخُمُقُ الْفُجُورُ، الْكَرِيمُ هُوَ التَّبَرُّعُ قَبْلَ السُّؤَالِ. زیرک ترین و هوشیارترین افراد، شخص باتقوا و پرهیزکار می باشد؛ اءحمق و نادان ترین افراد، کسی است که تبه کار و اهل معصیت باشد؛ گرامی ترین و باشخصیت ترین افراد، آن کسی است که به نیازمندان پیش از اظهار نیازشان، کمک نماید. (إحقاق الحق: ج ۱۱، ص ۲۰، س ۱، بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۳۰)

خلاصه حالات پنجمین معصوم ، سؤمین اختر امامت امام حسین (ع)

آن حضرت روز پنج شنبه یا سه شنبه ؛ و بنابر مشهور سؤم شعبان ، سال چهارم هجری (مطابق با بیستم دی ماه ، سال چهارم شمسی) - سالی که در آن جنگ خندق واقع شد - در شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود.

ولادت آن حضرت ده ماه و بیست روز بعد از برادرش - امام حسن مجتبی علیه السّلام - رخ داد؛ و شش ماهه به دنیا آمد. (برخلاف اعیان الشّیعة که اظهار داشته : امام حسن مجتبی علیه السّلام شش ماهه به دنیا آمده)

نام : حسین (صلوات الله و سلامه علیه). (نام حضرت به عنوان حسین ، شهید، به رمز حروف اءبجد: ۱۲۸، ۳۱۹ می باشد)

کنیه : ابوعبدالله ، ابوعلی ، ابوالشّهداء ، ابوالا حرار ، ابوالضّیم و

ألقاب : سید، مظلوم ، رشید، عطشان ، طیب ، وفی ، زکی، مبارک ، قتیل ، شهید، سبط، سعید و

پدر : امام علی بن ابی طالب ، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه .

مادر : حضرت فاطمه زهراء علیها السّلام .

نقش انگشتر : یکی (إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ) ، و دیگری (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِدَّةُ لِلْقَاءِ اللَّهُ) بوده است .

مدّت عمر : آن حضرت حدود شش سال در حیات جدّش رسول خدا صلّی الله علیه و آله ، حدود هفت سال و اندی در حیات مادرش فاطمه زهراء علیها السّلام ، ۳۷ سال در حیات پدرش امیرالمؤمنین علی علیه السّلام ؛ و چهل و هفت سال نیز هم زمان با برادرش امام حسن مجتبی علیه السّلام زندگی و عمر خود را سپری نمود، که جمعا عمر با برکت آن حضرت را بین ۵۷ تا ۵۸ سال گفته اند.

فرزندان : در تعداد فرزندان ؛ و نیز اسامی دختران و پسران امام حسین علیه السّلام اختلاف است ، ولی مشهور شش نفر گفته اند.

امامت : حضرت در سنّ ۴۷ سالگی ، پس از شهادت برادرش امام حسن مجتبی علیه السّلام ، روز جمعه ، ۲۸ ماه صفر، سال پنجاهم هجری قمری (مطابق با نهم فروردین ماه ، سال چهل و نه شمسی) به منصب امامت نائل آمد.

و حدود یازده سال - در زمان حکومت معاویه و فرزندش یزید - امامت و رهبری جامعه اسلامی را به عهده داشت .

و امام حسین علیه السّلام طبق روال عادی مدّت حمل را گذرانده است .

خروج از مدینه : حضرت شب يك شنبه ، ۲۸ رجب ، سال ۶۰ هجری از شهر مدینه طیبه به سمت مکه معظمه خارج شد؛ و روز جمعه سؤم شعبان همان سال وارد شهر مکه گردید.

و چون عده ای به سرکردگی عمرو بن سعید از طرف یزید، به قصد آشوب و کشتار و پایمال نمودن خون حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام وارد شهر مکه شده بودند، به ناچار حضرت روز هشتم ذی الحجة - روز تزویه - پس از انجام سعی بین صفا و مروه ، که روز سه شنبه باشد به سوی عراق حرکت نمود.

و روز چهارشنبه یا پنج شنبه دوّم محرّم الحرام ، سال ۶۱ هجری (مطابق با بیست و یکم مهرماه ، سال پنجاه و نه شمسی) وارد سرزمین کربلای پربلا گردید.

کیفیت شهادت : آن امام مظلوم علیه السلام ، به دستور یزید بن معاویه ؛ و با لشکرکشی عبیدالله بن زیاد؛ و فرماندهی عمر بن سعد، توسط شمر بن ذی الجوشن و خولی بن یزید و سنان بن انس لعنة الله عليهم اجمعين ، با وضعیتی فجیع و دلخراش در حال تشنگی و غربت به قتل و شهادت رسید. زمان شهادت : روز عاشورای محرّم الحرام ، سال ۶۱ قمری ، بعد از نماز عصر؛ این حادثه دلخراش واقع گردید.

محلّ و چگونگی دفن : در کربلا - در ضلع غربی فرات - در همان قتلگاه خویش ، توسط امام سجاد علیه السلام ؛ و یاری بنی اسد بدون غسل و کفن ، دفن گردید.

ثواب زیارت : از حضرت صادق آل محمد، جعفر بن محمد علیهما السلام وارد شده است : هرکس که قبر شریف امام حسین علیه السلام را با معرفت زیارت کند، خداوند ثواب هزار حجّ مقبول و نیز هزار عمره مقبوله در نامه اعمالش ثبت می نماید و تمام گناهانش - غیر از حقّالتّاس و... - بخشوده می گردد. (بحارالانوار ج ۹۷، ص ۸۷)

نماز آن حضرت : دو رکعت است ، در هر رکعت پس از خواندن سوره حمد، بیست و پنج مرتبه سوره توحید خوانده می شود، بعد از سلام نماز، تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام گفته می شود؛ و پس از آن تقاضا و درخواست حوایج مشروعه از درگاه خداوند متعال ، که ان شاء الله تعالی برآورده خواهد شد.

(منابع : جهت تدوین و تنظیم خلاصه حالات حضرت کتابهای ذیل مورد استفاده قرار گرفته است : اصول کافی : ج ۱، مستدرک الوسائل ، اعیان الشیعة : ج ۱، مناقب ابن شهر آشوب : ج ۲، بحارالانوار : ج ۴۳ و ۴۴، کشف الغمّة : ج ۱، عیون معجزات شیخ حسین عبدالوهاب ، دلائل الامامة ، تاریخ اهل بیت ، مجموعه نفیسه ، تذکرة الخواصّ، النصول المهمة ، ینابیع المودّة ، حلیة الابرار : ج ۳، جامع المقال طریحی : ص ۱۸۷ و...)

احادیث امام حسین علیه السلام

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَعْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ. هَمَانَا، عَدَّةُ أَيِّ خِدَاوَنَدِ مَتَعَالٍ رَا بَه جِهَتِ طَمَعٍ وَ آرزوی بهشت عبادت می کنند که آن یک معامله و تجارت خواهد بود. و عَدَّةُ ای دیگر از روی ترس خداوند را عبادت و ستایش می کنند که همانند عبادت و اطاعت نوکر از ارباب باشد. و طائفه ای هم به عنوان شکر و سپاس از روی معرفت، خداوند متعال را عبادت و ستایش می نمایند؛ و این نوع، عبادت آزادگان است که بهترین عبادات می باشد. (تحف عقول: ص ۱۷۷، بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۱۱۷، ح ۵)

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَ الدِّينُ لِعِبٍّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَ مَا دَارَتْ بِهِ مَعَانِسُهُمْ، فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ. افراد جامعه بنده و تابع دنیا هستند و مذهب، بازیچه زبانشان گردیده است و برای إمرار معاش خود، دین را محور قرار داده اند - و سنگ اسلام را به سینه می زنند - پس اگر بلائی همانند خطر - مقام و ریاست، جان، مال، فرزند و موقعیت، ... - انسان را تهدید کند، خواهی دید که دین داران واقعی کمیاب خواهند شد. (مَحَبَّةُ الْبَيْضَاءِ: ج ۴، ص ۲۲۸، بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۱۱۶، ح ۲)

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا. به درستی که من از مرگ نمی هراسم و آن را جز سعادت نمی بینم؛ و زندگی با ستمگران و ظالمان را عار و ننگ می شناسم. (بحار الأنوار: ج ۴۴، ص ۱۹۲، ضمن ح ۴، و ص ۳۸۱، ضمن ح ۲)

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ. من کشته گریه ها و اشک ها هستم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آن که عبرت گرفته و اشک هایش جاری خواهد شد. (أَمَالِي شَيْخِ صَدُوقٍ: ص ۱۱۸، بحارالأنوار: ج ۴۴، ص ۲۸۴، ح ۱۹)

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ شَتَمَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأُذُنِ، وَ أَوْمَى إِلَى الْيُمْنَى، وَ اغْتَذَرَ لِي فِي الْآخِرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ. چنانچه با گوش خود بشنوم که شخصی مرا دشنام می دهد و سپس معذرت خواهی او را بفهمم، از او می پذیرم و گذشت می نمایم، چون که پدرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جَدِّم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت نمود: کسی که پوزش و عذرخواهی دیگران را نپذیرد، بر حوض کوثر وارد نخواهد شد. (إِحْقَاقُ الْحَقِّ: ج ۱۱، ص ۴۳۱)

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اخَذُوا كَثْرَةَ الْحَلْفِ، فَإِنَّهُ يَخْلِفُ الرَّجُلُ لَعْلَ أَرْبَعٍ: إِمَّا لِمَهَانَةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ، تَحْتُهُ عَلَى الصَّرَاعَةِ إِلَى تَصَدِيقِ النَّاسِ إِيَّاهُ. وَ إِمَّا لِعَيٍّ فِي الْمُنْطِقِ، فَيَتَّخِذُ الْإِيمَانَ حَشَوًا وَصِلَةً

لِكَلَامِهِ. وَ إِمَّا لِتُهَمَّةٍ عَرَفَهَا مِنَ النَّاسِ لَهُ، فَبَرَى أَنَّهُمْ لَا يَقْبَلُونَ قَوْلَهُ إِلَّا بِالْيَمِينِ. وَ إِمَّا لِإِسَالِهِ لِسَانَهُ مِنْ غَيْرِ تَثْبِيتٍ. خُودَ رَا از قسم و سوگند برهانید که همانا انسان به جهت یکی از چهار علت سوگند یاد می کند: در خود احساس سستی و کمبود دارد، به طوری که مردم به او بی اعتماد شده اند، پس برای جلب توجه مردم که او را تصدیق و تأیید کنند، سوگند می خورد. و یا آن که گفتارش معیوب و به دور از حقیقت است، و می خواهد با سوگند، سخن خود را تقویت و جبران کند. و یا در بین مردم متهم است - به دروغ و بی اعتمادی - پس می خواهد با سوگند و قسم خوردن جبران ضعف نماید. و یا آن که سخنان و گفتارش متزلزل است - هر زمان به نوعی سخن می گوید - و زبانش به سوگند عادت کرده است. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام: ص ۴۲۹، س ۶)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّمَا إِنْتَيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ، فَطَلَبَ أَحَدُهُمَا رِضَى الْآخَرِ، كَانَ سَابِقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ. چنانچه دو نفر با یکدیگر نزاع و اختلاف نمایند و یکی از آن دو نفر، در صلح و آشتی پیشقدم شود، همان شخص سبقت گیرنده، جلوتر از دیگری به بهشت وارد می شود. (مَجْلَّةُ الْبَيْضَاء: ج ۴، ص ۲۲۸)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اعْلَمُوا إِنَّ خَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمِيلُوا النَّعَمَ فَتَحْوَلَ نَعِمًا. توجّه داشته باشید که احتیاج و مراجعه مردم به شما از نعمت های الهی است، پس نسبت به نعمت ها روی، بر نگردانید؛ وگرنه به نقيمت و بلا گرفتار خواهد شد. (نهج الشهادة: ص ۳۸)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ آدَمَ! أَذْكَرُ مَضْرَعَكَ وَ مَضْجَعَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، تَشْهَدُ جَوَارِحَكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ. ای فرزند آدم، بیاد آور لحظات مرگ و خواب گاه خود را در قبر، همچنین بیاد آور که در پیشگاه خداوند قرار خواهی گرفت و اعضاء و جوارحت بر علیه تو شهادت خواهند داد، در آن روزی که قدم ها لرزان و لغزان می باشد. (نهج الشهادة: ص ۵۹)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدَّنَاءَةِ شَرٌّ، وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفِشْقِ رِيَّةٌ. همنشینی با اشخاص پست و رذل سبب شرّ و بدیختی خواهد گشت؛ و همنشینی و مجالست با معصیت کاران موجب شکّ و بدبینی خواهد شد. (نهج الشهادة: ص ۴۷، بحار الأنوار: ج ۷۸، ص ۱۲۲، ح ۵)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ، هَرَكْسِ رِضَايَتِ وَ خُوشنودی خداوند را - در امور زندگی - طلب نماید گرچه همه افراد از او رنجیده شوند، خداوند مهمّات و مشکلات او را کفایت خواهد نمود. و کسی که رضایت و خوشنودی مردم را طالب گردد گرچه مورد خشم و غضب پروردگار باشد، خداوند امور این شخص را به مردم واگذار می کند. (أمالی شیخ صدوق: ص ۱۶۷، مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۲۰۹، ح ۱۳۹۰۲)

۴۰- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ. شِيعِيَانِ وَ بِيروَانِ مَا - اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام - آن کسانی هستند که افکار و درون آن ها از هر گونه حيله و نیرنگ و عوام فریبی سلامت و تهی باشد . (تفسیر الإمام العسکری علیه السلام: ص ۳۰۹، ج ۱۵۴، بحار الأنوار: ج ۶۵، ص ۱۵۶، ح ۱۱)

قَالَ جَمِيلٌ: سَمِعْتُهُ «الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» يَقُولُ: يَغْدُو النَّاسُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: عَالِمٍ، وَ مُتَعَلِّمٍ، وَ غُنَاءٍ، فَتَحْنُ الْعُلَمَاءُ، وَ شِيعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ، وَ سَائِرُ النَّاسِ غُنَاءٌ؛ جَمِيلٌ گوید: شنیدم از آن حضرت که می فرمود: مردم سه دسته صبح می کنند: عالم و متعلم و ورآبی، ما علماء هستیم، و شیعیان ما متعلم و دانش آموزند، و مردم دیگر ورآیند. (الکافی، ج ۱، ص ۸۲)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي بَيَانٍ مَا يَحْدُثُ فِي زَمَنِ ظُهُورِ الْمَامِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ لَنَنْزِلَنَّ الْبَرَكَةَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الرِّضِ حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ مِمَّا يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَ لَتَوَكُلُ ثَمَرَةُ الشَّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةُ الصَّيْفِ فِي الشَّتَاءِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الرِّضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا»؛ در بیان آنچه هنگام ظهور امام زمان علیه السلام رخ می دهد: برکت از آسمان به سوی زمین فرو می ریزد، تا آن جا که درخت از میوه فراوانی که خداوند در آن می افزاید، می شکند. (مردم) میوه زمستان را در تابستان و میوه تابستان را در زمستان می خورند و این معنای سخن خداوند است که: (و اگر مردم آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکتهایی از آسمان و زمین به روی آنان می گشودیم، لیکن تکذیب کردند) (الخراج و الجرائح ج ۲، ص ۸۴۹)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا وَرَدَتْ عَلَى الْعَاقِلِ لُئْمَةٌ قَمَعَ الْحُزْنَ بِالْحَزَمِ وَ قَرَعَ الْعَقْلَ لِلْإِحْتِيَالِ؛ چون برای عاقل مشکلی پیش آید، غم خود را با هوشیاری و دوراندیشی از میان می برد و عقل را به چاره جویی وامی دارد. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۴)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطِيَ مَنْ لَا يَزْجُوهُ، وَ إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَى عَنْ قُدْرَةٍ، وَ إِنَّ أَوْضَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ. همانا سخاوتمندترین مردم آن کسی است که کمک نماید به کسی که امیدی به وی نداشته است . و بخشنده ترین افراد آن شخصی است که - نسبت به ظلم دیگری با آن که توان انتقام دارد - گذشت نماید. صله رحم کننده ترین مردم و دید و بازدید کننده نسبت به خویشان ، آن کسی ست که صله رحم نماید با کسی که با او قطع رابطه کرده است . (نهج الشهادة: ص ۳۹، بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۱۲۱، ح ۴)

قِيلَ «لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»: مَا الْفَضْلُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُلْكُ اللِّسَانِ، وَ بَذْلُ الْأَحْسَانِ، قِيلَ: فَمَا النُّقْصُ؟ قَالَ: التَّكَلُّفُ لِمَا لَا يُعْنِيكَ. از حضرت سؤ ال شد کرامت و فضیلت در چیست ؟ در پاسخ فرمود: کنترل و در اختیار داشتن زبان و سخاوت داشتن ، سؤ ال شد نقص انسان در چیست ؟

فرمود: خود را و داشتن بر آنچه که مفید و سودمند نباشد. (مستدرک الوسائل: ج ۹، ص ۲۴، ح ۱۰۰۹۹ به نقل از مجموعه شهید)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَالَّذِينَ لَعِبُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَ مَا دَارَتْ بِهِ مَعَائِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ. افراد جامعه بنده و تابع دنیا هستند و مذهب، بازیچه زبانشان گردیده است و برای امرار معاش خود، دین را محور قرار داده اند - و سنگ اسلام را به سینه می زنند - . پس اگر بلائی همانند خطر - مقام و ریاست، جان، مال، فرزندی و موقعیت، ... - انسان را تهدید کند، خواهی دید که دین داران واقعی کمیاب خواهند شد. (محجة البيضاء: ج ۴، ص ۲۲۸، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۱۶، ح ۲)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسَىءُ وَلَا يَعْتَذِرُ، وَالْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يُسَىءُ وَيَعْتَذِرُ. ضمن فرمایشی فرمود: همانا شخص مؤمن خلاف و کار زشت انجام نمی دهد و عذرخواهی هم نمی کند. ولی فرد منافق هر روز مرتکب خلاف و کارهای زشت می گردد و همیشه عذرخواهی می نماید. (تحف العقول: ص ۱۷۹، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۱۹، ح ۲)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ عَمَلَ عَمَلٌ رَجُلٍ يَعْلَمُ أَنَّهَ مَاءٌ خَوْذٌ بِالْأَجْرَامِ، مُجْزِي بِالْإِحْسَانِ. کارها و امور خود را همانند کسی تنظیم کن و انجام ده که می داند و مطمئن است که در صورت خلاف تحت تعقیب قرار می گیرد و مجازات خواهد شد. و در صورتی که کارهایش صحیح باشد پاداش خواهد گرفت. (بحارالانوار: ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۱۵ و ج ۷۵، ص ۱۲۷، ح ۱۰)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِبَادَ اللَّهِ لَا تَشْتَغَلُوا بِالدُّنْيَا، فَإِنَّ الْقَبْرَ بَيْتُ الْعَمَلِ، فَاعْمَلُوا وَلَا تَغْلُوا. ای بندگان خدا، خود را مشغول و سرگرم دنیا - و تجملات آن - قرار ندهید که همانا قبر، خانه ای است که تنها عمل - صالح - در آن مفید و نجات بخش می باشد، پس مواظب باشید که غفلت نکنید. (نهج الشهادة: ص ۴۷)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ، سَخَنِي - که ناراحت کننده باشد - پشت سر دوست و برادر خود مگو، مگر آن که دوست داشته باشی که همان سخن پشت سرخودت گفته شود. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۲۷، ح ۱۰)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِي إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ. بپرهیز از ظلم و آزار رساندن نسبت به کسی که یآوری غیر از خداوند متعال نمی یابد. (وسائل الشيعة: ج ۱۱، ص ۳۳۹، بحارالانوار: ج ۴۶، ص ۱۵۳، ح ۱۶)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ نَى لَأَعْرِى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا. به درستی که من از مرگ نمی هراسم و آن را جز سعادت نمی بینم. و همچنین زندگی با ستمگران و ظالمان را عار و ننگ می شناسم. (بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۱۹۲، ضمن ح ۴، و ص ۳۸۱، ضمن ح ۲)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَيْسَ ثَوْبًا يُشْهَرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ . فرمود: هرکس لباس شهرت و انگشت نما بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش خواهد پوشانید. (وسائل الشیعة: ج ۵، ص ۲۵، کافی: ج ۶، ص ۴۴۵، ح ۴)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ. من کشته گریه ها و اشک ها هستم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آن که عبرت گرفته و اشک هایش جاری خواهد شد. (عبرة به معنای اعتبار و عبرت گرفتن است. وایضا عبرة به معنای گریان و جریان اشک می باشد. مجمع البحرين: ج ۱، ص ۱۱۱، (عبر) (امالی شیخ صدوق: ص ۱۱۸، بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۲۸۴، ح ۱۹) قِيلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدَيْ مَنْ كَانَتْ. از حضرت سؤ ال شد: با شخصیت ترین افراد چه کسی است؟ در جواب فرمود: آن کسی است که اهمیت ندهد که دنیا در دست چه کسی می باشد. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص ۳۴۸، س ۱۱)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَبْدَ اللَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ، آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ اِئْمَانِيهِ وَكِفَايَتِهِ. هرکس خداوند متعال را با صداقت و خلوص، عبادت و پرستش نماید؛ خدای متعال او را به بهترین آرزوهایش می رساند و امور زندگیش را تاءمین می نماید. (تنبيه الخواطر: ص ۴۲۷، س ۱۴، بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۱۸۳، ح ۴۴)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اخَذَرُوا كَثْرَةَ الْخُلْفِ، فَإِنَّهُ يَخْلِفُ الرَّجُلُ لِعَلِّ اءَرْبَعٍ: إِمَّا لِمَهَانَةٍ يَجْذُهَا فِي نَفْسِهِ، تَحْتُهُ عَلَى الصَّرَاعَةِ إِلَى تَصْدِيقِ النَّاسِ إِيَّاهُ. وَإِمَّا لِعَيٍّ فِي الْمَنْطِقِ، فَيَتَّخِذُ الْإِيمَانَ حَشْوًا وَصَلَةً لِكَلَامِهِ. وَإِمَّا لِتَهَمٍّ عَرَفَهَا مِنَ النَّاسِ لَهُ، فَيَرَى اءَنَّهُمْ لَا يَقْبَلُونَ قَوْلَهُ إِلَّا بِالْيَمِينِ. وَإِمَّا لِإِزَالَةِ لِسَانِهِ مِنْ غَيْرِ تَثْبِيتٍ. خود را از قسم و سوگند برهانید که همانا انسان به جهت یکی از چهار علت سوگند یاد می کند: در خود احساس سستی و کمبود دارد، به طوری که مردم به او بی اعتماد شده اند، پس برای جلب توجه مردم که او را تصدیق و تائید کنند، سوگند می خورد. و یا آن که گفتارش معیوب و به دور از حقیقت است، و می خواهد با سوگند، سخن خود را تقویت و جبران کند. و یا در بین مردم متهم است - به دروغ و بی اعتمادی - پس می خواهد با سوگند و قسم خوردن جبران ضعف نماید. و یا آن که سخنان و گفتارش متزلزل است - هر زمان به نوعی سخن می گوید - و زبانش به سوگند عادت کرده است. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص ۴۲۹، س ۶)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِئْمَا إِنْ تَنَبَّيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ، فَطَلِبْ اءَحَدَهُمَا رَضَى الْآخَرَ، كَانَ سَابِقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ. چنانچه دو نفر با یکدیگر نزاع و اختلاف نمایند و یکی از آن دو نفر، در صلح و آشتی پیشقدم شود، همان شخص سبقت گیرنده، جلوتر از دیگری به بهشت وارد می شود. (محبّة البيضاء: ج ۴، ص ۲۲۸)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاعْلَمُوا إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمِيلُوا النَّعَمَ فَتَحُولَ نَقِمًا. توجه داشته باشید که احتیاج و مراجعه مردم به شما از نعمت های الهی است ، پس نسبت به نعمت هاروی، برنگردانید؛ وگرنه به نقمت و بلا گرفتار خواهد شد. (نهج الشهادة : ص ۳۸)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنِي آدَمَ ، أَذْكَرُ مَصْرَعَكَ وَ مَضْجَعَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، تَشْهَدُ جَوَارِحُكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَعْقَدَامُ . ای فرزندان آدم ، بیاد آور لحظات مرگ و خواب گاه خود را در قبر، همچنین بیاد آور که در پیشگاه خداوند قرار خواهی گرفت و اعضاء و جوارحت بر علیه تو شهادت خواهند داد، در آن روزی که قدم ها لرزان و لغزان می باشد. (نهج لشهادة : ص ۵۹)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدَّنَاءَةِ شَرٌّ، وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفُسُقِ رِيبَةٌ. همنشینی با اشخاص پست و رذل سبب شر خواهد گشت ، و همنشینی و مجالست با معصیت کاران موجب شک و بدبینی خواهد شد. (نهج الشهادة : ص ۴۷، بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۱۲۲، ح ۵)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ، وَ خَلَقَ أَهْلَهَا لِلْفَنَاءِ. به درستی که خداوند متعال دنیا - و اموال آن - را برای آزمایش افراد آفریده است . و همچنین موجودات دنیا را جهت فناء - و انتقال از این دنیا به جهانی دیگر - آفریده است . (نهج الشهادة : ص ۱۹۶)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيَأْتِيَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا مَنْ قَدْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا. کسی در روز قیامت از شدائد و احوال آن در امان نمی باشد، مگر آن که در دنیا از خداوند متعال ترس داشته باشد - و اهل گناه و معصیت نگردد - . (بلاغه الحسین علیه السلام: ص ۲۸۵، بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۱۹۲، ح ۵)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْاسْتِغْفَارُ. برای هر غم و دردی درمان و دوائی است و جبران و درمان گناه ، طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند می باشد. (وسائل الشيعة : ج ۱۶، ص ۶۵، ح ۲۰۹۹۳، کافی : ج ۲، ص ۴۳۹، ح ۸)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي صَلَاتِهِ قَائِمًا، يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةٌ حَسَنَةً. هرکس آیه ای از قرآن را در نمازش تلاوت نماید، خداوند متعال در مقابل هر حرفی از آن یکصد حسنه در نامه اعمالش ثبت می نماید. (اصول کافی : ج ۲، ص ۶۱۱، بحارالانوار: ج ۸۹، ص ۲۰۰، ح ۱۷)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَبْعَةُ أَشْيَاءَ لَمْ تَخْلُقْ فِي رَحِمِ: فَأَوَّلُهَا آدَمُ (عليه السلام)، ثُمَّ حَوَاءُ، وَالْغُرَابُ، وَ كَيْشُ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام)، وَ نَاقَةُ اللَّهِ، وَ عَصَا مُوسَى (عليه السلام)، وَالطَّيْرُ الَّذِي خَلَقَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عليهما السلام). ضمن جواب سؤال های پادشاه روم ، فرمود: آن هفت موجودی که بدون خلقت در رحم مادر، آفریده شده اند، عبارتند از: حضرت آدم علیه السلام و همسرش حواء. و کلاغی که برای راهنمایی دفن هابیل آمد. و گوسفندی که برای قربانی ، به جای حضرت اسماعیل علیه السلام آمد. و شتری که خداوند برای پیامبرش ، حضرت صالح فرستاد. و عصای حضرت موسی

علیه السلام . و هفتمین موجود آن پرنده ای بود که توسط حضرت عیسی علیه السلام آفریده شد. (تحف العقول : ص ۱۷۴، و بحارالانوار: ج ۱۰، ص ۱۳۷، ح ۴)

قالَ الحسین علیہ السلام : إِنَّ أَعْمَالَ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَتُعْرَضُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى . هَمَانَا - نامه کردار و - اعمال این امت ، در هر صبحگاه بر خداوند متعال عرضه می گردد. (بحارالانوار: ج ۷۰، ص ۳۵۳، ح ۵۴، به نقل از عیون الاخبار الرضا علیه السلام)

قالَ الحسین علیہ السلام : اجْتَنِبُوا الْغُشْيَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ، ثُمَّ رَزَقَ وَلَدًا كَانَ جَوَالَةً. در آن شبی که قصد مسافرت دارید، با همسر خود زناشوئی نکنید، که چنانچه عمل زناشوئی انجام گردد و در آن زمان فرزندی منعقد شود، بسیار متحرک و افکارش مغشوش می باشد. (وسائل الشیعة : ج ۲۰، ص ۳، ح ۲۴۳، بحارالانوار: ج ۱۰۰، ص ۲۹۲، ح ۳۹)

قالَ الحسین علیہ السلام : الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، لَمْ يَمْنَعُهُ مُنْذُ فَتَحَهُ، وَإِنَّ مَا بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ - الْأَسْوَدَ وَالْيَمَانِي - مَلَكٌ يُدْعَى هُجَيْرٌ، يُؤْمِنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ. رُكْنُ يَمَانِي كَعْبَةِ الْهَيْ، دربی از درب های بهشت است و مابین دورکن «رکن یمانی و حجرالاسود» ملک و فرشته ای است که بنام هُجَیْر خوانده میشود، برای استجابت دعای مؤمنین آمین می گوید. (مستدرک الوسائل : ج ۹، ص ۳۹۱، ح ۱، بحارالانوار: ج ۶۹، ص ۳۵۴، ح ۱۱)

قالَ الحسین علیہ السلام : إِنَّ الْغِنَى وَالْعَزَّ خَرْجًا يَجُولَانِ، فَلَقِيَا التَّوَكُّلَ فَاسْتَوْطَنَا . عَزَّتْ وَ بِي نِيَاظِي - هردو - شتاب زده به دنبال پناهگاهی می دویدند، چون به توکل برخورد کردند، آرامش پیدا نموده و آن را پناهگاه خود قرار دادند. (مستدرک الوسائل : ج ۱۱، ص ۲۱۸، ح ۱۵، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۲۵۷، ح ۱۰۸)

قالَ الحسین علیہ السلام : مَنْ نَفَسَ كَرْبَةً مُؤْمِنٍ، فَرَجَّ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. هرکس گره ای از مشکلات مؤمنی باز کند و مشکلش را برطرف نماید، خداوند متعال مشکلات دنیا و آخرت او را اصلاح می نماید. (مستدرک الوسائل : ج ۱۲، ص ۴۱۶، ح ۱۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۲۱، ح ۴)

قالَ الحسین علیہ السلام : مَنْ وَالَانَا فَلَجَدَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَآلِهِ، وَمَنْ عَادَانَا فَلَجَدَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَادَى . هر که ما را دوست بدارد و پیرو ما باشد، پس دوستی و محبتش به جهت جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد. و هرکس با ما دشمن و کینه توز باشد، پس دشمنی و مخالفت او به جهت جدم رسول خدا خواهد بود. (ینایع المودة : ج ۲، ص ۳۷، ح ۵۸)

قالَ الحسین علیہ السلام : يَأْتِيَنَّ آدَمَ، اِذْ ذُكِرَ مَصَارِعَ آبَائِكَ وَ اِئْتِنَايَكَ، كَيْفَ كَانُوا، وَ حَيْثُ حَلَوْا، وَ كَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ. ای فرزند آدم ، بیاد آور آن لحظاتی را که پدران و فرزندان - و دوستان - تو چگونه در چنگال مرگ قرار گرفتند، آن ها در چه وضعیتی بودند و سرانجام به کجا

منتهی شدند و کجا رفتند. و بیندیش که تو نیز همانند آن ها به ایشان خواهی پیوست - پس مواظب اعمال و رفتار خود باش - . (نهج الشهادة : ص ۶۰)

قالَ الحسين عليه السلام : لا ترفع حاجتك إلا إلى أحد ثلاثة: إلى ذي دين، أو مروة أو حسب؛ جز به یکی از سه نفر حاجت میر: به دیندار، یا صاحب مروت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد. (تحف العقول، ص ۲۴۷)

قالَ الحسين عليه السلام : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَلَا يَعْتَذِرُ، وَالْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يُسِيءُ وَيَعْتَذِرُ؛ مؤمن نه بدی می کند و نه معذرت می خواهد و منافق هر روز بدی می کند و معذرت می خواهد. (تحف العقول، ص ۲۴۸)

قالَ الحسين عليه السلام : يَا بَنَ آدَمَ، إِنَّمَا آتَيْتَ أَهْيَاكُم، كُلُّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكُمْ. ای فرزند آدم ، بدرستی که تو مجموعه ای از زمان ها و روزگار هستی ، هر آنچه از آن بگذرد، زمانی از تو فانی و سپری گشته است - بنابراین لحظات عمرت را غنیمت شمار که جبران ناپذیر است - . (نهج الشهادة : ص ۳۴۶)

قالَ الحسين عليه السلام : مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُو وَأَسْرَعُ لِمَجِيئِ مَا يَخْذَرُ. هرکس از روی نافرمانی و معصیت خداوند، کاری را انجام دهد، آنچه را آرزو دارد سریع تر از دست می دهد و به آنچه هراسناک و بیمناک می باشد مبتلا می گردد. (اصول کافی : ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۲۰، س ۶، وسائل الشیعة : ج ۱۶، ص ۱۵۳، ح ۳)

قالَ الحسين عليه السلام : الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاتٌ مِنَ النَّارِ وَقَالَ: بُكَاءُ الْعُيُونِ، وَخَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ. گریان بودن به جهت ترس از - عذاب - خداوند، سبب نجات از آتش دوزخ خواهد بود؛ و فرمود: گریان بودن چشم و خشیت داشتن دل ها یکی از نشانه های رحمت الهی - برای بنده - است . (نهج الشهادة : ص ۳۷۰، مستدرک الوسائل : ج ۱۱، ص ۲۴۵، ح ۱۲۸۸۱)

قالَ الحسين عليه السلام : لَا يَكْمِلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ. بینش و عقل و درک انسان تکمیل نمی گردد مگر آن که - اهل حق و صداقت باشد و - از حقایق ، تبعیت و پیروی کند. (نهج الشهادة : ص ۳۵۶، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۲۷، ح ۱۱)

قالَ الحسين عليه السلام : اَهْلَكَ النَّاسَ اِثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ، وَ طَلَبُ الْفَخْرِ. دو چیز مردم را هلاک و بیچاره گردانده است : یکی ترس از این که مبدا در آینده فقیر و نیازمند دیگران گردند. و دیگری فخر کردن - در مسائل مختلف - و مباهات بر دیگران است . (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۵۴، ح ۹۶)

قالَ الحسين عليه السلام : مَنْ عَرَفَ حَقَّ آبَوَيْهِ الْأَفْضَلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ، وَ اطَاعَهُمَا، قِيلَ لَهُ: تَبَخَّحَ فِي أَيْ الْجَنَانِ شَيْئًا. هر شخصی که حق والدینش محمد صلی الله علیه و آله ، و علی علیه السلام را که با شرافت و با فضیلت ترین انسان ها هستند، بشناسد و - در تمام امور زندگی - از ایشان

تبعیت و اطاعت کند؛ در قیامت به او خطاب می شود: هر قسمتی از بهشت را که خواستار باشی ، می توانی انتخاب کنی و در آن وارد شوی . (نهج الشهادة : ص ۲۹۳، تفسیرالامام العسکری علیه السلام : ص ۳۳۰، بحار: ج ۲۳، ص ۲۶۰، ح ۸)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ. هرکس رضایت و خوشنودی خداوند را - در امور زندگی - طلب نماید گرچه همه افراد از او رنجیده شوند، خداوند مهمات و مشکلات او را کفایت خواهد نمود. و کسی که رضایت و خوشنودی مردم را طالب گردد گرچه مورد خشم و غضب پروردگار باشد، خداوند امور این شخص را به مردم واگذار می کند. (امالی شیخ صدوق : ص ۱۶۷، مستدرک الوسائل : ج ۱۲، ص ۲۰۹، ح ۱۳۹۰۲)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ؛ بى گمان شیعیان ما دل هایشان از هر خیانت، کینه، و فریبکاری پاک است. مجموعه ورام ج ۲، ص ۱۰۶ - بحارالانوار (ط - بیروت) ج ۶۵، ص ۱۵۶)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِى بَيَانٍ مَا يَحْدُثُ فِى زَمَنِ ظُهُورِ الْمَامِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ لَتَنْزِلَنَّ الْبَرَكَةُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الرِّضِ حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ مِمَّا يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَ لَتَوَكَّلُ ثَمَرَةُ الشَّتَاءِ فِى الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةُ الصَّيْفِ فِى الشَّتَاءِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الرِّضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا»؛ در بیان آنچه هنگام ظهور امام زمان علیه السلام رخ می دهد : برکت از آسمان به سوی زمین فرو می ریزد، تا آن جا که درخت از میوه فراوانی که خداوند در آن می افزاید، می شکند. (مردم) میوه زمستان را در تابستان و میوه تابستان را در زمستان می خورند و این معنای سخن خداوند است که: (و اگر مردم آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکت هایی از آسمان و زمین به روی آنان می گشودیم، لیکن تکذیب کردند) (الخراج ج ۲، ص ۸۴۹)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ . شیعیان و پیروان ما - اهل بیت رسالت - آن کسانی هستند که اءفکار و درون آن ها از هر گونه حيله و نیرنگ و عوام فریبی سلامت و تهی باشد. (تفسیرالامام العسکری علیه السلام : ص ۳۰۹، ح ۱۵۴، بحارالانوار: ج ۶۵، ص ۱۵۶، ح ۱۱)

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيُّهَا النَّاسُ! إِنْ رَسُلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَامِ اللَّهِ نَاكِثًا عَهْدَهُ مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِى عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعِدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بِفَعْلٍ وَ لَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ . مردم! پیامبر خدا فرمود هر کس سلطان جائر و زور گویی را ببیند که حرام خدا را حلال نموده و پیمان او را در هم شکسته، با سنت

پیامبر، مخالفت می ورزد، در میان بندگان خدا راه گناه و مخالفت با قانون الهی را در پیش می گیرد و با چنین فردی با عمل و گفتارش مخالفت نکند، بر خداوند است که چنین فرد (ساکت) را به محل همان طغیانگر (آتش جهنم) داخل کند . (مقتل مرقم / ۱۸۵، طبری ۶ / ۲۲۹، کامل ابن اثیر. و مقتل خوارزمی ۱ / ۲۲۹)

قالَ الحسين عليه السلام : ... فبدا الله بالامر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة منه لعمه بانها اذا اديت و اقيمت استقامت الفرائض كلها حينها و صعبها و ذلك ان الامر بالمعروف و النهي عن المنكر دعاء الى الاسلام مع رد المظالم و مخالفة الظالم و قسمة الفیء و الغنائم و اخذ الصدقات من مواضعها و وضعها فی حقها . خداوند در این آیه (و المومنون و المومنات بعضهم اولياء بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر.... (توبه / ۷۱)) در شمردن صفات مومنان که مظهر دوستی و همکاری هستند، از امر به معروف و نهی از منکر شروع می کند و نخست آن را موجب می شمارد؛ زیرا می داند اگر این دو امر در جامعه برقرار شود، همه واجبات از آسان گرفته تا مشکل، برقرار خواهد شد؛ چون امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام، باز گرداندن حقوق به ناحق گرفته شده، ستیز با ستمگر و تقسیم ثروتهای عمومی و غنایم جنگی است بر موازین اسلام و اخذ جمع آوری صدقات (زکات و مالیاتهای الزامی) از موارد صحیح و واجب آن و به مصرف صحیح و شرعی رسانیدن آن است. (خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی / ۶۴ - ۶۸)

امام حسین وقتی می خواهد به کربلا برود در جمع بیش از هزار نفر صحابه و تابعین در منا می فرماید: اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منا تنافسا فی سلطان، و لا التماسا من فضول الحطام ولكن لنری المعالم من دینک، ونظهر الاصلاح فی بلادک، و یامن المظلومون من عبادک، و یعمل بفرائضک، سننک و احکامک . خدایا! بی شک تو می دانی آن چه از ما سر زده (و مبارزه ای که بر ضد بنی امیه شروع کرده ایم) نه رقابت در به دست آوردن قدرت سیاسی است و نه جستجوی ثروت و نعمتهای بیشتر، بلکه برای این است که ارزشهای درخشان آیینت را ارائه دهیم و در بلاد و شهرها اصلاحات پدید آوریم و بندگان ستمدیده ات را از حقوقشان برخوردار و ایمن سازیم و برای این است که به قوانین و احکام تو عمل شود . (خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی / ۷۱)

امام حسین علیه السلام کنار قبر پیامبر: اللهم انی احب المعروف و انکر المنکر، و انی اسئلك یا ذاالجلال و الاکرام بحق هذا القبر و من فیہ الا اخترت لی من امری ما هو لک رضی و لرسولک رضی . خدایا من دوستدار معروف و از منکر بیزارم، ای خدای بزرگ و کرامت بخش! تو را به حق این قبر و به حق کسی که در میان آن است، سوگندت می دهم که در این تصمیم و اراده ای که دارم، راهی را برای منم بنمایی که موجب رضا و خشنودی تو و پیامبرت باشد . (مقتل خوارزمی ۱ / ۱۸۶ و عوالم / ۱۷۷) امام علیه السلام این جمله را در یک برهه حساس و در یک شرایط تاریخی در کنار قبر رسول

خدا صلی الله علیه وآله وسلم ایراد فرمود، آنگاه که تصمیم گرفت مدینه را به سوی مکه ترک گوید و برای آخرین بار به زیارت قبر رسول خدا (ص) شتافت و با جد بزرگوارش وداع نمود.

امام حسین علیه السلام در وصیت به محمد حنفیه: و انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما، و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی (ع) ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب. من نه از روی خود خواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای افساد و ستمگری، از مدینه خارج شدم بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امور است و احیا و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا (ص) و راه و رسم پدرم علی ابن ابیطالب است. (مقتل مقرر / ۱۳۹)

امام حسین علیه السلام: الا و ان هولاء قد لزموا طاعة الشیطان، و ترکوا طاعة الرحمن، و اظهروا الفساد، و عطلوا الحدود، و استاثروا بالفیء، و احلوا حرام الله، و حرّموا حلاله، و انا احق ممن غیر. مردم آگاه باشید! اینان (بنی امیه) به پیروی از شیطان گردن نهاده و اطاعت خدا را ترک نموده اند، فساد را ترویج و حدود خدا را تعطیل نموده اند و بیت المال را به خود اختصاص داده، حرام خدا را حلال و حلال خدا را تحریم کرده اند و اینک من سزاوار و شایسته ام بر حکومت مسلمانان نه اینان که اسلام را تغییر داده اند. (مقتل مقرر / ۱۸۵. طبری ۶ / ۲۲۹. کامل ابن اثیر ۳ / ۲۸۰ و خوارزمی ۱ / ۲۳۴) این جمله بخشی از سخنرانی مشروح حسین بن علی علیه السلام است که در منزل بیضه در نزدیکی کربلا خطاب به سپاهیان حر ایراد فرمود.

امام حسین علیه السلام: من اصابته مصیبة فقال اذا ذکرها «انا لله وانا الیه راجعون» جدد الله له من اجرها مثل ما کان له يوم القيامة؛ هر کسی مصیبتی به او رسد، پس هرگاه که به یاد آن مصیبت می افتد بگوید: ما از خداییم و به سوی خدا باز می گردیم، خداوند در روز قیامت پاداش او را [هر مقدار که تکرار کند] به میزان پاداش مصیبتی که به او رسیده است تجدید می کند. (منتخب میزان الحکمه، سید حمید حسینی (قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰) ص ۴۸۷ حدیث ۳۳۱)

امام حسین علیه السلام هر چند یاران و اصحاب معدودی داشت، ولی این گونه نبود که هر کس را به یاری دعوت کند، و نصرت هر بی صبر و تحملی را بپذیرد؛ بلکه با صراحت اعلام کرد که فقط صابران بیابند و بمانند: ایها الناس فمن کان منکم یصبر علی حد السیف و طعن الاسنة فلیقم معنا و الا فلینصرف عنا؛ ای مردم! هر کدام از شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها صبر کند با ما قیام کند [و بماند] وگرنه از میان ما بیرون رود [و خود را نجات دهد]. (فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ص ۴۸۳ - ۴۸۶؛ ینابیع المودة، ص ۴۰۶)

امام حسین علیه السلام در گوشه ای از نامه اش به محمد حنفیه نوشت: فمن قبلنی بقبول الحق فالله اولی بالحق ومن رد علی هذا اصبر حتی یقضی الله بینی و بین القوم بالحق؛ پس هر کس حقیقت

مرا بپذیرد [و از من پیروی کند، راه خدا را پذیرفته و] خدا به حق اولی است و هر کس رد کند [و من را تنها گذارد] صبر می کنم تا خداوند میان من و این قوم به حق داوری کند. (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۷۹؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۵۷۰)

امام حسین علیه السلام صبح عاشوراء خطاب به یاران با چهره ای گشاده و با نفس آرام فرمود: صبرا بنی الکرام فما الموت الا قنطرة عن البؤس والضراء الى الجنان الواسعة والنعيم الدائمة؛ فايكم يكره ان ينتقل من سجن الى قصر، و ما هو لا عدائكم الا كمن ينتقل من قصر الى سجن و عذاب. ان ابی حدثنی عن رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم ان الدنيا سجن المومن و جنة الکافر و الموت جسر هولاء الى جناتهم و جسر هولاء الى جحهميم ما كذبت و لا كذبت. ای فرزندان کرامت و شرف! شکیبا باشید، مرگ پلی بیش نیست که ما را از مشکلات و سختیها به سوی بهشت وسیع و نعمتهای جاویدان عبور می دهد. و چه کسی از شما است که نخواهد از زندان به قصر انتقال یابد و همین مرگ برای دشمنان شما مانند آن است که آنان را از کاخی به زندان و شکنجه گاه، منتقل کنند. درم از رسول خدا نقل نمود اینکه دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ پل آنان (مسلمانان) است برای بهشتشان و پل اینان (کافر) است برای دوزخشان، نه به من دروغ گفته اند و نه من دروغ می گویم. (لُهوف، ابن طاووس، ص ۲۶؛ کشف الغمة، اربلی، ج ۲، ص ۲۹؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۷۴) و در جای دیگر فرمود: ان الله قد اذن فی قتلکم فعليکم بالصبر؛ براستی خداوند اذن کشته شدن [و شهادت شما را] داده است، پس بر شما لازم است که صبر کنید. (معانی الاخبار، صدوق، ص ۲۸۸؛ کامل الزیارات، ص ۳۷؛ اثبات الوصیة، ص ۱۳۹؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۸۲، حدیث ۱۸۵)

امام حسین علیه السلام خطاب به احمد بن حسن علیه السلام، آنگاه که بعد از جنگ آشکار برگشت و از عمو آب خواست، فرمود: یابنی اصبر قليلا حتى تلقی جدک فیسقیک شربة من الماء لا تظما بعدها ابدا؛ پسر من! مدت کمی شکیبایی کن تا جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله را، ملاقات کنی، پس آنگاه از آبی سیرابت کند که هرگز بعد از آن تشنه نشوی. (ینایع المودة، ص ۴۱۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۳۱)

امام حسین علیه السلام خطاب به علی اکبرش هنگامی که برای تجدید قوا آب خواست، فرمود: اصبر حبیبی فانک لاتمسی حتی یسقیک رسول الله بکاسه؛ عزیز دلم صبر کن؛ زیرا به زودی از دست جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله سیراب می شوی. (مقاتل الطالبین، ص ۱۱۵؛ بحار، ج ۴۵، ص ۴۵؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۷؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام (همان) ص ۴۶۲)

امام حسین علیه السلام آن گاه که به درب خیمه زنها آمده و فریاد کشید: سکینه، فاطمه، زینب، ام کلثوم، خداحافظ من هم رفتم، زنها و بچه ها شروع به گریه کردند، حضرت خطاب به سکینه

فرمودند: یا نور عینی ... فاصبری علی قضاء الله ولا تشکی فان الدنيا فانیة والآخرة باقیة؛ ای نور چشم! ... پس باید بر تقدیرات الهی صبر کنی و شکوه نکنی؛ چرا که دنیا ناپایدار و آخرت ماندگار است. (ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۶۰؛ اسرار الشهادة، دربندی، ص ۴۲۳؛ موسوعة، ص ۴۹۰)

امام حسین علیه السلام آن گاه که به زمین افتاده بود و لحظات آخر عمر خویش را سپری می کرد، آخرین پرده از شکوه و صبر خویش را با این جملات به عرصه نمایش گذاشت: صبرا علی قضائک لاله سواک یا غیاث المستغیثین ولا معبود غیرک، صبرا علی حکمک؛ در برابر قضای تو صبر می کنم، خدایی جز تو نیست، ای پناه پناه آورندگان، و معبودی جز تو وجود ندارد، بر حکم تو صبر می کنم.

(ایمان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۰)

قالَ الحسین علیه السلام فی لیلۃ العاشوراء: اُثْنِی عَلَی اللّٰهِ اَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَاَحْمَدُهُ عَلَی السَّرِّاءِ وَالضَّرِّاءِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَحْمَدُكَ عَلَی اَنْ اَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوَّةِ ، وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِی الدِّینِ وَجَعَلْتَ لَنَا اَسْمَاعاً وَاَبْصَاراً وَاَفْنِیدَهُ ، وَلَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُشْرِكِیْنَ . اَمَّا بَعْدُ : فَاِنِّیْ لَا اَعْلَمُ اَصْحَاباً اَوْلى وَلَا خَیْراً مِنْ اَصْحَابِی وَلَا اَهْلَ بَيْتِ اَبَرٍّ وَلَا اَوْصَلَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِی فَجَزَاكُمُ اللّٰهُ عَنِّیْ جَمِیعاً خَیْراً . وَقَدْ اَخْبَرَنِیْ جَدِّی رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاَسَاسُقْ اِلَی الْعِرَاقِ فَاَنْزَلَ اَرْضاً یُقَالُ لَهَا عَمُوراً وَ كَرْبَلاً وَفِیْهَا اُسْتُشْهِدُ وَقَدْ قَرُبَ الْمَوْعِدُ . اَلَا وَاِنِّیْ اَطُنُّ یَوْمَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ الْاَعْدَاءِ عَدَاً وَاِنِّیْ قَدْ اَذْنْتُ لَكُمْ فَاَنْطَلِقُوا جَمِیعاً فِی حِلٍّ لَیْسَ عَلَیْكُمْ مِنْنِیْ ذِمَامٌ ، وَهَذَا اللَّیْلُ قَدْ غَشِیْتُكُمْ فَاَتَّخِذُوْهُ جَمَلاً وَلِیَاءُ خُذْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِیَدِ رَجُلٍ مِنْ اَهْلِیَّیْتِی ، فَجَزَاكُمُ اللّٰهُ جَمِیعاً خَیْراً وَتَفَرَّقُوا فِی سَوَادِكُمْ وَمَدَائِنِكُمْ فَاِنَّ الْقَوْمَ اِنَّمَا یَطْلُبُوْنِنِیْ وَلَوْ اَصَابُونِی لَذَهَلُوا عَنْ طَلَبِ غَیْرِی . ترجمه و توضیح : حسین بن علی علیهما السلام نزدیک غروب تاسوعا و پس از آنکه از طرف دشمن مهلت داده شد (و یا پس از نماز مغرب) در میان افراد بنی هاشم و یاران خویش قرار گرفته این خطابه را ایراد نمود: خدا را به بهترین وجه ستایش کرده و در شداید و آسایش و رنج و رفاه مقابل نعمتهایش سپاسگزارم . خدایا! تو را می ستایم که بر ما خاندان ، با نبوت ، کرامت بخشیدی و قرآن را به ما آموختی و به دین و آیین مان آشنا ساختی و بر ما گوش (حق شنو) و چشم (حق بین) و قلب (روشن) عطا فرموده ای و از گروه مشرک و خدانشناس قرار ندادی . اما بعد: من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده ام و اهل بیت و خاندانی باوفا تر و صدیق تر از اهل بیت خود سراغ ندارم . خداوند به همه شما جزای خیر دهد. آنگاه فرمود: جدم رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاَسَاسُقْ و سلّم خبر داده بود که من به عراق فرا خوانده می شوم و در محلی به نام ((عمورا)) و یا ((کربلا)) فرود آمده و در همانجا به شهادت می رسم و اینک وقت این شهادت رسیده است به اعتقاد من همین فردا، دشمن جنگ خود را با ما آغاز خواهد نمود و حالا شما آزاد هستید و من بیعت خود را از شما برداشتم و به همه شما اجازه می دهم که از این سیاهی شب استفاده کرده و هریک از شما دست یکی از افراد خانواده مرا بگیرد و به سوی آبادی و شهر خویش حرکت کند و جان خود را از

مرگ نجات بخشد؛ زیرا این مردم فقط در تعقیب من هستند و اگر بر من دست بیابند با دیگران کاری نخواهند داشت ، خداوند به همه شما جزای خیر و پاداش نیک عنایت کند. (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا)

شعر امام (ع) و وصیت آن حضرت به خواهران و همسرانش در شب عاشورا : يَا دَهْرُ أَفْ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ - كَمْ لَكَ بِأَلَا شَرَّاقٍ وَلَا صِيلٍ - مِنْ صَاحِبٍ أَوْطَالِبٍ قَتِيلٍ - وَالْدَهْرُ لَا يَقْنَعُ بِالْبَدِيلِ - وَأَنْمَا الْأَمْرُ إِلَى الْجَلِيلِ - وَكُلُّ حَيٍّ سَالِكٌ سَبِيلٍ ... يَا أُخْتَاهُ تَعَزَّى بِعِزَاءِ اللَّهِ ، وَاَعْلَمِي أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَأَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقُونَ ، وَأَنَّ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ بِقُدْرَتِهِ ، وَيَبْعَثُ الْخَلْقَ فَيَعُودُونَ وَهُوَ قَزْدٌ وَحْدَهُ أَبِي حَيَّرَ مِنِّي ، وَأُمِّي حَيَّرَ مِنِّي وَأَخِي حَيَّرَ مِنِّي وَلِيٌّ وَلَهُمْ ، وَلِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ ... يَا أُخْتَاهُ يَا أُمَّ كَلْثُومَ يَا فَاطِمَةَ يَا رَبَابُ انْظُرِي إِذَا قُتِلْتُ فَلَا تَشْقُقَنَّ عَلَيَّ جَيْبًا وَلَا تَحْمُسْنِي وَجْهًا وَلَا تَقْلُنَّ هَجْرًا . از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که در شب عاشورا پدرم در میان خیمه با چند تن از یارانش نشسته بود و (جون) غلام ابوذر مشغول اصلاح شمشیر امام علیه السلام بود آن حضرت به این اشعار مترنم و متمثل گردید: (یا دَهْرُ أَفْ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ...) ای دنیا! اف بر دوستی تو که صبحگاهان و عصرگاهان چقدر از دوستان و خواهانت را به کشتن می دهی که به عوض قناعت نورزی و همانا کارها به خدای بزرگ محول است و هر زنده ای سالک این راه. امام سجاد علیه السلام می گوید: من از این اشعار به هدف امام علیه السلام که خبر مرگ و اعلان شهادت بود پی بردم و چشمانم پر از اشک گردید ولی از گریه خودداری کردم ، اما عمه ام زینب که در کنار بستر من نشسته بود با شنیدن این اشعار و با متفرق شدن یاران امام ، خود را به خیمه آن حضرت رسانید و گفت : و ای بر من! ای کاش مرده بودم و چنین روزی را نمی دیدم ، ای یادگار گذشتگانم و ای پناهگاه بازماندگانم گویا همه عزیزانم را امروز از دست داده ام که این پیشامد، مصیبت پدرم علی و مادرم زهرا و برادرم حسن علیهما السلام را زنده نمود. امام علیه السلام به زینب کبری تسلی داده و به صبر و شکیبایی توصیه نمود و چنین گفت : (یا أُخْتَاهُ تَعَزَّى بِعِزَاءِ اللَّهِ ...) خواهر! راه صبر و شکیبایی را در پیش بگیر و بدانکه همه مردم دنیا می میرند و آنانکه در آسمانها هستند زنده نمی مانند، همه موجودات از بین رفتنی هستند مگر خدای بزرگ که دنیا را با قدرت خویش آفریده است و همه مردم را مبعوث و زنده خواهد نمود و اوست خدای یکتا. پدر و مادرم و برادرم حسن بهتر از من بودند که همه به جهان دیگر شتافتند و من و آنان و همه مسلمانان باید از رسول خدا پیروی کنیم که او نیز به جهان بقا شتافت. سپس فرمود: (خواهرم ام کلثوم! فاطمه! رباب! پس از مرگ من گریبان چاک نکنید و صورت خود را نخرائید و سخنی که از شما شایسته نیست بر زبان نرانید. (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا)

دعای حضرت در صبح عاشورا : از حضرت سید السَّاجِدین و زین العابدین علیه السلام روایتست که:

لَمَّا صَبَحَ الْخَيْلُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، رَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثَقَّةٌ وَعُدَّةٌ. كَمْ مِنْ هَمٍّ يَضَعُفُ فِيهِ الْفُؤَادُ، وَثَقُلَ فِيهِ الْحَيْلُ، وَيَحْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ، وَيَشُمْتُ فِيهِ الْعَدُوُّ؛ أَنْزَلْتُهُ بِكَ، وَشَكْوَتُهُ إِلَيْكَ، رَغِبَهُ مِنِّي إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ؛ فَفَرَّجْتَهُ عَنِّي، وَكَشَفْتَهُ، وَكَفَيْتَهُ. فَأَنْتَ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ. و چون صبحگاهان لشکر به نزد حسین علیه السلام آمدند، دست های خود را بلند نموده و عرضه داشت: بار پروردگارا! در تمام غصه ها و اندوه ها، تو محلّ اتکاء و اعتماد من می باشی! و در هر گرفتاری و شدت، تو محلّ امید من هستی! و در هر حادثه ای که بر من فرود آید و هر نازله ای که بر من وارد شود، تو محلّ اطمینان و استعداد من می باشی! چه بسیار از هموم و غموم خود را که دل در آن ناتوان می شد، و حيله و چاره برای رفع آن کوتاه می آمد، و دوست، انسان را تنها می گذاشت، و دشمن زبان به شماتت می گشود؛ من بارِ آن حوادث و هموم را بسوی تو آوردم، و شکوه آن را به تو نمودم؛ به جهت میل و رغبتی که به تو داشتم و به غیر از تو نداشتم؛ پس خداوندا تو همه آنها را برطرف نمودی! و امر مرا کفایت کردی! بنابراین ای خدای من! تو ولی تمام نعمت ها هستی! و صاحب هر نیکوئی! و منتهای تمام رغبت ها می باشی! . («ارشاد» مفید ص ۲۵۳)

خطبه حضرت در صبح عاشورا و اتمام حجت بر کوفیان: و آنگاه حضرت مرکب خود را طلبیده و سوار شدند، و با صدای بلند بطوریکه همگی می شنیدند چنین خطبه ای ایراد نمودند: أَيُّهَا النَّاسُ! اسْمَعُوا قَوْلِي، وَلَا تَعْجَلُوا حَتَّى أَعْطِيَكُم بِمَا يَحِقُّ عَلَى لَكُمْ؛ وَحَتَّى أُعْذِرَ إِلَيْكُمْ! فَإِنْ أُعْطِيتُمُونِي النِّصْفَ كُنْتُمْ بِذَلِكَ أَسْعَدًا! وَإِنْ لَمْ تُعْطُونِي النِّصْفَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ فَأَجْمِعُوا رَأْيَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْظُرُون! إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابُ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ، ای مردم! گفتار مرا بشنوید! و شتاب نکنید تا آنچه حق شماسست بر من از اندرز و موعظه، شما را بدان پند دهم؛ و عذر خود را در حرکت از مکه بسوی شما برای شما بیان کنم! پس اگر از در انصاف در آئید و عذر مرا بپذیرید که البته نیکبخت باشید! و دیگر راه مقاتله و جنگ با من بر روی شما بسته می گردد! و اگر عذر مرا نپذیرید و حجت مرا کافی ندانید، پس در آن هنگام رأی خود و شریکان خود را روی هم گرد آورده، تا اینکه کار شما و امر شما بر شما پوشیده نماند؛ و سپس بدون هیچ مهلتی به من بپردازید و کار خود را یکسره کنید! بدانید که صاحب اختیار و ولی من خداست که قرآن کریم را بفرستاد؛ و او زمام امور مردمان صالح را در دست دارد. پس حمد خدای را بجا آورد، و ثنای او بگفت، و درود بر پیغمبر بفرستاد، و هیچ خطیبی دیده نشد نه قبل از او و نه بعد از او که چنین با بلاغت در گفتار خود مطالب را ادا کند. و پس از آن فرمود: أَوَّلَ نَسَبٍ مَرَا در نظر آورید! و ببینید من کیستم؟ و سپس به افکار خود مراجعه کنید و آن را مورد عتاب و سرزنش قرار دهید! ببینید ای کشتن من برای شما سزاوار است؟! و ای پاره کردن حرمت من بر شما جائز است؟! مگر من پسر

دختر پیغمبر شما نیستیم؟ مگر من پسر وصی پیغمبر و پسر عموی او که اوّل مؤمن و تصدیق آورنده به رسول الله و به آنچه از جانب خدا بر او نازل شده بود نیستیم؟ مگر حمزه سید الشهداء عموی پدر من نیست؟ مگر جعفر که به دو بال خود در بهشت پرواز می کند، عموی من نیست؟ آیا مگر به شما نرسیده است گفتار رسول خدا که درباره من و برادرم فرمود: هَذَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. این دو نفر دو سید و آقای جوانان بهشتند.؟ پس اگر مرا در این گفتار تصدیق دارید و بدانید که من راست می گویم؛ و سوگند به خدا از وقتی که دانسته ام خداوند دروغگو را دشمنِ مبعوض شمرده است، سخن دروغی را بر زبان نیاورده ام (از کشتن من صرف نظر کنید)؛ و اگر گفتار مرا باور ندارید و این کلام را تکذیب می کنید، اینک در میان شما کسی هست که شما را خبر دهد؛ از جابر بن عبدالله أنصاری و أبوسعید خُدَری و سَهْل بن سَعْد ساعدی و زید بن أرقم و أنس بن مالک سؤال کنید! آنان به شما خبر می دهند که رسول خدا درباره من و برادرم چنین فرموده است. ای این معنی مانع و حاجز از ریختن خون من نمی شود؟ شمر گفت: آن کسیکه بفهمد تو چه می گوئی، خدا را بر یک جانب عبادت کرده است! حبیب بن مظاهر در پاسخ شمر گفت: سوگند به خدا که من می بینم تو را که خدا را بر هفتاد جانب (از شک و شبهه) عبادت می کنی! خداوند بر دل تو مهر زده است. (و دیگر یارای فهم و ادراک ندارد) حضرت سید الشهداء فرمود: اگر در این امر شک دارید، آیا در این هم شک دارید که من پسر دختر پیغمبر شما هستیم؟! سوگند به خدا در میان مشرق و مغرب عالم، پسر دختر پیغمبری غیر از من، نه در میان شما و نه در میان غیر شما نیست! وای بر شما! آیا کسی را از شما کشته ام که به طلب قصاص گرد آمده اید؟ یا مالی را از شما تملک نموده ام، یا جراحاتی و زخمی زده ام که برای تلافی آمده اید؟! هیچیک از آنان سخنی نگفت! حضرت ندا در داد: ای شَبَث بن رَبِیع! و ای حَجَّار بن أَبَجْر! و ای قَیس بن أَشْعَث! و ای یزید بن حارث! آیا شما به من در نامه ننوشتید که: میوه های درختان رسیده است! و اطراف زمین سرسبز گردیده است! اگر به سوی ما بیائی، به سوی لشکری آماده معاونت و کمک در تحت فرمان خود خواهی آمد؟! قیس بن اشعث گفت: ما نمی دانیم تو چه می گوئی! ولیکن برای حکم و فرمان پسر عمومیت (یزید) تنازل کن؛ آنان برای تو نمی خواهند مگر آنچه را که تو بپسندی! فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَام: لَا وَاللَّهِ! لَا أُعْطِيكُمْ، بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ، وَلَا أَقِرُّ لَكُمْ قَرَارَ الْعَبِيدِ، ثُمَّ نَادَى: يَا عِبَادَ اللَّهِ! إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ؛ وَأَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ. حضرت سید الشهداء علیه السلام در اینحال فرمود: نه سوگند به خدا! چون ذلیلان دست دَلْتُ به شما ندهم! و مانند بردگان بار ظلم و ستم شما را به دوش نمی کشم! و پس از آن فرمود: ای بندگان خدا! من پناه می برم به پروردگار خودم و پروردگار شما از اینکه مرا سنگباران کنید! من پناه می برم به پروردگارم و پروردگار شما از هر متکبری که بروز پاداش و حساب ایمان ندارد. (و لَا أَقِرُّ لَكُمْ قَرَارَ الْعَبِيدِ یعنی من مانند بندگان، تحمّل بار عبودیت شما را نمی

کنم و خود را متمکن برای تمکین شما نمی نمایم). (این خطبه را مفید در «ارشاد» از ص ۲۵۳ تا ص ۲۵۵ آورده است)

خطبه حضرت در روز عاشورا در مذمت اهل کوفه، تبری جستن از مدلت و نفرین بر کوفیان: ابن طاووس خطبه غراء زیر را از حضرت سیدالشهداء علیه السلام در روز عاشورا روایت کرده است. بدین مضمون که: قَالَ الرَّاوی: وَرَكَبَ أَصْحَابُ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ لَعْنَهُمُ اللَّهُ، فَبَعَثَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بُرَيْرَ بْنَ خُصَيْرٍ فَوَعَّظَهُمْ فَلَمْ يَسْتَمِعُوا، وَذَكَرَهُمْ فَلَمْ يَنْتَفِعُوا. فَكَرَبَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاقَتَهُ وَقِيلَ فَرَسُهُ - فَاسْتَنْصَتَهُمْ فَأَنْصَتُوا. فَحَمِدَ اللَّهَ، وَ أَتَى عَلَيْهِ، وَذَكَرَهُ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ، وَأَبْلَغَ فِي الْمَقَالِ؛ ثُمَّ قَالَ: تَبَّ لَكُمْ أَيُّهَا الْجَمَاعَةُ وَتَرَحُّا! حِينَ اسْتَصْرَحْتُمُونَا وَالْهَيْنَ، فَأَصْرَحْنَاكُمْ مُوجِفِينَ؛ سَلَلْتُمْ عَلَيْنَا سَيْفًا لَنَا فِي أَيْمَانِكُمْ! وَحَشَشْتُمْ عَلَيْنَا نَارًا افْتَدَحْنَاهَا عَلَى عَدُوِّنَا وَعَدُّوكُمْ! فَأَصْبَحْتُمْ إِلَيْنَا لِأَعْدَائِكُمْ عَلَى أَوْلِيَانِكُمْ بِغَيْرِ عَدْلِ أَفْشَوْهُ فِيكُمْ، وَ لَا أَمَلٍ أَصْبَحَ لَكُمْ فِيهِمْ! فَهَلَّا - لَكُمْ الْوَيْلَاتُ - تَرَكْتُمُونَا؛ وَ السَّيْفُ مَشِيئٌ، وَ الْجَأْشُ طَامِنٌ، وَ الرَّأْيُ لَمَّا يَسْتَحْصَفُ! وَ لَكِنْ أَسْرَعْتُمْ إِلَيْهَا كَطِيرِهِ الدَّبْيِ! وَتَدَاعَيْتُمْ إِلَيْهَا كَنَهَافَتِ الْفَرَّاشِ! فَسُحْقًا لَكُمْ يَا عِبِيدَ الْأَمَةِ! وَشُدَادًا لِالْأَحْزَابِ! وَنَبَذَهُ الْكِتَابُ! وَمُحَرَّفِي الْكَلِمِ! وَ عُصْبَةُ الْإِثَامِ! وَنَفْثَةُ الشَّيْطَانِ! وَمُطْفِئُ السُّنَنِ! أَهْؤُلَاءِ تَعْصُدُونَ؟! وَعَنَّا تَتَخَذُلُونَ؟! أَجَلٌ وَاللَّهِ عَذْرٌ فِيكُمْ قَدِيمٌ! وَشَجَتْ إِلَيْهِ أَصُولُكُمْ! وَتَأَزَّرَتْ عَلَيْهِ فُرُوعُكُمْ! فَكُنْتُمْ أَخْبَثَ ثَمَرٍ شَجًا لِلنَّاطِرِ! وَأَكْلَهُ لِلْغَاصِبِ! أَلَا وَإِنَّ الدَّعَى ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ: بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ؛ وَهِيَ هَاتِ مِثْلَ الذَّلَّةِ. يَأْتِي اللَّهَ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرْتُ، وَأَنْوَفٌ حَمِيهِ، وَنُفُوسٌ أَبِيهِ؛ مِنْ أَنْ تُؤَيِّرَ طَاعَهُ لِلِإِثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكَرَامِ، أَلَا وَإِنِّي زَاحِفٌ بِهَذِهِ الْأَشْرَةِ مَعَ قَلَّةِ الْعَدَدِ، وَخَذْلِهِ النَّاصِرِ. ثُمَّ أَوْصَلَ كَلَامَهُ بِأَيَّاتِ فَرَوْهُ بِنِ مُسِيكِ الْمُرَادِي: فَإِنْ نَهَرْتُمْ فَهَرَّامُونَ قَدَمًا - وَ إِنْ نَغْلَبَ فَعَبِيرٌ مُغْلَبِينَ - وَ مَا إِنْ طَبْنَا جُبْنٌ وَلَكِنْ - مَتَابَانَا وَدَوْلُهُ أَخْرَيْنَا - إِذَا مَا الْمَوْتُ رَفَعَ عَنْ أَنْاسٍ - كَلَّاكَلَهُ، أَنَاخَ بِأَخْرَيْنَا - فَأَفْنَى ذَلِكَ سُرُوءًا قَوْمِي - كَمَا أَفْنَى الْقُرُونُ الْأُولِينَ - فَلَوْ خَلَدَ الْمُلُوكُ إِذَا خَلَدْنَا - وَ لَوْ بَقِيَ الْكَرَامُ إِذَا بَقِينَا - فَقُلْ لِلشَّامِتِينَ بِنَا أَفِيقُوا - سَيَلْفَى الشَّامِتُونَ كَمَا لَقِينَا . ثُمَّ أَيْمَ اللَّهَ! لَا تَلْبَثُونَ بَعْدَهَا إِلَّا كَرِشْمًا يَرْكَبُ الْفَرَسُ، حَتَّى تَدُورَ بِكُمْ دَوْرَ الرَّحَى! وَتَقْلَقَ بِكُمْ قَلَقَ الْمَحُورِ! عَهْدٌ عَهْدُهُ إِلَى أَبِي عَنْ جَدِّي؛ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّهُ ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ! إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. اللَّهُمَّ احْبِسْ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ! وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ سِنِينَ كَسَنَى يَوْسُفَ! وَسَلِّطْ عَلَيْهِمْ غُلَامَ ثَقِيفٍ، فَيَسُومَهُمْ كَأْسًا مُصَبَّرَةً! فَإِنَّهُمْ كَذَّبُونَا وَخَذَلُونَا وَ أَنْتَ رَبُّنَا! عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا! وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ! . چون اصحاب عمر بن سعد بر مرکب های خود سوار شده و آماده جنگ با حضرت سید الشهداء علیه السلام شدند، حضرت، بُرَيْرَ بْنَ خُصَيْرٍ را برای موعظه لشکر بفرستاد. بُریر هر چه آنان را پند و اندرز داد گوش ندادند، و هر چه آنها را متذکر و متنبه نمود از آن سودی نبردند. در این حال خود حضرت امام

حسین علیه السلام بر ناقه خود - و بعضی گفته اند بر اسب خود - سوار شد، و آنها را دعوت به سکوت نمود. و چون ساکت شدند، حمد خدا را بجای آورد، و ثنا بر او فرستاد، و به آنچه موجب عظمت مقام حضرت حق بود او را بستود، و درود بر محمد و فرشتگان و انبیاء و رسولان الهی فرستاد؛ و در خطبه و گفتار بحدّ اتمّ و اکمل در رسانیدن مطلب اهتمام نمود. و سپس فرمود: ای جماعت! زیان و هلاکت بر شما باد! و فقر و نکبت و اندوه نیز از آن شما باد؛ که ما را با شور و ولّه به فریاد رسی خود خواندید! و ما چون با شتاب برای فریاد رسی و دادخواهی شما آمدیم، همان شمشیری را که متعلّق به ما بوده، و در دست شما نهاده بودیم برهنه نموده و بر سر ما کشیدید! و همان آتشی را که برای دشمنان خود و دشمنان شما جرّقه آن را افروخته بودیم بر ما افروختید! و برای سرکوبی دوستان خود، با دشمنان خود همدست و هماهنگ شدید! با اینکه آن دشمنان، عدلی را در میان شما رواج نداده و دادی را نگستردند؛ و نه امید خیری برای خود در آنها دارید. بنابراین، بلیه ها و رسوائیها دامنگیرتان باد! چرا در آن وقتیکه شمشیرها در غلاف بود، و نفوس آرام، و رأی ها هنوز در قتال مستحکم نگردیده بود؛ ما را رها نمودید؟! بلکه مانند سیل ملخ بسوی فتنه گسیل شدید! و مانند پروانه در فتنه به هم ریختید! پس هلاکت و نابودی باد بر شما ای بنده های امت ها! و ای افراد کنار زده شده و دور شده از حزب ها و جمعیت ها! و ای پس زندگان کتاب خدا! و ای تحریف کنندگان کلمات پروردگار! و ای طائفه گناه آفرین! و ای آب و دم دهان شیطان! و ای خاموش کنندگان سنّت های الهیه! آیا شما این جماعت را یار و یابوری می نمائید و ما را مخدول و تنها و منکوب می گذارید؟! آری! سوگند به خدا که این مکر و حيله در شما بی سابقه و تاریخچه نیست! و بر این مکر، اصول و ریشه های شما پیوسته و آمیخته شده است! و شاخه های شما بر آن پرورش یافته و نیرو گرفته است! پس شما پلیدترین ثمره این درختید، که در کام صاحبش که ناظر آنست چون خار و استخوان گلوگیر می گردید! و در کام شخص غاصب و متعدّی لقمه گوارا می باشید! آگاه باشید که این مرد بی پدر: زنازاده و پسر زنازاده (عبداللّه بن زیاد) مرا بین دو چیز ثابت و میخکوب نموده است: یا با شمشیر جنگ کردن و شربت شهادت نوشیدن، و یا تن به ذلّت و خواری دادن؛ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ، چقدر ذلّت از ما دور است! خداوند بر ما زبونی و ذلّت را نمی پسندد، و رسول خدا و مؤمنین نمی پسندند، و دامن های پاک و پاکیزه ای که ما را در خود پرورش داده اند، و سرهای پر حمیت، و نفس های استواریکه ابداً زیر بار ظلم و تعدّی نمی روند، بر ما نمی پسندند که اطاعت فرومایگان و زشت سیرتان را بر قتلگاه کریمان و شرافتمندان ترجیح دهیم! آگاه باشید که من با همین جماعت اندکی که با من هستند، با وجود کمی تعداد و نبودن معین و یاور آماده جنگ هستم! و در این حال حضرت خطبه خود را به ابیات فزّوه بن مُسیک مُرادى اتصال داده و به چند بیت از آن بدین منوال تمثّل نمود: ۱- اگر ما غلبه کنیم و پیروزمندان دشمن را به هزیمت دهیم، این کار تازه

مانیست؛ از قدیم الایام دأب و دَیدَن ما چنین بوده است. و اگر مغلوب گردیم، پس هیچگاه مغلوب شده نیستیم (به علت آنکه نیت ما و اراده ما بر صلاح و تقوی بوده، و این معنی شکست پذیر نیست)

۲- عادت و طبیعت ما ترس از مرگ نیست (و بدین جهت نیز به جنگ نیامده ایم که جان خود را دوست داریم، بلکه چون نمی خواهیم دشمن ناپاک بر ما سیطره جوید، برای این منظور آماده نبرد شده ایم؛ چون محال است که تا ما زنده ایم او بتواند. ۳- اگر مرگ سینه خود را از روی یک دسته از مردم بردارد، بدون شک روی یک دسته دیگر از مردم می خوابد؛ و ابدأ انسان را از مرگ گریزی و گزیری نیست. ۴- همین مرگ، اشراف و بزرگان قوم ما را نابود کرد؛ همچنانکه اقوام و طوائف پیشین را نابود کرد. ۵- اگر پادشاهان و مقتدران عالم در این جهان جاودانه زیست می نمودند، ما هم می توانستیم مَخْلَد بمانیم؛ و اگر بزرگان می ماندند ما نیز باقی بودیم؛ ولی بقاء و خلودی نیست.

۶- پس به شماتت کنندگان ما بگوئید: هان بیدار شوید و به هوش آئید! که بزودی آنان نیز مانند ما به مرگ و نیستی می رسند! و پس از این تمثّل، حضرت به خطبه خود بدین طریق ادامه دادند که: و سوگند بخدا که پس از واقعه شهادت من، بدانچه دل بسته اید نمی رسید! و درنگ نمی کنید در این جهان مگر به قدر سواری یک اسب؛ که ناگاه روزگار، همچون سنگ آسیا به دور شما بگردد و چون محور آسیا در شما گیر کند و شما را به قلق و تشویش و اضطراب اندازد! این عهدهی است که پدر من با من، از جدّ من نموده است. حال رأی خود و همدستان خود را روی هم گرد آورید! و مجتمعاً فکر کنید و تصمیم بگیرید که امر شما بر شما پوشیده نماند! و به کردار خود پشیمان نشده و دچار غم و اندوه و حسرت نگردید! آنگاه پس از این تفکر بدون شتاب زدگی، بر من حمله ور شده و بدون هیچ مُهلّتی کار مرا تمام کنید! من توکل بر خداوند نمودم، که پروردگار من و پروردگار شماست. هیچ جنبه ای در روی زمین نجنبد مگر آنکه تقدیراتش به دست قدرت اوست؛ و حقّاً پروردگار من در راه راست و طریق صواب است. بار پروردگار! قطرات باران آسمان را بر این قوم فرو بند! و قحط و گرسنگی را بر آنان، چون قحط زمان یوسف مقدر فرما! و جوان ثقفی را بر آنان بگمار تا آنان را از کاسه تلخ زهرآگین بچشانند! چون آنان ما را تکذیب کرده و به دروغ نسبت دادند، و ما را مخذول و منکوب نمودند! تو هستی پروردگار ما! توکل بر تو نموده ایم! و بسوی تو انابه و بازگشت داریم! و به سوی تو است تمام بازگشت ها. (این خطبه را در «لهوف» از ص ۸۵ تا ص ۸۸ آورده است)

اشعار رجزیه حضرت سیدالشهداء در روز عاشورا و ذکر فضائل خود: در کتاب «کشف الغمّه» از کتاب «الفتوح» وارد است که چون لشکریان ابن زیاد آن حضرت را در پِره گرفتند و از آب منع کردند و از اصحاب آن حضرت همه را کشتند، تیری به سوی طفل صغیر آن حضرت آمد و او را بکشت. حضرت او را به خون هایش آلوده کرد، و با شمشیر حفیره ای حفر و او را در آن مدفون ساخت، و سپس در مقابل لشکر ایستاده و حمله می آورد، و این رَجَز را می خواند: غَدَرَ الْقَوْمُ وَقَدْ مَّا رَغَبُوا - عَنْ ثَوَابِ اللَّهِ

رَبِّ الثَّقَلَيْنِ - قَتَلُوا قِدَمَ عَلِيًّا وَابْنَهُ - حَسَنَ الْخَبَرِ كَرِيمِ الطَّرَفَيْنِ - حَسَدًا مِنْهُمْ وَقَالُوا أَجْمَعُوا - نَقِيلِ
الآنَ جَمِيعًا بِالْحُسَيْنِ - يَا لَقَوْمٍ لِنَاسٍ رُذِلَ - جَمَعُوا الْجَمْعَ لِأَهْلِ الْحَرَمَيْنِ - ثُمَّ سَارُوا وَتَوَاصَوْا كُلُّهُمْ -
لِاجْتِيَا حِي، لِلرَّضَا بِالْمُحَدِّينِ - لَمْ يَخَافُوا اللَّهَ فِي سَفْكِ دَمِي - لِعَبِيدِ اللَّهِ نَسْلَ الْفَاجِرِينَ - وَابْنُ سَعْدٍ
قَدْ رَمَانِي عَنَوَه - بِجُنُودِ كُوكُوفِ الْهَاطِلِينَ - لَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنِّي قَبْلَ ذَا - غَيْرَ فَخْرِي بِضِيَاءِ
الْفُرْقَدَيْنِ - بِعَلَى خَيْرٍ مَنْ بَعْدَ النَّبِيِّ - وَالنَّبِيِّ الْقُرْشِيِّ الْوَالِدَيْنِ - خَيْرَهُ اللَّهُ مِنَ الْخَلْقِ أَبِي - ثُمَّ أُمِّي
فَأَنَا ابْنُ الْخَيْرَتَيْنِ - فَضَّهُ قَدْ صَفِيَتْ مِنْ ذَهَبٍ - فَأَنَا الْفَضُّهُ وَابْنُ الدَّهْيَيْنِ - مَنْ لَهُ جَدُّ كَجَدِّي فِي
الْوَرَى - أَوْ كَشِيخِي فَأَنَا ابْنُ الْقَمَرَيْنِ - فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ أُمِّي وَأَبِي - قَاصِمُ الْكُفْرِ بِبَدْرٍ وَحْنِينَ - وَ لَهُ فِي
يَوْمٍ أُحُدٍ وَقَعَهُ - سَفَتِ الْعُلَّ بِفَضِّ الْعُسْكَرَيْنِ - ثُمَّ بِالْأَحْزَابِ وَالْفَتْحِ مَعًا - كَانَ فِيهَا حَتْفُ أَهْلِ
الْقُبُلَتَيْنِ - فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ مَاذَا صَنَعَتْ - أُمُّهُ السَّوَّةُ مَعًا بِالْعِزَّتَيْنِ - عِزُّهُ الْبَرُّ النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى وَ -
عَلَى الْوُرْدِ بَيْنَ الْجَحْفَلَيْنِ ۱ - این جماعت خیانت کردند و کافر شدند. و از زمان پیشین، از ثواب
خداوند که پروردگار جن و انس است اعراض کرده و روی گردانیده اند. ۲ - این گروه، علی بن ابی
طالب را کشتند. و پسر او حسن را نیز که از ناحیه پدر و مادر، بزرگوار و کریم بود کشتند. ۳ - از روی
حقد و کینه ای که در دل داشتند، گفته اند: جمع شوید تا همگی اینک بر حسین یورش بریم. ۴ -
ای قوم به فریاد رسید! داد از دست مردم رذیل و پستی که جماعت ها را برای جنگ با اهل حرمین
(مکه و مدینه) برانگیخته اند. ۵ - و سپس همه به راه افتادند و به خاطر خشنودی دو نفر ملحد و
زندیق (یزید و عبیدالله بن زیاد) برای استیصال و به هلاکت رسانیدن من، یکدیگر را سفارش می
کردند. ۶ - در ریختن خون من، به جهت رضای خاطر عبیدالله بن زیاد که زاده دو نفر کافر است، از
خداوند نترسیدند. ۷ - و ابن سعد، از روی قهر و غلبه، با لشکری انبوه چون دانه های باران شدید، بر
من ریخت و مرا هدف تیرباران خود نمود. ۸ - این کینه توزی و سلطه جوئی آنان، نه از جهت جُرم و
جنایتی است که از من سرزده است؛ بلکه تنها بجهت افتخار من به نور و ضیاء دو ستاره فروزانست:
۹ - یکی از آنها علی بن ابی طالب که بهترین افراد روی زمین بعد از پیغمبر است، و دیگری رسول
خدا که هم از ناحیه پدر و هم از ناحیه مادر قُرشی است. ۱۰ - انتخاب شده و پسندیده خدا از میان
همه مردمان، پدر من است، و پس از آن مادرم؛ پس من فرزند دو پسندیده ترین و برگزیده ترین مردم
هستم! ۱۱ - من نقره ای هستم که از طلا به دست آمده است، و بنابراین من نقره بوده و فرزند دو
طلا می باشم. ۱۲ - در میان تمامی مخلوقات، کیست که جدی مانند جد من داشته باشد؟ و یا مربی
و معلمی مانند پدر من علی؟ پس من فرزند دو ماه تابناکم. ۱۳ - فاطمه زهراء مادر من است. و پدر
من کوبنده و شکننده کفر است در روز جنگ بدر و غزوه حنین. ۱۴ - و از برای پدر من در واقعه
احد داستانی است که به واسطه پراکنده کردن لشکر اشرار و کفار، موجبات شفای غصه و اندوه دل
اهل ایمان را فراهم ساخت. ۱۵ - و موقعیت و داستان دیگر او در غزوه احزاب و واقعه فتح مکه است

که در آن شدائدی که مرگ بر مسلمانان و اهل دو قبله می بارید؛ با قدم راستین او در جنگ، مرگ و شکست در هم پیچید و ظفر برای مسلمین شد. ۱۶ - این کارها را پدرم در راه خدا و فی سبیل الله انجام می داد؛ و حالا ببینید این امت بدسرشت و بدکردار، با دو عترت پاک چه کردند! ۱۷ - یکی عترت پیامبر نیکوی نیکوکردار محمد مصطفی، و دیگر عترت علی بن ابی طالب که در هنگام جنگ میان دو لشکر که چهره ها زرد می شد؛ پیوسته چهره اش چون گل سرخ می درخشید. عبدالله بن عمار بن یغوث می گوید: من هیچ مغلوبی که مورد تهاجم افراد بسیاری قرار گرفته باشد، و تمام اولاد او و اهل بیت او و اصحاب او کشته شده باشند ندیده ام، که قلبش محکمتر و دلش مطمئن تر و گامش استوارتر بوده باشد از حسین بن علی. در اینحال که به لشکر دشمن حمله می نمود تمام رجال و سپاهیان از مقابلش می گریختند و یک نفر باقی نمی ماند. (ممکن است الوُرد با کسره واو باشد، و آن به معنی مرد دلیر و با جرأت است). «(لهوف» ص ۱۰۵) عمر بن سعد به جماعت لشکر فریاد زد: «این فرزند اَنْزَع بَطین (علی بن ابی طالب) است! این فرزند کشنده عرب است! او را در پره گیرید، و از هر جانب به او حمله ور شوید!

سخنان حضرت با لشکریان در لحظات آخر: چهار هزار نفر تیرانداز او را احاطه کردند! و بین او و بین خیام حَرَمش جدائی انداختند. حضرت سید الشَّهداء علیه السَّلام فریاد زدند: یا شِیعَه آلِ ابی سَفیان! اِنْ لَمْ یَكُنْ لَکُمْ دِینٌ وَکُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَکُونُوا اَحْرَارًا فِی دُنْیَاکُمْ! وَارْجِعُوا اِلَیْ اَحْسَابِکُمْ اِنْ کُنْتُمْ عَرَبًا کَمَا تَزْعُمُونَ! ای شیعیان و پیروان آل ابی سفیان! اگر برای شما دینی نیست، و رویه شما اینست که از معاد نیز نمی ترسید؛ پس در زندگانی دنیای خود از آزادگان باشید! و اگر همچنانکه می پندارید، از طائفه عرب هستید، به حَسَب های خود برگردید (و از اعمال ناجوانمردانه احتراز کنید). شمر، حضرت را صدا زد که: «چه می گوئی ای پسر فاطمه؟!» حضرت فرمود: «من با شما در جنگ هستم! بر زن ها مؤاخذه ای نیست؛ و تا وقتی که زنده ام، این لشکریان یاغی و متعدی خود را از دستبرد به حرم من بازدارید!» قَالَ اقْصِدُونِی بِنَفْسِی وَاتْرُکُوا حَرَمِی قَدْ حَانَ حِینِی وَقَدْ لَاحَتْ لَوَائِحُهُ فرمود: «حَرَم مرا رها کنید و سراغ من بشخصه بیایید! و اینک زمان شهادت من نزدیک شده و آثار و علائم آن پدیدار گشته است». شمر گفت: «این درخواست را می پذیریم!» و آن جماعت همگی بطرف خود حضرت روی آوردند و جنگ شدت یافت و عطش بر آن حضرت بسیار شدید شد. «(مقتل مقرر» ص ۳۲۰)

و برای بار دوم از برای وداع به خیمه آمد، و با اهل حرم وداع نمود، و سپس به مرکز مبارزه بازگشت؛ و بسیار می گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. هیچ حرکت و تحوُّلی نیست؛ و هیچ قوّه و قدرتی نیست مگر به خداوند عزّ اسمّه. و أَبُو الْحَتُوف جُعفی، تیری به پیشانی مبارکش زد. آن تیر را بیرون کشید، و خون بر چهره اش جاری شد؛ و گفت: اَللّهُمَّ اِنَّکَ تَرَى مَا اَنَا فِیْهِ مِنْ عِبَادِکَ هَؤُلَاءِ الْعُصَه! اَللّهُمَّ

أُخْصِهِمْ عَدْدًا! وَأَقْتُلْهُمْ بَدَدًا! وَلَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَدًا! وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا! . بار پروردگارا! بر این حال من که از ناحیه این بندگان نافرمان تو می گذرد واقف هستی! بار پروردگارا! یکایک آنان را بشمار! و آنان را متفرقاً و متشتتاً هلاک گردان! و یک تن از آنان را روی زمین باقی مگذار! و ابداً آنها را نیامرزا! و با صوت بلند فریاد زد: يَا أُمَّةَ السَّوْءِ! بِئْسَمَا خَلَقْتُمْ مُحَمَّدًا فِي عِزَّتِهِ! أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَقْتُلُونَ رَجُلًا بَعْدِي فَتَهَابُونَ قَتْلَهُ، بَلْ يَهُونُ عَلَيْكُمْ ذَلِكَ عِنْدَ قَتْلِكُمْ إِيَّايَ! وَأَيُّمُ اللَّهِ لَا رَجُوءَ أَنْ يَكْرِِمَنِي اللَّهُ بِالشَّهَادَةِ، ثُمَّ يَنْتَقِمَ لِي مِنْكُمْ مِنْ حَيْثُ لَا تَشْعُرُونَ! ای امت بدسرشت و بدکردار! با محمد در عترتش به بدی رفتار کردید! آگاه باشید که شما بعد از من کسی را نخواهید کشت که از کشتنش نگران باشید و به هراس آئید، بلکه تمام کشتن ها برای شما سهل و آسان می نماید! و سوگند به خدا که من از خدای خودم امید دارم که مرا به شرف شهادت برساند، و از شما انتقام مرا بگیرد از جایی که خود نمی دانید! حصین گفت: ای پسر فاطمه! به چه چیز خداوند انتقام تو را از ما می گیرد؟ حضرت فرمودند: بَأْسٌ وَ شِدَّةٌ رَا فِي مِیَانِ شِمَا مِی افکند، تا آنکه خون های خود را می ریزید؛ و سپس چون موجهای دریا عذاب را بر شما خواهد ریخت! («مقتل مقرر» از «مقتل العوالم» و از «نفس المهموم» و از «مقتل خوارزمی»)

مناجات حضرت با خداوند در لحظات آخر و حالات حضرت در هنگام شهادت در این حال، از کثرت زخمها و جراحات وارده، ضعف بر آن حضرت آنقدر شدید بود که ایستاد تا بیارامد؛ که مردی سنگ بر پیشانی زده و خون بر صورتش جاری شد. و با لباس خود خواست تا خون را از دو چشمش پاک کند که مرد دیگری به تیر سه شعبه قلب مبارکش را هدف ساخت. پسر رسول خدا، به خدا عرض کرد: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ. وَ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: إِلَهِي! إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقْتُلُونَ رَجُلًا لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ ابْنُ نَبِيٍّ غَيْرُهُ! به نام خدا، و به خود خدا، و بر ملت و آئین رسول خدا (این شهادت روزی من می گردد). و سرش را به طرف آسمان بلند نموده و گفت: خدای من! تو می دانی که این قوم می کشند مردی را که در روی زمین پسر پیغمبری جز او نیست! دست برد و تیر را از پشت خود خارج کرد؛ و خون مانند ناودان قوران می کرد. («مقتل مقرر» از «نفس المهموم» و از «مقتل خوارزمی» و از «لهوف» ص ۱۰۶ و ۱۰۷)

حضرت دست خود را زیر آن خون گرفت، و چون پُر شد به آسمان پاشید و گفت: این حادثه که بر من نازل شده است چون در مقابل دیدگان خداست، بسیار سهل و ناچیز است. و یک قطره از آن خون بر زمین نریخت. و برای بار دوم دست خود را زیر خون گرفت؛ و چون پُر شد، با آن سر و صورت و محاسن شریف را متلطخ و خون آلوده نموده و گفت: با همین حال باقی خواهم بود تا خدا و جدم رسول خدا را دیدار کنم. و آنقدر خون از بدن مبارکش رفته بود که قدرت و رمقی در تن نمانده بود. نشست بر روی زمین و با مشقت سر خود را بلند نگاه می داشت، که در این حال مالک بن بشر آمده

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت است که اسب آن حضرت با صدای بلند شیبه می کشید، و پیشانی خود را به خون حضرت آلوده می نمود؛ و می بوئید؛ و می گفت: الظَّليْمَةُ! الظَّليْمَةُ! مِنْ أُمِّهِ قَتَلَتْ ابْنَ بَنْتِ نَبِيِّهَا. فریاد رس! فریاد رس! از اُمّی که پسر دختر پیغمبر خود را کشتند.» و متوجه خیام حرم شد. امّ کلثوم ندا در داد: وَ اُمِّحَمْدَا، وَ اَبْنَا، وَ عَلِيَا، وَ جَعْفَرَا، وَ حَمْرَنَا! این حسین است که در بیابان خشک کربلا بر روی زمین افتاده است. زینب ندا در داد: وَ اَخَا، وَ سَيِّدَا، وَ اَهْلَ بَيْتَا! لَيْتَ السَّمَاءَ اَطْبَقَتْ عَلَى الْاَرْضِ، وَلَيْتَ الْجِبَالَ تَذْكُكْتُ عَلَى السَّهْلِ. ای کاش آسمان بر زمین می چسبید، و ای کاش کوه ها خُرد می شد و بیابانها را پر می کرد. به نزد برادرش آمد، و دید که عمر بن سعد با جمعی از یارانش به حضرت نزدیک شده اند؛ و برادرش حسین در حال جان دادن است. فَصَاحَتْ: اِی عُمْرُ! اُیْقَتُلْ اَبُو عَبْدِ اللّٰهِ وَ اَنْتَ تَنْظُرُ اِلَيْهِ؟ فریاد برداشت: ای عمر بن سعد! ای اُباعبدالله را می کشند و تو به او نگاه می کنی؟ عمر صورت خود را برگردانید و اشکهایش بر روی ریشش جاری بود. زینب فریاد برداشت: وَ یَحْكُمُ! اَمَّا فِیْكُمْ مُسْلِمٌ؟! «ای وای بر شما! ای در بین شما یک نفر مسلمان نیست؟!» هیچکس جواب او را نداد عمر بن سعد فریاد زد: پیاده شوید و حسین را راحت کنید! شمر مبادرت کرد، و با پایش به آن حضرت زد، و روی سینه اش نشست. و با شمشیر دوازده ضربه بر آن حضرت زد. و محاسن مقدّسش را گرفت، و سر مقدّسش را جدا کرد. («مقتل

مختصر حالات ششمین معصوم ، چهارمین اختر امامت امام سجاد علیه السلام

آن حضرت روز جمعه یا پنج شنبه ، ۱۵ جمادی الثانی یا ۲۳ شعبان ، سال ۳۶ یا ۳۸ هجری (میلاد با سعادت آن حضرت طبق تاریخ شمسی به ترتیب بالا چنین است : ۲۱ آذرماه ، سال ۳۵ ، یا ۶ بهمن ماه ، سال ۳۷) ، در شهر مدینه منوره تولّد یافت .

نام : علی (نام و لقب مبارک آن حضرت به عنوان امام علی ، زین العابدین علیه السلام به عدد حروف ابجد کبیر چنین می باشد: ۱۱۰ ، ۲۳۵) صلوات الله و سلامه علیه .

کنیه : ابوالحسن ، ابومحمّد ، ابوالقاسم و

لقب : سجّاد ، زین العابدین ، زین الصّالحین ، سید العابدین ، سید السّاجدین ، ذو الثّفّات ، ابن الخیرتین ، مجتهد ، عابد ، زاهد ، خاشع ، بگّاء ، امین و

نقش انگشتر: حضرت دارای سه انگشتر بود ، که نقش هر کدام به ترتیب عبارتند از: لَهِ لِلّٰهِ (وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللّٰهِ) ، (الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ) ، (إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ) و (الْعِزَّةُ لِلّٰهِ) .

دربان : ابو خالد کابلی ، ابو جبلة ، یحیی بن امّ طویل .

پدر: امام ابو عبدالله الحسین ، سید الشّهداء علیه الصّلاة والسلام .

مادر: معروف به شهربانو ، شاهزاده ایرانی ، دختر یزدجرد - که آخرین پادشاه فارس بود - می باشد؛ و در زمان عُمر به اسارت مسلمین در آمد و امام علی علیه السلام از فروش او مانع شد و فرمود:

او شریف زاده است ، آزادش بگذارید تا از مسلمین هر که را بخواهد با او ازدواج نماید و مهریه اش از بیت المال پرداخت شود.

پس با انتخاب خود ، امام حسین علیه السلام را برای همسری خویش برگزید که پس از ازدواج با او ، امام سجّاد علیه السلام از ایشان تولّد یافت .

حضرت در صحرا و صحنه کربلاء حضور داشت و مصائب سخت و دلخراشی را متحمّل شد ، که عُمر آن حضرت را در آن لحظات ، بین ۲۲ تا ۲۴ سال گفته اند؛ و نسل شجره مبارکه بنی الزّهراء توسّط امام سجّاد علیه السلام تکثیر و منتشر گردید.

آن حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام مبارزات گوناگونی علیه دستگاه حکومتی بنی امیه داشت و به شیوه های مختلفی در فرصت های مناسب ، در هوشیاری بخشیدن جامعه نسبت به دستگاه ظالم لحظه ای سکوت و آرامش نداشت ، از طریق سخنرانی ، تشکیل جلسات دعا و مناجات ، گریه و اظهار مظلومیت و تظلم و

آن حضرت یکی از چهار نفر گریه کننده گان عالم به شمار آمده ، که پس از جریان دلخراش کربلاء مرتّب در هر فرصت مناسبی بر مظلومیت پدرش امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش می گریست ، و جنایات دستگاه بنی امیه را افشاء می کرد.

مدّت عمر: آن حضرت مدّت دو سال و چند ماه در حیات جدّش امام امیرالمؤمنین علیه السّلام ، و حدود دوازده سال در حیات عمویش امام مجتبی علیه السّلام ، و ۲۳ یا ۲۴ سال نیز با پدرش ، و حدود ۳۵ سال امامت و رهبریت جامعه اسلامی را بر عهده داشت که جمعا عمر آن حضرت را حدود ۵۷ سال گفته اند.

مدّت امامت: آن حضرت روز دهم محرّم الحرام ، سال ۶۱ هجری پس از شهادت پدر بزرگوارش ، در سنین ۲۳ یا ۲۴ سالگی به منصب امامت و خلافت نایل آمد و تا ۱۲ یا ۲۵ محرّم سال ۹۴ یا ۹۵ ، امامتش به طول انجامید که جمعا حدود ۳۵ سال امامت و رهبریت را بر عهده داشته است . شهادت: حضرت روز شنبه ، دوازدهم یا بیست و پنجم محرّم ، سال ۹۴ یا ۹۵ هجری قمری (تاریخ شهادت آن حضرت به تاریخ شمسی به ترتیب بالا چنین می شود: ۲۹ مهرماه یا ۱۲ آبان ، سال ۹۱ یا سال ۹۲)، توسّط هشام بن عبدالملک مروان به وسیله زهر، مسموم و به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

محلّ دفن: پیکر مطهّر و مقدّس آن بزرگوار در قبرستان بقیع کنار عمویش امام حسن مجتبی علیهما السّلام دفن گردید.

تعداد فرزندان: مرحوم سید محسن امین تعداد پانزده پسر و چهار دختر برای حضرتش نام برده است .

خلفای هم عصر آن حضرت: یزید بن معاویه بن ابی سفیان ، فرزندش معاویه بن یزید، مروان بن حکم ، عبدالملک بن مروان ، ولید ابن عبدالملک .

نماز آن حضرت: دو رکعت است ، که در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه آیه الکرسی یا سوره توحید خوانده می شود، و بعد از سلام نماز، تسبیحات حضرت زهراء علیها السّلام گفته شود؛ و پس از آن حوایج مشروعه خود را از درگاه خداوند متّان تقاضا و درخواست نماید.

(منابع: تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول کافی: ج ۱، تهذیب الاحکام: ج ۶، کشف الغمّة: ج ۱، تاریخ اهل البيت علیهم السّلام ، إلام الوری: ج ۱، اعیان الشیعة: ج ۱، مجموعه نفیسه ، بحار الانوار: ج ۴۶ و ۸۸، مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲، تذکرة الخواصّ، عیون المعجزات ، جامع المقال طریحی ، دعوات راوندی ، مستدرک الوسائل ، الفصول المهمّة ابن صباغ و...)

احادیث امام سجاده علیه السلام

قال زين العابدين عليه السلام: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ فِي كَفِّ اللَّهِ، وَاعْظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ، وَأَمَنَهُ مِنْ فَرَعِ الْيَوْمِ الْكَبِيرِ: مَنْ أَعْطَى النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَائِلُهُمْ لِنَفْسِهِ، وَرَجُلٌ لَمْ يَتَقَدَّمْ يَدًا وَرَجُلًا حَتَّى يَعْلَمَ أَنََّّهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ قَدَمَهَا أَوْ فِي مَعْصِيَتِهِ، وَرَجُلٌ لَمْ يَعْصِ أَعْخَاهُ بِعَيْبٍ حَتَّى يَتَزَكَّ ذَلِكَ الْعَيْبَ مِنْ نَفْسِهِ. سه حالت و خصلت در هر يك از مؤمنين باشد در پناه خداوند خواهد بود و روز قيامت در سايه رحمت عرش الهی می باشد و از سختی ها و شدايد صحرای محشر در امان است. اول آن که در کارگشائی و کمک به نیازمندان و درخواست کنندگان دریغ ننماید. دوم آن که قبل از هر نوع حرکتی بیندیشد که کاری را که می خواهد انجام دهد یا هر سخنی را که می خواهد بگوید آیا رضایت و خوشنودی خداوند در آن است یا مورد غضب و سخط او می باشد. سوم قبل از عیب جوئی و بازگوئی عیب دیگران، سعی کند عیب های خود را برطرف نماید. (تحف العقول ص ۲۰۴، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۴۱، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام: ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ: كَفُّ لِسَانِهِ عَنِ النَّاسِ وَاجْتِيَابُهُمْ، وَإِشْغَالُهُ نَفْسَهُ بِمَا يَنْفَعُهُ لِأَخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ، وَطَوْلُ الْبُكَاءِ عَلَى خَطِيئَتِهِ. سه چیز موجب نجات انسان خواهد بود: بازداشت زبان از بدگوئی و غیبت مردم، خود را مشغول به کارهایی کردن که برای آخرت و دنیایش مفیدباشد. و همیشه بر خطاها و اشتباهات خود گریان و ناراحت باشد. (تحف العقول: ص ۲۰۴، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۴۰، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلٌ إِسْلَامُهُ، وَمَحَصَتْ ذُنُوبُهُ، وَلَقِيَ رَبَّهُ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ: وَقَاءُ اللَّهِ بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ، وَصِدْقُ لِسَانِهِ مَعَ النَّاسِ، وَالْأَسْتِخْيَاءُ مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ، وَحَسَنُ خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ. هرکس دارای چهار خصلت باشد، ایمانش کامل، گناهانش بخشوده خواهد بود، و در حالتی خداوند را ملاقات می کند که از او راضی و خوشنوداست: ۱ - خصلت خودنگهداری و تقوای الهی به طوری که بتواند بدون توقُّع و چشم داشتی، نسبت به مردم خدمت نماید. ۲ - راست گوئی و صداقت نسبت به مردم در تمام موارد زندگی. ۳ - حیا و پاکدامنی نسبت به تمام زشتی های شرعی و عرفی. ۴ - خوش اخلاقی و خوش برخوردی با اهل و عیال خود. (مشكاة الانوار: ص ۱۷۲، بحارالانوار: ج ۶۶، ص ۳۸۵، ح ۴۸)

قال زين العابدين عليه السلام: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَا تَزَالُ يَخْيِرُ مَا دَامَ لَكَ وَاعِظُ مِنْ نَفْسِكَ، وَمَا كَانَتْ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ، وَمَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا. ای فرزند آدم، تا آن زمانی که در درون خود واعظ و نصیحت کننده ای دلسوز داشته باشی، و در تمام امور بررسی و محاسبه کارهایت را اهمیت دهی، و در تمام حالات - از عذاب الهی - ترس و خوف داشته باشی؛ در خیر و سعادت خواهی بود. (مشكاة الانوار: ص ۲۴۶، بحارالانوار: ج ۶۷، ص ۶۴، ح ۵)

قال زين العابدين عليه السلام: وَاءَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَأَنْ لَا تَجْعَلُهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْخَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ، وَاءَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ، حَقِّيْ كِه شَكْمِ بَر تُو دَارِد اَيْن است كه آن را ظرف چيزهاى حرام - چه كم و چه زياد - قرار ندهى و بلكه در چيزهاى حلال هم صرفه جوئى كنى و به مقدار نياز استفاده نمائى .

(تحف العقول: ص ۱۸۶، بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۱۲، ح ۲)

قال زين العابدين عليه السلام: مَنْ أَشْتَقَى إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ إِلَى الْحَسَنَاتِ وَسَلَاغِنِ الشَّهَوَاتِ، وَمَنْ أَسْفَقَ مِنَ النَّارِ بَادَرَ بِالتَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِهِ وَرَاجَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ، كَسَى كِه مَشْتَقِ بَهْشْتِ باشد در انجام كارهاى نيك، سرعت مى نمايد و شهوات را زير پا مى گذارد و هر كس از آتش قيامت هراسناك باشد به درگاه خداوند توبه مى كند و از گناهان دورى مى نمايد. (تحف العقول: ص ۲۰۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۳۹، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام: طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحَيَاةِ وَمَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ، وَأَسْتِخْفَافٌ بِالْوَقَارِ وَهُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ، وَقِلَّةٌ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ. دست نياز به سوى مردم دراز كردن، سبب ذلت و خوارى در زندگى و در معاشرت خواهد بود. و نيز موجب از بين رفتن حياء و ناچيز شدن شخصيت خواهد گشت به طورى كه هميشه احساس نياز و تنگ دستى نمايد. و هرچه كمتر به مردم رو بيندازد و كمتر درخواست كمك نمايد بيشتر احساس خودكفايى و بى نيازى خواهد داشت. (تحف العقول: ص ۲۱۰، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۳۶، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام: الْخَيْرُ كُلُّهُ صِيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ، سَعَادَتٌ وَ خُوشْبُخْتِ انسان در حفظ و كنترل اعضا و جوارح خود از هرگونه كار زشت و خلاف است. (تحف العقول: ص ۲۰۱، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۳۶، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام: سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَشْيَاءُ، وَسَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَثْقِيَاءُ. در اين دنيا سرور مرد، سخاوتمندان هستند؛ ولى در قيامت سيّد و سرور مردم، پرهيزكاران خواهند بود. (مشكاة الانوار: ص ۲۳۲، س ۲۰، بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۵۰، ح ۷۷)

قال زين العابدين عليه السلام: مَنْ زَوَّجَ لِلَّهِ، وَوَصَلَ الرَّحِمَ تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمَلِكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هر كس براى رضا و خوشنودى خداوند ازدواج نمايد و با خویشان خود صله رحم نمايد، خداوند او را در قيامت مفتخر و سربلند مى گرداند. (مشكاة الانوار: ص ۱۶۶، س ۳)

قال زين العابدين عليه السلام: إِنَّ أَوْفَلَ الْجِهَادِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَالْفَرَجُ. با فضيلت ترين و مهمترين مجاهدت ها، عفيف نگه داشتن شكْم و عورت است - از چيزهاى حرام و شبهه ناك -. (مشكاة الانوار: ص ۱۵۷، س ۲۰)

قال زين العابدين عليه السلام: مَنْ زَارَ إِخَاهُ فِي اللَّهِ طَلَبًا لِإِنْجَازِ مَوْعُودِ اللَّهِ، شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، وَهَتَفَ بِهِ هَاتِفٌ مِنْ خَلْفِهِ لَا طِبْتَ وَطَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ، فَإِذَا صَافَحَهُ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ. هر كس به ديدار

دوست و برادر خود برود و برای رضای خداوند او را زیارت نماید به امید آن که به وعده های الهی برسد، هفتاد هزار فرشته او را همراه و مشایعت خواهند کرد، همچنین مورد خطاب قرار می گیرد که از آلودگی ها پاک شوی و بهشت گوارایت باد. پس چون با دوست و برادر خود دست دهد و مصافحه کند مورد رحمت قرار خواهد گرفت . (مشکاة الانوار: ص ۲۰۷، س ۱۸)

قال زين العابدين عليه السلام : إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ، ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ فَأَعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبَلَ مِنْهُ. چنانچه شخصی تو را بدگویی کند، و سپس برگردد و پوزش طلبد، عذرخواهی و پوزش او را پذیرا باش . (مشکاة الانوار: ص ۲۲۹، س ۱۰، بحار الانوار: ج ۷۸، ص ۱۴۱، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام : عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ لِمَصْرَّتِهِ، كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذَّنْبِ لِمَعْرَّتِهِ. تعجب دارم از کسی که نسبت به تشخیص خوب و بد خوراکش اهتمام می ورزد که مبدا ضرری به او برسد، چگونه نسبت به گناهان و دیگر کارهایش اهمیتی نمی دهد، و نسبت به مفاسد دنیائی، آخرتی روحی، فکری، اخلاقی و... بی تفاوت است . (اعیان الشيعة: ج ۱، ص ۶۴۵، بحار الانوار: ج ۷۸، ص ۱۵۸، ح ۱۹)

قال زين العابدين عليه السلام : مَنْ أَعْطَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَعْطَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ طَمَإٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ، وَمَنْ كَسَا مُؤْمِنًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنَ الثِّيَابِ الْخَضِرِ. هرکس مؤمنی را گرسنه ای را طعام دهد خداوند او را از میوه های بهشت اطعام می نماید، و هر که تشنه ای را آب دهد خداوند از چشمه گوارای بهشتی سیرایش می گرداند، و هرکس برهنه ای را لباس بپوشاند خداوند او را از لباس سبز بهشتی - که بهترین نوع و رنگ می باشد - خواهد پوشاند. (مستدرک الوسائل: ج ۷، ص ۲۵۲، ح ۸)

قال زين العابدين عليه السلام : إِنْ دِينَ اللَّهِ لَا يَصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ، وَالْأَرْأَاءِ الْبَاطِلَةِ، وَالْمُقَاسِيسِ الْفَاسِدَةِ، وَلَا يَصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ، فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلِمَ، وَمَنْ اهْتَدَى بِنَا هَدَى، وَمَنْ دَانَ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ. به وسیله عقل ناقص و نظریه های باطل، و مقایسات فاسد و بی اساس نمی توان احکام و مسائل دین را به دست آورد؛ بنابراین تنها وسیله رسیدن به احکام واقعی دین، تسلیم محض می باشد؛ پس هرکس در مقابل ما اهل بیت تسلیم باشد از هر انحرافی در امان است و هر که به وسیله ما هدایت یابد خوشبخت خواهد بود. و شخصی که با قیاس و نظریات شخصی خود بخواهد دین اسلام را دریابد، هلاک می گردد. (مستدرک الوسائل: ج ۱۷، ص ۲۶۲، ح ۲۵)

قال زين العابدين عليه السلام : الدُّنْيَا سِنَةٌ، وَالْآخِرَةُ يَقْظَةٌ، وَنَحْنُ بَيْنَهُمَا أَعْصَاثُ أَعْلَامٍ. دنیا همچون نیمه خواب (چرت) است و آخرت بیداری می باشد و ما در این میان رهگذر، بین خواب و بیداری به سر می بریم. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام: ص ۳۴۳، س ۲۰)

قال زين العابدين عليه السلام : مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجَرِّهُ فِي بِلَادِهِ، وَيَكُونَ خَلْطًاؤُهُ صَالِحِينَ، وَتَكُونَ لَهُ أَوْلَادٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ. از سعادت مرد آن است که در شهر خود کسب و تجارت نماید و شریکان و مشتریانش افرادی صالح و نیکوکار باشند، و نیز دارای فرزندانی باشد که کمک حال او باشند. (وسائل الشیعة: ج ۱۷، ص ۶۴۷، ح ۱، ومشكاة الانوار: ص ۲۶۲)

قال زين العابدين عليه السلام : آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنُ الْعِلْمِ، كُلَّمَا فُتِحَتْ خَزَائِنُهُ، فَيُنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا. آیه های قرآن، هرکدام آن، خزینه علوم خداوند است، هرآیه و خزینه ای را که مشغول - خواندن می شوی - در آن دقت نظر کن که چه در می یابی. (مستدرک الوسائل: ج ۴، ص ۲۳۸، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام : مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَيَرَى مَنْزِلَهُ فِي الْجَنَّةِ. هر که قرآن را در مکه مکرمه ختم کند نمی میرد مگر آن که حضرت رسول الله و نیز جایگاه خود را در بهشت رؤیت می نماید. (من لا يحضره الفقيه: ج ۲، ص ۱۴۶، ح ۹۵)

قال زين العابدين عليه السلام : يَا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ يَحْجَّ اسْتَبَشِرُوا بِالْحَاجِّ إِذَا قَدِمُوا فَصَافِحُوهُمْ وَ عَظِّمُوهُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَحِبُّ عَلَيْكُمْ تَشَارِكُوهُمْ فِي الْأَجْرِ. شماهانی که به مکه نرفته اید و در مراسم حج شرکت نکرده اید، بشارت باد شما را به آن حاجیانی که بر می گردند، با آن ها - دیدار و - مصافحه کنید تا درپاداش و ثواب حج آنها شریک باشید. (من لا يحضره الفقيه: ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۹۷)

قال زين العابدين عليه السلام : الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ، مِنْ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ. شادمانی و راضی بودن به سخت ترین مقدرات الهی از عالی ترین مراتب ایمان و یقین خواهد بود. (مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۶)

قال زين العابدين عليه السلام : مَا مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهِ مِنْ جُرْعَتَيْنِ: جُرْعَةُ غَيْظٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِحِلْمٍ، أَوْ جُرْعَةُ مُصِيبَةٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِصَبْرٍ. نزد خداوند متعال حالتی محبوب تر از یکی از این دو حالت نیست: حالت غضب و غیظی که مؤمن با بردباری و حلم از آن بگذرد و دیگری حالت بلا و مصیبتی که مؤمن آن را با شکیبائی و صبر بگذراند. (مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۲۱)

قال عليه السلام : مَنْ رَمَى النَّاسَ بِمَا فِيهِمْ رَمَوْهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ. هرکس مردم را عیب جوئی کند و عیوب آنان را بازگو نماید و سرزنش کند، دیگران او را متهم به غیر واقعیات می کنند. (بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۲۶۱، ح ۶۴)

قال زين العابدين عليه السلام : مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ، وَاءَدَبُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ. هم نشینی با صالحان انسان را به سوی صلاح و خیر می کشاند، معاشرت و هم صحبت شدن با علماء، سبب افزایش شعور و بینش میباشد. (بحار الانوار: ج ۱، ص ۱۴۱، ضمن ح ۳۰، و ج ۷۵، ص ۳۰۴)

قال زين العابدين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ، وَيُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ. همانا خداوند دوست دارد هر قلب حزین و غمگینی را (که در فکر نجات و سعادت خود باشد) و هر بنده شکرگذاری را دوست دارد. (کافی: ج ۲، ص ۹۹، بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۳۸، ح ۲۵)

قال زين العابدين عليه السلام: إِنَّ لِسَانَ آدَمَ يَشْرُفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا، إِنْ تَنَاثَبَ وَتُعَاقَبَ بِكَ. هر روز صبحگاهان زبان انسان بر تمام اعضا و جوارحش وارد می شود و می گوید: چگونه اید؟ و در چه وضعیتی هستید؟ جواب دهند: اگر تو ما را رها کنی خوب و آسوده هستیم، چون که ما به وسیله تو مورد ثواب و عقاب قرار می گیریم. (اصول کافی: ج ۲، ص ۱۱۵، وسائل الشیعة: ج ۱۲، ص ۱۸۹، ح ۱)

قال زين العابدين عليه السلام: مَا تَعَبَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، بَلْ تَعَبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ. دوستان و اولیاء خدا در فعالیت های دنیوی خود را برای دنیا به زحمت نمی اندازند و خود را خسته نمی کنند بلکه برای آخرت زحمت می کشند. (بحارالانوار: ج ۷۳، ص ۹۲، ضمن ح ۶۹)

قال زين العابدين عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجَ وَخَوْضُ اللَّجَجِ. چنانچه مردم منافع و فضایل تحصیل علوم را می دانستند هر آینه آن را تحصیل می کردند گرچه با ریخته شدن و یا فرو رفتن زیر آب ها در گرداب های خطرناک باشد. (اصول کافی: ج ۱، ص ۳۵، بحارالانوار: ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۰۹)

قال زين العابدين عليه السلام: لَوْ اجْتَمَعَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَنْ يَصِفُوا اللَّهَ بِعَظَمَتِهِ لَمْ يَقْدِرُوا. چنانچه تمامی اهل آسمان و زمین گرد هم آیند و بخواهند خداوند متعال را در جهت عظمت و جلال توصیف و تعریف کنند، قادر نخواهند بود. (اصول کافی: ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۴)

قال زين العابدين عليه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ أَهْوَى إِلَيَّ اللَّهُ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ مِنْ عَقْفَةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ، وَمَا شَيْءٍ أَهْوَى إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ. بعد از معرفت به خداوند چیزی محبوب تر از دور نگه داشتن شکم و عورت - از آلودگی ها و هوسرانی ها و گناهان - نیست، و نیز محبوبترین کارها نزد خداوند مناجات و درخواست نیازمندیها به درگاهش میباشد. (تحف العقول: ص ۲۰۴، بحار: ج ۷۸، ص ۴۱، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام: إِنْ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَمَبْعُوثٌ وَمَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْئُولٌ، فَأَعِدْ لَهُ جَوَابًا. ای فرزند آدم (ای انسان، تو) خواهی مُرد و سپس محشور می شوی و در پیشگاه خداوند جهت سوال و جواب احضار خواهی شد، پس جوابی (قانع کننده و صحیح در مقابل سؤال ها) مهیا و آماده کن. (تحف العقول: ص ۲۰۲، بحارالانوار: ج ۷۰، ص ۶۴، ح ۵)

قال زين العابدين عليه السلام: نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ. نظر کردن مؤمن به صورت برادر مؤمنش از روی علاقه و محبت عبادت است. (تحف العقول: ص ۲۰۴، بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۱۴۰، ح ۳)

قال زين العابدين عليه السلام : اشدُّ ساعاتِ ابنِ آدمَ ثلاثُ ساعاتٍ: السَّاعَةُ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكُ الْمَوْتِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ، فَإِذَا مَا الْجَنَّةُ وَإِذَا إِلَى النَّارِ. مشکل ترین و سخت ترین لحظات و ساعات دوران ها برای انسان ، سه مرحله است : ۱ - آن موقعی که عزرائیل بر بالین انسان وارد می شود و می خواهد جان او را بگیرد. ۲ - آن هنگامی که از درون قبر زنده می شود و در صحرای محشر به پامی خیزد. ۳ - آن زمانی که در پیشگاه خداوند متعال - جهت حساب و کتاب و بررسی اعمال - قرار می گیرد و نمی داند راهی بهشت و نعمت های جاوید می شود و یا راهی دوزخ و عذاب دردناک خواهد شد. (بحار الانوار: ج ۶، ص ۱۵۹، ح ۱۹، به نقل از خصال شیخ صدوق)

قال زين العابدين عليه السلام : إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرِّجْلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَزْبَعَيْنِ رَجُلًا. هنگامی که قائم ما (حضرت حجت ، روحی له الفداء و عَج) قیام و خروج نماید خداوند بلا و آفت را از شیعیان و پیروان ما بر می دارد و دل های ایشان را همانند قطعه آهن محکم می نماید، و نیرو و قوَّت هر يك از ایشان به مقدار نیروی چهل نفر دیگران خواهد شد. (خصال : ج ۲، ص ۵۴۲، بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۲)

قال زين العابدين عليه السلام : عَجَبَا كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدَارِ الْفَنَاءِ وَتَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ. بسیار عجیب است از کسانی که برای این دنیای زودگذر و فانی کار می کنند و خون دل می خورند ولی آخرت را که باقی و ابدی است رها و فراموش کرده اند. (بحار الانوار: ج ۷۳، ص ۱۲۷، ح ۱۲۸)

قال زين العابدين عليه السلام : رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. تمام خیرات و خوبی های دنیا و آخرت را در چشم پوشی و قطع طَمَع از زندگی و اموال دیگران می بینم (یعنی قناعت داشتن). (اصول کافی : ج ۲، ص ۳۲۰، بحار الانوار: ج ۷۳، ص ۱۷۱، ح ۱۰)

قال زين العابدين عليه السلام : مَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ أَكْمَلَ مَا فِيهِ، كَانَ هَلَاكُهُ مِنْ أَيْسَرِ مَا فِيهِ. کسی که بینش و عقل خود را به کمال نرساند - و در زُکود فکری بسر برد - به سادگی در هلاکت و گمراهی و سقوط قرار خواهد گرفت . (بحار الانوار: ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۶، به نقل از تفسیر امام حسن عسکری ع)

قال زين العابدين عليه السلام : إِنَّ الْمَعْرِفَةَ، وَكَمَالَ دِينِ الْمُسْلِمِ تَزَكُّهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يُغْنِيهِ، وَقَلَّةُ رِيَاءِهِ، وَحِلْمُهُ، وَصَبْرُهُ، وَحُسْنُ خُلُقِهِ. همانا معرفت و کمال دین مسلمان در گرو رهاکردن سخنان و حرف هایی است که به حال او - و دیگران - سودی ندارد. همچنین از ریا و خودنمایی دوری جستن و در برابر مشکلات زندگی بردبار و شکیبا بودن و نیز دارای اخلاق پسندیده و نیک سیرت بودن است . (تحف العقول : ص ۲۰۲، بحار الانوار: ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۱۱)

قال زين العابدين يوماً: اصحابي! إخواني! عَلَيكُمْ بِدَارِ الْآخِرَةِ وَ لَا أُوصِيكُمْ بِدَارِ الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ عَلَيْهَا وَ بِهَا مُتَمَسِّكُونَ أَمَا بَلَّغْتُكُمْ مَا قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ قَالَ لَهُمْ: فَتَنَرَّةٌ فَأَعْبُرُوهَا وَ لَا تَعْمُرُوهَا وَ قَالَ:

أَيُّكُمْ يَبْنِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَارًا تَلْكُمُ الدَّارُ الدُّنْيَا وَلا تَتَّخِذُوهَا قَرَارًا. آن حضرت روزی با جماعت اصحاب خود فرمود: اصحاب من! برادران من! همانا وصیت می کنم شما را به تدارک و تهیه خانه آخرت و برای سرای دنیا شما را وصیت نمی کنم! زیرا که شما در دنیا حریص هستید و متمسک به آن می باشید، آیا به شما نرسیده است آنچه عیسی بن مریم علیهما السلام به حواریین گفت، فرمود به ایشان: که دنیا پلی است از این پل عبور کنید و به عمارتش مکشید یعنی از پل باید گذشت نه به آرزوی اقامت نشست؛ و نیز عیسی علیه السلام فرمود: کدام یک از شما بر موج دریا عمارت می کنید، اینک دنیای شما را همین حالت است و بنا بر آن چون بنا بر موج بحر است پس چنین مکانی سست بنیان را آرام و قرار ندانید. (امالی شیخ مفید) ص ۴۳، مجلس ۶، حدیث اول، به جای (اصحابی)، (لا صحابه) آمده است) در ره عقبی است دنیا چون پلی - بی بقا جایی و ویران منزلی - فوج مخلوقند همچون موج بحر - هالک اندر قعر یا در اوج بحر.

قال زين العابدين عليه السلام: يَغْفِرُ اللَّهُ لِلْمُؤْمِنِينَ كُلَّ ذَنْبٍ وَيَطْهَرُهُ مِنْهُ الْآخِرَةُ مَا خَلَا ذَنْبَيْنِ تَرَكُ التَّقِيَّةَ وَتَضْيِيعُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ؛ می آمرزد حق تعالی هر گناهی را که مؤمن مرتکب آن شده و پاک می شود از آن در آخرت مگر دو گناه یکی ترك مواقع تقیه و دیگر ضایع ساختن حقوق برادران دینی. (جامع الاخبار ص ۹۱)

رَوَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ لِمَصْرَتِهِ كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذَّنْبِ لِمَعْرَتِهِ. عجب دارم من از آن کس که پرهیز از طعام می کند به جهت آنکه مبادا به او ضرر رساند چگونه پرهیز از گناه نمی کند که مبادا بدی و جزای بد به او عاید گردد؟! (ترجمه کشف الغمّه ۳۰۴/۲) این کلمه شریفه شبیه است به فرمایش حضرت امام حسن علیه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَاءِ كُؤْلِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ. (دعوات راوندی ص ۱۴۴) و این فرمایش از روی فرمایش پدر بزرگوارش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرموده: مَالِي أَرَى النَّاسَ إِذَا قُرَّبَ إِلَيْهِمُ الطَّعَامُ لِيَلَا تَكْلَفُوا إِنَارَةَ الْمَصَابِيحِ لِيُبْصِرُوا مَا يَدْخُلُونَ بِطُونِهِمْ وَ لَا يَتَمَتُّونَ بِغِذَاءِ النَّفْسِ بَأَن يُنِيرُوا مَصَابِيحَ أَلْبَابِهِمْ بِالْعِلْمِ لِيَسْلَمُوا مِنْ لَوَاحِقِ الْجَهَالَةِ وَ الذُّنُوبِ فِي إِعْتِقَادَاتِهِمْ وَ أَعْمَالِهِمْ؛ برای چیست که می بینم مردم را هنگامی که در شب، طعام نزد ایشان حاضر می شود به مشقت و رنج روشن می کنند چراغ را تا آنکه ببینند چیست که داخل در شکم خود می کنند و لکن اهتمام نمی کنند در غذای نفس یعنی مطالبی که در سینه جای می دهند و اعتقاد به آن می نمایند به آنکه روشن کنند چراغ عقول خود را به علم تا سالم بمانند از آنچه به آنها ملحق میشود از ضرر جهالت و گناهان در اعتقادات و اعمال خود. (شیخ عباس قمی، منتهی الامال ج ۱)

عن ابي عبد الله عن ابيه ع قال قال لي علي بن الحسين ص: يَا بَنِيَّ أَنْظُرْ خَمْسَةً فَلَا تُصَاحِبُهُمْ وَ لَا تُحَادِثُهُمْ وَ لَا تُرَافِقُهُمْ فِي طَرِيقٍ فَقُلْتُ يَا أَبَاهُ مَنْ هُمْ قَالَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ

يَقْرَبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَيُبَاعِدُ لَكَ الْقَرِيبَ وَإِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْفَاسِقِ فَإِنَّهُ بِإِثْمِكَ بِأَكْلِهِ أَوْ أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَحْذُلُكَ فِي مَالِهِ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَإِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضُرُّكَ وَإِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْقَاطِعِ لِرَحِمِهِ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «آيَهُ ۲۳ سوره محمد» فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ، وَقَالَ «آيَهُ ۲۴ سوره رعد» الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ، وَقَالَ فِي «آيَهُ ۲۷ سوره بقره» الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. حضرت صادق (ع) از پدرش امام محمد باقر (ع) نقل می فرماید که فرمود پدرم حضرت علی بن الحسین (ع) فرمود: ای پسر جان من با پنج طبقه از مردم مصاحبت مکن و سخن با ایشان مگو و رفاقت مکن با ایشان در راه. پس امام باقر گفت ای پدر بزرگوارم آنها کیانند معرفی بفرمائید؟ فرمود: اول باکذاب مصاحبت مکن زیرا که او بمنزله شراب است دور میکند از تو نزدیک را و نزدیک میکند بتو دور را، دوم با فاسق مصاحبت مکن زیرا که او ترا بلقمه ای و کمتر از آن میفروشد، سوم با بخیل مصاحبت مکن زیرا که ترا محروم مینماید از مالش در وقتیکه کمال احتیاج را به آن داری، چهارم با احمق مصاحبت مکن زیرا که او میخواهد نفع برساند از نادانی خود ضرر میرساند، پنجم با قاطع رحم مصاحبت مکن زیرا که من یافتم او را ملعون در سه موضع از کتاب خدایتعالی. خدای عز و جل فرماید (۲۳ سوره محمد): «بسا باشد که اگر پشت دادید در زمین تباهی به بار آورید و قطع رحم کنید آنهايند آن کسانی که خدا لعنتشان کرده است و آنها را از گوش و چشم هایشان کور نموده است» و فرموده است (۲۴ سوره رعد): «آن کسانی که بشکنند پیمان خدا را پس از بستن آن و ببرند از آنچه خدا فرمان داده که پیوست باشد و فساد کنند در زمین، آنانند که لعنت از آن آنها است و بد خانمانی» و فرموده است (آیه ۲۷ سوره بقره): «آن کسانی که بشکنند عهد و پیمان خدا را پس از بستن آن و ببرند آنچه را خدا فرمان داده که پیوست شود و فساد کنند در زمین هم آنانند زیان کاران». (اصول کافی ترجمه کمره ای جلد ۵ صفحه ۳۸۱)

از جمله وصایای امام زین العابدین علیه السلام به فرزند خویش است که فرمود: يَا بَنِي أَصْبِرْ عَلَى التَّوَائِبِ وَلَا تَتَعَرَّضْ لِلْحُقُوقِ وَلَا تُجِبْ أَخَاكَ إِلَى الْأَمْرِ الَّذِي مَضَرَّتُهُ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ مَنْفَعَتِهِ لَهُ. ای پسرک من! صبر کن بر نوائب و مصائب روزگار و خود را در معرض حقوق در نیاور، و اجابت مکن برادر خود را در امری که ضرر آن بر تو بیشتر است از منفعتش برای او. (بحار الانوار ۹۵/۴۶)

خلاصه حالات هفتمین معصوم ، پنجمین اختر امامت امام باقر علیه السلام

آن حضرت بنابر مشهور، روز جمعه یا دوشنبه ، سوّم ماه صفر، یا اوّل ماه رجب ، سال ۵۷ (تاریخ ولادت آن حضرت بر حسب شمسی ۵۵/۹/۲۷ و یا ۵۶/۲/۲۲ می باشد) هجری قمری در شهر مدینه منوّره دیده به جهان گشود.

نام : محمّد، صلوات الله و سلامه علیه . (نام حضرت به عنوان امام ((محمّد باقر)) علیه السلام طبق حروف اءبجد کبیر ۳۹۵ می شود)

کنیه : اُ بوجعفر، اُ بوجعفر اوّل . (دو نفر از ائمه علیهم السلام دارای کنیه ابوجعفر هستند: امام پنجم به عنوان ابوجعفر اوّل و امام نهم به عنوان ابوجعفر ثانی ، در روایات هر کجا ابوجعفر بدون قرینه و قیدی آمده باشد، گفته اند: منظور امام پنجم است)

لقب : باقر، شاکر، هادی ، باقرالعلوم ، امین ، شبیه .

پدر: امام سجّاد، زین العابدین ، علیّ بن الحسین علیهما السلام .

مادر: فاطمه ، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام .

نقش انگشتر: حضرت دارای سه انگشتر بود، که نقش هر کدام به ترتیب عبارتند از: لِلّٰهِ (رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا) ، (الْعِزَّةُ لِلّٰهِ) ، (الْقُوَّةُ لِلّٰهِ جَمِيعًا) .

دربان : جابر بن یزید جُعفی .

حضرت اوّلین امام و خلیفه ای بود که با استفاده از جوّ عمومی حاکم بر جامعه زمانش - یعنی ؛ شروع کشمکش و درگیری بنی العبّاس و بنی امیه - توانست ضمن دفاع از مبانی اسلام و حقوق مظلومان ، حدّاکثر استفاده و بهره را بگیرد.

و در همین راستا - ضمن مبارزاتی که بر علیه جَبّاران و ظالمان داشت - کلاس ها و جلسات مختلف احکام ، تشکیل و حقایق اسلام و تفسیر قرآن را نشر داده ، و علوم و معارف الهی را برای جوامع بشری شکافته و تشریح نمود.

و بر همین اساس یکی از لقب های مشهور آن حضرت ، باقرالعلوم - یعنی ؛ شکافنده علوم و فنون - می باشد.

امام محمّد باقر علیه السلام در سنین دو یا چهار سالگی در صحرای کربلا حضور داشت .

حضرت در هر روز جمعه يك دینار در راه خدا به مستمندان صدقه می داد و می فرمود: دادن صدقه در روز جمعه چند برابر دیگر روزها پاداش دارد.

هرگاه برای حضرت مشکلی پیش می آمد، خانواده خویش را دستور می داد تا جمع می نمود؛ و در جمع آن ها به درگاه خداوند دعا می کرد و آن ها آمین می گفتند.

مدّت عمر: آن حضرت حدود چهار سال ، با جدّش امام حسین علیه السلام ؛ و مدّت ۳۸ سال هم زمان در حیات پدرش ، امام سجّاد علیه السلام ؛ و سپس حدود ۱۹ سال امامت و زعامت جامعه اسلامی را برعهده داشت ، که روی هم عمر با برکت آن حضرت را ۵۷ سال گفته اند.

مدّت امامت : آن بزرگوار روز ۱۲ یا ۲۵ محرم ، سال ۹۴ یا ۹۵ ، پس از شهادت پدر بزرگوارش در سنین ۳۸ سالگی به منصب امامت نائل آمد؛ و زعامت آن حضرت تا هفتم ذی الحجّة یا ربیع الاوّل ، سال ۱۱۴ به طول انجامید.

حوادث دوران امامت

برادر امام باقر علیه السلام زید بن علی بن الحسین پس از شهادت امام سجّاد علیه السلام پرچم مخالفت با بنی امیه را برافراشت و افراد زیادی را به دور خود جمع کرد. ولی امام باقر او را از قیام مسلّحانه منع کرد و فرمود: «هنوز وقتش نرسیده است، و قیام تو در انتها به ضرر مسلمین می انجامد.» اما زید که خون حسینی در رگهای او می جوشید، زیر بار نرفت و قیام کرد و عاقبت در اثر اعلان مخالفت با بنی امیه به شهادت رسید.

پیشوایی امام باقر علیه السلام از صدر اسلام روشن و مسلم بود و نص بر امامت آن امام همراه با تعاریف رسول خدا، فراوان به ما رسیده است.

از آن امام معجزات و کرامات بسیار و نیز امور غریبه فراوانی در کتب معتبر ثبت شده و جنّ و ملائکه و حتّی جبرئیل خدمت او می رسیده اند.

مکارم اخلاق امام، زبانزد خاص و عام است و علوم و معارف فراوانی از وجود او سرچشمه گرفته . وی همچنین توجه خاصّی به عبادت و ذکر و مناجات داشته است.

در زمان این امام، عده ای متمایل به رهبانیت و ترک دنیا بودند که با مخالفت امام مواجه می شدند.

امام باقر علیه السلام چون در اواخر دوران حکومت بنی امیه به سر می برد، از ضعف قدرت حاکمه استفاده نمود و در نشر معارف اسلامی، تلاش گسترده ای کرد و با مخالفین و صاحبان عقاید مختلف، مناظرات مفصّلی داشت و به سؤالات شیعیان و مخالفین پاسخ داد. لذا از آن امام در تمام مسائل فقهی و اجتماعی و حکومتی روایات فراوانی نقل شده است، به طوری که تقریباً هیچ کتاب روایی نیست مگر این که از امام باقر علیه السلام در موارد مختلف روایتی ذکر شده است.

امام باقر علیه السلام با صحابی بزرگ رسول خدا، جابر بن عبدالله انصاری روابط صمیمانه ای داشت و برای او احترام خاصی قائل بود.

برای آن امام، غیر از جابر، اصحاب و راویان زیادی نام می برند که در بین آنها جابر بن یزید جعفی و محمّد بن مسلم و زراره و حمران، بسیار معروفند. شاعر معروف امام نیز کمیت نام دارد.

شهادت: روز دوشنبه، هفتم ربیع الاول یا ذی الحجة، سال ۱۱۴ هجری قمری (تاریخ شهادت بر حسب شمسی ۱۱۱/۲/۱۲ و یا ۱۱۱/۱۱/۱۵ می باشد) به دستور هشام بن عبدالملک به وسیله زهر، توسط ابراهیم بن ولید -استاندار مدینه- مسموم و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

محل دفن: پس از شهادت، پیکر پاک و مطهر حضرتش تشییع؛ و در قبرستان بقیع در جوار مرقد شریف پدر و عموی بزرگوارش دفن گردید.

فرزندان: امام محمد باقر علیه السلام دارای هفت فرزند پسر و دو دختر بوده است.

پادشاهان و خلفاء هم عصر امامتش: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، هشام ابن عبدالملک، ولید بن یزید بن عبدالملک، یزید بن ولید بن عبدالملک و ابراهیم بن ولید بن عبدالملک.

نماز آن حضرت: دو رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه (شهد الله) خوانده می شود.

و بعد از آن که سلام نماز پایان یافت، تسبیحات حضرت فاطمه زهراء علیهاالسلام گفته می شود، و سپس تقاضا و درخواست حوائج مشروعه از درگاه خداوند متعال انجام گردد که ان شاء الله برآورده خواهد شد.

(جهت تدوین و تنظیم خلاصه حالات حضرت، کتابهای ذیل مورد استفاده قرار گرفته است: اصول کافی: ج ۱، تهذیب الاحکام: ج ۶، مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، دعوات راوندی، إلام الوری: ج ۱، ینابیع المودة، أعیان الشیعه: ج ۱، کشف الغمة: ج ۱، مستدرک الوسائل: ج ۶، بحارالانوار: ج ۴۵ و ۸۸، مجموعه نفیسه، تاریخ اهل البيت، تذکرة الخواص، دلائل الامامة، ارشاد مفید، جمال الأسبوع، حلیة البرار: ج ۳، الفصول المهمة ابن صباغ و...)

احادیث امام باقر علیه السلام

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَعْرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا، فَأَنْظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ؛ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ، وَإِذَا كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ؛ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ، وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ. اگر خواستی بدانی که در وجودت خیر و خوشبختی هست یا نه ، به درون خود دقت کن اگر اهل عبادت و طاعت را دوست داری و از اهل معصیت و گناه ناخوشایندی ، پس در وجودت خیر و سعادت وجود دارد؛ و خداوند تو را دوست می دارد. ولی چنانچه از اهل طاعت و عبادت ناخوشایند باشی و به اهل معصیت عشق و علاقه ورزیدی ، پس خیر و خوبی در تو نباشد؛ و خداوند تو را دشمن دارد. و هر انسانی با هر کسی که به او عشق و علاقه دارد، با همان محشور می گردد. (اصول کافی : ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۱۱، وسائل الشیعة : ج ۱۶، ص ۱۸۳، ح ۱)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا ضَرَّ مِنْ مَاتَ مُنْتَظِرٌ لِمَرْنَا أَلَا يَمُوتُ فِي وَسْطِ فُسْطَاطِ الْمَهْدِي وَ عَسْكَرِهِ . آنکه در انتظار امر ما بمیرد از اینکه در وسط خیمه مهدی و لشکرش از دنیا نرفته ضرر نکرده است. (کافی-ط-الاسلامیه) ج ۱، ص ۳۷۲)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَفَّ عَنْ أَغْرَاضِ النَّاسِ إِذَا قَالَ اللَّهُ نَفْسُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هرکس دنبال هتک حرمت - ناموس و آبروی - دیگران نباشد، خداوند متعال او را در قیامت مورد عفو و بخشش قرار می دهد؛ و هرکس غضب و خشم خود را از دیگران باز دارد، خداوند نیز خشم و غضب خود را در قیامت از او بر طرف می سازد. (کتاب الزهد: ص ۱، ح ۹)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحَ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا؛ هِيَ شَفِيعَةٌ لِلرَّجُلِ بِرِضَا زَوْجَتِهِ. پروردگارش نجات بخش تر از رضایت شوهرش نیست. (وسائل الشیعه ج ۲۰، ص ۲۲۲ - خصال ج ۲ ص ۵۸۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. فاطمه بانوی زنان بهشت است. (مکارم الاخلاق ص ۹۳ {خصال ج ۲، ص ۵۷۳ - امالی (صدوق) ص ۱۲۵})

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وَلايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ حُنَيْنٍ. کسی که در زمان غیبت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) بر ایمان و ولایت ما اهل بیت عصمت و طهارت پا برجا و ثابت بماند، خداوند متعال پاداش و ثواب هزار شهید از شهدای جنگ بدر و حنین به او عطا می فرماید. (إثبات الهداة : ج ۳، ص ۴۶۷)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ أَنَّ الْأَمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً، لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يُمَوِّجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. اگر امام و حجت خدا لحظه ای از روی زمین و از بین افراد جامعه برداشته شود، زمین اهل خود را

در خود می بلعد و فرو می برد همان طوری که دریا چیزهای خود را در خود متلاطم و آشفته می سازد. (اصول کافی: ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۲)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ جَمِيعَ ذَوَابِّ الْأَرْضِ لَتُصَلِّيَ عَلَى طَالِبِ الْعِلْمِ حَتَّى الْحَيْتَانِ فِي الْبَحْرِ. به درستی که تمام موجودات و جانوران زمین و بلکه ماهیان دریا برای تحصیل کنندگان علوم - اسلامی و معارف الهی - تحیت و درود می فرستند. (بحارالانوار: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۳۱)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ أُوتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ، لَأَعْوَجَعْتُهُ. اگر جوانی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که به مسائل دین - و زندگی - آشنا نباشد، او را تنبیه و تأدیب خواهم کرد (تا به دنبال تحصیل مسائل دین برود). (محاسن برقی: ج ۱، ص ۲۲۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَعْفَى النَّاسَ بَغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى، لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، وَلَحِقَهُ وَزْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِفَتْيَاهُ. هرکس درباره مسائل دین فتوا و نظریه ای دهد که بدون علم و اطلاع باشد، ملائکه رحمت و ملائکه عذاب او را لعن و نفرین می کنند و گناه عمل کننده - اگر خلاف باشد

- بر عهده گوینده است. (اصول کافی: ج ۱، ص ۴۲، ح ۳، و مستدرک الوسائل: ج ۱۷، ص ۲۴۴)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ، إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ الْأَوْتَادُ وَ الْأَطْنَابُ، وَ إِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَ تَدَّ وَ لَا طَنْبَ. نماز ستون دین است و مثالش همانند تیرک و ستون خیمه می باشد که چنانچه محکم و استوار باشد میخ ها و طناب های اطراف آن پا بر جا خواهد بود ولی اگر ستون سُست یا کج باشد میخ ها و طنابهای اطراف آن نمی تواند پا بر جا باشد. (وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۲۷، ح ۴۴۲۴)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلَهُ وَ سَلَّمَ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ، لَيْسَ مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُشْكِرًا، لَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ، لَا وَ اللَّهِ. نسبت به نماز بی اعتنا مباش و آن را سبک و ناچیز مشمار، همانا که پیامبر خدا هنگام وفات خود فرمود: هرکس نماز را سبک شمارد و یا مسکرات بنوشد از - امت - من نیست و بر حوض کوثر وارد نخواهد شد. (وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۲۳، ح ۴۴۱۳)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بُنِيَ الْأِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَ الزَّكَاةِ، وَ الْحَجِّ، وَ الصَّوْمِ، وَ الْوَلَايَةِ، وَ لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ مِثْلَ مَا نُودِيَ لِلْوَلَايَةِ. دین مبین اسلام بر پنج پایه و اساس استوار است: نماز، زکات، خمس، حج، روزه، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام. سپس افزود: آن مقداری که نسبت به ولایت سفارش شده است نسبت به هیچ کدام تاءکید نگردیده است و ولایت اساس و محور تمام اعمال می باشد. (وسائل الشیعه: ج ۱، ص ۱۸، ح ۱۰)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَوْ فَلَاحَ، وَ مَنْ دَعَا بِغَيْرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ . هر که خداوند را به وسیله ما بخواند و ما را واسطه قرار دهد رستگار و موفق خواهد شد. و کسی که غیر از ما اهل بیت - عصمت و طهارت - را وسیله گرداند ناامید و هلاک خواهد گشت . (اعمالی شیخ طوسی : ج ۱، ص ۱۷۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْأَعْمَالُ تُضَاعَفُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّدَقَةِ وَ الدُّعَاءِ، بِأَدَائِهِ أَعْمَالٌ - بِدِیَا خُوب - دَر رُوز جَمْعِه دُو بَرَابَر دِیْگَر رُوزِهَا اسْت، پَس سَعِی نَمَائِید دَر اِیْن رُوز نَمَاز وَ صَدَقَه وَ دَعَا بَسِیَار اَنْجَام دِهید. (مستدرک الوسائل : ج ۶، ص ۶۴، ح ۱۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتَعْفَا عَنْ النَّاسِ، وَ سَعَى عَلَى أَهْلِهِ، وَ تَعَطَّفَا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. هر کس دنیا را به جهت یکی از این سه حالت طلب کند: بی نیازی از مردم، آسایش و رفاه خانواده و عائله اش، کمک و رسیدگی به همسایه اش روز قیامت در حالتی محشور می گردد و به ملاقات خداوند متعال نایل می شود که صورتش همچون ماه شب چهارده، نورانی است . (وسائل الشیعة : ج ۱۷، ص ۲۱، ح ۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ. خداوند سبحان در سه چیز رخصت قرار نداده است : امانت را سالم تحویل صاحبش دادن ، خواه آن که صاحبش آدم خوبی باشد یا فاجر. وفای به عهد نسبت به هر شخصی خوب باشد یا بد. نیکی و احسان به پدر و مادر خوب باشند یا بد. (وسائل الشیعة : ج ۲۱، ص ۴۹۰، ح ۳)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْجَنَّةَ وَ الْخُورَ لَتَشْتَاقُ إِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ، أَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقَذَى . همانا بهشت و حورالعین در انتظار افرادی است که در نظافت و تمیز کردن مسجد سعی و تلاش نمایند. (مستدرک الوسائل : ج ۳، ص ۳۸۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّمَا يَبْتَلَى الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا عَلَى قَدَرِ دِينِهِ. همانا مؤمن در این دنیا هر مقداری که دین و ایمان داشته باشد به همان اندازه مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرد. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام : ص ۵۲۳، بحارالانوار: ج ۶۷، ص ۲۱۰، ح ۱۲، به نقل از کافی)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ، فَحِينَئِذٍ يَقُولُ: هَذَا خَالِصٌ لِي، فَيَقْبَلُهُ بِكَرَمِهِ. کسی به بندگی و ستایش گر حقیقی در برابر خداوند نمی رسد مگر آن که از تمام افراد قطع امید کند و تنها امیدش خدای یکتا باشد. در يك چنین حالتی خداوند گوید: این عمل خالصانه برای من است و آن را مورد قبول و عنایت خود قرار می دهد. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام : ص ۴۲۷، بحارالانوار: ج ۷۰، ص ۱۱۱، ح ۱۴)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَ هُوَ حَقٌّ، مَا فَتَحَ رَجُلٌ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ الْمَسَاءِلَةِ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ. سوگند به خدائی که بر حق است ، چنانچه شخصی در موردی ، تقاضای خود را به یکی از

هم نوعان خود بگوید و بدون توجه به خداوند متعال درخواست کمک نماید، خداوند دری از درهای فقر و تنگ دستی را بر او بگشاید. (عده الداعی : ص ۹۹، س ۱۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَضَى مُسْلِمًا حَاجَتَهُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ : ثَوَابُكَ عَلَيَّ وَلَا أَرْضَى لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ. هرکس حاجتی را برای مسلمانی برآورده کند و گره از مشکلیش بگشاید، خداوند متعال به او خطاب کند: ثواب و پاداش تو بر عهده من خواهد بود و غیر از بهشت چیز دیگری لایق تو نخواهد بود. (مستدرک الوسائل : ج ۱۲، ص ۴۰۲، ح ۶)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : إِنَّ نَبِيَّ مُعَذِّبٍ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ، أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شَرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ. فَقَالَ : يَارَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْخِيَارِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ : إِنَّهُمْ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضَبُوا لِعِصْيِي . همانا خداوند متعال ، برای حضرت شعیب علیه السلام وحی فرستاد: من از قوم تو یکصد هزار نفر را عذاب و هلاک می نمایم که شصت هزار نفر ایشان ، اشرار و چهل هزار نفر دیگرشان از خوبان و عبادت کنندگان خواهند بود. حضرت شعیب علیه السلام سؤال نمود: اشرار که مستحق عذاب هستند ولی خوبان را چرا عذاب می نمائی ؟ خداوند وحی نمود: به جهت آن که این افراد، نسبت به گناهکاران بی تفاوت بوده و با ایشان سازش می کردند. (الجواهر السنّیة : ص ۲۸، بحار الانوار: ج ۱۲، ص ۳۸۶، ح ۱۲، به نقل از کافی)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا، أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ. هرکس مؤمنی را طعام دهد، خداوند از میوه های بهشتی روزی او گرداند. (محاسن برقی : ص ۳۹۳، ح ۴)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ حَمَلَ إِخَاهُ عَلَى رَحْلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى الْمُؤَقِّفِ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ يُبَاهِي بِهِ الْمَلَائِكَةَ. کسی که برادرش را (و هرکس که در مسیر راه بدون وسیله است) سوار وسیله نقلیه خود کند -وحتی الا مکان او را به مقصد برساند- خداوند متعال او را در قیامت سوار شتری از شترهای بهشتی می گرداند -که سریع او را به مقصد برساند و از شدائد و سختی های محشر در امان گردد-، و به بر ملائکه مباحات و افتخار می کنند. (بحار الانوار: ج ۷، ص ۳۰۳، ح ۶۱)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى إِخِيهِ فِي بَيْتِهِ، فَلْيَقْعُدْ حَيْثُ يَأْمُرُهُ صَاحِبُ الرَّحْلِ، فَإِنَّ صَاحِبَ الْبَيْتِ أَعْرِفَ بِعَوْرَةِ بَيْتِهِ مِنَ الدَّخْلِ عَلَيْهِ. هنگامی که یکی از برادران و دوستانتان وارد شدید، هر کجا به شما گفت بنشینید، بپذیرید و همانجا بنشینید، چون که صاحب منزل بیش از دیگران به اسرار منزل خود آشنا و آگاه است . (وسائل الشیعة : ج ۵، ص ۳۲۲)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْفَتَانَيْنِ الْمَشَائِخِ بِالنَّمِيمَةِ. بهشت - و نعمت های حیات بخش آن - برای اشخاص فتنه گر و سخن چین آشوب طلب ، حرام است . (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام : ص ۵۲۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّا نَاءَمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنَى خَمْسِ سَنِينَ ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنَى سَبْعِ سَنِينَ . ما - اهل بیت عصمت و طهارت - کودکان خود را از دوران پنج سالگی به انجام نماز دستور می دهیم ، ولی شما -دوستان و پیروان ما- فرزندان خود را از سنین هفت سالگی وادار به نماز نمائید. (وسائل الشیعه : ج ۴، ص ۳۱، ح ۴۴۳۴)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ حَمَلَ جِنَازَةً مِنْ أَرْزَعِ جَوَانِبِهَا، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً. هرکس جنازه ای را تشییع نماید و چهار جانب تابوت را بر شانه خود حمل کند، خداوند چهل گناه از گناهانش را می آمرزد. (وسائل الشیعه : ج ۳، ص ۳، ح ۱۵۳)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : خَفِيَ اللَّهُ تَعَالَى لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ، وَ اسْتَحَ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ. بترس از قدرت بی منتهای خداوند متعال که از -جهات مختلف- بر تو دارد، و از خداوند شرم و حیا کن - در انجام گناهان- به جهت آن که از هر چیزی به تو نزدیک تر است . (بحارالانوار: ج ۶۸ ص ۳۳۶، ح ۲۲)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَحَيْثُ مَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْتِهَا حَذْوَها. دانش و حکمت ، گمشده - ارزشمندی است برای - مؤمن که هر کجا و نزد هرکس یافت شود باید آن را دریافت نماید. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام : ص ۴۶۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي الْمِلْحِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا لَا بِهِ. نمک شفابخش و درمان کننده هفتاد نوع مرض و درد خواهد بود و افزود چنانچه مردم خواص نمک می شناختند به چیزی غیر از نمک مداوا و درمان نمی کردند. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام : ص ۴۶۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنَ تَفَرَّقَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ. همانا مؤمنی که با برادر مؤمنش دیدار و مصافحه نماید، گناهانشان ریخته می شود و بدون گناه از یکدیگر جدا خواهند شد. (خصال صدوق : ج ۱، ص ۱۳)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَثَلُ الْحَرِيسِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ ذُرَّةِ الْقَرْزِ، كُلَّمَا اِزْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ اَبْعَدُ مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا. تمثیل افراد حریص به مال و زیورات دنیا همانند کرم ابریشمی است که هر چه اطراف خود بچرخد و بیشتر فعالیت کند و تارهای ابریشم را به دور خود بپیچد، خارج شدنش از بین آن تارها سخت تر گردد و چه بسا غیر ممکن می شود تا جائی که چاره ای جز مرگ نداشته باشد. (وسائل الشیعه : ج ۱۱، ص ۳۱۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِخُ الْمُؤْمِنِ لَا يَسْتِثْمُهُ، وَ لَا يُحَرِّمُهُ، وَ لَا يُسِيئُ بِهِ الظَّنَّ. مؤمن برادر مؤمن است ، باید او را دشنام ندهد، سرزنش و بدگوئی نکند، و او را از خوبیها محروم نگرداند، و به او بدگمان نباشد. (تحف العقول : ص ۲۲۱، بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۱۷۶، ح ۵)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : اَلْكَمَالُ كُلُّ اَلْكَمَالِ ، اَلتَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ ، وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ . تمام کمالات - معنوی و مادی انسان - در فقاہت و شناخت دقیق و صحیح مسائل دین و معارف الهی است ؛ و صبر و شکیبائی در مقابل ناملازمات ، و نیز زندگی را با تدبیر و مدیریت برنامه ریزی کردن می باشد. (تحف العقول : ص ۲۱۳ ، بحارالانوار : ج ۷۸ ، ص ۱۷۲ ، ح ۵)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : صَلََةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ ، وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ ، وَ تَدْفَعُ الْبُلُوَى ، وَ تُبَسِّرُ الْحِسَابَ ، وَ تُنَسِّي ُ فِي الْأَجَلِ . صله رحم نمودن (پنج فایده دارد) موجب تزکیه اعمال و عبادات می شود، سبب رشد و برکت در اموال می گردد، بلاها و گرفتاری ها را دفع و بر طرف می نماید، حساب (قبر و قیامت) را آسان می گرداند و مرگ و اجل (معلق) را تاخیر می اندازد. (تحف العقول : ص ۲۱۸ ، بحارالانوار : ج ۷۴ ، ص ۱۱۱ ، ح ۷۱)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : اِتَّقُوا اللَّهَ وَاسْتَعِينُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَ الْأَجْتِهَادِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَإِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ أَحَدُكُمْ اغْتِبَاطًا مَا هُوَ عَلَيْهِ لَوْ قَدْ صَارَ فِي حَدِّ الْأَجْرَةِ وَ انْقَطَعَتِ الدُّنْيَا عَنْهُ فَإِذَا كَانَ فِي ذَلِكَ الْحَدِّ عَرَفَ أَنَّهُ قَدْ اسْتَقْبَلَ النِّعِيمَ وَ الْكَرَامَةَ مِنَ اللَّهِ وَ الْبُشْرَى بِالْجَنَّةِ وَ آمِنَ مِمَّنْ كَانَ يَخَافُ وَ أَيَقَنَ أَنَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّ مَنْ خَالَفَ دِينَهُ عَلَى بَاطِلٍ هَالِكٍ؛ تقوای خدا پیشه کنید و در راهی که برگزیده اید از پارسایی و تلاش در اطاعت فرامین الهی کمک بجوئید، که اگر چنین کردید بیشترین غبطه به حال یکی از شما آنگاه خواهد بود که به سر حد آخرت برسد و ارتباط وی از دنیا قطع شده باشد، پس آنگاه که به چنین منزلگاهی رسید ، می فهمد (می بیند) که نعمت و کرامت از طرف خداوند به وی رو نموده و بشارت بهشت به وی داده می شود و ایمن می شود از آنچه می ترسید و یقین می کند که راهش بر حق بوده و هر کس بر خلاف راه او بوده بر باطلی هلاک کننده بوده است. (بحارالانوار ط-بیروت) ج ۶ ، ص ۱۸۷)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : مَا شَيْبَ شَيْءٌ بِشَيْءٍ أَحْسَنَ مِنْ حِلْمٍ بِعِلْمٍ؛ چیزی با چیزی نیامیخته است که بهتر از حلم با علم باشد. (بحارالانوار ج ۷۵ ، ص ۱۷۲)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقِي بِالْتَّقْوَى عَنِ الْعُبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ وَ يُجَلِّي بِالْتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاءَهُ وَ جَهْلَهُ؛ خداوند عزوجل به وسیله تقوا، انسان را از آنچه عقلش به آن نمی رسد، حفظ می کند و کوردلی و نادانی را از او دور می نماید. (کافی، ج ۸ ، ص ۵۲)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : مَا بَيَّنَّ الْحَقُّ وَ الْبَاطِلُ إِلَّا قَلَّةً الْعُقُلِ . قِيلَ : وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَأْتِيَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ؟ قَالَ : إِنَّ الْعَبْدَ يَعْمَلُ الْعَمَلَ الَّذِي هُوَ لِلَّهِ رِضًا فَيُرِيدُ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّهُ أَخْلَصَ لِلَّهِ لَجَاءَهُ الَّذِي يُرِيدُ فِي أَسْرَعٍ مِنْ ذَلِكَ؛ میان حق و باطل جز کم عقلی فاصله نیست. عرض شد: چگونه، ای فرزند رسول خدا؟ فرمودند: انسان کاری را که موجب رضای خداست برای غیر خدا انجام می دهد، در صورتی که اگر

آن را خالص برای رضای خدا انجام می داد، زودتر به هدف خود می رسید تا برای غیر خدا. (محاسن ج ۱، ص ۲۵۴)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اتَّقُوا اللَّهَ وَصُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ ؛ تَقْوَى خُدا پيشه كنيد و دينتان را با ورع و تقوا حفظ كنيد. (كافي (ط - الاسلاميه) ج ۲، ص ۷۶)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرٍّ، فَيَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَحْتِمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَحْتِمُ عَلَى ذَهَبِهِ وَ فِصَّتِهِ؛ به راستی که این زبان کلید همه خوبی ها و بدی هاست پس شایسته است که مؤمن زبان خود را مُهر و موم کند، همان گونه که (صندوق) طلا و نقره خود را مُهر و موم می کند. (تحف العقول، ص ۲۹۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا وَ نَجَّهَ بِالْبَلَاءِ نَجًّا فَإِذَا دَعَا قَالَ لَبَّيْكَ عَبْدِي لَئِنْ عَجَلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّي عَلَى ذَلِكَ لَقَادِرٌ وَ لَئِنْ أَدَّخَرْتُ لَكَ فَمَا أَدَّخَرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ . خداوند تبارک و تعالی چون بنده ای را دوست دارد در بلا و مصیبتش غرقه سازد و باران گرفتاری بر سرش فرود آرد و آنگاه که این بنده خدا را بخواند فرماید : لبیک بنده ی من ! بی شک اگر بخواهم خواسته ات را زود اجابت کنم می توانم اما اگر بخواهم آن را برایت اندوخته سازم این برای تو بهتر است . (اصول کافی (ط - الاسلاميه) ج ۲، ص ۲۵۳ (باب شدة ابلاء المومن حديث ۷))

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنُ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ مِنَ الْغَيْبَةِ وَ يَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ. خداوند عزیز و با جلال از بنده مؤمنش با رنج و بلا دلجویی می کند، همچنان که شخص با هدیه ای که از سفر آورده، از خانواده اش دلجویی می کند و خدا مومن را از دنیا پرهیز می دهد، همچنان که طبیب بیمار را (از بعضی خوردنی ها و آشامیدنیها) پرهیز می دهد. (اصول کافی (ط - الاسلاميه) ج ۲، ص ۲۵۵ (باب شدة ابلاء المومن حديث ۱۷))

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلْبَرُّ وَ الصَّدَقَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْعُمْرِ وَ يَدْفَعَانِ عَنِ صَاحِبِهِمَا سَبْعِينَ مِئْتَةً سُوءٍ ؛ کار خیر و صدقه، فقر را می بَرند، بر عمر می افزایند و هفتاد مرگ بد را از صاحب خود دور می کنند. (من لا يحضره الفقيه ج ۲، ص ۶۶ - ثواب الاعمال (ترجمه حسن زاده) ص ۶۸۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّمَا يُدَاقُّ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدَرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا. خدا در روز قیامت نسبت به حساب بندگانش به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده است باریک بینی می کند. (محاسن ج ۱، ص ۱۹۵ - کافی (ط - الاسلاميه) ج ۱، ص ۱۹۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْجَبَّارُونَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ دورترین مردم از خداوند عز و جل در روز قیامت سرکشان متکبر هستند. (وسائل الشيعة ج ۱۵، ص ۳۸۱ - ثواب الاعمال (ترجمه حسن زاده) ص ۶۸۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَضَّلُ صَلَاةَ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ فَرْدًا خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ . فضیلت و برتری نماز جماعت بر نماز فرادا و تنها، بیست و پنج درجه از مقامات بهشتی است . (وسائل الشیعة : ج ۱۷، ص ۳۷)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاءُمَّا الْمُتَنَجِّياتُ : فَخَوْفُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَكَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالسَّخَطِ . از اسباب نجات ، ترس از خدا در خفاء و آشکارا است ، رعایت اقتصاد و صرفه جوئی در تمام حالات بی نیازی و نیازمندی ، نیز رعایت انصاف و گفتن سخن حق و عدالت در همه حالت های خوشی و ناراحتی . (وسائل الشیعة : ج ۱۱، ص ۱۷۴، ح ۱۲)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَنَالُ وَلَا تَنَالُ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ . ولایت و شفاعت ما شامل نمی شود مگر افرادی را که دارای عمل - صالح - و نیز پرهیز از گناه داشته باشند . (وسائل الشیعة : ج ۱۱، ص ۱۹۶)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ خَمِيسٍ، فَلْيَسْتَحْ أَعْدَاكُمْ أَنْ يُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ الْقَبِيحُ . همانا تمام کارها و حرکات بندگان در هر شب جمعه بر پیغمبر اسلام عرضه می گردد، پس حیاء کنید از این که عمل زشت شما را نزد پیغمبرتان ارائه دهند . (وسائل الشیعة : ج ۱۱، ص ۳۹۱)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَلَا يَنْقُصُ أُولَئِكَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ . هرکس راه هدایت و سعادت را بگشاید و یا به دیگران تعلیم دهد، اجر و پاداش او همانند کسی است که به آن کار خیر عمل کرده باشد بدون آن که از پاداش عمل کنندگان کسر شود . (وسائل الشیعة : ج ۱، ص ۴۳۶)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْبَرِّ: كَثَمَانُ الْحَاجَةِ، وَكَثَمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكَثَمَانُ الْوَجَعِ، وَكَثَمَانُ الْمُصِيبَةِ . چهار حالت از کنزهای نیک و پسندیده است : پوشاندن نیاز و حاجت خود را از دیگران ، دادن صدقه و کمک به افراد به طور مخفیانه و محرمانه ، دردها و مشکلات و ناراحتی ها را تحمل کردن و هنگام مصیبت و حوادث ، جزع و داد و فریاد نکردن . (تحف العقول : ص ۲۱۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعاً لِلَّهِ تَنَفَّعَهُ وَلَا يَتَنَّا وَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ غَاصِيّاً لِلَّهِ لَمْ تَنْفَعُهُ وَلَا يَتَنَّا وَيَحْكُمُ لَا تَغْتَرُّوا وَيَحْكُمُ لَا تَغْتَرُّوا . هر کدام از شما شیعیان مطیع خداوند باشد ولایت ما برایش مفید خواهد بود و هر که خدا را نافرمانی کند ولایت ما سودی برایش ندارد . (کافی - ط - الاسلامیه)

ج ۲، ص ۷۵ و ۷۶، ح ۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ أَنَّ الْأَمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً، لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يُمُوجُ الْبَحْرِ بِأَهْلِهِ . اگر امام و حجت خدا لحظه ای از روی زمین و از بین افراد جامعه برداشته شود، زمین اهل خود را در خود می بلعد و فرو می برد همان طوری که دریا چیزهای خود را در خود متلاطم و آشفته می سازد . (اصول کافی : ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۲)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : إِنَّ جَمِيعَ دَوَابِّ الْأَرْضِ لَتُصَلِّيَ عَلَى طَالِبِ الْعِلْمِ حَتَّى الْحَيْتَانِ فِي الْبَحْرِ . به درستی که تمام موجودات و جانوران زمین و بلکه ماهیان دریا برای تحصیل کنندگان علوم - اسلامی و معارف الهی - تحیت و درود می فرستند. (بحارالانوار: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۳۱)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : لَوْ أُوتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ، لَأَعْوَجَّعْتُهُ. اگر جوانی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که به مسائل دین - و زندگی - آشنا نباشد، او را تنبیه و تأدیب خواهم کرد (تا به دنبال تحصیل مسائل دین برود). (محاسن برقی: ج ۱، ص ۲۲۸)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : مَنْ أَعْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى، لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، وَلَحِقَهُ وَزْرٌ مَنْ عَمِلَ بِفَتْيَاهُ. هرکس درباره مسائل دین فتوا و نظریه ای دهد که بدون علم و اطلاع باشد، ملائکه رحمت و ملائکه عذاب او را لعن و نفرین می کنند و گناه عمل کننده - اگر خلاف باشد - بر عهده گوینده است . (اصول کافی: ج ۱، ص ۴۲، ح ۳، و مستدرک الوسائل: ج ۱۷، ص ۲۴۴)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : الْأَعْمَالُ تُضَاعَفُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّدَقَةِ وَ الدُّعَاءِ. پاداش اعمال - بد یا خوب - در روز جمعه دو برابر دیگر روزها است ، پس سعی نمائید در این روز نماز و صدقه و دعا بسیار انجام دهید. (مستدرک الوسائل: ج ۶، ص ۶۴، ح ۱۵)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِعْظَافًا عَنِ النَّاسِ، وَ سَعَى عَلَى أَهْلِهِ، وَ تَعَطَّفَا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. هرکس دنیا را به جهت یکی از این سه حالت طلب کند: بی نیازی از مردم ، آسایش و رفاه خانواده و عائله اش ، کمک و رسیدگی به همسایه اش . روز قیامت در حالتی محشور می گردد و به ملاقات خداوند متعال نایل می شود که صورتش همچون ماه شب چهارده ، نورانی است . (وسائل الشیعة: ج ۱۷، ص ۲۱، ح ۵)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْجَنَّةَ وَ الْخُورَ لَتَشْتَاقُ إِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ، أَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقُدَى . همانا بهشت و حورالعین در انتظار افرادی است که در نظافت و تمیز کردن مسجد سعی و تلاش نمایند. (مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۸۵)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : إِنْ نَمَا يَبْتَلَى الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا عَلَى قَدَرِ دِينِهِ. همانا مؤمن در این دنیا هر مقداری که دین و ایمان داشته باشد به همان اندازه مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرد. (تنبیه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص ۵۲۳، بحارالانوار: ج ۶۷، ص ۲۱۰، ح ۱۲، به نقل از کافی)

قَالَ الْبَاقِرْعَلِيهِ السَّلَامُ : لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقُطَعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ، فَحِينَئِذٍ يَقُولُ: هَذَا خَالِصٌ لِي ، فَيَقْبَلُهُ بِكَرَمِهِ. کسی به بندگی و ستایش گر حقیقی در برابر خداوند نمی رسد مگر آن که از تمام افراد قطع امید کند و تنها امیدش خدای یکتا باشد. در يك چنین حالتی خداوند

گوید: این عمل خالصانه برای من است و آن را مورد قبول و عنایت خود قرار می دهد. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام: ص ۴۲۷، بحارالانوار: ج ۷۰، ص ۱۱۱، ح ۱۴)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَهُوَ حَقٌّ، مَافَتَحَ رَجُلٌ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ الْمَسْأَلَةِ إِلَّا لَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ. سوگند به خدائی که بر حق است، چنانچه شخصی در موردی، تقاضای خود را به یکی از هم نوعان خود بگوید و بدون توجه به خداوند متعال درخواست کمک نماید، خداوند دری از درهای فقر و تنگ دستی را بر او بگشاید. (عدة الداعي: ص ۹۹، س ۱۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَضَى مُسْلِمًا حَاجَتَهُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ثَوَابُكَ عَلَيَّ وَلَا أَرْضَى لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ. هرکس حاجتی را برای مسلمانی برآورده کند و گره از مشکلیش بگشاید، خداوند متعال به او خطاب کند: ثواب و پاداش تو بر عهده من خواهد بود و غیر از بهشت چیز دیگری لایق تو نخواهد بود. (مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۴۰۲، ح ۶)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ نَبِيَّ مُعَذِّبٍ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ، أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شَرَارِهِمْ وَسِتِينَ أَلْفًا مِنْ خَيْرِهِمْ. فَقَالَ: يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بِالْأَخْيَارِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: إِنَّهُمْ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَلَمْ يَغْضَبُوا لِعِصْيِي. همانا خداوند متعال، برای حضرت شعیب علیه السلام وحی فرستاد: من از قوم تو یکصد هزار نفر را عذاب و هلاک می نمایم که شصت هزار نفر ایشان، اشرار و چهل هزار نفر دیگرشان از خوبان و عبادت کنندگان خواهند بود. حضرت شعیب علیه السلام سؤال نمود: اشرار که مستحق عذاب هستند ولی خوبان را چرا عذاب می نمائی؟ خداوند وحی نمود: به جهت آن که این افراد، نسبت به گناهکاران بی تفاوت بوده و با ایشان سازش می کردند. (الجواهر السنية: ص ۲۸، بحارالانوار: ج ۱۲، ص ۳۸۶، ح ۱۲، به نقل از کافی)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا، أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ. هرکس مؤمنی را طعام دهد، خداوند از میوه های بهشتی روزی او گرداند. (محاسن برقی: ص ۳۹۳، ح ۴)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَمَلَ أَخَاهُ عَلَى رَحْلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى الْمُؤَقَّفِ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ يُبَاهِي بِهَا الْمَلَائِكَةَ. کسی که برادرش را (و هرکس که در مسیر راه بدون وسیله است) سوار وسیله نقلیه خود کند - و حتی الا مکان او را به مقصد برساند - خداوند متعال او را در قیامت سوار شتری از شترهای بهشتی می گرداند - که سریع او را به مقصد برساند و از شدائد و سختی های محشر در امان گردد -، و به بر ملائکه مباحات و افتخار می کنند. (بحارالانوار: ج ۷، ص ۳۰۳، ح ۶۱)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ فِي بَيْتِهِ، فَلْيَقْعُدْ حَيْثُ يَأْمُرُهُ صَاحِبُ الرَّحْلِ، فَإِنَّ صَاحِبَ الْبَيْتِ أَعْرِفُ بِعَوْرَةِ بَيْتِهِ مِنَ الدَّاحِلِ عَلَيْهِ. هنگامی که به منزل یکی از برادران و دوستانتان

وارد شدید، هر کجا به شما گفت بنشینید، بپذیرید و همانجا بنشینید، چون که صاحب منزل بیش از دیگران به اسرار منزل خود آشنا و آگاه است. (وسائل الشیعة: ج ۵، ص ۳۲۲)

قال الباقر علیه السلام: الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْفَتَانَيْنِ الْمَشَائِخِ بِالْمِيمَةِ، بهشت - و نعمت های حیات بخش آن - برای اشخاص فتنه گر و سخن چین آشوب طلب، حرام است. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام: ص ۵۲۸)

قال الباقر علیه السلام: إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنَى خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنَى سَبْعِ سِنِينَ. ما - اهل بیت عصمت و طهارت - کودکان خود را از دوران پنج سالگی به انجام نماز دستور می دهیم، ولی شما - دوستان و پیروان ما - فرزندان خود را از سنین هفت سالگی وادار به نماز نمائید. (وسائل الشیعة: ج ۴، ص ۳۱، ح ۴۴۳۴)

قال الباقر علیه السلام: مَنْ حَمَلَ جِنَازَةً مِنْ أَرْبَعِ جَوَانِبِهَا، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً. هرکس جنازه ای را تشییع نماید و چهار جانب تابوت را بر شانه خود حمل کند، خداوند چهل گناه از گناهانش را می آمرزد. (وسائل الشیعة: ج ۳، ص ۳، ح ۱۵۳)

قال الباقر علیه السلام: خَفِيَ اللَّهُ تَعَالَى لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ، وَ اسْتَحَ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ. بترس از قدرت بی منتهای خداوند متعال که از - جهات مختلف - بر تو دارد، و از خداوند شرم و حیا کن - در انجام گناهان - به جهت آن که از هر چیزی به تو نزدیک تر است. (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۳۳۶، ح ۲۲)

قال الباقر علیه السلام: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَحَيْثُ مَا وَجَدَ أَوَّحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا، دانش و حکمت، گمشده - ارزشمندی است برای - مؤمن که هر کجا و نزد هرکس یافت شود باید آن را دریافت نماید. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام: ص ۴۶۸)

قال الباقر علیه السلام: فِي الْمِلْحِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ. نمک شفابخش و درمان کننده هفتاد نوع مرض و درد خواهد بود و افزود چنانچه مردم خواص نمک می شناختند به چیزی غیر از نمک مداوا و درمان نمی کردند. (تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة ورام: ص ۴۶۸)

قال الباقر علیه السلام: إِنْ نَأْمُرُ مِنَ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنُ تَفَرَّقًا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ. همانا مؤمنی که با برادر مؤمنش دیدار و مصافحه نماید، گناهانشان ریخته می شود و بدون گناه از یکدیگر جدا خواهند شد. (خصال صدوق: ج ۱، ص ۱۳)

قال الباقر علیه السلام: مَثَلُ الْخَرِصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ ذَرَّةٍ الْقَرَّةِ، كُلَّمَا اِزْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ اِبْعَدُ مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا. تمثیل افراد حریص به مال و زیورات دنیا همانند کرم ابریشمی است که هر چه اطراف خود بچرخد و بیشتر فعالیت کند و تارهای ابریشم را به دور خود بپیچد، خارج

شدنش از بین آن تارها سخت تر گردد و چه بسا غیر ممکن می شود تا جائی که چاره ای جز مرگ نداشته باشد. (وسائل الشیعة: ج ۱۱، ص ۳۱۸)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا تَزَكَّى الْأَعْمَالَ، وَتَنَمَّى الْأَمْوَالَ، وَتَدَفَّعَ الْبُلُوَى، وَتُبَسَّرَ الْبَرَادَ، وَتَنَسَّى فِي الْأَجْلِ، صَلَهِ رَحِمَ نَمُودَن (پنج فایده دارد): موجب تزکیه اعمال و عبادات می شود، سبب رشد و برکت در اموال می گردد، بلاها و گرفتاری ها را دفع و بر طرف می نماید، حساب (قبر و قیامت) را آسان می گرداند و مرگ و اجل (معلق) را تاخیر می اندازد. (تحف العقول: ص ۲۱۸، بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۱۷۶، ح ۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَضَّلُ صَلَاةَ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ فَرْدًا خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ. فضیلت و برتری نماز جماعت بر نماز فرادا و تنها، بیست و پنج درجه از مقامات بهشتی است. (وسائل الشیعة: ج ۱۷، ص ۳۷)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعَرَّضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ خَمِيسٍ، فَلْيَسْتَحِ إِحْدَكُمْ أَنْ يُعَرِّضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلَ الْقَبِيحَ. همانا تمام کارها و حرکات بندگان در هر شب جمعه بر پیغمبر اسلام عرضه می گردد، پس حیاء کنید از این که عمل زشت شما را نزد پیغمبرتان ارائه دهند. (وسائل الشیعة: ج ۱۱، ص ۳۹۱)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَلَا يَنْقُصُ أُولَئِكَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ. هرکس راه هدایت و سعادت را بگشاید و یا به دیگران تعلیم دهد، اجر و پاداش او همانند کسی است که به آن کار خیر عمل کرده باشد بدون آن که از پاداش عمل کنندگان کسر شود. (وسائل الشیعة: ج ۱، ص ۴۳۶)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: كَثَمَانُ الْحَاجَةِ، وَكَثَمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكَثَمَانُ الْوَجَعِ، وَكَثَمَانُ الْمُصِيبَةِ. چهار حالت از کنزهای نیک و پسندیده است: پوشاندن نیاز و حاجت خود را از دیگران، دادن صدقه و کمک به افراد به طور مخفیانه و محرمانه، دردها و مشکلات و ناراحتی ها را تحمل کردن و هنگام مصیبت و حوادث، جزع و داد و فریاد نکردن. (تحف العقول: ص ۲۱۵)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ إِذَا قَالَ اللَّهُ نَفْسَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هرکس دنبال هتک حرمت - ناموس و آبروی - دیگران نباشد، خداوند متعال او را در قیامت مورد عفو و بخشش قرار می دهد؛ و هرکس غضب و خشم خود را از دیگران بازدارد، خداوند نیز خشم و غضب خود را در قیامت از او برطرف می سازد. (کتاب الزهد: ص ۱، ح ۹)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ الَّذِي يُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ عِلْمُوهُ إِخْوَانُكُمْ كَمَا عِلْمُكُمْوهُ الْعُلَمَاءُ امام باقر علیه السلام فرمود: آنکه از شما شیعیان به دیگری علم آموزد مزد او به مقدار مزد دانشجو است با قدری بیشتر پس از دانشمندان دانش آموزید و آنرا به برادران دینی خود بیاموزید چنانچه دانشمندان به شما آموخته‌اند. (اصول کافی جلد ۱ ص ۴۲ روایه: ۲)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أُحِبُّ أَمَا إِنِّي إِيَّاكَ أَمُرُّ وَ إِيَّاكَ أَنْهِي وَ إِيَّاكَ أَعَاقِبُ وَ إِيَّاكَ أُثِيبُ. امام باقر (ع) فرماید: چون خدا عقل را آفرید از او بازپرسی کرده باو گفت پیش آی پیش آمد، گفت باز گرد، بازگشت، فرمود بعزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو به پیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و ترا تنها بکسانیکه دوستشان دارم بطور کامل دادم. همانا امر و نهی کیفر و پاداشم متوجه تو است. (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۱۰ روایه: ۱)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِمْ أَحْلَامُهُمْ. حضرت باقر علیه السلام فرمود: چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و (تا پیروی هوس نکنند و با یکدیگر اختلاف نورزند) و در نتیجه خردشان کامل شود (متانت و خود نگهداری‌شان کامل شود). (اصول کافی ج ۱ ص ۲۹، ۲۱)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ فَقَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْكَ إِيَّاكَ أَمُرُّ وَ إِيَّاكَ أَنْهِي وَ إِيَّاكَ أُثِيبُ وَ إِيَّاكَ أَعَاقِبُ. امام باقر علیه السلام فرمود چون خدا عقل را آفرید به او فرمود پیش بیا، پیش آمد فرمود برگرد، برگشت فرمود بعزت و جلالم مخلوقی بهتر از تو نیافریدم، امر نهی و پاداش و کیفرم متوجه تو است. (اصول کافی جلد ۱ ص ۳۰ روایه: ۲۶)

ابوبصیر (ره) یکی از شاگردان امام باقر (ع)، نابینا بود، در مراسم حج همراه آن حضرت شرکت کرد، سر و صدا و گریه بسیار شنید، گفت: ما اکثر الحجج و اعظم الضجيج؟ چقدر حاجی زیاد است و گریه مردم عظیم می باشد. امام باقر (ع) فرمود: بل اکثر الضجيج و اقل الحجج: بلکه گریه کننده، بسیار است، اما حاجی اندک است. سپس فرمود: آیا دوست داری، به درستی گفته من آگاه گردی و به طور روشن ببینی که حاجی، کم است؟ آنگاه امام باقر (ع) دستش را بر چمشان ابوبصیر (ره) کشید و دعاهایی خواند، او بینا شد، امام به او فرمود: ای ابوبصیر (ره)! به حاجی ها نگاه کن. ابوبصیر (ره) می گوید: نگاه کردم دیدم اکثر مردم به صورت میمون و خوک هستند، و مؤمن در میان آنها مانند ستاره درخشنده در میان تاریکی است. ابوبصیر (ره) بعد از دیدن این منظره، به امام باقر (ع) گفت: ای مولای من! آری چقدر، حاجی، اندک است و گریه کننده، بسیار است، سپس امام باقر (ع) دعاهایی خواند و نابینایی ابوبصیر (ره) به حال خود بازگشت (مناقب آل ابیطالب، ج ۴ ص ۱۸۴).

خلاصه حالات هشتمین معصوم ، ششمین اختر امامت امام صادق(ع)

آن حضرت هنگام طلوع سپیده صبح ، روز جمعه یا دوشنبه ، هفدهم ربیع الاول یا اول رجب ، سال ۸۰ یا ۸۳ هجری قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود.

نام : جعفر صلوات الله و سلامه علیه .

کنیه : ابو عبدالله ، ابو اسماعیل ، ابو موسی ، ابو اسحاق .

لقب : صادق ، صابر ، فاضل ، طاهر ، شیخ ، صادق آل محمد ، باقی ، منجی ، کامل ، کافل ، عالم و

پدر : امام محمد باقر ، باقر علم الاولین والاخرین علیه السلام .

مادر : فاطمه ، معروف به ام فروه ، دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر می باشد.

نقش انگشتر : حضرت دارای چهار انگشتر بود ، که نقش هر کدام به ترتیب عبارتند از : (الله ولی و عصمتی من خلقه) ، (الله خالق کل شیء) ، (انت تفتی فأعصمني من خلقك) ، (ما شاء الله لا قوة إلا بالله).

دربار : مفصل بن عمر است ، و نیز بعضی محمد بن سنان را گفته اند.

مدت امامت : حضرت در سنین ۳۴ سالگی ، روز دوشنبه ، هفتم ذی الحجه یا ربیع الاول ، در سال ۱۱۴ هجری ، پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و خلافت رسید و حدود ۳۴ سال امامت و هدایت جامعه اسلامی را بر عهده داشت .

هنگامی که امام جعفر صادق علیه السلام به منصب امامت نایل آمد ، در موقعیت حساسی قرار گرفته بود ، چون دولت بنی العباس تازه روی کار آمده بود و تنها تلاش آن ها استحکام و ثبات پایه های حکومت خود بود ؛ و ناچار بودند که افکار عموم ، مخصوصاً سادات بنی الزهراء را به خود جلب و جذب نمایند.

بر همین اساس امام علیه السلام از موقعیت موجود زمان ، به نحو احسن استفاده نموده و با تشکیل جلسات مختلف در رشته های گوناگون علوم و فنون ، ابعاد مختلف اسلام و معارف الهی را تبیین و تشریح نمود.

طبق گفته مؤرخین و محدثین : بیش از دوازده هزار شاگرد از اقشار مختلف در جلسات درس و محاضرات آن حضرت شرکت نموده و در علوم و فنون مختلف از دریای بی کران علوم حضرتش بهره می گرفتند.

و چهارصد جلد کتاب از جواب ها و مطالب آن حضرت نوشته شده است ، که به عنوان اصول (اعرعمائة) معروف می باشد.

و بر همین اساس ، شیعه به عنوان مذهب جعفری معروف گردید.

رهبران و پیشوایان مذاهب چهارگانه اهل سنت از شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام بوده اند.

آن حضرت مدّت ۱۵ سال و اندی، هم زمان با جدّ بزرگوارش، امام زین العابدین علیه السلام؛ و مدّت ۱۹ سال پس از آن، با پدر عظیم القرش حضرت باقرالعلوم علیه السلام؛ و سپس مدّت ۳۴ سال امامت و زعامت جامعه اسلامی را بر عهده داشت، که روی هم عمر پیرکت آن حضرت را ۶۸ سال گفته اند.

شهادت: بنابر مشهور، آن حضرت، روز دوشنبه ۲۵ شوال، سال ۱۴۸ هجری قمری، در شهر مدینه منوّره دیده از جهان فرو بست؛ و به لقاء الله ملحق گردید. محلّ دفن: پیکر مقدّس آن حضرت، در مدینه منوّره، در قبرستان بقیع، در جوار مرقد شریف و مطهر عمو و جدّ و پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.

تعداد فرزندان: تعداد شش فرزند پسر و چهار دختر برای آن حضرت گفته اند. خلفاء و سلاطین هم عصر امامت آن حضرت: پنج نفر از طایفه بنی امیه به نام های: هشام بن عبدالملك، ولید بن یزید بن عبدالملك، یزید بن ولید بن عبدالملك، ابراهیم بن ولید، مروان حمار می باشند؛ و همچنین دو نفر از بنی العباس به نام: سفّاح و منصور دوانیقی عباسی بوده اند. نماز آن حضرت: چهار رکعت است، که در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر) خوانده می شود.

و بعد از آن که سلام نماز پایان یافت، تسبیحات حضرت فاطمه زهراء علیها السلام گفته می شود؛ و سپس حوایج مشروعه خویش را از خداوند متعال درخواست می نمائیم، که ان شاء الله برآورده خواهد شد.

(منابع: تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول کافی: ج ۱، تهذیب الاحکام: ج ۶، تذکرة الخواص، اعیان الشیعة: ج ۱، مستدرک الوسائل: ج ۶، کشف الغمّة: ج ۲، مجموعه نفیسه، تاریخ اهل البيت، ینابیع المودّة، اعلام الوری طبرسی: ج ۱، جمال الأسبوع، دعوات راوندی، بحارالانوار: ج ۴۷ و ۸۸، عیون المعجزات، دلائل الامامة طبری، ارشاد شیخ مفید و...))

احادیث امام صادق علیه السلام

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي، وَحَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَحَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ، وَحَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ، وَحَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَحَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. سخن و حدیث من همانند سخن پدرم می باشد، و سخن پدرم همچون سخن جدّم، و سخن جدّم نیز مانند سخن حسین و نیز سخن او با سخن حسن یکی است و سخن حسن همانند سخن امیرالمؤمنین علی و کلام او از کلام رسول خدا می باشد، که سخن رسول الله به نقل از سخن خداوند متعال خواهد بود. (جامع الاحادیث الشیعه: ج ۱ ص ۱۲۷ ح ۱۰۲، بحارالانوار: ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۲۸)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَفِظَ مِنْ شِيعَتِنَا أَزْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهًا وَلَمْ يُعَذِّبْهُ. هرکس از شیعیان ما چهل حدیث را حفظ کند و به آن ها عمل نماید، خداوند او را دانشمندی فقیه در قیامت محشور می گرداند و عذاب نمی شود. (امالی الصدوق: ص ۲۵۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَوَرُّتُ الْغَمِّ وَ الْحُزْنِ وَ الرُّهْدِ فِي الدُّنْيَا رَاحَةُ الْقَلْبِ وَ الْبَدَنِ. رغبت و تمایل به دنیا مایه غم و اندوه و زهد و بی میلی به دنیا سبب راحتی قلب و بدن است. (تحف العقول، ص ۳۵۸)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا. دوست ندارم جوانی از شما [شیعیان] را جز بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو. (امالی طوسی ص ۳۰۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَكَّبِ الْفِتْنَةَ؛ هَر كَس حَقِيقَت رَا از طَرِيق قرآن نشناسد، از فتنه ها برکنار نمی ماند. (محاسن، ج ۱، ص ۲۱۶)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ، وَ كَانَ الْقُرْآنُ حَجِيزًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هَر جَوَان مُؤْمِنِي كِه در جوانی قرآن تلاوت کند، قرآن با گوشت و خورش می آمیزد و خداوند عزوجل او را با فرشتگان بزرگوار و نیک قرار میدهد و قرآن نگهبان او در روز قیامت، خواهد بود. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۶۰۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا؛ هَر كِه خدا را بشناسد ترس او در دلش می افتد و هر از خدا ترسان باشد نفسش از دنیا باز می ماند. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۶۸ - تحف العقول ص ۳۶۲ - وسایل الشیعه ج ۱۵، ص ۲۲۰)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حَاجَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا، وَ عَشَقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ لَوْجِهِ اللَّهُ، وَ حِمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَرَجِهَا وَ لَحْمِهَا. برآوردن حوائج و نیازمندی

های مؤمن از هزار حج مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهز در راه خدا، بالاتر و بالاتر است. (اعمالی الصدوق: ص ۱۹۷)

قال الصادق علیه السلام: إِنَّ مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءُ الزَّكَاةِ يَعْنِي الْفِطْرَةَ كَمَا أَنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (ص) مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ؛ تَكْمِيلُ رُوزِهِ بِهَ بِرِدَاخَتِ زَكَاةٍ يَعْنِي فِطْرَهُ اسْتَ، هَمَّجَنَانِ كِه صَلَوَاتِ بَرِ پِیامبر (ص) کمال نماز است. (من لا یحضر الفقیه ج ۲، ص ۱۸۳ - وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۱۸)

قال الصادق علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِئُهَا الرِّيحُ كَذَا وَ كَذَا وَ كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تَكْفِئُهُ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قَصْفًا. رسول خدا فرمودند: حکایت مومن حکایت ساقه گیاه است که بادها آن را به این سو و آن سو کج و راست می کنند. مومن هم به واسطه ی بیماریها و دردها کج و راست می شود. اما حکایت منافق، حکایت عصای آهنین بی انعطافی است که هیچ آسیبی به آن نمی رسد، تا اینکه مرگش به سراغش می آید و کمرش را در هم می شکند. (اصول کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۲۵۸) (باب شدة ابلاء المومن حدیث ۲۵)

قال الصادق علیه السلام: لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَ الدِّينَ الصَّالِحَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعًا؛ مَوْمِنِ هَمواره خانواده خود را از دانش و ادب شایسته بهره مند می سازد تا همه آنان را وارد بهشت کند. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۱)

قال الصادق علیه السلام: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ؛ هَر كَسِ بَرای خدا دانش بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد شود و گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد. (الذریعه الی حافظ الشریعه (شرح اصول کافی) ج ۱، ص ۵۶)

قال الصادق علیه السلام: إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ. دانشمندان وارثان پیامبران هستند. (الکافی (ط-اسلامیه)، ج ۱، ص ۳۲ و ۳۴)

قال الصادق علیه السلام: عَالِمٌ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ وَأَلْفِ زَاهِدٍ. يك عالم برتر از هزار عابد و هزار زاهد است. (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۸)

قال الصادق علیه السلام: لَا يُعَدُّ الْعَاقِلُ عَاقِلًا حَتَّى يَسْتَكْمَلَ ثَلَاثًا: إِعْطَاءُ الْحَقِّ مِنْ نَفْسِهِ عَلَى حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ أَنْ يَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ اسْتِعْمَالُ الْحِلْمِ عِنْدَ الْغَثَرَةِ؛ عَاقِل، عَاقِلِ نِیست مگر آن که سه صفت را در خود به کمال رساند: حق را در هنگام خشنودی و خشم ادا کند، آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم بیسندد و هنگام خطای دیگران، بردبار باشد. (تحف العقول، ص ۳۱۸)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ وَالْعَقْلُ يَكْمُلُ وَهُوَ دَلِيلُهُ وَمُبْصَرُهُ وَمِفْتَاحُ أَمْرِهِ فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ التَّوَرِّ كَانَ عَالِمًا حَافِظًا ذَاكِرًا فَطِنًا فَهِيْمًا فَعَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَلِمَ وَحَيْثُ وَاعْرِفَ مَنْ نَصَحَهُ وَمَنْ غَشَّاهُ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ عَرَفَ مَجْرَاهُ وَمَوْصُولَهُ وَمَقْصُولَهُ وَأَخْلَصَهُ مِنْ تَأْيِيدِ الْعَقْلِ؛ ستون انسانیت، عقل است و از عقل، زیرکی، فهم، حفظ و دانش بر می‌خیزد. با عقل، انسان به کمال می‌رسد. عقل، راهنمای انسان، بینا کننده و کلید کارهای اوست. هر گاه عقل با نور یاری شود، دانا، حافظ، تیزهوش و فهیم می‌شود و بدین وسیله (پاسخ) چگونه، چرا و کجا را می‌فهمد و خیرخواه و دغلكار را می‌شناسد و هرگاه این را دانست، مسیر حرکت ۴۹ و خویش و بیگانه را می‌شناسد و در توحید و طاعت خداوند اخلاص می‌ورزد و چون چنین کرد، آنچه از دست رفته جبران می‌کند و بر آنچه در آینده می‌آید چنان وارد می‌شود که می‌داند در کجای آن است و برای چه منظوری در آنجاست. از کجا آمده و به کجا می‌رود. و این همه از پرتو تأیید عقل است. (کافی، ج ۱، ص ۲۵)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ، فَأَوَّلُهَا: صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ وَالثَّالِثَةُ: السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ، وَالرَّابِعَةُ: الْأَنْيَسُ الْمُوَافِقُ (قال الراوى): قُلْتُ: وَ مَا الْأَنْيَسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ، وَالْخَلِيطُ الصَّالِحُ وَ الْخَامِسَةُ: وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ: الدَّعَةُ؛ پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، همواره در زندگی اش کمبود دارد و کم خرد و دل نگران است: اول، تندرستی، دوم امنیت، سوم روزی فراوان، چهارم همراه همراهی. راوی پرسید: همراه همراهی کیست؟ امام فرمودند: همسر و فرزند و همنشین خوب و پنجم که در برگیرنده همه اینهاست، رفاه و آسایش است. (خصال، ص ۲۸۴)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّوْمُ رَاحَةً لِلْجَسَدِ وَ النَّطْقُ رَاحَةً لِلرُّوحِ وَ السُّكُوتُ رَاحَةً لِلْعَقْلِ؛ خواب مایه آسایش جسم، سخن مایه آسایش جان و سکوت مایه آسایش عقل است. (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ؛ برترین عبادت مداومت نمودن بر تفکر درباره خداوند و قدرت اوست. (الکافی، ج ۲، ص ۵۵)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِكْرَةُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ؛ یک ساعت اندیشیدن در خیر و صلاح از هزار سال عبادت بهتر است. (مصباح الشریعه، ص ۱۱۴)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْوَصِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلِلْأَمْثَلِ وَ إِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ عَلَى قَدَرِ أَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ فَمَنْ صَحَّ دِينُهُ وَ حَسُنَ عَمَلُهُ أَشَدَّ بِلَاؤُهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِلْمُؤْمِنِ وَ لَا عُقُوبَةً لِكَافِرٍ وَ مَنْ سَخَفَ دِينَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بِلَاؤُهُ

وَأَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقِيِّ مِنَ الْمَطَرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ. در کتاب علی آمده: شدیدترین بلاها در بین آفریدگان، نخست به پیامبران و سپس به اوصیاء می رسد و آنگاه به مثل و شبیه ترین مردم به آنها. مومن به مقدار نیکی هایش آزموده می شود. هر که دینش درست و کارش نیک باشد، بلایش شدیدتر است، چرا که خدای عزوجل دنیا را مایه پاداش مومن قرار نداده و نه وسیله عذاب کافر. اما آن که دینش نادرست و کارش سست باشد، بلایش اندک است. بلا به انسان مومن پرهیزکار زودتر می رسد تا باران به سطح زمین. (اصول کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۲۵۹) (باب شدة ابلاء المومن حدیث ۲۹))

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلَّمَا أَزْدَادَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا أَزْدَادَ ضِيقًا فِي مَعِيشَتِهِ. هر اندازه که ایمان بنده افزون گردد، تنگ دستی اش بیشتر و زندگی اش سخت تر شود. (اصول کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۲۶۱) (باب فضل فقر المومنین حدیث ۴))

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِجَدِي أَسَكَّ مُلْقَى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيْتًا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ كَمْ يُسَاوِي هَذَا فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجَدِي عَلَى أَهْلِهِ. روزی رسول خدا (ص) از کنار بزغاله گوش بریده مرده ای که در بزغاله دان افتاده بود، گذر می کرد. پس رو به اصحاب کرد و فرمود: این، به چند ارزد. گفتند: شاید اگر زنده بود، یک درهم. پیامبر (ص) فرموده: به خدایی که جانم در دست اوست، دنیا در پیشگاه خدا، بی ارزش تر از این بزغاله نزد صاحبش. (اصول کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۱۲۹) (باب ذم الدنيا و الزهد فيها))

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ مَا يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ تُحْفَةً إِلَى الْأَرْضِ إِلَّا صَرَفَهَا عَنْهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ وَ لَا بَلِيَّةَ إِلَّا صَرَفَهَا إِلَيْهِمْ. خدای عز و جل بندگانی در زمین دارد و در بین بندگان خالصش، کسانی هستند که هر نعمتی از آسمان به زمین فرود آید، آن را از ایشان باز دارد و به دیگران دهد، و هر گرفتاری که نازل شود، بر ایشان فرود آورد. (اصول کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۲۵۳) (باب شدة ابلاء المومن حدیث ۵))

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْجِ اللَّهَ رَجَاءً لَا يَجُزُّكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَ خَفِ اللَّهَ خَوْفًا لَا يُؤْيِسُكَ مِنْ رَحْمَتِهِ؛ به خداوند امیدوار باش، امیدی که تو را بر انجام معصیتش جرات نبخشد و از خداوند بیم داشته باش بیمی که تو را از رحمتش نا امید نگرداند. (وسائل الشیعه باب جهاد النفس، ج ۱۵، ص ۲۱۸) قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْجَبَّارُونَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ دورترین مردم از خداوند عز و جل در روز قیامت سرکشان متکبر هستند. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۸۱)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ لَا يَمْضِي عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً إِلَّا عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ يَحْزُنُهُ يُذَكِّرُ بِهِ. چهل شب بر بنده مومن نگذرد مگر اینکه واقعه ای برایش رخ دهد و او را غمگین سازد و به واسطه آن ، متذکر گردد. (اصول کافی (ط-الاسلامیه) ، ج ۲ ، ص ۲۵۴) (باب شدة ابتلاء المومن حديث ۱۱))

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ فِي جَسَدِهِ. در بهشت مقام و منزلتی وجود دارد که هیچ بنده ای به آن نرسد ، مگر به درد و بیماری ای که در بدنش حادث شود.

(اصول کافی (ط-الاسلامیه) ، ج ۲ ، ص ۲۵۵) (باب شدة ابتلاء المومن حديث ۱۴))

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَفْضَلِ مَكَانٍ «ثَلَاثًا» إِنَّهُ لَيَبْتَلِيهِ بِالْبَلَاءِ ثُمَّ يَنْزِعُ نَفْسَهُ غُضُوءًا غُضُوءًا مِنْ جَسَدِهِ وَ هُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ. جایگاه مومن نزد خدای عزوجل برترین جایگاه است «و این جمله را سه بار فرمود» چرا که گاه بنده ای را خداوند به گرفتاری مبتلا می سازد و می فرماید . آنگاه جاننش را عضو عضو از پیکرش بیرون می کشد، در حالی که وی بر این پیشامد خداوند را حمد و ستایش می گوید. (اصول کافی (ط-الاسلامیه) ، ج ۲ ، ص ۲۵۴) (باب شدة ابتلاء المومن حديث ۱۳))

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قُضِيَ بِالْمَقَارِيضِ. ای عبد الله، اگر مومن می دانست که پاداش مصائب و گرفتاری هایش چه اندازه است ، آرزو میکرد با قیچی تکه تکه شود. (اصول کافی (ط-الاسلامیه) ، ج ۲ ، ص ۲۵۵) (باب شدة ابتلاء المومن حديث ۱۵))

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي قَلْبِهِ لَعَصَبْتُ رَأْسَ الْكَافِرِ بِعَصَاةٍ حَدِيدٍ لَا يُصَدِّعُ رَأْسُهُ أَبَدًا. خداوند عزوجل می فرماید اگر بنده مومن من دل آزده نمی شد، سر انسان کافر را با دستمالی آهنین می بستم، تا هرگز دچار سردرد نشود. (اصول کافی (ط-الاسلامیه) ، ج ۲ ، ص ۲۵۷) (باب شدة ابتلاء المومن، حديث ۲۴)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ؛ کسی که از چیزی طرفداری مصرانه و نابجا کند یا اینکه از جانب دیگران به نفع او طرفداری نابجا شود (و او خشنود باشد) محققاً که ریسمان ایمان را از گردن خویش باز کرده است. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۳۰۷)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْثِرَ الْحَقُّ وَ إِنَّ صَرْكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَ إِنَّ نَفْعَكَ وَ أَنْ لَا يَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمَكَ؛ از حقیقت ایمان این است که حق را بر باطل مقدم داری، هر چند حق به ضرر تو و باطل به نفع تو باشد و نیز از حقیقت ایمان آن است که گفتار تو از دانشت بیشتر نباشد. (محاسن ج ۱، ص ۲۰۵)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ لِحَقِّ دَوْلَةٍ وَ لِلْبَاطِلِ دَوْلَةً وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي دَوْلَةٍ صَاحِبِهِ ذَلِيلٌ؛
براستی که حق را دولتی است و باطل را دولتی، و هر يك از این دو، در دولت دیگری ذلیل است.
(کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۴۴۷) ایضاً روایت شده که امام صادق (ع) در بسیاری از اوقات این
شعر را زمزمه می کرد: لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا - وَدَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ. هر مردمی را دولتی
است که منتظر آن هستند و دولت ما در پایان روزگار آشکار می شود. (شیخ صدوق، الامالی، ص
۳۹۶، ج ۳؛ روضة الواعظین، ص ۲۳۴ و ۲۹۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَكِبُرُ أَنْ تَغِمَصَ النَّاسَ وَتُسَفَّهُ الْحَقُّ؛ تکبر، این است که مردم را تحقیر کنی
و حق را خوار شماری. الکافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۱۰
قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ؛ کسی که در قلبش به
اندازه ذره ای کبر و خود بزرگ بینی باشد به بهشت وارد نمی شود. (الکافی (ط-اسلامی) ج ۲
ص ۳۱۰)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا مِنْ أَحَدٍ يَتَبَهُ إِلَّا مِنْ ذَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ؛ هیچ کس نیست که تکبر
ورزد، مگر بر اثر خواری و حقارتی است که در خود می بیند. (الکافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۱۲)
قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لَذَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ؛ هیچ مردی نیست که
تکبر بورزد یا خود را بزرگ بشمارد مگر بخاطر ذلتی که در نفس خود می یابد. (وسائل الشیعه ج ۱۵
ص ۳۸۰)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَئِينَ مُؤَكَّلِينَ بِالْعِبَادِ، فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ
وَضَعَاهُ؛ در آسمان دو فرشته بر بندگان گماشته شده اند پس هر کس برای خدا تواضع کند، او را بالا
برند و هر کس تکبر ورزد او را پست گردانند. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۱۲۲)
قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ ذَهَبَ يَرَى أَنَّ لَهُ عَلَى الْآخِرِ فَضْلًا فَهُوَ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ، (قَالَ حَفْصُ بْنُ
غِيَاثٍ): فَقُلْتُ لَهُ إِنَّمَا يَرَى أَنَّ لَهُ عَلَيْهِ فَضْلًا بِالْعَاقِبَةِ إِذَا رَأَى مُرْتَكِبًا لِلْمَعَاصِي، فَقَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ!
فَلَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ قَدْ غَفَرَ لَهُ مَا أَتَى وَ أَنْتَ مُوقِفٌ مُحَاسِبٌ أَمَا تَلَوْتَ قِصَّةَ سَحْرَةِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛
هر کس خودش را بهتر از دیگران بداند، او از متکبران است. حفص بن غیاث می گوید: عرض کردم:
اگر گنهکاری را ببیند و به سبب بی گناهی و پاکدامنی خود، خویشان را از او بهتر بداند چه؟
فرمودند: هرگز هرگز! چه بسا که او آمرزیده شود اما تو را برای حسابرسی نگه دارند، مگر داستان
جادوگران و موسی علیه السلام را نخوانده ای؟ (الکافی (ط-الاسلامیه)، ج ۸، ص ۱۲۸)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سِتَّةٌ لَا تَكُونُ فِي الْمُؤْمِنِ: الْعُسْرُ وَالنَّكَةُ وَالْحَسَدُ وَاللَّجَاجَةُ وَالْكَذِبُ وَالْبَغْيُ؛
شش (صفت) در مؤمن نیست: سخت گیری، بی خیری، حسادت، لجاجت، دروغگویی و تجاوز. (تحف
العقول، ص ۳۷۷-وسائل الشیعه ج ۱۵، ص ۳۴۹)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى لَا تَفْرَحَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ وَلَا تَدْعُ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ وَإِنَّ تَرْكَ ذِكْرِي يُفْسِي الْقُلُوبَ؛ خدای عزوجل به موسی علیه السلام وحی کرد: ای موسی! به زیادی ثروت شاد مشو و در هیچ حالی مرا فراموش مکن، زیرا با زیادی ثروت گناهان فراموش می‌شود و از یاد بردن من قساوت قلب می‌آورد. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۴۹۷)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبِي اللَّهِ أَنْ يُعْرِفَ بَاطِلًا حَقًّا أَبِي اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ الْحَقَّ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ بَاطِلًا لَا شَكَّ فِيهِ وَ أَبِي اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ الْبَاطِلَ فِي قَلْبِ الْكَافِرِ الْمُخَالِفِ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهِ وَ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ هَذَا هَكَذَا مَا عُرِفَ حَقٌّ مِنْ بَاطِلٍ؛ خداوند ایا دارد از این که باطلی را حق معرفی نماید، خداوند ایا دارد از این که حق را در دل مؤمن، باطلی تردیدناپذیر جلوه دهد، خداوند ایا دارد از این که باطل را در دل کافر حق ستیز به صورت حقی تردیدناپذیر جلوه دهد، اگر چنین نمی‌کرد، حق از باطل شناخته نمی‌شد. (محاسن، ج ۱، ص ۲۷۷)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْتَيِقِنُ الْقَلْبُ أَنَّ الْحَقَّ بَاطِلٌ أَبَدًا وَ لَا يَسْتَيِقِنُ أَنَّ الْبَاطِلَ حَقٌّ أَبَدًا؛ هرگز دل به باطل بودن حق و به حق بودن باطل یقین نمی‌کند. (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ مِنْ بَاطِلٍ يَقُومُ بِإِزَاءِ الْحَقِّ إِلَّا غَلَبَ الْحَقُّ الْبَاطِلَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ...»؛ هیچ باطلی نیست که در برابر حق بایستد مگر آن که حق بر باطل چیره می‌شود و این سخن خداوند است: «بلکه حق را بر سر باطل می‌زنیم که آن را در هم می‌کوبد...». (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۲۴۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَنْ تَبْقَى الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يَعْرِفُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ؛ هرگز زمین باقی نمی‌ماند مگر آن که در آن دانشمندی وجود دارد که حق را از باطل می‌شناسد. (محاسن ج ۱، ص ۲۳۴)

قال الراوى، قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَطْعِمُ سَائِلًا لَا أَعْرِفُهُ مُسْلِمًا؟ فَقَالَ: نَعَمْ أَعْطِ مَنْ لَا تَعْرِفُهُ بِوَلَايَةٍ وَ لَا عِدَاوَةٍ لِلْحَقِّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» وَ لَا تُطْعِمُ مَنْ نَصَبَ لِسِيٍّ مِنْ الْحَقِّ أَوْ دَعَا إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ؛ آیا به فقیری که نمی‌دانم مسلمان است غذا بدهم؟ حضرت فرمود: آری، به کسی که نمی‌دانی دوست است یا دشمن حق، غذا بده؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «با مردم به نیکی سخن بگویند» ولی به کسی که با حق دشمنی می‌کند و یا به باطلی دعوت می‌کند غذا مده. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۴، ص ۱۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَأْخُذْ عَلَى الْجُهَالِ عَهْدًا بِطَلَبِ الْعِلْمِ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ عَهْدًا بِبَدْلِ الْعِلْمِ لِلْجُهَالِ، لِأَنَّ الْعِلْمَ كَانَ قَبْلَ الْجَهْلِ؛ خداوند از نادانان پیمان نگرفته که دانش بیاموزند، تا

آنکه از عالمان پیمان گرفته که به نادانان بیاموزند، زیرا دانش، پیش از نادانی بود. (کافی ط - الاسلامیه) ج ۱، ص ۴۱

قال الصادق علیه السلام: لا تُشاورَ أَحْمَقَ وَ لا تَسْتَعِزَّ بِكَذَّابٍ وَ لا تَتَّقِ بِمَوَدَّةِ مُلُوكٍ؛ با احمق مشورت نکن و از دروغگو یاری مجو و به دوستی زمامداران اعتماد مکن. (بحار الانوار ط - بیروت) ج ۷۵، ص ۲۳۰

قال الصادق علیه السلام: إِنَّ مِمَّا يُزَيِّنُ الْإِسْلَامَ الْإِخْلَاقُ الْحَسَنَةُ فِيمَا بَيْنَ النَّاسِ؛ خوش اخلاقی در بین مردم زینت اسلام است. (مشکات الانوار فی غرر الاخبار ص ۲۴۰)

قال الصادق علیه السلام: إِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ. از (عوامل) نابودی اسلام و مسلمانان این است که اموال در دست کسانی باشد که حق و حقوق آن را نشناخته و با آن کار خیر انجام ندهند. (کافی ط - الاسلامیه) ج ۴، ص ۲۵

قال الصادق علیه السلام: أَبْصَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَجُلًا شَعْرُ رَأْسِهِ وَ سَخَةٌ ثِيَابُهُ، سَيِّئَةٌ حَالُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مِنَ الدِّينِ الْمُتَمَتَّةُ وَ إِظْهَارُ النِّعْمَةِ؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردی را دیدند که موهای ژولیده و جامه‌ای چرکین و سر و وضع نامرتبی داشت، فرمودند: بهره بردن از نعمت‌های خدا و آشکار ساختن نعمت جزء دین است. (کافی ط - الاسلامیه) ج ۶، ص ۴۳۹

قال الصادق علیه السلام: إِنَّ صَاحِبَ الدِّينِ فَكَّرَ فَعَلَّتُهُ السَّكِينَةُ وَ اسْتَكَانَ فَتَوَاضَعَ وَ قَنَعَ فَاسْتَغْنَى وَ رَضِيَ بِمَا أُعْطِيَ وَ انْفَرَدَ فَكَفَى الْأَخْوَانَ وَ رَفَضَ الشَّهَوَاتِ فَصَارَ حُرًّا وَ خَلَعَ الدُّنْيَا فَتَحَامَى الشُّرُورَ وَ اطَّرَحَ الْحَسَدَ فَظَهَرَتِ الْمَحَبَّةُ وَ لَمْ يُخَفِ النَّاسَ فَلَمْ يَخَفْهُمْ وَ لَمْ يُذْنِبْ إِلَيْهِمْ فَسَلِمَ مِنْهُمْ وَ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ فَفَازَ وَ اسْتَكْمَلَ الْفَضْلَ وَ أَبْصَرَ الْعَافِيَةَ فَأَمِنَ الدَّامَةَ؛ آدم دین دار چون می‌اندیشد، آرامش بر جان او حاکم است. چون خضوع می‌کند متواضع است. چون قناعت می‌کند، بی‌نیاز است. به آنچه داده شده خشنود است. چون تنهایی را برگزیده از دوستان بی‌نیاز است. چون هوا و هوس را رها کرده آزاد است. چون دنیا را فرو گذارده از بدی‌ها و گزندهای آن در امان است. چون حسادت را دور افکنده محبتش آشکار است. مردم را نمی‌ترساند پس از آنان نمی‌هراسد و به آنان تجاوز نمی‌کند پس از گزندشان در امان است. به هیچ چیز دل نمی‌بندد پس به رستگاری و کمال فضیلت دست می‌یابد و عافیت را به دیده بصیرت می‌نگرد پس کارش به پشیمانی نمی‌گردد. (امالی مفید، ص ۵۲)

قال الصادق علیه السلام: آفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَ الْعُجْبُ وَ الْفَخْرُ؛ آفت دینداری حسد و خودبینی و فخر فروشی است. (کافی ط - الاسلامیه) ج ۲، ص ۳۰۷

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَتَاهُمُ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ إِنَّمَاثُ الْإِيمَانِ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنِمَاثُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ ؛ هرگاه مؤمن به برادر [دینی] خود تهمت بزند، ایمان در قلب او از میان می رود، همچنان که نمک در آب، ذوب می شود. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۶۱)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤَثِّرَ الْحَقُّ وَ إِنْ ضَرَكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَ إِنْ نَفَعَكَ وَ أَنْ لَا يَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمَكَ؛ از حقیقت ایمان این است که حق را بر باطل مقدم داری، هر چند حق به ضرر تو و باطل به نفع تو باشد و نیز از حقیقت ایمان آن است که گفتار تو از دانشت بیشتر نباشد. (محاسن، ج ۱، ص ۲۰۵)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ : السَّخَاءُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ، وَهُوَ عِمَادُ الْإِيمَانِ، وَلَا يَكُونُ مُؤْمِنٌ إِلَّا سَخِيًّا، وَلَا يَكُونُ سَخِيًّا إِلَّا ذُو يَقِينٍ وَهَيْمَةٍ عَالِيَةٍ ؛ لِأَنَّ السَّخَاءَ شُعَاعُ نَوْرِ الْيَقِينِ، وَمَنْ عَرَفَ مَا قَصَدَ هَانَ عَلَيْهِ مَا بَدَلَ؛ سخاوت از اخلاق پیامبران و ستون ایمان است . هیچ مؤمنی نیست مگر آن که بخشنده است و تنها آن کس بخشنده است که از یقین و همت والا برخوردار باشد ؛ زیرا که بخشنده‌گی پرتو نور یقین است . هر کس هدف را بشناسد بخشش بر او آسان شود. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۱۷ - بحار الأنوار (ط- بیروت)، ج ۶۸، ص ۳۵۵)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ خَرَجَ رُوحُ الْإِيمَانِ مِنْهُ؛ هر کس يك روز ماه رمضان را (بدون عذر)، بخورد - روح ایمان از او جدا می شود. (وسائل الشیعه ج ۱۰، ص ۲۴۶ - من لا یحضره الفقیه ج ۲، ص ۱۱۸)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَثْقَلُ مَا يَوْضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ. سنگین ترین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال قرار داده می شود صلوات بر محمد و اهل بیت اوست. (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۹۷)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُؤْمِنُ لَا يُخْلَقُ عَلَى الْكُذْبِ وَلَا عَلَى الْخِيَانَةِ وَ خِصْلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي الْمُنَافِقِ، سَمْتُ حَسَنٌ وَ فِقْهُ فِي السُّنَّةِ؛ مؤمن در سرشتش دروغ و خیانت نیست و دو صفت است که در منافق جمع نگردد: سیرت نیکو و دین شناسی. (تحف العقول، ص ۳۶۷)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْكُنُ الظَّمَانُ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ؛ به راستی که مؤمن با برادر مؤمنش آرامش پیدا می کند، چنان که تشنه، با آب خنک آرامش می یابد. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۲۴۷)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَقُوضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)؟ فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ لِأَنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ؛ خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده اما این اختیار را به او نداده است که ذلیل باشد. مگر نشنیده ای

که خدای تعالی می فرماید: «عزت از آن خدا و رسولش و مؤمنین است»؟ پس، مؤمن عزیز است و ذلیل نیست. [در ادامه] فرمودند: مؤمن از کوه محکم تر است، زیرا از کوه با ضربات تیشه کم می شود اما با هیچ وسیله ای از دین مؤمن نمی توان کاست. (التهدیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۹)

قال الصادق علیه السلام: سِتَّةٌ لَا تَكُونُ فِي الْمُؤْمِنِ: الْعُسْرُ وَالنَّكَةُ وَالْحَسَدُ وَاللَّجَاجَةُ وَالْكَذِبُ وَالْبَغْيُ؛ شش (صفت) در مؤمن نیست: سخت گیری، بی خیری، حسادت، لجاجت، دروغگویی و تجاوز.

(وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۹ - تحف العقول، ص ۳۷۷)

قال الصادق علیه السلام: مَنْ أَحْصَى عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ عَيْبًا لِيَعْيِبَهُ بِهِ يَوْمًا مَا كَانَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ هر کس درصدد عیب جویی برادر مؤمنش برآید، تا با آن روزی او را سرزنش کند، مشمول این آیه است: کسانی که دوست دارند، زشتی ها در میان مردم با ایمان شیوع پیدا کند، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت خواهد بود و خداوند می داند و شما نمی دانید. (مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۱۰، ح ۱۰۳۷۹)

قال الصادق علیه السلام: الْمُؤْمِنُ إِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقِّ وَإِذَا رَضِيَ لَمْ يَدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ وَالَّذِي إِذَا قَدَّرَ لَمْ يَأْخُذْ أَكْثَرَ مِمَّا لَهُ؛ مؤمن چون خشمگین شود، خشمش او را از حق بیرون نبرد و چون خشنود شود، خشنودیش او را به باطل نکشاند و چون قدرت یابد بیش از حق خود نگیرد. (اعلام الدین فی صفات المومنین، ص ۳۰۳ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ص ۲۰۹، ح ۸۵)

قال الصادق علیه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا): أَيْ لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ مُؤْمِنِهِمْ وَمُخَالَفِهِمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسْبُطُ لَهُمْ وَجْهَهُ، وَأَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكْلُمُهُمُ بِالْمُدَارَاةِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ، فَإِنَّهُ بِأَيْسَرٍ مِنْ ذَلِكَ يَكْفُ شُرُورَهُمْ عَنْ نَفْسِهِ، وَعَنْ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ درباره آیه (و با مردم سخن نیکو گوید) فرمود: مقصود همه مردمان اعم از مؤمن و کافر است. اما با مؤمنان باید گشاده رو بود و اما با کافران باید به نرمی و مدارا سخن گفت، تا به سوی ایمان کشیده شوند و کمترین ثمرش این است که خود و برادران مؤمنش را از گزند آنان مصون می دارد. (مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۹، ص ۵ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۲، ص ۴۰۱، ح ۴۲)

قال الصادق علیه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ إِيْمَانِهِ أَنْسًا يَسْكُنُ إِلَيْهِ، حَتَّىٰ لَوْ كَانَ عَلَى قُلَّةٍ جَبَلٍ لَمْ يَسْتَوْحِشْ؛ هیچ مؤمنی نیست مگر آن که خداوند ایمان را همدم و آرامش بخش او قرار می دهد، چنانچه حتی اگر در قله کوهی هم باشد، احساس تنهایی نمی کند. (اعلام الدین فی صفات المومنین، ص ۴۶۰)

قال الصادق علیه السلام: مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مَسْكِينًا أَوْ غَيْرَ مَسْكِينٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاقِرًا لَهُ مَا قَاتَا حَتَّىٰ يَرْجِعَ عَنْ مَحَقَّرَتِهِ إِيَّاهُ. هر کس مومن بینوا یا غیر بینوا را تحقیر نماید، خدای عزوجل، پیوسته

او را خوار و دشمن می دارد تا اینکه از کوچک شمردن دست بردارد. (اصول کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۵۱)

قال الصادق عليه السلام: يَقُولُ إبليسُ لِحُنُودِهِ: أَلْقُوا بَيْنَهُمُ الحَسَدَ وَالبَغْيَ، فَإِنَّهُمَا يَعْدِلَانِ عِنْدَ اللَّهِ الشُّرَكَ؛ شيطان به سپاهیانش می گوید: میان مردم حسد و تجاوزگری بیاندازید چون این دو، نزد خدا برابر با شرک است. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۲۷)

قال الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ يَحْسُدَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً فَإِنَّ الكُفْرَ أَصلُهُ الحَسَدُ؛ از حسد ورزی به یکدیگر برهیزید، زیرا ریشه کفر، حسد است. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۸، ص ۸ - تحف العقول، ص ۳۱۵)

قال الصادق عليه السلام: أصولُ الكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الحِرْصُ وَ الإِسْتِكْبَارُ وَ الحَسَدُ؛ ریشه های کفر سه چیز است: حرص و بزرگ منشی نمودن و حسد ورزیدن. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۲۸۹)

قال الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَا يُخْلَقُ عَلَى الكِذْبِ وَ لَا عَلَى الخِيَانَةِ وَ خِصْلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي المُنَافِقِ، سَمَتْ حَسَنٌ وَ فِقَهُ فِي السُّنَّةِ؛ مؤمن در سرشتش دروغ و خیانت نیست و دو صفت است که در منافق جمع نگردد: سیرت نیکو و دین شناسی. (تحف العقول، ص ۳۶۷)

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغِيبُ وَ لَا يَحْسُدُ وَ المُنَافِقُ يَحْسُدُ وَ لَا يَغِيبُ؛ مؤمن غبطه می خورد و دوحسادت نمی ورزد، منافق حسادت می ورزد و غبطه نمی خورد. (غبطه آن است که آرزو کنی آنچه دیگری دارد، داشته باشی بدون اینکه آرزوی نابودی نعمت دیگری را داشته باشی و حسد آن است که بخواهی نعمتی را که دیگری دارد، نداشته باشد). (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۷)

قال الصادق عليه السلام: صَاحِبُ النَّيَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ، لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ المَحْذُورَاتِ بِتَخْلِيصِ النَّيَّةِ لِلَّهِ فِي المَوَاقِفِ كُلِّهَا؛ کسی که نیت درست داشته باشد، دل سالم و پاک دارد، زیرا سالم داشتن دل از وسوسه های شیطانی به سبب خالص گردانیدن نیت در همه کارها برای خداوند است. (مصباح الشریعه، ص ۵۳)

قال الصادق عليه السلام: كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ، لِيَزُوا مِنْكُمُ الزَّوْرَ وَ الْجِتْهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الخَيْرَ، فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ مردم را به غیر از زبان خود، دعوت کنید، تا پرهیزکاری و کوشش در عبادت و نماز و خوبی را از شما ببینند، زیرا اینها خود دعوت کننده است. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱۴)

قال الصادق عليه السلام: مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. در روز جمعه هیچ عملی برتر از صلوات بر محمد و خاندان او (ع) نیست. (الخصال ص ۳۹۴)

قال الصادق عليه السلام: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَهُ، وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ حَثَّهُ الخَوْفُ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَ الْأَخْذِ بِتَأْدِيبِهِ، فَبَشِّرِ الْمُطِيعِينَ الْمُتَأَدِّبِينَ بِأَدَبِ اللَّهِ وَ الْآخِذِينَ عَنِ اللَّهِ أَنَّهُ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُنْجِيَهُ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ؛ آن که خدا را شناخت، از او ترسید و آن کس که از خدا ترسید، ترس از خدا او را

به عمل به فرمان او و در پیش گرفتن ادبش واداشت . پس فرمان بردارانِ ادب شده به ادب خدا و اطاعت کنندگان دستورهای او را بشارت ده که بر خداست که آنها را از فتنه های گمراه کننده برهاند. (بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۶۷، ص ۴۰۰)

قال الصادق عليه السلام : إعرفوا منازل الناس منّا على قدرِ روايتهم عنّا. (منزلت مردم را در نزد ما، از اندازه روايتشان از ما بشناسيد. (اصول الستة عشر (ط-دارالحدیث) ص ۵ - بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۲، ص ۱۵۰)

قال الصادق عليه السلام : ذكر الموت يُميتُ الشهواتِ في النفس ، و يَقْلَعُ مَنَابِتَ الغفلة ، و يَقْوِي القلبَ بمواعيدِ الله ، و يَرْقُ الطَّبَع ، و يَكْسِرُ أَعْلَامَ الهوى و يُطْفِئُ نَارَ الحِرصِ ، و يُحَقِّقُ الدُّنْيَا؛ ياد مرگ، خواهش های نفس را می میراند و رویشگاه های غفلت را ریشه کن می کند و دل را با وعده های خدا نیرو می بخشد و طبع را نازک می سازد و پرچم های هوس را درهم می شکند و آتش حرص را خاموش می سازد و دنیا را در نظر کوچک می کند. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۶، ص ۱۳۳، ح ۳۲ - {شبيهه این حدیث در مصباح الشریعه ص ۱۷۱})

قال الصادق عليه السلام : مَثَلُ الحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُوْدَةٍ الْفَرَّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْفَرِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفًّا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا. حکایت انسان حریص به دنیا حکایت کرم ابریشم است، که هر چه بیشتر بر خود می تند، بیرون آمدنش از پیله بعیدتر می شود تا اینکه از غم و اندوه می میرد. (کافی (ط-الاسلاميه) ج ۲، ص ۳۱۶)

قال الصادق عليه السلام : الْخَيْرُ كُلُّهُ أَمَامَكَ وَ إِنَّ الشَّرَّ كُلَّهُ أَمَامَكَ وَ لَنْ تَرَى الْخَيْرَ وَ الشَّرَّ إِلَّا بَعْدَ الْآخِرَةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي الْجَنَّةِ وَ الشَّرَّ كُلَّهُ فِي النَّارِ؛ همه خوبی ها و بدی ها در مقابل توست و هرگز خوبی و بدی واقعی را جز در آخرت نمی بینی، زیرا خداوند همه خوبی ها را در بهشت و همه بدی ها را در جهنم قرار داده است. (تحف العقول، ص ۳۰۶)

قال الصادق عليه السلام : إِنَّ أُجْلَتَ فِي عُمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِادِّبِكَ لِتَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى يَوْمِ مَوْتِكَ. فَقِيلَ لَهُ : وَ مَا تِلْكَ الْإِسْتِعَانَةُ؟ قَالَ : تُحَسِّنُ تَدْبِيرَ مَا تُخْلَفُ وَ تُحَكِّمُهُ؛ اگر در عُمرت دو روز مهلت داده شدی ، يك روز آن را برای ادب خود قرار ده تا از آن برای روز مُردنت كمك بگیری. به امام گفته شد : این كمك گرفتن چگونه است؟ فرمودند : به این كه آنچه را از خود برجا می گذاری ، خوب برنامه ریزی كنی و محكم كاری نمایی. (وسائل الشیعه ج ۱۹، ص ۲۶۶ - کافی (ط-الاسلاميه) ج ۸، ص ۱۵۰)

قال الصادق عليه السلام : صَلَةُ الرَّحِمِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُثْمِي الْأَمْوَالَ وَ تُبْسِرُ الْجَسَابَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوْى وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ. صلّه رحم، اعمال را پاکیزه، اموال را بسیار، حساب (قیامت) را آسان می کند و بلا را برطرف و و روزی را زیاد می کند. (کافی (ط-الاسلاميه) ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۳۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَّةُ الرَّحِمِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكَفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنَسِّي فِي الْإِجْلِ؛ صلّه رحم، انسان را خوش اخلاق، با سخاوت و پاکیزه جان می نماید و روزی را زیاد می کند و مرگ را به تأخیر می اندازد. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۶)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَعْيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْيشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ وَ يَمُوتُونَ بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَمُوتُونَ بِأَجَالِهِمْ؛ مردم، بیشتر از آن که با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خود زندگی می کنند و بیشتر از آن که با اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خود می میرند. (دعوات (راوندی) ص ۲۹۱، ح ۳۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَدَعِ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُرْ أَصْحَابَكَ بِذَلِكَ، يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ وَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ وَ يُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيدًا وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيدًا وَ يَكْتُبُكَ سَعِيدًا؛ زیارت امام حسین علیه السلام را رها نکن و دوستان خود را هم به آن سفارش کن، که در این صورت، خداوند عمرت را طولانی و روزی ات را زیاد می کند و زندگی ات را همراه با سعادت می کند و جز سعادت مند نمی میری و نام تو را در شمار سعادتمندان، ثبت می کند. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۹۸، ص ۴۷)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ إِنْسَانٍ يَطْعَنُ فِي عَيْنِ مُؤْمِنٍ إِلَّا مَاتَ بِشَرِّ مِيتَةٍ وَ كَانَ قِمْنًا أَنْ لَا يَرْجِعَ إِلَى خَيْرٍ. هر که پیش روی مومنی به او طعنه زند مرگ بدی در انتظار او بوده و سزاوار است روی خیر و سعادت را نبیند. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۳۶۱)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ؛ پشیمان ترین شخص در روز قیامت، کسی است که برای مردم از عدالت سخن بگوید، اما خودش به دیگران عدالت روا ندارد. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۹۵ - کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۳۰۰)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَإِذَا رُدَّتْ، رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ. اولین محاسبه انسان در پیشگاه خداوند پیرامون نماز است، پس اگر نمازش قبول شود بقیه عبادات و اعمالش نیز پذیرفته می گردد وگرنه مردود خواهد شد. (وسائل الشیعه: ج ۴ ص ۳۴ ح ۴۴۴۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزُّنَا كَثُرَتِ الزَّلَازِلُ، وَ إِذَا أُمْسِكَتِ الرِّكَاءُ هَلَكَتِ الْمَاشِيَّةُ، وَ إِذَا جَارَ الْحُكَّامُ فِي الْقَضَاءِ أُمْسِكَ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ إِذَا ظَفَرَتِ الذَّمَّةُ نُصِرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. هنگامی که چهار چیز در جامعه شایع و رایج گردد چهار نوع بلا و گرفتاری پدید آید: چنانچه زنا رایج گردد زلزله و مرگ ناگهانی فراوان شود، چنانچه زکات و خمس اموال پرداخت نشود حیوانات اهلی نابود شود. اگر حاکمان جامعه و قضات ستم و بی عدالتی نمایند باران رحمت خداوند نمی بارد. و اگر اهل ذمه تقویت شوند مشرکین بر مسلمین پیروز آیند. (وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۱۳)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَابَ إِخَاهُ بِعَيْبٍ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. هرکس برادر ایمانی خود را برچسبی بزند و او را متهم کند از اهل آتش خواهد بود. (اختصاص: ص ۲۴۰، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۲۶۰، ح ۵۸)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّمْتُ كَنْزٌ وَافٍ، وَ زَيْنُ الْجِلْمِ، وَ سَتْرُ الْجَاهِلِ. سکوت همانند گنجی پربهاء، زینت بخش حلم و بردباری است؛ و نیز سکوت، سرپوشی بر آبروی شخص نادان و جاهل می باشد. (مستدرک الوسائل: ج ۹ ص ۱۶ ح ۴)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِصْحَابُ مَنْ تَزَيَّنَ بِهِ، وَلَا تَصْحَبُ مَنْ يَتَزَيَّنُ لَكَ. با کسی دوستی و رفت و آمد کن که موجب عزت و سربلندی تو باشد، و با کسی که می خواهد از تو بهره ببرد و خودنمایی می کند همدم مباش. (وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۴۱۲)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَالُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ: الْفِقْهُ فِي دِينِهِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَ التَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ. شخصیت و کمال مؤمن در سه خصلت است: آشنا بودن به مسائل و احکام دین، صبر در مقابل شداید و ناملایمات، زندگی او همراه با حساب و کتاب و برنامه ریزی دقیق باشد. (امالی طوسی: ج ۲ ص ۲۷۹)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِإِثْبَانِ الْمَسَاجِدِ، فَإِنَّهَا بَيُّوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَ مَنْ أَعْتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ، وَ كَتَبَ مِنْ زُورِهِ. بر شما باد به دخول در مساجد، چون که آن ها خانه خداوند بر روی زمین است؛ و هر کسی که با طهارت وارد آن شود خداوند متعال او را از گناهان تطهیر می نماید و در زمره زیارت کنندگانش محسوب می شوند. (وسائل الشیعه: ج ۱ ص ۳۸۰ ح ۲)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: ((بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ)) يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، أَعْوَنُهَا الْجَذَامُ وَالْبَرَصُ. هر کسی بعد از نماز صبح پیش از آن که سخنی مطرح کند، هفت مرتبه بگوید: ((بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ)) خداوند متعال هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که ساده ترین آن ها مرض پیری و جذام باشد. (امالی طوسی: ج ۲ ص ۳۴۳)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَوَضَّأَ وَ تَمَنَّدَلْ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ، وَ مَنْ تَوَضَّأَ وَلَمْ يَتَمَنَّدَلْ حَتَّى يَجِفَّ وَضُوئُهُ، كُتِبَ لَهُ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً. هرکس وضو بگیرد و با حوله خشک نماید یک حسنه دارد و چنانچه خشک نکند سی حسنه خواهد داشت. (وسائل الشیعه: ج ۱ ص ۴۷۴ ح ۵)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا فُطَاوُكَ فِي مَنْزِلِ إِخِيكَ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ سَبْعِينَ ضِعْفًا. اگر افطاری روزه ات را در منزل برادر - مؤمنت -، انجام بدهی ثوابش هفتاد برابر اصل روزه است. (من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۱ ح ۱۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَفْطَرَ الرَّجُلُ عَلَى الْمَاءِ الْفَاتِرِ نَقَى كَبِدَهُ، وَغَسَلَ الذُّنُوبَ مِنَ الْقَلْبِ، وَ قَوَّى الْبَصَرَ وَالْحَدَقَ. چنانچه انسان روزه خود را با آب جوش افطار نماید کبدش پاک و سالم باقی می ماند، و قلبش از کدورتها تمیز و نور چشمش قوی و روشن میگردد. (وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۱۵۷ ح ۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمَصْحَفِ مُتَّعٍ بِبَصَرِهِ، وَ حُقِفَ عَلَى الْوَلَدِيهِ وَ إِنْ كَانَ كَافِرِينَ. هر که قرآن شریف را از روی آن قرائت نماید بر روشنائی چشمش افزوده گردد؛ و نیز گناهان پدر و مادرش سبک شود گرچه کافر باشند. (وسائل الشیعه: ج ۶ ص ۲۰۴ ح ۱)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَاحِدَةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ وَ ثَلَاثَ التَّوْرَةِ وَ ثَلَاثَ الْأَنْجِيلِ وَ ثَلَاثَ الزَّبُورِ. هر که یک مرتبه سوره توحید را تلاوت نماید، همانند کسی است که یک سوّم قرآن و تورات و انجیل و زبور را خوانده باشد. (وسائل الشیعه: ج ۶ ص ۲۲۵ ح ۱۰)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ لِكُلِّ ثَمَرَةٍ سَمًا، فَإِذَا أَتَيْتُمْ بِهَا فَأَمْسُوهُ الْمَاءِ، وَأَغْمِسُوهَا فِي الْمَاءِ. هر نوع میوه و ثمره ای، مسموم و آغشته به میکرب ها است؛ هر گاه خواستید از آن ها استفاده کنید با آب بشوئید. (وسائل الشیعه: ج ۲۵ ص ۱۴۷ ح ۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِالشَّلْجِمِ، فَكُلُّوهُ وَادِيمُوا أَكُلَّهُ، وَ اكْتُمُوهُ إِنْ لَاعَنَ أَهْلُهُ، فَمَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِزٌّ مِنَ الْجَذَامِ، فَأَذِيبُوهُ بِأَكُلِهِ. شلغم را اهمیّت دهید و مرتّب آن را میل نمائید و آن را به مخالفین معرفی نکنید، شلغم رگ جذام را قطع و نابود میسازد. (وسائل الشیعه: ج ۲۵ ص ۲۰۸ ح ۴)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْوُتْرِ، وَ بَعْدَ الْفَجْرِ، وَ بَعْدَ الظُّهْرِ، وَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ. در چهار وقت دعا مستجاب خواهد شد: هنگام نماز وتر، بعد از نماز صبح، بعد از نماز ظهر، بعد از نماز مغرب. (جامع احادیث الشیعه: ج ۵ ص ۳۵۸ ح ۱۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ دَعَا لِعَشْرَةٍ مِنْ إِخْوَانِهِ الْمَوْتَى لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ. هر کس که در شب جمعه برای ده نفر از دوستان مؤمن خود که از دنیا رفته اند دعا و طلب مغفرت نماید، از اهل بهشت قرار خواهد گرفت. (جامع احادیث الشیعه: ج ۶ ص ۱۷۸ ح ۷۸)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِسْطُ الرِّئَاسِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، وَ مِسْطُ اللَّحْيَةِ يُشَدِّدُ الْأُضْرَاسَ. شانه کردن موی سر موجب نابودی وبا و مانع ریزش مو می گردد، و شانه کردن ریش و محاسن ریشه دندان ها را محکم می نماید. (وسائل الشیعه: ج ۲ ص ۱۲۴ ح ۱)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا مَاتَ مُؤْمِنٌ سَأَلَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ حَاجَةً وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَارْدَدَهُ عَنْهَا، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعًا فِي قَبْرِهِ، يَنْهَشُ مِنْ أَصَابِعِهِ. چنانچه مؤمنی از برادر ایمانیش حاجتی را طلب کند و او بتواند خواسته اش را برآورد و انجام ندهد، خداوند در قبرش یک افعی بر او مسلط گرداند که هر لحظه او را آزاررساند. (اعمالی طوسی: ج ۲، ص ۲۷۸، س ۹، وسائل الشیعه: ج ۱۶، ص ۳۶۰، ح ۱۰)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلَدٌ وَاحِدٌ يَقْدِمُهُ الرَّجُلُ، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ يَبْقُونَ بَعْدَهُ، شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ مَعَ الْقَائِمِ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ). اگر انسانی یکی از فرزندان را پیش از خود به عالم آخرت بفرستد بهتر از آن است که چندین فرزند به جای گذارد و در رکاب امام زمان علیه السلام با

دشمن مبارزه کنند. (بحارالانوار: ج ۷۹ ص ۱۱۶ ح ۷ و ح ۸، و ص ۱۲۳ ح ۱۶)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ شَيْءٌ فَقَالَ لَمْ أَقُلْهُ فَأَقْبِلْ مِنْهُ، فَإِنَّ ذَلِكَ تَوْبَةٌ لَهُ. وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ شَيْءٌ وَ شَهِدَ اءُزْبَعُونَ اءَنَّهُمْ سَمِعُوهُ مِنْهُ فَقَالَ: لَمْ أَقُلْهُ، فَأَقْبِلْ مِنْهُ. چنانچه شنیدی که برادرت یا دوست چیزی بر علیه تو گفته است و او تکذیب کرد قبول کن. همچنین فرمود: اگر چیزی را از برادرت بر علیه خودت شنیدی و نیز چهل نفر شهادت دادند، ولی او تکذیب کرد و گفت: من نگفته ام، حرف او را بپذیر. (مصادقة الاخوان: ص ۸۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكْمُلُ إِيمَانُ الْعَبْدِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يَحْسُنُ خُلُقَهُ، وَسَيِّئُ خِفِّ نَفْسِهِ، وَيُمْسِكُ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَيُخْرِجُ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ. ایمان انسان کامل نمی گردد مگر آن که چهار خصلت در او باشد: اخلاقش نیکو باشد، نفس خود را سبک شمارد، کنترل سخن داشته باشد، اضافی ثروتش حق الله، حق الناس را بپردازد. (امالی طوسی: ج ۱ ص ۱۲۵)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَايَا بِالْأَسْتِغْفَارِ. مریضان خود را به وسیله پرداخت صدقه مداوا و معالجه نمائید، و بلاها و مشکلات را با استغفار و توبه دفع کنید. (مستدرک الوسائل: ج ۷ ص ۱۶۳ ح ۱)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ، فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي إِدْبَارِ الصَّلَوَاتِ. خداوند متعال پنج نماز در بهترین اوقات را بر شما واجب گرداند، پس سعی کنید حوایج و خواسته های خود را پس از هر نماز با خداوند مطرح و درخواست کنید. (مستدرک الوسائل: ج ۶ ص ۴۳۱ ح ۶)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّوا مَا يَقَعُ مِنَ الْمَائِدَةِ فِي الْحَضَرِ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَلَا تَاءَكُلُوا مَا يَقَعُ مِنْهَا فِي الصَّحَارَى. هنگام خوردن غذا در منزل، آنچه که اطراف سفره و ظرف می ریزد جمع کنید و میل نمائید که در آن ها شفای دردهای درونی است، ولی چنانچه در بیابان سفره انداختید؛

اضافه های آن را رها کنید برای جانوران. (مستدرک الوسائل: ج ۱۶ ص ۲۸۸ ح ۱)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اءُزْبَعَةُ مِنْ اءَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ: الْبِرُّ، وَالسَّخَاءُ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَالْقِيَامُ بِحَقِّ الْمُؤْمِنِ. چهار چیز از اخلاق پسندیده پیغمبران الهی است: نیکویی، سخاوت، صبر و شکیبایی در مصائب و مشکلات، اجراء حق و عدالت بین مؤمنین. (اعیان الشیعة: ج ۱، ص ۶۷۲، بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۲۶۰، ذیل ح ۱۰۸)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِمْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ: عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافَظَتُهُمْ عَلَيْهَا، وَ عِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوِّنَا، وَ إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاةَتُهُمْ لِأَخْوَانِهِمْ فِيهَا. شِيعِيَانِ وَ دُوسْتَانِ مَا رَا دَر سِه مُورِد آزْمَايشِ نِمَائِيد: ۱ مَوَاقِعِ نِمَاز، چگونگی رعایت آن را می نمایند. ۲ اسرار یکدیگر را چگونه فاش و یا نگهداری می کنند. ۳ نسبت به اموال و ثروتشان چگونه به دیگران رسیدگی می کنند و حقوق خود را می پردازند. (وسائل الشیعة: ج ۴ ص ۱۱۲)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ، وَ إِذَا رَهَبَ، وَ إِذَا أَشْتَهَى، وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ، حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ. هَر كِه دَر چِهَار مَوَقِع، مَالِكِ نَفْسِ خُود بَاشَد: هِنْگَامِ رِفَاهِ وَ تَوْسِعَةِ زَنْدَگِی، هِنْگَامِ سَخْتِی وَ تَنَگِ دَسْتِی، هِنْگَامِ أَشْتِهَاءِ وَ آرزو و هِنْگَامِ خَشَمِ وَ غَضَبِ؛ خُداوند متعال بر جِسْمِ او، آتَشِ را حَرَامِ می گرداند. (وسائل الشیعة: ج ۱۵ ص ۱۶۲ ح ۸)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّهَارَ إِذَا جَاءَ قَالَ: يَا بَنَ آدَمَ، اءَعِجَلْ فِي يَوْمِكَ هَذَا خَيْرًا، اءَشْهَدْ لَكَ بِهِ عِنْدَ رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ فِيمَا مَضَى وَلَا أَتِيكَ فِيمَا بَقِيَ، فَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ. هِنْگَامِی كِه رُوزِ فَرَا رَسَدِ گُویَد: تَا می توانی در این رُوزِ از کارهای خیر انجام بده که من در قیامت در پیشگاه خداوند شهادت میدهم و بدان که من قبلاً در اختیار تو نبودم و در آینده نیز پیش تو باقی نخواهم ماند. هَمچنین هِنْگَامِی كِه شَبِ فَرَارَسَدِ چَنین زَبانِ حَالِی را خَوَاهَدِ داشْت. (وسائل الشیعة: ج ۱۶ ص ۹۳ ح ۲)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانِ خِصَالٍ: وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِرِ، صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ، شُكُورٌ عِنْدَ الرِّخَاءِ، قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ، لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ، وَلَا يَتَحَامَلُ لِلأَصْدِقَاءِ، بَذْنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. سَزَاوَارِ اسْتِ كِه هَر شَخْصِ مَوْ مِنْ دَر بَرْدَارِنْدِه هَشْتِ خِصْلَتِ بَاشَد:

هِنْگَامِ فِتْنِه هَا وَ أَشُوبِ هَا بَاوْقَارِ وَ آرام، هِنْگَامِ بِلَاها و آزْمَايشِ ها بَرْدَبَارِ وَ صَبُور، هِنْگَامِ رِفَاهِ وَ آسَايشِ شُكْرگَزَارِ، بِه أَنچِه خُداوند رُوزِيشِ گُردانْدِه قَانِعِ بَاشَد. دَشْمَنانِ وَ مَخَالَفانِ را مُورِدِ ظَلَمِ وَ اذِيتِ قَرَارِ نَدِهْد، بَر دُوسْتانِ بَرنامِه اِی را تَحْمِيلِ نَنماید، جِسْمِشِ خِستِه؛ و لی دِیْگَرانِ از او رَاحَتِ و از هَر جِهتِ دَرآسَايشِ بَاشِنْد. (اصول کافی: ج ۲، ص ۴۷، ح ۱، ص ۲۳۰، ح ۲، وَ نَزْهَةِ النَّاظِرِ حُلُوانِی: ص ۱۲۰، ح ۷۰)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَارِفًا بِحَقِّنَا عُتِقَ مِنَ النَّارِ وَ كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. هَر كِسِ كِه دَر رُوزِ جَمْعِه فُوتِ نَماید و از دُنیا بَرُود؛ وَ عَارِفِ بِه حَقِّ ما اهلِ بَیتِ عِصْمَتِ وَ طَهَارَتِ عَلَیْهِمِ السَّلَامِ بَاشَد، از آتَشِ سُوزانِ دُوزخِ آزادِ می گُردَد؛ وَ نِيزِ از عَذَابِ شَبِ اَوَّلِ قَبْرِ دَر اَمَانِ خَوَاهَدِ بُود. (مستدرک الوسائل: ج ۶ ص ۶۶ ح ۲۲)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ، إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ اءَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ. چِه بَسَا شَخْصِی بِه وَسِیلِه انْجَامِ گَنَاهی از نِمَازِ شَبِ مُحْرُومِ گُردَد،

همانا تاءثیر گناه در روان انسان سریع تر از تاءثیر چاقو در گوشت است . (اصول کافی : ج ۲ ص ۲۷۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَتَخَلَّلُوا بِعُودِ الرِّيحَانِ وَلَا يَقْضِبِ الرُّمَانِ ، فَإِنَّهُمَا يُهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجَذَامِ . به وسیله چوب ریحان و چوب انار، دندان های خود را خلال نکنید، برای این که تحریک کننده عوامل مرض جذام و پیسی می باشد . (اعمالی صدوق : ص ۳۲۱، بحارالانوار: ج ۶۶، ص ۴۳۷، ح ۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجَذَامِ وَالْبَرَصِ وَالْعَمَى ، وَإِنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحَكِّهَا حَكًّا . وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَعْخِذْ الشَّارِبَ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانًا مِنَ الْجَذَامِ . کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه موجب سلامتی از جذام و پیسی و ضعف بینائی چشم خواهد شد و اگر امکان کوتاه کردن آن نباشد سر آن ها را بتراش . و فرمود: کوتاه کردن سبیل در هر جمعه سبب ایمنی از مرض جذام می شود . (وسائل الشيعة : ج ۷ ص ۳۶۳ و ۳۵۶)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أُؤْتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَأَنْظُرْ مَا سَلَكْتَ فِي بَطْنِكَ ، وَ مَا كَسَبْتَ فِي يَوْمِكَ ، وَادْكُزْ أَعْنَكَ مَيِّتًا ، وَ أَعْنَ لَكَ مَعَادًا . در آن هنگامی که وارد رختخواب خود می شوی ، با خود بیندیش که در آن روز چه نوع خوراکی ها و آشامیدنی ها از چه راهی به دست آورده ای و میل نموده ای . و در آن روز چه چیزهائی را چگونه و از چه راهی کسب و تحصیل کرده ای . و در هر حال متوجه باش که مرگ تو را می رباید؛ و سپس در صحرای محشر جهت بررسی گفتار و کردارت حاضر خواهی شد . (دعوات راوندی ص ۱۲۳، ح ۳۰۲، بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۲۶۷، ح ۱۷)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِثْنَيْ عَشَرَ عَالَمًا ، كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ سَمَوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ ، مَا يَرَى عَالَمٌ مِنْهُمْ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَالَمًا غَيْرُهُمْ وَ أَنَا الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ . همانا خداوند متعال ، دوازده هزار جهان آفریده است که هر يك از آن ها نسبت به آسمان ها و زمین های هفت گانه بزرگ تر می باشد؛ و من و دیگر ائمه دوازده گانه از طرف خداوند بر همه آن ها حجت و راهنما هستیم . (خصال : ص ۶۳۹، ح ۱۴، بحارالانوار: ج ۲۷، ص ۴۱، ح ۱)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الرِّوْحُ وَ الرَّاحَةُ فِي الرِّضَا وَ الْيَقِينِ وَ الْهَمُّ وَ الْحَزَنُ فِي الشَّكِّ وَ السَّخَطِ ؛ خوشی و آسایش، در رضایت و یقین است و غم و اندوه در شک و نارضایتی . (مشكاة الأنوار، ص ۳۴)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حُرِمَ الْحَرِيصُ خَصْلَتَيْنِ وَ لَزِمَتْهُ خَصْلَتَانِ : حُرِمَ الْقَنَاعَةُ فَافْتَقَدَ الرَّاحَةَ وَ حُرِمَ الرِّضَا فَافْتَقَدَ الْيَقِينَ ؛ حریص از دو خصلت محروم شده و در نتیجه دو خصلت را با خود دارد: از قناعت محروم است و در نتیجه آسایش را از دست داده است، از راضی بودن محروم است و در نتیجه یقین را از دست داده است . (بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۶۱)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَمَلَ الْقَلِيلَ الدَّائِمَ عَلَى الْيَقِينِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ؛ عمل اندک و بادوام که بر پایه یقین باشد و در نزد خداوند از عمل زیاد که بدون یقین باشد برتر است. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا. هر که ما را پس از مردنمان زیارت کند گویا ما را هنگام زنده بودنمان زیارت کرده است. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۰، ص ۱۸۳ - بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۹۷، ص ۱۲۴)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. (وسائل الشیعه ج ۱۶، ص ۲۴۶ - کافی (ط-دارالحديث) ج ۶، ص ۱۲۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ؛ هرکس نماز را سبک بشمارد، بشفاعت ما دست نخواهد یافت. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۳، ص ۲۷۰)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اثْنَاثِي الْإِسْلَامَ ثَلَاثَةٌ: الصَّلَاةُ وَ الزَّكَاةُ وَ الْوَلَايَةُ، لَا تَصِحُّ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبَتِيهَا؛ سنگهای زیربنای اسلام سه چیز است: نماز، زکات و ولایت که هیچ یک از آنها بدون دیگری درست نمی شود. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۸)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ. يك حديث بفهمی بهتر است از آن که هزار حدیث [نفهمیده] نقل کنی. (معانی الاخبار ص ۲)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَدِيثٌ فِي حَلَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ. سخنی را درباره مسائل حلال و حرام و احکام دین خدا، از راست گوی مؤمنی دریافت کنی؛ بهتر و ارزشمندتر است از تمام دنیا و ثروت های آن. (الا مام الصادق علیه السلام: ص ۱۴۳)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَا يَجْلِسُ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَ هُوَ يُصَلِّي إِلَّا خَفَّفَ صَلَاتَهُ وَ أَقْبَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ: أَلَا لَكَ حَاجَةٌ؟ فَإِذَا فَرَغَ مِنْ حَاجَتِهِ عَادَ إِلَى صَلَاتِهِ؛ هرگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله نماز می خواندند و کسی نزد ایشان می نشست، ایشان نماز خود را کوتاه می کردند و به او رو می نمودند و می فرمودند: آیا خواسته ای داری؟ (مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (ابن شهر آشوب) ج ۱، ص ۱۴۷)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأَكْلُ عِنْدَ أَهْلِ الْمُصِيبَةِ مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ السُّنَّةُ الْبَغْتُ إِلَيْهِمْ بِالطَّعَامِ؛ غذا خوردن نزد مصیبت زدگان و با خرج آنان، از رفتارهای جاهلیت است و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله فرستادن غذا برای مصیبت زدگان است. (وسائل الشیعه ج ۳، ص ۲۳۷ - من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُدَاعِبُ وَ لَا يَقُولُ إِلَّا حَقًّا؛ رَسُولُ أَكْرَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَوْخِي مِی کردند ولی جز حَقَّ چیزِی نمی گفتند. (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۰۸)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَكْثَرَ مَا يَجْلِسُ تَجَاهَ الْقِبْلَةِ؛ پیامبر خدا هنگام نشستن، بیشتر رو به قبله می نشست. (وسایل الشیعه ج ۱۲، ص ۱۰۹، ح ۱۵۷۸۳ - کافی (ط - الاسلامیه) ج ۲، ص ۶۶۱)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با مردم به اندازه عقل خود سخن نگفتند و فرمودند: ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم. (کافی (ط - الاسلامیه) ج ۱، ص ۲۳)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَقْبَلْتَ دُنْيَا قَوْمٍ كُسُوا مَحَاسِنَ غَيْرِهِمْ، وَإِذَا أَدْبَرْتَ سَلَبُوا مَحَاسِنَ أَنْفُسِهِمْ. امام صادق علیه السلام: هرگاه دنیا به قومی رو کند، خوبی های دیگران بر قامت آنان پوشانده می شود و هرگاه پشت کند، خوبی های خودشان هم از آنان رُبوده می شود. (تحف العقول: ص ۳۸۲، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۶۹ ح ۱۸۵) این کلام شبیه است به کلام جدش امیرالمؤمنین علیه السلام که فرموده: إِذَا أَقْبَلْتَ الدُّنْيَا عَلَى أَحَدٍ أَعَارَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ. چون روی نهاد دنیا بر کسی عاریه می دهد بر او نیکوییهای دیگران را و چون پشت گردانید از او، می رباید از او محاسن و نیکوهای نفس او را. (نهج البلاغة: الحکمة ۹)

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعَ التَّثَبُّتِ تَكُونُ السَّلَامَةُ وَ مَعَ الْعُجَلَةِ، تَكُونُ النَّدَامَةُ وَ مَنْ ابْتَدَأَ بِعَمَلٍ فِي غَيْرِ وَقْتِهِ كَانَ بُلُوغُهُ فِي غَيْرِ حِينِهِ. سلامت در تامل و تاءنی است و با عجله نداشت و پشیمانی است و کسی که شروع کند به امری درغیروقتش خواهد بود رسیدن او در غیر وقتش. (خصال شیخ صدوق ۱/۱۰۰، حدیث ۵۲) حاصل آنکه: مکن در مهمی که داری شتاب - ز راه تاءنی عنان بر متاب - که اندر تاءنی زیان کس ندید - ز تعجیل بسیار خجلت کشید.

قَالَ الصَّادِق عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ لِإِبْلِيسَ جُنْدٌ أَشَدُّ مِنَ النِّسَاءِ وَالْغَضَبِ؛ فرمود: نیست از برای ابلیس لعین لشکری سخت تر از زنها و غضب. (بحارالانوار ۲۴۶/۷۵)

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ أَوْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا كَانَ فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ قَالَ كَانَ فِيهَا الْأَعَاجِيبُ وَ كَانَ أَعْجَبَ مَا كَانَ فِيهَا أَنْ قَالَ لِإِبْنِهِ خَفِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خِيفَةً لَوْ جِئْتَهُ بِبِرِّ الثَّقَلَيْنِ لَعَذَّبَكَ وَ أَرَجَّ اللَّهُ رَجَاءً لَوْ جِئْتَهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ لَرَحِمَكَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ أَبِي ع يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا فِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خِيفَةٍ وَ نُورٌ رَجَاءٍ لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا. از امام صادق (ع) سوال شد دروصیت لقمان چه بود، حضرت فرمودند: «در آن شگفتیهایی

بود و عجیب‌ترین آنها چیزی است که به پسرش گفت: «بترس از خدای عزوجل ترسیدنی که اگر به اندازه‌ی طاعت جن و انس آورده باشی هر آینه عذاب کند تو را و امیدوار باش خدایی را که اگر به اندازه‌ی گناهان جن و انس آورده باشی هر آینه تو را بیامرزد» پس آن حضرت فرمودند: پدرم فرمودند: «همانا بنده‌ای مومن نیست مگر آنکه در قلبش دو نور است، نور ترس و نور امید اگر این یکی وزن شود به آن چیزی افزون نشود و اگر آن وزن شود از این چیزی کاسته نشود. (حدیث چهاردهم از کتاب اربعین حدیث حضرت امام خمینی (ره))

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُبدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ قَالَ قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ فَقَالَ تِلْكَ التَّكْرَأُ تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ. شخصی از امام ششم علیه السلام پرسید عقل چیست؟ فرمود چیزی است که بوسیله آن خدا پرستش شود و بهشت بدست آید آن شخص گوید: گفتم پس آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: آن نیرنگست، آن شیطنست است، آن نمایش عقل را دارد ولی عقل نیست. (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۱۱ روایه: ۳)

سَلِيمَانَ الدِّيلَمِيَّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَلَانٌ مِنْ عِبَادَتِهِ وَ دِينِهِ وَ فَضْلِهِ فَقَالَ كَيْفَ عَقْلُهُ قُلْتُ لَا أَدْرِي فَقَالَ إِنَّ الثَّوَابَ عَلَى قَدْرِ الْعَقْلِ إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ فِي جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ خَضْرَاءَ نَضِرَةٍ كَثِيرَةٍ الشَّجَرِ طَاهِرَةِ الْمَاءِ وَ إِنَّ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَرَّ بِهِ فَقَالَ يَا رَبِّ أَرْنِي ثَوَابَ عَبْدِكَ هَذَا فَأَرَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ فَاسْتَقْلَهُ الْمَلَكُ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ اصْحَبْهُ فَأَتَاهُ الْمَلَكُ فِي صُورَةِ إِنْسِيٍّ فَقَالَ لَهُ مَنْ أَنْتَ قَالَ أَنَا رَجُلٌ عَابِدٌ بَلَغَنِي مَكَانُكَ وَ عِبَادَتُكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ فَأَتَيْتُكَ لِأَعْبُدَ اللَّهَ مَعَكَ فَكَانَ مَعَهُ يَوْمَهُ ذَلِكَ فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ لَهُ الْمَلَكُ إِنَّ مَكَانَكَ لَنَزْهٌ وَ مَا يَصْلُحُ إِلَّا لِلْعِبَادَةِ فَقَالَ لَهُ الْعَابِدُ إِنَّ لِمَكَانِنَا هَذَا عَيْبًا فَقَالَ لَهُ وَ مَا هُوَ قَالَ لَيْسَ لِرَبَّنَا بِهِيْمَةٌ فَلَوْ كَانَ لَهُ حِمَارٌ رَعِيْنَاهُ فِي هَذَا الْمُؤْضِعِ فَإِنَّ هَذَا الْحَشِيشَ يَضِيغُ فَقَالَ لَهُ ذَلِكَ الْمَلَكُ وَ مَا لِرَبِّكَ حِمَارٌ فَقَالَ لَوْ كَانَ لَهُ حِمَارٌ مَا كَانَ يَضِيغُ مِثْلُ هَذَا الْحَشِيشِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْمَلَكِ إِنَّمَا أُثْبِتُهُ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ. سليمان دیلمی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم فلانی در عبادت و دیانت و فضیلت چنین و چنانست فرمود: عقلش چگونه است؟ گفتم نمی‌دانم، فرمود، پاداش باندازه عقل است، همانا مردی از بنی اسرائیل در یکی از جزایر دریا که سبز و خرم و پر آب و درخت بود عبادت خدا می‌کرد یکی از فرشتگان از آنجا گذشت و عرض کرد پروردگارا مقدار پاداش این بنده ات را به من بنما خداوند باو نشان داد و او آن مقدار را کوچک شمرد، خدا باو وحی کرد همراه او باش پس آن فرشته بصورت انسانی نزد او آمد عابد گفت تو کیستی؟ گفت مردی عابدم چون از مقام و عبادت تو در این مکان آگاه شدم نزد تو آمدم تا با تو عبادت خدا کنم پس آن روز را با او بود، چون صبح شد فرشته باو گفت: جای پاکیزه‌ای داری و فقط برای عبادت خوب است. عابد گفت: اینجا يك عيب دارد. فرشته گفت: چه عیبی؟ عابد گفت: خدای

ما چهارپائی ندارد، اگر او خری می‌داشت در اینجا می‌چراندیمش براستی این علف از بین می‌رود! فرشته گفت: پروردگار که خر ندارد، عابد گفت: اگر خری می‌داشت چنین علفی تباہ نمی‌شد، پس خدا بفرشته وحی کرد: همانا او را باندازه عقلش پاداش می‌دهم (یعنی حال این عابد مانند مستضعفین و کودکان است که چون سخنش از روی ساده دلی و ضعف خرد است مشرک و کافر نیست لیکن عبادتش هم پاداش عبادت عالم خداشناس را ندارد). (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۱۲ روایه: ۸)

عَنْ أَبِي بصير قَالَ حَجَّجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا كُنَّا فِي الطَّوْفِ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ! يَغْفِرُ اللَّهُ لِهَذَا الْخَلْقِ؟ فَقَالَ: أَبَا بصير! إِنَّ أَكْثَرَ مَنْ تَرَى قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: ارْنِيهِمْ، قَالَ: فَتَكَلَّمْتُ بِكَلِمَاتٍ ثُمَّ أَمْرِيْدَهُ عَلَيَّ بَصْرِي فَرَأَيْتُهُمْ قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ! فَهَالَنِي ذَلِكَ ثُمَّ أَمْرِيْدَهُ عَلَيَّ بَصْرِي فَرَأَيْتُهُمْ كَمَا كَانُوا . ابي بصير گوید خدمت امام ششم (ع) حج می‌کردم تا این که در طواف عرض کردم فدایت شوم ای فرزند پیامبر (ص) آیا خداوند این خلق را می‌آمزد؟ فرمودند: ابا بصیر! بیشتر کسانی را که می‌نگری میمون و خوکند. عرض کردم: آیا می‌شود که من نیز ببینم؟ پس حضرت کلماتی را فرمودند و دست مبارکشان را بر چشمم کشیدند، من نیز آنها را به شکل میمون‌ها و خوک‌ها دیدم! پس از این دیدن هول در دلم افتاده و وحشت کردم، پس حضرت دست مبارکشان را بر چشمم کشیدند، دو مرتبه مثل اول دیدم. (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۹).

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: حَجَّجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا صِرْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ صَعَدَ عَلَيَّ جَبَلٌ فَأَشْرَفْتُ فَنَظَرْتُ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ: مَا أَكْثَرُ الضَّجِيجِ وَ أَقَلُّ الْحَجِيجِ! عَبْدُ الرَّحْمَنِ پسر کثیر گوید: خدمت امام صادق (ع) حجج مشرف شدم تا به بعض راه رسیده بودیم امام (ع) از کوهی بالا رفتند تا مشرف شدند آنگاه به مردم نظر فرمودند و گفتند: چقدر فریاد و سر و صدا زیاد است و حاجی کم!! (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۸۱).

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ . بیغمبر (ص) فرمود طلب علم واجب است و در حدیث دیگر فرمود طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. همانا خدا دانشجویان را دوست دارد. (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۳۶ روایه: ۵)

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ تَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ فَهُوَ أَغْرَابِيٌّ! إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ . علی بن ابی حمزه گوید شنیدم که حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود دین را خوب بفهمید زیرا هر که دین را خوب نفهمد مانند صحرانورد است. خداوند در کتابش می‌فرماید (سوره ۹) تا در امر دین دانش اندوزند و چون بازگشتند قوم خود را بیم دهند شاید آنها بترسند.

(اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۳۶ روایه: ۶) و قال علیه السلام قَالَ لَوِدِدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي ضُرِبَتْ رُءُوسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا . می خواهم با تازیانه بر سر اصحابم بزنند تا دین را خوب به فهمند. (اصول کافی جلد ۱ ص: ۳۶ روایه: ۸) و قَالَ لَهُ رَجُلٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَجُلٌ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ لَزِمَ بَيِّنَتُهُ وَ لَمْ يَتَعَرَفْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِهِ قَالَ فَقَالَ كَيْفَ يَتَفَقَّهُ هَذَا فِي دِينِهِ. مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: قربانت مردیست که امر امامت را شناخته و در خانه نشسته و با هیچ یک از برادران دینیش آشنائی ندارد فرمود: این مرد چگونه دینش را می فهمد. (کتاب کافی جلد ۱ ص: ۳۶ روایه: ۹)

عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ: قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ مَوَالِيهِ فَجَرَى ذِكْرُ الْعَقْلِ وَ الْجَهْلِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اَعْرِفُوا الْعَقْلَ وَ جُنْدَهُ وَ الْجَهْلَ وَ جُنْدَهُ تَهْتَدُوا قَالَ سَمَاعَةُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا نَعْرِفُ إِلَّا مَا عَرَفْتَنَا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَ هُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ فَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقْتُكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَ كَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي قَالَ ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأُجَاجِ طُلُمَائِيًّا فَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَلَمْ يَقْبَلْ فَقَالَ لَهُ اسْتَكَبَرْتَ فَلَعَنَهُ ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ جُنْدًا فَلَمَّا رَأَى الْجَهْلُ مَا أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ الْعَقْلَ مَا أَعْطَاهُ أَضْمَرَ لَهُ الْعِدَاوَةَ فَقَالَ الْجَهْلُ يَا رَبِّ هَذَا خَلْقٌ مِثْلِي خَلَقْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ قَوَّيْتَهُ وَ أَنَا ضِدُّهُ وَ لَا قُوَّةَ لِي بِهِ فَأَعْطَنِي مِنَ الْجُنْدِ مِثْلَ مَا أَعْطَيْتَهُ فَقَالَ نَعَمْ فَإِنْ عَصَيْتَ بَعْدَ ذَلِكَ أَخْرَجْتُكَ وَ جُنْدَكَ مِنْ رَحْمَتِي قَالَ قَدْ رَضِيتُ فَأَعْطَاهُ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ جُنْدًا فَكَانَ مِمَّا أَعْطَى الْعَقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَ السَّبْعِينَ الْجُنْدِ الْخَيْرُ وَ هُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ وَ جَعَلَ ضِدُّهُ الشَّرُّ وَ هُوَ وَزِيرُ الْجَهْلِ وَ الْإِيمَانُ وَ ضِدُّهُ الْكُفْرُ وَ التَّصَدِيقُ وَ ضِدُّهُ الْجُحُودُ وَ الرَّجَاءُ وَ ضِدُّهُ الْقُنُوطُ وَ الْعَدْلُ وَ ضِدُّهُ الْجَوْرُ وَ الرِّضَا وَ ضِدُّهُ السُّخْطُ وَ الشُّكْرُ وَ ضِدُّهُ الْكُفْرَانُ وَ الطَّمَعُ وَ ضِدُّهُ الْيَأْسُ وَ التَّوَكُّلُ وَ ضِدُّهُ الْحِرْصُ وَ الرَّافَةُ وَ ضِدُّهَا الْقِسْوَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ ضِدُّهَا الْغَضَبُ وَ الْعِلْمُ وَ ضِدُّهُ الْجَهْلُ وَ الْفَهْمُ وَ ضِدُّهُ الْحُمْقُ وَ الْعِفَّةُ وَ ضِدُّهَا التَّهْتِكُ وَ الرِّهْدُ وَ ضِدُّهُ الرِّغْبَةُ وَ الرِّفْقُ وَ ضِدُّهُ الْخُرْقُ وَ الرِّهْبَةُ وَ ضِدُّهُ الْجُرْأَةُ وَ التَّوَاضُّعُ وَ ضِدُّهُ الْكِبَرُ وَ التَّؤَدَّةُ وَ ضِدُّهَا التَّسَرُّعُ وَ الْحِلْمُ وَ ضِدُّهَا السَّفَهَةُ وَ الصَّمْتُ وَ ضِدُّهُ الْهَذَرُ وَ الْإِسْتِسْلَامُ وَ ضِدُّهُ الْإِسْتِكْبَارُ وَ التَّسْلِيمُ وَ ضِدُّهُ الشُّكُّ وَ الصَّبْرُ وَ ضِدُّهُ الْجَزَعُ وَ الصَّفْحُ وَ ضِدُّهُ الْإِنْتِقَامُ وَ الْغَنَى وَ ضِدُّهُ الْفَقْرُ وَ التَّذَكُّرُ وَ ضِدُّهُ السَّهْوُ وَ الْحِفْظُ وَ ضِدُّهُ النِّسْيَانُ وَ التَّعَطُّفُ وَ ضِدُّهُ الْقَطِيعَةُ وَ الْقَنُوعُ وَ ضِدُّهُ الْحِرْصُ وَ الْمُؤَاسَاةُ وَ ضِدُّهَا الْمُنْعُ وَ الْمَوَدَّةُ وَ ضِدُّهَا الْعِدَاوَةُ وَ الْوَفَاءُ وَ ضِدُّهُ الْعَدْرُ وَ الطَّاعَةُ وَ ضِدُّهَا الْمُعْصِيَةُ وَ الْخُضُوعُ وَ ضِدُّهُ التَّطَاوُلُ وَ السَّلَامَةُ وَ ضِدُّهَا الْبَلَاءُ وَ الْحُبُّ وَ ضِدُّهُ الْبُغْضُ وَ الصَّدَقُ وَ ضِدُّهُ الْكُذِبُ وَ الْحَقُّ وَ ضِدُّهُ الْبَاطِلُ وَ الْأَمَانَةُ وَ ضِدُّهَا الْخِيَانَةُ وَ الْإِخْلَاصُ وَ ضِدُّهُ الشُّوْبُ وَ الشَّهَامَةُ وَ ضِدُّهَا الْبِلَادَةُ وَ الْفَهْمُ وَ ضِدُّهُ الْغِبَاوَةُ وَ الْمَعْرِفَةُ وَ ضِدُّهَا الْإِنْكَارُ وَ الْمُدَارَاةُ وَ ضِدُّهَا الْمُكَاشَفَةُ وَ سَلَامَةُ الْغَيْبِ وَ ضِدُّهَا الْمُمَاكَرَةُ وَ الْكَيْمَانُ وَ ضِدُّهُ الْإِفْشَاءُ وَ الصَّلَاةُ وَ ضِدُّهَا الْإِضَاعَةُ وَ الصَّوْمُ وَ ضِدُّهُ الْإِفْطَارُ وَ الْجِهَادُ وَ ضِدُّهُ التَّكْوُلُ وَ الْحَجُّ وَ ضِدُّهُ نَبَذَ الْمِيثَاقِ وَ صَوْنُ الْحَدِيثِ وَ ضِدُّهُ التَّيْمِيمَةُ وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ ضِدُّهُ الْعُقُوقُ وَ الْحَقِيقَةُ وَ

ضِدَّهَا الرِّيَاءَ وَ الْمَعْرُوفَ وَ ضِدَّهَ الْمُنْكَرَ وَ السُّتْرَ وَ ضِدَّهَ التَّبَرُّجَ وَ التَّقِيَّةَ وَ ضِدَّهَا الْإِذَاعَةَ وَ الْإِنْصَافَ وَ ضِدَّهَا الْحَمِيَّةَ وَ التَّهَيُّنَةَ وَ ضِدَّهَا الْبَغْيَ وَ النُّظَافَةَ وَ ضِدَّهَا الْقَذَرَ وَ الْحَيَاءَ وَ ضِدَّهَا الْجَلْعَ وَ الْقَصْدَ وَ ضِدَّهَا الْعُدْوَانَ وَ الرَّاحَةَ وَ ضِدَّهَا التَّعَبَ وَ السَّهُولَةَ وَ ضِدَّهَا الصَّعُوبَةَ وَ الْبَرَكَةَ وَ ضِدَّهَا الْمَحَقَّ وَ الْعَافِيَةَ وَ ضِدَّهَا الْبَلَاءَ وَ الْقَوَامَ وَ ضِدَّهَا الْمُكَاتَرَةَ وَ الْحِكْمَةَ وَ ضِدَّهَا الْهَوَاءَ وَ الْوَقَارَ وَ ضِدَّهَا الْخِفَةَ وَ السَّعَادَةَ وَ ضِدَّهَا الشَّقَاوَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ ضِدَّهَا الْإِصْرَارَ وَ الْإِسْتِغْفَارَ وَ ضِدَّهَا الْإِعْتِرَازَ وَ الْمُحَافَظَةَ وَ ضِدَّهَا التَّهَافُونَ وَ الدَّعَاءَ وَ ضِدَّهَا الْإِسْتِنكَافَ وَ التَّشَاطُ وَ ضِدَّهَا الْكَسَلَ وَ الْفَرْحَ وَ ضِدَّهَا الْحَزْنَ وَ الْأَلْفَةَ وَ ضِدَّهَا الْفُرْقَةَ وَ السَّخَاءَ وَ ضِدَّهَا الْبُخْلَ فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِي نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ أَوْ مُؤْمِنٍ قَدْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ أَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمَلَ وَ يَنْقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِنَّمَا يَذَرُكَ ذَلِكَ بِمَعْرِفَةِ الْعَقْلِ وَ جُنُودِهِ وَ بِمُجَانِبَةِ الْجَهْلِ وَ جُنُودِهِ وَفَقْنَا اللَّهَ وَ إِيَّاكُمْ لِطَاعَتِهِ وَ مَرْضَاتِهِ. سماعه گوید خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم و جمعی از دوستانش هم حضور داشتند که ذکر عقل و جهل به میان آمد حضرت فرمود: عقل و لشکرش و جهل و لشکرش را بشناسید، سماعه گوید من عرض کردم قربانت گردم غیر از آنچه شما به ما فهمانیده‌اید نمی‌دانیم. حضرت فرمود: خدای عزوجل عقل را از نور خویش و از طرف راست عرش آفرید و آن مخلوق اول از روحانیین است پس بدو فرمود: پس رو او پس رفت سپس فرمود پیش آی پیش آمد خدای تبارک و تعالی فرمود: ترا با عظمت آفریدم و بر تمام آفریدگانم شرافت بخشیدم سپس جهل را تاریک و از دریای شور و تلخ آفرید به او فرمود پس رو پس رفت فرمود پیش بیا پیش نیامد فرمود: گردن کشی کردی؟ او را از رحمت خود دور ساخت سپس برای عقل هفتاد و پنج لشکر قرار داد. چون جهل مکرم و عطاء خدا را نسبت به عقل دید دشمنی او را در دل گرفت و عرض کرد پروردگارا این هم مخلوقی است مانند من. او را آفریدی و گرامیش داشتی و تقویتش نمودی من ضد او هستم و بر او توانایی ندارم آنچه از لشکر به او دادی به من هم عطا کن فرمود بلی می‌دهم ولی اگر بعد از آن نافرمانی کردی ترا و لشکر تو را از رحمت خود بیرون می‌کنم عرض کرد خشنود شدم پس هفتاد و پنج لشکر به او عطا کرد. و هفتاد و پنج لشکری که به عقل عنایت کرد (و نیز هفتاد و پنج لشکر جهل) بدین قرار است: نیکی و آن وزیر عقل است و ضد او را بدی قرار داد؛ که آن وزیر جهل است؛ و ایمان و ضد آن کفر؛ و تصدیق حق و ضد آن انکار است؛ و امیدواری و ضد آن نومیدی؛ و دادگری و ضد آن ستم؛ و خشنودی و ضد آن قهر و خشم؛ و سپاسگذاری و ضد آن ناسپاسی؛ و چشمداشت رحمت خدا و ضد آن یأس از رحمتش؛ و توکل و اعتماد به خدا و ضد آن حرص و آز؛ و نرم دلی و ضد آن سخت دلی؛ و مهربانی و ضد آن کینه توزی و دانش و فهم و ضد آن نادانی؛ و شعور و ضد آن حماقت؛ و پاکدامنی و ضد آن بی‌باکی و رسوائی و پارسائی و ضد آن دنیا پرستی؛ و خوشرفتاری و

ضد آن بدرفتاری؛ و پروا داشتن و ضد آن گستاخی؛ و فروتنی و ضد آن خودپسندی؛ و آرامی و ضد آن شتابزدگی؛ و خردمندی و ضد آن بی‌خردی و خاموشی و ضد آن پرگوئی؛ و رام بودن و ضد آن گردنکشی؛ و تسلیم حق شدن و ضد آن تردید کردن، و شکیبایی و ضد آن بی‌تابی؛ و چشم پوشی و ضد آن انتقامجوئی؛ و بی‌نیازی و ضد آن نیازمندی؛ و به یاد داشتن و ضد آن بی‌خبر بودن؛ و در خاطر نگه داشتن و ضد آن فراموشی؛ و مهرورزی و ضد آن دوری و کناره‌گیری؛ و قناعت و ضد آن حرص و آز؛ و تشریک مساعی و ضد آن دریغ و خودداری؛ و دوستی و ضد آن دشمنی؛ پیمان داری و ضد آن پیمان شکنی؛ و فرمانبری و ضد آن نافرمانی سرفروشی و ضد آن بلندی جستن؛ و سلامت و ضد آن مبتلا بودن؛ و دوستی و ضد آن تنفر و انزجار؛ و راستگوئی و ضد آن دروغگوئی؛ و حق و درستی و ضد آن باطل و نادرستی؛ و امانت و ضد آن خیانت؛ و پاکدلی و ضد آن ناپاکدلی؛ و چالاکی و ضد آن سستی و زیرکی و ضد آن کودنی؛ و شناسایی و ضد آن ناشناسائی؛ و مدارا و رازداری و ضد آن رازفاش کردن؛ و یک روئی و ضد آن دغلی؛ و پرده پوشی و ضد آن فاش کردن؛ و نماز گزاردن و ضد آن تباه کردن نماز؛ و روزه گرفتن و ضد آن روزه خوردن؛ و جهاد کردن و ضد آن فرار از جهاد؛ و حج گزاردن و ضد آن پیمان حج شکستن و سخن نگهداری و ضد آن سخنچینی؛ و نیکی به پدر و مادر و ضد آن نافرمانی پدر و مادر؛ و با حقیقت بودن و ضد آن ریاکاری؛ و نیکی و شایستگی و ضد آن زشتی و ناشایستگی؛ و خودپوشی و ضد آن خود آرائی و تقیه و ضد آن بی‌پروائی؛ و انصاف و ضد آن جانبداری باطل؛ و خودآرائی برای شوهر و ضد آن زنا دادن؛ و پاکیزگی و ضد آن پلیدی؛ و حیا و آزر و ضد آن بی‌حیائی؛ و میانه روئی و ضد آن تجاوز از حد؛ و آسودگی و ضد آن خود را به رنج انداختن؛ و آسان‌گیری و ضد آن سختی‌گیری؛ و برکت داشتن و ضد آن بی‌برکتی؛ و تن درستی و ضد آن گرفتاری؛ و اعتدال و ضد آن افزون طلبی؛ و موافقت با حق و ضد آن پیروی از هوس و سنگینی و متانت و ضد آن سبکی و جلفی؛ و سعادت و ضد آن شقاوت؛ و توبه و ضد آن؛ اصرار بر گناه؛ و طلب آمرزش و ضد آن بیهوده طمع بستن؛ و دقت و مراقبت و ضد آن سهل انگاری؛ دعا کردن و ضد آن سرباز زدن؛ و خرمی و شادابی و ضد آن سستی و کسالت؛ و خوشدلی و ضد آن اندوه‌گینی؛ مأنوس شدن و ضد آن کناره گرفتن و سخاوت و ضد آن بخیل بودن. پس تمام این صفات (هفتاد و پنج گانه) که لشکریان عقلند جز در پیغمبر و جانشین او و مؤمنینی که خدا دلش را به ایمان آزموده جمع نشود اما دوستان دیگر ما برخی از اینها را دارند و متدرجا همه را دریابند و از لشکریان جهل پاک شوند آنگاه با پیغمبران و اوصیاءشان در مقام اعلی همراه شوند و این سعادت جز با شناختن عقل و لشکریانش و دوری از جهل و لشکریانش به دست نیاید خدا ما و شما را به فرمانبری و طلب ثوابش موفق دارد. (در متن جنود عقل و جهل را هفتاد و پنج ذکر کرده و در توجیه هفتاد و هشت و ظاهرا بعضی به عبارت دیگر تکرار شده). (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۲۳ روایه: ۱۴)

خلاصه حالات نهمین معصوم ، هفتمین اختر امامت امام کاظم (ع)

آن حضرت روز يك شنبه ، هفتم ماه صفر، سال ۱۲۸ هجری قمری (مطابق با بیستم آبان ۱۲۴ شمسی) در روستائی به نام أ بواء بین مگه معظّمه و مدینه منوره دیده به جهان گشود.

نام : موسی (نام مبارک حضرت با عنوان امام (موسی کاظم) علیه السلام طبق حروف ابجد کبیر ۱۰۷۷ می باشد) صلوات الله و سلامه علیه .

کنیه : ابوالحسن ، ابوالحسن اَوّل ، ابوالحسن ماضی ، ابوابراهیم ، ابوعلی ، ابواسماعیل ، ابواسحاق و... لقب : عبد صالح ، کاظم ، باب الحوائج ، صابر ، رجل ، امین ، عالم ، زاهر ، صالح ، شیخ ، وفی ، نفس زکیه ، زین المجتهدین و... .

نقش انگشتر: حضرت دارای دو انگشتر بود، که نقش هر کدام به ترتیب عبارتند از: (حَسْبِيَ اللَّهُ)، (الْمُلْكُ لِلَّهِ وَحْدَهُ).

پدر: امام جعفر، صادق آل محمد صلوات الله علیهم .

مادر: حمیده مصفاة اندلسی ، دختر صاعد بربری .

دربان : محمد بن فضل ، مفضل بن عمر را گفته اند.

مدّت امامت : حضرت روز دوشنبه ، ۲۵ شَوّال ، سال ۱۴۸ هجری قمری ، پس از شهادت پدر بزرگوارش ، در بیست سالگی منصب امامت و زعامت جامعه اسلامی را به عهده گرفت و تا سال ۱۸۳ هجری ، امامت آن حضرت به طول انجامید.

مدّت عمر: آن حضرت مدّت بیست سال و بنابر نقلی ۱۹ سال ، هم زمان با پدر بزرگوارش و مدّت ۳۵ سال پس از آن ادامه حیات داد که جمعا ۵۵ سال طبق مشهور، عمری با برکت و پر از مشقّت را سپری نمود، گرچه بعضی عمر آن حضرت را تا ۵۸ سال نیز گفته اند.

علّت زندانی شدن آن امام مظلوم صلوات الله و سلامه علیه را طبق آنچه گفته اند، چنین است : در آن سالی که هارون الرّشید به سفر حجّ رفت و در کنار قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله جمعی از بنی هاشم و از آن جمله امام موسی کاظم علیه السلام را دید، که جهت زیارت قبر آن حضرت حضور دارند.

هنگامی که هارون الرّشید نزدیک قبر مطهر رسید، گفت : (السّلام عليك يا رسول الله ! يا بنی عمّی!) یعنی ؛ سلام بر تو ای رسول خدا! ای پسر عمویم .

در همین حال ، امام موسی کاظم علیه السلام جلو آمد و هنگامی که نزدیک قبر مطهر رسید؛ اظهار داشت : (السّلام عليك يا أبة!) یعنی ؛ سلام بر تو ای پدر.

هارون الرّشید با دیدن چنین صحنه ای ، چهره خود را درهم کشید و کینه و عداوت آن حضرت را بر دل گرفته و مصمّم بر تحقیر و قتل حضرت شد.

مضافاً بر آن که سخن چینان دنیاپرست و ریاست طلب - که در هر زمان بوده و هستند - از موقعیت سوء استفاده کرده و در هر فرصت مناسبی بر علیه آن حضرت نزد هارون بدگوئی و سخن چینی نموده و او را بر علیه حضرت ، تحریک می کردند.

تا آن که هارون به بغداد مراجعت کرده و دستور جلب آن حضرت را صادر کرد؛ و حضرتش را در بصره زندانی گرداند.

و چون مدّتی را در آن جا سپری نمود، به بغداد منتقل شده ؛ و در زندانی مخوف و وحشتناک تحت انواع شکنجه های جسمی و روحی محبوس گردید.

در این که حضرت سلام الله علیه در چند مرحله زندانی شد؛ و نیز جمعا چه مدّت زمانی را در زندان سپری نمود، بین مؤرخین اختلاف است .

بنابر مشهور: حضرت توسط سندی بن شاهک ؛ و به دستور هارون الرشید مسموم گردید؛ و در روز جمعه ، ۲۵ رجب ، سال ۱۸۳ هجری قمری (مطابق با ۱۳ شهریور ۱۷۸ شمسی) در زندان بغداد به شهادت رسید؛ و جسد مطهرش در قبرستان بنی هاشم کاظمین دفن گردید.

خلفاء و سلاطین هم عصر آن حضرت : دوران امامت آن حضرت هم زمان بود با حکومت منصور دوانیقی ، محمد مهدی عباسی ، هادی عباسی ، هارون الرشید.

تعداد فرزندان : مرحوم سید محسن امین رحمه الله علیه تعداد ۱۸ پسر و ۱۹ دختر از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام را نام برده است ؛ ولی بعضی دیگر گفته اند: آن حضرت دارای ۳۷ دختر و ۲۳ پسر بوده است .

نماز آن حضرت : دو رکعت است ، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، دوازده مرتبه سوره توحید خوانده می شود و پس از پایان سلام نماز، تسبیحات حضرت فاطمه زهراء علیها السلام گفته می شود؛ و سپس حوائج و خواسته های مشروعه خویش را از درگاه خداوند متعال تقاضا نموده ، که ان شاء الله بر آورده خواهد شد.

(تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از : اصول کافی ج ۱ ، تهذیب الاحکام ج ۶ ، تاریخ اهل البيت علیه السلام ، مجموعه نفیسه ، مستدرک الوسائل ، تذکره الخواص ، اعیان الشیعه ج ۲ ، ینابیع المودّه ، الفصول المهمّه ، کشف الغم ج ۲، عیون المعجزات ، اعلام الوری ، بحار الانوار : ج ، دلائل الامامه ، جمال الاسبوع ، دعوات راوندی و . .)

احادیث امام کاظم علیه السلام

قَالَ الكاظم عليه السلام: وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ، وَالثَّلَاثَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ، وَالرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ عَنْ دِينِكَ. تمام علوم جامعه را در چهار مورد شناسائی کرده ام: اولین آن ها این که پروردگار و آفریدگار خود را بشناسی و نسبت به او شناخت پیدا کنی. دوم، این که بفهمی که از برای وجود تو و نیز برای بقاء حیات تو چه کارها و تلاش هایی صورت گرفته است. سوم، بدانی که برای چه آفریده شده ای و منظور چه بوده است. چهارم، معرفت پیدا کنی به آن چیزهایی که سبب میشود از دین و اعتقادات خود منحرف شوی - یعنی راه خوشبختی و بدبختی خود را بشناسی و در جامعه چشم و گوش بسته حرکت نکنی. - (کافی: ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۱، اعیان الشیعة: ج ۲، ص ۹، نزهة الناظر: ص ۱۲۱، ح ۱)

قَالَ الكاظم عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا تَفَقَّهُ، عَرَفَ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. خداوند رحمت کند بنده ای را که در مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی و... فقیه و عالم باشد و نسبت به مردم شناخت پیدا کند، گرچه مردم او را نشناسند و قدر و منزلت او را ندانند. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر حلواني: ص ۱۲۲، ح ۲)

قَالَ الكاظم عليه السلام: قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَلَاكُكَ فَإِنَّ فِيهِ نَجَاتَكَ... إِتَّقِ اللَّهَ وَدَعْ الْبَاطِلَ وَإِنْ كَانَ فِيهِ نَجَاتُكَ فَإِنَّ فِيهِ هَلَاكُكَ؛ حق را بگو اگر چه نابودی تو در آن باشد، زیرا که نجات تو در آن است... تقوای الهی پیشه کن و باطل را فرو گذار هر چند [به ظاهر] نجات تو در آن باشد، زیرا که نابودی تو در آن است. (تحف العقول ص ۴۰۸)

قَالَ الكاظم عليه السلام: إِنَّ الزُّرْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ، لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ التَّوَاضِعَ آلَةَ الْعَقْلِ وَجَعَلَ التَّكَبُّرَ مِنْ آلَةِ الْجَهْلِ؛ زراعت در زمین هموار می روید، نه بر سنگ سخت و چنین است که حکمت، در دل های متواضع جای می گیرد نه در دل های متکبر. خداوند متعال، تواضع را وسیله عقل و تکبر را وسیله جهل قرار داده است. (تحف العقول، ص ۳۹۶)

قَالَ الكاظم عليه السلام: كَمَا لَا يَقُومُ الْجَسَدُ إِلَّا بِالنَّفْسِ الْحَيَّةِ فَكَذَلِكَ لَا يَقُومُ الدِّينُ إِلَّا بِالنِّيَّةِ الصَّادِقَةِ وَ لَا تَثْبُتُ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ إِلَّا بِالْعَقْلِ؛ همان گونه که قوام جسم، تنها به جان زنده است، قوام دینداری هم تنها به نیت پاک است و نیت پاک، جز با عقل حاصل نمی شود. (تحف العقول، ص ۳۹۶)

قَالَ الكاظم عليه السلام: أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ بِهِ، الصَّلَاةُ؛ بهترین چیزی که بنده بعد از شناخت خدا به وسیله آن به درگاه الهی تقرب پیدا می کند، نماز است. (تحف العقول، ص ۳۹۱)

قَالَ الْكَاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ بِهَيْتَرِينَ عِبَادَتٍ بَعْدَ از شناختن خداوند، انتظار فرج و گشایش است. (تحف العقول ص ۴۰۳)

قَالَ الْكَاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا قُسِّمَ بَيْنَ الْعِبَادِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَقْلِ، نَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ. چیزی با فضیلت تر و بهتر از عقل، بین بندگان توزیع نشده است، تا جائی که خواب عاقل - هوشمند - افضل و بهتر از شب زنده داری جاهل بی خرد است. (تحف العقول: ص ۲۱۳، بحارالا نوار: ج ۱، ص ۱۵۴، ضمن ح ۳۰، و ج ۷۵، ص ۳۱۲، ضمن ح ۱)

قَالَ الْكَاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ مَرْحُومُونَ مَا يَخَافُونَ، وَ آءُذُوا الْأَمَانَةَ، وَ عَمِلُوا بِالْحَقِّ. اهل زمین مورد رحمت - وبرکت الهی - هستند، مادامی که خوف و ترس - از گناه و معصیت داشته باشند -، ادای امانت نمایند و حق را دریابند و مورد عمل قرار دهند. (تهذیب الاحکام: ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۹۹۱، وافی: ج ۴، ص ۴۳۳، ح ۲۲۷۳)

قَالَ الْكَاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِنَسِ الْعَبْدُ يَكُونُ ذَاوُجْهَيْنِ وَ ذَالِسَانَيْنِ. بد شخصی است آن که دارای دو چهره و دو زبان می باشد، - که در پیش رو چیزی گوید و پشت سر چیز دیگر - . (تحف العقول: ص ۲۹۱، بحارالانوار: ج ۱، ص ۱۵۰، ضمن ح ۳۰)

قَالَ الْكَاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْمُعْبُودُ مَنْ غَبِنَ عُمْرُهُ سَاعَةً. خسارت دیده و ورشکسته کسی است که عمر خود را هر چند به مقدار يك ساعت هم که باشد بیهوده تلف کرده باشد. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر حلواني: ص ۱۲۳، ح ۶)

قَالَ الْكَاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اسْتَشَارَ لَمْ يَعْذِمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحًا، وَ عِنْدَ الْخَطِإِ عَاذِرًا. کسی که در امور زندگی خود با اهل معرفت مشورت کند، چنانچه درست و صحیح عمل کرده باشد مورد تعریف و تمجید قرار می گیرد و اگر خطا و اشتباه کند عذرش پذیرفته است. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص ۱۲۳، ح ۱۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۴۰، ح ۳۷)

قَالَ الْكَاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ تَمَكَّنَ مِنْهُ عَدُوُّهُ يَعْنِي الشَّيْطَانُ. هر کسی عقل و تدبیرش را مورد استفاده قرار ندهد، دشمنش - یعنی؛ شیاطینِ نسی و جَنّی و نیز هواهای نفسانی - به راحتی او را می فریبند و منحرف می شود. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص ۱۲۴، ح ۱۵)

قَالَ الْكَاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَخْلُو الْمُؤْمِنُ مِنْ خَمْسَةٍ: سَوَاكِ، وَمَشْطٍ، وَ سَجَادَةٍ، وَ سَبْحَةٍ فِيهَا آءُزْبَعٌ وَ ثَلَاثُونَ حَبَّةً، وَ خَاتَمٌ عَقِيقٌ. مؤمن همیشه همراه خود پنج چیز باید داشته باشد: مسواک، شانه، مهر و جانماز، تسبیح برای ذکر گفتن انگشتر عقیق به دست راست داشتن در حال نماز و دعا و...

(بحارالانوار: ج ۹۸، ص ۱۳۶، ح ۷۶، مصباح المتهجد شيخ طوسي: ص ۷۳۵، ب ۳)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَدْخُلُوا الْحَمَّامَ عَلَى الرَّيْقِ ، وَلَا تَدْخُلُوهُ حَتَّى تُطْعَمُوا شَيْئًا . بعد از صبحانه ، بدون فاصله حمام نروید؛ همچنین سعی شود با معده خالی داخل حمام نروید، بلکه حتی الامکان قبل از رفتن به حمام قدری غذا بخورید. (وسائل الشیعة : ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۴۵۴)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ وَالْمِزَاحَ ، فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيْمَانِكَ ، وَيَسْتَخِفُّ مُرُوءَتَكَ . بر حذر باش از شوخی و مزاح بی جا چون که نور ایمان را از بین می برد و جوانمردی و آبرو را سبک و بی اهمیّت می گرداند. (وسائل الشیعة : ج ۱۲، ص ۱۱۸، ح ۱۵۸۱۲)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ ، وَالسَّمَكُ يُدْبِبُ الْجَسَدَ . خوردن گوشت ، موجب روئیدن گوشت در بدن و فربهی آن می گردد؛ ولی خوردن ماهی ، گوشت بدن را آب و جسم را لاغر می گرداند. (وسائل الشیعة : ج ۲۵، ص ۷۸، ح ۲۱۲۴۰)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكِيَّ عَمَلُهُ ، وَ مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ ، وَ مَنْ حَسَنَ بِرُّهُ بِأَخْوَانِهِ وَ أَهْلِهِ مُدَّ فِي عُمْرِهِ . هر که زبانش صادق باشد اعمالش تزکیه است ، هر که فکر و نیتش نیک باشد در روزیش توسعه خواهد بود، هر که به دوستان و آشنایانش نیکی و احسان کند، عمرش طولانی خواهد شد. (تحف العقول: ص ۳۸۸، س ۱۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۰۳، ضمن حدیث ۲۵) قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ بَقَاغُ الْأَرْضِ . زمانی که - دانشمند - مؤمنی وفات یابد و بمیرد، ملائکه ها برای او گریه می کنند. (اصول کافی : ج ۱، ص ۳۸، بحارالانوار: ج ۸۲، ص ۱۷۷، ح ۱۸)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْمُؤْمِنُ مِثْلُ كَفْتِي الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ . مؤمن همانند دو کفه ترازو است ، که هر چه ایمانش افزوده شود بلاها و آزمایشاتش بیشتر می گردد. (تحف العقول : ص ۳۰۱، بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۳۲۰، ضمن ح ۳)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ . هرکس بخواهد (در هر جهتی) قوی ترین مردم باشد باید توکل در همه امور، بر خداوند سبحان نماید. (بحار ج ۷۵، ص ۳۲۷، ضمن ح ۴) قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءِدَاءُ الْمَانَةِ وَالصَّدَقُ يَجْلِبَانِ الرِّزْقَ ، وَالْخِيَانَةُ وَالْكَذِبُ يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَالنَّفَاقَ . امانت داری و راست گوئی ، هر دو موجب توسعه روزی می شوند؛ ولیکن خیانت در امانت و دروغ گوئی موجب فلاکت و بیچارگی و سبب تیرگی دل می باشد. (تحف العقول : ص ۲۹۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۲۷، ضمن ح ۴)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءِئْلُغْ خَيْرًا وَ قُلْ خَيْرًا وَلَا تَكُنْ اِمْعَةً . نسبت به هم نوع خود خیر و نیکی داشته باش ، و سخن خوب و مفید بگو، و خود را تابع بی تفاوت و بی مسئولیت قرار مده . (تحف العقول : ص ۳۰۴، بحارالانوار: ج ۲، ص ۲۱، ح ۶۲، و ج ۷۵، ص ۳۲۵، ح ۲)

قَالَ الكاظم عليه السلام: تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ، وَ تِمَامُ الْعِبَادَةِ، وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَالرُّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا. مسائل و احكام اعتقادي و عملي دين را فرا گيريد، چون كه شناخت احكام و معرفت نسبت به دستورات خداوند، كليد بينائي و بينش و انديشه مي باشد و موجب تماميت كمال عبادات و اعمال مي گردد؛ و راه به سوي مقامات و منازل بلندمرتبه دنيا و آخرت است. (تحف العقول: ص ۳۰۲، بحارالانوار: ج ۱۰، ص ۲۴۷، ح ۱۳)

قَالَ الكاظم عليه السلام: فَضَّلُ الْفَقِيهَ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ، وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ لَمْ يَرْضَ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا. ارزش و فضيلت فقيه بر عابد همانند فضيلت خورشيد بر ستاره ها است. و كسي كه در امور دين فقيه و عارف نباشد، خداوند نسبت به اعمال او راضي نخواهد بود. (تحف العقول: ص ۳۰۳، بحارالانوار: ج ۱۰، ص ۲۴۷، ح ۱۳)

قَالَ الكاظم عليه السلام: عَظِمَ الْعَالِمُ لِعِلْمِهِ وَدَعَّ مُنَازَعَتَهُ، وَ صَغُرَ الْجَاهِلُ لِجَهْلِهِ وَلَا تَطْرُدُهُ وَلَكِنْ قَرَّبَهُ وَ عَلَّمَهُ. عالم را به جهت عملش تعظيم و احترام كن و با او منازعه منما، و اعتنائي به جاهل مكن ولي طردش هم نگردان، بلكه او را جذب نما و آنچه نمي داند تعليمش بده. (تحف العقول: ص ۲۰۹، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۰۹، ضمن ح ۱)

قَالَ الكاظم عليه السلام: صَلَوةُ النَّوَافِلِ قُرْبَانٌ إِلَى اللَّهِ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ. انجام نمازهاي مستحبّي، هر مؤمني را به خداوند متعال نزديك مي نمايد. (وسائل الشيعة: ح ۴ ص ۷۳، ح ۴۵۴۷)

قَالَ الكاظم عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ، مَسُّهَا لَيِّنٌ وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ، يَحْذَرُهَا الرَّجَالُ دَوِي الْعُقُولِ وَ يَهْوِي إِلَيْهَا الصَّبِيَّانُ بِأَيْدِيهِمْ. مَثَلُ دُنْيَا هَمَانْدِ مَارِ اسْتِ كِه پُوسْتِ ظَاهِرِ آن نَرَم وَ لَطِيفِ وَ خُوشَرَنَگِ، وَلِي در درونِ آن سَمِ كَشَنْدِه اِي اسْتِ كِه مَرْدَانِ عَاقِلِ وَ هَشِيَارِ ازِ آن گَرِيزَانْدِ وَ بَچَهِ صَفْتَانِ وَ بُولَهوسَانِ بِهِ آن عَشَقِ مِيُورَزَنْدِ. (تحف العقول: ص ۲۹۲، بحار ج ۱، ص ۱۵۲، ضمن ح ۳۰)

قَالَ الكاظم عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ إِزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ. مَثَلُ دُنْيَا (و اموال و زيورآلات و تجمّلاتِ آن) هَمَانْدِ آبِ درِيَا اسْتِ كِه اِنْسَانِ تَشَنِه، هَر چِه ازِ آن بِيَاشامْد بيشتر تشنه مي شود و آنقدر ميل مي كند تا هلاك شود. (تحف العقول: ص ۲۹۲، بحارالانوار: ج ۱، ص ۱۵۲، ضمن ح ۳۰)

قَالَ الكاظم عليه السلام: لَيْسَ الْقَبْلَةُ عَلَى الْفَمِ إِلَّا لِلرَّؤُوحَةِ وَالْوَلَدِ الصَّغِيرِ. بوسیدن لب ها و دهان براي يكدیگر در هر حالي صحيح نيست مگر براي همسر و يا فرزند كوچك. (تحف العقول: ص ۳۰۲، بحارالانوار: ج ۱۰، ص ۲۴۶، ح ۱۲)

قَالَ الكاظم عليه السلام: مَنْ نَظَرَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ تَرَكَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ صَلَّى، وَ مَنْ تَرَكَ كِتَابَ اللَّهِ وَ قَوْلَ نَبِيِّهِ كَفَرَ. هر كس به رايي و سليقه خود اهميت دهد و در مسائل دين به آن عمل كند هلاك مي

شود، و هرکس اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله را رها کند گمراه می گردد، و هرکس قرآن و سنت رسول خدا را ترک کند کافر می باشد. (اصول کافی: ج ۱ ص ۷۲ ح ۱۰)
 قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ، إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِغَ. همانا خداوند دشمن دارد آن بنده ای را که زیاد بخوابد، و دشمن دارد آن بنده ای را که بیکار باشد. (وسائل ج ۱۷ ص ۵۸ ح ۴)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّوَاضِعُ: أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ. تواضع و فروتنی آن است که آن چه دوست داری، دیگران درباره تو انجام دهند، تو هم همان را درباره دیگران انجام دهی.
 (وسائل الشیعة: ج ۱۵، ص ۲۷۳، ح ۲۰۴۹۷)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُسْتَحَبُّ غَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ وَ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لئَلَّا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ. بهتر است پسر را در دوران کودکی به کارهای مختلف و سخت، وادار نمائی تا در بزرگی حلیم و بردبار باشد؛ و بهتر است مرد نسبت به اهل منزل خود دست و دل باز باشد و در حدّ توان رفع نیاز کند تا آرزوی مرگش را ننمایند. (وسائل الشیعة: ج ۲۱، ص ۴۷۹، ح ۲۷۸۰۵. وسائل ج ۲۱ ص ۵۴۰ ح ۱)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا إِنْ شَرَّادَ اللَّهَ، وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا إِنْ شَغَفَ اللَّهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ. از شیعیان و دوستان ما نیست، کسی که هر روز محاسبه نفس و بررسی اعمال خود را نداشته باشد، که اگر چنانچه اعمال و نیاتش خوب بوده، سعی کند بر آن ها بیفزاید و اگر زشت و ناپسند بوده است، از خداوند طلب مغفرت و آمرزش کند و جبران نماید.
 (وسائل الشیعة: ج ۱۶، ص ۹۵، ح ۲۱۰۷۴)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلٌ وَ دَلِيلُ الْعَاقِلِ التَّفَكُّرُ. برای هر چیزی، دلیل و راهنمائی است و راهنمای شخص عاقل، تفکر و اندیشه می باشد. (تحف العقول: ص ۲۸۵، بحارالانوار: ج ۱، ص ۱۳۶، ضمن ح ۳۰)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ إِذْ نُقِلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. در میزان الهی نیست عمل و چیزی، سنگین تر از ذکر صلوات بر محمد و اهل بیت ش (صلوات الله عليهم اجمعين). (اصول کافی: ج ۲، ص ۴۹۴، ح ۱۵)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَلِيلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعَاقِلِ مُقْبُولٌ مُضَاعَفٌ وَ كَثِيرُ الْعَمَلِ مِنْ أَهْلِ الْهَوَى وَالْجَهْلِ مَرْدُودٌ. اعمال شخص عاقل مقبول است و چند برابر اجر خواهد داشت گرچه قلیل باشد، ولی شخص نادان و هوسران گرچه زیادکار و خدمت و عبادت کند پذیرفته نخواهد بود. (تحف العقول: ص ۲۸۶، بحارالانوار: ج ۷۰، ص ۱۱۱، ح ۱۴)

قَالَ الكاظم عليه السلام: وَشَعْرُ الْجَسَدِ إِذَا طَالَ قَطَعَ مَاءَ الصُّلْبِ، وَاءِزْخِي الْمَفَاصِلَ، وَوَرِثَ الضَّعْفَ وَالسَّلَّ، وَإِنَّ الثُّورَةَ تَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ، وَتَقْوِي الْبَدَنَ، وَتَزِيدُ فِي شَحْمِ الْكُلَيْتَيْنِ، وَتَسْمِنُ الْبَدَنَ. موهاي بدن زیر بغل و اطراف عورت چنانچه بلند شود سبب قطع و کمبود آب کمر، سستی مفاصل استخوان و ضعف سینه و گلو خواهد شد، استعمال نوره سبب تقویت تمامی آن ها می باشد. (وسائل الشیعة: ج ۲، ص ۶۵، ح ۱۴۹۹)

قَالَ الكاظم عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَجْلُونَ الْبَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي، وَالنَّظَرُ إِلَى الْوُجْهِ الْحَسَنِ. سه چیز بر نورانیّت چشم می افزاید: نگاه بر سبزه، نگاه بر آب جاری و نگاه به صورت زیبا. (وسائل الشیعة: ج ۵، ص ۳۴۰، ح ۳، محاسن برقی: ص ۶۲۲، ح ۶۹)

قَالَ الكاظم عليه السلام: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُو مِنْ حُجَّةٍ، وَءَنَا وَاللَّهِ ذَلِكَ الْحُجَّةُ. همانا زمین درهیچ موقعی خالی از حجت خدا نیست و بخدا سوگند که من خلیفه و حجت خداوند هستم. (کافی ج ۱ ص ۱۷۹)

قَالَ الكاظم عليه السلام: سُرْعَةُ الْمَشْيِ تَذْهَبُ بِبَهَاءِ الْمُؤْمِنِ. با سرعت و شتاب راه رفتن، بهاء و موقعیت مؤمن را می کاهد. (خصال: ج ۱ ص ۹ ح ۳۰)

قَالَ الكاظم عليه السلام: إِنَّمَا أَمْرُكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا، وَلَيْسَ عَلَيْنَا الْجَوَابُ، إِنَّمَا ذَلِكَ إِلَيْنَا. شماها ماءمور شده اید که از ما اهل بیت رسول الله سؤال کنید، ولیکن جواب و پاسخ آن ها بر ما واجب نیست بلکه اگر مصلحت بود پاسخ میدهیم وگرنه ساکت میباشیم. (مستدرک الوسائل: ج ۱۷، ص ۲۷۸، ح ۳۵)

قَالَ الكاظم عليه السلام: مَا ذُبَّانِ ضَارِبَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ غَابَ عَنْهُ رُعَاؤُهَا، بِأَضَرِّ فِي دِينِ مُسْلِمٍ مِنْ حُبِّ الرِّيَاسَةِ. خطر و ضرر علاقه به ریاست برای مسلمان بیش از دو گرگ دزدنده ای است، به گله گوسفندی که چوپان ندارند حمله کنند. (وسائل: ج ۱۵، ص ۳۵۰، ح ۱، مستدرک: ج ۱۱، ص ۳۸۱، ح ۱)

قَالَ الكاظم عليه السلام: الْإِيمَانُ فَوْقَ الْأَسْلَامِ بِدَرَجَةٍ، وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ، وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ، وَ مَا قُسِّمَ فِي النَّاسِ شَيْءٌ أَهْلُ قُلِّ مِنَ الْيَقِينِ. ایمان، یک درجه از اسلام بالاتر است؛ تقوی نیز، یک درجه از ایمان بالاتر؛ یقین، یک درجه از تقوی بالاتر و برتر می باشد و درجه ای کمتر از مرحله یقین در بین مردم ثمره بخش نخواهد بود. (وافی ج ۴، ص ۱۴۵، ح ۱، بحار ج ۶۷، ص ۱۳۶، ح ۲)

قَالَ الكاظم عليه السلام: الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَالْبَذَاءُ مِنَ الْجَفَاءِ وَالْجَفَاءُ فِي النَّارِ؛ حیا از ایمان و ایمان در بهشت است و بدزبانی از بی مهری و بدرفتاری است و بدرفتاری در جهنم است. (تحف العقول، ص ۳۹۴ - وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۶ - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۰۹)

قَالَ الكاظم عليه السلام: إِيَّاكَ وَ الْمَزَاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِئُورِ إِيْمَانِكَ؛ از شوخی (بی مورد) بپرهیز، زیرا که شوخی نور ایمان تورامیبرد. (کافی (ط - الاسلامیه)، ج ۲، ص ۶۶۵ - من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۸)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَمَا لَا يَقُومُ الْجَسَدُ إِلَّا بِالنَّفْسِ الْحَيَّةِ فَكَذَلِكَ لَا يَقُومُ الدِّينُ إِلَّا بِالنَّبِيِّ الصَّادِقَةِ وَ لَا تَثْبُتُ النَّبِيُّ الصَّادِقَةُ إِلَّا بِالْعَقْلِ؛ همان گونه که قوام جسم، تنها به جان زنده است، قوام دینداری هم تنها به نبی پاک است و نبی پاک، جز با عقل حاصل نمی شود. (تحف العقول، ص ۳۹۶)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَلِيلُ الْمَنْطِقِ حُكْمٌ عَظِيمٌ ، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّمَتِ فَإِنَّهُ دَعَا حَسَنَةً وَقَلِيلُ وَزَرٍ وَ خِفَّةٌ مِنَ الذُّنُوبِ؛ کم گویی ، حکمت بزرگی است ، بر شما باد به خموشی که آسایش نیکو و سبکباری و سبب تخفیف گناه است . (بحار الانوار (ط- بیروت)، ج ۷۵، ص ۳۰۹) - تحف العقول ص ۳۹۴

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ، وَ الْمُنَافِقُ كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْعَمَلِ؛ مؤمن کم حرف و پر کار است و منافق پر حرف و کم کار. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، ج ۹، ص ۱۸ - تحف العقول، ص ۳۹۷)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَالصَّدَقِ يَجْلِبَانِ الرِّزْقَ، وَالْخِيَانَةُ وَالْكَذِبُ يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَ النَّفَاقَ؛ ادای امانت و راستگویی روزی را زیاد می کند و خیانت و دروغگویی باعث فقر و نفاق می شود. (تحف العقول ، ص ۴۰۳ - بحار الانوار (ط- بیروت)، ج ۷۵، ص ۳۲۷)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُؤُوسِ وَلَدِهِ وَ وَلَدِهِ؛ هرگاه صبح می شد پیامبر صلی الله علیه و آله دست نوازش بر سر فرزندان و نوه های خود می کشیدند. (بحار الانوار (ط- بیروت) ج ۱۰۱، ص ۹۹ - عدة الداعی و نجاح الساعی ص ۸۹)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ إِذَا أَتَاهُ الضَّيْفُ أَكَلَ مَعَهُ وَ لَمْ يَرْفَعْ يَدَهُ مِنَ الْخِوَانِ حَتَّى يَوْفَعَ الضَّيْفُ يَدَهُ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه میهمان داشتند، با او غذا می خوردند و دست از سفره و غذا نمی کشیدند، تا آن که میهمان دست از غذا خوردن بکشد. (کافی (ط- الاسلامیه) ج ۶، ص ۲۸۶)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (عِنْدَ قَبْرِ حَضْرَةِ) إِنَّ شَيْئًا هَذَا آخِرُهُ لِحَقِيقٍ أَنْ يُزْهَدَ فِي أَوَّلِهِ وَ إِنَّ شَيْئًا هَذَا أَوَّلُهُ لِحَقِيقٍ أَنْ يَخَافَ آخِرُهُ ؛ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نزد قبری حاضر بود و این مطلب را بیان فرمود: همانا چیزی که این آخر اوست سزاوار است که میل و رغبتی نشود به اول آن ، و به درستی که چیزی که این اول آن است ، یعنی آخرتی که قبر منزل اول آن است ، سزاوار است که ترسیده شود از آخر آن . (بحار الانوار ۱۰۳/۷۰)

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَلِيِّ بْنِ يَقُطِينٍ : كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى الْأَخْوَانِ ؛ فرمود به علی بن یقطین : کفاره کارگری برای سلطان ، نیکی کردن به برادران دینی است . (بحار الانوار ۳۲۱/۷۵)

عَنِ الدَّرَّةِ الْبَاهِرَةِ: قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَعْرُوفُ غُلٌّ لَا يَفْكُهُ إِلَّا مُكَافَأَةٌ أَوْ شُكْرٌ، لَوْ ظَهَرَتِ الْأَجَالُ افْتَضَحَتِ الْأَمَالُ، مَنْ وَلَدَهُ الْفَقْرُ أَبْطَرَهُ الْغِنَى ، مَنْ لَمْ يَجِدْ لِلْأَسَانَةِ مَضْضًا لَمْ يَكُنْ لِأَخْسَانٍ عِنْدَهُ مَوْقِعٌ، مَا تَسَابَّ إِثْنَانِ إِلَّا أَنْحَطَ الْأَعْلَى إِلَى مَرْتَبَةِ الْأَسْفَلِ . این فرمایش حضرت مشتمل است بر پنج

کلمه حکمت آمیز که باید به آب طلا نوشته شود، ومعنی آنها این است : ۱ احسان غلی است بر گردن آن کسی که به او احسان شده که بیرون نمی آورد آن را مگر مکافات و احسان نمودی به احسان کننده یا شکر او را نمودن ؛ ۲ اگر ظاهر شود اجلها رسوا شود آرزوها ؛ ۳ کسی که متولد و پروریده شد در فقر، سرگشته و حیران کند او را توانگری ؛ ۴ کسی که نمی یابد از بد کردن به اوسوزش دل و اندوهی ، نخواهد بود از برای احسان نزد اوموقعی ؛ ۵ دونفر همدیگر را دشنام ندهند مگر آنکه بالاتر است فرود خواهد آمد به مرتبه آنکه پست تر است . (بحار الانوار ۳۲۳/۷۵ از کتاب (الدرة الباهرة) نقل کرده است)

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا فَقِيلَ عَلَامَةٌ فَقَالَ وَمَا الْعَلَامَةُ فَقَالُوا لَهُ أَعْلَمَ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَوَقَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ ص ذَلِكَ عِلْمٌ لَا يَصُرُّ مَنْ جَهْلُهُ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عِلْمُهُ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ . امام هفتم علیه السلام فرمود: چون رسول خدا(ص) وارد مسجد شد دید جماعتی گرد مردی را گرفته اند فرمود: چه خبر است گفتند علامه ای است. فرمود: علامه یعنی چه؟ گفتند: داناترین مردم است به دودمان عرب و حوادث ایشان و به روزگار جاهلیت و اشعار عربی. پیغمبر فرمود: اینها علمی است که نادانش را زیانی ندهد و عالمش را سودی نبخشد سپس فرمود: همانا علم سه چیز است: آیه محکم، فریضه عادل، سنت پابرجا، و غیر از این فضل است. (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۳۷ روایه: ۱)

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع يَقُولُ إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ بِقَاعُ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَ يُصْعَدُ فِيهَا بِأَعْمَالِهِ وَ ثُلُمٌ فِي الْإِسْلَامِ ثُلُمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ لِأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حُصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سُورِ الْمَدِينَةِ لَهَا . امام هفتم علیه السلام فرمود چون مؤمن بمیرد فرشتگان و صومعه های زمینی که خدا را در آن عبادت می کرده و درهای آسمانیکه اعمالش از آنها بالا میرفته بر او گریه کنند و در اسلام رخنه ای افتد که چیزی آنرا نبندد زیرا مؤمنین دانشمند دژهای اطراف شهر. (اصول کافی جلد ۱ ص: ۴۷ روایه: ۳)

عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ قُلْتُ لَهُ أَ كُلُّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ ص أَوْ تَقُولُونَ فِيهِ قَالَ بَلْ كُلُّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ . سماعة به امام کاظم(ع) عرض کرد: همه چیز در کتاب خدا و سنت پیغمبرش موجود است یا شما هم در آن گفتاری دارید؟ فرمود: همه چیز در کتاب خدا و سنت پیغمبرش می باشد. (کتاب کافی جلد ۱ ص: ۸۰ روایه: ۱۰)

وَ لَمَّا دَخَلَ هَارُونُ الرَّشِيدُ الْمَدِينَةَ تَوَجَّهَ لِزِيَارَةِ النَّبِيِّ ص وَ مَعَهُ النَّاسُ فَقَدِمَ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْعَمِّ مُفْتَخِرًا بِذَلِكَ عَلَى غَيْرِهِ . فَتَقَدَّمَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ إِلَى الْقَبْرِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَةَ فَتَغَيَّرَ وَجْهُ الرَّشِيدِ وَ تَبَيَّنَ الْغَيْظُ

فیه. وقتی هارون الرشید وارد مدینه شد یکسر نزد روضه نبوی رفت و با او گروهی از مردم نیز بودند، پس نزد قبر آن حضرت رفته و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پسر عمو - و بر این کلام بر دیگران می‌بالید -. پس حضرت کاظم علیه السلام نزد قبر پیش آمده و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پدر!! با شنیدن این کلام رنگ رخسار هارون دگرگون شد و آثار خشم در سیمایش هویدا گشت (الإحتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۹۳؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۸، ص ۱۳۵)

عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ع يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَشَّرَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَ الْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ فَبَشَّرَ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَكْمَلَ لِلنَّاسِ الْحُجَجَ بِالْعُقُولِ وَ نَصَرَ النَّبِيِّينَ بِالْبَيَانِ وَ دَلَّهُمْ عَلَى رُبُوبِيَّتِهِ بِالْأَدِلَّةِ فَقَالَ وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . يَا هِشَامُ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى مَعْرِفَتِهِ بِأَنَّ لَهُمْ مُدَبِّرًا فَقَالَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النَّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ وَ قَالَ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى مِنْ قَبْلِ وَ لَتَبْلُغُوا أَجْلًا مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَ قَالَ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ وَ قَالَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَ قَالَ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ صُنُوفٌ وَ غَيْرُ صُنُوفٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ وَ قَالَ وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرْسِلُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ وَ قَالَ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَ صَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَ قَالَ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . يَا هِشَامُ ثُمَّ وَعَظَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَ رَغَّبَهُمْ فِي الْآخِرَةِ فَقَالَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ . يَا هِشَامُ ثُمَّ خَوَّفَ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ عِقَابَهُ فَقَالَ تَعَالَى ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ. وَ إِنَّكُمْ لَتَمَرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ. وَ بِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ. وَ قَالَ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْرًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ وَ لَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَقْلَ مَعَ الْعِلْمِ فَقَالَ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ . يَا هِشَامُ ثُمَّ ذَمَّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ فَقَالَ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ

اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ وَ قَالَ وَ مِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمِثْلَ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عُمِي فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ وَ قَالَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ أ فَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ وَ لَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ وَ قَالَ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا وَ قَالَ لَا يُفَاتِلُونَكُمْ جَمِيعاً إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعاً وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ وَ قَالَ وَ تَتَسَوَّنَ أَنْفُسُكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ . يَا هِشَامُ ثُمَّ ذَمَّ اللَّهُ الْكَثْرَةَ فَقَالَ وَ إِنْ تُطْعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالَ وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَ قَالَ وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ . يَا هِشَامُ ثُمَّ مَدَحَ الْقَلَّةَ فَقَالَ وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشُّكُورُ وَ قَالَ وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ وَ قَالَ وَ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ قَالَ وَ مَنْ آمَنَ وَ مَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ وَ قَالَ وَ لَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَ قَالَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَ قَالَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْعُرُونَ . يَا هِشَامُ ثُمَّ ذَكَرَ أُولِي الْأَلْبَابِ بِأَحْسَنِ الذِّكْرِ وَ حَلَاهُمْ بِأَحْسَنِ الْحِلْيَةِ فَقَالَ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ وَ قَالَ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ وَ قَالَ إِنْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ وَ قَالَ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ وَ قَالَ أَمِنْ هُوَ قَانِتٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ وَ قَالَ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَذَّبُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ وَ قَالَ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَ أَوْثَرْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ هُدًى وَ ذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ وَ قَالَ وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ . يَا هِشَامُ إِنْ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٌ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ يَعْنِي عَقْلٌ وَ قَالَ وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ قَالَ الْفَهْمُ وَ الْعَقْلُ . يَا هِشَامُ إِنْ لُقْمَانَ قَالَ لِإِبْنِهِ تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ وَ إِنْ الْكَيْسَ لَدَى الْحَقِّ يَسِيرُ يَا بَنِي إِنْ الدُّنْيَا بَحْرٌ غَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ وَ حَشْوُهَا الْإِيمَانُ وَ شِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ وَ قِيَمُهَا الْعَقْلُ وَ دَلِيلُهَا الْعِلْمُ وَ سُكَّانُهَا الصَّبْرُ . يَا هِشَامُ إِنْ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَ دَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيبَةٌ وَ مَطِيبَةُ الْعَقْلِ التَّوَاضُّعُ وَ كَفَى بِكَ جَهْلًا أَنْ تَزَكَّبَ مَا نُهِيتَ عَنْهُ . يَا هِشَامُ مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ إِلَّا لِيَعْقِلُوا عَنْ اللَّهِ فَأَحْسَنُهُمْ اسْتِجَابَةً أَحْسَنُهُمْ مَعْرِفَةً وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ عَقْلاً وَ أَكْمَلُهُمْ عَقْلاً أَرْفَعُهُمْ دَرَجَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ . يَا هِشَامُ إِنْ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَ حُجَّةٌ بَاطِنَةٌ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ ع وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ . يَا هِشَامُ إِنْ الْعَاقِلَ الَّذِي لَا يَشْغُلُ الْحَلَالَ شُكْرُهُ وَ لَا يَغْلِبُ الْحَرَامَ صَبْرُهُ . يَا هِشَامُ مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ عَلَى

هَدَمَ عَقْلَهُ مَنْ أَظْلَمَ نُورَ تَفَكُّرِهِ بِطُولِ أَمَلِهِ وَ مَخَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِقُصُولِ كَلَامِهِ وَ أَظْفَأَ نُورَ عِبْرَتِهِ بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ وَ مَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينَهُ وَ دُنْيَاهُ . يَا هِشَامُ كَيْفَ يَزْكُو عِنْدَ اللَّهِ عَمَلُكَ وَ أَنْتَ قَدْ شَغَلْتَ قَلْبَكَ عَنْ أَمْرِ رَبِّكَ وَ أَطَعْتَ هَوَاكَ عَلَى غَلَبَةِ عَقْلِكَ . يَا هِشَامُ الصَّبْرُ عَلَى الْوَحْدَةِ عَلَامَةُ قُوَّةِ الْعَقْلِ فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا وَ الرَّاغِبِينَ فِيهَا وَ رَغِبَ فِيَمَا عِنْدَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ أُنْسَهُ فِي الْوَحْشَةِ وَ صَاحِبَهُ فِي الْوَحْدَةِ وَ غِنَاهُ فِي الْعَيْلَةِ وَ مُعِزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ . يَا هِشَامُ نَصَبُ الْحَقِّ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ وَ لَا نَجَاةَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَ الطَّاعَةُ بِالْعِلْمِ وَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ وَ التَّعَلُّمُ بِالْعَقْلِ يُعْتَقَدُ وَ لَا عِلْمُ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ رَبَّانِيٍّ وَ مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ بِالْعَقْلِ . يَا هِشَامُ قَلِيلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعَالِمِ مُقْبُولٌ مُضَاعَفٌ وَ كَثِيرُ الْعَمَلِ مِنْ أَهْلِ الْهَوَى وَ الْجَهْلِ مَزْدُودٌ . يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالْدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ وَ لَمْ يَرْضَ بِالْدُّنْيَا مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا فَلِذَلِكَ رِبَحَتْ تِجَارَتُهُمْ . يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكُوا قُصُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الذُّنُوبَ وَ تَرَكَ الدُّنْيَا الْفَضْلَ وَ تَرَكَ الذُّنُوبَ مِنَ الْفُرْضِ . يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا وَ إِلَى أَهْلِهَا فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ وَ نَظَرَ إِلَى الْآخِرَةِ فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ فَطَلَبَ بِالْمَشَقَّةِ أَبْقَاهُمَا . يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَ رَغَبُوا فِي الْآخِرَةِ لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا طَالِبَةٌ مَطْلُوبَةٌ وَ الْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَ مَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ وَ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتَهُ . يَا هِشَامُ مَنْ أَرَادَ الْغِنَى بِلَا مَالٍ وَ رَاحَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْحَسَدِ وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مَسْأَلَتِهِ بِأَنْ يَكْمَلَ عَقْلَهُ فَمَنْ عَقَلَ قَبِعَ بِمَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ قَبِعَ بِمَا يَكْفِيهِ اسْتَعْنَى وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ بِمَا يَكْفِيهِ لَمْ يَذْكُرْ الْغِنَى أَبَدًا . يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ حَكَمَى عَنْ قَوْمٍ صَالِحِينَ أَنَّهُمْ قَالُوا رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ حِينَ عَلِمُوا أَنَّ الْقُلُوبَ تَزِيغُ وَ تَعُودُ إِلَى عَمَاهَا وَ رَدَاهَا إِنَّهُ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ مَنْ لَمْ يَعْقِلِ عَنِ اللَّهِ وَ مَنْ لَمْ يَعْقِلِ عَنِ اللَّهِ لَمْ يَعْقِدْ قَلْبَهُ عَلَى مَعْرِفَةٍ ثَابِتَةٍ يُبْصِرُهَا وَ يَجِدُ حَقِيقَتَهَا فِي قَلْبِهِ وَ لَا يَكُونُ أَحَدٌ كَذَلِكَ إِلَّا مَنْ كَانَ قَوْلُهُ لِفِعْلِهِ مُصَدِّقًا وَ سِرِّهِ لِعَلَانِيَتِهِ مُوَافِقًا لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ اسْمُهُ لَمْ يَدُلَّ عَلَى الْبَاطِنِ الْخَفِيِّ مِنَ الْعَقْلِ إِلَّا بِظَاهِرٍ مِنْهُ وَ نَاطِقٍ عَنْهُ . يَا هِشَامُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ وَ مَا تَمَّ عَقْلٌ أَمْرِي حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالُ شَتَّى الْكُفْرِ وَ الشَّرِّ مِنْهُ مَأْمُونَانِ وَ الرُّشْدُ وَ الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولَانِ وَ فَضْلُ مَالِهِ مَبْدُولٌ وَ فَضْلُ قَوْلِهِ مَكْفُوفٌ وَ نَصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ لَا يَشْبَعُ مِنَ الْعِلْمِ دَهْرُهُ الذَّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مَعَ اللَّهِ مِنَ الْعِزِّ مَعَ غَيْرِهِ وَ التَّوَاضُّعُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الشَّرَفِ يَسْتَكْبِرُ قَلِيلُ الْمَعْرُوفِ مِنْ غَيْرِهِ وَ يَسْتَقِيلُ كَثِيرُ الْمَعْرُوفِ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَرَى النَّاسَ كُلَّهُمْ خَيْرًا مِنْهُ وَ أَنَّهُ شَرُّهُمْ فِي نَفْسِهِ وَ هُوَ تَمَامُ الْأَمْرِ . يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاهُ . يَا هِشَامُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا مُرُوءَةَ لَهُ وَ لَا مُرُوءَةَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَ إِنْ أُعْظِمَ النَّاسُ قَدْرًا الَّذِي لَا يَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطَرًا أَمَا إِنْ أَبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا بِغَيْرِهَا . يَا هِشَامُ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع كَانَ يَقُولُ إِنَّ مِنْ عَلَامَةِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ يُجِيبُ إِذَا سُئِلَ وَ يَنْطِقُ إِذَا عَجَزَ الْقَوْمُ عَنِ الْكَلَامِ وَ يُشِيرُ بِالرَّأْيِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِ

صَلَّاحُ أَهْلِهِ فَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ شَيْءٌ فَهُوَ أَحْمَقُ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ لَا يَجْلِسُ فِي صَدْرِ الْمَجْلِسِ إِلَّا رَجُلٌ فِيهِ هَذِهِ الْخِصَالُ الثَّلَاثُ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ فَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْهُنَّ فَجَلَسَ فَهُوَ أَحْمَقُ وَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع إِذَا؛ طَلَبْتُمْ الْخَوَائِجَ فَاطْلُبُوهَا مِنْ أَهْلِهَا قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنْ أَهْلُهَا قَالَ الَّذِينَ قَضَى اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَذَكَرَهُمْ فَقَالَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ قَالَ هُمْ أُولُو الْعُقُولِ وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع مَجَالِسَةُ الصَّالِحِينَ ذَا عِيَّةٍ إِلَى الصَّلَاحِ وَآدَابُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ وَطَاعَةُ وَلَاةِ الْعَدْلِ تَمَامُ الْعِزِّ وَاسْتِثْمَارُ الْمَالِ تَمَامُ الْمُرُوءَةِ وَإِشَادَةُ الْمُسْتَشِيرِ قَضَاءُ لِحَقِّ النِّعْمَةِ وَكَفُّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَفِيهِ رَاحَةُ الْبَدَنِ عَاجِلًا وَآجِلًا . يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَحْدُثُ مَنْ يَخَافُ تَكْذِيبَهُ وَلَا يَسْأَلُ مَنْ يَخَافُ مَنَعَهُ وَلَا يَعِدُ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَرْجُو مَا يُعْفَى بِرَجَائِهِ وَلَا يُقَدِّمُ عَلَى مَا يَخَافُ قُوَّتَهُ بِالْعُجْزِ عَنْهُ. هشام بن حکم گوید: موسی بن جعفر علیهم السلام به من فرمود: ای هشام خدای تبارک و تعالی صاحب عقل و فهم را در کتاب مژده داده است و فرموده (۲۰ سوره ۳۹) آن بندگان را که هر سخن را شنوند و از نیکوترش پیروی کنند مژده بده، ایشانند که خدا هدایتشان کرده و ایشانند صاحبان عقل. ای هشام همانا خدای متعال بواسطه عقل حجت را برای مردم تمام کرده و پیغمبران را بوسیله بیان یاری کرده و بسبب برهانها بر ربوبیت خویش دلالتشان نموده و فرموده است (۱۶۰ سوره ۲) خدای شما خدائست یگانه که جز او خدائی نیست و رحمان و رحیم است. در آفرینش آسمانها و زمین و تفاوت شب و روز و کشتی‌هاییکه به سود مردم در دریا روانست و آبی که خدا از آسمان فرو آورد که زمین را بعد از موات شدنش زنده گرداند و از همه جنبندگان در آن پرا کند و گردش باده‌ها و ابری که بین آسمان و زمین زیر فرمانست نشانه‌ایست بر ربوبیت ما برای مردمی که تعقل کنند. ای هشام خدا اینها را دلیل بر شناسائی خود قرار داده که مسلما مدبری دارند، پس فرموده است (۱۶۰ سوره ۲۵) و شب و روز خورشید و ماه را به خدمت شما گماشت و ستارگان تحت فرمان اویند در اینها برای گروهی که عقل خود را بکار اندازند نشانه‌ها است و باز فرمود (۷۰ سوره ۴۰) اوست که شما را از خاکی آفرید آنگاه از نطفه‌ای آنگاه از پاره گوشتی سپس شما را بصورت طفلی بیرون آورد تا هنگامیکه به کمال نیرو برسید و بعدا پیر شوید و بعضی از شما پیش از پیری بمیرد و به مدتی معین برسد شاید تعقل کنید. و باز فرموده: همانا در گردش شب و روز و رزقیکه خدا از آسمان فرستاد که زمین را بعد از موات شدنش زنده کرد و در گردش باده‌ها (و ابر مسخر در فضا) برای آنها که تعقل می‌کنند نشانه‌هاییست و باز فرمود (۱۶ سوره ۵۷) زمین را بعد از موات شدنش زنده می‌کند، این آیات را برای شما بیان می‌کنیم شاید تعقل کنید. و نیز فرمود (۴ سوره ۱۳) و باغها از تارک و کشتزار و نخلستان جفت هم و جدا از هم که همه از یک آب مشروب می‌شوند لیکن میوه بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده‌ایم در اینها آیات است برای کسانی که تعقل کنند و فرمود (۲۴ سوره ۳۰) از جمله آیه‌های وی این است که برق را برای بیم و امید به شما

بنمایاند و آسمان آبی نازل کند تا زمین را پس از موات شدنش زنده کند در اینها برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌هایی است و باز فرمود (۱۵۳ سوره ۶) بگو بیائید آنچه را پروردگارتان به شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را با او شریک می‌کنید و با پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید که شما و آنها را ما روزی می‌دهیم و به کارهای زشت چه عیان و نهانش نزدیک نشوید و تنی را که خدا محترم داشته نکشید مگر به حق. اینها است که خدا شما را به آن سفارش کرده شاید تعقل کنید. و نیز فرمود (۲۸ سوره ۳۰) مگر بعضی از بردگان شما نسبت به اموالیکه به شما داده‌ایم شریکتان می‌باشند تا دارائی برابر باشید و از آنها چنانچه از یکدیگر می‌ترسید بترسید آیات خود را اینگونه برای مردمی که تعقل می‌کنند شرح می‌دهیم. ای هشام پس خداوند صاحبان عقل را اندرز داده و به آخرت تشویقشان نموده (۳۳ سوره ۶) زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است چرا تعقل نمی‌کنید. ای هشام سپس خدا کسانی را که کيفرش را تعقل نمی‌کنند بیم داده و فرموده (۱۳۸ سوره ۳۷) سپس دیگران را هلاک ساختیم شما صبحگاهان و هنگام شب به آنها می‌گذرید پس چرا تعقل نمی‌کنید و فرموده (۳۵ سوره ۲۹) ما به مردم این دهکده بسبب گناهی که می‌کرده‌اند عذابی از آسمان فرمود آریم از این حادثه برای آنها که تعقل می‌کنند نشانه‌ای روشن بجا گذاشته‌ایم. ای هشام عقل همراه علم است و خدا فرموده (۴۳ سوره ۲۹) این مثلها را برای مردم می‌زنیم و جز دانشمندان تعقل نمی‌کنند ای هشام سپس کسانی را که تعقل نمی‌کنند نکوهش نموده و فرموده (۱۶۶ سوره ۲) و چون به مشرکان گویند از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید گویند: نه، بلکه از آئینی که پدران خویش را بر آن یافتیم پیروی میکنیم. و گرچه پدرانشان چیزی تعقل نکرده و هدایت نیافته بودند و فرموده داستان کافران چنانستکه شخصی به حیوانی که جز صدائی و فریادی نمی‌شنود بانگ زند ایشان کرانند و لالانند، کورانند پس تعقل نمی‌کنند، و فرموده (۴۳ سوره ۱۰) بعضی از آنها بسویت گوش فرا دهد اما مگر تو میتوانی بکران در صورتیکه تعقل هم می‌کنند بشنوانی و باز فرموده (۴۷ سوره ۲۵) مگر گمانبری بیشتر آنها می‌شنوند یا تعقل می‌کنند؟! ایشان جز به مانند چارپایان بلکه روش ایشان گمراهانه تر است. (۱۵ سوره ۴۹) با شما دسته جمعی کار زار نکنند مگر از درون دهکده‌ای مستحکم یا از پشت دیوارها، دلیری ایشان میان خودشان با شدت است، گمانبری باهمند اما دلهاشان پراکنده است، چنین است زیرا آنها گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند. و فرموده (۴۴ سوره ۲) خود را از یاد می‌برید در صورتی که کتاب آسمانی می‌خوانید مگر تعقل نمی‌کنید. ای هشام خدا اکثریت را نکوهش نموده و فرموده (۱۱۷ سوره ۶) اگر بخواهی از اکثریت مردم زمین پیروی کنی ترا از راه خدا به در برند. و فرمود (۲۵ سوره ۳۱) و اگر از آنها بپرسی که آسمانها و زمین را آفریده مسلما می‌گویند: خدا، بگو ستایش مخصوص خداست اما اکثریت آنها نمی‌دانند. و فرمود: (۶۳ سوره ۲۹) و اگر از آنها بپرسی

که از آسمان باران فرستد و زمین موatra بدان زنده کند قطعا می گویند: خدا، بگو: حمد خدا را اما اکثریت آنها تعقل نمی کنند. ای هشام سپس اقلیت را ستوده و فرموده (۱۳ سوره ۳۴) و کمی از بندگانم شکر گزارند و فرموده (۲۴ سوره ۳۸) (بسیاری از شریکان به یکدیگر ستم کنند مگر کسانی که ایمان دارند و کار شایسته کنند) و آنها کمند و فرموده (۲۹ سوره ۴) تنها يك مرد با ایمان از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان میداشت گفت: میخواهید مردی را بکشید که می گوید: پروردگارم خداست؟! و فرموده (۴۳ سوره ۱۱) جز اندکی بنوح ایمان نیاوردند و فرمود: (۳۸ سوره ۶) لیکن بیشترشان نمی دانند و فرموده (۱۰۳ سوره ۵) و بیشترشان تعقل نمی کنند. فرموده (۹) و بیشترشان ادراك نمیکنند. ای هشام سپس خداوند از صاحبان عقل به نیکوترین وجه یاد نموده و ایشان را بهترین زیور آراسته و فرموده (۲۸۲ سوره ۲) خدا بهر که خواهد حکمت دهد و هر که حکمت گیرد خیر بسیار گرفته است و جز صاحبان عقل در نیابند. و فرموده (۵ سوره ۳) آنها که دانش ریشه دارند گویند بقرآن ایمان داریم تمامش از نزد پروردگار ما است ولی جز صاحبان عقل در نیابند. و فرموده (۱۸۷ سوره ۳) همانا در آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز برای صاحبان عقل نشانه هاست. و فرموده (۲۰ سوره ۱۳) مگر آنکه میداند آنچه از پروردگارت بتو نازل شده حق است، مانند شخص کور است تنها صاحبان عقل در میابند. و فرموده (۱۰ سوره ۳۹) مگر آنکه در اوقات شب در حال سجده و قیام مشغول عبادت است و از آخرت بیم دارد و برحمت پروردگارش امیدوارست (مانند غیر او است) بگو مگر کسانی که دانند با کسانی که ندانند یکسانند صاحبان عقل در می یابند. و فرموده (۲۹ سوره ۳۸) کتاب پر برکتی را بسویت فرستادیم تا در آیاتش تدبیر کنند و تا صاحبان عقل متذکر شوند. و فرموده (۵۷ سوره ۴۰) موسی را هدایت دادیم و آن کتاب را که هدایت و پند صاحبان عقل بود میراث بنی اسرائیل کردیم. و فرموده (۵۶ سوره ۵۱) و پند ده که پند دادن مؤمنان را سود دهد. ای هشام خدای تعالی در کتابش می فرماید (۳۷ سوره ۵۰) همانا در این کتاب یاد آوری است برای کسی که دلی دارد (یعنی عقل دارد) و فرموده (۱۲ سوره ۳۱) (((همانا بلقمان حکمت دادیم))) فرمود مقصود از حکمت عقل و فهم است. ای هشام لقمان پیسرش گفت: حق را گردن نه تا عاقلترین مردم باشی همانا زیرکی در برابر حق ناچیز است پسر عزیزم دنیا دریای ژرفی است که خلقی بسیار در آن غرقه شدند (اگر از این دریا نجات می خواهی) باید کشتیت در این دریا تقوای الهی و آکنده آن ایمان و بادبانش توکل و ناخدایش عقل و رهبریش دانش و لنگرش شکیبائی باشد. ای هشام برای هر چیز رهبری است و رهبری عقل اندیشیدن و رهبر اندیشید خاموشی است و برای هر چیزی مرکبی است و مرکب عقل تواضع است، برای نادانی تو همین بس که مرتکب کاری شوی که از آن نهی شده ئی. ای هشام خدا پیغمبران و رسولانشرا بسوی بندگان نفرستاد مگر برای آنکه از خدا خردمند شوند (یعنی معلومات آنها مکتسب

از کتاب و سنت باشد نه از پیش خود) پس هر که نیکوتر پذیرد معرفتش بهتر است و آنکه بفرمان خدا دانایتر است عقلش نیکوتر است و کسیکه عقلش کاملتر است مقامش در دنیا و آخرت بالاتر است: ای هشام خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیغمبران و امامانند علیه السلام و حجت پنهان عقل مردم است. ای هشام عاقل کسی است که حلال او را سپاسگزاری باز ندارد و حرام بر صبرش چیره نشود. ای هشام هر که سه چیز را بر سه چیز مسلط سازد بویروانی عقلش کمک کرده است: آنکه پرتو فکرش را به آروزی درازش تاریک کند و آنکه شگفتیهای حکمتش را بگفتار بیهوده‌اش نابود کند و آنکه پرتو اندرز گرفتن خود را بخواهشهای نفسش خاموش نماید (هر که چنین کند) گویا هوس خود را برویروانی عقلش کمک داده و کسی که عقلش را ویران کند دین و دنیای خویش را تباه ساخته است. ای هشام چگونه کردارت نزد خدا پاک باشد که دل از فرمان پروردگارت باز داشته و علیه عقلت از هوس فرمان برده باشی. ای هشام صبر بر تنهایی نشانه قوت عقل است. کسی که از خدا خردمندی گرفت از اهل دنیا و دنیاطلبان کناره گیرد و به آنچه نزد خداست بپردازد و خدا انیس وحشت او و یار تنهایی او و اندوخته هنگام تنگدستی او و عزیز کننده اوست بی‌فامیل و تبار. ای هشام حق برای فرمانبرداری خدا بپا داشته شد، نجاتی جز بفرمانبرداری نیست و فرمانبرداری بسبب علم است و علم با آموزش بدست آید و آموزش بعقل وابسته است و علم جز از دانشمندان الهی بدست نیاید و شناختن علم بوسیله عقل است. ای هشام کردار اندک از عالم چند برابر پذیرفته شود و کردار زیاد از هواپرستان و نادانان پذیرفته نگردد. ای هشام همانا عاقل به کم و کاست دنیا با دریافت حکمت خشنود است و با کم کاست حکمت و رسیدن به دنیا خشنود نیست از این رو تجارتشان سودمند گشت. ای هشام همانا خردمندان زیاده بر احتیاج از دنیا را کنار نهادند تا چه رسد به گناهان با اینکه ترك دنیا فضیلت است و ترك گناه لازم. ای هشام عاقل به دنیا و اهل دنیا نگریست و دانست که دنیا جز با زحمت دست ندهد و به آخرت نگریست و دانست که آن هم جز با رحمت نیاید پس با زحمت در جستجوی پاینده تر آن برآمد (یعنی چون دید به دست آوردن دنیا و آخرت هر دو احتیاج به زحمت دارد با خود گفت چه بهتر که این زحمت را در راه تحصیل آخرت پاینده متحمل شوم). ای هشام خردمندان از دنیا رو گردانیده به آخرت روی آوردند زیرا ایشان دانستند که دنیا خواهان است و خواسته و آخرت هم خواهان است و خواسته و کسی که خواهان آخرت باشد دنیا او را بجوید تا روزیش را بطور کامل از دنیا برگیرد و کسی که دنیا طلبد آخرت او را جوید یعنی مرگش در رسد و دنیا و آخرتش را تباه سازد. ای هشام کسی که ثروت بدون مال و دل آسودگی از حسد و سلامتی دین خواهد باید با تضرع و زاری از خدا بخواهد که عقلش را کامل کند زیرا عاقل به قدر احتیاج قناعت کند و آنکه به قدر احتیاج قناعت کند بی‌نیاز گردد و کسی که بقدر احتیاج قناعت نکند هرگز بی‌نیازی نیابد. ای هشام

خدا از مردمی شایسته حکایت کند که آنها گفته‌اند (۸ سوره ۳) (((پروردگارا بعد از آنکه ما را هدایت فرمودی دل‌های مان را منحرف مساز و ما را از نزد خویش رحمتی بخشای که تو بخشاینده‌ای))) چون دانستند که دل‌ها منحرف شوند و به کوری و سرنگونی گرایند. همانا از خدا نترسد کسی که از جانب خدا خردمند نگردد و کسی که از جانب خدا خرد نیابد دلش بر معرفت ثابتی که بدان بینا باشد و حقیقتش را دریابد بسته نگردد و کسی که به دین سعادت رسد که گفتار و کردارش یکی شود و درونش با برونش موافق باشد زیرا خدایی که اسمش مبارک است بر عقل درونی پنهان جز به ظاهری که از باطن حکایت کند دلیلی نگذاشته است. ای هشام امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود: خدا با چیزی بهتر از عقل پرستش نشود و تا چند صفت در انسان نباشد عقلش کامل نشده است مردم از کفر و شرارتش در امان و به نیکی و هدایتش امیدوار باشند. زیادی مالش بخشیده زیادی گفتارش بازداشت شده باشد. بهره او از دنیا مقدار قوتش باشد. تا زنده است از دانش سیر نشود. ذلت با خدا را از عزت با غیر خدا دوست‌تر دارد. تواضع را از شرافت دوست‌تر دارد. نیکی اندک دیگران را زیاد و نیکی بسیار خود را اندک شمارد همه مردم را از خود بهتر داند و خود را از همه بدتر و این تمام مطلب است. ای هشام عاقل دروغ نگوید اگر چه دلخواه او باشد. ای هشام کسی که مردانگی ندارد دین ندارد کسی که عقل ندارد مردانگی ندارد. با ارزش‌ترین مردم کسی است که دنیا را برای خود منزلی نداند. همانا برای هدف‌های شما بهائی جز بهشت نیست پس آنرا به غیر بهشت نفروشید. ای هشام امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود: از جمله علامات عاقل این است که سه خصلت در او باشد. ۱- چون از او پرسند جواب دهد، ۲- و چون مردم از سخن در مانند او سخن گویند، ۳- و رأیی اظهار کند که به مصلحت همگنان باشد کسی که هیچ یک از این صفات ندارد احمق است، امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: در صدر مجلس نباید نشیند مگر مردی که این سه خصلت یا یکی از آنها را داشته باشد و کسی که هیچ ندارد و در صدر نشیند احمق است. و حسن بن علی علیه السلام فرمود حاجات خود را از اهلش خواهید عرض شد اهلش کیانند ای پسر پیغمبر؟ فرمود: آنها که خدا در کتابش بیان کرده و یاد نموده و فرموده: تنها صاحب دلان پند گیرند. و آنها خردمندانند. و علی بن حسین علیهما السلام فرمود: همنشینی با خوبان صلاح انگیز است و حسن اخلاق دانشمندان عقل خیز و فرمانبری از حاکمان عادل کمال عزت است و بهره برداری از ما کمال مردانگی و رهنمائی مشورت خواه ادای حق نعمت است و خودداری از آزار نشانه کمال عقل است و آسایش تن در دنیا و آخرت. ای هشام عاقل به کسی که بترسد تکذیبش کند خبر ندهد و از آنکه نگرانی مضایقه دارد چیزی نخواهد و به آنچه توانا؛ نیست وعده ندهد و به آنچه در امیدواریش سرزنش شود امید نبندد و به کاری که بترسد در آن درماند اقدام نکند.

خلاصه حالات دهمین معصوم ، هشتمین اختر امامت امام رضا(ع)

آن حضرت روز پنج شنبه یا جمعه ، ۱۱ ذی القعدة ، سال ۱۴۸ هجری قمری (در سال ولادت آن حضرت بین محدثین اختلاف است ، که از ۱۴۸ تا ۱۵۳ گفته اند. و برحسب ۱۱ / ذی القعدة / ۱۴۸ قمری ، طبق سال شمسی ۱۱ / آذرماه / ۱۴۴ می باشد)، يك سال پس از شهادت امام جعفر صادق علیه السلام در شهر مدینه منوره دیده بجهان گشود؛ و با ظهور نور طلعتش جهانی را روشنایی بخشید. نام : علی، صلوات الله و سلامه علیه . (نام و لقب مبارك حضرت به عنوان امام (علی، رضا) علیه السلام ، طبق حروف اءبجد کبیر، عدد ۱۱۰، ۱۰۰۱ می باشد)

کنیه : ابوالحسن ثانی ، ابوعلی و

اءلقاب : رضا، صابر، زکی، وفی، ولی، رضی، ضامن ، غریب ، نورالهدی ، سراج الله ، غیظ المحدثین ، غیاث المستغیثین و

پدر: امام موسی کاظم ، باب الحوائج إلی الله علیه السلام .

مادر: شقراء، معروف به خیزران ، امّ البنین ، و بعضی گفته اند: نجمه بوده است .

نقش انگشتر: حضرت دارای سه انگشتر بود، که نقش هر کدام به ترتیب عبارتند از:

(حَسْبِيَ اللَّهُ) ، (مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) ، (وَلِيَّيَ اللَّهُ) .

دربان : موّرخین ، دو نفر را به نام محمد بن فرات و محمد بن راشد به عنوان دربان حضرت گفته اند. مدّت امامت : بنابر مشهور، روز جمعه ، ۲۵ رجب ، سال ۱۸۳ هجری قمری ، پس از شهادت پدر مظلومش بلافاصله مسئولیت رهبری و امامت جامعه اسلامی را به عهده گرفت ، که تا سال ۲۰۳ یا ۲۰۶ به طول انجامید.

و در سال ۲۰۰ هجری قمری حضرت توسط ماءمون به خراسان احضار گردید.

مدّت عمر: در طول عمر آن حضرت بین ۴۹ تا ۵۷ سال بین موّرخین اختلاف است . و بر همین مبنا در مقدار و مدّت هم زیستی با پدر بزرگوارش ؛ و نیز در مدّت حیات پس از پدرش اختلاف می باشد، گرچه برخی گفته اند که آن حضرت ۲۹ سال و دوماه در زمان حیات پدر بزرگوارش زندگی نموده است در علت آمدن امام رضا علیه السلام به خراسان ، نیز بین موّرخین اختلاف است ؛ ولی می توان از مجموع گفته ها، این گونه استفاده نمود: چون هارون الرشید به هلاکت رسید، بغداد و حوالی آن در اختیار فرزندش امین ، و خراسان با حوالی آن تحت حکومت دیگر فرزندش ماءمون قرار گرفت .

پس از گذشت مدّتی کوتاه ، بین دو این برادر اختلاف و جنگ ، رونق گرفت و امین کشته شد.

در این بین ، ماءمون نیز جهت استحکام قدرت خود چنان ابراز داشت که از علاقه مندان خاندان علی بن ابی طالب و سادات بنی الزّهراء می باشد. بنابر این ، در سال ۲۰۰ هجری نامه ای به استاندار خود در شهر مدینه منوره فرستاد، تا حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام را از راه بصره اهواز،

(به گونه ای که از غیر مسیر شهر قم باشد) به خراسان منتقل گردانند. هنگامی که امام رضا علیه السلام به شهر مَرُؤ رسید، ماءمون عباسی به حضرتش پیشنهاد بیعت و خلافت را داد. ولی حضرت چون کاملاً نسبت به افکار و دسیسه های ماءمون و دیگر خلفاء بنی العباس آگاه و آشنا بود، پیشنهاد خلافت را از طرف ماءمون نپذیرفت. و ماءمون دو ماه به طور مرتب، با نیرنگ ها و شیوه های گوناگونی اصرار می ورزید که شاید امام علیه السلام بپذیرد؛ ولی چون از طریقی در رسیدن به هدف خویش موفق نگردید، در نهایت، حضرت را تهدید به قتل کرد. بر همین اساس امام علیه السلام مجبور گردید که ولایتعهدی را تحت شرائطی بپذیرد، که روز پنج شنبه، پنجم ماه مبارک رمضان، در سال ۲۰۱ بیعت انجام گرفت، مشروط بر آن که حضرت در هیچ کاری از امور حکومت دخالت ننماید. پس از آن که ماءمون به هدف خود رسید و از هر جهت حکومت خود را ثابت و استوار یافت، شخصا تصمیم قتل حضرت رضا علیه السلام را گرفت و به وسیله انگور زهرآلود، آن امام مظلوم و غریب را مسموم و شهید کرد.

شهادت: بنابر مشهور بین تاریخ نویسان، حضرت روز جمعه یا دوشنبه، آخر ماه صفر، در سال ۲۰۳ یا ۲۰۶ هجری قمری (تاریخ شهادت آن حضرت طبق سال شمسی: ۱۹ / شهریور / ۱۹۷، یا ۱۷ / مرداد / ۲۰۰ خواهد بود) به وسیله زهر مسموم شده و در سناباد خراسان شهید گردید؛ و به عالم بقاء رحلت نمود. و جسد مطهر و مقدس آن حضرت در منزل حمید بن قحطبه، کنار قبر هارون الرشید دفن گردید.

خلفاء هم عصر آنحضرت: امامت حضرت، هم زمان با حکومت هارون الرشید، فرزندش امین، عمویش ابراهیم، دومین فرزندش محمد، سومین فرزندش عبدالله ملقب به ماءمون عباسی مصادف گردید. تعداد فرزندان: عده ای گفته اند حضرت دارای پنج پسر و یک دختر به نام فاطمه بوده است؛ ولی اکثر مؤرخین بر این عقیده اند که حضرت بیش از یک پسر به نام ابوجعفر، امام محمد جواد علیه السلام نداشته است.

نماز آن حضرت: شش رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، ده مرتبه (هل ایتی علی الا انسان حین من الدھر لم یکن شیئا مذکوراً) خوانده می شود و بعد از آخرین سلام نماز، تسبیحات حضرت فاطمه زهراء علیها السلام گفته می شود؛ و سپس حوائج و خواسته های مشروعه خویش را از درگاه خداوند متعال مسئلت می نماید که انشاء الله تعالی برآورده خواهد شد.

(تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از: ۱، اصول کافی: ج ۱، کشف الغمّة: ج ۲، فصول المهمّة ابن صباغ مالکی، إلام الوری طبرسی: ج ۲، مجموعه نفیسه، تاریخ اهل بیت علیهم السلام، ینابیع المودّه، تهذیب الاحکام: ج ۶، جمال الاسبوع سید ابن طاووس، دعوات راوندی، دلائل الامامه طبری، عیون المعجزات و...)

احادیث امام رضا علیه السلام

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ زَاهَوِيَّه قَالَ لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا ع نَيْسَابُورَ وَ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ فَقَالُوا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَزْجُلُ عَنَّا وَ لَا تُحَدِّثُنَا بِحَدِيثٍ فَتُسْتَفِيدَهُ مِنْكَ وَ كَانَ قَدْ قَعَدَ فِي الْعَمَارِيَةِ فَأُطْلِعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي عَلِيٍّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» اسحاق بن زاهویه می گوید: چون حضرت رضا (ع) به نیشابور رسید و قصد خروج از آن (بسوی مأمون) را نمود، محدثان اطراف او گرد آمدند و عرضه داشتند: «ای پسر رسول خدا، آیا از میان ما کوچ می کنی و حدیثی که از آن سود ببریم بر ایمان بیان نمی کنی؟» امام (ع) در حالی که در کجاوه نشسته بود، سرش را بیرون آورد و فرمود: «شنیدم پدرم موسی بن جعفر می فرمود شنیدم پدرم جعفر بن محمد می فرمود شنیدم پدرم محمد بن علی می فرمود شنیدم پدرم امیرالمومنین، علی بن ابی طالب می فرمود شنیدم رسول خدا (ص) می فرمود شنیدم جبرئیل می گفت که شنیدم خداوند جلّ جلاله فرمود: لا اله الا الله دژ محکم من است، پس هر کس که داخل دژ من گردد از عذاب من در امان است. راوی می گوید چون قافله حرکت کرد حضرت فریاد زد: «با شرایط آن و من از شرایط آن هستم.» در جای دیگر دارد: ثُمَّ قَالَ الْإِبْشَرُوطُهَا وَ - قَالَ الْإِمَامُ - أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا وَ در جای دیگر دارد فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا الْإِبْشَرُوطُهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا. (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۴) قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ خِصَالُ ثَلَاثٍ: اتَّقِ اللَّهَ فِي الدِّينِ وَحَسُنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الرِّزَايَا، هِيَ بِنْدَةُ إِيْمَانِهِ رَأْسُهَا، وَشَكِيَابُهَا فِي مَرْمِصَتِهَا وَبَلَاهَا. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹، ح ۱)

قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنَ اللَّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنَ اللَّهِ فَكَثْمَانُ السَّرِّ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ مُدَارَاهُ النَّاسِ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ. مؤمن، حقیقت ایمان را درک نمی کند مگر آن که ۳ خصلت را دارا باشد: فرمود: مؤمن، حقیقت ایمان را درک نمی کند مگر آن که ۳ خصلت را دارا باشد: خصلتی از خداوند، که کتمان اسرار افراد باشد، خصلتی از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله که مدارا کردن با مردم باشد، خصلتی از ولی خدا که صبر و شکیبایی در مقابل شوائب و سختی ها را داشته باشد. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۴، ح ۱، مستدرک الوسائل: ج ۹، ص ۳۷، ح ۱۰۱۳۸)

ایضاً قَالَ الرضا علیه السلام : لا یَکُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَکُونَ فِیهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ : ۱ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ . ۲ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِیِّهِ . ۳ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِیِّهِ . فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَکَثْمَانُ سِرِّهِ . وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِیِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ . وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِیِّهِ فَالصَّبْرُ فِی الْبِأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ . مؤمن، مؤمن واقعی نیست، مگر آن که سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. اما سنت پروردگارش، پوشاندن راز خود است، اما سنت پیغمبرش، مدارا و نرم رفتاری با مردم است، اما سنت امامش، صبر کردن در زمان تنگدستی و پریشان حالی است. (تحف العقول : ۴۴۲)

قَالَ الرضا علیه السلام : لا یَکُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى یَکُونَ فِیهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِیِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِیِّهِ فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَکَثْمَانُ سِرِّهِ ، قَالَ اللَّهُ (جَل جَلَالُهُ) عَالِمُ الْغَیْبِ فَلَا یُظْهَرُ عَلَی غَیْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ أِزْتَضَى مِنْ رَسُولٍ . وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِیِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ ، فَإِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) أَمَرَ نَبِیَّهِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ فَقَالَ خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِیْنَ . وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِیِّهِ فَالصَّبْرُ فِی الْبِأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ ، یَقُولُ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) وَ الصَّابِرِیْنَ فِی الْبِأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِیْنَ الْبِأْسِ أُولَئِکَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ . مؤمن مؤمن نباشد تا در او سه خصلت باشد روشی از پروردگارش و روشی از پیغمبرش و روشی از امامش، روش پروردگارش راز پوشی است خدای جل جلاله فرماید دانای نهان است و احدی بر راز او مطلع نشود جز رسولی که خود پسندد روش پیغمبرش مدارا با مردم زیرا خدای عز و جل به پیغمبرش دستور مدارای با مردم داد و فرمود عفو پیشه کن و بنیکی دستور ده و از نادانان رو برگردان روش امامش شکیبائی در سختی و فکاری و گاه نبرد است خدای (عز و جل) می فرماید آنان که شکیبایند در سختی و فکاری و گاه نبرد هم آنان باشند که راستی کردند و هم آنها را پرهیزکاران. (امالی صدوق، ج ۱، ص ۳۳۹)

قَالَ الرضا علیه السلام : لَا یُجْمَعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ : بِبُخْلِ شَدِیدٍ ، وَ اَمَلٍ طَوِیلٍ ، وَ حِرْصٍ غَالِبٍ ، وَ قَطِیْعَةِ الرَّحْمِ ، وَ إِیْثَارِ الدُّنْیَا عَلَی الْآخِرَةِ . ثروت، انباشته نمی گردد مگر با یکی از پنج خصلت :

بخیل بودن ، آرزوی طول و دراز داشتن ، حریص بر دنیا بودن ، قطع صله رحم کردن ، آخرت را فدای دنیا کردن . (وسائل الشیعة : ج ۲۱، ص ۵۶۱، ح ۲۷۸۷۳)

قَالَ الرضا علیه السلام : لَا یُجْمَعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ : بِبُخْلِ شَدِیدٍ ، وَ اَمَلٍ طَوِیلٍ ، وَ حِرْصٍ غَالِبٍ ، وَ قَطِیْعَةِ الرَّحْمِ ، وَ إِیْثَارِ الدُّنْیَا عَلَی الْآخِرَةِ . ثروت، انباشته نمی گردد مگر با یکی از پنج خصلت: بخیل بودن، آرزوی طول و دراز داشتن، حریص بر دنیا بودن، قطع صله رحم کردن، آخرت را فدای دنیا کردن. «وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۶۱، ح ۲۷۸۷۳»

سئل الرضا علیه السلام عن خيار العباد؟ فقال (ع): الذين اذا احسنوا استبشروا، و اذا اساوا استغفروا و اذا اعطوا شكروا، و اذا ابتلو صبروا، و اذا غضبوا عفوا. از امام رضا (ع) درباره بهترین بندگان سوال شد. فرمود: آنان که هر گاه نیکی کنند خوشحال شوند، و هرگاه بدی کنند آمرزش خواهند، و هر گاه

عطا شوند شکر گزارند و هر گاه بلا بینند صبر کنند، و هر گاه خشم کنند در گذرند. (تحف العقول، ص ۴۴۵)

قَالَ الرضا عليه السلام: شِيعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لَا مَرْنَا، الْأَخْذُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُخَالِفُونَ لِأَعْدَائِنَا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا. شيعيان ما کسانی هستند که تسلیم امر و نهی ما باشند، گفتار ما را سرلوحه زندگی در عمل و گفتار خود قرار دهند، مخالف دشمنان ما باشند و هر که چنین نباشد از ما نیست. «جامع أحاديث الشيعة، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۲۳۴»

قَالَ الرضا عليه السلام: لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيَسْتَغْمِلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ، فَيَدْعُوْكُمْ خِيَارُكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ. باید هر يك از شماها امر به معروف و نهی از منکر نمائید، و گرنه شرورترین افراد بر شما تسلط یافته و آنچه که خوبان شما، دعا و نفرین کنند مستجاب نخواهد شد. «الذرة الباهرة، ص ۳۸»

قَالَ الرضا عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا عَهِدًا عَهِدًا، قِيلَ: كَيْفَ يَحْيَى أَمْرُكُمْ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ. رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را زنده نماید، سؤال شد: چگونه؟ حضرت پاسخ داد: علوم ما را فرا گیرد و به دیگران بیاموزد. (بحار الانوار: ج ۲، ص ۳۰، ح ۱۳)

قَالَ الرضا عليه السلام: لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيَسْتَغْمِلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ، فَيَدْعُوْكُمْ خِيَارُكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ. باید هر يك از شماها امر به معروف و نهی از منکر نمائید، و گرنه شرورترین افراد بر شما تسلط یافته و آنچه که خوبان شما، دعا و نفرین کنند مستجاب نخواهد شد. (الذرة الباهرة: ص ۳۸، س ۳، بحار: ج ۷۵، ص ۳۵۴، ح ۱۰)

قَالَ الرضا عليه السلام: أَنَا أَهْلُ بَيْتٍ نَرَى وَعَدْنَا عَلَيْنَا دِينًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ مَا أَهْلُ بَيْتٍ، وَعَدَهُ هَآؤُلَاءِ خُودَ رَا بَرَايِ خُودِمَانِ، بَدَهِي وَ دِينَ حَسَابِ مِي كَنِيمِ، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین می کردند. (تحف العقول، ص ۴۴۶)

قَالَ الرضا عليه السلام: كَمَالُ الدِّينِ وَلَا يَتَنَا وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا. کمال دین، در ولایت ما و بیزاری جستن از دشمن ماست. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۲۷، ص ۵۸)

قَالَ الرضا عليه السلام: أَوَّلُ مَا يَحَاسِبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ، الصَّلَاةُ، فَإِنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ صَحَّتْ مَسَاوَاهَا، وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَسَاوَاهَا. اولین عملی که از انسان مورد محاسبه و بررسی قرار می گیرد نماز است، چنانچه صحیح و مقبول واقع شود، بقیه اعمال و عبادات نیز قبول می گردد و گرنه مردود خواهد شد. (مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۲۵، ح ۴)

قَالَ الرضا عليه السلام: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ بَابٍ. نماز دارای چهار هزار جزء و شرط می باشد. (تهذیب الاحکام: ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۹۵۷)

قَالَ الرضا عليه السلام: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ. نماز، هر شخص باتقوا و پرهیزکاری را - به خداوند متعال - نزدیک کننده است. (وسائل الشیعة: ج ۴، ص ۴۳، ح ۴۴۶۹)

عَنْ دُعْبَلِ بْنِ عَلِيٍّ: أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرضا عليه السلام وَ أَمَرَ لَهُ بِشَيْءٍ، فَأَخَذَهُ وَ لَمْ يَحْمَدِ اللَّهَ. قَالَ: فَقَالَ لَهُ: لَمْ يَحْمَدِ اللَّهَ! قَالَ: ثُمَّ دَخَلْتُ بَعْدُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَرَ لِي بِشَيْءٍ، فَقُلْتُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ. فَقَالَ لِي: تَأَدَّبْتُ؛ دُعْبَلِ بْنِ عَلِيٍّ بِهِ خِدْمَتِ إِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسِيدٌ وَ إِمَامٌ أَمْرٌ فَرَمُودُنْدِ أَنْعَامِي بِهِ أَوْ بَدَهْنْدِ. دُعْبَلِ أَنْ رَا كَرَفْتِ، أَمَا خُدا رَا سِپَاسِ نَكُفْتِ. إِمَامٌ بِهِ أَوْ فَرَمُودُنْدِ: چَرا خُداوند رَا سِپَاسِ نَكُفْتِ؟! دُعْبَلِ كُفْتِ: پس از مدتی بار دیگر خدمتِ إِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسِيدٌ وَ ایشان فَرَمُودُنْدِ أَنْعَامِي بِهِ مِنْ بَدَهْنْدِ. مِنْ كُفْتِ: خُدا رَا سِپَاسِگِزارم. إِمَامٌ بِهِ مِنْ فَرَمُودُنْدِ: ادب را به جا آوردی. (کافی-ط-الاسلامیه) ج ۱، ص ۴۹۶)

قَالَ الرضا عليه السلام: كَمَالُ الدِّينِ وَ لَا يَتَنَبَّأُ الْبِرَّاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا. کمال دین، در ولایت ما و بیزاری جستن از دشمن ماست. (بحار الانوار-ط-بیروت) ج ۲۷، ص ۵۸)

قَالَ الرضا عليه السلام: أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلَطْفُهُمْ بِأَهْلِهِ، وَ أَنَا أَلَطْفُكُمْ بِأَهْلِي. نیکوترین مردم از نظر ایمان، خوش خلق‌ترین و با لطف‌ترین آنها نسبت به اهل خویش است. (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۸)

قَالَ الرضا عليه السلام: إِنَّ الْإِيْمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بَدَرَجَةٍ، وَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيْمَانِ بَدَرَجَةٍ وَ لَمْ يَعْطِ بَنُو آدَمَ أَفْضَلُ مِنَ الْيَقِينِ؛ إِيْمَانٌ يَكُ دَرَجَةً بَالَا تَرِ از اِسْلَامِ اسْتِ، وَ تَقْوَا يَكُ دَرَجَةً بَالَا تَرِ از إِيْمَانِ اسْتِ وَ بَهْ فَرَزَنْدِ آدَمِ چِیزِی بَالَا تَرِ از یَقِینِ دَا دَهْ نَشْدِهْ اسْتِ. (تحف العقول، ص ۴۴۵)

قَالَ الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُؤَخِّرُ إِبْجَابَةَ الْمُؤْمِنِ شَوْقًا إِلَى دُعَائِهِ وَ يَقُولُ: صَوْتُ أَحَبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ، وَ يُعَجِّلُ إِبْجَابَةَ دُعَاءِ الْمُتَنَافِقِ وَ يَقُولُ: صَوْتُ أَكْرَهَ سَمَاعَهُ؛ خُداوند اِجَابَتِ دُعَايِ مُؤْمِنِ رَا بَهْ شَوْقِ (شَنیدَن) دُعَایشِ بَهْ تَأْخِیرِ مِیْ اَنْدَا زِدِ وَ مِیْ گوید: «صدایی اسْتِ که دوست دارم آن را بشنوم» وَ دَرِ اِجَابَتِ دُعَايِ مُنَافِقِ عَجَلِهْ مِیْ کَنْدِ وَ مِیْ گوید: صدایی اسْتِ که از شنیدنش بدم می آید. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، ص ۱۹۴ - فقه الرضا عليه السلام، ص ۳۴۵)

قَالَ الرضا عليه السلام: أَنَا أَهْلُ بَيْتٍ نَرَى وَ عَدْنَا عَلَيْنَا دِينًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ مَا أَهْلُ بَيْتِ، وَعَدَهْ هَايِ خُودِ رَا بَرَايِ خُودِمَانِ، بَدَهْیِ وَ دِینِ حِسَابِ مِیْ کَنِیمْ، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین می کردند. (تحف العقول، ص ۴۴۶)

قَالَ الرضا عليه السلام: إِنَّمَا أَمْرُوا بِالصَّوْمِ لِكَيْ يَعْرِفُوا أَلَمَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ فَيَسْتَدْلُوا عَلَى فَقْرِ الْآخِرَةِ؛ مَرْدَمِ بَهْ اَنْجَامِ رُوزِهْ اَمْرِ شْدِهْ اَنْدِ تَا دَرْدِ گِرسَنگی وَ تَشَنگی رَا بَفَهْمَنْدِ وَ بَهْ واسطه آن فقر و بیچارگی آخرت را بیابند. (وسائل الشیعه ج ۱۰، ص ۹ - هدایه الائمة علیهم السلام ج ۴، ص ۱۶۹)

قَالَ الرضا عليه السلام: كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضاحكاً، چون ماه محرم فرا می رسید، کسی پدرم را خندان نمی دید. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۴۴، ص ۲۸۴)

قَالَ الرضا عليه السلام: مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس اندوه و مشکلی را از مومنی بر طرف نماید خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش بر طرف سازد. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۲۰۰)

قَالَ الرضا عليه السلام: أَحْسَنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي، أَنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَ أَنْ شَرًّا فَشَرًّا؛ به خداوند خوش گمان باش، زیرا خدای عزوجل می فرماید: من نزد گمان بنده مؤمن خویش هستم، اگر به من خوش گمان باشد، به خوبی با او رفتار می کنم و اگر به من بدگمان باشد، به بدی با او رفتار می کنم. (کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۷۲)

قَالَ الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُؤَخِّرُ إِبْجَابَةَ الْمُؤْمِنِ شَوْقًا إِلَى دُعَائِهِ وَيَقُولُ: صَوْتُ أَحَبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ، وَيُعَجِّلُ إِبْجَابَةَ دُعَاءِ الْمُنَافِقِ وَيَقُولُ: صَوْتُ أَكْرَهَ سَمَاعَهُ؛ خداوند اجابت دعای مؤمن را به شوق (شنیدن) دعایش به تأخیر می اندازد و می گوید: «صدایی است که دوست دارم آن را بشنوم» و در اجابت دعای منافق عجله می کند و می گوید: صدایی است که از شنیدنش بدم می آید. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، ص ۱۹۴ - فقه الرضا عليه السلام، ص ۳۴۵)

قَالَ الرضا عليه السلام: مَنْ قَرَأَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ آيَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛ هر کس ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا را قرائت کند مثل اینست که در ماههای دیگر تمام قرآن را بخواند. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۹۳، ص ۳۴۱)

الحسن بن الجهم: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَنْسَنِي مِنَ الدُّعَاءِ. قَالَ: (أ) وَتَعْلَمُ أَنِّي أَنْسَاكَ؟ فَتَفَكَّرْتُ فِي نَفْسِي وَقُلْتُ: هُوَ يَدْعُو لِشِيعَتِهِ وَأَنَا مِنْ شِيعَتِهِ، قُلْتُ: لَا، لَا تَنْسَانِي. قَالَ: وَكَيْفَ عَلِمْتَ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: إِنِّي مِنْ شِيعَتِكَ، وَإِنَّكَ لَتَدْعُو لَهُمْ. فَقَالَ: هَلْ عَلِمْتَ بَشْيَءٍ غَيْرَ هَذَا؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَكَ عِنْدِي فَانْظُرْ (إِلَى) مَا لِي عِنْدَكَ. حَسَنُ بْنُ جَهْمٍ نَقَلَ عَنْ أَبِيهِ كُنِيَ بِهِ إِمَامُ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَقَوْلِهِ: «مَرَّ بِمَنْزِلٍ فَرَامُوشَ مَكْنَى. حَضَرَتْهُ فَرَمُودُ: «گمان می کنی که من فراموش می کنم؟» اندکی در خودم اندیشیدم و با خود گفتم: او برای شیعیانش دعا می کند و من نیز از شیعیانم هستم. آن گاه گفتم: نه، فراموش نمی کنی. فرمود: «از کجا فهمیدی؟» گفتم: من از شیعیانم هستم و تو برایشان دعا می کنی. فرمود: «آیا متوجه چیز دیگری جز این شدی؟». گفتم: نه. فرمود: «هرگاه خواستی بدانی که نزد من چه جایگاهی داری، ببین من نزدت چه جایگاهی دارم.» (اصول کافی جلد چهارم ص ۲۷۰)

قَالَ الرضا عليه السلام: فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النِّسَاءِ فِي الْوُضُوءِ أَنْ تَبْدَأَ الْمَرْءَةَ بِبِاطْنِ ذِرَاعِهَا وَالرَّجُلَ بِظَاهِرِ الذَّرَاعِ. خداوند در وضو بر زنان لازم دانسته است که از جلوی آرنج دست، آب بریزند و مردان

از پشت آرنج . (این عمل از نظر فتوای مراجع تقلید مستحب می باشد). (وسائل الشیعة: ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۲۳۸)

قال الرضا عليه السلام: مَنْ لَمْ يَفْدَرْ عَلَى مَا يَكْفُرُ بِهِ ذُنُوبَهُ، فَلْيَكْثُرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَذَا. کسی که توان جبران گناهانش را ندارد، زیاد بر حضرت محمد و اهل بیتش علیهم السلام صلوات و درود فرستد، که همانا گناهانش اگر حق الناس نباشد محو و نابود گردد. (جامع الاخبار ص ۵۹، بحارالانوار: ج ۹۱، ص ۴۷، ح ۲)

قال الرضا عليه السلام: الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّكْبِيرَ. فرستادن صلوات و تحیت بر حضرت محمد و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام در پیشگاه خداوند متعال، پاداش گفتن (سبحان الله، لا اله الا الله، الله اكبر) را دارد. (اعمالی شیخ صدوق ص ۶۸، بحارالانوار: ج ۹۱، ص ۴۷، ضمن ح ۲)

قال الرضا عليه السلام: لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بَأَهْلِهَا. چنانچه زمین لحظه ای خالی از حجت خداوند باشد، اهل خود را در خود فرو می برد. (علل الشرایع: ص ۱۹۸، ح ۲۱)

قال الرضا عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ، فَقِيلَ لَهُ: وَمَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّعَاءُ. بر شما باد به کارگیری سلاح پیامبران، به حضرت گفته شد: سلاح پیغمبران علیهم السلام چیست؟ در جواب فرمود: توجه به خداوند متعال؛ و دعا کردن و از او کمک خواستن می باشد. (بصائر الدرجات: جزء ۶، ص ۳۰۸، باب ۸، ح ۵)

قال الرضا عليه السلام: صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَلَى غِيَالِهِ. هر که به هر مقداری که در توانش می باشد، باید برای اهل منزل خود انفاق و خرج کند. (وسائل الشیعة: ج ۲۱، ص ۵۴۰، ح ۲۷۸۰۷)

قال الرضا عليه السلام: الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَغْذِيبٌ وَلَعْنَةٌ، وَإِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ. مریضی، برای مؤمن سبب رحمت و آمرزش گناهانش می باشد و برای کافر عذاب و لعنت خواهد بود. سپس افزود: مریضی، همیشه همراه مؤمن است تا آن که از گناهانش چیزی باقی نماند و پس از مرگ آسوده و راحت باشد. (بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۱۸۳، ح ۳۵، ثواب الاعمال: ص ۱۷۵)

قال الرضا عليه السلام: إِذَا اكْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلَا يَدْعُ إِثْمًا يَأْكُلُ بِاللَّيْلِ شَيْئًا، فَإِنَّهُ إِهْدَاءٌ لِنَفْسِهِ، وَاعْظِيْبُ لِلنَّكْهَةِ. وقتی که مرد به مرحله پیری و کهولت سن برسد، حتما هنگام شب قبل از خوابیدن مقداری غذا تناول کند که برای آسودگی خواب مفید است، همچنین برای هم خوابی و زناشویی سودمند خواهد بود. (محاسن برقی: ص ۴۲۲، ح ۲۰۸)

قَالَ الرضا عليه السلام : إِنَّمَا يَرَادُ مِنَ الْأَمَامِ قِسْطُهُ وَ عَدْلُهُ، إِذَا قَالَ صَدَقَ، وَ إِذَا حَكَمَ عَدَلَ، وَ إِذَا وَعَدَ أُنْجِزَ. همانا از امام و راهنمای جامعه، مساوات و عدالت خواسته شده است که در سخنان صادق، در قضاوت ها عادل و نسبت به وعده هایش وفا نماید. (الدَّزَّةُ الْبَاهِرَةُ : ص ۳۷، س ۱۳، بحار: ج ۷۵، ص ۳۵۴، س ۵)

قَالَ الرضا عليه السلام : لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَّرُوا فِي الطَّعَامِ، لَأَسْتَقَامَتْ أَعْبَادُهُمْ. چنانچه مردم خوراک خویش را کم کنند و پر خوری ننمایند، بدن های آن ها دچار امراض مختلف نمی شود. (مستدرک الوسائل : ج ۲، ص ۱۵۵، ح ۳۰)

قَالَ الرضا عليه السلام : مَنْ خَرَجَ فِي حَاجَةٍ وَ مَسَحَ وَجْهَهُ بِمَاءِ الْوُزْدِ لَمْ يَزْهَقْ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَلَا ذَلَّةٌ. هرکس هنگام خروج از منزل برای حوایج زندگی خود، صورت خویش را با گلاب خوشبو و معطر نماید، دچار ذلت و خواری نخواهد شد. (مصادقة الاخوان شيخ صدوق : ص ۵۲، ح ۱)

قَالَ الرضا عليه السلام : إِنَّ فِي الْهِنْدَبَاءِ شِفَاءً مِنْ أَلْفِ دَاءٍ، مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ إِلَّا لَقَمَعَهُ الْهِنْدَبَاءُ. گیاه کاسنی شفا ی هزار نوع درد و مرض است، کاسنی هر نوع مرضی را در درون انسان ریشه کن می نماید. (وسائل الشیعة : ج ۲۵، ص ۱۸۳، ح ۳۱۶۹۳)

قَالَ الرضا عليه السلام : السَّخَى يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَاءِ كُلُّوْا مِنْ طَعَامِهِ، وَ الْبَخِيلُ لِيَاءِ كُلِّ طَعَامِ النَّاسِ لِكَيْلِيَاءِ كُلُّوْا مِنْ طَعَامِهِ. افراد سخاوتمند از خوراک دیگران استفاده می کنند تا دیگران هم از امکانات ایشان بهره گیرند و استفاده کنند؛ ولیکن افراد بخیل از غذای دیگران نمی خورند تا آن ها هم از غذای ایشان نخورند. (مستدرک الوسائل : ج ۱۵، ص ۳۵۸، ح ۸)

قَالَ الرضا عليه السلام : شِيعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لَا مَرْنَا، الْأَخْذُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُخَالِفُونَ لَا عِدَانَا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا. شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر و نهی ما باشند، گفتار ما را سرلوحه زندگی در عمل و گفتار خود قرار دهند، مخالف دشمنان ما باشند و هر که چنین نباشد از ما نیست. (جامع احادیث الشیعة : ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۲۳۴، بحار: ج ۶۵، ص ۱۶۷، ح ۲۴)

قَالَ الرضا عليه السلام : مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا، فَبَكَى وَ آءَىكى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ، وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يَخِي فِيهِ أَعْمُرْنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ. هر که مصائب ما اهل بیت عصمت و طهارت را یادآور شود و گریه کند یا دیگری را بگریاند، روزی که همه گریان باشند او نخواهد گریست، و هر که در مجلسی بنشیند که علوم و فضائل ما گفته شود همیشه زنده دل خواهد بود. (وسائل الشیعة : ج ۱۴، ص ۵۰۲، ح ۱۹۶۹۳)

قَالَ الرضا عليه السلام : الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً، وَالْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَحْذُولٌ، وَالْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ. انجام دادن حسنه و کار نیک به صورت مخفی، معادل هفتاد حسنه است؛ و آشکار

ساختن گناه و خطا موجب خواری و پستی می گردد و پوشاندن و آشکار نکردن خطا و گناه موجب آمرزش آن خواهد بود. (وسائل الشیعة: ج ۱۶، ص ۶۳، ح ۲۰۹۹۰)

أَنَّهُ سَأَلَ مَا الْعَقْلُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّجَرُّعُ لِلْغُصَّةِ، وَ مُدَاهَنَةُ الْأَعْدَاءِ، وَ مُدَارَاةُ الْأَصْدِقَاءِ. از امام رضا علیه السلام سؤال شد که عقل و هوشیاری چگونه است؟ حضرت در جواب فرمود: تحمل مشکلات و ناملایمات، زیرک بودن و حرکات دشمن را زیر نظر داشتن، مدارا کردن با دوستان می باشد - که اختلاف نظرها سبب فتنه و آشوب نشود - (اعمالی شیخ صدوق: ص ۲۳۳، ح ۱۷)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بَتَحْرِيمِ الْخَمْرِ، وَ أَنْ يَقْرَأَ بَأْنَ اللَّهِ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ. خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاده مگر آن که در شریعت او شراب و مسکرات حرام بوده است، همچنین هر یک از پیامبران معتقد بودند که خداوند هر آنچه را اراده کند انجام میدهد. (بحارالانوار: ج ۴، ص ۹۷، ح ۳) قَالَ الرضا عليه السلام: لَا تَتَرَكُوا الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ. سعی نمائید هر روز، از عطر استفاده نمائید و اگر نتوانستید یک روز در میان، و اگر نتوانستید پس هر جمعه خود را معطر و خوشبو گردانید (با رعایت شرائط زمان و مکان). (مستدرک الوسائل: ج ۶، ص ۴۹، ح ۶)

قَالَ الرضا عليه السلام: إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حُبْسَ الْمَطَرِ، وَ إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ، وَ إِذَا حُبِسَتْ الزُّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي. هرگاه والیان و مسئولان حکومت دروغ گویند باران نمی بارد، و اگر رئیس حکومت، ظلم و ستم نماید پایه های حکومتش سست و ضعیف می گردد؛ و چنانچه مردم زکات و خمس مالشان را نپردازند چهارپایان می میرند. (اعمالی شیخ طوسی: ص ۸۲، مستدرک الوسائل: ج ۶، ص ۱۸۸، ح ۱)

قَالَ الرضا عليه السلام: الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ أَرْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَمَنْ نَامَ فِيمَا بَيْنَهُمَا نَامَ عَنْ رِزْقِهِ. ما بین طلوع سپیده صبح تا طلوع خورشید ملائکه الهی ارزاق انسان ها را سهمیه بندی می نمایند، هرکس در این زمان بخوابد غافل و محروم خواهد شد. (وسائل الشیعة: ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۶۵۳۳)

قَالَ الرضا عليه السلام: مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هرکس مشکلی از مؤمنی را بر طرف نماید و او را خوشحال سازد، خداوند او را در روز قیامت خوشحال و راضی می گرداند. (اصول کافی: ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۴، وسائل الشیعة: ج ۱۶، ص ۳۷۲، ح ۶)

قَالَ الرضا عليه السلام: إِنْ نَا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ بِحَقِيقَةِ التَّفَاقُقِ. همانا ما اهل بیت عصمت و طهارت چنانچه شخصی را بنگریم، ایمان و اعتقاد او را می شناسیم که اعتقادات درونی و افکار او چگونه است. (إعلام الوری: ج ۲، ص ۷۰، بصائر الدرجات: جزء ۸، ص ۳۰۸، ح ۵)

قال الرضا عليه السلام : إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ، يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ، إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ. همانا سکوت و خاموشی راهی از راه های حکمت است ، سکوت موجب محبت و علاقه می گردد، سکوت راهنمایی برای کسب خیرات می باشد. (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰ . مستدرک الوسائل : ج ۹، ص ۱۶، ح ۱۰۰۷۳)

قال الرضا عليه السلام : مِنَ السُّنَّةِ التَّزْوِيجُ بِاللَّيْلِ، لَا نَّ اللَّهُ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَالنَّسَاءُ إِثْمًا هُنَّ سَكَنٌ. بهترین وقت برای تزویج و زناشویی شب است که خداوند متعال شب را وسیله آرامش و سکون قرار داده، همچنین زنان آرام بخش و تسکین دهنده میباشند. (وسائل الشیعة: ج ۳، ص ۹۱، ح ۲۲۰۴۰)

قال الرضا عليه السلام : الْأَخُ الْأَكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِ. برادر بزرگ جانشین و جایگزین پدر خواهد بود. (وسائل الشیعة : ج ۲۰، ص ۲۸۳، ح ۲۵۶۳۶)

قال الرضا عليه السلام : أَنْمَا تَغْضَبُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَلَا تَغْضَبُ لَهُ بَاءً كَثَرَ مِمَّا غَضِبَ عَلَى نَفْسِهِ. چنانچه در موردی خواستی غضب کنی و برای خدا برخورد نمائی ، پس متوجه باش که غضب و خشم خود را در جهت و محدوده رضایت و خوشنودی خداوند، اعمال کن . (عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۴۴)

قال الرضا عليه السلام : خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْثُ، تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ، إِيَّاهُ الْبَرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا سَتَغْفَرَ لَكَ، وَ إِيَّاهُ الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا لَعَنَهُ، وَ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبُهَائِمُ وَ الطَّيْرُ. بهترین کارها، شغل کشاورزی است ، چون که در نتیجه کشت و تلاش ، همه انسان های خوب و بد از آن استفاده می کنند. اما استفاده خوبان سبب آموزش گناهان می باشد، ولی استفاده افراد فاسد و فاسق موجب لعن ایشان خواهد شد، همچنین تمام پرندگان از تلاش و نتیجه کشت بهره مند خواهند شد. (الکافی : ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۵)

قال الرضا عليه السلام : أَنْمَا جَعَلَتِ الْجَمَاعَةُ لِئَلَّا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْإِسْلَامُ وَ الْعِبَادَةُ لِلَّهِ الْإِظْهَارًا مَكْشُوفًا مَشْهُورًا. نماز جماعت قرار داده شده است ، تا اخلاص و یگانگی و اسلام و عبادت برای خداوند آشکار، باز و ظاهر باشد. (وسائل الشیعه ، ج ۵، ص ۳۷۲. بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۲)

و لَا تَصْلِيْ خَلْفَ فَاجِرٍ وَ لَا يَقْتَدِي الْإِبَاهِلَ الْوَلَايَةِ. پشت سر آدم فاجر نماز نخوان ، اقتدا فقط بر شخص اهل ولایت اهل بیت عصمت و طهارت جایز است . (تحف العقول ، ص ۳۰۸)

قال الرضا عليه السلام : مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا، فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ، وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ. هر که مصائب ما اهل بیت عصمت و طهارت را یادآور شود و گریه کند یا دیگری را بگریاند، روزی که همه گریان باشند او نخواهد گریست، و هر که در مجلسی بنشیند که علوم و فضائل ما گفته شود همیشه زنده دل خواهد بود. «وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲، ح ۱۹۶۹۳»

قَالَ الرضا عليه السلام : ما مِنْ عَبْدٍ زَارَ قَبْرَ مُؤْمِنٍ، فَقَرَأَ عَلَيْهِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلصاحب القبر. هر بنده ای از بندگان خداوند بر قبر مؤمنی جهت زیارت حضور یابد و هفت مرتبه سوره مبارکه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را بخواند، خداوند متعال گناهان او و صاحب قبر را مورد بخشش و آمرزش قرار می دهد. «من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۵۴۱»

قَالَ الرضا عليه السلام : السَّخِيُّ يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ، وَالْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِكَيْلَا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ. افراد سخاوتمند از خوراک دیگران استفاده می کنند تا دیگران هم از امکانات ایشان بهره گیرند و استفاده کنند؛ ولیکن افراد بخیل از غذای دیگران نمی خورند تا آن ها هم.

«مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۵۸، ح ۸»

قَالَ الرضا عليه السلام : الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَ رَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَ لَعْنَةٌ، وَإِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ. مریضی، برای مؤمن سبب رحمت و آمرزش گناهانش می باشد و برای کافر عذاب و لعنت خواهد بود. سپس افزود: مریضی، همیشه همراه مؤمن است تا آن که از گناهانش چیزی باقی نماند و پس از مرگ آسوده و راحت باشد. «بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۸۳، ح ۳۵»

قَالَ الرضا عليه السلام : لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. چنانچه زمین لحظه ای خالی از حجت خداوند باشد، اهل خود را در خود فرو می برد. «علل الشرایع، ص ۱۹۸، ح ۲۱»

قَالَ الرضا عليه السلام : لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ؛ در خانه ای که نام یکی از زنان فاطمه باشد محرومیت داخل نمی شود. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۲۹. به نقل از مرکز نشر اعتقادات، «امام هشتم شیعیان خودشان نام نیکوی محمد را بر فرزند دلبندهش نهاد و از تاثیر این نام نیکو چنین پرده برداشت: خانه ای که در آن نام محمد باشد، روز و شبشان را با خیر و نیکی به پایان می رسانند»

قَالَ الرضا عليه السلام : لَيْسَ مَنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَا؛ از ما نیست آن که دنیای خود را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک گوید. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، ج ۸، ص ۲۲۳ - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶)

قَالَ الرضا عليه السلام : لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الاجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ اتِّكَالاً عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) لِمَرِّهِمْ اتِّكَالاً عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ؛ مبدا اعمال نیک را به اتکای دوستی آل محمد (ص) رها کنید، مبدا دوستی آل محمد (ص) را به اتکای اعمال صالح از دست بدهید، زیرا هیچ کدام از این دو، به تنهایی پذیرفته نمی شود. (فقه الرضا ص ۳۳۹ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۷۵، ص ۳۴۷ و ۳۴۸)

قَالَ الرضا عليه السلام : يُوْخَذُ الْعُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَهُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ. پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند. (وسائل الشیعة: ج ۲۱، ص ۴۶۰، ح ۲۷۵۸۰)

قَالَ الرضا عليه السلام : مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ قَرَّتْ بِنَا فِي الْجَنَانِ عَيْنُهُ. هرکس روز عاشورای امام حسین علیه السلام ، دنبال کسب و کار نرود (و مشغول عزاداری و حزن و اندوه گردد)، خداوند متعال خواسته ها و حوائج دنیا و آخرت او را برآورده می نماید؛ و در بهشت چشمش به دیدار ما -اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام - روشن می گردد. (عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۷)

قَالَ الرضا عليه السلام : مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ، كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ. هر مؤمنی که قبر امام حسین علیه السلام را کنار شط فرات در کربلاء زیارت کند همانند کسی است که خداوند متعال را بر فراز عرش زیارت کرده باشد. (مستدرک الوسائل : ج ۱۰، ص ۲۵۰، ح ۳۸)

كَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَبْلَغُ شِيعَتِي : اِنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اَلْفَ حَجَّةٍ، فَقُلْتُ لَا بِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْفَ حَجَّةٍ؟ قَالَ : اِي وَاللَّهِ، وَ اَلْفَ اَلْفَ حَجَّةٍ، لَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ. امام رضا علیه السلام به یکی از دوستانش نوشت : به دیگر دوستان و علاقمندان ما بگو: ثواب زیارت قبر من معادل است با يك هزار حج. راوی گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم : هزار حج برای ثواب زیارت پدرت می باشد؟! فرمود: بلی ، هر که پدرم را با معرفت در حقش زیارت نماید، هزار هزار یعنی يك میلیون حج ثواب زیارتش می باشد. (مستدرک الوسائل : ج ۱۰، ص ۳۵۹، ح ۲)

قَالَ الرضا عليه السلام : لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَ اللَّيَالِي حَتَّى تَصِيرَ طُلُوسٌ مُخْتَلَفَ شِيعَتِي وَ زُؤَارِي أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي بِطُلُوسٍ كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ. دعبل از امام رضا علیه السلام نقل می کند: روزها و شبها نمی گذرد تا این که طوس جایگاه آمد و رفت شیعیان و زائرانم می شود؛ آگاه باشید کسی که مرا در غربتم در طوس زیارت کند، روز قیامت با گناهان آمرزیده هم درجه ی من خواهد بود. (وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۴۳۸)

قَالَ الرضا عليه السلام : مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي وَ مَزَارِي أَثْنَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا : إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا ، وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ ، وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ. کسی که با دوری راه سرا و مزار من به زیارت من بیاید، روز قیامت در سه جا (برای دستگیری) نزد او خواهم آمد و او را از بیم و گرفتاری آن موقوفه های خواهم بخشید: هنگامی که نامه ها (ی اعمال) در راست و چپ به پرواز درآیند، نزد (پل) صراط و نزد میزان (محل سنجش اعمال). (وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۴۳۳)

قَالَ الرضا عليه السلام : أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ ، وَ مِائَةِ أَلْفِ صَدِيقٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ حَاجٍّ وَ مُعْتَمِرٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ مُجَاهِدٍ وَ حُشْرٍ فِي زُمْرَتِنَا ، وَ جُعِلَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ رَفِيقَنَا. آگاه باشید کسی که مرا در غربتم زیارت کند، خدای عزوجل ثواب یکصد هزار شهید، یکصد هزار صدیق، یکصد هزار حج گزار و عمره گزار و یکصد هزار مجاهد را برای او می نویسد و در

زمره‌ی ما محشور می‌شود و در درجات والای بهشت رفیق و همراه ما خواهد بود. (بحار الانوار ج ۴۹ ص ۲۸۳-۲۸۴)

قَالَ الرضا عليه السلام : فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرَّتِي وَجَبَتْ لَهُ زيارَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَ الَّذِي أَكْرَمَ مُحَمَّداً (ص) بِالنَّبُوَّةِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْخَلِيقَةِ لَا يَصْلِي أَحَدٌ مِنْكُمْ عِنْدَ قَبْرِي إِلَّا اسْتَحَقَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْمَغْفِرَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ ... وَ خداوند خاک (قبر) مرا جایگاه رفت و آمد (و زیارتگاه) شیعیان و دوستانم می‌گرداند. پس کسی که در غربتم مرا زیارت کند، روز قیامت زیارت او بر من واجب می‌شود؛ قسم به آن که محمد (ص) را به پیامبری گرامی داشت و او را بر تمامی مردم برگزید، کسی که از شما نزد قبرم نماز نمی‌گذارد، جز آن که روزی که خدای صاحب عزت و جلال را ملاقات می‌کند، شایسته‌ی آمرزش می‌شود... (وسائل الشیعه ۲ ص ۴۳۹)

قَالَ الرضا عليه السلام : ... وَ الَّذِي أَكْرَمَنَا بَعْدَ مُحَمَّدٍ (ص) بِالْإِمَامَةِ وَ خَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ إِنَّ زَوَّارَ قَبْرِي أَكْرَمَ الْوُفُودَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَزُورُنِي فَتُصِيبُ وَجْهَهُ قَطْرَةٌ مِنَ الْمَاءِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ ... وَ قسم به آن که بعد از محمد (ص) ما را به امامت گرامی داشت و به وصایت (و جانشینی آن حضرت) اختصاص داد، گرامی‌ترین گروهها خواهند بود که روز قیامت بر خدای صاحب عزت و جلال وارد می‌شوند؛ و هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت نماید و قطره‌ای آب (باران) به صورت او بخورد، جز آن که خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می‌کند. (وسائل الشیعه ۲ ص ۴۳۹)

قَالَ الرضا عليه السلام : لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْقُبُورِ إِلَّا إِلَى قُبُورِنَا، أَلَا وَ أَنِّي مَقْتُولٌ بِالسَّيِّئِ ظُلْمًا، وَ مَدْفُونٌ فِي مَوْضِعٍ غُرَّتِي فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَى زيارَتِي أَسْتَجِيبَ دُعَاؤُهُ وَ غَفَرَ لَهُ ذَنْبَهُ. بار به سوی هیچ قبر (و زیارتگاهی) بر نبیندید مگر این که به زیارت قبور ما بیایید. آگاه باشید که مرا مظلومانه مسموم ساخته و می‌کشند و در جایی غریبانه به خاک می‌سپارند پس هر کس که بار سفر برای زیارت من بریندد، دعایش مستجاب می‌شود و گناهش مورد آمرزش واقع می‌گردد. (بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۳۶)

قَالَ الرضا عليه السلام : مَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَى زيارَتِي أَسْتَجِيبَ دُعَاؤُهُ وَ غُفِرَتْ لَهُ ذُوبُهُ، فَمَنْ زَارَنِي فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ، وَ كُنْتُ أَنَا وَ آبَائِي شَفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ هَذِهِ الْبُقْعَةُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، لَا يَزَالُ فَوْجٌ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ فَوْجٌ يَصْعَدُ، إِلَى أَنْ يَنْفَخَ فِي الصُّورِ. کسی که بار سفر به سوی من بریندد دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده می‌شود، پس کسی که مرا در آن مکان زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد، خداوند برای او پاداش هزار حج و عمره پذیرفته شده می‌نویسد و من و پدرانم شفیعیان او روز قیامت خواهیم بود؛ این بقعه

بوستانی از بوستانهای بهشت و محل رفت و آمد فرشتگان است؛ آن گونه که گروهی از آسمان فرو می آیند و گروهی بالا می روند، تا این که در صور دمیده شود. (بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۴۴)
 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي غَارَفًا بِحَقِّي إِلَّا شَفَعْتُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هِيَجَ يَكُ مِنْ دُوسْتَانِمِ مَرَا بَا آكَاهِي بِه حَقْمِ زِيَارَتِ نَمِي كَنْدِ مَكْرَ اَيْنِ كِه رُوزِ قِيَامَتِ اَوْ رَا شَفَاعَتِ خَوَاهِمِ كَرْدِ.
 (وسائل الشيعه ج ۱۰ ص ۴۳۴)

قَالَ الرضا عليه السلام: ... أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُمْ، وَأَنَا بَضْعَةٌ مِنْ نَبِيكُمْ، وَأَنَا الْوَدِيعَةُ وَالنَّجْمُ، أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ يَعْرِفُ مَا أُوجِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ حَقِّي وَطَاعَتِي، فَأَنَا وَآبَائِي شُفَعَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ كُنَا شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ ... مَنْ هَسْتَمِ كِه دَر سِرْزَمِينِ شَمَا دَفْنِ مِي كَرْدَم؛ مِنْ پَارِهِی تَنْ پِيَامْبِرِ شَمَا هَسْتَم؛ وَ مَنْمِ اَنِ اَمَانَتِ وَ سِتَارِهِ، آكَاهِ بَاشِيدِ كَسِي كِه مَرَا زِيَارَتِ كَنْدِ، دَر حَالِي كِه بَدَانْدِ كِه خُدَايِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (ادای) حَقِّ وَ پِیروِي مَرَا وَاجِبِ سَاخْتِه اَسْت، مِنْ وَ پِدْرَانِمِ رُوزِ قِيَامَتِ شَفِيعَانِ اَوْ خَوَاهِمِ بُوْد، وَ كَسِي كِه مَا رُوزِ قِيَامَتِ شَفِيعِ اَوْ بَاشِيمِ (از آتَشِ دُوزَخِ) رَهَائِي مِي يَابِدِ، هَر چَنْدِ بَارِ گَنَاهَانِ جَنِّ وَ اِنْسِ بَرِ اَوْ بَاشِدِ. (بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۳۲)

عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ وَ قَرَّبَهُمْ، ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: مَرْحَبًا بِكُمْ وَ أَهْلًا، فَأَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا، يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ تَزُورُونَ فِيهِ تُزْبَنِي بِطُوسٍ، أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ دُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، ابْصَلْتُ هِرْوِي كَوِيدُ: خِدْمَتِ اِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بُوْدَمِ كِه گِرُوهِی از مَرْدَمِ قَمِ وَارِدِ شُدْنْدِ وَ سَلَامِ نَمُودَنْدِ. حَضْرَتِ پَاسِخِ اَنُهَا رَا فَرْمُودِ وَ اِيشَانِ رَا نَزْدِيكَ خُوِيْشِ جَايِ دَادِ. سِپَسِ فَرْمُودِ: آفَرِينِ بَرِ شَمَا! شَمَا شِيعِيَانِ رَاسْتِيْنِ مَا هَسْتِيدِ، زَمَانِي بَرِ شَمَا فَرَا مِي رَسْدِ كِه خَاكَ (قَبْرِ) مَرَا دَر طُوسِ زِيَارَتِ مِي كَنِيدِ، آكَاهِ بَاشِيدِ كَسِي كِه مَرَا دَر حَالِي كِه غُسْلِ نَمُودِه بَاشِدِ زِيَارَتِ كَنْدِ، از گَنَاهَانِشِ پَاكَ مِي شُودِ، مَانَنْدِ رُوزِي كِه از مَادَرِ زَايِيدِه شُدِه اَسْت. (وسائل الشيعه ج ۱۰ ص ۴۴۶)

حضرت عبد العظيم عليه السلام از امام رضا چنین روایت می کند: الْمُسْلِمُ الَّذِي يَسَلِّمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدُهُ وَلَيْسَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَائِزُهُ بِوَأَقْفِهِ. مُسْلِمَانِ كَسِي اَسْتِ كِه مَرْدَمِ از دَسْتِ وَ زَبَانِ اَوْ آسُودِه بَاشَنْدِ وَ از مَا نِيسْتِ اَنِ كِه هَمْسَايِه اش از شَرِّ اَوْ دَر اَمَانِ نَبَاشْدِ. (عيون أخبار الرضا عليه السلام ، ج ۱ ، ص ۲۴)

حضرت امام رضا عليه السلام به وسيله حضرت عبدالعظيم حسني عليه السلام پيامی به شيعیان و دوستداران اهل بيت عليهم السلام فرستاده اند: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّحِيمِ ، يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ أُبَلِّغُ عَنِّي أَوْلِيَائِي السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ: أَنْ لَا يَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا ، وَ مُرَّهُمْ بِالصَّدَقِ فِي الْحَدِيثِ ، وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ ، وَ مُرَّهُمْ بِالسُّكُوتِ ، وَ تَرْكِ الْجِدَالِ فِيمَا لَا يَعْنيهِمْ ، وَ إِقْبَالِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ ،

و الْمُرَاوَرَةَ ، فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَةٌ إِلَى ، وَلَا يَشْغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا ، فَإِنِّي آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَ أَشْخَطَ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ وَ كَانَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ، وَ عَرَّفَهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ عَفَرَ لِمُحْسِنِهِمْ وَ تَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئِهِمْ ، إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِي أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجَعَ عَنْهُ ، فَإِنْ رَجَعَ عَنْهُ وَإِلَّا نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ وَ خَرَجَ عَنْ وَلَايَتِي وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي وَلَايَتِنَا وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ» (منبع: پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام) . بسم الله الرحمن الرحيم ؛ ای عبدالعظیم! سلام گرم مرا به دوستدارانم برسان و به آنان بگو: در دل‌های خویش برای شیطان راهی نگشایند. آنان را به راستگویی در گفتار و ادای امانت و سکونت پرمعنا و ترک درگیری و جدال در کارهای بیهوده و بی‌فایده دعوت کن. به صله رحم و رفت و آمد با یکدیگر و رابطه گرم و دوستانه با هم دعوت نما، چرا که این کار باعث تقرب به خدا و به من و به دیگر اولیاء اوست. دوستان ما نباید فرصت‌های گرانبهای زندگی و وقت ارزشمند خود را به دشمنی با یکدیگر تلف کنند. من با خود عهد کرده‌ام که هر کس مرتکب این گونه امور شود یا به یکی از دوستان و رهروانم خشم کند و به او آسیب رساند از خدا بخواهم که او را به سخت‌ترین کیفر دنیوی مجازات کند و در آخرت نیز این‌گونه افراد از زیانکاران خواهند بود. به دوستان ما توجه ده که خدا نیکوکرداران آنان را مورد بخشایش خویش قرار داده و بدکاران آنان را عفو خواهد کرد مگر آنهایی که به او شرک ورزند و یا یکی از دوستان ما را برنجانند و یا در دل نسبت به آنان کینه پیورند، که از این سه گروه نخواهد گذشت و آنان را مورد بخشایش خویش قرار نخواهد داد؛ مگر اینکه از نیت خود بازگردند و اگر از این اندیشه و عمل زشت خویش بازگردند، مورد آمرزش خواهند بود اما اگر همچنان باقی باشند، خداوند روح ایمان را برای همیشه از دل آنان خارج ساخته و از ولایت ما نیز بیرون خواهد برد و از دوستی ما اهل بیت (ع) بی‌بهره خواهند بود و من از این لغزشها به خدا پناه می‌برم. (اختصاص، شیخ مفید، صفحه ۲۴۱)

قَالَ الرضا عليه السلام : صَدِيقُ كُلِّ أَمْرٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ. فرمود آن حضرت : که دوست هر مردی عقل او است و دشمن او نادانی او است . (بحارالانوار ۳۳۵/۷۵)

قَالَ الرضا عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْقَلِيلَ وَ الْقَالَ وَ اضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤْلِ ؛ خداوند دشمن دارد (قلیل و قال) را و ضایع کردن مال را و کثرت سؤال را. (بحارالانوار ۳۳۵/۷۵)

شیخ صدوق به سند متبر از ریان بن صلت روایت کرده که گفت : خواند حضرت امام رضا علیه السلام برای من این اشعار را که از جناب عبدالمطلب است : يَعِيبُ النَّاسُ كُلَّهُمْ زَمَانًا - وَ مَا لَزَمَانِنَا عَيْبٌ سِوَانَا - نَعِيبُ زَمَانَنَا وَ الْعَيْبُ فِينَا - وَ لَوْ نَطَقَ الزَّمَانُ بِنَا هَجَانَا - وَ إِنَّ الدُّنْيَا يَتْرُكُ لَحِمَّ ذُنْبٍ - وَ يَاءُ كُلِّ بَعْضُنَا بَعْضًا عَيَانًا؛ یعنی تمام مردم (روزگار) را عیب می‌کنند و حال آنکه عیبی برای روزگار

نیست سوای ما، حاصل آنکه عیب روزگار ماییم ، اگر ما نبودیم روزگار عیب نداشت . و قریب به همین است قول آنکه گفته : آبادی بتخانه ز ویرانی ما است - جمعیت کفر از پریشانی ما است - اسلام به ذات خود ندارد عیبی - هر عیب که هست از مسلمانی ما است ؛ ما عیب می کنیم روزگار خود را و حال آنکه عیب در ما است و اگر روزگار تکلم کردی ما را هجو نمودی ، و همانا گرگ ترک می کند خوردن گوشت گرگ را و لکن بعضی از ما می خورد بعضی دیگر را بالعیان . و در بعضی این شعر نیز اضافه شده : لَيْسِنَا لِلْخِدَاعِ مُسْوَكٌ طَبِي فَوَيْلٌ لِلْغَرِيبِ إِذَا أَتَانَا؛ یعنی پوشیدم برای گول زدن پوست آهو بر تن ، پس وای بر غریب هرگاه بیاید نزد ما . (بحارالانوار ۱۱۱/۴۹)

ماءمون نوشت به آن حضرت که مرا موعظه کن ، حضرت نوشت : إِنَّكَ فِي دُنْيَا لَهَا مُدَّةٌ - يَقْبَلُ فِيهَا عَمَلُ الْعَامِلِ - أَمَا تَرَى الْمَوْتَ مُحِيطًا بِهَا - يَسْلُبُ مِنْهَا أَمَلَ الْأَمِلِ - تُعَجِّلُ الدَّنْبَ بِمَا تُشْتَهَى - وَ تَأْمُلُ التَّوْبَةَ مِنْ قَابِلٍ - وَ الْمَوْتُ يَأْتِي أَهْلَهُ بَغْتَةً - مَا ذَاكَ فِعْلُ الْحَازِمِ الْعَاقِلِ ؛ یعنی به درستی که تو در دنیائی می باشی که از برای آن مدت و زمانی است که عمل ، عمل کننده در آن مدت مقبول می شود، آیا نمی بینی که مرگ احاطه کرده است به آن و ربوده است از آن آرزوی آروز کننده را، شتاب و تعجیل می کنی به گناه کردن و به آنچه اشتها داری و آرزو می کنی توبه کردن را سال آینده و حال آنکه مرگ به ناگاه بر اهل خود وارد می شود، این نیست کار شخص هشیار و عاقل . (بحارالانوار ۱۱۲/۴۹)

محمد بن یحیی بن ابی عباد از عموی خود روایت کرده که گفت شنیدم من از حضرت رضا علیه السلام روزی که این شعر را خواند و کم بود آن حضرت شعر بخواند، فرمود: كُلُّنَا نَأْمُلُ مَدًّا فِي الْأَجَلِ - وَ الْأَمْنِيَا هُنَّ أَفَاتُ الْأَمَلِ - لَا تَعْرُكَ أَبَاطِيلُ الْأُمْنَى - وَ الْأَزِمُ الْقَصْدُ وَدَعَّ عَنْكَ الْعِلَلُ - إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظَلٍّ زَائِلٍ - حَلَّ فِيهَا رَاكِبٌ ثُمَّ رَحَلَ؛ یعنی همه ما آرزو می کنیم که مدت عمرمان مدید شود و حال آنکه مرگها آفتهای آرزو است فریب ندهد ترا آرزوهای باطل و ملازم باش قصد و آهنگ نمودن را و بگذار از خود بهانه ها را، این است و جز این نیست که دنیا مانند سایه ای است برطرف شونده که سواری در آن فرود آمد پس کوچ کرد. من عرض کردم که این شعرها از کیست خداوند امیر را عزیز دارد، فرمود: مردی از شما عراقی این شعرها را گفته ، من گفتم : این شعرها را ابوالعتاهیه خواند برای من از خودش ، حضرت فرمود: بیاور اسمش را و واگذار این را، یعنی نام بردن او را به ابوالعتاهیه به درستی که خداوند می فرماید: (وَ لَا تَتَّبِعُوا بِالْأَلْقَابِ . سوره حجرات (۳۹)، آیه ۱۱) و شاید کراحت داشته این مرد از این لقب . (بحارالانوار ۱۰۷/۴۹) «ابوالعتاهیه ابواسحاق اسماعیل بن قاسم شاعر است . عتاهیه بر وزن کراهیه ، یعنی کم عقلی و گمراهی و مردم گمراه و بی عقل و ظاهرا به ملاحظه این معنی است که حضرت فرمود به آن مرد که اسم او (ابوالعتاهیه) را بیار و این لقب را بگذار، شاید که کراحت داشته از آن»

خلاصه حالات یازدهمین معصوم ، نهمین اختر امامت امام جواد(ع)

آن حضرت طبق مشهور، شب جمعه ، دهم ماه رجب ، سال ۱۹۵ هجری قمری (مطابق با ۲۲ فروردین ، سال ۱۹۰ شمسی) در مدینه منوره دیده به جهان گشود.

نام : محمد (نام مبارک حضرت با عنوان امام ((محمد جواد)) علیه السلام به عدد حروف ابجد کبیر ۸۸ ، ۱۸ می باشد) صلوات الله و سلامه علیه .

کنیه : ابوجعفر ثانی و ابوعلی .

لقب : جواد ، قانع ، مرتضی ، نجیب ، تقی ، منتخب ، هادی القضاة ، سیدالهداة ، مصباح المتهجدین ، جوادالائمه و

پدر: امام علی بن موسی الرضا، مُغِیْثُ الشَّیْعةِ وَالزَّوَّارِ عَلَیْهِمَا الصَّلَاةُ وَالسَّلَام .

مادر: از خانواده ماریه قبطی بوده ، و به چند نام و لقب معروف است : درّه ، سبیکه ، ریحانه ، خیزران و

نقش انگشتر: (نَعَمْ الْقَادِرُ اللَّهُ).

دربار : عمر بن فرات ، عثمان بن سعید سَمَّان را گفته اند.

پس از آن که حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام توسط مأمون عباسی مسموم و به شهادت رسید؛ مردم ، مخصوصا سادات بنی الزهراء نسبت به جنایات خلیفه آگاه شدند، مأمون از خطرات احتمالی بیمناک شد. و بدین جهت ، امام محمد جواد علیه السلام را از مدینه احضار کرد و در بغداد کنار دربار خود منزلی برایش تهیه نمود تا از هر جهت امام علیه السلام تحت نظر باشد. و در ضمن نیز جلب توجه عامه مردم شود؛ چون در ظاهر امام علیه السلام را بسیار مورد احترام و تکریم قرار می داد. برهمنین اساس ، پس از گذشت مدتی ، مأمون جهت تداوم سیاست عوام فریبانه خود و نجات از خطرات احتمالی ، دخترش ، ام‌الفضل را به ازدواج آن حضرت در آورد، تا هم جلب توجه افکار عموم را نموده باشد. و هم تمام موارد زندگی و حرکات آن حضرت را تحت کنترل خود در آورد، به طوری که هر لحظه چنانچه کوچک ترین اتفاقی رخ می داد، بلافاصله مأمون توسط مأمورین و جاسوسان خود از آن آگاه می گشت ، آن هم با تحریفات مختلف و جعلیات و به عبارت دیگر، یک کلاغ چهل کلاغ شدن . و چندین مرحله نیز به جهت گزارشات کذب و بی مورد جاسوسان حکومتی و خصوصا همسر آن حضرت ام‌الفضل، آن امام مظلوم مورد شکنجه های روحی و جسمی قرار گرفت. و طبق روایت علی بن ابراهیم ، مردم از اقشار و طبقات مختلف به محضر مبارک و پُر فیض حضرت جوادالائمه علیه السلام وارد می شدند و پیرامون مسائل و فنون مختلف از آن حضرت سؤال می کردند؛ و جواب می گرفتند. و حتی در دوران ده سالگی ، در یک مجلس ، سی هزار مسئله از آن حضرت سؤال شد؛ و در همان مجلس نیز تمامی آن مسائل را، به طور کامل پاسخ فرمود.

مدّت امامت: بنابر مشهور، آن حضرت در روز جمعه یا دوشنبه، آخر ماه صفر، سال ۲۰۳ یا ۲۰۶ هجری قمری پس از شهادت مظلومانه پدر بزرگوارش به منصب والای امامت و خلافت نائل آمد؛ و حدود هیجده سال امامت و رهبری جامعه اسلامی را بر عهده داشت.

مدّت عمر: حضرت مدّت هفت یا هشت سال و چهار ماه در زمان حیات پدر بزرگوارش؛ و پس از شهادت و رحلت پدر نیز حدود هیجده سال به عنوان رهبر و امام مسلمین، هدایت گری جامعه را عهده دار بود.

بنابر این، عمر شریف و مبارک آن حضرت را حدود ۲۵ سال گفته اند. مشهور، روز سه شنبه، پنجم ماه ذی الحجه، سال ۲۲۰ (مطابق با ۱۳ آذر، سال ۲۱۲ شمسی) در زمان حکومت معتصم و به دستور او در بغداد به وسیله زهر توسّط همسرش - امّ الفضل - مسموم شده و به شهادت رسید؛ و پیکر مطهرش در قبرستان بنی هاشم کنار قبر مقدّس جدّش، امام موسی کاظم علیه السلام دفن گردید

خلفاء هم عصر: امامت آن حضرت هم زمان با حکومت مأمون عباسی و معتصم مصادف گردید. تعداد فرزندان: طبق آنچه مورّخین آورده اند: حضرت دارای دو فرزند پسر و سه دختر بوده است. از امام محمّد جواد علیه السلام: چهار رکعت است، که در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، چهار مرتبه سوره توحید خوانده می شود؛ و پس از آخرین سلام نماز و ذکر تسبیحات حضرت فاطمه زهراء علیها السلام، صد مرتبه: (اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ) گفته می شود و سپس نیازها و خواسته های مشروعه خویش را از درگاه خداوند متعال مسئلت می نماید، که انشاءالله بر آورده خواهد شد.

(تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت، گرفته شده است از: مستدرک الوسائل: ج ۶، بحارالانوار: ج ۴۸، اعیان الشیعة: ج ۲، ناسخ التواریخ: ج ۱۲، إلام الوری طبرسی: ج ۲، عیون المعجزات، ینابیع المودّه، کشف الغمّة: ج ۲، مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴، تاریخ اهل البیت علیهم السلام، مجموعه نفیسه، هدایة الکبری، جمال الأسبوع و...)

احادیث امام جواد علیه السلام

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَوَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ، وَقَبُولٍ مِنْ مَنْ يَنْصَحُهُ. فرمود: مؤمن در هر حال نیازمند به سه خصلت است: توفیق از طرف خداوند متعال، واعظی از درون خود، قبول و پذیرش نصیحت کسی که او را نصیحت نماید. (بحارالانوار: ج ۷۲، ص ۶۵، ۳، مستدرک الوسائل: ج ۸، ص ۳۲۹، ح ۹۵۷۶)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَوَسَّدِ الصَّبْرَ، وَاعْتَنِقِ الْفَقْرَ، وَارْفُضِ الشَّهَوَاتِ، وَخَالِفِ الْهَوَى، وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ، فَانْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ. در زندگی، صبر را تکیه گاه خود، فقر و تنگ دستی را همنشین خود قرار بده و با هواهای نفسانی مخالفت کن. و بدان که هیچگاه از دیدگاه خداوند پنهان و مخفی نخواهی ماند، پس مواظب باش که در چه حالتی خواهی بود. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۵۸، ح ۱) قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ: الْأَنْصَافُ فِي الْمُعَاشَرَةِ، وَالْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ وَالْإِنْطَوَاعُ وَالرُّجُوعُ إِلَى قَلْبٍ سَلِيمٍ. سه خصلت جلب محبت می کند: انصاف در معاشرت با مردم، همدردی در مشکلات آن ها، همراه و همدم شدن با معنویات. (کشف الغمّه: ج ۲، ص ۳۴۹، س ۱۳)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَعْمَالِ، وَعَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ. شرایط پذیرش توبه چهار چیز است: پشیمانی قلبی، استغفار با زبان، جبران کردن گناه نسبت به همان گناه -حقّ الله و یا حقّ الناس-، تصمیم جدی بر اینکه دیگر مرتکب آن گناه نشود. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۸۱، ح ۷۴)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ مِنْ عَمَلٍ الْإِبْرَارِ: إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ، وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، وَاخْتِرَاسُ مِنَ الْغَفْلَةِ فِي الدِّينِ. سه چیز از کارهای نیکان است: انجام واجبات الهی، ترک و دوری از گناهان، مواظبت و رعایت مسائل و احکام دین. (کشف الغمّه: ج ۲، ص ۳۴۹، س ۳)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَالْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَالْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَالسَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ، وَالْحِفْظُ زِينَةُ الرِّوَايَةِ. تواضع و فروتنی زینت بخش حسب و شرف، فصاحت زینت بخش کلام، عدالت زینت بخش ایمان و اعتقادات، وقار و ادب زینت بخش اعمال و عبادات؛ و دقت در ضبط و حفظ آن، زینت بخش نقل روایت و سخن می باشد. (کشف الغمّه: ج ۲، ص ۳۴۷، س ۱۹، بحار: ج ۷۵، ص ۸۰، ح ۶۵)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُلَاقَاةُ الْإِخْوَانِ نَشْرَةٌ، وَتَلْقِيحٌ لِلْعَقْلِ وَ إِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا. ملاقات و دیدار با دوستان و برادران -خوب-، موجب صفای دل و نورانیت آن می گردد و سبب شکوفائی عقل و درایت خواهد گشت، گرچه در مدت زمانی کوتاه انجام پذیرد. (امالی شیخ مفید: ص ۳۲۸، ح ۱۳، مستدرک: ج ۸، ص ۳۲۴، ح ۹۵۶۲)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ ، يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرُهُ . مواظب باش از مصاحبت و دوستی با افراد شرور، چون که او همانند شمشیری زهرآلود، براق است که ظاهرش زیبا و اثراتش زشت و خطرناک خواهد بود. (اعلام الدین : ص ۳۰۹، س ۱۱، مستدرک الوسائل : ج ۸، ص ۳۵۱، ح ۹۶۳۴)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَيْفَ يُصَيِّعُ مِنَ اللَّهِ كَافِلُهُ، وَكَيْفَ يَنْجُو مِنَ اللَّهِ طَالِبُهُ، وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ وَ كُلُّهُ إِلَيْهِ. چگونه گمراه و درمانده خواهد شد کسی که خداوند سرپرست و متکفل اوست . چطور نجات می یابد کسی که خداوند طالبش می باشد. هر که از خدا قطع امید کند و به غیر او پناهنده شود، خداوند اورابه همان شخص واگذار میکند. (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۱۵۵، ح ۶۹) قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْمَوَارِدَ اَعْيَتْهُ الْمَصَادِرُ. هرکس موقعیت شناس نباشد جریانات، او را می رباید و هلاک خواهد شد. (اعلام الدین : ص ۳۰۹، س ۵، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۶۴، ضمن ح ۵)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَتَبَ مِنْ غَيْرِ اِزْتِيَابٍ اَعْتَبَ مِنْ غَيْرِ اسْتِعْتَابٍ. سرزنش کردن دیگران بدون علت و دلیل سبب ناراحتی و خشم خواهد گشت ، در حالی که رضایت آنان نیز کسب نخواهد کرد. (بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۱۸۱، س ۱، اعیان الشیعة : ج ۲، ص ۳۶، س ۱۴)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْإِخْلَاصُ. با فضیلت ترین و ارزشمندترین عبادت ها آن است که خالص و بدون ریا باشد. (تنبيه الخواطر: ص ۴۲۸، بحارالانوار: ج ۶۷، ص ۲۴۵، ح ۱۹) قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ، وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ، وَ تَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَّتُهُ، وَ هُوَ سَمِّيَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كُنْيَهُ. زمان ولادت امام عصر علیه السلام بر مردم زمانش مخفی است ، و شخصش از شناخت افراد غایب و پنهان است . و حرام است که آن حضرت را نام ببرند؛ و او همنام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است . (وسائل الشیعة : ج ۱۶، ص ۲۴۲، ح ۲۱۴۶۶)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ. عزت و شخصیت مؤ من در بی نیازی و طمع نداشتن به مال و زندگی دیگران است . (بحارالانوار: ج ۷۲، ص ۱۰۹، ح ۱۲، مستدرک الوسائل : ج ۷، ص ۲۳۰، ح ۸۱۱۴)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَضْعَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ، وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ بَلِيسٍ فَقَدْ عَبَدَ بَلِيسَ. هرکس به شخصی سخنران علاقمند و متمایل باشد، بنده اوست ، پس چنانچه سخنور برای خدا و از احکام و معارف خدا سخن بگوید، بنده خداست، و اگر از زبان شیطان و هوی و هوس و مادیات سخن بگوید، بنده شیطان خواهد بود. (مستدرک الوسائل : ج ۱۷، ص ۳۰۸، ح ۵)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَصُزُّكَ سَخَطُ مَنْ رِضَاهُ الْجَوْوُ. کسی که طالب رضایت خداوند متعال باشد، دشمنی ستمگران ، او را زیان و ضرر نمی رساند. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۸۰، ح ۴۲)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيَّتُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ فَرَوْجُوهُ، إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ. هر که به خواستگاری دختر شما آید و به تقوا و تدین و امانتداری او مطمئن می باشید با او موافقت کنید وگرنه شما سبب فتنه و فساد بزرگی در روی زمین خواهید شد. (تهذیب الا حکام: ج ۷، ص ۳۹۶، ح ۹)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ. چنانچه افراد جاهل و بی تجربه ساکت باشند مردم دچار اختلافات و تشنجات نمی شوند. (کشف الغمّة: ج ۲، ص ۳۴۹، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۸۱، ح ۷۵)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ. هر که کار زشتی را تحسین و تائید کند، در عقاب آن شریک می باشد. (کشف الغمّة: ج ۲، ص ۳۴۹، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۸۲، ح ۷۹)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ انْقَادَ إِلَى الطَّمَأْنِينَةِ قَبْلَ الْخَيْرَةِ فَقَدْ عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَكَةِ وَالْعَاقِبَةِ الْمُعْضِبَةِ. هرکس بدون تفکر و اطمینان نسبت به جوانب (هر کاری ، فرمانی ، حرکتی ...) مطیع و پذیرای آن شود، خود را در معرض سقوط قرار داده ؛ و نتیجه ای جز خشم و عصبانیت نخواهد گرفت . (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۳۴۰، ح ۱۳)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَغْنَى بِاللَّهِ افْتَقَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ، وَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ احْبَبَهُ النَّاسُ وَ إِنْ كَرِهُوا. هر که خود را به وسیله خداوند بی نیاز بداند مردم محتاج او خواهند شد و هر که تقوای الهی را پیشه خود کند خواه ناخواه ، مورد محبت مردم قرار می گیرد گرچه مردم خودشان اهل تقوا نباشند. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۷۹، ح ۶۲)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ كَلِمَةٍ، كُلُّ كَلِمَةٍ يَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ. حضرت رسول صلی الله علیه و آله ، يك هزار کلمه به امام علی علیه السلام تعلیم نمود که از هرکلمه ای هزارباب علم و مسأله فرعی باز میشود. (خصال: ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۴۶)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ كَسِيئَةٌ لَا تُغْفَرُ. خدمت و نعمتی که مورد شکر و سپاس قرار نگیرد همانند خطائی است که غیرقابل بخشش باشد. (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۵۳، ح ۶۹)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَوْتُ الْأُنْسَانِ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجْلِ، وَ حَيَاتُهُ بِالْبِرِّ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعُمُرِ. فرارسیدن مرگ انسان ها، به جهت معصیت و گناه ، بیشتر است تا مرگ طبیعی و عادی ، همچنین حیات و زندگی لذت بخش به وسیله نیکی و احسان به دیگران بیشتر و بهتر است از عمر بی نتیجه . (کشف الغمّة: ج ۲، ص ۳۵۰، س ۱۱)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَنْ يَسْتَكْمَلَ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يُؤَثِّرَ دِينُهُ عَلَى شَهْوَتِهِ، وَلَنْ يُهْلِكَ حَتَّى يُؤَثِّرَ شَهْوَتُهُ عَلَى دِينِهِ. بنده ای حقیقت ایمان را نمی یابد مگر آن که دین و احکام الهی را در همه جهات بر تمایلات و هواهای نفسانی خود مقدم دارد. و کسی هلاک و بدبخت نمی گردد مگر آن که هواها و خواسته های نفسانی خود را بر احکام الهی مقدم نماید. (بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۸۰، ح ۶۳)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ، فَإِنَّ طَلَبَهُ فَرِيضَةٌ وَالْبَحْثُ عَنْهُ نَافِلَةٌ، وَهُوَ صَلَافٌ بَيْنَ الْأَخْوَانِ، وَدَلِيلٌ عَلَى الْمُرُوءَةِ، وَتَحَفُّةٌ فِي الْمَجَالِسِ، وَصَاحِبٌ فِي السَّفَرِ، وَائْتِسَافٌ فِي الْعُرْبَةِ. بر شما باد به تحصیل علم و معرفت، چون فراگیری آن واجب و بحث پیرامون آن مستحب و پرفایده است. علم وسیله کمک به دوستان و برادران است، دلیل و نشانه مروّت و جوانمردی است، هدیه و سرگرمی در مجالس است، همدم و رفیق انسان در مسافرت است؛ و ائیس و مونس انسان در تنهایی می باشد.

(حلیة الابرار: ج ۴، ص ۵۹۹، س ۱۱)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَفِضَ الْجَنَاحُ زِينَةَ الْعِلْمِ، وَحُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَبَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْجِلْمِ. تواضع و فروتنی زینت بخش علم و دانش است، آداب داشتن و اخلاق نیک زینت بخش عقل می باشد، خوش روئی با افراد زینت بخش حلم و بردباری است. (کشف الغمّة: ج ۲، ص ۳۴۷)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تُدْخَلْهُ وَخْشَةُ الْقَبْرِ. هرکس رکوع نمازش را به طور کامل و صحیح انجام دهد، وحشت قبر بر او وارد نخواهد شد. (کافی: ج ۳، ص ۳۲۱، ح ۷)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَتَزَكُّ مَالَايَعْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ. خشوع و خضوع زینت بخش نماز خواهد بود، ترک و رها کردن آنچه (برای دین و دنیا و آخرت) سودمند نباشد زینت بخش ورع و تقوی انسان می باشد. (نور الابصار: ص ۳۳۱، س ۱۲، بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۸۰، س ۱۲)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأُمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق الهی است، هر که آن ها را یاری و اجراء کند مورد نصرت و رحمت خدا قرار می گیرد و هر که آن ها را ترک و رها گرداند مورد خذلان و عقاب قرار می گیرد. (خصال صدوق: ص ۴۲، ح ۳۲)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَخْتَارُ مِنْ مَالِ الْمُؤْمِنِ مَنْ وَلَدِهِ أَنْفُسَهُ لِيَأْجُرَهُ عَلَى ذَلِكَ، هَمَانَا خَدَاوَنَدَ مَتَعَالٍ بَهْتَرِينَ وَعَزِيزَتَرِينَ ثَرَوْتَ وَفَرَزَنْدَ مَوْ مِنْ رَا مِی گِیَرَد (و هلاک و نابود می گرداند)، چون دنیا و متعلقات آن بی ارزش است تا در قیامت پاداش عظیمی عطایش نماید. (کافی: ج ۳، ص ۲۱۸، ح ۳)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعُوْصِنِي بِوَصِيَّةٍ جَامِعَةٍ مُخْتَصَرَةٍ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صُنْ نَفْسَكَ عَنْ عَارِ الْعَاجِلَةِ وَنَارِ الْآجِلَةِ. شخصی به حضرت عرض کرد: مرا موعظه و نصیحتی کامل و مختصر عطا

فرما؟ امام علیه السلام فرمود: اعضاء و جوارح ظاهری و باطنی خود را از ذلت و ننگ سریع و زودرس، همچنین از آتش و عذاب آخرت، در امان و محفوظ بدار. (احقاق الحق: ج ۱۲، ص ۴۳۹، س ۱۱) قال الجواد علیه السلام: فسادُ الأُخلاقِ بِمُعاشرةِ السُّفهاءِ، و صلاحُ الأُخلاقِ بِمُنافسةِ الْعُقلاءِ. معاشرت و همنشینی با بی خردان و افراد لابلای سبب فساد و تباهی اخلاق خواهد شد؛ و معاشرت و رفاقت با خردمندان هوشیار، موجب رشد و کمال اخلاق می باشد. (کشف الغمّه: ج ۲، ص ۳۴۹، بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۸۲، ح ۷۸)

قال الجواد علیه السلام: الأُدبُ عِنْدَ النَّاسِ النُّطْقُ بِالْمُسْتَحْسَنَاتِ لِغَيْرِهِ، و هذا لَا يُعْتَدُّ بِهِ مَالٌ يُوصَلُ بِهَا إِلَى رِضَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَالْجَنَّةِ، وَالْأُدبُ هُوَ أَدَبُ الشَّرِيعَةِ، فَتَأَدَّبُوا بِهَا تَكُونُوا أَدَبَاءً حَقًّا. مفهوم و معنای ادب از نظر مردم، تنها خوب سخن گفتن است که رکیک و سبک نباشد، ولیکن این نظریه قابل توجه نیست تا مادامی که انسان را به خداوند متعال و بهشت نزدیک نگرداند. بنابر این ادب یعنی رعایت احکام و مسائل دین، پس با عمل کردن به دستورات الهی و ائمه اطهار علیهم السلام، ادب خود را آشکار سازید. (ارشاد القلوب دیلمی: ص ۱۶۰، س ۱۹)

قال الجواد علیه السلام: و حقیقةُ الأُدبِ: إِجْتِمَاعُ خِصَالِ الْخَيْرِ، و تجافی خِصَالِ الشَّرِّ، و بالأُدبِ یَبْلُغُ الرَّجُلُ الْمَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، و یَصِلُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ. حقیقت ادب و تربیت عبارت است از: دارا بودن خصلت های خوب، خالی بودن از صفات زشت و ناپسند. انسان به وسیله ادب - در دنیا و آخرت - به کمالات اخلاقی می رسد؛ و نیز با رعایت ادب نیل به بهشت می یابد. (ارشاد القلوب دیلمی: ص ۱۶۰، س ۱۵)

قال الجواد علیه السلام: إِنَّ بَيْنَ جَبَلِي طُوسٍ قُبْضَةً قُبِضَتْ مِنَ الْجَنَّةِ، مَنْ دَخَلَهَا كَانَ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ. همانا بین دو سمت شهر طوس قطعه ای می باشد که از بهشت گرفته شده است، هر که داخل آن شود - و با معرفت زیارت کند -، روز قیامت از آتش در امان خواهد بود. (عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۶)

قال الجواد علیه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. هرکس قبر عمّه ام حضرت معصومه سلام الله علیها را با علاقه و معرفت در قم زیارت کند، أهل بهشت خواهد بود. (کامل الزیارات: ص ۵۳۶، ح ۸۲۷، بحار الانوار: ج ۹۹، ص ۲۶۵)

قال الجواد علیه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَجَلَسَ عِنْدَ قَبْرِهِ وَاسْتَقْبَلَ الْقَبِيلَةَ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ: ((إِنَّا نَزَّلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) سَبْعَ مَرَّاتٍ، آمِنٌ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ. هرکس بر بالین قبر مؤمنی حضور یابد و رو به قبله بنشیند و دست خود را روی قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره مبارکه ((إِنَّا نَزَّلْنَاهُ)) را بخواند از شداید و سختیهای صحرای محشر در امان قرار می گیرد. (اختیار معرفة الرجال: ص ۵۶۴، ح ۱۰۶۶)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ يَبْلُغُنَّ بِالْعَبْدِ رِضْوَانِ اللَّهِ: كَثْرَةُ الْأَسْتِغْفَارِ، وَخَفْضُ الْجَانِبِ، وَكَثْرَةُ الصَّدَقَةِ. سه چیز، سبب رسیدن به رضوان خدای متعال می باشد: ۱ - نسبت به گناهان و خطاها، زیاد استغفار و اظهار ندامت کردن. ۲ - اهل تواضع کردن و فروتن بودن. ۳ - صدقه و کارهای خیر بسیار انجام دادن. (کشف الغمّة: ج ۲، ص ۳۴۹، س ۷)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ، وَالْمُعِينُ لَهُ، وَالرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ. انجام دهنده ظلم، کمک دهنده ظلم و کسی که راضی به ظلم باشد، هر سه شریک خواهند بود. (کشف الغمّة: ج ۲، ص ۳۴۸، س ۱۸، بحار: ج ۷۵، ص ۸۱، ح ۶۹)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّيَقُّنُ بِاللَّهِ تَعَالَى ثَمَنٌ لِكُلِّ غَالٍ وَ سُلْمٌ إِلَى كُلِّ عَالٍ؛ اعتماد به خداوند تعالی بهاء هر چیز گران است و به سوی هر چیز بلندی نردبان است. (بحار الانوار ۳۶۴/۷۵ - ۳۶۵، اعلام الدّین دیلمی ص ۳۰۹)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِزُّ الْمُؤْمِنِ مِنْ غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ. عزت مؤمن در بی نیازی او است از مردم. (بحار الانوار ۳۶۴/۷۵ - ۳۶۵، اعلام الدّین دیلمی ص ۳۰۹) و لنعم ما قیل: دو قرص نان اگر از گندم است یا از جو - دو تایی جامه گر از کهنه است یا از نو - چهار گوشه دیوار خود به خاطر جمع - که کسی نگوید از این جای خیز و آنجا رو - هزار بار نکوتر به نزد دانایان - ز فر مملکت کیقباد و کیخسرو.

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَكُنْ وَلِيَّ اللَّهِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ عَدُوًّا لَهُ فِي السِّرِّ. مباش ولی خدا در آشکارا و دشمن خدا در پنهان. (بحار الانوار ۳۶۴/۷۵ - ۳۶۵، اعلام الدّین دیلمی ص ۳۰۹) این کلمه شریفه شبیه است به فرمایش جدش امیرالمؤمنین علیه السلام که فرموده: (لَا تُسَبِّحْ إِبْلِيسَ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ أَنْتَ صَدِيقُهُ فِي السِّرِّ).

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اسْتَفَادَ أَخَا فِي اللَّهِ فَقَدْ اسْتَفَادَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. استفاده به معنی فایده گرفتن و فائده خواستن و فائده دادن است، یعنی هر که استفاده کند برادری را به جهت خداوند تعالی همانا استفاده کرده خانه ای در بهشت. (الفصول المهمة ابن صباغ ص ۲۷۳)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَضِيْعُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى كَافُلُهُ وَ كَيْفَ يَنْجُو مِنَ اللَّهِ تَعَالَى طَالِبُهُ وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ وَ كُلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ أَفْسَدَ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ؛ چگونه ضایع و تلف می شود کسی که خداوند تعالی قبول کننده و پذیرنده تعهد او است و چگونه نجات می یابد کسی که خداوند در طلب او است و کسی که خود را از خدا برید و به دیگر، چسبانید خداوند آن را به آن دیگری واگذارد و کسی که عمل کرد از غیر علم، فاسد و تباه کرده بیشتر از آنچه اصلاح کرده است. (اعلام الدّین دیلمی ص ۳۰۹)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ وَ مَصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرُهُ ؛
بیرهیز از رفاقت با آدم بد به درستی که او به شمشیر کشیده می ماند منظرش نیکو است و آثارش
زشت است. (بحار الانوار ۳۶۴/۷۵)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَفَى بِالْمَرْءِ خِيَانَةً أَنْ يَكُونَ أَمِينًا لِلْخَوْنَةِ ؛ بس است در دغلی و ناراستی مرد
آنکه امین خیانتکاران باشد. (اعلام الدین ص ۳۰۹)

قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ أُعْطِيَ عَذُوبَةً مُنَاهُ . آن حضرت که هر که اطاعت کند هوی و
خواهش دل خود را عطا کرده به دشمن خود آرزویش را. (بحار الانوار ۳۶۴/۷۵)

شیخ صدوق روایت کرده از جناب عبدالعظیم بن عبدالله حسنی رحمه الله که گفت : گفتم به
حضرت امام محمد تقی علیه السلام ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، حدیث کن مرا
به حدیثی که از پدران بزرگوارانت نقل شده باشد، فرمود: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتُوا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا ؛ یعنی
حدیث کرد مرا پدرم از جدم از پدرانش علیهم السلام که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرموده
پیوسته مردم به خیر و خوبی هستند مادامی که تفاوت داشته باشند، پس هرگاه مساوی شدند هلاک
شدند، گفتم : زیادت بر بگو یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باز حضرت از پدران خود از
امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرد که فرمود: وَ لَوْ تَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَافَعْتُمْ؛ اگر آشکار شود عیب هر یک
از شماها بر دیگر همدیگر را دفن نخواهید کرد. گفتم : زیادت بر ما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
آله و سلم . باز نقل کرد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ
بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ اللَّقَاءِ ؛ به درستی که اموال شما گنجایش مردم را ندارند
بدهید ایشان را به گشاده رویی و خوش برخورداری . همانا شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
و سلم که می فرمود: إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ . جناب عبدالعظیم گفت :
گفتم به حضرت جواد علیه السلام که زیادت بر ما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم .
فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مَنْ عَتَبَ عَلَى الزَّمَانِ طَالَتْ مَعْتَبَتُهُ ؛ هرکه خشم گیرد بر
زمان طول خواهد کشید خشم او، یعنی ناملازمات زمانه یکی دو تا نیست که خشم آدم زود بر طرف
شود بلکه آن بسیار و متجاوز از حد است لاجرم خشم بر او طولانی خواهد شد . جناب عبدالعظیم
گفت : گفتم زیادت بر ما، فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مُجَالِسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ
سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ . مجالست و همنشینی با اشرار و مردمان بد، سبب بدگمانی شود به اخیار و
مردمان خوب . گفتم : زیادت بر ما، فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بِئْسَ الزَّادُ إِلَى
الْمَعَادِ الْعُدْوَانُ عَلَى الْعِبَادِ . بد توشه ای است برای سفر قیامت ستم کردن بر بندگان خدای . گفت :
گفتم زیادت بر ما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم . فرمود: که حضرت امیرالمؤمنین علیه

السلام فرموده قِیمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ؛ قیمت هر مردی و مرتبه هر شخصی همان چیزی است که نیکو می دارد آن را از هنر و علم و عرفان. هر تحریص و ترغیب بر کسب کمالات نفسانیه و صناعات و نحو آن است. جناب عبدالعظیم گفت: گفتم زیادتیر بفرما یابن رسول الله. فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: الْمَرْءُ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. مرد پنهان است در زیر زبان خویشان - قیمت و قدرش ندانی تا نیاید در سخن. گفتم: زیادتیر بفرما یابن رسول الله. فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مَا هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ؛ هلاک نشد مردی که شناخت قدر خود را. گفتم: زیادتیر بفرما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اَلْتَّذْيِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ؛ یعنی تدبیر خویش از عمل و اقدام در امری ایمن خواهد ساخت ترا از پشیمانی آن. ندانسته در کار تندی مکن - بیندیش و بنگر ز سر تا به بن، در سر کاری که درآیی نخست - رخنه بیرون شدنش کن درست - تا نکنی جای قدم استوار - پای منه در طلب هیچ کار. گفت: گفتم زیادتیر بفرما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مَنْ وَثِقَ بِالزَّمَانِ صُرِعَ؛ هر که اعتماد کند بر زمان بر زمین افکنده خواهد شد. گفتم: زیادتیر بفرما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خَاطِرُ بِنَفْسِهِ مِنْ اسْتِغْنَى بِرَايَةٍ. در خطر افکند خود را کسی که بی نیاز شده به راءى خودش، یعنی در مهمات تکیه بر راءى و دانش خود نموده و ترك کرده مشورت کردن با دانایان را، عرض کردم: زیادتیر بفرما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قَلَّةُ الْغِيَالِ اِحْدَى الْيَسَارَيْنِ؛ کمی اهل و عیال یکی از دو توانگری است در مال، زیرا که هر که را اندک باشد عیال او عیشش آسانتر باشد و معیشتش اوسع، همچنان که در کثرت مال حال بر این منوال است. گفتم: زیادتیر بفرما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مَنْ دَخَلَ الْعُجْبُ هَلَكَ؛ هر که داخل شد بر او عجب و خودپسندی هلاک شد. گفتم: زیادتیر بفرما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مَنْ اِثَّقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ؛ کسی که یقین کند که عوض آنچه می دهد جایش می آید جوانمردی خواهد کرد در عطا کردن، زیرا که می داند بدل این عطا به او می رسد. جناب عبدالعظیم گفت: گفتم زیادتیر بفرما یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مَنْ رَضِيَ بِالْعَافِيَةِ مِمَّنْ دُونَهُ رَزَقَ السَّلَامَةَ مِمَّنْ فَوْقَهُ. کسی که راضی و خشنود شد به عافیت و سلامت از کسانی که پایین تر از او است روزی او خواهد شد سلامتی از کسانی که بالاتر از او است. این وقت جناب عبدالعظیم گفت: گفتم به حضرت جواد علیه السلام بس است آنچه فرمودی مرا. (امالی شیخ صدوق ص ۵۳۱ - ۵۳۲، مجلس ۶۸، حدیث ۷۱۸)

جواب يك معمای فقهی

قال الجواد عليه السلام: «يا أبا محمد ما تقول في رجل حرمت عليه امرأة بالغداة و حلّت له ارتفاع النهار و حرمت عليه نصف النهار، ثم حلّت له الظهر ثم حرمت عليه العصر، ثم حلّت له المغرب، ثم حرمت عليه نصف الليل ثم حلّت له الفجر، ثم حرمت عليه ارتفاع النهار، ثم حلّت له نصف النهار؟ فبقى يحيى و الفقهاء بلسا خرسا فقال المؤمن: يا أبا جعفر أعزك الله بين لنا هذا؟ فقال (عليه السلام): هذا رجل نظر إلى مملوكة لا تحلّ له، اشتريها فحلّت له. ثم أعتقها فحرمت عليه، ثم تزوّجها فحلّت له، فظاهر منها فحرمت عليه. فكفر الظهار فحلّت له، ثم طلقها تطليقة فحرمت عليه، ثم راجعها فحلّت له، فازدّ عن الإسلام فحرمت عليه، فتاب و رجع إلى الإسلام فحلّت له بالنكاح الأول، كما أقرّ رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) نكاح زينب مع أبي العاص بن الربيع حيث أسلم على النكاح الأول.

امام جواد (عليه السلام) به يحيى بن اکثم فرمود: ای ابا محمد! چه گویی درباره مردی که بامداد زنی بر وی حرام بود و روز که برآمد بر او حلال شد، نیمه روزش حرام شد و هنگام ظهرش حلال گردید و وقت عصر بر او حرام شد و مغربش حلال گردید و نیمه شب بر او حرام شد و سپیده دم بر وی حلال شد و روز که برآمد بر او حرام شد و نیمه روز بر او حلال گردید. يحيى و دیگر فقها در برابر او حیران گردیده و از کلام باز ماندند! مؤمن گفت: یا ابا جعفر! خدای عزیزت بدارد. این مسأله را برای ما بیان کن. امام (عليه السلام) فرمود: این مردی است که به کنیزك دیگری نگاه کرده و او را خریده و بر وی حلال شده، سپس آزادش کرده و بر او حرام شده سپس او را به زنی گرفته و بر او حلال شده و ظهارش کرده و بر او حرام شده و كفاره ظهار داده و حلال شده و سپس يك بار طلاقش داده و حرام شده، سپس به او رجوع کرده و حلال شده، پس آن مرد از اسلام برگشته و زن بر او حرام شده و باز توبه کرده و به اسلام برگشته و به همان نکاح سابق بر او حلال شده، چنان که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) زينب را به ابی العاص بن ربیع که مسلمان شد، به همان نکاح اول تسلیم نمود.

(منابع: تحف العقول ابن شعبه حرانی - اصول کافی محمد بن یعقوب کلینی - خصال شیخ صدوق - منتهی الآمال محدث قمی - مواظب العددیه علی مشکینی - منتخب میزان الحکمه محمدی ری شهری - الحدیث مرتضی فرید - محمد تقی فلسفی - سفینه البحار محدث قمی - چهل داستان و چهل حدیث از امام جواد علیه السلام عبدالله صالحی - همراه با چهارده معصوم علیهم السلام از مؤلف باقری پور - پایگاه اطلاع رسانی استاد حسین انصاریان - www.ansarian.ir/farsi)

خلاصه حالات دوازدهمین معصوم ، دهمین اختر امامت امام هادی(ع)

آن حضرت طبق مشهور، سه شنبه ، دهمین روز از ماه رجب ، سال ۲۱۲ هجری قمری (در تاریخ ولادت حضرت ، از نظر مورّخین و محدّثین بین ۱۵ یا ۲۷ ذی الحجّه ، و بین دوم یا ۱۳ رجب ، سال ۲۱۲ اختلاف است)، در قریه ای به نام صُریا سه فرسخی شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود. (تاریخ مذکور، مطابق با نهم مهر ماه ، سال ۲۰۶ هجری شمسی می باشد)

نام : علی(نام و لقب آن حضرت به عنوان امام (علی، هادی) علیه السلام طبق عدد حروف اُبعد کبیر ۱۱۰، ۲۰ می شود) صلوات الله و سلامه علیه .

کنیه : ابوالحسن و ابوالحسن الثالث .

لقب : هادی ، ناصح ، متوکل ، نقی ، مرتضی ، عالم ، طاهر ، طیب ، عسکری ، امین ، ابن الرضا و

پدر: امام محمد، جواد الائمه علیه السلام .

مادر: سمانه - از اهالی مغرب - و معروف به سیده بوده است .

نقش انگشتر: (الله ربی و هو عصمتی من خلقه).

دربان : عثمان بن سعید عمری .

مدّت عمر: آن حضرت سلام الله علیه ، مدّت شش سال و پنج ماه در حیات پدر بزرگوارش ؛ و نیز پس از شهادت وی ، مدّت ۳۳ سال و ۹ ماه رهبریت و امامت جامعه را بر عهده داشت .

جمعا عمر پُر برکت آن حضرت را حدود ۴۱ سال و چند ماه گفته اند، که مدّت بیست سال و اءندی از آن را در شهر سامراء، تحت نظر حکومت عباسی به طور اُجبار اقامت داشت .

مدّت امامت : بنابر آنچه که بین گفتار مورّخین و محدّثین مشهور است : آن حضرت ، روز سه شنبه ، پنجم ماه ذی الحجّه ، سال ۲۲۰ هجری ، پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و خلافت نائل آمد و حدود ۳۳ سال و ۹ ماه ، امامت و هدایت جامعه اسلامی را عهده دار بود.

آن حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارش ، مرتّب در حصر و تحت اذیت و آزار دستگاه ظلم و جور خلفاء بنی العباس و مخالفین قرار داشت ؛ و بیشتر مدّت امامت خود را یا در زندان و یا تحت نظر جاسوسان و مأموران حکومتی سپری نمود. و اگر هم بر حسب ظاهر آزاد می شد، غیرمستقیم برخوردهای حضرت و نیز رفت و آمد افراد را به حضور ایشان ، تحت کنترل شدید قرار می دادند.

اما برای آن که افکار عمومی خدشه دار نگردد، به طور ریاکارانه در ظاهر و در موقعیت های معین ، حضرت را تکریم و تعظیم می کردند. ولی به هر حال کینه و خبائث و سخن چینی افراد کوردل ، امام علیه السلام را به حال خود وا نگذاشت ؛ و سرانجام حضرت را به وسیله زهر مسموم و به شهادت رساندند. و به همین جهات سیاسی و حکومتی ، امام علیه السلام کمتر توانست ، مسائل دین را در امور مختلف مطرح نماید و یا جلسات درس تشکیل دهد. بدین جهت سخنان حضرت ، نسبت

به پدران بزرگوارش کمتر در بین کتب تاریخ و حدیث دیده می‌شود. و همچنین برای اثبات مظلومیت حضرت، همین کافی است که دفن جسد مطهر آن بزرگوار نیز در خانه خود آن حضرت انجام گرفت.

خلفاء هم عصر: امامت آن حضرت با حکومت و ریاست هفت نفر از خلفاء بنی العباس به نام‌های: واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، معتمد و معتصم مصادف شد.

مأم مظلوم علیه السلام اختلاف است؛ ولی مشهور بین علماء گفته‌اند: شهادت آن حضرت، روز سوّم ماه رجب، سال ۲۵۴ هجری قمری (مطابق با یازدهم تیرماه، سال ۲۴۷ هجری شمسی خواهد بود) می‌باشد، که در زمان حکومت معتصم به وسیله زهر مسموم و به شهادت رسید؛ و جسد مطهر و مقدّسش در شهر سامراء، در منزل شخصی خود حضرت دفن گردید.

فرزند: حضرت دارای چهار فرزند پسر به نام‌های: امام حسن عسکری علیه السلام، حسین، محمد و جعفر؛ و نیز يك دختر به نام عایشه بوده است.

نماز امام هادی علیه السلام: دو رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، هفتاد مرتبه سوره توحید خوانده می‌شود؛ و پس از آخرین سلام، تسبیحات حضرت فاطمه زهراء علیها السلام گفته می‌شود. و سپس نیازها و حوائج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال طلب می‌نماید، که انشاءالله برآورده خواهد شد.

(منابع: تاریخ ولادت و دیگر حالات آن حضرت برگرفته شده است از: اصول کافی: ج ۱، تهذیب الاحکام: ج ۶، تاریخ اهل البيت (ع)، مجموعه نفیسه، اعیان الشیعة: ج ۲، اعلام الوری طبرسی: ج ۲، مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴، کشف الغمّة: ج ۲، بحارالانوار: ج ۴۸، جمال الأسبوع، دعوات راوندی و ...)

احادیث امام هادی علیه السلام

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يُتَّقَى، وَمَنْ اطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ، وَمَنْ اطَاعَ الْخَالِقَ فَلَمْ يُبَالِ بِسَخَطِ الْمَخْلُوقِينَ وَمَنْ أَسَخَطَ الْخَالِقَ فَلْيَقْنِ أَنْ يَحِلَّ بِهِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ. کسی که تقوی الهی را رعایت نماید و مطیع احکام و مقررات الهی باشد، دیگران مطیع او می شوند. و هر شخصی که اطاعت از خالق نماید، باکی از دشمنی و عداوت انسان ها نخواهد داشت؛ و چنانچه خدای متعال را با معصیت و نافرمانی خود به غضب درآورد، پس سزاوار است که مورد خشم و دشمنی انسان ها قرار گیرد. (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۱۸۲، ح ۴۱، اعیان الشیعة: ج ۲، ص ۳۹)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا سُوقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخَرُونَ. دنیا همانند بازاری است که عده ای در آن برای آخرت سود می برند و عده ای دیگر ضرر و خسارت متحمل می شوند. (اعیان الشیعة: ج ۲، ص ۳۹، تحف العقول: ص ۴۳۸)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اءَنَسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ، وَ عَلَامَةُ الْاُنْسِ بِاللَّهِ الْوَحْشَةُ مِنَ النَّاسِ. کسی که با خداوند متعال مونس باشد و او را اَنِیس خود بداند، از مردم احساس وحشت می کند. و علامت و نشانه اَنِیس با خداوند وحشت از مردم است یعنی از غیر خدا نهراسیدن و از مردم احتیاط و دوری کردن. (عده الداعی مرحوم راوندی: ص ۲۰۸)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّهَرُ اِئْتِدَ الْمَنَامُ، وَالْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ. شب زنده داری، خواب بعد از آن را لذیذ می گرداند؛ و گرسنگی در خوشمزگی طعام می افزاید یعنی هر چه انسان کمتر بخوابد بیشتر از خواب لذت می برد و هر چه کم خوراک باشد مزه غذا گواراتر خواهد بود. (بحارالانوار: ج ۸۴ ص ۱۷۲ به نقل از اعلام الدین دیلمی)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَطْلُبِ الصِّفَا مِمَّنْ كَذِبَتْ عَلَيْهِ، وَلَا النُّصَحَ مِمَّنْ صَرَفَتْ سُوءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ، فَإِنَّمَا قَلْبُ غَيْرِكَ كَقَلْبِكَ لَهُ. از کسی که نسبت به او کدورت و کینه داری، صمیمیت و محبت مجوی. همچنین از کسی که نسبت به او بدگمان هستی، نصیحت و موعظه طلب نکن، چون که دیدگاه و افکار دیگران نسبت به تو همانند قلب خودت نسبت به آن ها می باشد. (بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۳۶۹، ح ۴، اعلام الدین: ص ۳۱۲، س ۱۴)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَسَدُ مَاحِقُ الْحَسَنَاتِ، وَالزُّهْوَ جَالِبُ الْمَقْتِ، وَالْعُجْبُ صَارِفٌ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ دَاعٍ إِلَى الْغَمَطِ وَالْجَهْلِ، وَالْبُخْلُ اِءْذَمُ الْاَخْلَاقِ، وَالطَّمَعُ سَجِيَّةٌ سَيِّئَةٌ. حسد موجب نابودی ارزش و ثواب حسنات می گردد. تکبر و خودخواهی جذب کننده دشمنی و عداوت افراد می باشد. عُجب و خودبینی مانع تحصیل علم خواهد بود و در نتیجه شخص را در پستی و نادانی نگه می دارد. بخیل بودن بدترین اخلاق است؛ و نیز طَمَع داشتن خصلتی ناپسند و زشت می باشد. (بحارالانوار: ج ۶۹، ص ۱۹۹، ح ۲۷)

قال الهادی علیه السلام : الْهَزْلُ فَكَاهَةٌ السُّفْهَاءُ، وَ صَنَاعَةُ الْجُهَالِ. مسخره کردن و شوخی های - بی مورد - از بی خردی است و کار انسان های نادان می باشد. (الدرة الباهرة : ص ۴۲، س ۵، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۶۹، ح ۲۰)

قال الهادی علیه السلام : النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِأَلْأُمُوالِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِأَلْأَعْمَالِ. مردم در دنیا به وسیله ثروت و تجملات شهرت می یابند ولی در آخرت به وسیله اعمال محاسبه و پاداش داده خواهند شد. (اعیان الشیعة : ج ۲، ص ۳۹، بحارالانوار: ج ۱۷)

قال الهادی علیه السلام : مُخَالَطَةُ الْأَشْرَارِ تَدُلُّ عَلَى شِرَارٍ مَنْ يُخَالِطُهُمْ. همنشین شدن و معاشرت با افراد شرور نشانه پستی و شرارت تو خواهد بود. (مستدرک الوسائل : ج ۱۲، ص ۳۰۸، ح ۱۴۱۶۲)

قال الهادی علیه السلام : أَهْلُ قُمْ وَ أَهْلُ آبَةِ مَغْفُورٍ لَهُمْ ، لِزِيَارَتِهِمْ لِحَدِيٍّ عَلَى ابْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوس ، اءلا وَ مَنْ زَارَهُ فَأَصَابَهُ فِي طَرِيقِهِ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ. اءهالی قم و اءهالی آبه یکی از روستاهای حوالی ساوه آمرزیده هستند به جهت آن که جدم امام رضا علیه السلام را در شهر طوس زیارت می کنند. و سپس حضرت افزود: هر که جدم امام رضا علیه السلام را زیارت کند و در مسیر راه صدمه و سختی تحمل کند خداوند آتش را بر بدن او حرام می گرداند. (عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۲۲)

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ السَّكَيْتِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عَلَى النَّشْرِ وَالذَّرْسِ إِلَّا لَغَضَاةٍ ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِّمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. یکی از اصحاب حضرت به نام ابن سبکیت گوید: از امام هادی علیه السلام سؤال کردم : چرا قرآن با مرور زمان و زیاد خواندن و تکرار، کهنه و مندرس نمی شود؛ بلکه همیشه حالتی تازه و جدید در آن وجود دارد؟ امام علیه السلام فرمود: چون که خداوند متعال قرآن را برای زمان خاصی و یا طایفه ای مخصوص قرار نداده است ؛ بلکه برای تمام دوران ها و تمامی اقشار مردم فرستاده است ، به همین جهت همیشه حالت جدید و تازه ای دارد و برای جوامع بشری تا روز قیامت قابل عمل و اجراء می باشد. (ءمالی شیخ طوسی : ج ۲، ص ۵۸۰، ح ۸)

قال الهادی علیه السلام : الْغَضَبُ عَلَى مَنْ لَا تَمْلِكُ عَجْرٌ، وَ عَلَى مَنْ تَمْلِكُ لُؤْمٌ. غضب و تندی در مقابل آن کسی که توان مقابله با او را نداری ، علامت عجز و ناتوانی است ، ولی در مقابل کسی که توان مقابله و رو در روئی او را داری علامت پستی و رذالت است . (مستدرک الوسائل : ج ۱۲، ص ۱۱، ح ۱۳۳۷۶)

قال الهادی علیه السلام : يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَّامُونَ بِضُعْفَاءٍ مُحِبِّينَا وَ أَهْلٍ لَا يَتَيْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تِجَانِهِمْ. علماء و دانشمندانی که به فریاد دوستان و پیروان ما برسند و از آن ها

رفع مشکل نمایند، روز قیامت در حالی محشور می شوند که تاج درخشانی بر سر دارند و نور از آن ها می درخشد. (بحارالانوار: ج ۲، ص ۶، ضمن ح ۱۳)

قال الهادی علیه السلام: لِيَعُضَ قَهَارِمَتِهِ: اسْتَكْثَرُوا لَنَا مِنَ الْبَادِنِجَانِ، فَإِنَّهُ حَارٌّ فِي وَقْتِ الْحَرَارَةِ، بَارِدٌ فِي وَقْتِ الْبُرُودَةِ، مُعْتَدِلٌ فِي الْأَوْقَاتِ كُلِّهَا، جَيِّدٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ. به بعضی از غلامان خود فرمود: بیشتر برای ما بادمجان پخت نمائید که در فصل گرما، گرم و در فصل سرما، سرد است. و در تمام دوران سال معتدل می باشد و در هر حال مفید است. (کافی: ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۲، وسائل الشیعة: ج ۲۵، ص ۲۱۰، ح ۳۱۷۰۶)

قال الهادی علیه السلام: التَّشْرِيحُ بِمَشْطِ الْعَاجِ يُنْبِتُ الشَّعْرَ فِي الرَّأْسِ، وَ يَطْرُدُ الدُّودَ مِنَ الدِّمَاغِ، وَ يُطْفِئُ الْمِرَارَ، وَ يَتَقَيُّ اللَّثَّةَ وَ الْعُمُورَ. شانه کردن موها به وسیله شانه عاج، سبب روئیدن و افزایش مو می باشد، همچنین سبب نابودی کرم های درون سر و مُخ خواهد شد و موجب سلامتی فك و لثه ها می گردد. (بحارالانوار: ج ۷۳، ص ۱۱۵، ح ۱۶)

قال الهادی علیه السلام: أَذْكُرُ مَصْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيْ أَهْلِكَ لَا طَبِيبَ يَمْنَعُكَ، وَ لَا حَبِيبَ يَنْفَعُكَ. بیاد آور و فراموش نکن آن حالت و موقعی را که در میان جمع اعضاء خانواده و آشنایان قرار می گیری و لحظات آخر عمرت سپری می شود و هیچ پزشکی و دوستی و ثروتی نمی تواند تو را از آن حالت نجات دهد. (اعلام الدین: ص ۳۱۱، س ۱۶، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۶۹، ح ۴)

قال الهادی علیه السلام: إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي، وَإِنْ نَمَى لَا يَبَارِكُ فِيهِ، وَمَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ، وَ مَا خَلَفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ. همانا اموال حرام، رشد و نمو ندارد و اگر هم احیاناً رشد کند و زیاد شود برکتی نخواهد داشت و با خوشی مصرف نمی گردد. و آنچه را از اموال حرام انفاق و کمک کرده باشد اجر و پاداشی برایش نیست و هر مقداری که برای بعد از خود به هر عنوان باقی گذارد معاقب می گردد. (کافی: ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۷)

قال الهادی علیه السلام: الْحِكْمَةُ لَا تَنْجَعُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ. حکمت اثری در دل ها و قلب های فاسد نمی گذارد. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص ۱۴۱، ح ۲۳، اعلام الدین: ص ۳۱۱، س ۲۰)

قال الهادی علیه السلام: مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ. هر که از خود راضی باشد بدگویان او زیاد خواهند شد. (بحارالانوار: ج ۶۹، ص ۳۱۶، ح ۲۴)

قال الهادی علیه السلام: الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلْجَارِعِ اثْنَتَانِ. مصیبتی که بر کسی وارد شود صبر و تحمل نماید، تنها يك ناراحتی است؛ ولی چنانچه فریاد بزند و جزع کند دو ناراحتی خواهد داشت. (اعلام الدین: ص ۳۱۱، س ۴، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۶۹)

قال الهادی علیه السلام: إِنَّ لِلَّهِ بِقَاعاً يُجِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَاهُ، وَالْحَايِرُ مِنْهَا. برای خداوند بقعه ها و مکان هایی است که دوست دارد در آن ها خدا خوانده شود تا آن که دعاها را

مستجاب گرداند که یکی از بُقعه ها حائر و حرم امام حسین علیه السلام خواهد بود. (تحف: ص ۳۵۷، بحارالانوار: ج ۹۸، ص ۱۳۰، ح ۳۴)

قال الهادی علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُثِيبُ وَالْمُعَاقِبُ وَالْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلًا وَآجِلًا. همانا تنها کسی که ثواب می دهد و عقاب می کند و کارها را در همان لحظه یا در آینده پاداش می دهد، خداوند خواهد بود. (تحف: ص ۳۵۸، بحارالانوار: ج ۵۹، ص ۲، ضمن ح ۶)

قال الهادی علیه السلام: مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنْ شَرَّهُ. هرکس به خویشتن اِهانَت کند و کنترل نفس نداشته باشد خود را از شر او در امان ندان. (تحف العقول: ص ۳۸۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۶۵)

۲۴ قال الهادی علیه السلام: أَلْتَوَاضَعُ عَنْ تُعْطِي النَّاسِ مَا تُحِبُّ عَنْ تُعْطَاةٍ. تواضع و فروتنی چنان است که با مردم چنان کنی که دوست داری با تو آن کنند. (محجة البيضاء: ج ۵، ص ۲۲۵)

قال الهادی علیه السلام: إِنَّ الْجِسْمَ مُحَدَّثٌ وَاللَّهُ مُحَدِّثُهُ وَ مُجَسِّمُهُ. همانا اجسام، جدید و پدیده هستند و خداوند متعال به وجود آورنده و تجسم بخش آن ها است. (بحارالانوار: ج ۵۷، ص ۸۱، ح ۵۱، به نقل از توحید شیخ صدوق)

قال الهادی علیه السلام: لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَيْئَ مَعَهُ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بَدِيعًا، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ. خداوند از ازل، تنها بود و چیزی با او نبود، تمام موجودات را با قدرت خود آفریده، و بهترین نام ها را برای خود برگزید. (بحارالانوار: ج ۵۷، ص ۸۳، ح ۶۴، به نقل از احتجاج طبرسی)

قال الهادی علیه السلام: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ. زمانی که حضرت حجت (عج) قیام نماید در بین مردم به علم خویش قضاوت می نماید؛ همانند حضرت داود علیه السلام که از دلیل و شاهد سؤال نمی فرماید. (بحارالانوار: ج ۵۰، ص ۲۶۴، ح ۲۴، به نقل از مناقب و خرائج)

قال الهادی علیه السلام: أَلْعِلْمُ وَرَاثَةٌ كَرِيمَةٌ وَالْأَدَبُ حُلٌّ حَسَنٌ، وَالْفِكْرَةُ مِرَآتٌ صَافِيَةٌ. علم و دانش بهترین یادبود برای انتقال به دیگران است، ادب زیباترین نیکی ها است و فکر و اندیشه آئینه صاف و تزیین کننده اعمال و برنامه ها است. (بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۳۲۴، مستدرک الوسائل: ج ۱۱، ص ۱۸۴، ح ۴)

قال الهادی علیه السلام: الْعُجْبُ صَارِفٌ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ، دَاعٍ إِلَى الْغَمْطِ وَ الْجَهْلِ. خودبینی و غرور، انسان را از تحصیل علوم باز می دارد و به سمت حقارت و نادانی می کشاند. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۶۹، س ۴)

قال الهادی علیه السلام: لَا تُخَيِّبْ رَاجِيكَ فَيَمُوتَكَ اللَّهُ وَ يُعَادِيكَ. کسی که به تو امید بسته است ناامیدش مگردان، وگرنه مورد غضب خداوند قرارخواهی گرفت. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۱۷۳، ح ۲)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا اسْتَرَاخَ ذُو الْجِرْصِ . شَخْصٌ طَمَاعٌ وَ حَرِيصٌ نَسَبَتْ بِهِ اَمْوَالٌ وَ تَجَمَّلَاتٌ دُنْيَا هِيَجَاةٌ اَسَاسِيْش وَ اسْتِرَاحَتْ نَخَوَاهِدْ دَاشَتْ . (نَهْة النَّاظر وَ تَنْبِيْهِ الْخَاطِرُ : ص ۱۴۱ ، ح ۲۱ ، مستدرک الوسائل : ج ۲ ، ص ۳۳۶ ، ح ۱۱)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعِتَابُ مِفْتَاحُ التَّقَالُ ، وَالْعِتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحَقْدِ . (مَوَاضِبُ بَاشْ كِه) عِتَابٌ وَ پَرخاش گری ، مَقْدَمَه وَ كَلِيدِ غَضَبِ اسْتِ ، وَلِيْ دَرِ هَرِ حَالِ پَرخاش گری نَسَبَتْ بِهِ كِيْنِه وَ دَشْمَنِيْ دِرُوْنِيْ بَهْتَرِ اسْتِ (چون كينه ، ضررهای خطرناك تری را در بردارد) . (نَهْة النَّاظرُ : ص ۱۳۹ ، ح ۱۲ ، بحارالانوار : ج ۷۸ ، ص ۳۶۸ ، ضمن ح ۳)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْغِنَى قِلَّةٌ تَمْنِيْكَ ، وَالرِّضَا بِمَا يَكْفِيْكَ ، وَ الْفَقْرُ شَرُّهُ النَّفْسِ وَ شِدَّةُ الْفُتُوْطِ ، وَالدَّقَّةُ اِتِّبَاعُ الْيَسِيْرِ وَ النَّظَرُ فِي الْحَقِيْرِ . بِيْ نِيَاْزِيْ وَ تَوَانْگَرِيْ دَرِ اَنِّ اسْتِ كِهْ كَمْتَرِ اَرْزَوُ وَ تَوَقَّعْ بَاشْدِ وَ بِهْ اَنچه مَوْجُوْد وَ حَاضِرِ اسْتِ رَاضِيْ وَ قَانَعِ گَرْدِيْ ، وَلِيْكِنِ فَقْرٌ وَ تَهِيْ دَسْتِيْ دَرِ اَنِّ مَوْقَعِيْ اسْتِ كِهْ اَرْزَوَهايْ نَفْسَانِيْ اَهْمِيَّتْ دَاْدِهْ شُوْد ، اَمَّا دَقَّتْ وَ تَوَجَّهْ بِهْ مَسْأَلِ ، اَهْمِيَّتْ دَاْدِنِ بِهْ اِمْكَانَاتِ مَوْجُوْد وَ مَصْرُفِ وَ اسْتِفَادَهْ صَحِيْحِ اَزِ اَنِّ هَا اسْتِ ، اِگَرِ چه نَاجِيْزِ وَ كَمِ بَاشْدِ . (الدَّرَّةُ الْبَاهِرَةُ : ص ۱۴ ، نَهْة النَّاظرُ : ص ۱۳۸ ، ح ۷ ، بحار : ج ۷۵ ، ص ۱۰۹ ، ح ۱۲)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْاِمَامُ بَعْدِي الْحَسَنِ ، وَ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا . اِمَامٌ وَ خَلِيْفَهْ بَعْدِ اَزِ مَنْ (فِرْزَنْدَم) حَسَنِ ؛ وَ بَعْدِ اَزِ او فِرْزَنْدَشْ مَهْدِيْ مَوْعُوْدِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِيْ بَاشْدِ كِهْ زَمِيْنِ رَا پَرِ اَزِ عَدْلِ وَ دَاْدِ مِيْ نَمَايْدِ ، هَمَانِ طَوْرِيْ كِهْ پَرِ اَزِ ظَلْمِ وَ سَتَمِ گَشْتِهْ بَاشْدِ . (بحارالانوار : ج ۵۰ ، ص ۲۳۹ ، ح ۴ ، بِهْ نَقْلِ اَزِ اِكْمَالِ الدِّيْنِ صَدُوْقِ)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيْهِ اُغْلِبَ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ اَنْ يُظَنَّ بِاَحَدٍ سُوءًا حَتَّى يَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ . دَرِ اَنِّ زَمَانِيْ كِهْ عَدَالَتْ اِجْتِمَاعِيْ ، حَاكِمِ وَ غَالِبِ بَرِ تَبَاهِيْ بَاشْدِ ، نَبَايْدِ بِهْ شَخْصِيْ بَدِگَمَانِ بُوْدِ مَگَرِ اَنِّ كِهْ يَقِيْنِ وَ مَعْلُوْمِ بَاشْدِ . (بحارالانوار : ج ۷۳ ، ص ۱۹۷ ، ح ۱۷ ، بِهْ نَقْلِ اَزِ الدَّرَّةِ الْبَاهِرَةِ : ص ۴۲ ، س ۱۰)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِنْ لِّشِيْعَتِنَا بِلَايَتِنَا لِعِصْمَةٍ ، لَوْ سَلَكَوا بِهَا فِي لُجَّةِ الْبِحَارِ الْغَامِرَةِ . هَمَانَا بِلَايَتِ مَ اَهْلِ بَيْتِ بَرَايِ شِيْعِيَانِ وَ دُوسْتَانَمَانِ پَنَاهِگَاهْ اءَمْنِيْ مِيْ بَاشْدِ كِهْ چنانچه دَرِ هَمِهْ اَمُوْرِ بِهْ اَنِّ تَمَسَّكِ جُوِيْنْدِ ، بَرِ تَمَامِ مَشْكَلَاتِ (مَادِيْ وَ مَعْنَوِيْ) فَايِقْ اَيْنْدِ . (بحارالانوار : ج ۵۰ ، ص ۲۱۵ ، ح ۱ ، س ۱۸ ، بِهْ نَقْلِ اَزِ اءَمَالِيْ شَيْخِ طَوْسِيْ)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا دَاوُدُ لَوْ قُلْتَ : اِنْ تَارَكَ التَّقِيَّةَ كَتَارَكَ الصَّلَاةَ لَكُنْتَ صَادِقًا . بِهْ يَكِيْ اَزِ اصْحَابَشْ - بِهْ نَامِ دَاوُدِ صَرْمِيْ - فَرْمُوْدِ : اِگَرِ قَائِلِ شُوِيْ كِهْ تَرَكَ تَقِيَّهْ هَمَانَنْدِ تَرَكَ نَمَازِ اسْتِ ، صَادِقِ خَوَاهِيْ بُوْدِ . (وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ : ج ۱۶ ، ص ۲۱۱ ، ح ۲۱۳۸۲ ، مَسْتَطْرَفَاتِ السَّرَائِرِ : ص ۶۷ ، ح ۱۰)

قال «الراوی»: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجِلْمِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ أَنْ تَمْلِكَ نَفْسَكَ وَتَكْظِمَ غَيْظَكَ، وَ لَا يَكُونَ ذَلِكَ إِلَّا مَعَ الْقُدْرَةِ. یکی از اصحاب از آن حضرت پیرامون معنای جِلْم و بردباری سؤال نمود؟

حضرت در پاسخ فرمود: این که در هر حال مالک نفس خود باشی و خشم خود را فرو بری و آن را خاموش نمائی و این تحمّل و بردباری در حالی باشد که توان مقابله با شخصی را داشته باشی . (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص ۱۳۸، ح ۵، مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۱۷)

قال الهادی علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بُلُوٍّ وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى، وَ جَعَلَ بُلُوَّ الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَباً وَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بُلُوِّ الدُّنْيَا عَوْضاً. همانا خداوند، دنیا را جایگاه بلاها و امتحانات و مشکلات قرار داد؛ و آخرت را جایگاه نتیجه گیری زحمات، پس بلاها و زحمات و سختی های دنیا را وسیله رسیدن به مقامات آخرت قرار داد و اجر و پاداش زحمات دنیا را در آخرت عطا می فرماید. (تحف: ص ۳۵۸)

قال الهادی علیه السلام [الْمُؤْمِنُ] يُحْسِنُ وَيَبْكِي كَمَا أَنَّ الْمُتَنَفِّقَ يُسِيئُ ۚ وَ يَضْحَكُ؛ مؤمن خوبی می کند و می گرید، ولی منافق بدی می کند و می خندد. (ارشاد القلوب الی الصواب (دیلمی) ج ۱ ص ۱۳۵)

قال الهادی علیه السلام: الْجَاهِلُ أَسِيرُ لِسَانِهِ . نادان ، اسیر زبان خویش است. (مسند الامام الهادی ، ص ۳۰۴)

قال الهادی علیه السلام: إِنَّ الظَّالِمَ الْحَالِمَ يَكَادُ أَنْ يُعْفَى عَلَى ظُلْمِهِ بِحِلْمِهِ وَ إِنَّ الْمُحِقَّ السَّفِيهَ يَكَادُ أَنْ يُطْفِئَ نُورَ حَقِّهِ بِسَفَاهِهِ. ستمکار بردبار، چه بسا که بوسیله حلم و بردباری، از ستمش گذشت شود و چه بسا حق دار نابخرد، که با سفاهت خود ، نور حق خویش را خاموش کند. (مسند الامام الهادی ، ص ۳۰۴)

قال الهادی علیه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ. اعتبار مردم در دنیا به مال است و در آخرت به عمل. (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۸، ح ۳)

قال الهادی علیه السلام: أَمَّا إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) خطاب به یکی از اهالی ری بدان که اگر در شهر خودتان قبر عبد العظیم (علیه السلام) را زیارت کنی، همچون کسی هستی که حسین بن علی (علیه السلام) را زیارت کرده باشد. (میزان الحکمه، ح ۷۹۸۴)

قال الهادی علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَا يُوصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ، وَ أَنَّى يُوصَفُ الَّذِي تُعْجِزُ الْحَوَاسُ أَنْ تُدْرِكَهُ وَ الْأَوْهَامُ أَنْ تَنَالَهُ وَ الْخَطَرَاتُ أَنْ تَحُدَّهُ وَ الْأَبْصَارُ عَنْ الْإِحَاطَةِ بِهِ. نَأَى فِي قُرْبِهِ وَ قُرْبُ فِي نَأْيِهِ.

به راستی که خدا، جز بدانچه خودش را وصف کرده، وصف نشود. کجا وصف شود آن که حواس از درکش عاجز است، و تصورات به کنه او پی نبرد، و در دیده ها نگنجد؟ او با همه نزدیکی اش دور است و با همه دوری اش نزدیک. (تحف العقول، ص ۵۱۰)

قال الهادی علیه السلام: المقادیر تریک ما لا یخطر ببالک، مقدرات چیزهایی را بر تو نمایان می سازد که به فکر خطور نکرده است. (مسند الامام الهادی، ص ۳۰۳)

قال الهادی علیه السلام: الشاکر أسعد بالشکر منه بالنعمة التي أوجبت الشکر لأن النعم متاع و الشکر نعم و عقبی. شکرگزاری از نعمت، از خود نعمت بهتر است چون نعمت متاع دنیای فانی است و لکن شکر، نعمت جاودانه آخرت است. (تحف العقول، ص ۴۸۳)

قال الهادی علیه السلام: الحسد ما حیق الحسنة، و الزهو جالب المقت. حسد موجب نابودی ارزش و ثواب حسنات می گردد و تکبر و خودخواهی جذب کننده دشمنی و عداوت افراد می باشد. (بحار الأنوار: ج ۶۹، ص ۱۹۹، ح ۲۷)

قال الهادی علیه السلام: العجب صارف عن طلب العلم داع إلى الغمط والجهل. عجب و خودبینی مانع تحصیل علم خواهد بود و در نتیجه شخص را در پستی و نادانی نگه می دارد. (بحار الأنوار: ج ۶۹، ص ۱۹۹، ح ۲۷)

قال الهادی علیه السلام: البخل أدم الأخلاق، و الطمع سجيئة سيئة. بخیل بودن بدترین اخلاق است؛ و نیز طمع داشتن خصلتی ناپسند و زشت می باشد. (بحار الأنوار: ج ۶۹، ص ۱۹۹، ح ۲۷)

قال الهادی علیه السلام: تطلب الصفا ممن كدرت عليه، ولا النصح ممن صرفت سوء ظنك إليه، فإنما قلب غيرك كقلبك له. از کسی که نسبت به او کدورت و کینه داری، صمیمیت و محبت مجوی. هم چنین از کسی که نسبت به او بدگمان هستی، نصیحت و موعظه طلب نکن، چون دیدگاه و افکار دیگران نسبت به تو همانند قلب خودت نسبت به آنها می باشد. (أعلام الدین: ص ۳۱۲، س ۱۴)

قال الهادی علیه السلام: ما استرح ذو الحرص. انسان حریص، آسایش ندارد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۶۲)

قال الهادی علیه السلام: علیکم بالورع فإنه الدین الذي نلزمه و ندین الله تعالى به و نریده ممن یوالینا لاتتعبونا بالشفاعة. با ورع و باتقوا باشید که این ورع و تقوا همان دینی است که همواره ما ملازم آن هستیم و پایبند به آن می باشیم و از پیروان خود نیز می خواهیم که چنین باشند. از ما (با عدم رعایت تقوا) شفاعت نخواهید و ما را به زحمت نیندازید. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۸)

قال الهادی علیه السلام: ما استرح ذو الحرص. انسان حریص، آسایش ندارد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۶۲)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْغَضَبُ عَلَى مَنْ لَا تَمْلِكُ عَجْزٌ، وَ عَلَى مَنْ تَمْلِكُ لُؤْمٌ. غَضَبٌ وَ تَنْدِي در مقابل آن کسی که توان مقابله با او را نداری، علامت عجز و ناتوانی است، ولی در مقابل کسی که توان مقابله و رو در روئی او را داری علامت پستی و رذالت است. (مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۱۱، ح ۱۳۳۷۶)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّهَرُ ائِلْذَالْمَنَامِ، وَالْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ. شب زنده داری، خواب بعد از آن را لذیذ می گرداند؛ و گرسنگی در خوشمزگی طعام می افزاید. (بحار الانوار: ج ۸۴ ص ۱۷۲) قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ هَانَتْ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ لَوْ قَرَضَ وَ نَشَرَ. هر که بر طریق خداپرستی محکم و استوار باشد، مصائب دنیا بر وی سبک آید، گر چه تکه تکه شود. (تحف العقول، ص ۵۱۱)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوَضُّعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ. فروتنی در آن است که با مردم چنان کنی که دوست داری با تو چنان باشند. (المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۲۲۵) قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعُقُوقُ يَعْقُبُ الْقِلَّةَ وَ يُؤَدِّي إِلَى الدَّلَّةِ. نارضایتی پدر و مادر، کم توانی را به دنبال دارد و آدمی را به ذلت می کشاند. (مسند الامام الهادی، ص ۳۰۳) قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ. مردم در دنیا با اموالشان و در آخرت با اعمالشان هستند. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۸)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَوَاضَعَ فِي الدُّنْيَا لِإِخْوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ وَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَقًّا. کسی که در معاشرت با برادران دینی خود، تواضع کند، به راستی چنین کسی نزد خدا از صدیقین و از شیعیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) خواهد بود. (احتجاج، ج ۱، ص ۴۶۰) قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ سَلَكَ النَّاسُ وَادِيًا شُعْبًا لَسَلَكَتْ وَادِي رَجُلٍ عَبْدَ اللَّهِ وَ حَدَّهُ خَالِصًا. اگر مردم در راههای مختلف حرکت کنند، هر آینه من در مسیر و وادی مردی حرکت خواهم کرد که خدا را به تنهایی خالصانه عبادت می کند. (میزان الحکمة، ج ۳، ص ۶۰)

قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَجْبُ صَارِفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ، دَاعٍ إِلَى الْغَمَطِ وَ الْجَهْلِ. خودپسندی مانع تحصیل علم است و انسان را بسوی نادانی و خواری می کشاند. (میزان الحکمة، ج ۶، ص ۴۶) قَالَ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَزُرْ قَبْرَ جَدِّي الرِّضَا بِطُوسٍ وَ هُوَ عَلَى غَسَلٍ وَلْيُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ لَهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ مَأْثَمًا أَوْ قَطِيعَةً رَحِمٍ. کسی که از خدا حاجتی را می خواهد؛ قبر جدم حضرت رضا (علیه السلام) را در طوس با غسل، زیارت کند و دو رکعت نماز بالای سرش بخواند و در قنوت نماز، حاجت خویش را طلب نماید در این صورت حوائج وی مستجاب می شود، مگر آن که طلب انجام گناه و یا قطع رحم را کند. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۹)

خلاصه حالات سیزدهمین معصوم ، یازدهمین اختر امامت امام عسکری (ع)

ولادت با سعادت آن حضرت طبق مشهور، روز دوشنبه یا جمعه، هشتم ربیع الثانی، سال ۲۳۲ هجری قمری در شهر مدینه منوره واقع شد، که در آن هنگام، پدر بزرگوارش طبق نقلی در سنین ۲۶ سالگی بوده است. (مطابق با پانزدهم آذر ماه، سال ۲۲۵ هجری شمسی می باشد)
 نام: حسن (نام و لقب آن حضرت به عنوان امام (حسن، عسکری) علیه السلام طبق عدد حروف ابجد کبیر ۱۱۸، ۳۶۰ می شود) صلوات الله و سلامه علیه .
 کنیه: ابومحمد.

لقب: عسکری، صامت، هادی، زکی، تقی، رفیق، خالص، سراج، ابن الرضا، سراج بنی هاشم و ...
 پدر: امام علی هادی، فقیه اهل البيت، صلوات الله علیهم أجمعین .
 مادر: سه اسم برای مادر حضرت گفته شده است: سوسن، حدیث و سلیل، که کنیه اش اُم ولد می باشد، او از زن های عارفه و صالحه بوده است .
 نقش انگشتر: حضرت دارای دو انگشتر بود، که نقش هر کدام به ترتیب عبارتند از: (سُبْحَانَ مَنْ لَهْ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ)، (إِنَّ اللَّهَ شَهِيدٌ).
 دربان: عثمان بن سعید عمری و پسرش محمد بن عثمان عمری .

امام حسن عسکری علیه السلام همچون پدر بزرگوارش در موقعیتی حساس و خطرناک و بلکه شدیدتر قرار داشت، چرا که بنا بود آخرین حجت خداوند متعال و دوازدهمین خلیفه بر حق رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، - یعنی مهدی؛ موعود عجل الله فرجه الشریف از نسل او به دنیا آید. به همین جهت حکومت وقت، تمام مأمورین خود را (از زن و مرد) به شکل های مختلفی بسیج کرده بود تا تمام حرکات حضرت را کنترل و زیر نظر داشته باشند. ولی برای آن که افکار عمومی خدشه دار نشود، بر اساس سیاست حيله گرانه خلفاء بنی العباس، در موقعیت های خاصی به طور ریاکارانه حضرت را مورد نوعی احترام قرار می دادند. در نهایت به جهت عقده ها و کینه های درونی خود، آن حضرت را به وسیله زهر مسموم و شهید کردند. و چون مرتب عمر شریف امام عسکری علیه السلام یا در زندان و یا در بازداشتگاه و تحت نظر مأمورین، سپری گردید، تمام رفت و آمدهای حضرت را در کنترل خود داشتند. و بر همین اساس، کلمات و فرمایشات گهربار آن حضرت نسبت به دیگر ائمه اطهار صلوات الله و سلامه علیهم، در کتب تاریخ و احادیث کمتر به چشم می خورد.
 مدت امامت: بنابر مشهور بین مورّخین و محدّثین، روز سوم ماه رجب، سال ۲۵۴ هجری قمری، پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و ولایت نائل آمد و حدود پنج سال و هشت ماه، امامت و هدایت جامعه را عهده دار بود.

مدّت عمر: آن حضرت مدّت ۲۳ سال در حیات پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام ، همچنین پنج سال و هشت ماه پس از شهادت پدر، ادامه حیات نمود؛ و در مجموع مورّخین ، عمر پیربرکت آن حضرت را حدود ۲۹ سال گفته اند.

خلفاء: امامت آن حضرت هم زمان با حکومت معتّز، مهتدی و معتمد، مصادف شده است .
 شهادت : همچنین در روز شهادت آن حضرت بین مورّخین و محدّثین اختلاف نظر است ، ولی مشهور گفته اند: شهادت آن حضرت ، روز جمعه ، پس از نماز صبح ، هشتم ماه ربیع الاول ، سال ۲۶۰ هجری قمری (مطابق با پانزدهم دیماه ، سال ۲۵۳ هجری شمسی می باشد) واقع شده است .
 حضرت سلام الله علیه در زمان حکومت معتمد عبّاسی به وسیله زهر توّسط معتمد، مسموم و به اجداد بزرگوارش ملحق گردید؛ و پس از شهادت در منزل خود آن حضرت ، کنار پدر بزرگوارش امام علیّ هادی علیه السلام دفن گردید.

فرزندان : آن حضرت هنگام شهادت ، تنها دارای يك فرزند پسر بوده است که هم نام و هم کنیه با پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد.

نماز امام حسن عسکری علیه السلام : دو رکعت است ، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه سوره توحید خوانده می شود و پس از آخرین سلام ، تسبیحات حضرت فاطمه زهراء علیها السلام گفته می شود؛ و سپس نیازها و حوائج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال درخواست می نماید، که انشاءالله تعالی برآورده خواهد شد. (تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول کافی : ج ۱، تهذیب الاحکام : ج ۶، تذکرة الخواصّ، عیان الشّیعة : ج ۲، مستدرک الوسائل : ج ۶، کشف الغمّة : ج ۲، مجموعه نفیسة ، تاریخ أهل البيت علیهم السلام ، ینابیع المودّة ، إعلام الوری طبرسی: ج ۲، جمال الأسبوع ، دعوات راوندی ، دلائل الامامه طبری ، ارشاد شیخ مفید و ...)

احادیث امام عسکری علیه السلام

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ : صَلَاةُ الْخُمْسِينَ ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ ، وَ التَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ ، وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ ، وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: ۱ نمازهای پنجاهگانه ۲ زیارت اربعین ۳ انگشتر به دست راست کردن ۴ بر خاک سجده کردن ۵ بسم الله الرحمن الرحيم را بلندگفتن. (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳، و نیز التهذیب، ج ۶، ص ۵۲)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَامَةُ الْإِيمَانِ خَمْسٌ : التَّحَنُّمُ بِالْيَمِينِ ، وَ صَلَاةُ الْوَاحِدِ وَ خُمْسِينَ ، وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ . علامت و نشانه ایمان پنج چیز است : انگشتر به دست راست داشتن ، خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (واجب و مستحب)، خواندن (بسم الله الرحمن الرحيم) را (در نماز ظهر و عصر) با صدای بلند، پیشانی را در حال سجده روی خاک نهادن ، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام انجام دادن . (حديقة الشيعة : ج ۲، ص ۱۹۴، وافى : ج ۴، ص ۱۷۷، ح ۴۲)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ ، وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ . عبادت در زیاد انجام دادن نماز و روزه نیست ، بلکه عبادت با تفکر و اندیشه در قدرت بی منتهای خداوند در امور مختلف می باشد. (مستدرک الوسائل : ج ۱۱، ص ۱۸۳، ح ۱۲۶۹۰)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِشِيعَتِهِ : وَصِيَّتُكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعَ فِي دِينِكُمْ وَالْاجْتِهَادِ لِلَّهِ ، وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ ، وَادَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ ، وَطَوَّلِ السُّجُودَ ، وَحَسِّنِ الْجَوَارِ . به شیعیان و دوستان خود فرمود: تقوای الهی را پیشه کنید و در امور دین ورع داشته باشید، در تقرب به خداوند کوشا باشید و در صحبت‌ها صداقت نشان دهید، هرکس امانتی را نزد شما نهاد آن را سالم تحویلش دهید، سجده‌های خود را در مقابل خداوند طولانی کنید و به همسایگان خوش رفتاری و نیکی نمائید. (اعیان الشيعة : ج ۲، ص ۴۱، س ۳۰، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۲، ح ۱۲)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ ، اَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ اَقَامَ الْفَرَائِضَ ، اَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ ، اَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ . پارساترین مردم آن کسی است که از موارد گوناگون شبهه و مشکوک اجتناب و دوری نماید؛ عابدترین مردم آن شخصی است که قبل از هر چیز، واجبات الهی را انجام دهد؛ زاهدترین انسان‌ها آن فردی است که موارد حرام و خلاف را مرتکب نشود؛ قوی‌ترین اشخاص آن شخصی است که هر گناه و خطائی را در هر حالتی ترک نماید. (اعیان الشيعة : ج ۲، ص ۴۲، س ۱، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۳، ح ۱۸)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ الْمَوْتِ ، وَ تَلَاوَةَ الْقُرْآنِ ، وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ . ذکر و یاد خداوند متعال ، مرگ و حالات آن ، تلاوت و تدبیر قرآن ؛ و نیز صلوات و درود فرستاد بر حضرت رسول و اهل بیتش علیهم السلام را

زیاد و به طور مکرر انجام دهید، همانا پاداش صلوات بر آن ها، ده حسنه و ثواب می باشد. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۲، س ۲۱، ضمن ح ۱۲)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَنقُوصَةٍ وَأَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ، وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْصُدْ غَبْطَةً، وَمَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصُدْ نِدَامَةً. همانا شما انسان ها در يك مدت و مهلت کوتاهی به سر می برید که مدت زمان آن حساب شده و معین می باشد و مرگ، ناگهان و بدون اطلاع قبلی وارد می شود و شخص را می رباید، پس متوجه باشید که هرکس هر مقدار در عبادت و بندگی و انجام کارهای نیک تلاش کند فردای قیامت غبطه می خورد که چرا بیشتر انجام نداده است و کسی که کار خلاف و گناه انجام دهد پشیمان و سرافکنده خواهد بود. (اعیان الشیعة: ج ۲، ص ۴۲، س ۲، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۳، ح ۱۹)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ، وَأَدْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَتَحْنُ أَهْلَهُ، وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ. تقوای الهی را در همه امور رعایت کنید، و زینت بخش ما باشید و مایه ننگ ما قرار نگیرید، سعی کنید افراد را به محبت و علاقه ما جذب کنید و زشتی ها را از ما دور نمائید؛ درباره ما آنچه از خوبی ها بگویند صحیح است و ما از هر گونه عیب و نقصی مبرا خواهیم بود. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۲، س ۱۸)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَنَفْعُ الْخَوَانِ. دو خصلت و حالتی که بالاتر از آن دو چیز نمی باشد عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به دوستان و آشنایان. (تحف العقول: ص ۴۸۹، س ۱۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۶)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، مُؤْمِنُهُمْ وَ مُخَالِفُهُمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَبْسُطُ لَهُمْ وَجْهَهُ، وَأَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيُكَلِّمُهُمُ بِالْمُدَارَاةِ لِاجْتِدَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ. با دوست و دشمن خوش گفتار و خوش برخورد باشید، اما با دوستان مؤمن به عنوان يك وظیفه که باید همیشه نسبت به یکدیگر با چهره ای شاداب برخورد نمایند، اما نسبت به مخالفین به جهت مدارا و جذب به اسلام و احکام آن. (مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۲۶۱، ح ۱۴۰۶۱)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّحَاقُ بِمَنْ تَرْجُو خَيْرٌ مِنَ الْمَقَامِ مَعَ مَنْ لَا تَأْمَنُ شَرَّهُ. تداوم دوستی و معاشرت با کسی که احتمال دارد سودی برایت داشته باشد، بهتر است از کسی که محتمل است شرّ جانی، مالی، دینی و... برایت داشته باشد. (مستدرک الوسائل: ج ۸، ص ۳۵۱، ح ۵، بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۱۹۸، ح ۳۴)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكَ وَالْأَذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرِّئَاسَةِ، فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ. مواظب باش از این که بخواهی شایعه و سخن پراکنی نمائی و یا این که بخواهی دنبال مقام و ریاست باشی و تشنه آن گردی، چون هردوی آن ها انسان را هلاک خواهد نمود. (بحارالانوار: ج ۵۰، ص ۲۹۶، ضمن ح ۷۰)

قَالَ الْعُسْكِرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ مُدَارَاةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ فَضْلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ . مدارا و سازش با دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت علیهم السلام در حال تقیه بهتر است از هر نوع صدقه ای که انسان برای خود بپردازد. (مستدرک الوسائل : ج ۱۲، ص ۲۶۱، س ۱۵، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۴۰۱، ضمن ح ۴۲)

قَالَ الْعُسْكِرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ. نیکوئی شکل و قیافه، یک نوع زیبائی و جمال در ظاهر انسان پدیدار است و نیکو بودن عقل و درایت، یک نوع زیبائی و جمال درونی انسان می باشد. (بحارالانوار: ج ۱، ص ۹۵، ح ۲۷)

قَالَ الْعُسْكِرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ وَعَظَ اخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ. هرکس دوست و برادر خود را محرمانه موعظه کند، او را زینت بخشیده؛ و چنانچه علنی باشد سبب ننگ و تضعیف او گشته است. (تحف العقول : ص ۴۸۹ س ۲۰، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۳۳)

قَالَ الْعُسْكِرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَيَّنَّ حُجَّتَهُ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ يُعْطِيهِ اللُّغَاتِ، وَ مَعْرِفَةَ الْأَنْسَابِ وَالْأَجَالِ وَالْحَوَادِثِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَالْمُحْجُوحِ فَرْقٌ. همانا خداوند متعال، حجت و خلیفه خود را برای بندگانش الگو و دلیلی روشن قرار داد، همچنین خداوند حجت خود را ممتاز گرداند و به تمام لغت ها و اصطلاحات قبائل و اقوام آشنا ساخت و نساب همه را می شناسد و از نهایت عمر انسان ها و موجودات و نیز جریات و حادثه ها آگاهی کامل دارد و چنانچه این امتیاز وجود نمی داشت، بین حجت خدا و بین دیگران فرقی نبود. (اصول کافی : ج ۱، ص ۵۱۹، ح ۱۱)

قَالَ الْعُسْكِرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَتَّقِ وُجُوهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ. کسی که در مقابل مردم بی باک باشد و رعایت مسائل اخلاقی و حقوق مردم را نکند، تقوای الهی را نیز رعایت نمی کند. (بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۳۳۶، س ۲۱، ضمن ح ۲۲)

قَالَ الْعُسْكِرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ. قبیح ترین و زشت ترین حالت و خصلت برای مؤمن آن حالتی است که دارای آرزویی باشد که سبب ذلت و خواری او گردد. (تحف العقول : ص ۴۹۸ س ۲۲، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۳۵)

قَالَ الْعُسْكِرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسَبَ ذَنْبَكَ إِلَيْهِ. بهترین دوست و برادر، آن فردی است که خطاهای تو را به عهده گیرد و خود را مقصر بداند. (بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۱۸۸، ح ۱۵)

قَالَ الْعُسْكِرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا تَرَكَ الْحَقُّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلٌّ، وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزٌّ. حق و حقیقت را هیچ صاحب مقام و عزیزی ترك و رها نکرد مگر آن که ذلیل و خوار گردید، همچنین هیچ شخصی حق را به اجراء در نیآورد مگر آن که عزیز و سربلند شده است. (تحف العقول : ص ۴۸۹، س ۱۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۴)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهْرَ جَائِرٌ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَأَهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا. یکی از مصائب و ناراحتی های کمرشکن ، همسایه ای است که اگر به او احسان و خدمتی شود آن را پنهان و مخفی دارد و اگر ناراحتی و اذیت متوجه اش گردد آن را علنی و آشکار سازد. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۲، ح ۱۱)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ تَوَاضَعَ فِي الدُّنْيَا لِإِخْوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصِّدِّيقِينَ، وَمِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَقًّا. هرکس در دنیا در مقابل دوستان و هم نوعان خود متواضع و فروتنی نماید، در پیشگاه خداوند در زمره صِدِّیقین و از شیعیان امام علی علیه السلام خواهد بود. (احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۵۱۷، ح ۳۴۰، بحارالانوار: ج ۴۱، ص ۵۵، ح ۵)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّهُ يُكْتَبُ لِحَمَى الرُّبْعِ عَلَى وَرَقَةٍ، وَ يُعَلَّقُهَا عَلَى الْمَحْمُومِ: (یا نازگوئی بَرَدًا)، فَإِنَّهُ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ. کسی که ناراحتی تب و لرز دارد، این آیه شریفه قرآن در ((سوره انبیاء، آیه ۶۹)) را روی کاغذی بنویسد و بر گردن او آویزان نماید تا با اذن خداوند متعال بهبود یابد. (طب الائمه سید شبر: ص ۳۳۱، س ۸)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ الْوُضُوءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ. همانا رسیدن به خداوند متعال و مقامات عالیه يك نوع سفری است که حاصل نمی شود مگر با شب زنده داری و تلاش در عبادت و جلب رضایت او در امور مختلف . (اعیان الشیعة: ج ۲، ص ۴۲، س ۲۹، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۸۰، س ۱)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَقَادِيرُ الْغَالِبَةُ لَا تُدْفَعُ بِالْمُغَالَبَةِ، وَالْأَزَاقُ الْمَكْتُوبَةُ لَا تُنَالُ بِالشَّرِّ، وَلَا تُدْفَعُ إِلَّا بِمُسَاكِعِهَا. مقدراتی که در انتظار ظهور می باشد با زرنگی و تلاش از بین نمی رود و آنچه مقدر باشد خواهد رسید، همچنین رزق و روزی هرکس ، ثبت و تعیین شده است و با زیاده روی در مصرف به جایی نخواهد رسید؛ و نیز با نگهداری هم نمی توان آن را دفع کرد. (اعلام الدین: ص ۳۱۳، س ۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۹، س ۱۸)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ، وَقَمُّ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ. اندیشه حمق در دهان اوست ، ولیکن دهان و سخن عاقل در درون او می باشد. (یعنی ؛ افراد حمق اوّل حرف می زنند و سپس در جهت سود و زیان آن فکر می کنند، بر خلاف عاقل که بدون فکر سخن نمی گوید). (تحف العقول: ص ۴۸۹، س ۸، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۱)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ. وجود شخص مؤمن برای دیگر مؤمنین برکت و سبب رحمت می باشد و نسبت به کفار و مخالفین حجت و دلیل است . (تحف العقول: ص ۴۸۹، س ۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۰)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ . مواظب باش که طلب روزی که از طرف خداوند متعال تضمین شده تو را از کار و اعمال واجب باز ندارد (یعنی ؛ مواظب باش که به جهت تلاش و کار بیش از حد نسبت به واجبات سُست و سهل انگار نباشی). (تحف العقول : ص ۴۸۹، س ۹، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۲)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جُرْأَةُ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ . رو پیدا کردن و جرئ شدن فرزند هنگام طفولیت در مقابل پدر، سبب می شود که در بزرگی مورد نفرین و غضب پدر قرار گیرد. (تحف العقول : ص ۴۸۹، س ۱۴، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۷)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَجْمِعْ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، تَرَى مَا تُحِبُّ . نماز ظهر و عصر را دنباله هم در اول وقت انجام بده ، که در نتیجه آن فقر و تنگ دستی از بین می رود و به مقصود خود خواهی رسید. (کافی : ج ۳، ص ۲۸۷، ح ۶)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَعْرِفُ النَّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ، وَلَا يَشْكُرُ النَّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ . کسی قدر نعمتی را نمی داند مگر آن که شکرگزار باشد و کسی نمی تواند شکر نعمتی را انجام دهد مگر آن که اهل معرفت باشد. (اعلام الدین دیلمی : ص ۳۱۳، س ۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۸، س ۱۶)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يُغْفَرُ قَوْلُ الرَّجُلِ: لَيْتَنِي لَاؤَاخِذُ إِلَّا بِهَذَا . بعضی از گناهانی که آمرزیده نمی شود: خلافتی است که شخصی انجام دهد و بگوید: ای کاش فقط به همین خلاف عِقاب می شدم ، یعنی ؛ گناه در نظرش ناچیز و ضعیف باشد. (غیبة شیخ طوسی : ص ۲۰۷، ح ۱۷۶، بحارالانوار: ج ۵۰، ص ۲۵۰، ح ۴)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بُئِسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ، يَطْرُقُ إِخَاهُ شَاهِدًا وَيَأْكُلُهُ غَائِبًا، إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ، وَإِنْ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ. بد آدمی است آن که دارای دو چهره و دو زبان می باشد؛ دوست و برادرش را در حضور، تعریف و تمجید می کند ولی در غیاب و پشت سر، بدگوئی و مذمت می نماید که همانند خوردن گوشت های بدن او محسوب می شود، چنین شخص دو چهره اگر دوستش در آسایش و رفاه باشد حسادت می ورزد و اگر در ناراحتی و سختی باشد زخم زبان می زند. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۳، ح ۱۴)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنَ التَّوَاضُعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ، وَالْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ . یکی از نشانه های تواضع و فروتنی آن است که به هرکس برخورد نمائی سلام کنی و در هنگام ورود به مجلس هر کجا، جا بود بنشین - نه آن که به زور و زحمت برای دیگران جایی را برای خود باز کنی - (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۲، ح ۹)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ، مِنَ التَّوَاضُعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ . کسی که متکبر نباشد و موقع ورود به مجلس هر

کجا جایی بود بنشیند تا زمانی که حرکت نکرده باشد خدا و ملائکه هایش بر او درود و رحمت می فرستند؛ از علائم و نشانه های تواضع و فروتنی آن است که به هر شخصی برخورد نمودی سلام کنی. (بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۴۶۶، ح ۱۲، به نقل از تحف العقول)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُمَارِ فَيَذْهَبُ بِهَاؤُكَ، وَلَا تُمَارِخَ فَيُجْتَرَأُ عَلَيْكَ. بَا كَسِي جَدَالٍ وَ نَزَاعٍ نَكْنُ كِه بَهَاءٍ وَ ارْزَشْ خُود رَا از دَسْت مِی دَهی ، بَا كَسِي شُوخِی وَ مَزَاخِ نَاشَايَسْتَه وَ بِي مُورِد نَكْن وَ گِرْنَه اِفْرَاد بَر تُو جَرِی ء وَ چِرِه خَوَاهَنْد شُد. (اعیان الشیعة: ج ۲، ص ۴۱، س ۲۳، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۰، ح ۱)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ آتَرَ طَاعَةَ أَبَوَيْ دِينِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى طَاعَةِ أَبَوَيْ نَسَبِهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ: لَاؤُ ثِرَتُكَ كَمَا آتَرْتَنِي، وَلَا شَرَفُكَ بِحَضْرَةِ أَبَوَيْ دِينِكَ كَمَا شَرَفْتَ نَفْسَكَ بِإِثَارِ حُبِّهِمَا عَلَى حُبِّ أَبَوَيْ نَسَبِكَ. كَسِي كِه مَقْدَمٌ دَارِد طَاعَتِ وَ پِیروِی پِیغمبرِ اسلام حضرت محمد و امیرالمؤمنین امام علی صلوات الله علیهما را بر پیروی از پدر و مادر جسمانی خود، خداوند متعال به او خطاب می نماید: همان طوری که دستورات مرا بر هر چیزی مقدم داشتی، تو را در خیرات و برکات مقدم می دارم و تو را همنشین پدر و مادر دینی یعنی حضرت رسول و امام علی علیهما السلام می گردانم، همان طوری که علاقه و محبت عملی و اعتقادی خود را نسبت به آن ها بر هر چیزی مقدم داشتی. (تفسیر الامام العسکری علیه السلام: ص ۳۳۳، ح ۲۱۰)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ مِنَ الْاَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرْحِ عِنْدَ الْمُخْرُوجِ. از ادب و اخلاق انسانی و اسلامی نیست که در حضور شخص مصیبت دیده و غمگین، اظهار شادی و سرور کند. (بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۸)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ، وَالْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ، وَالْجَلْمُ خُلُقَتَهُ، كَثُرَ صَدِيقُهُ وَ الثَّنَاءُ عَلَيْهِ. هرکس ورع و احتیاط در روش زندگیش، بزرگواری و سخاوت عادت برنامه اش و صبر و بردباری برنامه اش باشد؛ دوستانش زیاد و تعریف کنندگانش بسیار خواهند بود. (علام الدین: ص ۳۱۴، س ۷، بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۹، س ۲۲)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اعْرِفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِهِ، وَاشْدُهُمْ قَضَاءَ لَهَا، اعْظُمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَانًا. هرکس حقوق هم نوعان خود را بشناسد و رعایت کند و مشکلات و نیازمندی های آن ها را برطرف نماید، در پیشگاه خداوند دارای عظمت و موقعیتی خاصی خواهد بود. (احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۵۱۷، ح ۳۴۰)

قَالَ الْعُسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ لِضَعْفَاءِ مُجِبِّينَا وَ أَهْلِ وَ لَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ الْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تَبِجَانِهِمْ عَلَى رَاسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ بِهَاءٍ، قَدْ انْبَثَتْ تِلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ وَ دُورِهَا مَسِيرَةُ ثَلَاثِمِائَةِ أَلْفِ سَنَةٍ. آن دسته از علماء و دانشمندان شیعیان ما که در هدایت و

رفع مشکلات دوستان و علاقه مندان ما، تلاش کرده اند، روز قیامت در حالتی وارد صحرای محشر می شوند که تاج کرامت بر سر نهاده و نور وی، همه جا را روشنائی می بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره مند خواهند شد. (تفسیر الامام العسکری علیه السلام: ص ۳۴۵، ج ۲۲۶)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ. نَكْوِي خَرْدَ، زِيْبَائِي درون است. (بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۵)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» قَالَ: قُولُوا لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ حُسْنًا مُؤْمِنِهِمْ وَ مُخَالِفِهِمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَبْسُطُ لَهُمْ وَجْهَهُ وَ أَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكَلِّمُهُمْ بِالْمُدَارَاةِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ. فَإِنْ اسْتَتَرَ مِنْ ذَلِكَ بِكَفِّ شُرُورِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ وَ عَنْ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ در تفسیر آیه «با مردم به زبان خوش سخن بگویند» فرمود: یعنی با همه مردم، چه مؤمن و چه مخالف، به زبان خوش سخن بگویند. مؤمن، به هم مذهببان، روی خوش نشان می دهد و با مخالفان، با مدارا سخن می گوید تا به ایمان، جذب شوند و حتی اگر نشدند، با این رفتار، از بدی های آنان در حَقِّ خود و برادران مؤمنش، پیشگیری کرده است. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، ج ۱۲، ص ۲۶۱)

الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ؛ مومن برای مومن برکت و برای کافر، اتمام حجت است. (تحف العقول، ص ۴۸۹)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ نَعْرَفَهُ بِسِمَاءِهِ، وَ نَعْرَفَ الْمُنَافِقَ بِمِيسَمِهِ؛ مؤمن را از سیمایش می شناسیم و منافق را از نشانه هایش. (الخراج والخراج، ج ۲، ص ۷۳۷، ح ۵۰)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْوُضُوءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ؛ وصول به خداوند عزوجل سفری است که جز با عبادت در شب حاصل نگردد. (بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۵، ص ۳۸۰)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رِيَاضَةُ الْجَاهِلِ وَرَدُّ الْمَعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ؛ رام کردن و تربیت شخص جاهل و برگردانیدن صاحب عادت را از عادتش مثل معجزه است. (بحار الانوار ۳۷۴/۷۵) روایت شده از حضرت عیسی علیه السلام که فرمود مداوا کردم مریضان را پس شفا یافتند به اذن خدا و زنده کردم مردگان را به اذن خدا و معالجه کردم احمق را و قدرت نیافتم بر اصلاح او! (بحار الانوار ۳۲۰/۶۹)

قَالَ الْعُسْكُرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُكْرِمِ الرَّجُلَ بِمَا يَشْقُ عَلَيْهِ؛ اکرام مکن شخص را به آن چیزی که شاق و دشوار است بر او. (بحار الانوار ۳۷۴/۷۵)

خلاصه حالات چهاردهمین معصوم: دوازدهمین اختر امامت زمان (عج)

آن حضرت نزدیک طلوع فجر، روز جمعه، نیمه ماه شعبان، سال ۲۵۴ هجری قمری (مطابق با بیست و دوم مرداد ماه، سال ۲۴۷ هجری شمسی می باشد) در شهر سامراء به طور مخفی و پنهان از دید عموم، پا به عرصه وجود نهاد.

نام: م ح م د (صلوات الله و سلامه علیه؛ و عجل الله تعالی فی فرجه الشریف). (نام و لقب مبارک آن حضرت به عنوان امام (محمد، مهدی) علیه السلام طبق عدد حروف اءجد کبیر - ۹۲، ۵۹ - می باشد). (طبق احادیث وارده: گفتن نام صریح امام زمان علیه السلام در زمان غیبت حرام و غیرمجاز است، که بعضی از آن احادیث در قسمت احادیث خواهد آمد)

کنیه: ابوالقاسم، ابوجعفر و

لقب: بیش از نهصد لقب برای حضرتش ذکر کرده اند که در کتب مختلف موجود می باشد از آن جمله: مهدی، حجت، منتقم، بقیه الله الا عظم، قائم آل محمد، صاحب الزمان و

پدر: امام حسن عسکری صلوات الله و سلامه علیه .

مادر: به نام های نرجس، ملیکه، ریحانه، صیقل و سوسن معروف است .

نقش انگشتر: (أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ خَاصَّتُهُ).

دربان: چهار نفر به نام های عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سمری، در غیبت صغری و کالت و وساطت حضرت را بر عهده داشته اند.

جریان ولادت آن حضرت، همانند حضرت موسی کلیم علیه السلام در کنار کاخ طاغوت زمان، مخفی و پنهان از دید جاسوس ها و عموم مردم انجام گرفت .

حضرت دارای دو غیبت بوده است: یکی غیبت صغری - که حدود هفتاد و پنج سال به طول انجامید - و دیگری غیبت کبری می باشد - که تقریباً از سال ۳۳۰ هجری قمری شروع شد.

و از آن زمان به بعد برای حضرت، وکیل و نائب خاص معرفی و معین نشده است، بلکه مجتهدین جامع الشرائط - به عنوان وکیل و نائب عام - امور جامعه را بر عهده داشته و دارند.

آن حضرت در همین جامعه، بین افراد رفت و آمد و در مجالس به صورت ناشناس شرکت می نماید؛ و نیز همه را می بیند و شاهد اعمال همگان خواهد بود. ولی دیگران هم گرچه او را می بینند، اما شخص حضرتش را نمی شناسند که کدام يك از اشخاص می باشد.

افراد بسیاری در غیبت کبری به محضر مبارکش شرفیاب شده اند و کسب فیض کرده اند.

علائم و نشانه های متعدد و گوناگونی جهت ظهور و قیام آن حضرت، توسط معصومین علیهم السلام بیان و مطرح شده است، که در کتاب های مختلف اهل سنت و شیعه به طور مشروح و مبسوط مذکور می باشد.

وقتی حضرت در مکه معظمه ظهور نماید، ۳۱۳ نفر از اصحاب و فرماندهان او از اطراف و شهرهای مختلف در کنار کعبه الهی جمع شوند و در دست هر کدام شمشیری خواهد بود. و سپس منادی بین زمین و آسمان گوید: این مهدی موعود است که ظهور کرده و به شیوه حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام قضاوت خواهد نمود و بین و شاهد، لازم ندارد.

طبق آنچه در روایات آمده است: حکومت آن حضرت بین هفت تا نه سال به طول خواهد انجامید. (شخصی از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود که امام زمان علیه السلام چند سال حکومتش به طول می انجامد؟ حضرت فرمود: هفت سال، روزها و شبهایش به اندازه ای طولانی می گردد که یک سال آن مساوی است با ده سال از سالهای دوران شما، پس مجموع حکومت آن حضرت هفتاد سال از سالهای شما خواهد بود. غیبة طوسی: ص ۴۷۴، ح ۴۹۷، إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۹۰.

و در بعضی روایات آمده که مدت حکومت حضرت ۳۰۹ (سیصد و نه) سال خواهد بود. به همان مقداری که اصحاب کهف در غار مخفی و غائب بودند. اعلام الوری: ج ۲، ص ۲۹۳، به نقل از غیبة شیخ طوسی، تاج الموالد و دلائل الامامة طبری)

مدت امامت: حضرت بنابر مشهور بین روایات، روز جمعه، نهم ربیع الاول، سال ۲۶۰ هجری قمری پس از شهادت پدر بزرگوارش، در سنین پنج سالگی به منصب و مقام عظمی و والای امامت و خلافت نائل گردید.

و از آن زمان تاکنون حدود ۱۱۵۷ سال می باشد و در آینده تا هر لحظه که خداوند متعال اراده نماید، امامت و هدایت جامعه را به عهده خواهد داشت.

مدت عمر: آن حضرت حدود پنج سال، هم زمان با پدر بزرگوارش حضرت ابومحمد، امام حسن عسگری علیه السلام بوده و پس از آن تا این زمان - که روی هم ۱۱۶۲ سال باشد - عمر پربرکت آن حضرت می باشد و در آینده تا هر زمان که خداوند بخواهد، تداوم خواهد یافت.

نماز امام زمان علیه السلام دو رکعت است، که در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و چون به جمله (ایک نعبد و ایک نستعین) برسد، صد مرتبه آن را تکرار نماید؛ و بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره توحید خوانده می شود، همچنین هر یک از ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید. و چون سلام نماز را دهد، تسبیح حضرت زهراء علیها السلام را بگوید و در بعضی عبارات آمده است که بعد از آن، نیز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود. و بعد از آن، حوائج مشروعه خود را از خداوند طلب نماید.

(ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول کافی: ج ۱، تهذیب الاحکام: ج ۶، تاریخ اهل البیت علیهم السلام، مجموعه نفیسة، اعیان الشیعه: ج ۲، کشف الغمّة: ج ۲، ینابیع المودة، بحارالانوار، جمال الأسبوع، دعوات راوندی، اعلام الوری طبرسی: ج ۲، دلائل الامامة و...)

احادیث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَ لَكُمْ اَنْ تَقُولُوا: اِنَّا قُدُوهُ وَ اِئِمَّةٌ وَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي اَرْضِهِ، وَ اَمْنَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ حُجَّجُهُ فِي بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ، وَ نَعْرِفُ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَ فَصْلَ الْخِطَابِ. بر شما واجب است و به سود شما خواهد بود که معتقد باشید بر این که ما اهل بیت رسالت ، محور و اساس امور، پیشوایان هدایت و خلیفه خداوند متعال در زمین هستیم . همچنین ما امین خداوند بر بندگانش و حجت او در جامعه می باشیم ، حلال و حرام را می شناسیم ، تاویل و تفسیر آیات قرآن را عارف و آشنا هستیم . (تفسیر عیاشی ج ۱، ص ۱۶، بحار الانوار: ج ۸۹، ص ۹۶، ح ۵۸)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اِنَّا خَائِمُ الْأَوْصِيَاءِ، بِي يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَ شِيعَتِي . من آخرین وصی پیغمبر خدا هستم به وسیله من بلاها و فتنه ها از آشنایان و شیعیانم دفع و برطرف خواهد شد. (دعوات راوندی : ص ۲۰۷، ح ۵۶۳)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اِنَّمَا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا (احادیثنا)، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ اِنَّا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. جهت حل مشکلات در حوادث - اموریسی، عبادی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... - به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آن ها در زمان غیبت خلیفه و حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر آن ها می باشم . (بحار الانوار: ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۳، و ۵۳، ص ۱۸۱، س ۳، ج ۷۵، ص ۳۸۰، ح ۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : الْحَقُّ مَعَنَا، فَلَنْ يُوَحِّشَنَا مَنْ قَعَدَعَنَا، وَ نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا، وَ الْخُلُقُ بَعْدُ صَنَائِعِنَا. حقانیت و واقعیت با ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد و کناره گیری عده ای ، از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد، چرا که ما دست پروره های نیکوی پروردگار می باشیم؛ و دیگر مخلوقین خداوند، دست پرورده های ما خواهند بود. (بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۷۸)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمْلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَ لَا وَلَادَةَ، فَإِذَا اشْتَهَى مُؤْمِنٌ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَ لَا وَلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يَرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبْرَةً. همانا بهشت جایگاهی است که در آن آبستن شدن و زایمان برای زنان نخواهد بود، پس هرگاه مؤمنی آرزوی فرزند نماید، خداوند متعال بدون جریان حمل و زایمان ، فرزند دلخواهش را به او می دهد همان طوری که حضرت آدم علیه السلام را آفرید. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۶۳، س ۱۶، ضمن ح ۴)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : لَا يَنَازِعُنَا مَوْضِعُهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ، وَ لَا يَدَّعِيهِ إِلَّا جَاحِدٌ كَافِرٌ. کسی با ما، در رابطه با مقام ولایت و امامت مشاجره و منازعه نمی کند مگر آن که ستمگر و معصیت کار باشد، همچنین کسی مدعی ولایت و خلافت نمی شود مگر کسی که منکر و کافر باشد. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، ضمن ح ۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُفْتَرٍ، وَلَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ. حقیقت - در همه موارد و امور - با ما و در بین ما اهل بیت عصمت و طهارت خواهد بود و چنین سخنی را هر فردی غیر از ما بگوید دروغ گو و مفتری می باشد؛ و کسی غیر از ما آن را ادعا نمی کند مگر آن که گمراه باشد. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، ضمن ح ۱۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اَبَى اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِثْمَامًا وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زُهُوقًا. (۷۹)

فرمود: همانا خداوند متعال ، إباء و امتناع دارد نسبت به حق مگر آن که به إتمام و کمال برسد و باطل ، نابود و مضمحل گردد. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۳، ضمن ح ۲۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِاحِدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغُوتٍ زَمَانِيهِ، وَ إِنِّي اءُخْرِجُ حِينَ اءُخْرِجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِاحِدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي . همانا پدران من (ائمّه و اوصیاء علیهم السلام)، بیعت حاکم و طاغوت زمانشان ، بر ذمه آن ها بود؛ ولی من در هنگامی ظهور و خروج نمایم که هیچ طاغوتی بر من منت و بیعتی نخواهد داشت . (الذرة الباهرة : ص ۴۷، س ۱۷، بحارالانوار: ج ۵۶، ص ۱۸۱، س ۱۸)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَنَا الَّذِي اءُخْرِجُ بِهَذَا السَّيْفِ فَاءَمْلًا اَلْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. من آن کسی هستم که در آخر زمان با این شمشیر - ذوالفقار - ظهور و خروج می کنم و زمین را پر از عدل و داد می نمایم همان گونه که پر از ظلم و جور شده است . (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، س ۱۴، و ج ۵۵، ص ۴۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اِتَّقُوا اللّٰهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا، وَ رُدُّوا اَلْأَمْرَ اِلَيْنَا، فَعَلَيْنَا اَلْأَضْدَاءُ كَمَا كَانَ مِنَّا اَلْأَيْرَاءُ، وَ لَا تَحَاوُلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ. از خدا بترسید و تسلیم ما باشید، و امور خود را به ما واگذار کنید، چون وظیفه ما است که شما را بی نیاز و سیراب نمائیم همان طوری که ورود شما بر چشمه معرفت به وسیله ما می باشد؛ و سعی نمائید به دنبال کشف آنچه از شما پنهان شده است نباشید. (إكمال الدین : ج ۲، ص ۵۱۰، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَمَّا اءَمْوَالُكُمْ فَلَا نَقْبَلُهَا إِلَّا لِتَطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ، وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ. اموال - خمس و زکوت - شما را جهت تطهیر و تزکیه زندگی و ثروتتان می پذیریم ، پس هر که مایل بود بپردازد، و هر که مایل نبود نپردازد. (إكمال الدین : ج ۲، ص ۴۸۴، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِاَءَنْبَائِكُمْ، وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ اءُخْبَارِكُمْ. ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزی از شما نزد ما پنهان نیست . (احتجاج : ج ۲، ص ۴۹۷، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۵)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَ يَأْتِ مُصَلًّا. هر که خواسته ای و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات و راز و نیاز با خداوند، در جایگاه نمازش قرار گیرد. (مستدرک الوسائل : ج ۲، ص ۵۱۷، ح ۲۶۰۶)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : يَا بَنِي الْمَهْزِيَارِ! لَوْلَا اسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، لَهْلَكَ مَنْ عَلَيْهَا، إِلَّا خَوَاصَّ الشَّيْعَةِ الَّتِي تَشَبَّهُ أَقْوَالَهُمْ أَفْعَالَهُمْ. اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضی شماها برای همدیگر نبود، هرکس روی زمین بود هلاک می گردید، مگر آن شیعیان خاصی که گفتارشان با کردارشان یکی است. (مستدرک ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۵۷۹۵)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : وَاءَمَّا قَوْلُ مَنْ قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ لَمْ يَمُتْ فَكُفِّرْ وَتَكْذِيبٌ وَ ضَلَالٌ. و اما کسانی که معتقد باشند حسین زنده است و وفات نکرده، کفر و تکذیب و گمراهی است. (طوسی : ص ۱۷۷، وسائل الشیعة : ج ۲۸، ص ۳۵۱، ح ۳۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : مِنْ فَضْلِهِ، اِنَّ الرَّجُلَ يَنْسَى التَّسْبِيحَ وَ يَدِيرُ السَّبْحَةَ، فَيَكْتُبُ لَهُ التَّسْبِيحُ. از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گرچه دعائی هم خوانده نشود. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۶۵، س ۸، ضمن ح ۴)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : فَيَمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا بِجَمَاعٍ مُحَرَّمٍ أَوْ طَعَامٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ: إِنَّ عَلَيْهِ ثَلَاثَ كَفَّارَاتٍ. کسی که روزه ماه رمضان را عمدابا چیز یا کار حرامی افطار - و باطل - نماید، (غیر از قضای روزه نیز) هر سه نوع کفاره (۶۰ روزه، اطعام ۶۰ مسکین، آزادی یک بنده) بر او واجب می شود. (من لایحضره الفقیه : ج ۲، ص ۷۴، ح ۳۱۷، وسائل الشیعة : ج ۱۰، ص ۵۵، ح ۱۲۸۱۶)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَلَا اُبَشِّرُكَ فِي الْعِطَاسِ؟ قُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: هُوَ اءَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ اءِیَّامٍ. نسیم خادم گوید: در حضور حضرت عطسه کردم، فرمود: می خواهی تو را بر فواید عطسه بشارت دهم؟ عرض کردم: بلی. فرمود: عطسه، انسان را تا سه روز از مرگ نجات می بخشد. (اکمال الدین : ص ۴۳۰، ح ۵، وسائل الشیعة : ج ۱۲، ص ۸۹، ح ۱۵۷۱۷)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ. (وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:) مَنْ سَمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. ملعون و مغضوب است کسی که نام اصلی مرا در جائی بیان کند. و نیز فرمود: هر که نام اصلی مرا در جمع مردم بر زبان آورد، بر او لعنت و غضب خداوند می باشد. (وسائل الشیعة : ج ۱۶، ص ۲۴۲، ح ۱۲، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۴، ح ۱۳ و ۱۴)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: يَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَلَيَتَجَنَّبُ مَا يَدْنِيهِ مِنْ كَرَاهِيَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ امْرَأً يَبْغَتْهُ فُجَاءَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ، وَ لَا يَنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حُوتَةٍ. هر يك از شما باید عملی را انجام دهد که سبب نزدیکی به ما و جذب محبت ما گردد؛ و باید دوری کند از کرداری که ما نسبت به آن، ناخوشایند و خشناک می باشیم، پس چه بسا شخصی در لحظه ای توبه کند که دیگر به حال او سودی ندارد و نیز او را از عِقَاب و عذاب الهی نجات نمی بخشد. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۶، س ۵، ضمن ح ۷، به نقل از احتجاج)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: إِنَّ الْأَرْضَ تَصِجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ اءُرْبَعِينَ صَبَاحًا. زمین تا چهل روز از ادرار کسی که ختنه نشده است ناله می کند. (وسائل الشیعة: ج ۲۱، ص ۴۴۲، ح ۲۷۵۳۴)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ اءَلْزَمِ السُّنَنِ وَ اءُوجِبِهَا. سجده شکر پس از هر نماز از بهترین و ضروری ترین سنتها است. (وسائل الشیعة: ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۳، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۶۱، ضمن ح ۳)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: إِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ. به درستی که من سبب آسایش و امنیت برای موجودات زمینی هستم، همان طوری که ستاره ها برای اهل آسمان امان هستند. (الدرة الباهرة: ص ۴۸، س ۳)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا. قلوب ما ظرف هائی است برای مشیت و اراده الهی، پس هرگاه او بخواهد ما نیز می خواهیم. (بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۵۱، س ۴، به نقل از غيبة نعمانی)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوْحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا. خدا با ما است و نیازی به دیگران نداریم؛ و حق با ما است و هر که از ما روی گرداند باکی نداریم. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، اكمال الدین: ج ۲، ص ۵۱۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: مَا اءُرْغَمَ اءَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلِ الصَّلَاةِ. هیچ چیزی و عملی همانند نماز، بینی شیطان را به خاک ذلت نمی مالد و او را دلیل نمی کند. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۲، ضمن ح ۱۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: لَا يَجُلُّ لِأَخَدٍ اءَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ. برای هیچکس جائز نیست که در اموال و چیزهای دیگران تصرف نماید مگر با اذن و اجازه صاحب و مالک آن. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۳، ضمن ح ۱۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: فَضَّلُ الدُّعَاءَ وَ التَّسْبِيحَ بَعْدَ الْفَرَايِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَايِضِ عَلَى النَّوَافِلِ. فضیلت تعقیب دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب نسبت به بعد از

نمازهای مستحبی همانند فضیلت نماز واجب بر نماز مستحب می باشد. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۶۱، ضمن ح ۳)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَفْضَلُ اءَوْقَاتِهَا صَدْرُ النَّهَارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ. (برای انجام نماز جعفر طیار) بهترین و با فضیلت ترین اوقات پیش از ظهر روز جمعه خواهد بود. (بحارالانوار: ج ۵۶، ص ۱۶۸، ضمن ح ۴)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اءَخَّرَ اَلْعِدَاةَ اِلَى اَنْ تَنْقَضِيَ النُّجُومُ. ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمدا تاخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند. (بحارالانوار: ج ۵۵، ص ۱۶ و ضمن ح ۱۳، و ص ۸۶، ص ۶۰، ح ۲۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اِنَّ اللّٰهَ قَتَعَنَا بِعَوَائِدِ اِحْسَانِهِ وَ فَوَائِدِ اِمْتِنَانِهِ. همانا خداوند متعال ، ما اهل بیت را به وسیله احسان و نعمت هایش قانع و خودکفا گردانده است . (بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۸، ضمن ح ۲۸)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ بَيْنَ اءَءَحَدٍ قَرَابَةً، وَ مَنْ اءَنكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي، وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ اِبْنِ نُوْحٍ. بین خداوند و هیچ يك از بندگان ، خویشاوندی وجود ندارد - و برای هرکس به اندازه اعمال و نیت او پاداش داده می شود - هرکس مرا انکار نماید از (شیعیان و دوستان) ما نیست و سرنوشت او همچون فرزند حضرت نوح خواهد بود. (بحارالانوار: ج ۵۰، ص ۲۲۷، ح ۱، به نقل از احتجاج)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَمَّا تَعْلَمُونَ اءَنَّ الْاَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ اِمَّا ظَاهِرًا وَاِمَّا مَعْمُورًا. آگاه و متوجه باشید بر این که در هیچ حالتی ، زمین خالی از حجت خداوند نخواهد بود، یا به طور ظاهر و آشکار و یا به طور مخفی و پنهان . (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، س ۵، ضمن ح ۱۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اِذَا اُذِنَ اللّٰهُ لَنَا فِی الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَ اَضْمَحَلَ الْبَاطِلُ، وَ اَنْحَسَرَ عَنَّاكُمْ. چنانچه خداوند متعال اجازه سخن و بیان حقایق را به ما بدهد، حقانیت آشکار می گردد و باطل نابود می شود و خفقان و مشکلات برطرف خواهد شد. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۶، س ۱۲، ضمن ح ۲۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : وَ اءَمَّا وَجْهُ الْاُتْفَاعِ بِي فِی غَيْبَتِي فَكَالَا تُتْفَاعُ بِالسُّمُسِ اِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْاُبْصَارِ السَّحَابُ. چگونگی بهره گیری و استفاده از من در دوران غیبت همانند انتفاع از خورشید است در آن موقعی که به وسیله ابرها از چشم افراد ناپدید شود. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۲۱، ضمن ح ۱۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ اِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ، وَ اللّٰهُ شَهِدٌ عَلَيَّ وَ عَلَيَّكُمْ. هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت

عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجراء احکام الهی قرار دهید، پس همانا که موعظها و سفارشات لازم را نموده ام ؛ و خداوند متعال نسبت به همه ما و شما گواه می باشد. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، س ۱۶، ضمن ج ۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، وَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ. زمان ظهور من مربوط به اراده خداوند متعال می باشد و هرکس زمان آن را معین و معرفی کند دروغ گفته است . (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۱، ضمن ج ۱۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَكْثَرُوَالِدُعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ. برای تعجیل ظهور من - در هر موقعیت مناسبی - بسیار دعا کنید که در آن فرج و حل مشکلات شما خواهد بود. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۲۳، ضمن ج ۱۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا؛ دلهای ما ظرف اراده و مشیت خداست پس هرگاه او چیزی را اراده کند، ما نیز همان چیز را اراده می کنیم. (بحار الانوار: ط - بیروت) ج ۲۵، ص ۳۳۷)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : كَانَ [الإمام العسکری علیه السلام] نُورًا ساطِعًا و قَمَرًا زاهراً اختار الله له ما عِنْدَهُ فَمَضَى عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ خَذُو النُّعْلِ بِالنُّعْلِ ؛ او نوری فروزان و ماهی درخشان بود که خداوند آنچه را نزد خود بود برای او برگزید . او راه و روش پدران بزرگوار خود را گام به گام دنبال کرد تا رحلت فرمود . (بحار الانوار ، ج ۵۳ ، ص ۱۹۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ لِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَةً حَسَنَةً ؛ دختر رسول خدا (فاطمه) برای من سرمشقی نیکو است . (الغیبه ، طوسی ، ص ۲۸۶)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ تَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ ؛ خداوند محمد را برانگیخت تا رحمتی برای جهانیان باشد و نعمت خود را تمام کند . (بحار الانوار ، ج ۵۳ ، ص ۱۹۴)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ ؛ من یادگار خدا در زمین و جانشین و حجت او بر شما هستم . (کمال الدین ، ص ۳۳۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : أَنَا الَّذِي أَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا ؛ منم که زمین را از عدالت لبریز می کنم ، چنان که از ستم آکنده است . (بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲)

امام مهدی علیه السلام : إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا و إِلَّا مَغْمُورًا ؛ زمین از حجتی آشکار یا نهان خالی نیست . (کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۵۱۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : لِيَعْمَلَ كُلُّ امْرِءٍ عَلَى مَا يَقْرَبُ مِنْ مَحَبَّتِنَا ؛ هر يك از شما باید کاری کند که با آن به محبت ما نزدیک شود . (بحار الانوار ، ج ۵۳ ، ص ۱۷۶)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ. برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال، در مالش تصرف کند. (کمال الدین، ص ۵۲۱، ح ۴۹؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳، ح ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۰ و ۵۴۱، ح ۱۲۶۷۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : لَوْ لَا اسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ لَهْلَكَ مَنْ عَلَيْهَا. اگر طلب مغفرت و آمرزش برخی از شما برای یکدیگر نبود، تمام اهل زمین هلاک می گشتند. (دلائل الامامه، ص ۲۹۷)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : لَا تَشْكَنَّ، فَوَدَّ الشَّيْطَانُ أَنَّكَ شَكَّكَتَ. هرگز شک به خود راه مده؛ زیرا شیطان دوست دارد که تو شک کنی. (کافی، ج ۱، ص ۵۱۸، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۹، ح ۲۵)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : ان استرشدت أرشدت، و ان طلبت وجدت. اگر خواستار رشد و کمال معنوی باشی هدایت می شوی، و اگر طلب کنی می یابی. (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوَحِّشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا. خدا با ما است و نیازمند دیگری نیستیم، و حق با ما است و باکی نداریم که کسی از ما روی بگرداند. (الغیبه (طوسی) ص ۲۸۵ - احتجاج علی اهل اللجاء (طبرسی) ج ۲، ص ۴۶۷ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۵۳، ص ۱۷۸)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا. قلب های ما جایگاه خواسته های الهی است؛ هرگاه او بخواهد ما نیز می خواهیم. (الغیبه (طوسی) ص ۲۴۷ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۵۲، ص ۵۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ. من یادگار خدا در زمین و جانشین و حجت او بر شما هستم. (کمال الدین و تمام نعمه ج ۱، ص ۳۳۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ، بِي يَدْفَعُ الْبَلَاءُ مِنْ أَهْلِ وَشِيْعَتِي. من وصی آخرین ام، به وسیله من بلا از خانواده و شیعیانم دفع می شود. (الدعوات (راوندی)، ص ۲۰۷)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : فَإِنَّا يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ. علم ما به شما احاطه دارد و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. (تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان) مقدمه ج ۱، ص ۳۸ - بحار الانوار (ط - بیروت) ج ۵۳، ص ۱۷۵)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَ لَكُمْ اءِنْ تَقُولُوا: إِنَّا قُدُّوَةٌ وَ اءِئِمَّةٌ وَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي اءَرْضِهِ، وَ اَمْنَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ حُجَّتُهُ فِي بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، وَ نَعْرِفُ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَ فَصْلَ الْخِطَابِ. بر شما واجب است و به سود شما خواهد بود که معتقد باشید بر این که ما اهل بیت رسالت، محور و اساس امور، پیشوایان هدایت و خلیفه خداوند متعال در زمین هستیم. همچنین ما

امین خداوند بر بندگان و حجت او در جامعه می باشیم، حلال و حرام را می شناسیم، تاویل و تفسیر آیات قرآن را عارف و آشنا هستیم. (تفسیر عیاشی ج ۱، ص ۱۶، بحار الانوار: ج ۸۹، ص ۹۶، ح ۵۸) قال الامام المهدي عجل الله فرجه: أَكثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ. برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید، که فرج من فرج شما نیز هست. (کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۵) قال الامام المهدي عجل الله فرجه: فاتقوا الله و سلموا لنا و ردو الامر الينا، فعلينا الاصدار، كما كان منا الايراد، و لا تحاولوا كشف ما غطى عنكم، و اجعلوا قصدكم الينا بالمودة على السنة الواضحة. از خدا بترسید و تسلیم ما شوید، کارها را به ما واگذارید، برماست که شما را از سرچشمه، سیراب برگردانیم، چنان که بردن شما به سرچشمه از ما بود، در پی کشف آنچه از شما پوشیده شده نروید. مقصد خود را با دوستی ما بر اساس راهی که روشن است به طرف ما قرار دهید. (بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۷۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ لَطَاغُوتِ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي. همانا پدران من (ائمه و اوصیاء علیهم السلام)، بیعت حاکم و طاغوت زمانشان، بر ذمه آن ها بود؛ ولی من در هنگامی ظهور و خروج نمایم که هیچ طاغوتی بر من منت و بیعتی نخواهد داشت. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، ضمن ح ۱۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: أَنَا الَّذِي أَخْرُجُ بِهَذَا السَّيْفِ فَأُمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. من آن کسی هستم که در آخر زمان با این شمشیر - ذوالفقار - ظهور و خروج می کنم و زمین را پر از عدل و داد می نمایم همان گونه که پر از ظلم و جور شده است. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، س ۱۴، و ج ۵۵، ص ۴۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: ابی الله عزوجل للحق الا اتماما وللباطل الا زهوقا، و هو شاهد علی بما اذکره. خداوند مقدر فرموده است که حق به مرحله نهایی و کمال خود برسد و باطل از بین رود، و او بر آنچه بیان نمودم گواه است. (بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۹۳)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: فاغلقوا ابواب السؤال عما لایعینکم. درهای سوال را از آنچه که مطلوب شما نیست ببندید. (بحار الانوار ج ۵۲، ص ۹۲)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: كلما غاب علم بدا علم، و اذا افل نجم طلع نجم. هرگاه علم و نشانه ای پنهان شود، علم دیگری آشکار گردد، و هر زمان که ستاره ای افول کند، ستاره ای دیگر طلوع نماید. (بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۸۵)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: ان الله تعالی لم یخلق الخلق عبثا و لا اهلهم سدی بل خلقهم بقدرة و جعل لهم اسماء و ابصارا و قلوبا و البابا ثم بعث اليهم النبیین علیهم السلام مبشرین و

منذرين يامرونهم بطاعته و ينهونهم عن معصيته و يعرفونهم ما جهلوه من امر خالقهم و دينهم و انزل عليهم كتابا، و بعث اليهم ملائكة ياتين بينهم و بين من بعثهم اليهم بالفضل الذي جعله لهم عليهم. خداوند متعال، خلق را بيهوده نيافریده و آنان را مهمل نگذاشته است، بلکه آنان را به قدرتش آفریده و برای آنها گوش و چشم و دل و عقل قرار داده، آن گاه پیامبران را که مژده دهنده و ترساننده هستند به سویشان برانگیخت تا به طاعتش دستور دهند و از نافرمانی اش جلوگیری فرمایند و آنچه را از امر خداوند و دینشان نمی دانند به آنها بفهمانند و بر آنان کتاب فرستاد و به سویشان فرشتگان برانگیخت تا آنها را خدا و پیامبران به واسطه تفضلی که بر ایشان روا داشته واسطه باشند. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: وَالْعَاقِبَةُ لِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمَنِيَّ. شیعیان ما هنگامی به فرجام نیک و زیبای خداوند می رسند که از گناهانی که نهی شده اند، احتراز نمایند. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: اذا اذن الله لنا في القول ظهر الحق و اضمحل الباطل و انحسر عنكم. هرگاه خداوند به ما اجازه دهد که سخن گوئیم، حق ظاهر خواهد شد و باطل از میان خواهد رفت و خفقا از (سر) شما برطرف خواهد شد. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: ما ارغم انف الشيطان بشيء مثل الصلاة فصلها و ارغم انف الشيطان. هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد و او را خوار نمی کند، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: لو أنْ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتُهُ عَلَى إِجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَلَيْهِمُ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهِدَتِنَا. اگر شیعیان ما که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی، اتحاد و اتفاق می داشتند و عهد و پیمان را محترم می شمردند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد. (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: وَ لَكِنَّ أَقْدَارَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا تُغَالِبُ، وَ إِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ، وَ تَوْفِيقُهُ لَا يَسْبُقُ. به راستی که مقدرات خداوند متعال، مغلوب نشود، و اراده ی الهی مردود نگردد و چیزی بر توفیق او پیشی نگیرد. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: انا بقية من آدم و ذخيرة من نوح و مصطفى من ابراهيم و صفوة من محمد (ص). من باقیمانده از آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و خلاصه محمد (درود خدا بر همگی آنان باد) هستم. (غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۶۷)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: يَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَ لِيَتَجَنَّبَ مَا يَدْنِيهِ مِنْ كَرَاهِيَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ امْرَأً يَبْغَتْهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ، وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حُوبَةٍ. هر يك از شما باید عملی را انجام دهد که سبب نزدیکی به ما و جذب محبت ما گردد؛ و باید دوری کند از کرداری که ما نسبت به آن، ناخوشایند و خشمناک می باشیم، پس چه بسا شخصی در لحظه ای توبه کند که دیگر به حال او سودی ندارد و نیز او را از عِقَاب و عذاب الهی نجات نمی بخشد. (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُهُمْ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا. اگر شیعیان ما که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد در وفای به عهد و پیمان الهی اتحاد و اتفاق می داشتند و عهد و پیمان را محترم می شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد و زودتر به سعادت دیدار ما نائل می شدند. (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۰، ش ۳۶۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَلَا حَالٍّ فِي جِسْمٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، وَأَمَّا الْإِئِمَّةُ (عليهم السلام) فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ، وَيَسْأَلُونَهُ فَيَزِدُّهُ، إِيْجَاباً لِمَسْأَلَتِهِمْ وَإِعْظَاماً لِحَقِّهِمْ. تنها خداوند متعال است که اجسام را خلق و روزی ها را تقسیم کرده است؛ زیرا او جسم یا حلول کننده در جسم نیست. چیزی همانند او نیست. او شنوا و داناست؛ اما ائمه (عليهم السلام) چیزی را از خدا می خواهند و خدا نیز برای آنان خلق می کند. از خدا می خواهند، خدا هم روزی می دهد. خدا چنین می کند، چون بر خود حتم کرده که خواسته ی آنان را اجابت و منزلت و شأن آن ها را عظیم گرداند. (الغیبه، طوسی، ص ۲۹۴، ج ۲۴۸؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۲۹، ح ۴)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: لَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُفِّتُمْ. خود را برای دانستن آن چه از شما نخواستند لند به مشقت نیندازید. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةً، وَمَنْ أُنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي، وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ. بین خداوند عزوجل و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست، هر که مرا انکار کند از من نیست، و راه او راه فرزند نوح است. (کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۹؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۰؛ الخرائج و الجرائع، ج ۳، ص ۱۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : لا عُذْرَ لآخِذٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتُنَا. در تشكيك نسبت به روایاتی که موثقان از ما برای شما نقل می کنند، احدی از شیعیان ما عذری ندارند. (رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸ و ۳۱۹، ح ۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸، ح ۶۱)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : أَنَّهُ مَنْ اتَّقَى رُبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجَ مِمَّا عَلَيْهِ إِلَى مُسْتَحِقِّهِ، كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُبْطِلَةِ، وَمَحْنِهَا الْمُظْلِمَةِ الْمُظْلَلِ وَمَنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا أَعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصَلَاتِهِ، فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهُ وَأَخِرَتِهِ. همانا، کسی که در حقوق برادران دینی تو، حریم الهی را نگه دارد و حقوق مالی ای را که بر گردن دارد، به مستحقش برساند، از فتنه ای که انسان را به راه باطل می کشاند، و از محنت های تاریکی که سایه بر آن افکنده، ایمن خواهد بود، و کسی که بخل ورزد و از نعمت هایی که ایزد، به عاریت، در اختیار او گذاشته است، به مستحقش ندهد، در دنیا و آخرت زیانکار خواهد بود. (احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵ و بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا تَقْبَلُهَا إِلَّا لِتَطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ، فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ. اما اموال شما، پس آن ها را نمی پذیریم، مگر به خاطر این که پاک شوید. پس هر که می خواهد، بپردازد، و هر که نمی خواهد، نپردازد. آن چه خدا به ما عطا کرده، از آن چه به شما عطا نموده بهتر است. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۱؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۹؛ الخرائج و الجرائع، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِذَا اسْتَغْفَرْتَ اللَّهَ فَاللَّهُ يَغْفِرُ لَكَ. اگر از خداوند، طلب مغفرت کنی، خداوند نیز تو را خواهد آمرزید. (کافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۳؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۹۰، ح ۱۳؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۱؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۶۴؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۹، ح ۵۲ و مدینه العاجز، ج ۸، ص ۸۵)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ. هر کسی که به دنبال حاجت خداوند عزوجل باشد، خداوند نیز دنبال کننده و برآورنده ی حاجت او خواهد بود. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۹۳، ح ۱۸؛ الخرائج و الجرائع، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳۱، ح ۵۶)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَايِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا، وَأَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ (عليه السلام). آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما، ملجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید، و عَلم هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید، از زمان حضرت آدم (عليه السلام) تا کنون. (الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : عَلَّمْنَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: ماضٍ وَغَابِرٍ وَحَادِثٍ، أَمَّا الْمَاضِي فَتَفْسِيرٌ، وَأَمَّا الْغَابِرُ فَمَوْقُوفٌ، وَأَمَّا الْحَادِثُ فَقَدْ ذُفِّ فِي الْقُلُوبِ، وَنُقِرَّ فِي الْأَسْمَاعِ، وَهُوَ أَفْضَلُ عَلِمْنَا، وَلَا نَبِيَّ بَعْدَ نَبِيِّنَا. علم ما اهل بیت (علیهم السلام) بر سه نوع است: علم به گذشته و آینده و حادث. علم گذشته، تفسیر است؛ علم آینده، موقوف است و علم حادث، انداختن در قلوب، و زمزمه در گوش هاست. این بخش، بهترین علم ماست و بعد از پیامبر ما، رسول دیگری نخواهد بود. (دلائل الإمامه، ص ۵۲۴، ح ۴۹۵؛ مدینه المعاجز، ج ۸، ص ۱۰۵، ح ۲۷۲۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : وَالْعَاقِبَةُ بِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمُنْهَيَّ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ. با ساخت نیکوی خداوند، فرجام کار، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود. (احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : وَأَمَّا عَلِمَةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ. وَا مَّا دَلِيلُ غَيْبَتِي كَمَا اتَّفَقَ افْتَادَ؛ خداوند عزَّ و جلَّ می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! از چیزهایی که اگر برایتان آشکار شود، شما را به رحمت می اندازد، سؤال نکنید. (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۸۰)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا. خدا با ما است پس نیازمند دیگری نیستیم و حق با ماست پس باکی نداریم اگر کسی به یاری ما برخیزد. (غیبت، شیخ طوسی (ره)، ص ۲۸۵)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَلَا يَبْقَى النَّاسُ فِي فِتْرَةٍ. زمین هرگز از حجت [خدا] خالی نیست و مردم بدون راهنما نخواهند ماند. (کمال الدین، ص ۴۴۵)

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا. ظهور واقع نخواهد شد، مگر به إذن خدای متعال، پس از آنکه زمانی دراز بگذرد، دلها سخت شود و بیداد زمین را پر کند. (احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۷)

دَفَعَ إِلَيَّ دَفْطَرًا فِيهِ دُعَاءُ الْفَرَجِ وَ صَلَوةٌ عَلَيْهِ، فَقَالَ : فَبِهَذَا فَادْعُ. یکی از مؤمنین به نام ابومحمد، حسن بن وجناء گوید: زیر ناودان طلا در حرم خانه خدا بودم که حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم ، دفتری را به من عنایت نمود که در آن دعای فرج و صلوات بر آن حضرت بود. سپس فرمود: به وسیله این نوشته ها بخوان و برای ظهور و فرج من دعا کن و بر من درود و تحیت بفرست . و آن دعا بر حسب مشهور چنین نقل شده است : (اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ) صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيَا وَ حَافِظَا وَ قَاعِدَا وَ نَاصِرَا وَ دَلِيلَا وَ عَيْنَا حَتَّى تُشْكِنَهُ اءِزْصَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا). (إكمال الدین

شیخ صدوق: ص ۴۴۳، ح ۱۷، بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱، ضمن ح ۲۷. کافی: ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۴، فلاح السائلین سید بن طاووس: ص ۴۶)

از وکلاء و سفراء آن حضرت «پسر عثمان بن سعید عمری» محمد بن عثمان بن سعید عمری بود که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام او پدرش را توثیق نموده و به شیعیان خود خبر داد که از وکلای فرزندان مهدی است و چون هنگام وفات پدرش عثمان بن سعید عمری رسید توقیعی از جانب حضرت حجت علیه السلام بیرون آمد که مشتمل بر تعزیت نامه بود در خصوص وفات پدرش و آنکه او نایب و منصوب از جانب ولی خدا است در امر سفارت و در مقام پدرش برقرار است، و عبارت توقیع بنا به روایت صدوق و غیر او که نقل نموده اند این است: **إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَ رِضَا بِقَضَائِهِ وَ بِفِعْلِهِ عَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَ مَاتَ حَمِيدًا فَزَحَمَهُ اللَّهُ وَ أَلَحَقَهُ بِأَوْلِيَائِهِ وَ مَوَالِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَام فَلَمْ يَزَلْ فِي أَمْرِهِمْ سَاعِيًا فِيمَا يُقَرِّبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَيْهِمْ نَصَرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَ أَقَالَهُ عَثْرَتَهُ وَ أَجَزَلَ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابَ وَ أَحَسَّنَ لَكَ الْعِزَّاءَ وَ رَزَيْتَ وَ رَزَيْنَا وَ أَوْحَشَكَ فِرَاقَهُ وَ أَوْحَشَنَا فِرْسَهُ اللَّهُ فِي مَنْقَلَبِهِ وَ كَانَ مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا مِثْلَكَ يَخْلُقُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَ يَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيكَ وَ عِنْدَكَ وَ قَوْلَاكَ وَ عَصْدَكَ وَ وَفَّقَكَ وَ كَانَ لَكَ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ رَاعِيًا .** به درستی که ما برای خداییم و بازگشت ما به سوی خدا است که تسلیم نمودیم امر او را و راضی شدیم به قضاء او، و پدر تو به سعادت و نیکبختی تعیش [زندگی] نمود و وفات نمود در حالتی که محمود و پسندیده بود، خدا او را رحمت کند و ملحق کند او را به اولیاء و سادات و موالیان او علیهم السلام که همیشه در امر ائمه دین سعی کننده بود در آن چیزهایی که موجب تقرب او بود به سوی خدا و ائمه دین او، خداوند روی او را تر و تازه نماید و لغزشهای او را ببخشد و جزا و اجر تو را زیاد کند و صبر کند در مصیبت او به تو عطا فرماید، تو مصیبت زده شدی و ما نیز مصیبت زده شدیم و مفارقت پدرت تو را و ما را به وحشت انداخت . پس خداوند او را به رحمت خود مسرور فرماید در منقلب و مشوای او که آرامگاه او است و از کمال سعادت پدرت آنکه مثل تو فرزندی را به او روزی فرموده که خلیفه و قائم مقام او باشی به امر او و ترحم نمایی و طلب آمرزش کنی از برای او و من می گویم که حمد می کنم خدا را پس به درستی که قلوب شیعیان نیکو و مسرور شده است به مکان و منزلت تو و آنچه خداوند در تو و در نزد تو قرار داده است و حق تعالی تو را یاری فرماید و قوت به تو دهد و محکم فرماید تو را و توفیق به تو عطا فرماید و تو را حافظ و نگهبان باشد. (کمال الدین شیخ صدوق ۵۱۰/۲ - کفایة الموحدين ۳۴۶/۳ ۳۴۷)

شیخ طوسی رحمه الله از جمعی از اصحاب روایت کرده که چون عثمان بن سعید وفات کرد توقیعی از جانب حضرت حجت علیه السلام به سوی فرزند او محمد بن عثمان بن سعید عمری بیرون آمد

بدین لفظ: وَ الْإِبْنُ وَقَاهُ اللَّهُ لَمْ يَزَلْ يُقَتِّلُنَا فِي حَيَاةِ الْآبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَرْضَاهُ وَ نَصَّرَ وَجْهَهُ يَجْرِي عِنْدَنَا مَجْرَاهُ وَ يَسُدُّ مَسَدَهُ وَ عَنْ أَمْرِنَا يَأْمُرُ الْإِبْنُ وَ بِهِ يَعْمَلُ تَوَلَّيَهُ اللَّهُ ؛ یعنی بعد از وفات عثمان بن سعید خداوند فرزند او را نگاهداری نماید که همیشه ثقه و معتمد ما بود در حیات پدر رضی الله عنه و ارضاه و نصر وجهه که پسر او مثل پدر او است در نزد ما و قائم مقام او است هرچه بگوید از امر ما می گوید و به امر ما عمل می نماید خداوند یاور و صاحب او باشد. (کفایة الموحدين ۳/۳۴۷، بحارالانوار ۵۱/۳۴۹)

توقیعی که از جانب حضرت حجت علیه السلام از برای شیخ ابوالقاسم بن روح بیرون آمده چنانچه در (بحار) از جماعتی از حمله اخبار و ثقات نقل شده بدین لفظ است: نَعْرِفُهُ عَرَفَهُ اللَّهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَ رِضْوَانَهُ وَ أَسْعَدَهُ بِالتَّوْفِيقِ وَ قَفَّنَا عَلَى كِتَابِهِ وَ وَثَّقْنَا بِمَا هُوَ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ عِنْدَنَا بِالْمَنْزِلَةِ وَ الْمَحَلِّ الَّذِينَ يَسْرَانِهِ زَادَ اللَّهُ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْهِ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا ؛ حاصل مضمون فقرات بلاغت آیات آنکه: ما می شناسیم او را یعنی حسین بن روح را خداوند بشناساند و عالم گرداند او را طریقه همه خیر و رضای خود را و او را یاری فرماید به توفیق خود، ما مطلع شدیم بر مکتوب او و مطلع گردیدیم بر امانت و به دینداری او و وثوق و اعتماد داریم به درستی که او در نزد ما به مکان و منزلت بلند آنچنانی است که مسرور می سازد آن منزلت و مکان او را، زیاد فرماید خدای تعالی احسان خود را درباره او، به درستی که او صاحب همه نعمتها است و بر همه چیز قادر است، و حمد مر خداوند را سزا است که شریک از برای او نیست، و صلوات خداوند و سلام او بر رسول او محمد و آل او باد. (کفایة الموحدين ۳/۳۴۸، بحارالانوار ۵۱/۳۵۶)

چون شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری را وفات در رسید توقیعی بیرون آورد و به مردم نشان داد که نسخه آن بدین مضمون بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيُّ! أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَ لَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جُورًا وَ سَيِّئَاتِي مِنْ شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ؛ حاصل فرمان آن بزرگوار در این توقیع شریف آنکه: ای علی بن محمد سمری! خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید، به درستی که در اثنای این شش روز وفات خواهی نمود پس جمع نما امر خود را و در کار خود آماده باش و به احدی وصیت نیابت ننما که قائم مقام تو شود بعد از وفات تو، به درستی که غیبت کبری واقع گردید و مرا ظهوری نخواهد بود مگر به اذن خدای تعالی و این ظهور، بعد از این است که زمان غیبت طول بکشد و دلها را قساوت فرا گیرد تا پر شود زمین از جور و

ستم و زود است که می آیند کسانی از شیعیان من که دعوی مشاهده مرا می نمایند آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن صیحه آسمانی دعوی مشاهده نماید پس او کذاب و افترا زننده است . راوی گوید: که نسخه شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری را نوشتم و از نزد او بیرون رفتم چون روز ششم در رسید به نزد او، رفتیم دیدیم که در حات احتضار است آگاه به او گفته شد که وصی تو بعد از تو کیست ؟ گفت : خدا را امری است باید او را به تمام برساند، این را گفت و وفات نمود رحمه الله . (الغیبة شیخ طوسی ص ۲۴۲، کمال الدین شیخ صدوق ۵۱۶/۲ ، کفایة الموحدين ۳/۳۴۹)

توقیع شریف در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب که یکی از اجله و اخیار علماء شیعه و حمله اخبار است که به توسط محمد بن عثمان سعید عمری عریضه به خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام عرضه کرده بود و مسایل چندی سؤال نموده بود که آن حضرت در توقیع شریف جواب مسایل او را فرمود: از آن جمله فرمود: وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ . و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام چنین امر شد که : أَنْظَرُوا إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَارْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ فَإِنَّمَا بِحُكْمِ اللَّهِ اسْتَحَفَّ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الزَّادُ عَلَيْنَا رَأْدُ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ فِي حَدِّ الشُّرْكِ بِاللَّهِ . و در روایت دیگر مُجَارِي الْأُمُورِ بِيَدِ الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءُ عَلَى حَالِهِ وَ حَرَامِهِ. مستفاد از فرمان این دو حجت پروردگار آنکه : علما و حفظه علوم و اخبار و آثار ایشان که صاحب نظر و اهل استنباطند که از روی معرفت و دانش عارف اند به احکام صادره از ایشان باید متکلفین رجوع به ایشان نمایند در اخذ مسائل حلال و حرام و قطع منازعات که آنچه ایشان می فرمایند حجت است از برای عامه مکلفین به استجماع ایشان مر شرایط فتوی را از قوه استنباط و عدالت و بلوغ و عقل و سایر شرایط اجتهاد و از برای ایشان است نیابت عامه که خلق من باب الجاء و اضطرار مکلف اند به رجوع نمودن به ایشان ، دیگر تعیین نایب مخصوصی در زمان غیبت کبری نفرمودند بلکه حکم فرمودند به انقطاع نیابت خاصه و سفارت . انتهى . (کفایة الموحدين ۳/۳۴۹ ، کمال الدین شیخ صدوق ۴۸۴/۲ ، کفایة الموحدين ۳/۳۵۰)

حضرت مهدی (عج) به محمد بن علی بن هلال کرخی فرموده اند: قد آذانا جهلاء الشيعة و حمقائهم، و من دینه جناح البعوضه ارجح منه. نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که بال پشه از دینداری آنان محکمتر است مارا آزدند. (احتجاج طبرسی ج ۱، ص ۴۷۴)

یک محرم آغاز هفته احیای امر به معروف و نهی از منکر

بازاین چه شورش است که در خلق عالم است - بازاین چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است - باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین - بی نفخ صو رخواسته تا عرش اعظم است - این صبح تیره باز دیدم از کجا کز او - کار جهان و خلق جهان جمله درهم است - گویا طلوع میکند از مغرب آفتاب - کاشوب در تما می ذرات عالم است - گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست - این رستخیز عام که نامش محرم است - در بارگاه قدس که جای ملال نیست - سرهای قدسیان همه برزانوی غم است - جن و ملک بر آدمیان نوحه میکنند - گویا عزای اشرف اولاد آدم است - خورشید آسمان و زمین نور مشرقین - پرو رده در کنار رسول خدا حسین. «محتشم کاشانی: اشک شفق ص ۲۵۶» از سال ۱۳۷۱ شمسی تاکنون هر ساله هفته اول محرم الحرام به نام هفته احیای امر به معروف و نهی از منکر بمنظور یادآوری اصلی ترین هدف جهاد والا و الهی امام حسین (ع) یعنی احیای امر به معروف و نهی از منکر نامگذاری شده ...

قرآن کریم: الَّذِينَ اِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ... همانان که اگر آنان را در روی زمین تسلط و توان دهیم، نماز را برپا می دارند و زکات می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند... (سوره مبارکه حج: آیه ۴۱).

قرآن کریم: الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ... مردان و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند؛ به نیکی فرمان می دهند و از اعمال زشت باز می دارند... (توبه، آیه ۷۱). قرآن کریم: وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ اُمَّةٌ يَدْعُونَ اِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ وَ اُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. باید در میان شما گروهی باشند تا مردم را به خیر دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ ایشان همان رستگارانند. (آل عمران، آیه ۱۰۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله: مَنْ اَمَرَ بِمَعْرُوفٍ اَوْ نَهَى عَنِ مُنْكَرٍ اَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ اَوْ اَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ وَ مَنْ اَمَرَ بِسُوءٍ اَوْ دَلَّ عَلَيْهِ اَوْ اَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ، هر کسی که به کاری نیک امر کند یا از کاری زشت باز دارد، یا به کاری خیر راهنمایی کند یا حتی به آن اشاره کند، [در ثواب آن عمل] شریک است. هر کس به بدی امر کند یا به آن دلالت یا اشاره کند، او نیز [در گناه آن عمل] شریک است. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله: نَصْرُ المَظْلُومِ وَ اَمْرٌ بِالمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ المُنْكَرِ جِهَادٌ. یاری رساندن به ستم دیده و امر به معروف و نهی از منکر جهاد در راه خدا است. (جامع الأحادیث، ص ۱۲۵). پیامبر صلی الله علیه و آله: مَنْ اَمَرَ بِالمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ المُنْكَرِ هُوَ خَلِيفَةُ اللهِ فِي الْأَرْضِ. هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در زمین است. (کنز العمال، ج ۵۵۶۴).

امام علی علیه السلام: قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ. استواری شریعت، به امر به معروف و نهی از منکر و برپاداشتن حدود است. (میزان الحکمه، ج ۱۲۶۸۸).

امام علی علیه السلام: غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ. غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و برپاداشتن حدود است. (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶۳۷۳).

امام علی علیه السلام: مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ. آن که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان. (تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۱).

امام علی علیه السلام: مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ التَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجْجٍ. تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خداوند، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریایی موج. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

حضرت فاطمه علیها السلام: فَرَضَ اللَّهُ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ. خداوند امر به معروف را برای اصلاح مردم قرار داد. (بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۰۷).

امام صادق علیه السلام: وَيَلْ لِمَنْ يَأْمُرُ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمَعْرُوفِ. وای بر آن که به منکر امر کند و از معروف نهی کند. (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۸۷).

نهم محرم تاسوعای حسینی

امام صادق (ع): تاسوعا، روزی است که حسین و یارانش که خدا از ایشان، خشنود باد -، در کربلا، محاصره شدند و سپاه شام، بر گرد او جمع شدند و فرود آمدند.

امام صادق علیه السلام: الْكَافِي عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَوْمِ تَاسُوعَا وَعَاشُورَا مِنْ شَهْرِ الْمُحَرَّمِ؟ فَقَالَ: تَاسُوعَا يَوْمٌ حَوْصَرَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ بِكَرْبَلَاءَ، وَاجْتَمَعَ عَلَيْهِ خَيْلُ أَهْلِ الشَّامِ وَأَنَاخُوا عَلَيْهِ، وَفَرِحَ ابْنُ مَرْجَانَةَ وَعُمَرُ بْنُ سَعْدٍ بِتَوَافُرِ الْخَيْلِ وَكَثْرَتِهَا، وَاسْتَضَعَفُوا فِيهِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابَهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، وَأَيَقَنُوا أَنْ لَا يَأْتِيَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاصِرٌ وَلَا يَمُدُّهُ أَهْلُ الْعِرَاقِ، بِأَبِي الْمُسْتَضَعَفِ الْغَرِيبِ. ثُمَّ قَالَ: وَأَمَّا يَوْمُ عَاشُورَا فَيَوْمٌ أَصِيبَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَرِيحًا بَيْنَ أَصْحَابِهِ، وَأَصْحَابُهُ صَرَعَى حَوْلَهُ عُرَاءً، أَفْصَوْمٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ؟ كَلَّا وَرَبُّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ. از عبد الملك: از امام صادق علیه السلام، از روزه روزهای تاسوعا و عاشورا در ماه محرم پرسیدم. فرمود: «تاسوعا، روزی است که حسین و یارانش که خدا از ایشان، خشنود باد -، در کربلا، محاصره شدند و سپاه شام، بر گرد او جمع شدند و فرود آمدند. ابن مرجانه و عمر بن سعد، از وفور و فراوانی سپاهیان، شادمان شدند و در این روز، حسین علیه السلام و یارانش را - که خدا از ایشان خشنود باد -، ناتوان شمردند و یقین کردند که کسی به یاری حسین علیه السلام نمی آید و عراقیان، به او کمکی نمی دهند. پدرم فدای ناتوان شمرده شده

غریب باد!« سپس فرمود: «اَما روز عاشورا، روزی است که مصیبت حسین علیه السلام و بر خاک افتادن او میان یارانش، پیش آمد و یارانش نیز برهنه، بر گرد او بر زمین افتاده بودند. آیا در چنین روزی، روزه می گیرند؟ به پروردگار خانه حرام سوگند که هرگز، روا نیست!« . (الکافی: ج ۴ ص ۱۴۷ ح ۷؛ دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث: جلد ۵، صفحه ۴۳۶)

امام سجاد علیه السلام در بیان وقایع روز تاسوعا، هنگامی که امام حسین علیه السلام ارانش را در نزدیکی غروب جمع کرد-: به امام علیه السلام نزدیک شدم تا سخنانش را بشنوم. در حالی که آن زمان، بیمار بودم، شنیدم که به یارانش می گوید: «خدای را به بهترین ستایشها می ستایم و او را بر خوشی و سختی، سپاس می گویم. خدایا! من تو را سپاس می گزارم؛ چون ما را با نبوت، گرمی داشتی و به ما قرآن آموختی و ما را فهم دین شناسی عنایت فرمودی و به ما گوش و چشم و دل دادی. پس ما را از سپاسگزاران قرار ده. اَما بعد؛ من یارانی وفادارتر و بهتر از یاران خویش، سراغ ندارم و خاندانی نیکوکارتر و به هم نزدیک تر از خاندان خود نمی شناسم. خداوند از جانب من خیرتان دهد! بدانید که من گمان می برم امروز، آخرین روز مهلت ما و ایشان است، هان! من به شما اجازه دادم همگی بروید که گره بیعتم را از گردنتان گشودم. این شب، پوشش شماست. آن را مرکب خود سازید و بروید». برادران و پسران و برادرزادگانش و نیز دو پسر عبد الله بن جعفر گفتند: چرا چنین کنیم؟! تا پس از تو بمانیم؟! خدا هرگز این را برای ما پیش نیاورد. عباس بن علی رضوان خدا بر او باد- آغازگر این سخن بود و دیگران در پی او و چون او سخن گفتند، امام حسین علیه السلام فرمود: «ای پسران عقیل! کشته شدن مسلم برای شما کافی است. بروید که من به شما اجازه دادم». آنان گفتند: سبحان الله! آن گاه مردم چه می گویند؟ می گویند: ما بزرگ و سالار و پسران بهترین عموهایمان را و نهادیم و با آنان، نه تیری پرتاب کردیم و نه نیزه ای زدیم و نه شمشیری برکشیدیم و نمی دانیم چه کردند. نه، به خدا سوگند، چنین نکنیم؛ بلکه جان و مال و خاندانمان را فدای تو کنیم و همراه تو پیکار می کنیم تا هرجا که تو درآیی. خدا زندگی پس از تو را روسیاه بدارد. و مسلم بن عوسجه در برابر امام حسین علیه السلام برخاست و گفت: آیا تو را تنها گذاریم، در حالی که هنوز در برابر خدا حجتی در ادای حقت نداریم؟! هان! به خدا سوگند، [دست از تو برندارم] تا سینه هایشان را با نیزه ام بشکافم و تا آن گاه که دسته شمشیرم را به دست دارم، با آنان بجنگم و اگر سلاح جنگ نیز نداشته باشم، بر ایشان سنگ بیندازم. به خدا سوگند، دست از تو بر نداریم، تا آنکه خدا بداند ما پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، حرمت تو را پاس داشتیم. به خدا سوگند، اگر می دانستم که کشته می شوم و سپس زنده می گردم و سوزانده می شوم، سپس دوباره زنده می شوم و [خاکستر] را به باد می دهند و هفتاد بار با من چنین کنند، از تو جدا نمی شدم تا مرگ خویش را در یاری تو ببینم. حال چگونه از تو جدا شوم با اینکه يك کشته شدن بیش

نیست و پس از آن هم کرامت بی پایان ابدی است؟! و زهیر بن قین بجلی - درود خدا بر او باد - برخاست و گفت: به خدا سوگند، دوست داشتم که هزار بار کشته شوم و زنده گردم و خدای متعال، قتل را بدان وسیله از تو و این جوانان خاندانت دور سازد. دیگر یاران امام حسین علیه السلام نیز سخنانی مانند هم و برای ابراز فداکاری خود بیان داشتند و امام علیه السلام نیز برای آنان، پاداش خیرخواست و به خیمه خود بازگشت. (الارشاد: ۲ / ۹۱؛ حکمت نامه بسیج: جلد ۱ صفحه ۲۸۶)

تاریخ الطبری - به نقل از عبد الله بن شريك عامری - : هنگامی که شمر بن ذی الجوشن، نامه را [از ابن زیاد برای ابن سعد] گرفت، او و عبد الله بن ابی مُجَل برخاستند. عمه ابن ابی مُجَل، اُمّ البنین [مادر عباس علیه السلام]، دختر جِزام، همسر علی بن ابی طالب علیه السلام بود که عباس علیه السلام، عبد الله، جعفر و عثمان را برای او به دنیا آورد. عبد الله بن ابی مُجَل بن جِزام بن خالد بن ربیعۀ بن وحید بن کعب بن عامر بن کلاب گفت: خداوند، [کار] امیر را به سامان آورد! پسران خواهر ما همراه حسین هستند. اگر موافقی، امان نامه ای برای آنان بنویس. گفت: باشد؛ با کمال میل! آن گاه، به مُنشی اش فرمان داد و امان نامه ای برای آنان نوشت و عبد الله بن ابی مُجَل، آن امان نامه را با غلامش به نام کُزمان، فرستاد. هنگامی که او بر آنان در آمد، آنان را فرا خواند و گفت: این، امانی است که دایی تان برای شما فرستاده است. آن جوانان (فرزندان اُمّ البنین)، به او گفتند: به دایی مان، سلام برسان و به او بگو: ما نیازی به امان تو نداریم، امان خدا، بهتر از امان فرزند سمیه است. شمر بن ذی الجوشن، با نامه عبید الله بن زیاد به عمر بن سعد، به سوی او آمد. چون بر او در آمد و نامه را خواند، عمر به او گفت: وای بر تو! چه می خواهی؟ خدا، از خانه ات دورت بدارد (آواره گردی) و آنچه را برایم آورده ای، زشت گرداند! به خدا سوگند، گمان می کنم که تو مانع شده ای تا آنچه را به او نوشته بودم، بپذیرد. کار ما را تباه کردی. ما امید داشتیم که کار، سامان پذیرد. به خدا سوگند، حسین، تسلیم نمی شود. جانی غیرتمند در وجودش نهفته است.

شمر به او گفت: به من بگو که چه می کنی؟ آیا فرمان امیرت را اجرا می کنی و دشمنش را می کُشی؟ اگر نه، سپاه و لشکر را به من، وا گذار. عمر گفت: هرگز به تو واگذار نمی کنم و خودم کار را به انجام می رسانم! تو هم کاری را به عهده بگیر و فرمانده پیادگان باش. عمر، پنج شنبه شب، نُه روز از محرم گذشته، حرکت کرد [و حمله کرد]. شمر نیز آمد تا جلوی یاران حسین علیه السلام ایستاد و گفت: خواهرزادگان ما کجا هستند؟ عباس علیه السلام و جعفر و عثمان، فرزندان علی علیه السلام، بیرون آمدند و به او گفتند: چه می خواهی و در پی چه هستی؟ گفت: شما - ای خواهرزادگانم، در امان هستید. آن جوانان به او گفتند: خداوند، تو و امانت را لعنت کند! اگر تو دایی ما هستی، به ما امان می دهی، در حالی که فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در امان

نیست؟! (تاریخ الطبری: ج ۵ ص ۴۱۵؛ دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث: ج ۵ ص ۴۳۸)

دهم محرم عاشورای حسینی

امام حسین (ع) پس از حرکت به سوی کوفه، با پیمان شکنی مردم آن سامان مواجه گردید. سپاهیان یزید که به دستور عبیدالله بن زیاد و به فرماندهی عمر بن سعد وارد صحرای کربلا شده بودند، مانع از رفتن امام از آن مکان گردیدند. سرانجام در دهم محرم روز عاشورا به شهادت رسید. پیامبر صلی الله علیه وآله: **إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا**. مرگ حسین علیه السلام آتشی در دل مؤمنان در انداخته است که هرگز سرد نخواهد شد. (مستدرک، ج ۱۰، ص ۳۱۸). امام حسن علیه السلام: **إِنَّ الَّذِي يُوْتِي إِلَى، سَمَّ يَدُسُّ إِلَى فَأُقْتَلُ بِهِ وَلَكِنْ لَا يَوْمَ كَيْوَمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ**. آنچه به من می‌رسد، زهری است که با دسیسه به کامم ریخته می‌شود، اما ای ابا عبد الله هیچ روزی مانند روز [مصیبت] تو نیست. (الأمالی، صدوق، ص ۱۷۷).

امام صادق علیه السلام: **إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَعْظَمُ مُصِيبَةٍ مِنْ جَمِيعِ سَائِرِ الْأَيَّامِ**. روز شهادت امام حسین علیه السلام سوگناک‌ترین روزها است. (علل الشرائع، ص ۲۲۵).

امام رضا علیه السلام: **إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَفْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا**. روز شهادت حسین علیه السلام دیدگان ما را مجروح، اشک‌های ما را روان و عزیز ما را خوار کرد. (الأمالی، صدوق، ص ۱۹۰). امام صادق علیه السلام: **أَمَّا يَوْمُ عَاشُورَاءَ فَيَوْمٌ أُصِيبَ فِيهِ الْحُسَيْنُ صَرِيحًا بَيْنَ أَصْحَابِهِ**. عاشورا روزی است که حسین میان یارانش کشته بر زمین افتاد. (بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۹۵).

امام رضا علیه السلام: **مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ، يَجْعَلُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَ سُورِهِ**. هر که عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه اش باشد، خداوند روز قیامت را روز شادی و سرورش می‌گرداند. (میزان الحکمه، ج ۱۳۰۱۱).

امام رضا علیه السلام: **مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ**. هر که در روز عاشورا کار و کسب خود را فرو گذارد، خداوند حاجت‌های دنیا و آخرت او را بر آورده سازد. (علل الشرائع، ص ۲۲۷).

امام رضا علیه السلام: **فَإِذَا كَانَ الْيَوْمُ الْعَاشِرُ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ: هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ**. روز عاشورا، روز مصیبت و حزن و گریه [امام کاظم علیه السلام] بود و می‌فرمود: در چنین روزی بود که حسین علیه السلام کشته شد. (الأمالی، صدوق، ص ۱۲۸).

پیامبر صلی الله علیه وآله: **يَا فَاطِمَةُ! كُلِّي عَيْنٍ بَاكِئَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ**. ای فاطمه! همه چشم‌ها در روز قیامت گریان است جز چشمی که بر مصیبت‌های حسین بگرید.

(بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳).

امام حسین علیه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ. من کشته اشکم؛ هر مؤمنی مرا یاد کند، اشکش روان شود. (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴).

امام سجّاد علیه السلام: أَنَا ابْنُ مَنْ بَكَتَ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ نَاحَتْ عَلَيْهِ الْجِنُّ فِي الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ. من پسر کسی هستم که فرشتگان آسمان بر او گریستند. من پسر کسی هستم که جنیان در زمین و پرندگان در هوا بر او نوحه‌سرایي کردند. (بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۴).

امام رضا علیه السلام: إِنْ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ. اگر بر حسین بگریی، چندان که اشک‌هایت بر گونه‌ات جاری شود، خداوند تمام گناهانت را می‌آمرزد. (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶).

امام رضا علیه السلام: كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى ضَاحِكاً... فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ. چون ماه محرم می‌رسید، کسی پدرم را خندان نمی‌دید... چون روز دهم فرامی‌رسید آن روز، روز سوگواری و اندوه و گریه او بود. (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۰۵).

امام مهدی علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه: لَا تُدْبِنَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بَدَلُ الدُّمُوعِ دَمًا. هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می‌کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می‌گیرم. (بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۳۸).

امام باقر علیه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا. اگر مردم می‌دانستند در زیارت مزار امام حسین علیه السلام چه فضیلتی است از شوق آن می‌مردند. (بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۸).

امام صادق علیه السلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ عَلَى مَوَائِدِ النُّورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيَكُنْ مِنْ زُؤَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام. هر کس دوست دارد روز قیامت، بر سر سفره‌های نور بنشیند، باید از زائران امام حسین علیه السلام باشد. (بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۷۲).

امام صادق علیه السلام: لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَدُّ اللَّهِ فِي عُمرِكَ وَ يَزِيدُ فِي رِزْقِكَ وَ يَحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا شَهِيداً. زیارت امام حسین علیه السلام را فرو نگذار که خدا عمرت را طولانی و روزی را زیاد می‌کند و زندگی با سعادت و مرگ با شهادت به تو خواهد بخشید. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۱).

امام صادق علیه السلام: زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَفْضَلِ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ. زیارت قبر امام حسین علیه السلام از برترین اعمال است. (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۱).

امام صادق علیه السلام: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ.

کسی که خدا خیرخواه او باشد، محبت حسین و شوق زیارتش را در دل او می‌اندازد. (بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۷۶).

امام رضا علیه السلام: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ. دوست داران و شیعیان هر امامی را با او عهدی است، و تمامت وفای به عهد و نیکویی انجام دادن آن، زیارت قبر ایشان است. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۲).

پیامبر علیه السلام: أَلَا وَ إِنَّ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّتَيْهِ وَ الشِّفَاءَ فِي ثُرْبَتِهِ. بدانید که اجابت دعا در زیر گنبد حرم او و شفا در تربت او است. (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۵).

امام صادق علیه السلام: حَنُّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهَا أَمَانٌ. کام کودکانتان را با تربت حسین بردارید؛ زیرا موجب امنیت کودکان است. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲۴).

امام صادق علیه السلام: فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ الشِّفَاءُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ هُوَ الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ. شفای هر دردی در تربت مزار حسین است، و آن بزرگ‌ترین درمان است. (کامل الزیارات، ص ۴۶۲).

امام صادق علیه السلام: السُّجُودُ عَلَى تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرِقُ الْحُجُبَ السَّبْعَ. سجده بر تربت امام حسین حجاب‌های هفت گانه را می‌برد. (بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۳۵).

دوازدهم یاییست و پنجم محرم شهادت امام سجاد علیه السلام

به صفحه ۹۰ مختصر حالات ششمین معصوم، چهارمین امامت امام سجاد (ع) مراجعه شود

بیست و پنجم محرم شهادت امام سجاد علیه السلام

به صفحه ۹۰ مختصر حالات ششمین معصوم، چهارمین امامت امام سجاد (ع) مراجعه شود

سه صفر ولادت حضرت امام محمد باقر (ع) (۵۷ ق)

به صفحه ۱۰۰ خلاصه حالات هفتمین معصوم، پنجمین امامت امام باقر (ع) مراجعه شود.

هفت صفر شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) (به روایتی)

به صفحه ۵۷ خلاصه حالات چهارمین معصوم، دومین امامت امام حسن مجتبی (ع) مراجعه شود.

هفت صفر ولادت امام موسی کاظم (ع) (۱۲۸ ق)

به صفحه ۱۴۳ خلاصه حالات نهمین معصوم، هفتمین امامت امام کاظم (ع) مراجعه شود.

بیست صفر اربعین حسینی

امام عسکری علیه السلام: غَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَوَاتُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَ التَّحَنُّنُ بِالْيَمِينِ، وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ، وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: اول: نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله در طول شبانه روز). دوم: زیارة اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام. سوم: انگشت در دست راست نمودن. چهارم: پیشانی بر خاک گذاردن. پنجم: بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در نمازهای جهریه (صبح، مغرب و عشاء).» (تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۲).

اربعین حسینی روز ۲۰ صفر و چهلمین روز واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) است. مشهور است که اسیران کربلا روز ۲۰ ماه صفر سال ۶۱ ه.ق در بازگشت از شام، برای زیارت مدفن امام حسین (ع) به کربلا آمده اند. همچنین در این روز جابر بن عبدالله انصاری به زیارت قبر امام حسین (ع) آمده است. زیارت اربعین از اعمال خاص این روز است که بنابر روایتی از امام حسن عسکری (ع) یکی از پنج نشانه مومن دانسته شده است. البته در باب علت اهمیت این روز نزد عرف شیعیان، برخی گزارش‌های تاریخی مبنی بر حضور بازماندگان اهل بیت امام در کربلا در روز اربعین از عوامل توجه خاص ایشان به اربعین است. در برخی منابع تاریخی مانند کتاب نزهه الزاهد اسیران شام یعنی بازماندگان کشته‌شدگان کربلا در چهلمین روز کشته شدن حسین بن علی به کربلا رسیدند. (نفس المهموم ترجمه شعرانی، ص ۴۳۰؛ نزهه الزاهد، ص ۲۱) اگرچه نه تنها این مطلب در متون تاریخی پیش‌تر از قرن هفتم هجری نیامده است، با تصریح متقدمینی مانند شیخ مفید که بازگشت اسرا را به مدینه دانسته‌اند نیز در تضاد است. اربعین، مطابق نظر شیخ مفید در مسارالشیعة و شاگردش شیخ طوسی در مصباح المتهجد، زمان بازگشت اهل حرم از شام (دمشق) به مدینه است. همچنین بنا بر نقل ایشان، جابر بن عبدالله انصاری صحابی برجسته محمد به عنوان نخستین زائر حسین بن علی، یا لااقل از نخستین زائران او، در این روز وارد کربلا شده و زیارت اربعین را بجا آورده است. ابراهیم آیتی نیز می‌نویسد: «جابر بن عبدالله انصاری ... بیستم ماه صفر، درست چهل روز بعد از شهادت امام وارد کربلا شد و سنت زیارت اربعین امام به دست او تأسیس گردید». (بررسی تاریخ عاشورا، محمد ابراهیم آیتی، ص ۲۲۱) بر این اساس «از همان آغاز که تاریخش معلوم نیست، شیعیان به حرمت آن، زیارت اربعین می‌خوانده‌اند» زیارت اربعین تنها درباره حسین بن علی وارد شده و هیچ پیشینه‌ای را نمی‌توان برای اربعین و اعمال مربوط به این روز تا پیش از حادثه عاشورا تصدیق کرد و این ویژگی و امتیاز، تنها برای حسین بن علی دانسته شده است.

عطیه عوفی می‌گوید: همراه با جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) حرکت کردیم؛ وقتی به کربلا رسیدیم، جابر وارد رودخانه فرات شد و غسل (زیارت) کرد؛ آنگاه لنگی

بر کمر بست و حوله ای بر دوش انداخت (همانند لباس محرم) و سپس خود را خوشبو نمود و به سمت قبر امام حسین (علیه السلام) حرکت کرد. به هنگام حرکت همواره ذکر می گفت، تا آنکه به قبر نزدیک شدیم. در آن هنگام به من گفت: دستم را روی قبر بگذار. هنگامی که دستش را روی قبر گذاشتم، جابر بیهوش بر روی قبر افتاد. من آب به صورت جابر پاشیدم تا به هوش آمد. آنگاه سه بار صدا زد «یا حسین» و ادامه داد: «حَبِيبٌ لَا يَحِيبُ حَبِيبَهُ»؛ (آیا دوست، پاسخ دوستش را نمی دهد؟!؛) سپس با خودش گفت: «چگونه (حسین) پاسخ را بدهد، در حالی که میان خون آغشته شده و بین بدن و سرش جدایی افتاده است؟» سپس افزود: «فَأَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ خَيْرِ النَّبِيِّينَ، وَ ابْنُ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ ابْنُ خَلِيفِ التَّقْوَى، وَ سَلِيلُ الْهُدَى، وَ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، وَ ابْنُ سَيِّدِ الثُّقَبَاءِ، وَ ابْنُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، وَ مَا لَكَ لَا تَكُونُ هَكَذَا وَ قَدْ غَدَّكَ كَفُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ رُئِيتَ فِي جُجْرِ الْمُتَّقِينَ، وَ رَضَعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، وَ فُطِمْتَ بِالْإِسْلَامِ، فَطُبْتُ حَيًّا، وَ طُبْتُ مَيِّتًا، غَيْرَ أَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ طَيِّبَةٍ لِفِرَاقِكَ، وَ لَا شَاكَةَ فِي الْخَيْرِ لَكَ، فَعَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَ رِضْوَانُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ أَخُوكَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا»؛ (گواهی می دهم که تو فرزند بهترین پیامبران و فرزند سرور مومنان و فرزند هم پیمان تقوا و از سلاله هدایتی. تو پنجمین فرد از اصحاب کسایی، و فرزند بزرگ نقیبان و فرزند فاطمه ای که بانوی همه زنان است. چرا چنین نباشد! (و این همه شرافت و بزرگی نداشته باشی) در حالی که بزرگ پیامبران با دست خویش به تو غذا داد و در دامن پرهیزکاران پرورش یافتی و از پستان ایمان شیر نوشیدی و با اعتقاد به اسلام از شیر باز گرفته شدی؛ تو پاک زیستی و پاک از دنیا رفتی، جز آنکه دل های مومنان از فراق آسوده نیست در حالی که شک ندارند جایگاه بلندی برای توست؛ پس سلام و رضوان الهی بر تو باد. و (من) گواهی می دهم که تو بر همان طریقی رفتی که برادرت یحیی بن زکریا رفت و در دفاع از حق به شهادت رسید).

آنگاه چشمش را (مانند یک انسان بینا) به اطراف قبر گردانید و (و خطاب به سایر شهیدان) گفت: «الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَرْوَاحُ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَاءِ الْحُسَيْنِ، وَ أَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِينَ، وَ عَبْدْتُمُ اللَّهَ حَتَّى آتَاكُمْ الْيَقِينُ»؛ (درود بر شما ای ارواحی که بر آستان حسین فرود آمده، و در کنارش آرام گرفتید؛ گواهی می دهم که شما نماز را بر پا داشتید و زکات را ادا کردید، امر به معروف و نهی از منکر نمودید و با ملحدان و بی دینان پیکار کردید و تا هنگام مرگ خدا را عبادت نمودید). آنگاه افزود: «وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيمَا دَخَلْتُمْ فِيهِ»؛ (سوگند به خدایی که محمد را به حق برای پیامبری برانگیخت، ما با شما شهیدان در راهی که وارد شده اید، شریکیم!). «عطیه» که این سخن را شنید، با شگفتی پرسید: «چگونه ما شریک (رزم و شهادت) آنها هستیم، با آن که (برای یاری حسین) علیه

السلام)) نه فراز و نشیبی را پیمودیم و نه شمشیری زدیم، درحالی که اینان، میان سرها و بدن هایشان جدایی افتاد (و به شهادت رسیدند) و فرزندان‌شان یتیم شدند و زنان‌شان بی شوهر؟» جابر پاسخ داد: «یا عطیه! سَمِعْتُ حَبِیبِی رَسُولَ اللّهِ (صلی الله علیه وآله) یَقُولُ: «مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُشِرَ مَعَهُمْ، وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلَ قَوْمٍ أُشْرِكَ فِی عَمَلِهِمْ»، وَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِیًّا اَنْ نَبِیَّتِی وَ نَبِیَّهٖ اَصْحَابِی عَلَی مَا مَضَى عَلَیهِ الْخُسَیْنُ وَ اَصْحَابُهُ»؛ (ای عطیه! از حبیبم رسول خدا شنیدم که می فرمود: «هرکس گروهی را دوست داشته باشد در قیامت با آنان محشور خواهد شد و هر کس عمل گروهی را دوست داشته باشد، در عمل آنها شریک است». سوگند به خدایی که محمد را به حق برای رسالت برانگیخت، [اگر من بر اثر ناتوانی نتوانستم همراه امام حسین (علیه السلام) باشم]، ولی نیت و خواسته من و یارانم، بر همان مسیری است که حسین (علیه السلام) و یارانش پیموده اند). (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۷. (با تلخیص)) مطابق نقل سید بن طاووس کاروان اهل بیت (علیهم السلام) در کربلا با جابر و یارانش ملاقات کردند و با گریه و ناله و زاری به استقبال یکدیگر شتافتند و چند روزی را در کربلا به اقامه عزا پرداختند. مقرر در مقتل خود این واقعه را چنین بیان می کند که: پس از سه روز عزاداری، امام سجّاد (علیه السلام) چاره ای جز این ندید که دستور حرکت از کربلا را به سوی مدینه صادر نماید، چرا که می دید عمه هایش و زنان و کودکان، شب و روز آرام و قرار ندارند و به نوحه و گریه می پردازند. از کنار قبری برمی خیزند و در جوار قبری دیگر می نشینند (خوف آن بود که آنجا جان خود را از دست دهند). کاروان به سوی مدینه روانه شد...

مخفی نماند که عزاداری اربعین فقط برای شهدای کربلا بوده وهست. استاد علامه سید محمد محسن حسینی طهرانی در رساله اربعین در فرهنگ شیعه میفرماید: در اسلام ما مسأله ای به نام «هفت» و «اربعین» و «سال» نداریم؛ مخالفت این مجالس با روش و سنت اسلام بخوبی روشن است. مع الأسف این سنت غلط مجالس سنویه در بین فرهنگ شیعه (بخصوص ایرانیان) از اصول مسلم و تخلف ناپذیر گردیده است. سالگرد در فرهنگ اصیل شیعه فقط اختصاص به معصومین علیهم الصلوٰة و السلام دارد؛ و ما در هیچ اثری چه تاریخی و چه روایی سراغ نداریم که ائمه علیهم السلام امر به تشکیل مجالس سنوی برای اصحاب خود کرده باشند؛ و فقط نسبت به تشکیل مجالس تذکر از جهت إحياء ذکر اهل بیت تأکید شده است. اما امروزه می بینیم برای افراد مجالس سنوی می گیرند و تا امتداد تاریخ آنرا ادامه می دهند. حتی اگر استخوانش سالهای سال بیوسد و تبدیل به خاک گردد باز دست از سر آن متوقّفی بر نمی دارند. البتّه مشخص است که صاحبان این مجالس هیچ دلشان به حال آن متوقّفی نسوخته است، بلکه فقط منافع خود را در استمرار این مجالس ملاحظه می کنند، و حیات و بقاء خود را در انعقاد و ادامه این مجالس می بینند؛ و تصوّر می کنند که با تعطیل این مجالس، دیگر یاد و ذکر آن متوقّفی نسیاً منسیاً خواهد شد، و بالتّبع افرادی که از قیل این متوقّفی

به منافع دنیوی و مصالح دنیوی دست می یافتند «ومیبایند»، دیگر آنها هم از بین خواهند رفت؛ و لذا به هر وسیله ای و با هر حيله و جان کندن سعی می کنند که اسم و یاد متوفی را با بهانه های مختلف و در موقعیتهای متفاوت زنده نگه دارند! سوره شریفه تکاثر که می فرماید: (الْهَيْكُلُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ، ناظر به این دسته از افراد می باشد. شیعه باید فرهنگ خود را بر سنت رسول الله استوار نماید تا اولاً از برکات متابعت و اتباع سنت الهی بهره مند گردد، و ثانیاً دستاویز به دست مخالفین و معارضین تشیع ندهد، و قلم و بیان آنان را در طعن و اعتراض به تشیع باز نگذارد. اگر «اربعین» را برای عموم جایز بدانیم از عنوان شعار بودن خارج می گردد. مسأله اربعین قطعاً از مسأله هفت و سال أشنع و أقبح است؛ زیرا علاوه بر عدم وجود خبر و اثری از ائمه علیهم السلام بر اقامه اربعین برای مردگان، این قضیه از شعارها و اختصاصات شیعه است و فقط و فقط به حضرت أباعبدالله الحسین ارواحنا فداه تعلّق دارد و بس! اگر قرار شود که اقامه مجالس اربعین برای مردگان به صورت يك سنت و ادب مؤکّد درآید، دیگر چگونه می توان آنرا برای سید الشهداء بعنوان يك شعار و علامت و امتیاز درآورد! و اگر از ناحیه شرع برای اقامه اربعین نسبت به سایر افراد رجحانی می بود، پس چرا این رجحان برای سایر ائمه علیهم السلام، بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نبود؟ با اینکه از هر جهت این بزرگواران اَلِیق و اُولی بودند در این مسأله. و حتّی اقامه مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام که این همه راجع به آن تأکید شده است، اقتضاء می کرد که اربعین ائمه علیهم السلام را هم بپا داریم و از فیوضات و برکاتش بهره مند گردیم؛ با اینکه هیچ اثری از ائمه نسبت به این موضوع به چشم نمی خورد. و این مسأله نشان می دهد که اقامه اربعین قطعاً برای غیر سید الشهداء علیه السلام مورد رضایت آنان نبوده است؛ زیرا آنان امر به احیاء ذکر و تشکیل مجالس نموده اند ولی نسبت به اربعین هیچ سخن نگفته اند. انتهی کلام استاد علامه.

امام صادق علیه السلام: بَكَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا بِالْدَّمِ، آسمان چهل روز بر حسین علیه السلام، خون گریه کرد. (مناقب آل أبي طالب، ج ۳، ص ۲۱۲).

بیست وهفت صفر روز وقف

وقف عملی است صالح و باقی، و مصداق روشنی است از تعاون و تعاضد.

قران کریم: وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً. و نیکی های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و امیدوار کننده تر است. (کهف، آیه ۴۶).

پیامبر صلی الله علیه و آله: إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عِلْمٌ يَنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ. با مرگ انسان، رشته عملش قطع می شود، مگر از سه چیز: صدقه جاری

(وماندگار)، دانشی که مردم از آن بهره‌مند شوند، و فرزند نیکوکاری که برایش دعا کند (میزان الحکمه، ح ۱۴۲۸۷).

پیامبر صلی الله علیه وآله: إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنْ ثَلَاثٍ، وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ وَ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ بَعْدَهُ وَ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ. وقتی فرزند آدم بمیرد عمل و کردارش منقطع می‌شود، مگر سه کار؛ ۱. فرزند صالحی داشته باشد که برایش دعا و استغفار نماید. ۲. کتاب و دانشی از خود بجا بگذارد که دیگران از آن استفاده ببرند. ۳. صدقه جاریه «یعنی کارهای خیر عام المنفعتی مانند ساختن مدرسه، مسجد، پل، راه و...» انجام داده باشد که پس از مرگش باقی باشد و مورد استفاده مردم قرار گیرد» (شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۱۰۵، مطبعة حیدریه، نجف، چاپ اول، بی‌تا)

پیامبر صلی الله علیه وآله: خُمُسَةٌ فِي قُبُورِهِمْ وَ نَوَائِبُهُمْ يَجْرِي إِلَى دِيْوَانِهِمْ مَنْ غَرَسَ نَخْلًا وَ مَنْ حَفَرَ بَيْتًا وَ مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا وَ مَنْ كَتَبَ مِصْحَفًا وَ مَنْ خَلَفَ ابْنًا صَالِحًا؛ پنج گروه هستند که در قبرند، ولی ثواب ایشان جاری می‌شود بر دیوان ایشان. آن پنج گروه عبارت‌اند از؛ ۱. آن کس که درخت خرمائی بکارد. ۲. آن کس که چاهی حفر کند. ۳. کسی که برای خدا مسجدی بسازد. ۴. کسی که کتاب یا قرآنی بنویسد. ۵. کسی که فرزند صالحی از خود بجا گذارد. (شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۱۰۵، مطبعة حیدریه، نجف، چاپ اول، بی‌تا)

امام صادق (ع): سِتَّةٌ تَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَلَدٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مِصْحَفٌ يَخْلُفُهُ وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ وَ صَدَقَةٌ يُجْرِيهَا وَ سُنَّةٌ يُؤْخَذُ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ؛ مؤمن از شش چیز بعد از وفات استفاده می‌کند؛ ۱. فرزندی که برای او دعا کند، ۲. قرآنی که بعد از او بماند، ۳. درختی که از وی یادگار بماند، ۴. چاهی که مردم از وی سود برند، ۵. صدقه جاریه، ۶. سنت نیکی (راه و روش نیک نه بدعت) که مردم از آن استفاده کنند. (الکافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۷، ص ۵۷، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق)

پیامبر صلی الله علیه وآله: سَبْعَةٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا أَوْ أَجْرَى نَهْرًا أَوْ حَفَرَ بَيْتًا أَوْ غَرَسَ نَخْلًا أَوْ بَنَى مَسْجِدًا أَوْ وَرَثَ مِصْحَفًا أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد کسی که علمی تعلیم دهد، یا نهری بجریان آورد یا چاهی حفر کند یا نخلی بکارد یا مسجدی بسازد یا مصحفی به ارث گذارد یا فرزندی به جا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد. (نهج الفصاحه حرف س. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۹۵۴)

پیامبر صلی الله علیه وآله: إِنْ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَ حَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمًا نَشَرَهُ وَ وَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ وَ مِصْحَفًا وَرَّثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صَحَّتِهِ وَ حَيَاتِهِ تَلْحَقَهُ مِنْ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ از جمله اعمال و نیکی‌های مؤمن که بعد از مرگ بدو

می رسد دانشی است که منتشر کرده باشد و فرزند پارسائی است که به جا گذاشته باشد و قرآنی است که به ارث گذاشته باشد یا مسجدی که بنا کرده باشد یا خانه ای که برای کاروانیان پیا کرده باشد یا نهری که به کمک او جریان یافته باشد یا مالی که در دوران صحت و حیات از مال خویش جدا کرده باشد همه اینها پس از مرگ بدو می رسد. (نهج الفصاحه)

مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا يُلْحَقُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ؟ فَقَالَ سُنَّةُ سَنَّتِهَا يَعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ فَيَكُونُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ وَ الصَّدَقَةُ الْجَارِيَةُ تَجْرِي مِنْ بَعْدِهِ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ يَدْعُو لِوَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا وَ يَحُجُّ وَ يَتَصَدَّقُ عَنْهُمَا وَ يَعْتِقُ وَ يَصُومُ وَ يُصَلِّي عَنْهُمَا فَقُلْتُ أَشْرِكُهُمَا فِي حَجِّي قَالَ نَعَمْ، معاوية بن عمار می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: کدام اجر و پاداشی است که بعد از مرگ هم به انسان می رسد می شود؟ امام (ع) فرمود: ۱. روش نیکی را پایه گذاری کند که در میان مردم متداول شود و چون مردم به آن روش کار کنند، اجر و پاداش آن به بنیان گذار آن روش می رسد، بی آنکه اجر و پاداش دیگران کاهش یابد ۲. خیرات بادوامی که بعد از مرگ انسان مورد استفاده و بهره یابی مردم واقع شود. ۳. فرزند صالح و شایسته ای که بعد از مرگ والدین بر آنان دعا کند و به نیابت آنان حج بگذارد، تصدق کند، بنده آزاد کند، روزه بگیرد و نماز بخواند. راوی می گوید پرسیدم: می توانم پدر و مادرم را در ثواب حج خود شرکت بدهم؟ امام فرمود: بلی. (الكافي، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۷، ص ۵۷، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق)

پیامبر صلی الله علیه وآله : الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَتَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةً أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ ؛ هر گاه مؤمن بمیرد و یک برگه که روی آن علمی نوشته شده باشد از خود بر جای گذارد ، روز قیامت آن برگه پرده میان او و آتش می شود و خداوند تبارک و تعالی به ازای هر حرفی که روی آن نوشته شده ، شهری هفت برابر پهناورتر از دنیا به او می دهد . (أمالی الصدوق : ۴۰ / ۳)

امام علی علیه السلام : الصَّدَقَةُ وَ الْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فِدْعُوهُمَا لِيَوْمِهِمَا. صدقه و وقف دو ذخیره اند ، آنها را برای روز خودشان (قیامت) وانهد. (دعائم الإسلام ، ج ۲ ، ص ۳۴۰) .

امام صادق علیه السلام : تَصَدَّقْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا، پیامبر خدا اموالی را صدقه داد و آنها را وقف کرد. (دعائم الإسلام ، ج ۲ ، ص ۳۴۱) .

امام صادق علیه السلام : قَسَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْفَيْءَ فَأَصَابَ عَلِيًّا أَرْضٌ فَاحْتَفَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مِنْهَا مَاءٌ . فَقَالَ : هِيَ صَدَقَةٌ بَنَاءً بَنَاءً فِي حَجَبِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِ سَبِيلِهِ لِاتِّبَاعٍ وَ لاثْوَرْتٍ پیامبر خدا غنایم را تقسیم کرد . قطعه زمینی به علی رسید . علی در آن زمین چشمه ای حفر کرد و چشمه به آب رسید . . . حضرت فرمود : "این صدقه (و وقفی) است که آن را به طور قطعی (از ملک

خویش) جدا کردم و به حاجیان خانه خدا و در راه ماندگان حج، مخصوص گردانیدم؛ نه فروختنی است، نه بخشیدنی و نه ارث بردنی. (تهذیب الأحکام، ج ۹، ح ۱۴۸).

امام صادق علیه السلام: قَسَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْفَيْءَ فَأَصَابَ عَلِيًّا أَرْضٌ فَاحْتَفَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مِنْهَا مَاءٌ... فَقَالَ: هِيَ صَدَقَةٌ بَنَاءً بَنَاءً فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِ سَبِيلِهِ. لَاتَّبَاعُ وَ لَاتُوهَبُ وَ لَاتُورَثُ؛ پیامبر خدا غنایم را تقسیم کرد. قطعه زمینی به علی رسید. علی در آن زمین چشمه ای حفر کرد و چشمه به آب رسید... حضرت فرمود: «این صدقه (و وقفی) است که آن را به طور قطعی (از ملک خویش) جدا کردم و به حاجیان خانه خدا و در راه ماندگان حج، مخصوص گردانیدم؛ نه فروختنی است، نه بخشیدنی و نه ارث بردنی. (تهذیب الأحکام، ج ۹، ح ۱۴۸ - منبع: کتاب آیینہ یادها) عوالی اللآلی - به نقل از جابر: لَمْ يَكُنْ مِنَ الصَّحَابَةِ ذُو مَقْدَرَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَقَفًا. هیچ توانگری از صحابه نبود، مگر اینکه چیزی وقف کرد. (میزان الحکمه، جلد سیزدهم)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ به سؤال درباره زمینی از ثَمَغ - : إْحْبِسْ أَصْلَهَا وَ سَبِّلْ ثَمَرَتَهَا. اصل آن را وقف کن و میوه (حاصل) آن را [برای کسانی که وقف آنها کرده ای] وا بگذار.

امام علی علیه السلام در وصیت نامه ای که در پی بازگشت از صفین درباره نحوه عمل با اموالش نگاشت - نوشت: این نوشته ای است که در آن بنده خدا علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان، برای طلب خشنودی خدا نسبت به نحوه عمل با دارایی اش دستور داده است تا بدین وسیله خداوند او را به بهشت در آورد و به خاطر آن، امان عطایش فرماید... حسن بن علی به این کار پردازد و از آن دارایی به نحو شایسته ای مصرف کند و به نحو شایسته ای از آن انفاق نماید. و اگر برای حسن حادثه ای رخ داد و حسین زنده بود، پس از او حسین به این فرمان جامه عمل بپوشد و کار او را انجام دهد. و نصیب دو فرزند فاطمه از دارایی علی، همانند نصیب دیگر فرزندان علی است. و علت آنکه انجام این وصیت را به عهده دو فرزند فاطمه گذاشتم، جلب خشنودی خدا و تقرب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و گرامیداشت حرمت و بزرگداشت پیوند با اوستو بر کسی که این مال را به او می سپارد شرط می کند که اصل مال را نگه دارد و درآمد آن را در راه هایی که بدان فرمان داده شده و به آن راهنمایی شده است، به مصرف برساند و نهال های درختان خرما را که از نخلستان این آبادی ها می روید نفروشد تا زمین نخلستان به گونه ای بارور گردد که گویی زمینی دیگر است.

الکامل للمیرد: ابو محمّد محمد بن هشام برایم حدیثی نقل کرد که سلسله سند آن را ذکر نمود و در آخرش ابو نَیَزَر قرار داشت و او یکی از شاه زادگان عجم بود، و بعدا برایم معلوم شد که از فرزندان نجاشی بوده است و در خردسالی به اسلام متمایل شد و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و مسلمان شد و در خانه های آن حضرت با ایشان به سر برد و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در گذشت، پیش فاطمه علیها السلام و فرزندان او رفت ابو نیزر می گوید: من اداره دو مزرعه، یکی عین

ابی نیزر و دیگری بغیغه را به عهده داشتیم. علی بن ابی طالب علیه السلام امیر المؤمنین نزد من آمد و... سپس کلنگ را برداشت و داخل چاه رفت و شروع به کندن زمین کرد، اما مدتی گذشت و به آب نرسید. حضرت در حالی که از پیشانیش عرق می چکید بیرون آمد و عرق پیشانی خود را پاک کرد و دوباره کلنگ را برداشت و به درون چاه رفت و شروع به کندن کرد و زمزمه می کرد. ناگهان آب مانند گردن شتر بیرون زد و علی به سرعت بالا آمد و فرمود: خدا را گواه می گیرم که این صدقه است. دوات و کاغذی برایم بیاور. ابو نیزر می گوید: من به سرعت دوات و کاغذ حاضر کردم و علی علیه السلام نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان، بدین وسیله بنده خدا علی امیر مؤمنان دو مزرعه معروف به چشمه ابی نیزر و بغیغه را برای تهیدستان مدینه و در راه ماندگان صدقه قرار داد تا به واسطه این دو [صدقه] خداوند در روز قیامت چهره او را از گرمای آتش نکه دارد؛ نه فروختنی هستند و نه بخشیدنی تا اینکه خداوند آنها را به ارث برد و او بهترین وارثان است. مگر اینکه حسن و حسین به آنها احتیاج پیدا کنند که در این صورت در اختیار آنان می باشد و جز این دو، برای کس دیگری نمی باشد» محمد بن هشام می گوید: حسین علیه السلام قرضی داشت و معاویه دویست هزار دینار برای او فرستاد تا چشمه ابی نیزر را به او بفروشد، اما حسین از فروختن آن امتناع ورزید و فرمود: آن را پدرم صدقه قرار داده است تا بدان وسیله خداوند چهره او را از گرمای آتش نکه دارد و من آن را به هیچ قیمتی نمی فروشم.

امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی که در باغ خود مشغول کاشتن نهالی بود برخورد کرد، به او فرمود: آیا تو را به نهالی راهنمایی نکنم که ریشه اش محکمتر باشد و زودتر به بار نشیند و میوه اش خوش مزه تر و پاکیزه تر باشد؟ عرض کرد: چرا، پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا فرمود: هرگاه صبح و شب خود را آغاز کردی بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»؛ زیرا اگر این جمله را بگویی برای هر تسبیحی ده درخت از میوه های گوناگون در بهشت خواهی داشت و اینان از باقیات الصالحات هستند مرد عرض کرد: ای رسول خدا! شاهد باش که من این باغم را وقف مسلمانان تهیدست اهل صُقه کردم. در این هنگام خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: «و اما کسی که عطا کرد و تقوا داشت و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت».

امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله با سپاهی بیرون رفت، نيمروز به نزديك ينيع رسید. گرمای شدید ظهر آن حضرت را می آزد. پس به درخت مغیلانی رسیدند و سلاحهای خود را به آن آویختند. خداوند [در این جنگ] فتح و پیروزی نصیب آنان فرمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله محل آن درخت را سهم علی [از غنائم] قرار داد علی علیه السلام بعدا مقدار دیگری از آن را زمین خریداری کرد و به سهم خود افزود و به غلامانش دستور داد برای آن اراضی چاه آبی حفر

کردند و آب مانند گردن شتر فوران کرد. يك نفر به طرف علی دوید و این خبر را به آن حضرت مژده داد. علی علیه السلام آن را صدقه قرار داد و چنین نوشت: «این صدقه ای است برای خداوند متعال به خاطر روزی که در آن عده ای رو سپید و عده ای رو سیاه می شوند، تا خداوند به واسطه آن [صدقه] چهره مرا از آتش دور گرداند؛ صدقه ای است قطعی و مسلم در راه خداوند متعال برای خویش و بیگانه، در زمان صلح و جنگ و برای یتیمان و مستمندان و آزادی بردگان».

امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله غنایم را تقسیم کرد و يك قطعه زمین به علی رسید. علی دستور داد در آن زمین چشمه ای حفر کنند و چشمه به آب رسید و مانند گردن شتر از آن آب به آسمان فوران کرد، لذا حضرت آن را «عین ینبع (چشمه جوشان)» نامید. کسی آمد که به آن حضرت مژده دهد. حضرت فرمود: وارث را بشارت ده! این صدقه ای است قطعی و مسلم برای حاجیان خانه خدا و مسافران راه آن. نه فروختنی است نه بخشیدنی و نه ارث بردنی. پس هرکه آن را بفروشد یا ببخشد لعنت خدا و فرشتگان و مردم همه بر او باد و خداوند از او هیچ توبه و فدیة ای نپذیرد. وقف از مختصات نظام حقوقی و اقتصادی اسلام است. وقف در اسلام دارای ویژگیهایی است. وقف عملی است صالح و باقی، و مصداق روشنی است از تعاون و تعاضد، و انفاقی است عاری از منت، و احسانی است خالی از اذیت و بدور از تحقیر شخصیت دیگران، و تصدقی است دایمی و مستمر و بدون ریا، و وامی است بدون اضطراب و تکاثر (سوره مبارکه تکاثر، آیات ۱ و ۲) و بروز اختلافات فاحش طبقاتی به صورتی معقول مبارزه می شود، و برگ سبزی است که برای انسان ذخیره میشود. (سوره مبارکه مزمل، آیه ۲۰) و سرانجام عاملی است که نام واقف را نیز جاودان می سازد و وی را به نوعی خلود و بقا می رساند.

بیست و هشت رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص)

به صفحه ۱ خلاصه حالات آخرین پیامبر و اشرف مخلوقات پیامبر گرامی اسلام (ص) مراجعه شود.

بیست و هشت صفر شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع)

به صفحه ۵۷ خلاصه حالات چهارمین معصوم، دومین اختر امامت امام حسن مجتبی (ع) مراجعه شود.

آخر صفر شهادت حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع)

به صفحه ۱۶۱ خلاصه حالات دهمین معصوم، هشتمین اختر امامت امام رضا (ع) مراجعه شود.

یک ربیع الاول هجرت پیامبر اکرم(ص) از مکه به مدینه و لیلة المیت (۱ ق)

پیامبر صلی الله علیه وآله : أَيْهَا النَّاسُ ، هَاجِرُوا وَ تَمَسَّكُوا بِالإِسْلَامِ ؛ فَإِنَّ الْهِجْرَةَ لَا تَنْقَطِعُ مَا دَامَ الْجِهَادُ . ای مردم ! مهاجرت کنید و به اسلام چنگ زنید ؛ زیرا تا آن گاه که جهاد باشد، هجرت فروگذارده نمی شود. (میزان الحکمه ، ج ۲۱۰۵۲) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : أَفْضَلُ الْهِجْرَةِ أَنْ تَهْجُرَ مَا كَرِهَ اللَّهُ . برترین هجرت ، هجرت از چیزی است که خدا آن را خوش ندارد. (کنز العمال ، ج ۴۶۲۶۳) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : الْهِجْرَةُ هِجْرَتَانِ : إِحْدَاهُمَا أَنْ تَهْجُرَ السَّيِّئَاتِ وَ الْآخَرَى أَنْ تُهَاجِرَ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ لَا تَنْقَطِعُ الْهِجْرَةُ مَا تُقْبَلُ التَّوْبَةُ . هجرت دو گونه است: هجرت و دوری کردن از گناهان، و دیگری آن است که به سوی خدا و رسول او هجرت کنی، و تا زمانی که توبه پذیرفته می شود، هجرت قطع نمی شود. (کنز العمال ، ج ۴۶۲۶۲) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَ إِنْ كَانَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ ، إِسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ . هر کس با دین داری از سرزمینی به سرزمین دیگر ، اگر چه به اندازه یک وجب، هجرت کند ، سزاوار بهشت است. (بحار الأنوار ، ج ۱۹ ، ص ۳۱) .

در سال های نخستین بعثت پیامبر اسلام ، آنچه برای مسلمانان به عنوان تاریخ مطرح بود ، «رفتن به خانه ارقم» بود ، که فلان حادثه پیش از رفتن به خانه ارقم بوده یا بعد از آن . (ر. ک : تاریخ المدينة : ج ۳ ص ۹۵۴ ، البداية والنهاية : ج ۵ ص ۳۴۹) پس از شکل گیری جامعه اسلامی در مدینه ، هجرت پیامبر خدا به این شهر که مبدأ تأسیس دولت اسلامی و گسترش اسلام در جهان شد به عنوان مبدأ تاریخ اسلام ، به پیشنهاد امام علی (ع) [که حساسیت خاصی بر روی پیروی از شیوه رسول اکرم داشت] مورد توافق جامعه اسلامی قرار گرفت (تاریخ سیاسی اسلام: ج ۱ ص ۳۷۵ (سیره رسول خدا))

مشرکین گرد هم آمدند و در ریزنی با هم ، پیشنهاد «اخراج» و «حبس» را کارا ندانستند و بر کشتن پیامبر خدا ، هم داستان شدند . پیامبر صلی الله علیه و آله با پیک وحی ، از توطئه شوم مشرکان آگاه گشت و مأمور شد که از مکه خارج شود : «وَ إِذْ يُمَكِّرُكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُشْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ...» [انفال ۳۰] هنگامی که کافران برایت نیرنگ کردند تا تو را در بند کشند و یا بکشند و یا آواره ات سازند ، و آنان مکر می کردند و خدا هم مکر می کرد ، و خداوند ، بهترین مکر کنندگان است . مشرکان ، پس از طرح نقشه قتل و چگونگی اجرای آن ، خانه پیامبر خدا را محاصره کردند ، تا پیامبر صلی الله علیه و آله از خانه بیرون نرود و چون آهنگ بیرون رفتن کرد ، با شمشیر به دستان مشرک روبه رو شود و کار ، یکسره گردد . پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام پیشنهاد کرد که آن شب در بستر وی بخوابد . علی علیه السلام پرسید : [اگر چنین کنم] تو سالم

خواهی ماند؟ . پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد : «آری» . و علی علیه السلام با اعلام آمادگی برای کشته شدن در بامداد و به هنگام روبرویی با مشرکان ، از این پیشنهاد استقبال کرد و بر این موهبت عظیم ، سجده شکر به جا آورد . علی علیه السلام ، بُردِ یمانی سبز رنگی را که پیامبر خدا به هنگام خواب به روی خود می کشید ، بر روی خود افکند و با اطمینان در بستر پیامبر خدا آرامید . علی علیه السلام ، شهامت خود را در حدّ اعلان نشان داد و آن گاه که بدون سلاح ، بدن خود را در معرض شمشیرهای آخته قرار داد ، شجاعت را معنا کرد . شجاعتی این گونه ، منحصر به امام علی علیه السلام است . این ایثار شگفت ، کُروبیان را به تحسین وا داشت . خداوند به این نمایش شگفت از خودگذشتگی بر فرشتگان بالید و این آیه کریم را برای جاودانه کردن این منقبت و بزرگداشت این ایثار گری و این فضیلت والا به رواق تاریخ ، فرو فرستاد : «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره / ۲۰۷) و از مردم ، کسی است که جان خود را در طلب رضایت خدا به معرض فروش می نهد ، و خداوند به بندگانش مهربان است ...» . پس از آن شب ، علی علیه السلام به غار ثور می رفت و مایحتاج پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهش را بدانها می رساند . پیامبر صلی الله علیه و آله ، علی علیه السلام را به ادای امانت ها سفارش کرد و خود ، رهسپار مدینه شد . پس از آن ، علی علیه السلام ، به همراه مادرش فاطمه بنت اسد و فاطمه علیها السلام ، دختر پیامبر خدا و فاطمه دختر زبیر ، از مکه خارج شد و آهنگ یثرب کرد . قریش از این حرکت آگاه شدند و چون سوارانی به تعقیبش فرستادند و خواستند جلوی وی را بگیرند ، با برخورد شجاعانه وی روبه رو شدند و ناکام بازگشتند . پیامبر صلی الله علیه و آله در محله قبا به انتظار علی علیه السلام نشست بود و چون علی علیه السلام به ایشان ملحق شد ، همگی به سوی یثرب حرکت کردند .

هشت ربیع الاول شهادت امام حسن عسکری (ع)

به صفحه ۱۹۹ خلاصه حالات سیزدهمین معصوم ، یازدهمین اخترِ امامت امام عسکری (ع) مراجعه شود.

نهم ربیع الاول آغاز ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در روز هشتم ربیع الاول ، امام حسن عسکری (ع) توسط معتمد خلیفه عباسیان به شهادت رسید و پسر ایشان حضرت مهدی (ع) به امامت رسید. (مفید، الارشاد، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۰) روز نهم ربیع الاول برای شیعیان به عنوان روز آغاز امامت یا تاج گذاری امام مهدی (عج) عید دانسته شده و مراسم و جشن هایی در این روز دایر می گردد. (صادقی کاشانی، «نهم ربیع، روز امامت و مهدویت») یوم الله نهم ربیع الاول، سالروز آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و روز تجدید میثاق با آن

امام همام و آخرین ذخیره الهی می باشد، شایسته است عاشقان و منتظران در هر کجا هستند در این روز بصورت ویژه توجه به امام زمان علیه السلام نمایند، چرا که نهم ربیع الاول، در امتداد غدیر و بلکه خود، غدیری دیگر است. باید در این روز با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود، تجدید پیمان کرده و بر مفاد عهد و میثاق خود مروری دوباره داشته باشیم. روز نهم ربیع الاول، سالروز شروع امامت منجی عالم بشریت، موعود انبیاء، پایان بخش طومار حاکمیت طاغوت و برقرار کننده حکومت عدل الهی در سرتاسر زمین است. زیرا هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ.ق، امام حسن عسکری علیه السلام پس از این که نماز صبح را خواندند، بر اثر زهری که هشت روز قبل معتمد به ایشان خورانده بود، به شهادت رسیدند و هر گاه امامی به شهادت می رسد تمام معارف و علوم امام قبل به امام بعد منتقل و امامت و هدایت انسان ها به ایشان می رسد، از این رو مناسب است که شیعیان و منتظران امام زمان (عج) روز نهم ربیع الاول را جشن گرفته و با حضرتش پیمانی مجدد ببندند. اما وقتی که سخن از برگزاری جشن یا شادمانی به مناسبت آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیعت با ایشان می شود. برخی می پرسند: معنای این کار چیست؟ مگر در عصر امامان شیعه چنین رسمی بوده است که امامی شهید شده و روز بعد، برای امامت فرزندش شادمان باشند؟ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يُنْصِرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا. (بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۸۷) مولا امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: خداوند تبارک و تعالی مخلوقات زمین را مورد توجه و دقت قرار داد، سپس ما (اهل بیت) را اختیار فرمود و برای ما شیعیان را اختیار فرمود. شیعیانمان ما را یاری می کنند و در فرح و شادی ما اظهار خوشحالی می کنند و برای حزن ما اظهار حزن و اندوه می کنند. و آنها اموال و نفس های خودشان را برای ما بذل و بخشش می نمایند. آنها از ما و به سوی ما هستند.

عید الزهرا عملی اختلاف برانگیز

در ایران و عراق گاه در نهم ربیع الاول به تصور سالروز مرگ خلیفه دوم، محفل هایی برگزار می شده است که به عیدالزهراء، عمرکشان یا عمرکشون و فرحة الزهراء معروف بوده است. برگزاری مراسم عمرکشان همواره مخالفت بسیاری از علما و مراجع تقلید را به دنبال داشته است. محمدحسین کاشف الغطاء از علمای نجف برگزاری این مراسم را ممنوع کرد. (نظر کاشف الغطاء در مورد روز ۹ ربیع الاول، کنگره بین المللی علامه محمد حسین کاشف الغطاء، تاریخ بازدید: ۲۱-۰۹-۱۳۹۵) اظهارات برخی مراجع و علما درباره مراسم عمرکشان در ادامه می آید:

آیت الله خامنه ای: «بعضی‌ها به نام شاد کردن دل فاطمه‌زهرا(س) این روزها و در این دوران ما کاری می‌کنند که انقلاب را که محصول مجاهدت فاطمه زهراست، در دنیا لنگ کنند! می‌فهمید چه می‌گوییم؟ بهترین وسیله‌ای که دشمنان بزرگ انقلاب پیدا کردند برای این‌که نگذارند انقلاب به کشورهای اسلامی برود، می‌دانید چه بود؟ گفتند این انقلاب، اسلامی نیست! گفتند اینها دشمن شما - چند صد میلیون مسلمان - هستند! امام بزرگوارمان ایستاد و گفت این انقلاب، اسلامی است؛ شیعه و سنی در کنار هم هستند؛ کنار هم هستند. اگر امروز کسی کاری کند که آن دشمن انقلاب، آن مأمور سیای آمریکا، آن مأمور استخبارات کشورهای مزدور آمریکا، وسیله‌ای پیدا کند، دلیل پیدا کند، نواری پیدا کند، ببرد این‌جا و آن‌جا بگذارد، بگوید کشوری که شما می‌خواهید انقلابش را قبول کنید، این است، می‌دانید چه فاجعه‌ای اتفاق می‌افتد؟ بعضی‌ها دارند به نام فاطمه زهرا(س) این کار را می‌کنند. در حالی که فاطمه‌زهرا(س) راضی نیست. این همه زحمت برای این انقلاب کشیده شد. آن مرد الهی، آن وارث واقعی فاطمه‌زهرا(س) در زمان ما، آن همه زحمت کشید. این جوان‌های پاک ما این جور رفتند خون‌هایشان را ریختند تا انقلاب را بتوانند عالم گیر کنند. آن وقت یک نفری که معلوم نیست تحت تأثیر کدام محرکی واقع شده، به نام شادکردن دل فاطمه زهرا، کاری بکند که دشمنان حضرت فاطمه‌زهرا را شاد کند.» (خبرگزاری فارس گروه فرهنگی / حوزه آئین و اندیشه

۱۴/۱۱/۰۱ :: ۱۴:۴۲)

آیت الله سیستانی: باید بر مشترکات تمرکز کنید و دلیلی ندارد به مسائل اختلافی بپردازید. مشارکت کردن در ایجاد تفرقه حتی به اندازه یک کلمه یا نصف کلمه جایز نیست. واجب است که از ادبیات تشنج آفرین پرهیز شود. (نهم ربیع، جهالت‌ها و خسارت‌ها، ص ۱۰۱ - ۱۱۹)

آیت الله محمد تقی بهجت: درباره برگزاری مجالس به مناسبت حضرت زهرا(س) توصیه می‌کرد که به بیان فضایل اهل بیت (ع) بویژه حضرت زهرا(س) و بیان حدیث ثقلین پرداخته شود. به گفته وی، شیوه آیت الله بروجردی نیز همین بوده است؛ یعنی بیان مشترکات میان شیعه و اهل تسنن و ترک مطاعن و مثالب یا لعن و سب آشکار. همچنین درباره برخی از رفتارها به نام عیدالزهرای بیان کردند: "چه بسا... این کارها موجب اذیت و آزار و یا قتل شیعیانی که در بلاد و کشورهای دیگر در اقلیت هستند گردد در این صورت اگر یک قطره خون از آنها ریخته شود ما مسبب آن و یا شریک جرم خواهیم بود" (خبرگزاری ابنا خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا / سرویس صفحات فرهنگی)

آیت الله میرزا جواد تبریزی و آیت الله صافی گلپایگانی نیز به دنبال اظهار نظر برخی درباره حرام نبودن گناهان در نهم ربیع بر اساس روایت رفع القلم، اعلام کردند کارهایی که در سایر روزهای سال گناه است انجام دادن آن در نهم ربیع نیز حرام است و فرقی میان این روز و روزهای دیگر نیست. (صافی، جامع الأحکام صافی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی،

۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۱۲۸؛ آیت الله العظمی تبریزی، استفتائات جدید، قم، سرور، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۵۱۶] حدیث رفع القلم: در برخی مجالسی که به مناسبت عیدالزهراء برگزار می‌شود، روایتی بیان می‌شود که به رفع القلم معروف شده و می‌گویند این روز «روز رفع القلم» است و گناهان این روز در روز قیامت محاسبه نمی‌شود و می‌توان در این مراسم هر حرفی را زد و این کار گناه نیست. برخی از مراجع معاصر نظیر مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و تبریزی سند حدیث رفع و محتوای آن را بر اساس دلایلی مورد نقد قرار داده‌اند. «مسائلی، نهم ربیع، جهالت‌ها و خسارت‌ها، ۱۳۸۷ ش، ص ۳۵، ۱۰۳ و ۱۱۹]

ده ربیع الاول ازدواج پیامبر اکرم با حضرت خدیجه(س)

ازدواج پیامبر اکرم با حضرت خدیجه(س) پانزده سال قبل از بعثت (۲۵ عام الفیل) صورت گرفت. پیامبر اکرم(ص) در ۲۵ سالگی با مشورت و یاری عمویش ابوطالب(ع) با بانوی صاحب نام قریش، خدیجه بنت خویلد ازدواج نمود. خدیجه‌ی کبری(س) در تمام ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر اکرم(ص) یار و غمخوار آن حضرت بود. او نخستین کسی بود که به دین اسلام ایمان آورد و با ایمان خویش مایه‌ی آرامش خاطری برای نبی مکرم اسلام شد. آن بانوی مکرمه، ثروت هنگفت خود را در راه رشد و تبلیغ دین اسلام به پیامبر واگذار کرد و نقش مهمی در پیشرفت این دین آسمانی ایفا نمود. ثمره‌ی شیرین ازدواج خدیجه با پیامبر اسلام دو پسر و چهار دختر به نام‌های قاسم، عبدالله، رقیه، زینب، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) بود. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهش‌های صدا و سیما)

قرآن کریم: و من آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً و از نشانه‌های قدرت او آن است که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. (روم، آیه ۲۱). و انکحوا لایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونو فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم. (سوره مبارکه نور آیه ۳۲) پیامبر صلی الله علیه و آله: ما بُنِیَ فی الإسلامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَیَّ اللَّهُ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِیجِ. در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر و ارجمندتر از ازدواج نیست. (بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲). پیامبر صلی الله علیه و آله: اِتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزَقُ لَكُمْ. اهل و عیال اختیار کنید، که این کار بر روزی شما می‌افزاید. (بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲). پیامبر صلی الله علیه و آله: إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ الدِّینِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِی النِّصْفِ الْبَاقِی. هر گاه کسی ازدواج کند، نیمی از دین خود را کامل کرده است و برای [حفظ] نیم دیگر باید تقوای الهی پیشه کند. (کنز العمال، ج ۴۴۰۳). امام صادق علیه السلام: رَكَعَتَانِ یُصَلِّیهُمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِیْنَ رَكَعَةً یُصَلِّیهَا غَیْرُ مُتَزَوِّجٍ. دو رکعت نمازی که فرد همسر

دار می‌خواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که فرد بی همسر می‌خواند. (بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹).

پیشوایان دینی ما، در کنار عمل به سنت نبوی در مهر و تأکید بر فراتر رفتن از آن، گاه هدیه‌های پرارزشی را به همسران خود بخشیده‌اند و نام آن را نه مهر، بلکه «نحله (هدیه)» نهاده‌اند. آنان گاه هدیه‌هایی به صورت مزرعه، باغ و ... را به خانواده‌هایی نوپا می‌بخشیدند و قصدشان، بی‌نیاز کردن آنان از تکیه بر دیگران بوده است. البته از این نمونه‌ها، در گزارش تاریخ، فراوان نیست، به گونه‌ای که می‌توان هر یک را ویژه حالتی خاص و برآمده از فضا و موقعیت ویژه آن ازدواج دانست؛ ولی شایان توجه، آن است که در هیچ یک از این گزارش‌ها، سخنی از درخواست قبلی دختر یا خانواده او به میان نیامده است و هیچ ارتباطی میان آن و مهریه (صداق) وجود ندارد. به طور کلی، گزارش‌های فراوان در سراسر کتب حدیثی و فقهی، تردیدی بر جا نمی‌نهند که مهر اندک و سبک، پسندیده و مورد سفارش اسلام است؛ ولی این، مانع از آن نیست که مسلمانان برای استوار کردن پیوند ازدواج، هدیه‌هایی را به همسران خود یا به دیگر نزدیکانی که تازه ازدواج کرده‌اند، نثار کنند. مهر و تعیین مقدار آن، پیش از ازدواج است و از این رو، باید آن را اندک و آسان گرفت تا ازدواج، رونق بگیرد و نحله (بخشش)، مربوط به پس از عقد ازدواج یا پیش از برقراری زندگی مشترک است، تا دل همسران به هم نزدیک‌تر گردد و پیوند نوژسته، قوت یابد. گزارش‌های متعددی، مهریه ازدواج‌های پیامبر (ص) را به عنوان سنت نهاده شده ایشان در زمینه ازدواج، ذکر کرده‌اند. این گزارش‌ها، در شیعه و اهل سنت، مقدار ثابت و معینی را برای مهریه یاد شده، ذکر کرده‌اند. این نقل‌ها، مهریه زنان و دختران پیامبر (ص) و نیز دختران خاندان ایشان را «دوازده و نیم اوقیه نقره» برابر با «پانصد درهم» دانسته‌اند. «مهر السنه حدود هزار و پانصد گرم نقره می‌شود. هر گرم نقره معمولی (عیار ۸۴ در صد) در زمان نگارش این نوشته (تیرماه ۱۳۹۳)، حدود دو هزار تومان داد و ستد می‌شود. در نتیجه ارزش ریالی این مهر، حدود سه میلیون تومان برابر با هزار دلار امریکا می‌شود» در گزارش ازدواج امام جواد (ع) با دختر مأمون آمده است که ایشان مهر را همان مهر السنه قرار داد و صد هزار درهم نیز به عنوان نحله به همسرش بخشید (کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۹۸). امام حسین (ع) پس از ردّ خواستگاری یزید از امّ کلثوم دختر عبد الله بن جعفر، او را به عقد پسرعمویش، قاسم بن محمد بن جعفر، در آورد و برای رویارویی با پیشنهاد اعطای کمک مالی یزید به این خانواده، مزرعه حاصلخیز خود را در وادی عقیق، به آن دو بخشید (ر.ک: تاریخ دمشق: ج ۵۷ ص ۲۴۵، الکامل، مَبْرَد: ج ۳ ص ۱۱۲۹).

دوازده تا هفده ربیع الاول هفته ی وحدت

وحدت و یکپارچگی مسلمانان و لزوم اتحاد و اتفاق کلمه میان ایشان بلکه ضرورت توحید کلمه بر محور کلمه توحید برای همه موحدان و خدایرستان روی زمین، از تعالیم و آموزشهای اساسی آیین اسلام و از اصول فرهنگ قرآنی است. و بر همین اساس، قرآن کریم یکی از عمده ترین و سازنده ترین اهداف رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تالیف قلوب و ایجاد انس و تفاهم به جای خصومت و دشمنی بیان می دارد و اگر کسی در تاریخ، به دیده عبرت بنگرد این معنی را از شاهکارهای رسالت محمدی صلی الله علیه و آله می یابد. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» همگی به حبل و رشته خداوندی چنگ بزنید و پراکنده نگردید.

قرآن کریم: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید. (آل عمران، آیه ۱۰۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفِرْقَةَ». ای مردم! بر شما باد به جماعت و بپرهیزید از جدایی. (میزان الحکمه، ج ۲۴۳۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفِرْقَةُ عَذَابٌ». وحدت مایه رحمت، و تفرقه موجب عذاب است. (کنز العمال، ج ۲۰۲۴۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله: «يُدَالِلُ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَ الشَّيْطَانُ مَعَ مَنْ خَالَفَ الْجَمَاعَةَ يَرْكُضُ». دست خدا بر سر جماعت است و شیطان با کسی همراه است که با جماعت ناسازگاری کند. (کنز العمال، ج ۱۰۳۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله: «عَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ؛ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذُّبُّ الْقَاصِيَةَ». با جماعت همراه شو؛ زیرا گرگ، گوسفند دورمانده را می خورد. (مسند أحمد، ج ۶، ص ۴۴۶).

امام علی علیه السلام: «لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ». اگر نادان خاموشی می گزید، مردم دچار اختلاف نمی شدند. (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۸۱).

امام علی علیه السلام: «عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاضُعِ وَ التَّبَادُلِ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّدَايُرِ وَ التَّقَاطُعِ». بر شما باد به ارتباط و بخشش به یکدیگر و دوری گزیدن از جدایی و پشت کردن به یکدیگر. (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

دوازده یا هفده ربیع الاول ولادت پیامبر اکرم (ص)

به صفحه ۱ خلاصه حالات آخرین پیامبر و اشرف مخلوقات پیامبر گرامی اسلام (ص) مراجعه شود.

هفده ربیع الاول ولادت امام صادق (ع)

به صفحه ۱۱۶ خلاصه حالات هشتمین معصوم، ششمین اختر امامت امام صادق (ع) مراجعه شود.

پانزده ربیع الاول بنای مسجد قبا توسط پیامبر در نزدیکی مدینه (۱ ق)

قبا دهکده ای بوده در دو میلی مدینه که مقارن هجرت پیامبر صلی الله علیه وآله به این شهر، طایفه بنی عمرو بن عوف در آن سکونت داشتند. پیامبر صلی الله علیه وآله پس از ورود به مدینه با کمک اصحاب و یارانش اولین مسجد را که به قبا نامگذاری شد در همین مکان ساختند. هم اکنون مساحت تقریبی مسجد و بناهای جانبی مربوط به آن به ۱۳۵۰۰ متر مربع رسیده و به شکل زیبایی ساخته شده است. که جای ۲۰۰۰۰ نمازگزار را دارد و چهار مناره که هر کدام ۴۷ متر طول دارد. آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» درباره همین مسجد نازل شده است.

پس از آن که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به قبا آمدند، چند روزی در آنجا توقف کرده و آنگاه که خانواده آن حضرت همراه علی بن ابی طالب (علیه السلام) به ایشان پیوستند، راهی محل اصلی یثرب؛ یعنی جایی که امروزه مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) قرار دارد، شدند. در چند روزی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در قبا بود، مسجدی در این ناحیه بنا کرد که طی آن، تنها دیواری از سنگ های حَرّه بر گرد آن کشیده شد. البته تا زمان توسعه ولید بن عبدالملک مسجد سقف نداشت و اگر هم داشت، از همان شاخه های خرما بود. بنا به روایات فراوان، مسجد قبا مصداق آیه "... لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ..." می باشد. این آیه اشاره به این نکته دارد که این مسجد از روز نخست بر پایه تقوا ساخته شد و لذا سزاوار است تا رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در این مسجد نماز بگزارد. به سبب نزول این آیه در شأن مسجد قبا، در آن زمان، مسجد یاد شده را به نام «مسجد التقوی» می شناختند. این آیه در برابر مسجد ضرار نازل شد که برخلاف مسجد قبا که بر پایه «تقوا» ساخته شده بود، مسجد ضرار بر پایه «نفاق و اختلاف» بنا گردید. تعبیر «مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ» به معنای همان روز تأسیس مسجد است که با نیت خالص بنا نهاده شد.

به هر روی، مسجد قبا نخستین مسجدی است که رسول الله (صلی الله علیه وآله) آن را بنا کرد. آن حضرت درباره نماز خواندن در مسجد قبا فرمود: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءَ فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ كَانَ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ». «کسی که در خانه اش وضو بگیرد، آنگاه به مسجد قبا درآید و دو رکعت نماز بگزارد، ثواب يك عمره را برده است.» در حدیث دیگری هم آمده است: «كَانَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه وآله) يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءَ رَاكِبًا وَ مَاشِيًا فَيَصَلِّي فِيهِ رَكْعَتَيْنِ». «رسول خدا، گاه پیاده و گاه سواره به مسجد قبا می آمد و دو رکعت نماز در آن می خواند.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از هجرت از مکه و ورود به مدینه، مورد استقبال مردم آن شهر قرار گرفتند. طوایف مختلف انصار، هر کدام می خواستند تا افتخار میزبانی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را از آن خود کنند. ولی حضرت فرمودند، هر کجا که شترشان توقف کند، همانجا اقامت خواهند گزید. (السيرة النبوية، ابن هشام، ج ۲، ص ۴۹۵). در نهایت شتر آن حضرت در

محلّه بنو مالک بن النجار فرود آمد. و ابویوب انصاری پیش دستی کرده و اسباب و اساس حضرت را با خود به خانه اش برد و حضرت همان جا مستقر شدند. (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸؛ طبقات، ج ۱، ص ۲۳۶) نخستین اقدام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تاسیس مسجدی است که امروزه به مسجد النبی معروف است. در کنار خانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قطعه زمینی بود، متعلق به دو یتیم که سرپرستی آنها با معاذ بن عفر (بعضی گویند با اسعد بن زراره؛ دلائل النبوه، بیهقی، ج ۲، ص ۵۳۸) بوده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این زمین را با وجود آنکه صاحبان آن راضی به واگذاری آن بودند، از معاذ خرید و به کمک سایر مسلمانان، آن را تبدیل به مسجد کرد. این مسجد در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یک مرکز عبادی، نظامی، سیاسی و آموزشی داشت و نقشی اساسی در دوران حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در شکل گیری جامعه اسلامی داشت.

قرآن کریم: إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ. جز این نیست که مساجد خدا را آن کس آباد می کند که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و نماز بگذارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است که اینان از رهیافتگان باشند. (توبه، آیه ۱۸).

پیامبر صلی الله علیه و آله: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا وَ لَوْ كَمَفْخَصٍ قِطَاعٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. هر که مسجدی، هر چند به اندازه لانه یک پرند، بنا کند، خداوند برای او در بهشت خانه ای بسازد. (بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۴۶). امام صادق علیه السلام: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. هر کس مسجدی بسازد، خداوند برای او در بهشت خانه ای بسازد. (الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸). امام صادق علیه السلام: كَانَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ جَعَلَ بَيْتًا فِي دَارِهِ لَيْسَ بِالصَّغِيرِ وَ لَا بِالْكَبِيرِ لِصَلَاتِهِ. امام علی علیه السلام در منزل خود اتاقی را، که نه کوچک بود و نه بزرگ، به اقامه نماز مخصوص کرده بود. (میزان الحکمه، ج ۸۲۹۷).

پیامبر صلی الله علیه و آله: الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ لِإِنْتِظَارِ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ. نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است. (میزان الحکمه، ج ۸۳۰۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله: كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعَوٍّ إِلَّا ثَلَاثَةً: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ. هر نشستنی در مسجد بیهوده است مگر نشستن سه کس: نمازگزاری که [قرآن] قرائت کند کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به جست و جوی دانش باشد. (بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۸۸).

پیامبر صلی الله علیه و آله: مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يَصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَظَنُّوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ. هر گاه دیدید کسی در مسجد نماز به جماعت می گزارد، در هر کار خیری به او خوش گمان باشید. (عوالی الآلی، ج ۱، ص ۳۴۱).

امام صادق علیه السلام : عَلَيْكُمْ بِاتِّبَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ. بر شما باد به رفتن به مساجد ، که مساجد ، خانه های خدا در روی زمین اند. (الأمالی ، صدوق ، ص ۴۴) .
 امام صادق علیه السلام : عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ. بر شما باد به نماز گزاردن در مساجد. (الكافی ، ج ۲ ، ص ۶۳۵) .

امام صادق علیه السلام : صَلَاةُ الرَّجُلِ جَمَاعَةً فِي الْمَسْجِدِ تَعْدِلُ ثَمَانِي وَ أَرْبَعِينَ صَلَاةً مُضَاعَفَةً فِي الْمَسْجِدِ. نماز خواندن مرد به جماعت در مسجد ، برابر با چهل و هشت نماز ، [با پاداش] دو چندان ، در مسجد است. (الأمالی ، طوسی ، ص ۶۹۶) .
 پیامبر صلی الله علیه وآله : مَنْ كُنَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ التُّرَابَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. هر کس در روز پنجشنبه برای شب جمعه ، مسجد را جاروب کند و خاک آن را بیرون برد ، خداوند او را می آمرزد. (ثواب الأعمال ، ص ۵۱) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبَقْلَةَ الْمُتَنِّنَةَ [الثَّوْمَ] فَلَا يَقْرُبُ مَسْجِدَنَا. هر که این گیاه بدبو [سیر] را خورده است ، به مسجد ما نزدیک نشود. (میزان الحکمه ، ج ۸۳۱۲) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : نَعَاهِدُوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ. پیش در مسجد ، کفش هایتان را بررسی کنید [تا آلودگی در آن نباشد]. (وسائل الشیعه ، ج ۵ ، ص ۲۳۰) .

امام صادق علیه السلام : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيَطِيبْ كِسْبَهُ. هر که خوش دارد دعایش مستجاب شود ، باید کسب خود را حلال کند. (بحار الأنوار ، ج ۹۳ ، ص ۳۷۳) .

امام کاظم علیه السلام : إِنَّ الْجَنَّةَ وَالْحَوْزَ لَتَشْتَاقُ إِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسَاجِدَ وَيَأْخُذُ مِنْهُ الْقِدَى. بهشت و حورالعین مشتاق دیدار کسی هستند که مسجد را جاروب ، و آن را گردگیری می کند. (بحار الأنوار ، ج ۸۳ ، ص ۲۸۲) .

بیست و شش ربيع الاول صلح امام حسن (ع) با معاوية بن ابي سفيان (۴۱ ق)

پس از شهادت امام علی (ع) شیعیان کوفه با امام حسن مجتبی (ع) پسر ارشد آن حضرت بیعت کرده و او را به خلافت برگزیدند. امام، لشگری دوازده هزار نفری به رهبری قیس بن سعد به جنگ معاویه فرستاد و خود روانه ی مداین شد. هنوز بین سپاه امام و معاویه جنگی روی نداده بود که شایعه ی کشته شدن قیس بن سعد، شیرازه ی سپاه حضرت را از هم گسیخت. در این میان، جمعی حتی سراپرده ی امام را نیز غارت کرده و یکی از آنان خنجر ی بر ران حضرت وارد نمود. با این وضع، مسلم شد که با چنین مردمی به جنگ معاویه و لشکر منظم او رفتن صلاح نیست. بدین ترتیب، امام حسن با معاویه وارد مکاتبه و مذاکره گردید و قرار بر این شد که امام از خلافت کناره گیری کند به شرط این که معاویه پس از خود، فرزندان او را به خلافت معین نکند، از امام علی (ع) به زشتی یاد ننماید

و... امام حسن (ع) علی رغم میل باطنی، این صلح را پذیرفت و پس از پنج ماه و نیم، از خلافت کناره گرفت و با اهل بیت خود عازم مدینه گردید. (منع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما) امام حسن علیه السلام: إِنَّ مُعَاوِيَةَ نَازَعَنِي حَقًّا هُوَ لِي فَتَرَكْتُهُ لِصَلَاحِ الْأُمَّةِ وَ حَقِّنِ دِمَائِهِمْ. معاویه در حقی که از آن من بود با من ستیز کرد و من برای صلاح امت و جلوگیری از ریختن خونشان آن را واگذاردم. (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۰). امام حسن علیه السلام: مَا أَنَا بِمُذِلِّ الْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنِّي مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُكُمْ لَيْسَ بِكُمْ عَلَيْهِمْ قُوَّةٌ سَلَّمْتُ الْأَمْرَ لِأَبْقَى أَنَا وَأَنْتُمْ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، كَمَا عَابَ الْعَالِمُ السَّفِينَةَ لَتَبْقَى لِأَصْحَابِهَا وَ كَذَلِكَ نَفْسِي وَ أَنْتُمْ لَتَبْقَى بَيْنَهُمْ. من نه خوارکننده مؤمنان، بلکه عزت بخش آنانم. وقتی دیدم شما در برابر دشمن قدرتی ندارید، کار را به او واگذاشتم تا من و شما در میان آنان باشیم. همچنان که آن فرزانه [خضر] کشتی را سوراخ کرد تا برای صاحبانش باقی بماند، و این چنین است حکایت من و شما تا در میان آنها باقی بمانیم. (میزان الحکمه، ج ۱۰۵۱).

قرآن کریم: وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اگر به صلح مایل شدند تو نیز از در صلح وارد شو و بر خدا توکل کن که او شنوای دانا است. (أنفال، آیه ۶۱). امام علی علیه السلام: وَجَدْتُ الْمُسَالَمَةَ مَالِمٌ يَكُونُ وَهْنٌ لِلْإِسْلَامِ أَنْجَعُ مِنَ الْقِتَالِ. من صلح را، تا آن گاه که مایه وهن اسلام نباشد، کارسازتر از جنگ یافته ام. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۱۰۱۳۸). پیامبر صلی الله علیه وآله: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا، حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ دَوَّامَانِ؛ چه قیام کنند، و چه قیام نکنند. (مناقب آل أبی طالب، ج ۲، ص ۱۳۸). امام علی علیه السلام: وَ لَا تَدْفَعَنَّ صَلَاحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضَى؛ فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِحُجُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ. اگر دشمن، تو را به صلح فراخواند و خشنودی خدا در آن بود، آن را رد مکن؛ زیرا صلح مایه آسایش سپاهیان تو و راحتی خودت از اندوهها و ایمنی سرزمین تو است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

چهار ربیع الثانی تولد حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) (۱۷۳ق)

یکی از چهره های شاخص اصحاب ائمه، حضرت عبدالعظیم حسنی است که در شمار اصحاب امام رضا، جواد و هادی علیهم السلام بوده و مورد تمجید فراوان قرار گرفته است. حضرت عبدالعظیم از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) بود که در شهر مدینه به دنیا آمد. آن حضرت فردی پرهیزگار و اندیشمند بود و از ائمه ی بزرگوار و هم عصر خویش به طور مستقیم، نقل حدیث کرده است. ایشان در زمان امامت امام هادی (ع) به پیشنهاد آن حضرت برای هدایت مردم به ایران مهاجرت کرد و در شهر ری در نزدیکی تهران کنونی مسکن گزید. آمدن حضرت عبدالعظیم به ری، هم نشانه ی وجود تشیع در این شهر بوده و هم خود زمینه ای برای رشد دعوت شیعی شده است. حضرت عبدالعظیم

احتمالاً در حدود سال ۲۵۰ هجری به درجه‌ی رفیع شهادت نایل شد. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهش‌های صدا و سیما)

امام هادی علیه السلام به حماد رازی فرمودند: إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ بِنَاحِيَتِكَ، فَسَلْ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام. هرگاه در قلمرو خود در کار دین به مشکلی دچار شدی، آن را با عبد العظیم حسنی در میان بگذار. (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۱).

امام هادی علیه السلام: مَرَحَباً بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَنْتَ وَلَيْنَا حَقّاً. ای ابوالقاسم! خوش آمدی، تو حقیقتاً دوستدار ما هستی. (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲).

یک روایت: امام هادی علیه السلام به مردی از اهالی ری که به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بود فرمودند: أَمَا إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَام. اگر قبر عبد العظیم را در شهر خود زیارت کنی، چنان است که گویی امام حسین علیه السلام را زیارت کرده‌ای. (کامل الزیارات، ص ۳۲۴).

حضرت عبد العظیم علیه السلام روایت می‌کند: مولایم امام رضا علیه السلام برای من پیامی فرستاد و فرمود: سلام مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو: ... و إِقْبَالَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَ الْمُزَاوَرَةَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ. [به آنان دستور بده] به هم روی آورند و با یکدیگر دیدار کنند، که موجب نزدیکی به خداوند است. (الاختصاص، ص ۲۴۷).

حضرت عبد العظیم علیه السلام از امام رضا چنین روایت می‌کند: الْمُسْلِمُ الَّذِي يَسْلَمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدُهُ وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَاوِزَهُ بِوَأَيْقَهُ. مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و از ما نیست آن که همسایه اش از شر او در امان نباشد. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴).

حضرت عبد العظیم علیه السلام از امام جواد علیه السلام چنین روایت می‌کند: مَنْ رَضِيَ بِالْعَافِيَةِ مِمَّنْ دُونَهُ زُرَقَ السَّلَامَةِ مِمَّنْ فَوْقَهُ. هر کس از عافیت زیر دستانش خشنود باشد، از بالا دستش در امان می‌ماند. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۴).

حضرت عبد العظیم «ع» از امام جواد «ع» چنین روایت می‌کند: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ. برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج [ظهور امام زمان علیه السلام] است. (کمال الدین، ص ۳۷۷).

حضرت عبد العظیم «ع» از امام هادی «ع» چنین روایت می‌کند: إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَام. خداوند متعال، ابراهیم «ع» را دوست خود برگرفت؛ زیرا او بر محمد و اهل بیت او بسیار درود می‌فرستاد. (علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۴). (منبع: کتاب همراه زائرین حضرت معصومه، شاه عبد العظیم، وشاه چراغ، باقری پور)

هشت ربیع الثانی ولادت باسعادت حضرت امام حسن عسکری (ع) در سامرا (۲۳۲ ق)

به صفحه ۱۹۹ خلاصه حالات سیزدهمین معصوم، یازدهمین اختر امامت امام عسکری (ع) مراجعه شود

ده ربیع الثانی وفات کریمه ی اهل بیت، حضرت فاطمه ی معصومه (س) (۲۰۱ ق)

حضرت فاطمه ی معصومه (س)، خواهر گرامی امام رضا (ع) در سال ۱۷۳ ق در مدینه به دنیا آمد. ایشان بانویی سخنور، معلمی توانا و در زهد و تقوا برجسته بود. حضرت معصومه (س) یک سال پس از ورود برادرش به خراسان به قصد دیدار وی از مدینه به سمت خراسان حرکت کرد، اما پس از حوادثی که در شهر ساوه برای آن حضرت پیش آمد، بیمار شد. چون حضرت معصومه در شرافت و فضیلت شهر قم احادیثی را از پدران خود شنیده بود، عزم این شهر کرد و پس از هفده روز توقف در قم، به ملکوت اعلی پیوست. آن حضرت در قم مدفون است و آرامگاه با شکوه دختر امام موسی کاظم (ع) در قم، محفل و زیارتگاه مردم و دانشمندان با فضیلت است. همچنین حوزه ی مهم علمی و دینی قم در کنار حرم ایشان شکل گرفته است (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

امام صادق علیه السلام: إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلَدَةُ قُمٍّ وَ سَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. ما را حرمی است و آن "قم" است، و به زودی بانویی از فرزندان من به نام فاطمه در آن دفن خواهد شد. هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب شود. (بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶).

امام صادق علیه السلام: وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ. همه شیعیان من با شفاعت او (فاطمه معصومه علیها السلام) وارد بهشت خواهند شد. (بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸).

امام رضا علیه السلام: مَنْ زَارَهَا يَقُمَّ كَمَنْ زَارَنِي. هر کس (حضرت معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، چنان است که مرا زیارت کرده است. (کامل الزیارات، ص ۵۳۶).

امام رضا علیه السلام: مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ. هر کس او را با شناخت زیارت کند، بهشت پاداش او خواهد بود. (بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶).

امام جواد علیه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمٍّ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. هر کس قبر عمه ام (حضرت معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، بهشت پاداش او است. (کامل الزیارات، ص ۵۳۶)

پنج جمادی الاولی ولادت با سعادت عقيله ی بنی هاشم حضرت زینب (س)

زینب در لغت به معنای درخت نیکو منظر آمده و گاهی به معنای زینت پدر می باشد. حضرت علی (ع) دو یا سه دختر به نام زینب داشته و دختر بزرگ آن حضرت، زینب کبری است و اوست که

در واقعه‌ی عاشورای سال ۶۱ هجری به همراه امام حسین (ع) بوده است. حضرت زینب (س) از زنان فاضله، عالمه و شجاع تاریخ است و فضایل آن بانو و جلالت شأنش بسیار بالاست. آن حضرت، همسر پسرعمویش عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بود و پنج فرزند داشت. حضرت زینب به هنگام عزیمت امام حسین (ع) به عراق، برادر را همراهی کرد و در واقعه‌ی کربلا دو پسر آن بانو به نام‌های محمد و عون به شهادت رسیدند. ایشان از سوی حضرت امام حسین (ع) سرپرستی اهل بیت آن حضرت و حفظ و نگهداری مقام ولایت کبری، امام سجاد (ع)، را در هنگام بیماری برعهده داشت. شیرزن کربلا با روحیه‌ای قوی و شهامت زاید الوصف خود توانست آن امانت بزرگ را در آن شرایط سخت و سنگین اسارت به درستی و شایستگی به منزل رساند. خطبه‌های مردانه و رسواکننده‌ی حضرت زینب (س) در مجلس ستم عبیدالله بن زیاد در کوفه و یزید بن معاویه در شام که کاخ ظلم و جورِ فرعون زمان را به لرزه در آورد، شهره‌ی تاریخ است. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

زینب کبری - سلام الله علیها - عقیله بنی هاشم، دانشمند بدون معلم، متفکر بدون استاد، دختر ارجمند علی بن ابی طالب - علیه السلام - و فاطمه زهرا - سلام الله علیها - و همسر بزرگوار «عبدالله بن جعفر» از بانوان با فضیلت (صادقی اردستانی، احمد، زنان دانشمند و راوی حدیث، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۵۸) و قهرمان کربلاست. او بود که پس از شهادت امام حسین - علیه السلام - سرپرستی اسرای کربلا را به عهده گرفت و از امام زین العابدین - علیه السلام - که به شدت بیمار بود، مراقبت کرد و ضمناً با خطبه‌های آتشین خود در کوفه و شام، یزید و یزیدیان را رسوا نموده و پیام امام حسین - علیه السلام - را به مردمان آن زمان رسانید.

یک روایت از حضرت سجاد علیه السلام نقل شده که نشان می دهد، حضرت زینب سلام الله علیها از دیدگاه ائمه علیهم السلام چه جور شخصیتی است. همین یک سخن را ببینید، چقدر ما را اشباع می کند! حضرت سجاد علیه السلام فرمودند: «عمتی زینب ما ترکت تهجدها طول دهرها حتی لیلۃ حادی عشر من المَحْرَم» «عمه جانم زینب در طول زندگی اش نماز شبش را ترک نکرد؛ حتی شب یازدهم مُحْرَم»؛ یعنی حتی در وضعیت غم بار یازدهم محرم، که شب شام غریبان است.

حضرت زینب برای زنان تفسیر قرآن می گفتند. امیرالمؤمنین علیه السلام هم بعضی تفاسیر را گوش می کردند؛ مثلاً در تاریخ آمده که حضرت زینب سلام الله علیها قرآن را تفسیر می کردند، تا رسیدند به آیه «کهیعص». حضرت آیه مذکور را این گونه تفسیر کردند: کاف یعنی کربلا، «ها» یعنی هلاکت، «یا» یعنی یزید، «عین» یعنی عترت و «صاد» یعنی صبر؛ یعنی زینب کبری به زن های کوفه خط میدادند. در اینجا امیرالمؤمنین علیه السلام صورت زینب را بوسیده و فرمودند: «حق آیه را ادا کردی».

در خصوص علاقه وصف ناپذیر زینب کبری به سیدالشهدا علیه السلام، از زبان مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی نقل شده، که بعد از عروسی حضرت زینب با عبدالله بن جعفر، آن حضرت یک شبانه روز امام حسین علیه السلام را ندیده بود؛ چادر بر سر کرده و آماده ملاقات با برادر شده بود. برای زینب، حتی آن یک شبانه روز هم دوری از امام حسین علیه السلام، بسیار سخت بوده است. پس از این که می خواهد به دیدار برادر برود، به ایشان خبر می دهند که امام حسین علیه السلام خودشان به دیدار شما می آیند. زینب کبری سلام الله علیها از فرط خستگی بر سکوی خانه و جلوی آفتاب به خواب می رود، تا این که امام حسین علیه السلام سر می رسند، اما زینب را بیدار نمی کنند، بلکه قبای خود را سایه بان خواهر می نمایند، تا حضرت زینب بیدار نشوند. حضرت زینب سلام الله علیها که از خواب بر می خیزند، از برادر می پرسند: چرا من را بیدار نکردید امام حسین علیه السلام می فرمایند: دلم نیامد. بعد خانم گفتند: این کار را باید یک روز جبران کنم. و این جبران به عصر عاشورا کشید که زینب کبری با نیمی از چادر خود، نیمی از بدن عریان سیدالشهدا علیه السلام را در گودال قتلگاه پوشانید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی، خودش زینت اهل دنیاست، اما این دختر به جایی می رسد که زینت پدر می شود.» (مجله افق حوزه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۹ - شماره ۲۶۶ جایگاه حضرت زینب سلام الله علیها در روایات)

روایتی مشهور به «فاطمیات» در باب دوست داشتن آل محمد که با این اسناد نقل شده است: «... عن فاطمه بنت السجاد علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) عن فاطمه بنت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) عن زینب بنت امیر المؤمنین (علیه السلام) عن فاطمه بنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) قالت: الا من مات علی حب آل محمد مات شهیداً؛ «آگاه باشید هر کسی که بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید است.»

پنج جمادی الاولی روز پرستار و بهورز

پرستاری می تواند یکی از راه های قرب به خداوند و دست یابی به کمال انسانی باشد. چنین نگرشی به شغل پرستاری، نشاط و علاقه ویژه ای در پرستاران ایجاد می کند. آنان به کار خود، به عنوان وظیفه ای الهی - انسانی می نگرند. امام خمینی رحمه الله، در تقویت این نگرش، خطاب به پزشکان و پرستاران می فرماید: شما متوجه باشید که این شغل را خدای نخواستہ آلوده نکنید به جهات مادی، به جهات دنیایی؛ که هم کار کرده باشید و هم اجر الهی نبرده باشید. شما کاری نکنید که این شغل شما الهی باشد، برای خدا باشد. منافات ندارد اینکه برای خدا باشد، لکن به شما هم مثلاً اجرای بدهند، اینها منافات با هم ندارد. شما توجه داشته باشید به اینکه با این بیماران خوشرفتاری کنید، کمک کنید آنها را، دلجویی کنید از آنها. اینها افسرده هستند باید دلجویی کنید. این شغل از آن

شغل های بسیار ارزنده است. در سخنان معصومان علیهم السلام خدمت به هم نوعان، از بهترین عبادت ها و ارزش های انسانی شمرده شده است؛ چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: مَا قَضَى مُسْلِمٌ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى ثَوَابِكَ وَلَا أَرْضَى لَكَ بِذُنُوبِ الْجَنَّةِ. هیچ مسلمانی حاجت مسلمان دیگری را روا نمی سازد، مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی به او خطاب کند که پاداش تو به عهده من است و کمتر از بهشت برایت نمی پسندم. تنها کسانی می توانند به شغل پرستاری و مراقبت از بیماران بپردازند که از انگیزه بالا، قدرت تحمل، دل سوزی و بردباری بهره مند باشند. این گونه افراد، در ضمیر پاک نیک فطرتان جامعه جای دارند و محبوبیت اجتماعی بالایی می یابند؛ زیرا همگان می دانند که پاداش های مادی نمی تواند جبران کار طاقت فرسای پرستاران باشد، بلکه باید اجر واقعی خویش را از خداوند دریافت کنند. مردم نیز از باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»، زحمت ها و تلاش های بی منت آنان را ارج می نهند. بزرگداشت و ارج گذاری مقام پرستار، خود بیانگر ارزش اجتماعی و جایگاه والای شغل پرستاری است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ارج و بهای پرستاری را در ضمن روایتی چنین بیان می فرماید: مَنْ قَامَ عَلَى مَرِيضٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَادَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ وَمَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ فَقَضَاهَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. کسی که یک روز و یک شب پرستاری بیماری را به عهده بگیرد، خداوند او را با ابراهیم خلیل علیه السلام محشور می کند. پس همچون درخشش برقی از صراط عبور می کند و کسی که در برطرف کردن نیازهای مریض تلاش کند و نیازهای او را برآورد، همانند روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان پاک می شود. (ثواب الأعمال، ص ۳۴۱). پیامبر صلی الله علیه و آله: مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهْوَةً أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ. هر کس غذای بیمار را به او بخوراند، خداوند از میوه های بهشتی به او بخوراند. (الدعوات، ص ۲۳۰). سماعة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ بِالنِّسَاءِ فِي الْحَرْبِ حَتَّى يَدَاوِينَ الْجُرْحَى. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنان را با خود به جنگ برد تا مجروحان را مداوا کنند. (بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۸۴). حضرت صادق علیه السلام به هم سفر و همراه بیمار فرمود: قُودُوكَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَلَوَاتِكَ فِي الْمَسْجِدِ. نشستن تو نزد بیمار (و مراقبت از او)، بهتر و بالاتر از نماز خواندن در مسجد است. تلاش برای برطرف ساختن نیازهای بیماران، پاداش بی شماری نزد خداوند دارد. امام صادق علیه السلام در کلامی دیگر می فرماید: مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ قَضَاهَا أَوَّلَ لَمْ يَقْضِهَا، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. کسی که برای رفع نیازهای بیماری تلاش کند، خواه آن درخواست برآورده شود یا نشود، همانند روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان پاک می شود. در سیره ابن هشام آمده است که: یکی از اصحاب خاص پیامبر اکرم، به نام سعد بن معاذ را که جراحت سختی در جنگ خندق برداشته بود، به دستور حضرت در مسجد در خیمه زنی از قبیله

اَسْلَمَ که به او «زُفیده» می گفتند، قرار دادند و رفیده در این خیمه مجروحان جنگ را مداوا می کرد و به پرستاری و مراقبت از آنان می پرداخت. در تاریخ جنگ احد آمده است: در این جنگ دندان پیامبر اسلام شکست و کلاهخود بر سر ایشان زخم وارد کرد. در آن هنگام، فاطمه خون جراحت پیامبر را می شست و علی ابن ابی طالب با سپر آب می آورد. چون فاطمه دید خون بند نمی آید، تکه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را روی زخم گذارد تا خون بند آید. (مجله طبوبی مرداد ۱۳۸۵، شماره ۸ آیین پرستاری در قاموس قرآن و عترت)

سیزده جمادی الاولی شهادت حضرت فاطمه ی زهرا(س) به روایت ۷۵ روز (۱۱ق)

به صفحه ۴۶ خلاصه حالات سؤمین معصوم حضرت زهراعلیهاسلام مراجعه شود

سوم جمادی الثانی شهادت حضرت فاطمه ی زهرا(س) به روایت ۹۵ روز (۱۱ق)

به صفحه ۴۶ خلاصه حالات سؤمین معصوم حضرت زهراعلیهاسلام مراجعه شود

سیزده جمادی الثانی وفات ام البنین مادر گرامی حضرت اباالفضل العباس(ع) (۶۴ق)

حضرت امام علی(ع) سالیانی پس از حضرت زهرا(س)، به سفارش برادر خود عقیل که از علمای نَسَب شناس بود و خاندان های عرب را به خوبی می شناخت، با فاطمه ی کلابیه ازدواج کرد. عقیل بن ابی طالب در علم انساب و شناسایی افراد خانواده ها و قبایل مختلف عرب تسلط کامل داشت . با توجه به تبحر و تجربه عقیل ، روزی حضرت علی علیه السلام از او خواست که دختری از طوایف مشهور عرب را برایش انتخاب کند تا از او فرزندی رشید و شجاع دلیر و با شهامت به وجود آید. عقیل پس از تفحص و تجسس فراوان در بین قبایل و طوایف مختلف عرب ، و مطالعه در اخلاق و رفتار آنان ، سرانجام فاطمه را که بعدها به ام البنین علیه السلام معروف شد پسندید اوصاف او را به استحضار حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام رسانید. حضرت علی علیه السلام به او دستور داد که برای خواستگاری فاطمه (ام البنین علیه السلام) به بستگانش مراجعه کند. عقیل به دیدن حزان بن خالد رفت و وقتی که حزام از مقصود او آگاه شد، بیدرنگ ، موافقت خویش را با این وصلت اعلام داشت و برای اینکه دخترش فاطمه را نیز در خوشحالی خود شریک نماید این خبر مهم و قابل توجه را به اطلاع او رسانید. هنگامی که فاطمه علیه السلام (ام البنین) به هویت خواستگار با فضیلت خویش پیبرد، در حالیکه عرق شرم و حیا بر جبینش نشسته بود، نتوانست از ابراز شمع خودداری نماید. زیرا این وصلت مبارک ، برای او و خانواده اش افتخار بزرگ و سعادت غیر مترقبه ای محسوب

می شد. عقیل به وکالت از طرف برادرش، حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام خطبه عقد راجاری کرد و بدین ترتیب فاطمه دختر حزام، به زودی رهسپار خانه امیرالمومنین علی علیه السلام گردید. این دختر جوان وقتی کودکان خردسال حضرت علی علیه السلام را دید، بلافاصله تصمیم به خدمت و پرستاری آنان گرفت و در این کار، تا حدیک، مادر واقعی پیش رفت. ام البنین همان زنی بود که حضرت علی علیه السلام در جستجوی وی بود، زنی که بنشیند و شیر مردان پر قدرت و زور مندی چون قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام، را به جهانیان عرضه کند، شجاعانی که در همان ابتدای جوانی در دوران پیکار از انبوه لشکر نهراسند و درمقابل شمشیرهای برنده و نیزه های جگر سوز، بیمی به دل را ندهند. ام البنین علیه السلام برای شوهر گرانقدرش، چه در زمان حیات و چه بعد از شهادت، زنی صمیمی فداکار و با عفت بود. پس از آنکه علی علیه السلام به شهادت رسید، یکی از شخصیت های مشهور عرب، از امامه تقاضای ازدواج کرد و امامه در این باره، با ام البنین مشورت نمود. این زن وفادار و با تقوی در جواب امامه گفت: سزاوار نیست بعد از امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام بدن ما با بدن مرد دیگری تماس بگیرد، این سخن آنچنان اثر عمیقی در روحیه امامه و لیلا و اسما گذاشت که از آن پس هیچ يك از آنها به فکر ازدواج نیفتادند. این چهار زن فداکار - یعنی ام البنین علیه السلام، امامه، لیلا و اسما - بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام همچنان در حال تجرد باقی ماندند تا وفات نمودند و به همسرارجمند خویش پیوستند. فاطمه ام البنین علیه السلام چهارمین است که به حباله نکاح حضرت علی علیه السلام در آمد و چهار فرزند به دنیا آورد که عبارتند از: عباس، جعفر، عبدالله و عثمان، و هر چهار نفرشان نیز در واقعه کربلا پس از پیکار بادشمنان، جام شهادت نوشیدند. (باب الحوائج یا زندگانی ابوالفضل العباس علیه السلام تالیف سرهنگ عبدالحسین مومنی، سازمان انتشارات اسلامی جاویدان، ص ۱۲۹ - ۱۳۶)

ام البنین از امام علی (ع) چهار پسر به نام های عباس، جعفر، عبدالله و عثمان آورد و به ام البنین یعنی مادر پسران معروف گردید. هر چهار پسر ام البنین در واقعه ی خونین کربلا به شهادت رسیدند و او در برابر این مصیبت صبر نمود. وی پس از اطلاع از حادثه ی عاشورا، عیداللّه، فرزند عباس علیه السلام را همراه خود به قبرستان بقیع می بُرد و اشعاری در رثای فرزندانش می سرود. «لَا تَدْعُونِي وَ عَلَيْكَ أُمُّ الْبَنِينَ - تَذَكِّرُنِي بِلَيْوْثِ الْعَرِينِ - كَانَتْ بَنُو لِي أَدْعَى بِهِمْ - وَ الْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَ لَا مِنْ بَنِينَ - أَرْبَعَةٌ مِثْلُ نُصُورِ الرُّبَى - قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتِينِ - تَنَازَعُ الْخِرَصَانُ أَشْلَاءَهُمْ - فَكَلَّهْمُ أُمْسَى صَرِيحاً طَعِينٍ - يَا لَيْتَ شِعْرِي أَكَمَا أَخْبَرُوا - بِأَنَّ عَبَّاساً قَطِيعُ الْيَمِينِ». یعنی ای زنان مدینه، دیگر مرا ام البنین نخوانید و مادر شیران شکاری ندانید، مرا فرزندی بود که به سبب آنها ام البنینم می گفتند، ولی اکنون دیگر برای من فرزندی نمانده همه را از دست داده ام. آری، من چهار باز شکاری داشتم که آنها را هدف تیر قرار دادند و رگ گردن آنها را قطع نمودند و دشمنان با

نیزه های خود ابدان طیبه آنها را از هم متلاشی کردند و در حالی که روز را به پایان بردند که همه آنها با جسد چاک چاک بر روی زمین افتاده بودند. ای کاش می دانستم آیا این خبر درست است که دستهای فرزندانم قمر بنی هاشم علیه السلام را از تن جدا کردند؟! مردم مدینه نیز جهت شنیدن ندبه ی این بانوی بزرگوار در آن محل جمع می شدند و می گریستند. ام البنین سه سال پس از عاشورای سال ۶۱ ق در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. درباره تاریخ وفات ام البنین دو نقل است، یکی سال ۶۴ هجری و دیگری سال ۷۰ است که قول مشهورتر روز سیزدهم جمادی الثاني سال ۶۴ هجری است.

بیست جمادی الثاني ولادت حضرت فاطمه ی زهرا(س) (۵ بعثت)

به صفحه ۴۶ خلاصه حالات سؤمین معصوم حضرت زهرا علیها سلام مراجعه شود

بیست جمادی الثاني تولد رهبر عظیم الشأن انقلاب حضرت امام خمینی (۱۳۲۰ ق)

حضرت آیت الله العظمی سید روح الله موسوی معروف به امام خمینی (ره) در ۲۰ جمادی الثاني سال ۱۳۲۰ قمری برابر با اول مهر سال ۱۲۸۱ شمسی و مصادف با میلاد با سعادت حضرت فاطمه ی زهرا(س) از پدری به نام "سیدمصطفی موسوی" و مادری به نام "هاجر احمدی" متولد گردید. در کودکی پدر را از دست داد چرا که سید مصطفی پدر ارجمند امام خمینی (ره) که از روحانیون مبارز و دارای نفوذ کلمه بود، از سوی جعفرقلی خان و رضاقلی سلطان خمینی (از اشرار منطقه) مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید. پس از مدتی حضرت امام (ره) دروس ابتدایی خود را در زادگاه خود گذراند. سپس در محضر آیت الله شیخ عبدالکریم حائری در اراک حاضر شد و سال ها از معظم له بهره بُرد. پس از تأسیس حوزه ی علمیه ی قم به همراه استاد، راهی آن شهر گردید. با ارتحال آیت الله العظمی بروجردی فعالیت های سیاسی خود را آغاز نمود و پس از چندی به عنوان دشمن سرسخت رژیم پهلوی در برابر شاه ایستاد. رژیم نیز ایشان را به ترکیه تبعید نموده و سرانجام پس از نزدیک ۱۵ سال دوری از وطن در حالی که کشور، مشتاق حضور معظم له بود، وارد تهران گردید و رهبری انقلاب اسلامی ایران را به عهده گرفت. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

امام خمینی ره از ولادت تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۱۲۸۱/۷/۱ (برابر با ۲۰ جمادی الثاني ۱۳۲۰): ولادت در خمین

۱۲۸۱/۱۱/۲۱: شهادت پدر گرامیشان در ۴۷ سالگی

۱۵ سالگی: درگذشت مادر و سپس عمه بزرگوارشان

- ۱۹ سالگی: ورود به حوزه علمیه اراک
- ۲۰ سالگی: ورود به حوزه علمیه قم
- ۱۳۰۸: ازدواج با خانم خدیجه ثقفی معروف به قدس ایران
- ۱۳۴۰/۱/۱۰: ارتحال حضرت آیه الله العظمی بروجردی
- ۱۳۴۱/۶/۱۲: سخنرانی در مخالفت با اسراییل و بهاییها
- ۱۳۴۱/۷/۱۴: تصویب لایحه ضد اسلامی و ضد قانون اساسی انجمنهای ایالتی و ولایتی شامل ۹۲ ماده و ۱۷ تبصره، در هیات دولت اسدالله علم
- ۱۳۴۱/۷/۱۶: تشکیل جلسه مراجع تقلید قم، به همت امام خمینی، برای اعلام مخالفت با این لایحه
- ۱۳۴۱/۱۱/۲: مخالفت ایشان با رفراندوم اصول ششگانه انقلاب باصطلاح سفید، که در قانون اساسی پیش بینی نشده بود.
- ۱۳۴۲/۳/۱۳: سخنرانی معروف به عصر عاشورا معظم له
- ۱۳۴۲/۳/۱۵: دستگیری و اعزام سریع ایشان به تهران و حبس در باشگاه افسران و سپس در زندان قصر، که به قیام پانزده خرداد و سرکوب وحشیانه مردم انجامید.
- ۱۳۴۳/۱/۱۸: ورود به قم، پس از رفع حصر، و پیام در تاسف از تسلط اسراییل و عمالش بر ایران
- ۱۳۴۳/۳/۱۵: انتشار اعلامیه مشترک با مراجع تقلید قم به مناسبت سالگرد قیام پانزده خرداد
- ۱۳۴۳/۸/۴: سخنرانی و پیام بر ضد اعمال کاپیتولاسیون در ایران
- ۱۳۴۳/۸/۱۳: دستگیری و تبعید معظم له به آنکارا
- ۱۳۴۳/۸/۲۱: اقامت در شهر بورسا، در ۴۶۰ کیلومتری آنکارا، و آغاز نگارش کتاب تحریر الوسیله، که ۲ جلد است و یک سال طول کشید
- ۱۳۴۴/۷/۱۳: تبعید به عراق، با ورود به بغداد و حرکت به شهر کاظمین
- ۱۳۴۴/۷/۲۳: ورود به نجف با استقبال بی نظیر مراجع تقلید و علمای اعلام و مردم که به تدریس در حوزه علمیه این شهر انجامید.
- ۱۳۵۰/۴/۱: سخنرانی درباره جنایتهای حکومت پهلوی، جشنهای شاهنشاهی و وجوب قیام علما
- ۱۳۵۲/۱/۵: پیام به ملت ایران درباره جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی
- ۱۳۵۶/۸/۱: صدور اعلامیه به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی
- ۱۳۵۶/۱۱/۲: پیام به ملت ایران درباره قیام ۱۹ دی قم و نوید پیروزی به آنان
- ۱۳۵۶/۱۲/۸: پیام به مردم آذربایجان درباره سرکوب قیام ۲۹ بهمن تبریز
- ۱۳۵۷/۴/۱۳: پیام به ملت ایران در رد چراغانی کردن معابر به مناسبت سوم و نیمه شعبان به علت سرکوب مردم

۱۳۵۷/۵/۳۱: پیام به مردم آبادان درباره فاجعه سینما رکس
 ۱۳۵۷/۶/۱۸: پیام به ملت ایران درباره فاجعه جمعه سیاه (۱۷ شهریور تهران)
 ۱۳۵۷/۷/۱۲: مهاجرت به کویت و بازگشت اجباری به عراق، که به اقامت یکروزه (فردا) در بغداد و زیارت کاظمین انجامید.
 ۱۳۵۷/۷/۱۴: مهاجرت به فرانسه و آغاز ۱۱۸ روز اقامت در پاریس و نوفل لوشاتو
 ۱۳۵۷/۸/۱۴: نامه به آیت الله دکتر بهشتی درباره اقدامات بنیادی تشکیل شورای انقلاب اسلامی
 ۱۳۵۷/۹/۱: پیام معروف به پیروزی خون بر شمشیر درباره وظایف مردم در آستانه ماه محرم
 ۱۳۵۷/۹/۲۰: برگزاری تظاهرات میلیونی مردم ایران در روز عاشورای حسینی
 ۱۳۵۷/۱۰/۲۲: تشکیل شورای انقلاب اسلامی به فرمان معظم له، یک روز قبل از تشکیل شورای سلطنت
 ۱۳۵۷/۱۰/۲۶: فرار محمدرضا پهلوی از ایران
 ۱۳۵۷/۱۱/۸: آخرین سخنرانی در فرانسه
 ۱۳۵۷/۱۱/۱۲: بازگشت سرافرازانه به میهن در میان استقبال میلیونها مشتاق و سخنرانی تاریخی در بهشت زهراي تهران در تعیین استراتژی انقلاب و حکومت اسلامی
 ۱۳۵۷/۱۱/۱۵: انتصاب مهندس مهدی بازرگان به نخست وزیری دولت موقت
 ۱۳۵۷/۱۱/۲۲: پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پایان ۲۵۰۰ سال رژیم سلطنتی
 ساعت ۲۰ / ۲۲ بعداز ظهر روز شنبه سیزدهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ به رحمت ایزدی پیوست.

بیست جمادی الثانی روز زن و هفته ی بزرگداشت مقام مادر

امام صادق علیه السلام: أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ. بیشتر خوبیها در زنان است. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵).
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله: اِسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا؛ یکدیگر را به رفتار نیک با زنان سفارش کنید. (مستدرک ج ۱۴، ص ۲۵۳، ح ۱۶۶۲۸ - بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۳۳، ص ۶۲۸)
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله: إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ لَعَفِيفَةٌ، الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا، الذَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ... بهترین زنانان، آن زن زایا، بسیار مهربان و پاکدامن است که برای شوهرش خودآرایی می کند و از غیر او خود را محفوظ نگه می دارد، حرف شوهرش را می شنود و فرمان او را اطاعت می کند.... (کافی ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۱)
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْكَاسِبِينَ؛ زن شایسته یکی از دو عامل پیشرفت خانواده است. (مستدرک ج ۱۴، ص ۱۷۱، ح ۱۶۴۱۱ - بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۱۰۰، ص ۲۳۸، ح ۳۹)

امام علی علیه السلام: صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَدْوَمُ لِحَمَالِهَا؛ محفوظ بودن و پاکدامنی برای سلامتی زن مفیدتر است و زیبایی او را بادوام تر می کند. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۰۵، ح ۹۲۸۶)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ؛ حیا خوب است ولی برای زنان خوب تر است. (نهج الفصاحه ص ۵۷۸، ح ۲۰۰۶)

رسول اکرم «ص»: خَيْرُهُنَّ أَيْسَرُهُنَّ صَدَاقًا، بِا بَرَكَةِ تَرِينِ زَنَانٍ، كَمَ مَهْرِيهِ تَرِينِ أَنَانٍ است. نهج الفصاحه
رسول اکرم صلی الله علیه و آله: وَ نِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَّاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُؤُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا وَ إِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا وَ كَذَا؛ (در آینده) زنانی پیدا می شوند که در عین پوشیدگی برهنه اند (لباس های بدن نما و جوراب های نازک می پوشند) هوسباز و دلفریب می باشند، موهای خود را طوری آرایش می کنند که مانند کوهان شتر جلوه می کند. اینان داخل بهشت نمی شوند و حتی بوی آن را استشمام نمی کنند، با این که بوی بهشت از راه بسیار دور شنیده میشود. (لسان العرب ج ۱۱، ص ۶۳۷- تاج العروس من جواهر القاموس ج ۱۵، ص ۷۰۸)
پیامبر صلی الله علیه و آله: مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيَكْرِمْهَا، هَر كَس هَمْسَرِي اخْتِيَار كُنْد، بَايْد او را گرامی بدارد. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۱۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله: إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا وَ صَامَتْ شَهْرَهَا وَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا وَ أَطَاعَتْ بَعْلَهَا فَلْتَدْخُلِ الْجَنَّةَ مِنْ أَى أَبْوَابٍ شَاءَتْ. هرگاه زنی نمازهای پنج گانه اش را به جای آورد، و ماه رمضان را روزه بگیرد، و دامنش را پاک نگه دارد، و از شوهرش فرمان ببرد، از هر دری که بخواهد وارد بهشت می شود. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۱).

امام علی علیه السلام: إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ. زن گل است و لطیف، نه دلیر. (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

امام صادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ. خداوند صبر و تحمل ده مرد را به زن عطا کرده است. (الکافی، ج ۵۰، ص ۳۳۹).

امام صادق علیه السلام: لَيْسَ لِمَرْأَةٍ حَظٌّ لَا لِصَالِحَتَيْهِنَّ وَلَا لِطَالِحَتَيْهِنَّ. برای زن بهایی نمی توان تعیین کرد، نه برای خوب آنها و نه برای بدشان. (میزان الحکمه، ح ۷۸۴۷).

امام علی علیه السلام: جِهَادُ الْمَرْأَةِ حَسَنُ التَّبَلُّغِ؛ جهاد زن خوب شوهرداری کردن است.

امام باقر علیه السلام: لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحَ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا؛ هیچ شفیعی برای زن نزد پروردگارش نجات بخش تر از رضایت شوهرش نیست. (خصال ج ۲، ص ۵۸۸)

امام علی علیه السلام: صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَدْوَمُ لِحَمَالِهَا؛ محفوظ بودن و پاکدامنی برای سلامتی زن مفیدتر است و زیبایی او را بادوام تر می کند. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۰۵)

قرآن کریم: وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا. ما به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ مادرش او را بارنج حمل کرد و با رنج بر زمین نهاد (احقاف، ۱۵) پیامبر صلی الله علیه وآله: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ. بهشت زیر قدم‌های مادران است. (میزان الحکمه، ح ۲۲۶۹۱).

پیامبر صلی الله علیه وآله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ لَهُ فِي عُمَرِهِ وَيَزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَبِرَّ وَالِدَيْهِ. هر که خوش دارد عمرش دراز و روزی‌اش بسیار شود، به پدر و مادرش نیکی کند. (میزان الحکمه، ح ۲۲۶۷۱). امام علی علیه السلام: بُرِّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ. نیکی به پدر و مادر بزرگ‌ترین فریضه است. (میزان الحکمه، ح ۲۲۶۷۳).

امام سجّاد علیه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يَعْطِي أَحَدٌ أَحَدًا. حقّ مادرت بر تو این است که بدانی او تو را در جایی حمل کرده است که هیچ کس دیگری را حمل نمی‌کند و از میوه دلش آن به تو داد که هیچ کس به دیگری نمی‌دهد. (الأمالی، صدوق، ص ۴۵۳).

امام رضا علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ. خداوند به سپاس‌گزاری از خود و پدر و مادر فرمان داده است؛ پس هر که از پدر و مادرش سپاس‌گزاری نکند، خداوند را سپاس نگفته است. (الخصال، ص ۱۵۳).

یک رجب میلاد امام محمد باقر (ع) بنا به روایتی (۵۷ ق)

به صفحه ۱۰۰ خلاصه حالات هفتمین معصوم، پنجمین اختر امامت امام باقر (ع) مراجعه شود.

سه رجب شهادت امام علی النقی الهادی (ع) (۲۵۴ ق)

به صفحه ۱۸۹ خلاصه حالات دوازدهمین معصوم، دهمین اختر امامت امام هادی (ع) مراجعه شود.

ده رجب ولادت امام محمد تقی (ع)، جواد الاثمه (ع) (۱۹۵ ق)

به صفحه ۱۷۸ خلاصه حالات یازدهمین معصوم، نهمین اختر امامت امام جواد (ع) مراجعه شود.

سیزده رجب میلاد پیشوای اول مسلمانان امیرالمؤمنین امام علی (ع) سال ۳۰ عام الفیل

به صفحه ۲۷ مختصر حالات دومین معصوم، اولین اختر امامت امیرالمؤمنین (ع) مراجعه شود.

پانزده رجب وفات عقيله ی بنی هاشم، حضرت زینب کبری (س) (۶۲ ق)

به پنج جمادی الاول ولادت حضرت زینب علیها سلام مراجعه شود

زینب در لغت به معنای درخت نیکو منظر آمده و گاهی به معنای زینت پدر می‌باشد. حضرت علی (ع) دو یا سه دختر به نام زینب داشته و دختر بزرگ آن حضرت، زینب کبری است و اوست که در واقعه‌ی عاشورای سال ۶۱ هجری به همراه امام حسین (ع) بوده است. حضرت زینب (س) از زنان فاضله، عالمه و شجاع تاریخ است و فضایل آن بانو و جلالت شأنش بسیار بالاست. آن حضرت، همسر پسرعمویش عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بود و پنج فرزند داشت. حضرت زینب به هنگام عزیمت امام حسین (ع) به عراق، برادر را همراهی کرد و در واقعه‌ی کربلا دو پسر آن بانو به نام‌های محمد و عون به شهادت رسیدند. ایشان از سوی حضرت امام حسین (ع) سرپرستی اهل بیت آن حضرت و حفظ و نگهداری مقام ولایت کبری، امام سجاد (ع)، را در هنگام بیماری برعهده داشت. شیرزن کربلا با روحیه‌ای قوی و شهامت زاید الوصف خود توانست آن امانت بزرگ را در آن شرایط سخت و سنگین اسارت به درستی و شایستگی به منزل رساند. خطبه‌های مردانه و رسواکننده ی حضرت زینب (س) در مجلس ستم عبیدالله بن زیاد در کوفه و یزید بن معاویه در شام که کاخ ظلم و جور فرعون زمان را به لرزه در آورد، شهره‌ی تاریخ است. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

حضرت زینب (س) پس از بازگشت از شام و رجعت به مدینه، همواره در مجالس خود از راه امام حسین (ع) و مصایب عاشورا سخن می‌راند و مردم را علیه حکومت جور تحریک می‌کرد. کم کم کار به جایی رسید که اقامت آن حضرت در مدینه با مخالفت والی شهر روبرو گردید و ایشان عازم شام شد. سرانجام آن حضرت در سن ۵۶ سالگی به سرای باقی شتافت. محل دفن آن بانوی مجلله مورد اختلاف است و برخی شام، مدینه وعده ای مدفن ایشان را در سرزمین مصر می‌دانند. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

بیست و پنج رجب شهادت امام موسی کاظم (ع) در زندان هارون الرشید (۱۸۳ ق)

به صفحه ۱۴۳ خلاصه حالات نهمین معصوم، هفتمین اختر امامت امام کاظم (ع) مراجعه شود.

بیست و هفت رجب مبعث حضرت محمد بن عبدالله (ص) (۱۳ سال قبل از هجرت)

حضرت محمد (ص) قبل از بعثت، در بعضی از اوقات برای تفکر و عبادت به غار حرا در کوهی واقع در شمال مکه پناه می‌برد تا این که در این روز، فرشته ی وحی، جبرئیل امین، بر آن حضرت نازل شد و به آن حضرت بشارت نبوت و رسالت داد. این واقعه به طور مشهور، در روز ۲۷ رجب، سیزده سال قبل از هجرت و در سال چهلیم عام الفیل برابر با سال ۶۱۰ میلادی روی داد. اولین آیاتی که بر

حضرت نازل شد در ابتدا آیات نخستین سوره‌ی علق و سپس مُدَّثِر بود. آغاز اسلام و شروع بعثت با نام خدا، خواندن، قَلَم، قیام، هشدار، پاکی و اخلاص و بزرگداشت خدا شروع شد. بعثت که به معنی رستاخیز معنوی و انقلاب در همه‌ی امور است با انقلاب فرهنگی آغاز گردید. چرا که پایه و اساس تحوّل فرهنگی به خواندن، نوشتن و پاک سازی و بهسازی فرهنگی بستگی دارد. در آن زمان محیط مکه و اطراف آن، چنان در لجن‌زار بت‌پرستی و خرافات و فساد غرق بود که دعوت علنی بر خلاف آن وضع، ممکن نبود. بلکه نیاز به هسته‌ی مرکزی و دفاعی و اجتماع یاران وفادار و فداکار داشت. از این رو، پیامبر بزرگ اسلام (ص) سه سال به طور محرمانه با افراد تماس می‌گرفت و آن‌ها را به اسلام دعوت می‌نمود. پیامبر گرامی اسلام، پس از بعثت، نستوه و خستگی ناپذیر با جهل، کفر و ستم مبارزه کرد و پس از سه سال تبلیغ مخفی و ده سال دعوت علنی مردم به توحید و ترویج آشکار دین اسلام در شهر مکه، به مدینه هجرت کرد و تا پایان عمر خویش در آن دیار ماند (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

قرآن کریم: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا. ای پیامبر! ما تو را گواه و نوید دهنده و هشدار دهنده فرستادیم که به فرمان خدا به سوی او دعوت کنی و چراغی روشنی بخش باشی. (احزاب، آیه ۴۶ - ۴۵).

امام علی علیه السلام: فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا (ص) بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَمِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ؛ خداوند، محمد (ص) را بحق برانگیخت تا بندگانش را از پرستش بتان به عبادت او درآورد و از پیروی شیطان به فرمان برداری او سوق دهد. (نهج البلاغه: ج ۱، ص ۱۴۷، ص ۴۴۶) پیامبر صلی الله علیه وآله: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. من مبعوث شدم تا بزرگواری‌های اخلاقی را کامل کنم. (بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

پیامبر صلی الله علیه وآله: بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنِهَا. من برای [احیای] مکارم و نیکی‌های اخلاقی مبعوث شدم. (بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۸۷).

امام علی علیه السلام: أَرْسَلَهُ عَلَى حِينِ فِتْنَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ طُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَمِ وَ اعْتِزَامِ مِنَ الْفِتَنِ وَ انْتِشَارِ مِنَ الْأُمُورِ وَ تَلَطُّ مِنَ الْحُرُوبِ وَ الدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ ، ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ عَلَى حِينِ اصْفِرَارٍ مِنْ وَرَقِهَا وَ إِيَابَسٍ مِنْ ثَمَرِهَا. خداوند او را در زمانی فرستاد که روزگاری بود پیامبری برانگیخته نشده بود، و مردم در خوابی طولانی به سر می‌بردند، و فتنه‌ها بالا گرفته و کارها پریشان شده بود، و آتش جنگ‌ها شعله می‌کشید، و دنیا بی فروغ و پر از مکر و فریب گشته، برگ‌های درخت زندگی به زردی گراییده و از به بار نشستن آن قطع امید شده بود. (نهج البلاغه، خطبه ۸۹).

امام علی علیه السلام: أَرْسَلَهُ بِالضِّيَاءِ وَ قَدَّمَهُ فِي الْإِصْطِفَاءِ فَتَرَقَّى بِهِ الْمَفَاتِقُ وَ سَاوَرَ بِهِ الْمُغَالِبَ وَ ذَلَّلَ بِهِ الصُّعُوبَةَ وَ سَهَّلَ بِهِ الْحُزُونََ حَتَّى سَرَّحَ الظَّلَالَ عَنْ يَمِينِ وَ شِمَالٍ. او را با نور فرستاد و در گزینش

مقدم داشت . به واسطه او گسستگی ها را به هم آورد و چیره جو را شکست داد و مشکلات را آسان و ناهمواری ها را هموار کرد تا جایی که گمراهی را از راست و چپ دور کرد. (میزان الحکمه ، ج ۱۹۸۴۱) . امام علی علیه السلام : ...إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ لِإِنْجَازِ عِدَّتِهِ وَإِتْمَامِ نُبُوءَتِهِ... تا این که خداوند سبحان محمد پیامبر خود را فرستاد تا وعده خویش را به انجام رساند و سلسله نبوتش را کامل کند. (نهج البلاغه ، خطبه ۱) .

امام مهدی علیه السلام : إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ تَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ. خداوند محمد را برانگیخت تا رحمتی برای جهانیان باشد و نعمت خود را تمام کند. (بحار الأنوار ، ج ۵۳ ، ص ۱۹۴) . خطبه اول نهج البلاغه «مبعث النبی»: إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِإِنْجَازِ عِدَّتِهِ وَإِتْمَامِ نُبُوءَتِهِ، مَاخُذًا عَلَى النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُ، مَشْهُورَةً سَمَاتُهُ، كَرِيمًا مِيلَادُهُ. وَأَهْلُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ مِلَّةٌ مُتَّفِقَةٌ، وَأَهْوَاءُ مُنْتَشِرَةٌ، وَطَرَائِقُ مُتَشَتَّتَةٌ، بَيْنَ مُشَبَّهِ لِلَّهِ بِخَلْقِهِ، أَوْ مُلْجِدٍ فِي اسْمِهِ، أَوْ مُشِيرٍ إِلَى غَيْرِهِ، فَهَذَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَأُنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ. خداوند سبحان ، محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) را فرستاد تا وعده خود برآورد و دور نبوت به پایان برد . در حالی که از پیامبران برایش پیمان گرفته شده بود . نشانه های پیامبری اش آشکار شد و روز ولادتش با کرامتی عظیم همراه بود . در این هنگام مردم روی زمین به کیش و آیین پراکنده بودند. و هر کس را باور و عقیدت و آیین و رسمی دیگر بود : پاره ای خدا را به آفریدگانش تشبیه می کردند . پاره ای او را به نامهایی منحرف می خواندند و جماعتی می گفتند که این جهان هستی ، آفریده دیگری است . خداوند به رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) آنان را از گمراهی برهانید و ننگ جهالت از آنان بزدود .

سوم شعبان ولادت امام حسین سلام الله علیه (۴ ق)

به صفحه ۶۵ خلاصه حالات پنجمین معصوم ، سوّمین اختر امامت امام حسین (ع) مراجعه شود.

سوم شعبان روز پاسدار

حضرت امام خمینی (ره) در سوم شعبان سال ۱۳۹۹ هـ . ق برابر با هفتم تیرماه ۱۳۵۸ هـ . ش پیامی به مناسبت ولادت امام حسین (ع) فرستادند و در این پیام سوم شعبان را روز پاسدار نامیدند . بسم الله الرحمن الرحيم، «روز مبارک سوم شعبان المعظم را که روز طلّیعه پاسدار و پاسداری از مکتب مترقی اسلام است، به عموم هم میهنان و به خصوص پاسداران انقلاب اسلامی تبریک عرض می کنم و به حق باید این روز معظم را روز پاسدار بنامیم. روز ولادت باسعادت بزرگ پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز است، پاسداری که هر چه داشت در راه هدف اهدا کرد و اسلام عزیز را از پرتگاه انحراف رژیم طاغوت بنی امیه نجات داد... اگر فداکاری پاسداران عظیم الشان اسلام و شهادت

جوانمردانه پاسداران و اصحاب فداکار او نبود اسلام در خفقان رژیم بنی امیه و رژیم ظالمانه آن وارونه می شد و زحمات نبی اکرم (ص) و اصحاب فداکارش به هدر می رفت».

امام خمینی (ره): «نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به حق از بزرگ ترین سنگرهای دفاع از ارزش های الهی نظام ما بوده و خواهد بود». «ای کاش من هم یک پاسدار بودم». «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود». «من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما برنمی گردد». «درود بر پاسداران اسلام که با خون خود و مشتش های گره کرده خویش، انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند». «من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می دارم. چشم من به شماست. شما هیچ سابقه ای جز سابقه اسلامی ندارید». «ای پاسدارهای عزیز و ای سربازهای اسلام! در هر جا هستید، از خودتان هم پاسداری کنید، تا به پیروزی بر نفس خودتان و پیروزی بر همه شیاطین نایل شوید». «روز مبارک سوم شعبان المعظم، روز پاسدار است و روز تحقق پاسداری از اسلام، از حقیقت، از مکتب الهی؛ روز تولد بزرگ پاسداری که با خون خود و فرزندان و اصحابش مکتب را زنده کرد». (کلمات قصار امام تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، ص ۱۶۷)

مقام معظم رهبری: «خدا را شکر می کنیم که سپاه رشد کرد، قوی شد و رو به کمال رفت». «سپاه را باید همه مسئولان کشور، همه آحاد مردم و همه آحاد سپاه کاملاً جدی بگیرند». «امروز سپاه مجموعه ای از تجربه ها و آگاهی ها و دانش های نظامی و دانش های جنبی مثل دانش تسلیحات نظامی و نیز پیشرفت های گوناگون را با خود همراه دارد». (سخنرانی ۱۳۶۸/۳/۱۷، به نقل از: نرم افزار به سوی نور، کاری از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) «باید به معنای حقیقی کلمه، سپاه را تقویت کرد». «قوام و شخصیت سپاه به معنویتش است». «تنها نیرویی که قادر است از انقلاب و نظام دفاع کند، سپاه است». (سخنرانی ۱۳۶۸/۶/۱۹، به نقل از: نرم افزار به سوی نور)

پیامبر صلی الله علیه و آله به انس بن مرثدی غنوی، که نگهبان شب بود، فرمودند: *إِسْتَقْبِلْ هَذَا الشَّعْبَ حَتَّى تَكُونَ فِي أَعْلَاهُ وَ لَا تَغْرُنْ مِنْ قَبْلِكَ اللَّيْلَةَ*؛ (میزان الحکمه، ج ۳۵۴۷) پیامبر صلی الله علیه و آله به انس بن مرثدی غنوی، که نگهبان شب بود، فرمودند: بالای این درّه برو تا در بالاترین نقطه آن باشی و مبادا امشب از محل نگهبانی تو غافلگیر شویم.

پیامبر صلی الله علیه و آله: *رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ شَهْرٍ وَ صِيَامِهِ*؛ (عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۸۷) پیامبر صلی الله علیه و آله: يك روز مرزبانی در راه خدا از يك ماه شب زنده داری و روزه داری بهتر است.

پیامبر صلی الله علیه و آله: *عَيْنَانِ لَا تَمْسُهُمَا النَّارُ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ تَحَرُّسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ*؛ (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۹۶) پیامبر صلی الله علیه و آله: دو چشمند که آتش به آنها نمی رسد: چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که شب ها در راه خدا نگهبانی دهد.

امام علی علیه السلام: خَيْرُ النَّاسِ رَجُلٌ حَبَسَ نَفْسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجَاهِدُ أَعْدَاءَهُ يَلْتَمِسُ الْمَوْتَ أَوْ الْقَتْلَ فِي مَصَافِهِ؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۷) امام علی علیه السلام: بهترین مردم کسی است که در راه خدا خویشتن داری می کند و با دشمنان او به نبرد برمی خیزد، و مرگ یا کشته شدن در میدان نبرد را آرزو می کند.

چهارم شعبان ولادت حضرت ابا الفضل العباس (ع) (۲۶ ق)

حضرت ابا الفضل العباس (ع) فرزند برومند امام علی (ع) از مادری مشهور به ام البنین متولد شد. حضرت ابا الفضل (ع) از محضر پدری چون امیرالمؤمنین و برادرانی همچون امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، فیوضات علمی، معنوی و اخلاقی برگرفت و در کمالات گوناگون به جایگاه رفیعی دست یافت. حضرتش پس از شهادت پدر از همراهی و یاری برادرانش فروگذار نکرد و سرانجام به همراه امام و پیشوای خود، حضرت امام حسین (ع) در صحرای کربلا به شهادت رسید. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

او از مادری بزرگوار از قبیله بنی کلاب - که شجاع ترین، رزم آورترین و تیزتک ترین مردان روزگار را در خود داشت -، و در دامان پُرمهر او و در کنار برادران بی نظیری همچون امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، بالید و رشد کرد. کنیه آن بزرگوار، ابو الفضل و ابو قریبه (صاحب مشک) و القابش سقا و قمر بنی هاشم است. عباس علیه السلام، قامتی بلند، سینه ای سبّیر، بازوانی توانمند و چهره ای بس زیبا داشت، بدان سان که او را «ماه بنی هاشم» می گفتند. او از آغاز قیام ابا عبد الله الحسین علیه السلام، همراه و همدل ایشان و در هنگامه نبرد کربلا، پرچمدار سپاه او بود. عباس علیه السلام، در روزهای سخت محاصره امام علیه السلام و یارانش، سقایت سپاه و آب رسانی به کودکان را بر عهده داشت. او در آستانه شب عاشورا، در جمع همراهان حسین علیه السلام، هنگامی که امام علیه السلام از آنها خواسته بود تا بروند و ایشان را تنها بگذارند اولین کسی بود که با جملاتی سرشار از عشق و ایمان، و آکنده از ایثار، هم گامی و جان فشانی اش را اعلام کرد. شمر بن ذی الجوشن، در کربلا برای عباس علیه السلام و سه برادرش، امان نامه آورد. او که در آغاز، حتی از رویارو شدن با شمر، نفرت داشت، در ردّ پیشنهاد سفاهت آمیز او، شکوهمند و استوار، گفت: لعنت خدا بر تو و امان نامه ات باد! ... آیا به ما امان می دهی، در حالی که پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در امان نیست؟! (منبع: دانشنامه امام حسین (ع)، ج ۷، ص ۷۷-۸۵)

عباس علیه السلام، جلوه عشق و ایثار، تبلور رادمردی، صفا و وقار، و تجسم شجاعت، شهامت و کرامت است. او در میان حماسه آفرینان کربلا و شهیدان تاریخ، از چنان جایگاه بلند و مکان

والایی برخوردار است که به گفته سید الساجدین ، زین العابدین علیه السلام : برای عباس علیه السلام ، نزد خداوند «تبارک و تعالی» منزلتی است که همه شهدادرروز قیامت ، به او رشک می برند. امام حسین (علیه السلام) «عصر عاشورا که دشمن قصد حمله داشت» برخاست و فرمود: «یا عَبَّاسُ! إِزْكَبْ بِنَفْسِي أَنْتَ - يَا أَخِي - حَتَّى تَلْقَاهُمْ فَتَقُولَ لَهُمْ: مَا لَكُمْ؟ وَ مَا بَدَّالَكُمْ؟ وَ تَسْأَلَهُمْ عَمَّا جَاءَ بِهِمْ؟» (ای عباس! جانم به فدایت ای برادر! سوار شو و برو از آنها بپرس! هدف آنها چیست؟ چه روی داده است؟ و بپرس: چه دستور تازه ای به آنان داده شده؟). (الإرشاد ، ج ۲ ، ص ۹۰)

امام سجاد علیه السلام : رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آتَرَ وَ أْبَلَى وَ قَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ. رحمت خدا بر عباس! ایثار کرد و کوشید و جان فدای برادرش کرد. (الخصال ، ج ۱ ، ص ۶۸) .

امام سجاد علیه السلام : أَنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَغِيْطُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. عباس را نزد خداوند منزلتی است که درروز قیامت همه شهیدان بر آن رشک می برند. (بحار الأنوار ، ج ۲۲ ، ص ۲۷۴) . امام صادق علیه السلام : كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ بُنً عَلَى نَافِذِ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أْبَلَى بِلَاءً حَسَنًا وَ مَضَى شَهِيدًا. عموی ما ، عباس ، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود ؛ همراه با امام حسین علیه السلام جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید. (عمدة الطالب ، ص ۳۵۶) .

چهارم شعبان روز جانباز

رهبر جانبازان: یکی از جانبازان بزرگ انقلاب اسلامی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای، می باشند. ایشان در تاریخ ششم تیرماه ۱۳۶۰، هنگامی که در مسجد ابوذر تهران سخنرانی می کردند، بر اثر بمبی که منافقین کوردل کار گذاشته بودند به شدت مجروح گردید و پس از معالجه در بیمارستان هم چنان از ناحیه دست راست دچار مشکل هستند. امام خمینی رحمه الله در پیامی به مناسبت سوءقصد به جان ایشان مرقوم فرمودند: «من، به شما خامنه ای عزیز تبریک می گویم که در جبهه های نبرد، با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی، به این ملت مظلوم خدمت نموده و از خداوند تعالی، سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم».

جانبازان در کلام رهبر: مقام معظم رهبری در ضمن سخنانی می فرمایند: «جانبازان، سوابق درخشان خود در میدان جنگ و نیز مُهر و نشانی را که از جنگ تحمیلی بر جسم خود به یادگار دارند، هرگز نباید از تاریخ پرشکوه دفاع مقدس ملت ایران منقطع کنند؛ بلکه آن را به مانند ثروتی عظیم برای خود نگهدارند. جانبازان، یادگار آزمایش های بزرگ ملی محسوب می شوند و ملت ایران باید برای همیشه به آنان به عنوان الگوهای مقاومت ارج نهند و آنان را گرامی بدارند».

جوانان و نوجوانان جامعه ما برای رشد و تعالی خویش، و برای دفاع از انقلاب اسلامی و ارزش های آن و برای استقامت در راه رسیدن به اهداف اسلامی خویش نیازمند الگوی مناسب هستند. رهبر

معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) در این باره می فرمایند: «جانبازان قدرت های بسیاری را که خداوند متعال در روح و جسم انسان به ودیعه نهاده است به کار گرفتند و در میدان علم، مدیریت و ورزش، و نیز در بسیاری از مسایل دین و دنیا شگفتی آفریدند. بنابراین جوانان ایران در هر عرصه و رشته ای که وارد می شوند باید از جانبازان درس بگیرند و آنان را الگو و سرمشق خود قرار دهند».

از جانبازی تا شهادت: از جانبازی تا شهادت هیچ فاصله ای نیست و به تعبیر حضرت امام خمینی رحمه الله جانبازان شهیدان زنده انقلابند. جانباز همزاد شهادت است. جانباز همان شهیدی است که بقایای پیکرش در عالم خاک جا مانده است. چه بزرگوارند شهدای زنده انقلاب. این نعمت الهی و این حیات بهشتی بر جانبازان عزیز مبارک و جاودانه باد. (مجله گلبرگ مهر ۱۳۸۱، شماره ۳۴ روز جانباز)

پنج شعبان ولادت حضرت امام سجاد(ع)(۳۸ ق)

به صفحه ۹۰ مختصر حالات ششمین معصوم، چهارمین اختر امامت امام سجاد(ع) مراجعه شود.

یازده شعبان ولادت حضرت علی اکبر(ع) فرزند ارشد امام حسین(ع)(۳۳ ق)

در چنین روزی حضرت علی اکبر (ع) فرزند بزرگ امام حسین (ع) در سال ۲۵ قمری در مدینه دیده به جهان گشودند. مادر بزرگوار ایشان لیلا دختر ابی مره می باشد. وی زمانی چند در خانه امام حسین علیه السلام به سر برد و روزگاری در زیر سایه حسین (ع) بزیست. لیلا برای امام حسین (ع) پسری آورد، رشید، دلیر، زیبا، شبیه ترین کس به رسول خدا صلی الله علیه و آله رویش روی رسول، خویش خوی رسول، گفت و گویش، گفت و گوی رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ هر کسی که آرزوی دیدار رسول خدا را داشت بر چهره پسر لیلا می نگریست، تا آنجا که پدر بزرگوارش می فرماید: «هرگاه مشتاق دیدار پیامبر می شدیم به چهره او می نگریستیم»؛ به همین جهت روز عاشورا وقتی اذن میدان طلبید و عازم جبهه پیکار شد، امام حسین (ع) چهره به آسمان گرفت و گفت: «اللهم اشهد علی هؤلاء القوم فقد برز الیهم غلام اشبه الناس برسولك محمد خلقا و خلقا و منطقا و کنا اذا اشتقنا الی رؤیة نبيك نظرنا الیه...». حضرت علی اکبر در کربلا حدود ۲۵ سال داشت. برخی راویان سن ایشان را ۱۸ و برخی ۲۰ سال نیز گفته اند. او اولین شهید عاشورا از بنی هاشم بود.

در نظریه‌گیری که خلقت پیامبر هیچ نقصی نداشته و حضرت علی اکبر(ع) شبیه ترین فرد به پیامبر(ص) بوده پیغمبری که قرآن در مورد اخلاق ایشان فرموده: انک لعلی خلق عظیم. حضرت علی اکبر(ع) از نظر اخلاق هم شبیه ترین فرد به پیامبر(ص) بوده است از نظر منطق هم شبیه ترین فرد به

پیامبر (ص) بوده گفتار پیامبر به فرموده ی قرآن از روی هوای نفس نبوده امام حسین در وصف علی اکبر فرمود: علی اکبر شبیه ترین فرد از نظر گفتار به پیامبر است. یعنی ماینطق علی الهوی (بدون هوای نفس) است. و در ادامه فرمود: و کنا اذ اشفقنا الی بنیک نظرنا الی وجهه. خدا این پسر را با این ویژگی به میدان می فرستم هرگاه دلمان برای پیامبر تنگ می شد به جمال او نگاه می کردیم.

نقل است روزی علی اکبر علیه السلام به نزد والی مدینه رفته و از طرف پدر بزرگوارشان پیغامی را خطاب به او می برد، در آخر والی مدینه از علی اکبر سؤال کرد نام تو چیست؟ فرمود: علی سؤال نمود نام برادرت؟ فرمود: علی آن شخص عصبانی شد، و چند بار گفت: علی، علی، علی، «ما یریڈ اَبوک؟» پدرت چه می خواهد، همه اش نام فرزندان را علی می گذارد، این پیغام را علی اکبر علیه السلام نزد اباعبدالله الحسین علیه السلام برد، ایشان فرمود: واللّه اگر پروردگار دهها فرزند پسر به من عنایت کند نام همه ی آنها را علی می گذارم و اگر دهها فرزند دختر به من عطا، نماید نام همه ی آنها را نیز فاطمه می گذارم.

امام حسین سه فرزند بنام علی داشت اولی علی اکبر که در کربلا اول قتل من نسل خیر سلیل من سلاله ابراهیم الخلیل در میدان جنگ به شهادت رسید. و دومی علی اوسط، امام زین العابدین علیه السلام دومین فرزند پسر امام حسین علیه السلام بود، و به دلیل این که او میان علی اکبر و علی اصغر قرار داشت، علی اوسط (وَسْطَى) نیز نامیده شده است که در کربلا زنده ماند چون نسل امامت از او بود. و سومی علی اصغر که رضیع «شیرخواره ششماهه بود» و در کربلا با تیر حمله به شهادت رسید.

یازده شعبان روز جوان

روز جوان روزی است که در تقویم کشورهای مختلف برای جوانان نام گذاری شده است. روز ۲۱ آگوست توسط سازمان ملل بعنوان روز جوان در نظر گرفته شده است. در جمهوری اسلامی ایران ۱۱ شعبان تقویم هجری قمری، روز میلاد علی اکبر فرزند حسین بن علی (سومین امام شیعیان) بعنوان روز جوان در نظر گرفته شده است. جوانی، بهار عمر و فصل طربناک زندگی است. هیچ دوره ای از زندگی چون روزگار جوانی، سرسبز و خرم نیست، و هیچ انسانی همانند زمان جوانی، توان مند و پراثری نیست. بسیاری از پیروزی ها و کامیابی ها، تنها در سایه جوانی امکان پذیر است و بسیاری از آرزوها و هدف ها، فقط در فرصت جوانی قابل دست یابی است. جوانی فرصتی است که بر خلاف بسیاری از فرصت های دیگر، تنها یک بار در اختیار همه قرار می گیرد و چون به انجام خویش برسد، هرگز امکان تکرار نخواهد داشت. پس «فرصت جوانی»، طلایی ترین فرصت ها و ناب ترین موهبت هاست و نمی توان در این نکته تردید کرد که هدر دادن روزگاران خوش جوانی و تباه کردن این بهار زندگانی، به اندوهی انبوه و حسرتی متراکم خواهد انجامید، اما این روزگار، اقتضاهایی دارد؛

اقتضاهایی که بخشی از آنها به جوان بر می گردد و بخشی نیز به آنها که با جوان در تعاملند. آنها که به جوان بر می گردد، «نازها» و «نیازها»ی جوانی است. نازها، یعنی «سرزندگی، شیک پوشی، آراستگی، جمال گرایی، آرمان گرایی و...؛ و نیازها، یعنی عبادت و تضرع؛ دانش اندوزی، مهار و تعدیل غرایز، تهذیب نفس، ورزش، مطالعه، مسئولیت پذیری و... امام صادق علیه السلام به فردی که برای تبلیغ به بصره رفته بود فرمود: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ بر تو باد به جوانان که آنان در [پذیرش] نیکی و خیر، باشتاب‌ترند. (کافی: ج ۸، ص ۹۳، ح ۶۶ - حکمت نامه جوان: ح ۲۷). امام باقر علیه السلام: كَانَ أَبِي زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الشَّبَابِ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ أَذْنَاهُمْ إِلَيْهِ وَ قَالَ: مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ وَدَائِعُ الْعِلْمِ وَ يَوْشِكُ إِذْ أَنْتُمْ صِغَارٌ قَوْمٌ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ آخَرِينَ؛ امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم [امام] زین العابدین علیه السلام، هر گاه به جوانانی که دانش می اندوختند، می نگریست، آنان را به خود نزدیک می کرد و می فرمود: آفرین بر شما که امانت های [مردم برای آموختن] دانشید و به زودی شما کم سالان جامعه، بزرگان جامعه ای دیگر می شوید.

(الدرالنظیم فی مناقب الائمه اللهمم، ص ۵۸۷). امام علی علیه السلام: يَا مَعْشَرَ الْفِتْيَانِ، حَصَّنُوا أَغْرَاضَكُمْ بِالْأَدَبِ وَ دِينَكُمْ بِالْعِلْمِ؛ ای جوانان! آبرویتان را با ادب و دینتان را با دانش حفظ کنید. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۰). پیامبر صلی الله علیه و آله: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: الشَّابُّ الْمُؤْمِنُ يَقْدَرِي الرَّاضِي بِكِتَابِي، أَلْقَانِعُ بِرِزْقِي، أَلْتَارِكُ لِشَهْوَتِهِ مِنْ أَجْلِ هُوَ عِنْدِي كَبْعُضِ مَلَائِكَتِي؛ خداوند عَزَّوَجَلَّ می فرماید: جوان معتقد به قضا و قدرم، خشنود به آنچه برایش مقدر کرده ام، قانع به روزی ام و رهاکننده هوا و هوس به خاطر من، در نزد من ماندیکی از فرشتگان من است. (کنز العمال، ح ۴۳۱۰۷). امام صادق علیه السلام: اِعْلَمِي أَنَّ الشَّابَّ الْحَسَنَ الْخُلُقِ مِفْتَاحُ الْخَيْرِ، مِغْلَاقُ لِلْشَّرِّ وَ إِنَّا لَشَابُّ الشَّحِيحِ الْخُلُقِ مِغْلَاقُ لِلْخَيْرِ مِفْتَاحُ لِلْشَّرِّ؛ بدان که جوان خوش اخلاق، کلید خوبی ها و قفل بدی هاست و جوانِ بد اخلاق، قفل خوبی ها و کلید بدی هاست. (امالی طوسی، ص ۳۰۲، ح ۵۹۸). امام صادق علیه السلام: لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطٌ، فَإِنْ فَرَطَ صَبِيْعٌ، وَ إِنْ صَبِيْعٌ أَيْمٌ، وَ إِنْ أَيْمٌ سَكَنَ النَّارَ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ؛ دوست ندارم جوانانِ شما را جز در دو حالت ببینم: دانشمند یا دانش اندوز. اگر جوانی چنین نکند، کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد، تباه ساخته و اگر تباه ساخت، گناه کرده است و اگر گناه کند، سوگند به آن کس که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت، دوزخ نشین خواهد شد. (امالی طوسی، ص ۳۰۳، ح ۶۰۴). امام صادق علیه السلام: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَ كَانَ الْقُرْآنُ حَجِيْرًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر جوان مؤمنی که در جوانی قرآن تلاوت کند، قرآن با گوشت و خونس می آمیزد و خداوند عَزَّوَجَلَّ او را با فرشتگان بزرگوار و نیک قرار می دهد و قرآن نگهبان او در

روز قیامت ، خواهد بود. (کافی ، ج ۲، ص ۶۰۳ ، ح ۴). پیامبر صلی الله علیه و آله: یا مَعْشَرَ شَبَابِ قُرَيْشٍ إِحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ ، أَلَا مَنْ حَفِظَ فَرْجَهُ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ ای جوانان قریش! پاك دامنی پیشه کنید . بدانید هر کس خود را در برابر شهوت حفظ کند ، بهشت از آن اوست. (المعجم الأوسط ، ج ۷، ص ۶۱). پیامبر صلی الله علیه و آله: لَا تَمْنُوا هَلَكَ شَبَابُكُمْ وَ إِنْ كَانَ فِيهِمْ غَرَامٌ ، فَإِنَّهُمْ عَلَى مَا كَانَ فِيهِمْ عَلَى خِلَالٍ ، إِمَّا أَنْ يَتُوبُوا فَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، وَ إِمَّا أَنْ تُرَدِّيَهُمُ الْآفَاتُ ، إِمَّا عَدُوًّا فَيُقَاتِلُوهُ ، وَ إِمَّا حَرِيقًا فَيُطْفِئُوهُ وَ إِمَّا مَاءً فَيَسْدُوهُ ؛ نابودی جوانانتان را آرزو نکنید ، گرچه بدی های بسیار در آنان باشد، زیرا آنان با آبدی ها چند دسته اند : یا توبه می کنند و خداوند هم توبه آنان را می پذیرد و یا این که هفت ها ، آنان را از پای درمی آورد و یا با دشمنی می جنگند، یا آتش سوزی را، خاموشی نمایند و یا سیلی را سد می کنند. (حلیة الأولیاء ، ج ۵، ص ۱۱۹). پیامبر صلی الله علیه و آله: أَوْسِعُوا لِلشَّبَابِ فِي الْمَجْلِسِ وَ أَفْهِمُوهُمْ الْحَدِيثَ فَإِنَّهُمْ الْخُلُوفُ وَ أَهْلُ الْحَدِيثِ؛ برای جوانان در مجالس جای باز کنید، و امور نو و جدید را به آنان تفهیم کنید، چراکه این گروه جایگزین شما و درگیر مسائل جدید خواهند شد. (الفردوس ، ج ۱، ص ۹۸، ح ۳۲۰). امام علی علیه السلام: أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كَهَوْلَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلُ كُحْلِ الْعَيْنِ وَ الْمِلْحِ فِيالزَّادِ وَ أَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ؛ یاران مهدی (عج) جوان اند و کهن سالان در میان آنان کم اند ، مانند سُرمه در چشم و نمک در زاد و توشه ، که کمترین قسمت توشه ، نمک است. (الغیبة طوسی ، ص ۴۷۶، ح ۵۰۱)

پانزده شعبان ولادت با سعادت حضرت مهدی، امام زمان (عج) (۲۵۵ ق)

به صفحه ۲۰۸ خلاصه حالات چهاردهمین معصوم، دوازدهمین اختر امامت امام زمان (عج) مراجعه شود.

پانزده شعبان روز جهانی مستضعفان

وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. ما می خواهیم بر مستضعفان زمین مَنّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (قصص آیه ۵)

نیمه شعبان، این روز فرخنده، را روز جهانی مستضعفان نام گذاری نموده اند؛ زیرا در حکومتی که خورشید دوازدهم، حضرت ولی عصر (عج)، آن را بنیان گذاری می کند، زمام امور در دست طبقات محروم و مستضعف جامعه می باشد. در این نظام مقدس و الهی، طبقه اشراف و مستکبران که همیشه بر اثر خصلت برتری جویی و سلطه طلبی در برابر قیام های الهی پیامبران و اولیای دین ایستاده و از پذیرش عدل در جامعه خودداری کرده اند، هیچ گونه جایگاهی نخواهند داشت. خداوند در قرآن می فرماید: «ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان مَنّت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین

قرار دهیم». این آیه شریفه به صراحت از امامت و حکمرانی مستضعفان و پابرهنگان در عصر ظهور امام آخرین و پیشوای مستضعفان سخن می گوید و پایان دوره ستم و سلطه استکبار را به همگان نوید می دهد. حضرت امام خمینی رحمه الله نیمه شعبان را که روز جهانی مستضعفان نام گرفته است، روزی مبارک دانسته، چنین می فرماید: «چه مبارک است میلاد بزرگ شخصیتی که برپا کننده عدالتی است که بعثت انبیا برای آن بود و چه مبارک است زادروز ابرمردی که جهان را از شرّ ستمگران و دغل بازان تطهیر می نماید و زمین را پس از آن که ظلم و جور آن را فرا گرفته، پر از عدل و داد می نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می نماید و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغل بازی ها و فتنه انگیزی ها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حيله گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت... حق تعالی بر بسیط زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخ های ستم و کنگره های بیداد فرو ریزد». فرزانه ترین فریاد تاریخ و ماندگارترین یادِ زمانه، حضرت امام خمینی رحمه الله، آمریکا را دشمن مستضعفان جهان دانسته، خطاب به مسلمانان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران چنین می فرماید: «هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران! بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است. جهان باید بداند که ایران راه خدا را پیدا کرده است و تا قطع منافع آمریکای جهان خوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه ای آشتی ناپذیر دارد». (مجله گلبرگ مهر ۱۳۸۱، شماره ۳۴ روز جهانی مستضعفان) قرآن مجید آیه ای دارد که: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. (قصص/ ۵) و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم. امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: «هم آل محمد یبعث الله مہدیہم بعد جہدہم فیعزہم ویذلّ عدوہم». (غیبت شیخ طوسی، به نقل از نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱) «این گروه آل محمد هستند. خداوند مہدی آنها را پس از زحمت و فشاری که بر آنها وارد می شود، برمی انگیزد و به آنها عزّت می بخشد. دشمنانشان را ذلیل و خوار می سازد». از امام چهارم، چنین وارد شده است: والذی بعث محمداً بالحقّ بشیراً ونذیراً إنّ الأبرار منّا أهل البيت وشيعتهم بمنزلة موسى وشيعته، وإن عدوّنا وأشیاعهم بمنزلة فرعون وأشیاعه». (مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث) «سوگند به کسی که محمد را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد که نیکان ما اهل بیت و پیروان ما، به منزله موسی و پیروان او هستند و دشمنان ما و پیروان آنها به منزله فرعون و پیروان اویند (سرانجام ما پیروز می شویم و آنها نابود می شوند و حکومت حق و عدالت، از آن ما خواهد بود».

ماه مبارك رمضان

روزه یکی از احکام انسان ساز اسلام است، که آگاهی از همه فواید و پی بردن به فلسفه کامل آن همچون سایر احکام الهی برای انسان عادی ممکن نیست، دانش محدود بشر نمیتواند راهگشای همه اسرار نهفته باشد و اندیشه را به پاسخ همه مجهولات رهنمون شود، شاید روزی دانش انسان به حدی از کمال برسد که دریچه تازیای بر روی بشر بگشاید و حکمتها و دستورات اسلام را باز شناسد..... بنابراین ندانستن فلسفه احکام الهی نباید ما را از انجام آن باز دارد و موجب نا فرمانی و عصیان شود، چرا که این اطاعت کورکورانه نیست، بلکه بر علم و یقین تکیه دارد زیرا مسلمانان میدانند که خدای جهان بر همه چیز دانا و از همه چیز آگاه است و نقص و نیازی در ذات متعال او نیست که از اعمال سودی بخواهد یا از زیانی بهراسد، خدای مهربان خیر محاست و برای بندگان خود جز خیر و سعادت نمیخواهد، پس اگر به چیزی فرمان میدهد خیر و سعادت ما در آن است و کمال و تعالی ما بدان بستگی دارد و هر چیزی را نهی میفرماید برای ما زیان بخش است و بر مصالح مادی و معنوی ما لطمه میزند. فواید طبی و بهداشتی روزه که از سودمندیهای کوچک این فریضه انسان ساز است بحدی است که شاید نیاز به توضیح و تکرار نداشته باشد و بیشتر مردم کم و بیش از آن آگاهند. ما به اختصار به گوشه ای از این فواید انسان ساز اشاره میکنیم: معده و دستگاه گوارش از اندام پرکار بدن آدمی است، با سه وعده غذا که معمول مردم است؛ تقریباً در همه ساعات دستگاه گوارش به هضم و تحلیل و جذب و دفع مشغول است. روزه باعث میشود از یکسو این اعضا استراحت کنند و از فرسودگی مصون بمانند و نیروی تازه ای بگیرند و از سوی دیگر ذخایر چربی که زیانهای مهلکی دارند تحلیل رفته و کاسته شوند. در روایات اسلامی حتی به فواید جسمی روزه نیز تصریح شده تا برخی از سست عنصران، اگر نه با ایمان کامل لاقفل با توجه به فواید بهداشتی روزه این فریضه ثمر بخش را بجای آورند و از سودمندیهای گوناگون آن در حد خود بهره ور شوند. پیامبر گرامی اسلام (ص) در همین رابطه فرموده اند: «صوموا تصحوا» روزه بگیرید تا سالم بمانید. و نیز در روایات بسیاری پیشوایان گرامی اسلام فرموده اند: «معده آدمی خانه بیماریهای اوست و پرهیز از غذا درمان آن است» بدیهی است آنگاه فواید بهداشتی روزه بهتر به دست میآید که روزه دار امساک روز را با زیاده روی در شب تلافی نکند، که پر خوری خود موجب زیانهای چشم گیری برای دستگاه گوارش است. با پیشرفت دانش پزشکی، برخی از پزشکان و متخصصان دریافته اند که امساک از خوردن و آشامیدن، عالی ترین روش درمانی است، پیامبر بزرگوار (ص) در خطبه ای فضیلتهای ماه رمضان را برای مسلمانان بیان فرمود علی (ع) پرسید: بهترین اعمال در این ماه چیست؟ پیامبر پاسخ دادند: «الورع عن محارم الله» اجتناب و پرهیز از گناهان. روزه دار با بکار بستن این دستور الهی که شرط کمال روزه است، روحیه تقوی را در خود زنده میکند و این مراقبت ثمر بخش در ماه مبارک

رمضان و در حال روزه بسیار آسان تر است چرا که گرسنگی و تشنگی و دیگر محدودیتهای روزه شعله های سرکش غرایز حیوانی و هوسها را تا حد چشمگیری خاموش میسازد و حتی اگر موقت هم باشد گریبان عقل و جان را از چنگال شهوت رها میسازد و برای روزه دار زمینه ای آماده برای تمرین تقوی و پرهیزگاری فراهم میشود و با مراقبت و تمرین پیایی در یکماه نیروی بازدارنده از گناه در او به وجود میآید و خصلت خودداری در او ریشه میگیرد و رشد میکند و او با گذراندن این برنامه یکماهه توفیق می یابد که پس از ماه روزه نیز پرهیزکار باقی بماند. بدین ترتیب به مقام پر ارج تقوی که به تعبیر قرآن و فرموده پیشوایان معصوم ماکرامت انسان بدان وابسته است برای همیشه نایل آید. قرآن کریم: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ . رمضان ، ماهی است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است ؛ [کتابی] که مردم را راهنما و [در بردارنده] نشانه های آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل است . (بقره ، آیه ۱۸۵) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَا تُغْلَقُ إِلَى آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ ؛ درهای آسمان در شب اول ماه رمضان گشوده می شود و تا آخرین شب این ماه بسته نمی شود . (بحار الأنوار ، ج ۹۶ ، ص ۳۴۴) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : إِنَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقَى مَنْ خَرَجَ مِنْهُ هَذَا الشَّهْرُ وَ لَمْ يَغْفَرْ ذُنُوبَهُ . بدبخت واقعی کسی است که این ماه را پشت سر گذارد و گناهانش آمرزیده نشود . (میزان الحکمه ، ج ۷۴۵۸) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : إِنَّمَا سُمِّيَ الرَّمَضَانُ لِأَنَّهُ يَرْمِضُ الذُّنُوبَ ؛ رمضان ، رمضان نامیده شد؛ زیرا گناهان را می سوزاند . (میزان الحکمه ، ج ۷۴۴۱) .

امام حسن علیه السلام : إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِخَلْقِهِ فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ ؛ خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه ای برای آفریدگان خود قرار داده تا با طاعتش برای خشنودی او از یکدیگر پیشی گیرند . (تحف العقول ، ص ۲۳۶) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ ؛ روزه سپری است در برابر آتش . (بحار الأنوار، ج ۴، ص ۶۲) پیامبر صلی الله علیه و آله : لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصَّيَامُ ؛ برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن ها روزه داری است . (الکافی ، ج ۴، ص ۶۲) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : صُومُوا تَصِحُّوا ؛ روزه بگیرید تا تن درست باشید . (الدعوات ، ص ۷۶) . امام علی علیه السلام : صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْآثَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ عَنِ الطَّعَامِ ؛ روزه دل ، اندیشیدن به گناهان ، برتر است از روزه شکم ؛ یعنی غذا خوردن . (میزان الحکمه ، ج ۱۰۹۴۸) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : أَكْثَرُوا فِيهِ (شَهْرِ رَمَضَانَ) مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ؛ در ماه رمضان ، قرآن بسیار تلاوت کنید . (فضائل الأشهر الثلاثة ، ص ۹۵) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَخْدُثَ رَبُّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ ؛ هرگاه فردی از شما دوست داشته باشد که با پروردگارش سخن بگوید ، قرآن بخواند . (میزان الحکمه ، ج ۱۶۴۹۷) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : لَا تَغْفُلْ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ يَحْيِي الْقَلْبَ وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ ؛ از خواندن قرآن غافل مشو ؛ زیرا قرآن دل را زنده می کند و از فحشا و زشت کاری و ستم باز می دارد . (میزان الحکمه ، ج ۱۶۵۰۳) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : الصَّائِمُ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ ؛ دعای روزه دار رد نمی شود . (مسند أحمد، ج ۲ ، ص ۷)
پیامبر صلی الله علیه و آله : إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ : وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَقَدْ أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي بِفَتْحِ أَبْوَابِ سَمَاوَاتٍ لِلدَّاعِيْنَ مِنْ عِبَادِي وَ إِمَائِي ؛ خداوند در هر شب ماه رمضان می گوید : «به عزت و جلالم سوگند ، به فرشتگان فرمان داده ام درهای آسمان ها را بر روی بندگان دعا کننده من بگشایند» . (فضائل الأشهر الثلاثة ، ص ۹۹) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : هُوَ شَهْرُ الْإِسْتِغْفَارِ وَ هُوَ شَهْرُ الصَّيَامِ وَ هُوَ شَهْرُ الدُّعَاءِ ؛ ماه رمضان ماه استغفار، ماه روزه و ماه دعا است . (فضائل الأشهر الثلاثة ، ص ۱۱۷) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : . . . أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ . . . إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفُكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ . . . ؛ ماه خدا به سوی شما روی آورده است . . . جان شما در گرو اعمال شما است ؛ پس آن را با استغفار آزاد کنید . (عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲ ، ص ۲۶۵) .

پیامبر صلی الله علیه و آله : وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ ؛ دعای شما در این ماه به اجابت می رسد . (الأمالی، صدوق ، ص ۱۵۴) . امام علی علیه السلام : عَلَيَكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ؛ بر شما باد در ماه رمضان به بسیاری استغفار و دعا . (الکافی ، ج ۴ ، ص ۸۸) .

دهم رمضان المبارک وفات حضرت خدیجه علیها سلام سال دهم بعثت

بیشتر منابع تاریخی، سال وفات خدیجه (س) را دهم بعثت، یعنی ۳ سال قبل از هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه ذکر کرده اند. این منابع، سن خدیجه (س) را هنگام وفات، ۶۵ سال دانسته اند. ابن عبدالبردر الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸، سن خدیجه (س) را هنگام وفات، ۶۴ سال و شش ماه ذکر می کند. برخی دیگر از منابع، سال رحلت خدیجه (س) را همان سال درگذشت ابوطالب و اندکی بعد از آن دانسته اند. ابن سعد در الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۶، رحلت خدیجه (س) را ۳۵ روز بعد از وفات ابوطالب می داند. وی و برخی دیگر از مورخان، زمان رحلت خدیجه را، ماه رمضان سال دهم بعثت ذکر کرده اند. ابوطالب عموی پیامبر نیز در همین سال از دنیا رفت. پیامبر این سال را عام الحزن نامید. حضرت خدیجه، در فاصله سی یا سی و پنج روز پس از رحلت عموی پیامبر، ابوطالب، از دنیا می رود و بدین ترتیب، هر دو یار رسول خدا، او را تنها می گذارند. پیامبر در غم از دست دادن

ایشان آن سال را «عام الحزن» یعنی سال اندوه نام نهاد. بنا بر روایات اسلامی، پیامبر (ص) ابتدا با ردای خودش و سپس با ردای بهشتی، خدیجه (س) را کفن کرد و او را در قبرستان معلّاه در دامنه کوه حجّون که بر فراز شهر مکه است، به خاک سپرد. مدفن خدیجه بنای مختصری داشته و زیارتگاه حجّ گزاران و زائران مکه است. بسیاری از زائران و حجّ گزاران که پیش از حکومت آل سعود و تخریب بسیاری از اماکن تاریخی و مذهبی (۱۳۰۵ ش) به دست این حکومت، به مکه رفته اند، از مقبره او یاد کرده و توصیفات از آن را ذکر کرده اند. ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «با فضیلت ترین زنان اهل بهشت چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد (ص)، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون.» (خصال، ج ۱، ص ۲۰۵) همچنین امامان معصوم علیهم السّلام در خطبه ها و سخنانشان به داشتن مادری چون حضرت خدیجه سلام الله علیها افتخار می کردند. امام حسن مجتبی علیه السّلام در یکی از سخنانشان در جواب به ناسزاگویی های معاویه لعنة الله علیه فرمودند: «...منم حسن و پدرم علی است، تویی معاویه و پدرت صخر است، مادر من فاطمه است و مادر تو هند، جد من رسول خداست و جد تو حرب، مادر مادر من خدیجه است و مادر مادر تو؛ پس خدا لعنت کند از ما آن کس که نامش پلیدتر و حسب و نسبش پست تر و سابقه اش بدتر، و کفر و نفاقش پیش تر بوده است...» (ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص: ۱۵ - ترجمه رسولی محلاتی (با ویرایش ادبی)) امام حسین علیه السّلام در روز عاشورا برای معرفی خویش و آگاه کردن دل های بیدار، به مادرش فاطمه علیها السّلام و مادر بزرگ شایسته و فداکارش حضرت خدیجه اشاره نموده و فرمود: «شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید که مادر من فاطمه (س) دختر محمد (ص) است؟! گفتند: آری به خدا! ... فرمود: شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید که مادر بزرگ من خدیجه دختر خویلد، نخستین زنی است که اسلام را پذیرفت؟! گفتند: آری به خدا!...» (امالی (شیخ صدوق)، ص: ۱۵۸-۱۵۹)

پانزده رمضان المبارک ولادت سبط اکبر، امام حسن مجتبی (ع) (۳ ق)

به صفحه ۵۷ خلاصه حالات چهارمین معصوم، دوّمین احترامات امام حسن مجتبی (ع) مراجعه شود.

نوزده رمضان المبارک اولین شب قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ. ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم و از شب قدر چه آگاهت کرد شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است در آن [شب]

فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند [آن شب] تا دم صبح صلح و سلام است.

شب قدر شبی است که: ۱- قرآن در آن نازل شده است. ۲- حوادث سال آینده در آن تقدیر می‌شود. ۳- این حوادث بر امام زمان - روحی فداه - عرضه و آن حضرت مأمور به کارهایی می‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت شب قدر، شب تقدیر و شب اندازه‌گیری و شب تعیین حوادث جهان ماده است. این مطلب مطابق آیات قرآنی نیز می‌باشد؛ زیرا در آیه ۱۸۵ سوره مبارکه «بقره» می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»؛ ماه رمضان که در آن قرآن نازل شده است. «طبق این آیه، نزول قرآن (نزول دفعی) در ماه رمضان بوده است. و در آیات ۳-۵ سوره مبارکه دخان می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ». این آیه نیز تصریح دارد که نزول [دفعی] قرآن در یک شب بوده است که از آن به شب مبارک تعبیر شده است. همچنین در سوره مبارکه قدر تصریح شده است که قرآن در شب قدر نازل شده است. مرحوم کلینی در کافی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در جواب معنای آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» فرمودند: «آری شب قدر، شبی است که همه ساله در ماه رمضان و در دهه آخر آن، تجدید می‌شود. شبی که قرآن جز در آن شب نازل نشده و آن شبی است که خدای تعالی درباره اش فرموده است: «فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ؛ در آن شب هر، امری با حکمت، متعین و ممتاز می‌گردد.» آنگاه فرمود: «در شب قدر، هر حادثه‌ای که باید در طول آن سال واقع گردد، تقدیر می‌شود؛ خیر و شر، طاعت و معصیت و فرزندگی که قرار است متولد شود یا اجلی که قرار است فرارسد یا رزقی که قرار است برسد و...» «قدر» در لغت به معنای اندازه و اندازه‌گیری است. «تقدیر» نیز به معنای اندازه‌گیری و تعیین است. اما معنای اصطلاحی «قدر»، عبارت است از ویژگی هستی و وجود هر چیز و چگونگی آفرینش آن به عبارت دیگر، اندازه و محدوده وجودی هر چیز، «قدر» نام دارد.

پیامبر صلی الله علیه وآله: مَنْ أَحْيَى لَيْلَةَ الْقَدْرِ حُوِّلَ عَنْهُ الْعَذَابُ إِلَى السَّنَةِ الْقَابِلَةِ. هر کس شب قدر را احیا بدارد، تا سال آینده عذاب از او بر داشته می‌شود. (اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳۴۵).
پیامبر صلی الله علیه وآله: مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيْمَانًا وَ احْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. هر که از روی ایمان و برای رسیدن به ثواب الهی، شب قدر را به عبادت بگذراند، گناهان گذشته اش آمرزیده می‌شود. (فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۳۶).
امام صادق علیه السلام: قَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ. قلب ماه رمضان، شب قدر است. (بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۷۶).

امام صادق علیه السلام: مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ. هر که فاطمه را، آن گونه که سزاوار است، بشناسد، بی‌تردید شب قدر را درک کرده است. (بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۵).

امام صادق علیه السلام: التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَالْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَالْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ. مقدرات در شب نوزدهم تعیین، در شب بیست و یکم تأیید و در شب بیست و سوم ماه [رمضان] امضا می‌شود. (الکافی، ج ۴، ص ۱۵۹).

شبهای بیست و یکم و بیست و سوم نیز شبهای قدر است که اعمال مشترکه هر سه شب و اعمال مخصوصه هر شب در مفاتیح الجنان و در دسترس همگان است «رحم الله لمؤلفه»

نوزده ماه مبارک رمضان ضربت خوردن حضرت امام علی(ع) و شب قدر

۱- پس از جنگ نهروان میان امام علی(ع) و خوارج، سه تن از آنان در خانه‌ی کعبه برای قتل معاویه، عمرو عاص و امام علی(ع) هم پیمان شدند که در شب نوزدهم رمضان، مبادرت به آن کار نمایند. عبدالرحمن بن ملجم مرادی که از یاران سابق امام علی(ع) بود، در این شب، ضربتی را بر فرق مبارک امام وارد می‌سازد و اثر زخم و زهر شمشیر، امام را ناتوان ساخته و در ۲۱ رمضان به شهادت می‌رساند. ۲- قدر، شب مقدرات ترجمه سوره قدر: ما این قرآن عظیم الشان را (که رحمت واسع و حکمت جامع است) در شب قدر نازل کردیم و چه تو را به عظمت این شب قدر آگاه تواند کرد، شب قدر (به مقام و مرتبه) از هزار ماه بهتر و بالاتر است در این شب فرشتگان و روح (جبرئیل) به اذن خدا (بر مقام ولایت نبی و امام عصر (عج) از هر فرمان (و دستور الهی و سرنوشت مقدرات خلق را) نازل می‌گردانند، این شب، رحمت و سلامت و تهنیت است تا صبحگاه. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

در روایتی از جابر بن عبدالله انصاری آمده است که پیامبر به حضرت علی(ع) فرمود: «تو جانشین منی و تو را خواهند کشت و سرانجام محاسنت به خون سرت خضاب خواهد شد». امام علی(ع) یک عمر بی‌صبرانه در انتظار شهادت بود و در آخرین رمضان عمرش، حال و هوای دیگری داشت. این روزها، بارها از شهادت خود خبر داد. گویا هر روز که موعد وصال نزدیک تر می‌شد، مولا برای رفتن، بی‌تاب تر و بی‌قرارتر می‌شد. وقتی آسمان و زمین به تلاطم درآمد و ندای جبرئیل پشت عالم را لرزاند، مردم کوفه فهمیدند که محراب، با خون علی(ع) رنگین شد. حسنین(ع) به سمت مسجد دویدند. عده‌ای از مردم خواستند امام را بلند کنند تا به نمازش ادامه دهد، اما آن حضرت، توان ایستادن نداشت. نماز را نشسته تمام کرد و از شدت زخم و زهر بی‌هوش شد. امام را در گلیمی خواباندند و حسن و حسین(ع) گوشه‌های گلیم را گرفتند و حضرت را به منزل رساندند. ابن ملجم را نزد امام آوردند. حضرت به صورت او نگاه کرد و با صدای ضعیفی گفت: آیا من امام بدی برای تو

بودم؟ آیا در حق تو لطف و احسان نکردم؟ با آنکه می دانستم تو مرا خواهی کشت، خواستم با این کار، مانع آن شوم که شقی ترین افراد باشی و از گمراهی بیرون بیایی ...». ابن ملجم گریست. امام سفارش او را به فرزندش، حسن (ع) کرد: «پسرم، با او مدارا کن! نمی بینی که چگونه چشمانش از ترس در حلقه می چرخد و دلش مضطرب است». امام حسن (ع) فرمود: «پدر جان! او تو را کشت و تو مرا امر به مدارا می کنی؟!». امام فرمود: «ما اهل بیت رحمتیم. به او از غذا و آشامیدنی خودت بخوران! اگر از دنیا رفتیم، او را قصاص کن و گرنه خودم داناتریم که با او چه کنیم و من به عفو کردن اولی هستم». اصبع بن نباته می گوید: وارد خانه علی (ع) شدم، دیدم بر سر مبارک آن حضرت، پارچه زردی بسته اند و خون، مرتب از سر حضرت می ریزد. چهره امام به قدری زرد بود که میان رنگ پارچه و صورت را تشخیص نمی دادم. ناله ای کردم و خود را به دامن حضرت انداختم، او را می بوسیدم و اشک می ریختم. حضرت به من فرمود: «گریه نکن اصبع، قسم به خداوند، من در آستانه بهشتیم». آنگاه به دخترشان که به شدت اشک می ریخت، فرمود: «اگر آنچه را پدرت می بیند، می دیدی، گریه نمی کردی، ملائکه و انبیای عظام را می بینم که صف کشیده اند و همه منتظرند تا من بروم!» برای معالجه آن حضرت، اطبای کوفه را جمع کردند. عالم ترین آنها، زخم آن حضرت را معاینه کرد و به آن حضرت عرض کرد: وصیت کنید که این ضربت، کار خود را کرده است و دیگر تدبیری نمی توان کرد. (مجله اشارات شهریور ۱۳۸۸ - شماره ۱۲۴ ضربت خوردن و شهادت امام علی (ع))

بیست و یک ماه مبارک رمضان شهادت مظلومانه ی حضرت امام علی (ع) (۴۰ ق)

پس از ضربت خوردن امام علی (ع) در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان توسط ابن ملجم مرادی از بازماندگان خوارج نهروان، درمان آن زخم تأثیری نبخشید و نوید پیامبر به امام به این که محاسن سفید حضرت به خون سرش رنگین می گردد، تحقق یافت.

محمد حنفیه می گوید: وقتی شب ۲۱ رمضان شد، پدرم فرزندان و اهل بیت خود را جمع و با آنها وداع کرد. [سپس] وصیت کرد که ملازم ایمان و احکام الهی باشیم». اندکی قبل از شهادت، حضرت فرمود: «مرگ برای من، مهمان ناخوانده و ناشناس نیست، مَثَل من و مرگ، مَثَل لب تشنه ای است که بعد از مدت ها به آب برسد و همانند کسی است که گم شده ای ارزشمند را بعد از مدت ها بیابد». سرانجام به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر گواهی داد و به سوی رضوان خداوند پر کشید. آن حضرت را پس از غسل و کفن بر تابوتی گذاشتند و طبق وصیت پدر، حسن و حسین (ع) عقب تابوت را گرفتند، در حالی که جلوی تابوت آن حضرت را جبرئیل و میکائیل گرفته بودند. به سفارش آن حضرت، کسی از مردم در تشییع جنازه حاضر نشد. وقتی جنازه به محل بلندی رسید، جلوی تابوت

به سمت زمین فرود آمد. پس زمین را کردند و در آنجا قبر و سنگ و خشتی یافتند و نوشته ای با خط سریانی دیدند که: «این قبری است که نوح پیامبر، هفت صد سال پیش از طوفان، برای وصی محمد(ص) حفر کرده است.» زمانی که پیکر پاک حضرت را داخل قبر گذاردند، ندایی برخاست که: «فرود آوردید و منزل دهید او را به خاک پاک که دوست، مشتاق دوست خود است». بعد از دفن حضرت، امام حسن(ع) به میان مردم آمد، بر فراز منبر رفت و درحالی که اشک از دیدگانش سرازیر بود و بغض، گلویش را می فشرد، فرمود: «در شبی که گذشت، مردی از جهان رخت برپست که در میان پیشتازان اسلام هیچ فردی جز رسول خدا بر او سبقت نگرفت. او در کنار پیامبر جهاد کرد و پرچم پیامبر را بر دوش کشید، درحالی که جبرئیل و میکائیل از او حمایت می کردند. در شبی به جوار رحمت الهی رفت که قرآن در آن شب بر رسول خدا(ص) فرود آمد و عیسی بن مریم(ع) به آسمان عروج کرد و یوشع بن نون به شهادت رسید... پدر من از اموال و دارایی دنیا، دینار و درهمی نگذارد، مگر هفت صد درهمی که برای خانواده کنار گذاشت...». (مجله اشارات شهریور ۱۳۸۸ - شماره ۱۲۴ ضربت خوردن و شهادت امام علی(ع))

هنگامی که ابن ملجم - که خدا لعنتش کند - او را ضربت زد، حضرتش به حسن و حسین علیهماالسلام چنین وصیت فرمود: «شما را به تقوای الهی سفارش می کنم و اینکه در طلب دنیا برنیایید گر چه دنیا در طلب شما برآید، و بر آنچه از دنیا محروم ماندید اندوه و حسرت مبرید، و حق بگویید، و برای پاداش (اخروی) کار کنید، و دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید. شما دو نفر و همه فرزندان و خانواده ام و هر کس را که نامه ام به او می رسد سفارش می کنم به تقوای الهی و نظم کارتان و اصلاح میان خودتان، چرا که از جدتان شنیدم که می فرمود: «اصلاح میان دو کس از انواع نماز و روزه برتر است.» «خدا را خدا را درباره یتیمان در نظر آرید، هر روز به آنان رسیدگی کنید و حتی یک روز دهان آنان را خالی نگذارید و مبادا در حضور شما تباه شوند». «خدا را خدا را درباره همسایگان در نظر دارید، که آنان سخت مورد سفارش پیامبرتان هستند، پیوسته به همسایگان سفارش می کرد تا آنجا که پنداشتیم آنان را ارث بر خواهد نمود». «خدا را خدا را درباره قرآن یاد کنید، مبادا دیگران به عمل به آن بر شما پیشی گیرند». «خدا را خدا را درباره نماز یاد کنید، که آن ستون دین است». «خدا را خدا را درباره خانه پروردگارتان یاد کنید، تا زنده هستید آن را خالی (و خلوت) نگذارید؛ که اگر این خانه متروک بماند دیگر مهلت نخواهید یافت». «خدا را خدا را درباره جهاد در راه خدا به مال و جان و زیانتان یاد آرید، و بر شما باد به همبستگی و رسیدگی به یکدیگر، و بیرهیزید از قهر و دشمنی و بریدن از هم امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که بدانتان بر شما چیره می شوند، آن گاه دعا می کنید ولی مستجاب نمی گردد». «ای فرزندان عبدالمطلب، مبادا شما را چنان بینم که به بهانه اینکه امیر مؤمنان کشته شد دست به خون مسلمانان بیالایید؛ هش دارید

که به قصاص خون من جز قاتلم را نباید بکشید؛ بنگرید هر گاه که من از این ضربت او جان سپردم تنها به کیفر این ضربت یک ضربت بر او بزنید و این مرد را مثله نکنید، چرا که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: از مثله کردن پرهیزید گرچه سگ هار باشد». [مثله کردن: بریدن انگشت و بینی و گوش و دیگر اعضای کسی]. (نهج البلاغه، نامه ۴۷) از وصیت دیگر آن حضرت پیش از شهادت و پس از ضربت ابن ملجم ملعون: «وصیت من به شما آن است که چیزی را با خدا شریک مسازید، و به محمد صلی الله علیه و آله و سلم سفارش می کنم که سنت او را ضایع مگذارید، این دو ستون را به پا دارید، و این دو چراغ را فروخته بدارید، و تا از جاده حق منحرف نشده اید هیچ نکوهشی متوجه شما نیست. من دیشب یار و همدم شما بودم و امروز مایه عبرت شما گشته ام و فردا از شما جدا خواهم شد. خداوند من و شما را بیامزد. اگر زنده ماندم خودم صاحب اختیار خون خود هستم، و اگر فانی شدم فنا میعادگاه من است، و اگر بخشیدم بخشش مایه تقرب من به خدا و نیکویی برای شماست؛ پس شما هم ببخشید؛ آیا نمی خواهید که خدا هم شما را ببخشد؟» [اقتباس از آیه ۲۲ سوره نور] به خدا سوگند هیچ حادثه ای ناگهانی از مرگ به من نرسید که آن را ناخوش دارم، و نه هیچ وارد شونده ای که ناپسندش دانه؛ و من تنها مانند جوینده آبی بودم که به آب رسیده، و طالب چیزی که بدان دست یافته است؛ و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است». [اقتباس از آیه ۱۹۸ سوره آل عمران]. (نقل از امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۹۵۸-۹۵۶).

جمعه آخر ماه مبارک رمضان روز جهانی قدس

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (اسری آیه ۱)

قدس، قبله نخستین و حرم دوم مسلمانان جهان، سرزمین اصلی و وطن میلیون ها آواره مسلمان فلسطینی است که استکبار جهانی توسط صهیونیسم جنایتکار، از سال ۱۹۴۸ آن سرزمین را از دست ساکنانش خارج ساخت و تحت سلطه نیروهای اشغالگر قدس قرارداد. این توطئه از همان اولین سال های اجر، با مقاومت مردم مسلمان فلسطین و اعتراض مسلمانان و انسان های آزاده و بیدار دل جهان مواجه شد و به شکل مبارزات پیگیر و سیاسی نظامی، چهره خود را نشان داد. ملت بزرگوار و مسلمان ایران نیز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مسأله آزاد سازی فلسطین از چنگال غاصبان قدس را سرلوحه آرمان هایش قرارداد و همه ساله روز قدس را به روز فریاد کشیده بر سر ستمکاران تاریخ تبدیل کرده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام امت در اولین فرصت روزی را برای نجات قدس از چنگال صهیونیست های جنایتکار، به عنوان روز قدس تعیین نمودند و پیامی که به همین مناسبت صادر نمودند، فرمودند: بسم الله الرحمن الرحيم من طی سالیان دراز،

خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون، این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند؛ و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان "روز قدس" انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی.

در روز قدس، گروه هایی از یهودیان و طرفداران کشور اسرائیل و طرفداران جنبش صهیونیسم در برخی کشورهای اروپایی و در ایالات متحده آمریکا، تظاهراتی را علیه این مراسم به راه می اندازند. در اسرائیل نیز تظاهراتی در اعتراض به برگزاری مراسم روز قدس که آن را نماد صهیونیسم ستیزی می دانند، برگزار می شود.

پیامبر صلی الله علیه وآله: أَنَّهُمْ (اليَهُودُ) أَغَشَّ الْخَلْقَ لِلْمُسْلِمِينَ؛ به درستی که یهود ناسره ترین مردم نسبت به مسلمانان، است. (میزان الحکمه، ج ۱۴۹۶۲). پیامبر صلی الله علیه وآله: لَا تَزَالُ عِصَابَةُ مَنْ أُمَّتِي يَقَاتِلُونَ عَلَى أَبْوَابِ دِمَشْقَ و مَا حَوْلَهُ و عَلَى أَبْوَابِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ و مَا حَوْلَهُ لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانُ مَنْ خَذَلَهُمْ ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ؛ پیوسته گروهی از امت من بر دروازه های دمشق و پیرامونش و بیت المقدس و پیرامون آن مبارزه می کنند و یاری نکردن آنان، زیانی به آنها نمی رساند. آنان تا روز قیامت پشتیبان حق اند. (مسند ابی یعلی، ج ۱۱، ص ۳۰۲).

پیامبر صلی الله علیه وآله: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَنْ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَوْ مَسَجِدِ رَسُولِي أَوْ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَمَاتَ، مَاتَ شَهِيدًا؛ خداوند [در حدیث قدسی] می فرماید: هر کس مرا در خانه ام (مسجد الحرام) یا در مسجد پیامبرم (مسجد النبی) یا در بیت المقدس زیارت کند و بمیرد، شهید جان سپرده است. (کنز العمال، ج ۳۵۰۰۴).

امام علی علیه السلام: أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ و مَسْجِدُ الرَّسُولِ و مَسْجِدُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ و مَسْجِدُ الْكُوفَةِ؛ چهار قصر از قصرهای بهشت در دنیا هستند: مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه. (بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۸۰).

امام باقر علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ اسْتَقْبَلَ بَيْتَ الْمَقْدِسِ سَبْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا ثُمَّ صُرِفَ إِلَى الْكَعْبَةِ؛ رسول خدا بیت المقدس را هفده ماه قبله قرار دادند و پس از آن به سمت کعبه برگشتند. (قرب الإنسان، ص ۱۴۸).

یک شوال المکرم عید سعید فطر

عید فطر یکی از دو عید بزرگ در سنت اسلامی است که درباره آن احادیث و روایات بیشمار وارد شده است. مسلمانان روزه دار که ماه رمضان را به روزه داری به پا داشته و از خوردن و آشامیدن و بسیاری از کارهای مباح دیگر امتناع ورزیده اند، اکنون پس از گذشت ماه رمضان در نخستین روز ماه شوال اجر و پاداش خود را از خداوند می طلبند، اجر و پاداشی که خود خداوند به آنان وعده داده است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در یکی از اعیاد فطر خطبه ای خوانده اند و در آن مؤمنان را بشارت و مبطلان را بیم داده اند. خطب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام يوم الفطر فقال: ایها الناس! ان یومکم هذا یوم یناب فیہ المحسنون و یخسر فیہ المبتلون و هو اشبه بیوم قیامکم، فاذکروا بخروجکم من منازلکم الی مصلاکم خروجکم من الاجداث الی ربکم و اذکروا بوقوفکم فی مصلاکم و وقوفکم بین یدی ربکم، و اذکروا برجوعکم الی منازلکم، رجوعکم الی منازلکم فی الجنه. عباد الله! ان ادنی ما للصائمین و الصائمات ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان، ابشروا عباد الله فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم فانظروا کیف تکنونون فیما تستأنفون ای مردم! این روز شما روزی است که نیکوکاران در آن پاداش می گیرند و زیانکاران و تبهکاران در آن مایوس و نا امید می گردند و این شباهتی زیاد به روز قیامتتان دارد، پس با خارج شدن از منازل و رهسپار جایگاه نماز عید شدن به یاد آورید خروجتان از قبرها و رفتنتان را به سوی پروردگار، و با ایستادن در جایگاه نماز به یاد آورید ایستادن در برابر پروردگارتان را و با بازگشت به سوی منازل خود، متذکر شوید بازگشتتان را به سوی منزلتان در بهشت برین، ای بندگان خدا، کمترین چیزی که به زنان و مردان روزه دار داده می شود این است که فرشته ای در آخرین روز ماه رمضان به آنان ندا می دهد و می گوید: «هان! بشارتتان باد، ای بندگان خدا که گناهان گذشته تان آمرزیده شد، پس به فکر آینده خویش باشید که چگونه بقیه ایام را بگذرانید.»

امام علی علیه السلام: إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهَ صِيَامَهُ وَ شَكَرَ قِيَامَهُ. امروز تنها عید کسی است که خداوند روزه اش را پذیرفته و شب زنده داری اش را سپاس گزارده است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸) امام علی علیه السلام: أَلَا وَ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيداً وَ جَعَلَ لَهٗ أَهْلاً، فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ وَ ادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ. امروز روزی است که خداوند آن را برای شما عید قرار داد و شما را نیز شایسته آن ساخت؛ پس به یاد خدا باشید تا او نیز به یاد شما باشد و او را بخوانید تا خواسته هایتان را اجابت کند. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۷).

امام رضا علیه السلام: إِنَّمَا جُعِلَ يَوْمُ الْفِطْرِ الْعِيدَ لِيَكُونَ لِلْمُسْلِمِينَ مُجْتَمِعاً يَجْتَمِعُونَ فِيهِ وَ يَبْرُزُونَ لِلَّهِ فَيَمَجِّدُونَهُ عَلَى مَا مَنَّ عَلَيْهِمْ. روز فطر از این رو عید قرار داده شد تا روز گردهمایی مسلمانان

باشد، و در این روز گرد هم آیند و برای خدا به صحرا (فضایی باز) درآیند و خداوند را بر مَنّی که بر آنها نهاده است ستایش و به بزرگی یاد کنند. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۲).
 امام هادی علیه السلام: **إِنَّمَا الْأَعْيَادُ أَرْبَعَةٌ لِلشَّيْعَةِ: الْفِطْرُ وَالْأَضْحَى وَالْغَدِيرُ وَالْجُمُعَةُ**. شیعیان فقط چهار عید دارند: فطر، قربان، غدیر و جمعه. (بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۵۱).
 راوی: سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این بود که: با صدای بلند تکبیر از خانه خود راهی نماز عید می شد. (بحار الأنوار، ج ۹۱، ۱۱۸)

از رسول اکرم «ص» نقل شده: عیدهای خود را به آهنگ زیبای تکبیر بپراورید. عید فطرو قربان را به آوای دلنشین: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، زَيْنْتَ دَهَيْدُ**. (کنز العمال ج: ۲۴۰۹۴ و ۲۴۰۹۵)

پانزده شوال المکرم وفات حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام (۲۵۲ ق)

حضرت عبدالعظیم بن عبدالله که با پنج واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد، از اکابر محدثین و اعظم علما و زهاد و عبّاد بوده و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهم السلام به شمار می‌رود. ولادت وی را در حدود سال ۱۷۳ ق گفته‌اند. خَفَقَان دوران عباسی و دشمنی سختی که با علویان روا می‌داشتند، عبدالعظیم را به هجرت واداشت و او راهی ری گردید و ساکن آن دیار شد. سرانجام این سلاله‌ی پاک خاندان حسنی و این زاهد پرهیزکار در نیمه‌ی شوال سال ۲۵۲ ق در ۷۹ سالگی در ری درگذشت. آن حضرت را شهید و مسموم نیز می‌دانند. مرقد حضرت عبدالعظیم در ری، زیارتگاه مشتاقان اهل بیت است. (منبع: برنامه روز شمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)
 امام هادی علیه السلام به حمّاد رازی فرمودند: **إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ بِنَاجِيَتِكَ، فَسَلْ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ**. هرگاه در قلمرو خود در کار دین به مشکلی دچار شدی، آن را با عبد العظیم حسنی در میان بگذار. (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۱).
 امام هادی علیه السلام: **مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَنْتَ وَلَيْنَا حَقًّا**. ای ابوالقاسم! خوش آمدی، تو حقیقتاً دوستدار ما هستی. (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲).

امام هادی علیه السلام به مردی از اهالی ری که به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بود فرمودند: **أَمَّا إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ**. اگر قبر عبد العظیم را در شهر خود زیارت کنی، چنان است که گویی امام حسین علیه السلام را زیارت کرده‌ای. (کامل زیارات، ص ۳۲۴).

حضرت عبد العظیم علیه السلام از امام رضا چنین روایت می‌کند: **الْمُسْلِمُ الَّذِي يَسْلَمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدُهُ وَلَيْسَ مِنْ مَن لَمْ يَأْمَنْ جَاؤُهُ بِوَأَثْقُهُ**. مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او

آسوده باشند و از ما نیست آن که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴).

حضرت عبد العظیم علیه السلام از امام جواد علیه السلام چنین روایت می‌کند: مَنْ رَضِيَ بِالْعَافِيَةِ مِمَّنْ دُونَهُ رَزَقَ السَّلَامَةَ مِمَّنْ فَوْقَهُ. هر کس از عافیت زیر دستانش خشنود باشد، از بالا دستش در امان می‌ماند. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۴).

حضرت عبد العظیم علیه السلام از امام جواد علیه السلام چنین روایت می‌کند: أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ. برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج [ظهور امام زمان علیه السلام] است. (کمال الدین، ص ۳۷۷).

حضرت عبد العظیم «ع» از امام هادی علیه السلام روایت می‌کند: خداوند متعال، ابراهیم علیه السلام را دوست خود برگرفت؛ زیرا او بر محمد و اهل بیت او بسیار درود می‌فرستاد. (علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۴).

پانزده شوال المکرم جنگ احد و شهادت حضرت حمزه (ع) (۳ ق)

در سال ۳ هـ در روز جنگ احد حضرت حمزه وسید الشهداء و ۶۹ نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند. بعضی جنگ احد را در ۱۷ شوال نقل کرده اند. در این جنگ مسلمانان هزار نفر بودند که به نوشته عده ای سیصد نفر در بین راه برگشتند و برای جنگ ۷۰۰ نفر باقی ماند. کفار ۳۰۰۰ نفر بودند و ۲۰۰۰ نفر و ۴۰۰۰ نفر و ۵۰۰۰ نفر هم گفته اند تعداد کشته های کفار ۲۲ یا ۲۳ یا ۲۸ نفر و تعداد شهداء ۷۰ نفر بود. در این روز دندان و پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شکستند. در این روز جناب حمزه بن عبدالمطلب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسید. آن حضرت برادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله بود چون هر دو بزرگوار از زنی به نام ثویبه شیر خورده بودند. آن حضرت مردی شجاع و با هیبت بود و در این جنگ به دست وحشی و به دستور هند همسر ابوسفیان کشته شد. هند به خاطر کشته شدن پدر و برادر و عمویش در جنگ بدر ابتدا قصد نیش قبر مادر پیامبر را داشت ولی کفار قریش از ترس نیش قبور امواتشان مانع شدند. این بود که او وحشی را با وعده هایی به کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله یا علی مرتضی و یا حمزه علیهما السلام تحریک کرد. وحشی گفت از کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و پسر عمویش علی علیه السلام عاجزم ولی برای کشتن حمزه کمین می کنم. او در میدان جنگ با نیزه ای بر سینه و یا شکم مبارک آن حضرت زد و آن حضرت را شهید کرد وقتی خبر به هند دادند آن خبیث دستور داد سینه آن حضرت را بشکافد و جگر مبارک آن حضرت را بیرون آورد وقتی خواست به جگر حمزه دندان بزند دندانهای نحسش کارگر نشد همچنین هند با خنجر گویا بینی و ... آن حضرت را جدا کرد و به گردن انداخت. پیامبر صلی الله علیه و آله سلم هنگامی که حمزه را با آن وضع دیدند

گریستند و عبای مبارک را روی او کشیدند که خواهرش صفیه او را به آن حال نبیند و فرمودند «یا عم رسول الله و اسد الله و اسد رسوله .. یا فاعل الخیرات کاشف الکربات ...» امیرالمومنین و فاطمه زهرا علیهما السلام و صفیه و دیگران بر آن حضرت گریستند. پیامبر صلی الله علیه و آله بر بدن مبارک او نماز خوانده و او را در أحد دفن نمودند. بعد از چهل سال معاویه خواست نهری از احد عبور دهد با قبر حضرت حمزه برخورد نمود و سر بیلها به پای حمزه رسید و فوراً خون جاری شد. حضرت رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند بهترین برادران من علی علیه السلام و بهترین عموهای من حمزه علیه السلام است. (برگرفته شده از کتاب تقویم شیعه نوشته حجت الاسلام و المسلمین عبدالحسین نیشابوری).

بیست و پنج شوال المکرم شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) (۱۴۸ ق)

به صفحه ۱۱۶ خلاصه حالات هشتمین معصوم ، ششمین اختر امامت امام صادق (ع) مراجعه شود.

یک ذیقعدة الحرام ولادت حضرت معصومه (س) (۱۷۳ ق)

حضرت فاطمه‌ی کبری دختر ارجمند امام موسی کاظم (ع)، ملقب به معصومه در شهر مدینه چشم به جهان گشود. مادر وی نجمه یا تکتیم و خواهر امام رضا (ع) از يك مادر بود. آن حضرت از برادرش نقل روایت می‌کرد و فضل و کمال و علم او زیانزد خاص و عام بوده است. این بانو به برادرش امام رضا (ع) محبت زیادی داشت و پس از اعلام ولایتعهدی ایشان، به قصد زیارت برادر در مرو، به ایران وارد شد. چون به ساوه رسید بیمار گشت و از مسافت بین ساوه و قم پرسید. گفتند ده فرسخ است. دستور داد او را به قم ببرند. آن بانوی مکرمه هفده روز در قم ماندگار شد و پس از آن جان به جان آفرین تسلیم کرد. حضرت فاطمه‌ی معصومه (س) پس از حضرت زینب کبری (س)، فاضل‌ترین زن در میان معصوم زادگان است. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

امام صادق علیه السلام: إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلَدَةُ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ ما را حرمی است و آن "قم" است، و به زودی بانویی از فرزندان من به نام فاطمه در آن دفن خواهد شد. هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب شود. (بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶)

امام صادق علیه السلام: وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛ همه شیعیان من با شفاعت او (فاطمه معصومه علیها السلام) وارد بهشت خواهند شد. (بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸)

امام رضا علیه السلام: مَنْ زَارَهَا بِقُمْ كَمَنْ زَارَنِي؛ هر کس (حضرت معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، چنان است که مرا زیارت کرده است. (کامل الزیارات، ص ۵۳۶)

امام رضا علیه السلام: مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ هر کس او را با شناخت زیارت کند، بهشت پاداش او خواهد بود. (بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶)

امام جواد علیه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ، فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ هر کس قبر عمّه‌ام (حضرت معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، بهشت پاداش او است. (کامل الزیارات، ص ۵۳۶)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَ عِنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ، فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ... (بحار الأنوار، ۲۱۵/۶۰)

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که رنج و زحمت و گرفتاری به شما رو آورد، به قم روی آورید، زیرا قم پناهگاه فاطمیها و محل آسایش مؤمنان است.

عَنْ حَسَنِ بْنِ مُثَلَّةٍ عَنِ الْمُهَدِّيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ: مَنْ صَلَّىهَا فَكَانَتْهَا صَلَاحًا (هُمَا) فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (مستدرک الوسائل، نشر مؤسسه آل البيت قم: ۴۴۷/۳) حسن بن مثله (جمکرانی) از حضرت مهدی علیه السلام نقل می کند که امام علیه السلام (بعد از دستور ساختن مسجد جمکران) فرمود: کسی که در آن مسجد نماز بخواند همانند این است که در خانه عتیق (یعنی کعبه) نماز خوانده است.

محدث قمی رویای صادقه ای دیده است که جایگاه بلند شفاعت حضرت معصومه رانسان می دهد. وی که در تیمچه بزرگ قم به مناسبت ایام فاطمیه برفراز منبر رفته بود فرمود: شبی میرزای قمی را در عالم رویا دیدم از او پرسیدم: آیا شفاعت اهل قم به دست حضرت معصومه (س) است؟ او قیافه‌اش را درهم کشید و فرمود: شفاعت اهل قم با من است. شفاعت عالم با حضرت معصومه (س) است.

یک ذیقعدة الحرام روز دختران

سنت «دخترکشی» که بین مردم قبل از اسلام امری عادی بود، با برخورد و عکس العمل شدید قرآن مواجه گردید. در چند جای قرآن، این حرکت جاهلی با شدت محکوم و از مظلومیّت و معصومیّت دختران دفاع شد. قرآن کریم در سوره «نحل» خشم مردم را از داشتن دختر بیان می کند و زنده به گور کردن دختران را توسّط پدران، بازگو می نماید: «هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختری نصیب تو شده، چهره اش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود و آکنده از خشم می گردد. از قوم و قبیله خود متواری می گردد (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ، نگهداری و یا در خاک پنهانش کند؟» (نمل / ۵۸ و ۵۹) داستان وئاد (دختران زنده به گور شده) پر از حوادث بسیار دردناک است؛ از جمله این حادثه: مردی خدمت پیامبر آمد، اسلام آورد، اسلامی راستین؛ روزی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و سؤال کرد: آیا اگر گناه بزرگی کرده باشم، توبه من پذیرفته می شود؟ فرمود: خداوند توّاب و رحیم است. عرض کرد: ای رسول خدا! گناه من بسیار عظیم است. فرمود: وای بر تو! هر قدر گناه تو بزرگ باشد، عفو خدا از آن بزرگ تر است. عرض کرد: اکنون که چنین می

گویی بدان: من در جاهلیّت به سفر دوری رفته بودم، در حالی که همسرم باردار بود، پس از چهار سال بازگشتم، همسرم به استقبال من آمد، نگاه کردم دخترکی در خانه دیدم، پرسیدم: این دختر کیست؟ گفت: دختر یکی از همسایگان است! من فکر کردم ساعتی بعد به خانه خود می رود اما با تعجب دیدم نرفت، غافل از اینکه او دختر من است و مادرش این واقعیّت را مکتوم می دارد، مبادا به دست من کشته شود. سرانجام گفتم: راستش را بگو، این دختر کیست؟ گفت: به خاطر داری هنگامی که به سفر رفتی باردار بودم؛ این، نتیجه همان حمل است و دختر تو است. آن شب را با کمال ناراحتی خوابیدم، گاهی به خواب می رفتم و گاهی بیدار می شدم، صبح نزدیک شده بود، از بستر برخاستم و کنار دخترک رفتم، در کنار مادرش به خواب رفته بود، او را بیرون کشیدم و بیدارش کردم و گفتم همراه من به نخلستان بیا، او به دنبال من حرکت می کرد تا نزدیک نخلستان رسیدیم؛ من شروع به کندن حفره ای کردم و او به من کمک می کرد تا خاک را بیرون آورم، هنگامی که حفره تمام شد، من زیر بغل او را گرفتم و در وسط حفره افکندم. (در این هنگام هر دو چشم پیامبر صلی الله علیه و آله پر از اشک شد) سپس دست چپم را به کتف او گذاشتم که بیرون نیاید و با دست راست، خاک بر او افشاندم! و او پیوسته دست و پا می زد و مظلومانه، فریاد می کشید: پدر جان! چه با من می کنی؟ در این هنگام، مقداری خاک بر روی من ریخت، او دستش را دراز کرد و خاک را از صورت من پاک نمود ولی من همچنان قساوت مندانه خاک بر روی او می ریختم، تا آخرین ناله هایش در زیر قشر عظیمی از خاک محو شد! در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که بسیار ناراحت و پریشان بود و اشکها را از چشم پاک می کرد، فرمود: «اگر نه این بود که رحمت خدا بر غضبش پیشی گرفته، لازم بود هر چه زودتر، انتقام از تو بگیرد». (تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۷۲) مسأله تحقیر شخصیت زن و دختران به همین جا پایان نمی پذیرفت و تا آنجا پیش رفته بود که اصلاً نَسَب را به مرد مربوط می دانستند و مادر را تنها ظرفی برای نگهداری و پرورش جنین محسوب می کردند چنانچه در اشعار خود چنین می سرودند: فرزندان ما، فرزندان پسران ما هستند و اما فرزندان دختران ما، فرزندان مردان بیگانه اند. مفسّران و مورّخان در اینکه انگیزه عرب جاهلی از این عمل حیرت انگیز و منحط، چه بوده است؟ مطالب فراوانی گفته و نوشته اند از جمله: جنگها و به اسارت رفتن دختران و در نتیجه، جریحه دار شدن غیرت آنان و یا عدم توان و کارایی دختران در تولید؛ اما آنچه اهمیّت دارد، برخورد قرآن کریم با این پدیده و سنّت زشت است و چه قدر هنرمندانه و ظریف حالات روحی پدران را بیان می کند که خود این شیوه بیان حادثه، حکایت از نکوهش جدّی و عمیق این عمل زشت دارد. در سوره «تکویر» نیز جریان زنده به گور شدن دختران را به گونه ای جانسوز و تکان دهنده و در جملاتی کوتاه بیان می کند، آنجا که می فرماید: «در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده پرسیده می شود: به کدامین گناه کشته شدند». (تکویر / ۸ و

۹) قرآن کریم با قرار دادن این پرسش از پرسش های قیامت و حسابرسی روز رستاخیز، بر اهمیت این مسأله افزوده است؛ آن گونه که امین الاسلام طبرسی، در مجمع البیان در ذیل این آیات می فرماید: «توجه خطاب به دختران قربانی در قیامت به جای پدران آنان که عامل جنایت و در واقع قاتل بوده اند، حاکی از نوعی تعریض و توبیخ نسبت به آنان است. گویا آنها به قدری پست و بی ارزش هستند که حتی ارزش مخاطب بودن برای بازپرسی را ندارند.»

رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرموده اند: نِعَمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطَّفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُؤَمِّنَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَّاتٌ؛ دختران چه فرزندان خوبی هستند؛ با لطافت و مهربان، آماده به خدمت رسانی، یار و غمخوار [اعضای خانواده]، با برکت و پاکیزه کننده [در خانواده برای پدر و مادر] (وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۰) و نیز فرموده اند: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْقٌ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ؛ خداوند متعال بر دختران مهربان تر است تا پسران. (وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۴) و فرموده اند: مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَأَدَّبَهَا وَأَحْسَنَ أَدْبَهَا، وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا؛ فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي أَسْبَغَ عَلَيْهَا، كَانَتْ لَهُ مَنَعَةٌ وَسِتْرٌ مِنَ النَّارِ. (میزان الحکمة ج ۱ ص ۱۰۷ حدیث ۴۰۳) هر که دختری داشته باشد و خوب تربیتش کند و او را به خوبی دانش بیاموزد و از نعمتهایی که خداوند به او عطا کرده به وفور بهره مندش سازد، آن دختر، سپر و پوشش پدر در برابر آتش دوزخ خواهد بود. و نیز فرموده اند: لَا تَكْرَهُوا الْبَنَاتَ؛ فَإِنَّهُنَّ الْمُؤَنِّسَاتُ الْغَالِيَاتُ. (میزان الحکمة ج ۱۳ ص ۴۴۲ ح ۲۲۶۱۹) دختران را بد ندانید؛ زیرا آنها مونس های گرانبهائی هستند. و نیز فرموده اند: الْبَنَاتُ هُنَّ الْمُشْفِقَاتُ الْمُجَهَّزَاتُ الْمُبَارَكَاتُ. (میزان الحکمة ج ۱۳ ص ۴۴۲ ح ۲۲۶۲۱) این دخترانند که دلسوز و مددکار و با برکتند. و نیز فرموده اند: مَنْ وُلِدَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَلَمْ يُؤْذِهَا وَلَمْ يُهِنْهَا وَلَمْ يُؤْزِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا - يَعْنِي الذُّكُورَ - أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ. (میزان الحکمة ج ۱۳ ص ۴۴۲ ح ۲۲۶۲۲) هر کس که برایش دختر به دنیا آید و او را اذیت نکند و حقیرش نشمارد و فرزندان - یعنی پسران - خود را بر او ترجیح ندهد، خداوند به واسطه آن دختر او را به بهشت می برد. و نیز فرموده اند: نِعَمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ الْمُخَدَّرَاتُ، مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ وَاحِدَةٌ جَعَلَهَا اللَّهُ وَسِتْرًا لَهُ مِنَ النَّارِ. (میزان الحکمة ج ۱۳ ص ۴۴۲ ح ۲۲۶۲۳) چه خوب فرزندانی هستند دختران با حیا. هر کس یکی از آنها را داشته باشد، خداوند آن دختر را برای او مانعی در برابر آتش دوزخ قرار می دهد. و نیز فرموده اند: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْفٌ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ، وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حُرْمَةً، إِلَّا فَرَّخَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (میزان الحکمة ج ۱۳ ص ۴۴۲ ح ۲۲۶۲۴) خداوند تبارک و تعالی به زنان مهربانتر از مردان است. هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را خوشحال سازد، مگر اینکه خداوند متعال در روز قیامت او را شادمان گرداند.

شش ذیقعدة الحرام بزرگداشت شاه چراغ

تاریخ دقیق تولد حضرت احمد بن موسی شاه چراغ سلام الله علیه مشخص نیست. اخیراً در شورای فرهنگ عمومی استان فارس نامگذاری یک روز به نام بزرگداشت آن حضرت مطرح شد و متولیان امر تصمیم گرفتند که روز تولد آن حضرت را به عنوان مراسم بزرگداشت انتخاب کنند. لذا برای مشخص شدن روز دقیق تولد، مورخان و محققان تحقیقات خود را آغاز کردند. اما پس از بررسی های به عمل آمده کارشناسان به این نتیجه رسیدند که روز تولد حضرت شاه چراغ بدرستی مشخص نیست و در این خصوص نقلهای متفاوتی وجود دارد. از این رو تصمیم بر این شد که در دهه کرامت یعنی حدفاصل تولد حضرت معصومه سلام الله علیها و امام رضا علیه السلام یک روز به عنوان روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی «شاه چراغ» تعیین شود. حضرت سید امیر احمد(ع) ملقب به شاه چراغ و سیدالسادات، فرزند بزرگوار امام موسی کاظم علیه السلام است. مادر وی، مشهور به «ام احمد»، مادر بعضی از فرزندان حضرت موسی بن جعفر(ع) بوده است. ایشان داناترین، پرهیزگارترین و گرامی ترین زنان در نزد آن حضرت بودند و حضرت اسرار خود را به وی می گفتند و امانتشان را نزد وی به ودیعه می گذاشتند. چون خبر شهادت حضرت موسی کاظم علیه السلام امام هفتم شیعیان در مدینه شایع شد، مردم به در خانه ام احمد، مادر حضرت شاه چراغ «احمد بن موسی» گرد آمده و حضرت سید میر احمد را با خود به مسجد بردند، زیرا از جلالت قدر و شخصیت بارز و اطلاع بر عبادات و طاعات و نشر شرایع و احکام و ظهور کرامات و بروز خوارق عادات که در آن جناب سراغ داشتند، گمان کردند که پس از وفات پدرش امام موسی بن جعفر علیه السلام امام بحق و خلیفه آن حضرت فرزندش «احمد» است. به همین جهت در امر امامت با حضرتش بیعت کردند و او نیز از مردم مدینه بیعت بگرفت، سپس بر منبر بالا رفت، خطبه ای در کمال فصاحت و بلاغت انشاء و قرائت فرمود، آنگاه تمامی حاضرین را مخاطب ساخته و خواست که غائبین را نیز آگاه سازند و فرمود: همچنان که اکنون تمامی شما در بیعت من هستید، من خود در بیعت برادرم علی بن موسی علیه السلام می باشم، بدانید بعد از پدرم برادرم «علی» امام و خلیفه ی بحق و ولی خداست. و از جانب خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم او، بر من و شما فرض و واجب است که امر آن بزرگوار را اطاعت کنیم و به هر چه امر فرماید گردن نهیم. پس از آن شمه ای از فضایل و جلالت قدر برادرش علی علیه السلام را بیان فرمود، تا آنجا که همه حاضران گفته های آن بزرگوار را اطاعت کردند، ابتدا او بیعت را از مردم برداشت، سپس گروه حاضران در خدمت احمد به در خانه حضرت امام علی بن موسی علیه السلام آمده همگی با آن جناب بر امامت و وصایت و جانشینی امام موسی بن جعفر علیه السلام بیعت نمودند. و حضرت امام رضا علیه السلام درباره برادرش احمد دعا کرد و فرمود: همچنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی، خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد.

شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام، پس از حضور با برکت امام هشتم علیه السلام در خراسان برای زیارت چهره تابناک امامت و ولایت از نقاط مختلف، به سوی ایران حرکت می کنند. حضرت احمد بن موسی (ع) نیز در همین سال ها (۱۹۸-۲۰۳ ه. ق) با جناب سید امیر محمد عابد و سید علاءالدین حسین (برادران ایشان) و جمع زیادی از برادرزادگان و محبان اهل بیت علیهم السلام، به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام از مدینه حرکت می نمایند تا از طریق شیراز به طوس عزیمت کنند. در بین راه نیز عده کثیری از شیعیان به آنان ملحق می شوند. خبر حرکت چنین قافله بزرگی مأمون خلیفه عباسی را به وحشت انداخت. در زمانی که حضرت امام علی بن موسی (ع) با ولایتعهدی تحمیلی در «طوس خراسان» بودند، حضرت احمد بن موسی (س) به اتفاق جناب سید محمد عابد و جناب سید علاءالدین حسین برادران خود و جمعی دیگر از برادرزادگان و اقارب و دوستان، به قصد زیارت آن حضرت از حجاز به سمت خراسان حرکت نمود. در بین راه نیز جمع کثیری از شیعیان و علاقه مندان به خاندان رسالت، به سادات معظم ملحق و به اتفاق حرکت نمودند تا جایی که می نویسند: به نزدیک شیراز که رسیدند، تقریباً یک قافله پانزده هزار نفری از زنان و مردان تشکیل شده بود. خبر حرکت این کاروان را به خلیفه وقت (مأمون) دادند. وی ترسید که اگر چنین جمعیتی از بنی هاشم و دوستداران و فدائیان آن ها به طوس برسند، اسباب تزلزل مقام خلافت گردد. لذا امریّه ای صادر نمود به تمام حکام بلاد که در هر کجا قافله بنی هاشم رسیدند، مانع از حرکت شوید و آن ها را به سمت مدینه برگردانید. به هرکجا این حکم رسید قافله حرکت کرده بود مگر شیراز. حاکم شیراز مردی به نام «قتلغ خان» بود. وی با چهل هزار لشکر جرّار، در «خان زنیان» در هشت فرسخی شیراز اردو زد و همین که قافله بنی هاشم رسیدند، پیغام داد که حسب الامر خلیفه، آقایان از همین جا باید برگردید. حضرت سید احمد (س) فرمود: «ما قصدی از این مسافرت نداریم، جز دیدار برادر بزرگوارمان». اما لشکر قتلغ خان راه را بستند و جنگ شدید خونینی شروع شد اما لشکر در اثر فشار و شجاعت بنی هاشم پراکنده شدند. لشکر شکست خورده، تدبیری اندیشیدند. بالای بلندی ها فریاد زدند: «الان خبر رسید که ولیعهد (امام هشتم علیه السلام) وفات کرد!» این خبر مانند برق، ارکان وجود مردمان سست عنصر را تکان داده، از اطراف امام زادگان متفرق شدند. جناب سید احمد (س) شبانه با برادران و اقارب از بیراهه به شیراز رهسپار گردیدند و با لباس مبدّل پراکنده شدند. حضرت احمد بن موسی (س) برای امان از گزند حکومت، به همراه برادر خود مخفیانه به شیراز رهسپار شد. سید احمد در شهر شیراز در منزل یکی از شیعیان در منطقه «سردزک» که مرقد ایشان در این منطقه واقع است، سکنی گزید و در خانه این شخص مخفی گشت و شب و روز را به عبادت می گذرانید. «قتلغ خان» که جاسوسانی را برای شناسایی و دستگیر نمودن سادات که از مناطق خود فرار نموده بودند قرار داده بود، مکان ایشان را بعد از یک سال یافت

و او و همراهانش را محاصره نمودند و نبردی بین آنها و مأموران حکومت در گرفت و سید احمد با شهادت و شجاعت هاشمی خود به دفاع از خود و همراهان خود پرداخت. هنگامی که «قتلغ» دانست که از طریق ستیز مسلحانه، قدرت از میان بردن آنان را ندارد؛ از طریق خانه همسایه او شدند و از طریق شکافی که در خانه همسایه درست کردند وارد خانه ای که سید احمد در آن پناه برده بود، شدند و زمانی که او برای استراحت و تجدید قوا، پس از نبردی طولانی به خانه رفته بود، هنگام خروج، با شمشیری بر سر او ضربه ای وارد کردند. سپس به دستور «قتلغ خان» خانه را بر روی آن بدن شریف خراب کردند و زیر آوار باقی گذاردند. با توجه به تبلیغ گسترده حکومت و مأموران بر علیه تشیع و اهل بیت (ع) تعداد زیادی از مردم که از مخالفین تشیع بودند، حرمت بدن شریف نوه پیامبر را نگاه نداشتند و آن را در زیر آوار نگاه داشته و به خاک نسپردند. (گنجینه معارف زندگی نامه حضرت شاه چراغ) (زندگینامه و فضایل حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (ع))

یازده ذیقعدة الحرام ولادت حضرت امام رضا سلام الله علیه (۱۴۸ ق)

به صفحه ۱۶۱ خلاصه حالات دهمین معصوم ، هشتمین اختر امامت امام رضا (ع) مراجعه شود.

سی ذیقعدة الحرام شهادت امام نهم حضرت جواد الائمه (ع) (۱۹۵ ق)

به صفحه ۱۷۸ خلاصه حالات یازدهمین معصوم ، نهمین اختر امامت امام جواد (ع) مراجعه شود.

یک ذیحجة الحرام ازدواج امیرالمؤمنین امام علی (ع) و حضرت فاطمه ی زهرا (س) (۲ ق)

خواستگاران بسیاری از شخصیت‌های بزرگ صدر اسلام، حضرت زهرا (س) را برای همسری خود، از پیامبر اکرم (ص) خواستگاری کردند. اما پیامبر (ص) به هیچ یک از آنها پاسخ مثبت نداد و از ایشان روی برمی گردانید. تا این که امام علی (ع) به محضر پیامبر (ص) آمد و خواستگاری نمود. پیامبر فرمود: یا علی! پیش از تو کسانی از فاطمه خواستگاری کرده‌اند و او در همه، اظهار کراهت کرده است. اما تو منتظر باش تا برگردم. رسول الله به اطلاق حضرت زهرا رفت و فرمود: فاطمه جان، علی بن ابی طالب کسی است که قرابت و فضل و اسلام او را شناخته‌ای. من از پروردگارم خواسته‌ام، تو را به بهترین و محبوب‌ترین خلقش تزویج کند. حال، علی از تو خواستگاری می‌کند. نظرت چیست. فاطمه ساکت شد ولی روی برنگردانید و رسول الله در قیافه ی فاطمه، نارضایتی احساس نکرد. آنگاه حضرت به پاخواست و فرمود: الله اکبر. سکوت فاطمه حاکی از رضایت اوست. در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: یا رسول الله! فاطمه را به علی تزویج کن. خدا، فاطمه را برای علی و علی را برای فاطمه پسندیده است، آنگاه آن حضرت، فاطمه را به علی تزویج کرد. (منبع: برنامه روزشمار

تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما) عن النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَوْلَا عَلِيٌّ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كَفُو. پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: اگر حضرت علی علیه السَّلام نبود برای حضرت فاطمه علیها السَّلام هیچ همتا و مانندی یافت نمی‌شد. (عوالم: ۱۱/۳۶۸ حدیث ۵، بحار: ۴۳/۱۴۱ حدیث ۳۷)

ازدواج امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام: امام صادق علیه السلام: لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ. اگر خداوند امیرمؤمنان را برای فاطمه نمی‌آفرید، در زمین همتایی برای او نبود. (الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱).

پیامبر صلی الله علیه وآله: زَوَّجُوا أَيَّامَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَحْسَنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ. بی‌همسران خود را همسر دهید؛ که خداوند اخلاق آنان را نیکو و روزیشان را فراخ می‌کند و بر جوانمردی آنها می‌افزاید. (بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲).

امام صادق علیه السلام: مَنْ زَوَّجَ أَعَزَّ بَأْ كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هر کس بی‌زنی را همسر دهد از جمله کسانی است که خداوند در روز قیامت به او نظر می‌افکند. (الکافی، ج ۵، ص ۳۳۱).

امام علی علیه السَّلام فرمود: ازدواج کنید، که ازدواج سنت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است، زیرا که آن حضرت می‌فرمود: هرکه دوست دارد از سنت من پیروی کند، از جمله سنت من ازدواج است.

هفت ذیحجه، شهادت امام محمد باقر (ع) به دست هشام بن عبدالملك أموی (۱۱۴ ق)

به صفحه ۱۰۰ خلاصه حالات هفتمین معصوم، پنجمین اختر امامت امام باقر (ع) مراجعه کنید

هشت ذیحجه الحرام يوم الترويه

هشتم ذی الحجه روز ترویه است و این روزی است که حجاج نیت حج تمتع می‌نمایند و محرم شده از مکه سمت منی حرکت می‌نمایند و شب را در آنجا بیتوته می‌کنند و صبح عرفه به جانب عرفات رهسپار می‌گردند. در علل الشرایع در سر نامیدن این روز به ترویه حدیثی از امام صادق علیه السلام که راوی می‌گوید: از حضرت پرسیدم چرا روز ترویه را روز ترویه نامیده‌اند؟ حضرت فرمود: زیرا در عرفات آب نبود و حاجی‌ها روز هشتم ذی حجه از مکه آب برمی‌داشتند و به عرفات می‌بردند و برخی از ایشان به بعضی دیگر می‌گفتند: ترویتیم، ترویتیم (سیراب شدید، سیراب شدید) لذا به خاطر همین، روز هشتم را روز ترویه نامیدند. (علل الشرایع ج ۲ ص ۳۹۹ باب ۱۷۱) باز نقلی دیگر آمده است که زمانی که ابراهیم علیه السلام مأمور شد خانه کعبه را بسازد مکان آنرا نمی‌دانست در نتیجه خداوند جبرئیل سلام الله علیه را نازل کرد تا مکان خانه را برای ابراهیم مشخص کند و خداوند تعالی پایه‌های کعبه را از بهشت نازل فرمود و حجرالاسود نیز نازل شد. سپس ابراهیم برای

کعبه دو در قرار داد، دری در سمت مشرق و دری در سمت مغرب که مستجار نامیده می شود. وقتی ساخت کعبه به اتمام رسید ابراهیم و اسماعیل حج بجا آوردند و جبرئیل در روز هشتم ذی حجه (روز ترویبه) بر آن دو نازل شد و گفت برخیزید و آب جمع آوری کنید، چون در زمین عرفات آبی وجود ندارد. بهمین دلیل این روز، روز ترویبه (یعنی ذخیره کردن آب) نامیده شد. سپس ابراهیم گفت پروردگارا این شهر را محلی امن قرار بده و اهل آن را از میوه ها بهره مند کن... (سوره ابراهیم/۳۵) امام صادق (علیه السلام) فرمود: منظور از بهره مندی از ثمرات، ثمره قلوب یعنی محبت مردم و تمایل آنها نسبت به مکه است تا بسوی آن بروند. (قصص النبیاء ص ۱۹۳) همانطور که آشکار گردید وجه تسمیه یوم الترویبه یا روز ترویبه در کلام امامان معصوم برداشتن و ذخیره نمودن آب در روز هشتم ذی حجه می باشد. از ابن عباس نقل شده که حضرت ابراهیم علیه السلام در خواب دید که فرزندش را سر می برند. فأصبح بروی یومه أجمع «پس صبح بیدار شده و همه آن روز را می اندیشید» که آیا خواب او امری است از جانب خدا یا نه؟ از این رو آن روز ترویبه نامیده شد، پس لز آن در شب دوم در خواب دید فلما أصبح عرف أنه من الله «چون صبح شد دانست که آن از جانب خداست» از این رو آن روز عرفه نامیده شد. (صحیفه سجادیه ترجمه و شرح فیض الاسلام ص ۳۲۲) امام حسین علیه السلام در ماه ذی الحجه عمره انجام داد و سپس در روز ترویبه (هشتم) به سوی عراق حرکت کرد و کسی که نمی خواهد حج انجام دهد می تواند عمره انجام دهد.

هشت ذیحجة الحرام حرکت امام حسین علیه السلام از مکه به سوی کربلا (۶۰ ق)

از امام صادق علیه السلام ذکر شده است که فرمود: قد اعتمر الحسین بن علی علیه السلام فی ذی الحجة ثم راح یوم الترویبه الى العراق و الناس یروحون الى منی و لا بأس بالعمرة فی ذی الحجة لمن لا یرید الحج. (کافی ج ۴ ص ۵۳۶) امام حسین علیه السلام در ماه ذی الحجه عمره انجام داد و سپس در روز ترویبه (هشتم) به سوی عراق حرکت کرد و کسی که نمی خواهد حج انجام دهد می تواند عمره انجام دهد. که می توان دلایل این خروج را بطور خلاصه چنین ذکر نمود: ۱- خطر جانی. ایشان به عبدالله بن زبیر فرمود: به خداوند سوگند، اگر یک وجب خارج از مکه کشته شوم برای من دوست داشتنی تر است تا آن که به اندازه یک وجب در داخل مکه کشته شوم به خداوند سوگند: اگر من به لانه ای از لانه جانواران پناه برم مرا از آن بیرون خواهند کشید تا آنچه را از من می خواهند به دست آورند. (وقعة الطف ص ۱۵۲)

روایت شده است که چون حضرت سید الشهداء علیه السلام آهنگ خروج از مکه مکرمه به سوی عراق نمودند، برای ایراد خطبه ایستاده و چنین گفتند: «... الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ سَلَّمَ خُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جَبَدِ الْفَتَاةِ، وَ مَا أَوْلَهُنَّی إِلَى

أَسْلَفِي أَشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يَوْسُفَ، وَخَيْرَ لِي مَصْرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعُهَا عُسْلَانُ الْفَلَوَاتِ، بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَكَزْبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشاً جَوْفًا، وَ أَجْرِيَّةً سُعْبًا لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ، رَضَى اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَضِيرٌ عَلَى بَلَائِهِ وَ يَوْفِيْنَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ لَنْ تَشُدَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَحْمَةٌ وَهِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدُسِ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ، وَ يَنْجِزُ لَهُمْ وَعْدَهُ، مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوَظَّنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا، إِنْ شَاءَ اللَّهُ». «حمد و سپاس سزاوار خداست. آنچه را که خدا بخواهد خواهد شد. و قوه و قدرتی نیست مگر بواسطه خدا. و درود بر رسول و فرستاده او باد. مرگ بر فرزندان آدم به مثابه گردنبد بر گردن دختران جوان کشیده و بسته شده است. و چه بسیار در آرزو و اشتیاق ملاقات و دیدار رفتگان از خاندان خود هستیم، همانند اشتیاقی که یعقوب به دیدار یوسف داشت. و برای من جائی معین و انتخاب شده است که باید پیکر من در آنجا بیفتد، و من باید به آنجا برسم. گویا من می بینم که بند بند مرا گرگان بیابان بین نواویس و کربلا از هم جدا می سازند، و از من شکمبه های تهی خود را پر می کنند و انبانهای گرسنه خود را سرشار می نمایند. فراگاهی نیست از روزی که در قلم تقدیر گذشته است. رضای خدا، رضای ما اهل بیت است؛ بر امتحانات و بلاهای او شکیبائی می نمائیم، و او اجر و مزد شکیبایان را بطور کامل به ما عنایت خواهد نمود. از رسول خدا، پاره تنش جدا نمی شود. و در بهشت برین گرداگرد او جمع می شوند، و بدانها چشم رسول خدا روشن می گردد، و برای آنها وعده رسول خدا تحقق می پذیرد. پس کسی که در میان ماست، و حاضر است جان خود را در راه ما نثار کند، و برای لقای خدا خود را آماده نموده است، با ما کوچ کند، که من در صبحگاهان عازم سفر هستیم؛ إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (اللهوف، سید بن طاووس، ص ۶۱ - منبع: لمعات الحسین، علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی)

نُه ذیحجه الحرام روز عرفه «روز نیایش»

روز نهم ذی الحجه به عنوان روز عرفه از اعیاد بزرگ اسلامی به شمار می رود، گرچه به اسم عید نامیده نشده است. در این روز خداوند تبارک و تعالی بندگان خود را به عبادت و اطاعت خود فراخوانده، و سفره ی جود و احسان خود را برای بندگان خود گسترانده است. شیطان در این روز خوار و حقیر و خشناک است. از ظهر روز نهم ماه ذی الحجه، زائران خانه ی خدا در صحرای عرفات وقوف می کنند و برای این وقوف، فضایل بسیاری ذکر شده است. در غروب این روز، زائران، از عرفات به مشعرالحرام می روند و خود را برای سایر مناسک پر شکوه حج آماده می کنند. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

پیامبر صلی الله علیه وآله: مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ أَنْ يَعْتَقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ. خداوند در هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگان را از آتش دوزخ نمی رهاوند. (صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۷).

پیامبر صلی الله علیه وآله : إِنَّ اللَّهَ يباهي ملائِكَتَهُ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ بِأَهْلِ عَرَفَةَ فَيَقُولُ : أَنْظُرُوا إِلَيَّ عِبَادِي أَتَوْنِي شُعْثًا غُبْرًا. خداوند در غروب عرفه نزد فرشتگانش به اهل عرفه می‌بالد و می‌گوید: "بندگانم را بنگرید! زولیده و غبار آلود، نزد من آمده‌اند. (مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۲۴).

پیامبر صلی الله علیه وآله : أَعْظَمُ أَهْلِ عَرَفَاتٍ جُرْمًا مَنِ انْصَرَفَ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَنْ يَغْفَرَ لَهُ. گناه کارترین فرد در عرفات کسی است که از آن‌جا باز گردد در حالی که گمان می‌برد آمرزیده نخواهد شد. (بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۴۸).

امام علی علیه السلام : مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ لَا تُغْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ. برخی از گناهان جز در عرفات بخشوده نمی‌شوند. (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۴).

امام صادق علیه السلام : تَخْيِيرُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ وَاجْتَهَدَ، فَإِنَّهُ (يَوْمَ عَرَفَةَ) يَوْمٌ دُعَاءٌ وَ مَسْأَلَةٌ. هر چه می‌خواهی برای خود دعا بخوان و [در دعا کردن] بکوش که آن روز [روز عرفه] روز دعا و درخواست است. (التهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۱۸۲).

امام صادق علیه السلام : أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بِي فَافْرَحْ وَ بِذِكْرِي فَتَلَذَّذْ وَ بِمُنَاجَاتِي فَتَنَعَّمْ. خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود : "به من شاد باش و با یاد من سرخوشی کن و از نعمت مناجات با من برخوردار شو. (ميزان الحکمه، ج ۲۰۳۵).

امام حسین علیه السلام : إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي...

نُه ذِيحِجَّةِ الْحَرَامِ شَهَادَتِ حَضَرَتِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۶۰ ق)

مسلم بن عقیل که از شخصیت‌های برجسته و با تقوای زمان خود به شمار می‌رفت، برای ارزیابی میزان وفاداری مردم کوفه به امام حسین (ع) به این شهر رفته بود. زیرا مردم کوفه، طی هزاران نامه، از امام حسین برای رفتن به این شهر و قیام علیه حکومت ستمگر یزید بن معاویه، دعوت کرده بودند. مردم کوفه اگرچه در ابتدا به گرمی از مسلم بن عقیل استقبال کردند، اما هنگامی که عبيدالله بن زیاد که مردی سنگدل و بی‌رحم بود بر کوفه حاکم شد، کوفیان، فریب وعده‌های دروغین او را خوردند و به خاطر ترس و جهل، دست از حمایت امام حسین (ع) کشیدند و مسلم را تنها گذاشتند. در پی آن، مسلم به دست عُمَالِ ابْنِ زِيَاد گرفتار آمد و به دستور آن حاکم پلید، فرستاده‌ی امام حسین (ع) را از بالای دارالاماره به پایین انداختند و او را به شهادت رساندند.

منبع : برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما

شیخ مفید می‌نگارد: تعداد هیجده هزار نفر با مسلم بن عقیل بیعت کردند. بعد از این جریان بود که مسلم برای امام حسین علیه السلام نامه نوشت که: من تا کنون از هیجده هزار نفر برای شما بیعت گرفته‌ام، چنانچه به این سرزمین بیایید، مناسب است. چون خبر مسلم و جریان بیعت گرفتن آن

حضرت در کوفه منتشر شد، نعمان بن بشیر که از طرف معاویه و یزید، والی کوفه بود مردم را از ملاقات با مسلم برحذر داشت، ولی مردم به او اعتنایی نکردند. افرادی چون عبدالله بن مسلم بن ربیع که هوادار بنی امیه بودند، وقتی ضعف نعمان را دیدند، اوضاع کوفه را برای یزید نوشتند و تقاضای والی مقتدری کردند و یزید نیز عبدالله بن زیاد را برای کوفه در نظر گرفت. ابن زیاد با چهره ای ناشناس وارد کوفه شد. به مسجد رفت و به تهدید مخالفین و تطمیع آنان در صورت آرامش و وفاداری پرداخت. این سیاست به زودی در میان مردم سست ایمان کوفه موثر افتاد و جو کوفه به نفع ابن زیاد تغییر یافت، به گونه ای که مسلم بن عقیل تنها ماند. ولی با وجود بی وفایی یاران دیروز، هرگز تسلیم نشد و مردانه و با شهامت تا آخرین رمق، در برابر دشمن جنگید، تا آنجا که در اثر جراحات وارده دیگر تاب و توان خویش را از دست داد و به دست افراد مسلح ابن زیاد دستگیر گردید. سپس او را به دارالاماره بردند به دستور ابن زیاد، سر مطهرش را بر فراز دارالاماره از پیکر جدا ساختند و بدین گونه نام مبارکش به عنوان نخستین شهید نهضت خونین اباعبدالله الحسین علیه السلام در تاریخ به ثبت رسید و پیکر مطهرش در مسجد کوفه زیارتگاه عشاق می باشد.

امام (علیه السلام) به سوی کوفه پیش می رفت تا فرزدق، شاعر معروف را دید، فرزدق سلام کرد و گفت: «ای فرزند رسول خدا! چگونه به مردم کوفه اعتماد کردی با آن که آنان پسر عمویت مسلم بن عقیل و پیروانش را کشتند؟» اشک از دیدگان امام جاری شد و فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ مُسْلِمًا فَلَقَدْ صَارَ إِلَى رُوحِ اللَّهِ وَ رِيحَانِهِ وَ جَنَّتِهِ وَ رِضْوَانِهِ، أَلَا إِنَّهُ قَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَ بَقِيَ مَا عَلَيْنَا»؛ (خداوند مسلم را رحمت کند، او به سوی رُوح و ریحان و بهشت و رضوان و رضوان خداوند رهسپار شد، بدانید او به تکلیف خویش عمل کرد و هنوز تکلیف ما باقی مانده است).

ده ذیحجه الحرام عید سعید قربان

حضرت ابراهیم (ع) در خواب، ذبح فرزندش را می بیند و پس از سه بار، این موضوع را با پسرش حضرت اسماعیل مطرح می کند. اسماعیل این دستور الهی را با آغوش باز می پذیرد و خود را برای اجرای آن آماده می سازد. پس از مهیا شدن ابراهیم و اسماعیل جهت انجام امر خداوند، از جانب پروردگار، قوچی جهت قربانی فرستاده می شود و این پدر و پسر از این آزمایش الهی، سربلند بیرون می آیند. از آن پس روز دهم ذیحجه به عید قربان نام گذاری شده است. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

پیامبر صلی الله علیه و آله: يَغْفَرُ لِصَاحِبِ الْأَضْحِيَةِ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ تَقَطَّرُ مِنْ دَمِهَا. با ریختن اولین قطره خون قربانی [به زمین]، صاحب قربانی آمرزیده می شود. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۴)

پیامبر صلی الله علیه وآله : إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ الْأَضْحَى لِشَبْعِ مَسَاكِينِكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأَطْعِمُوهُمْ. خداوند عید قربان را بر نهاد تا مستمندان از گوشت سیر شوند ؛ پس از گوشت قربانی به ایشان بخورانید. (شواب الأعمال ، ص ۵۹) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : مَنْ صَدَقَتْ نِيَّتُهُ ، كَانَتْ أَوَّلُ قَطْرَةٍ لَهُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ. هر کس نیتش صادق باشد ، اولین قطره از خون قربانی اش ، کفاره همه گناهان او است. (دعائم الاسلام ، ج ۱ ، ص ۱۴۸) .

امام باقر علیه السلام : إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ هِرَاقَةَ الدَّمَاءِ وَ إِطْعَامَ الطَّعَامِ. خداوند قربانی کردن و اطعام کردن را دوست دارد. (المحاسن ، ج ۲ ، ص ۱۴۳) .

امام سجّاد علیه السلام : إِذَا ذَبَحَ الْحَاجُّ كَانَ فِدَاءَهُ مِنَ النَّارِ. قربانی کردن حاجی ، فدیة او در برابر آتش خواهد بود. (بحار الأنوار ، ج ۹۹ ، ص ۲۸۸) .

رسول الله صلی الله علیه و آله : مَنْ أَحْيَا اللَّيَالِيَ الْأَرْبَعِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ : لَيْلَةُ التَّرْوِيَةِ ، وَلَيْلَةُ عَرَفَةَ ، وَلَيْلَةُ النَّحْرِ ، وَلَيْلَةُ الْفِطْرِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس این چهار شب را شب زنده داری کند، بهشت برای او واجب است: شبِ تروییه، شبِ عرفه، شبِ عید قربان و شبِ عید فطر. (حج و عمره در قرآن و حدیث» ص ۳۴۳)

پانزده ذیحجه الحرام ولادت حضرت امام هادی(ع) (۲۱۲ ق)

به صفحه ۱۸۹ خلاصه حالات دوازدهمین معصوم ، دهمین اختر امامت امام هادی(ع) مراجعه شود.

هجده ذیحجه الحرام عید غدیر و انتخاب امام علی(ع) به جانشینی پیامبر اسلام(ص)

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) هنگام بازگشت از آخرین سفر حج خود، به امر خداوند، حضرت علی(ع) را به عنوان جانشین و وصی خود به مسلمانان معرفی نمود. اهمیت انتخاب امام علی(ع) به جانشینی پیامبر اسلام به حدی است که خداوند، انجام این کار عظیم را، انجام کامل رسالت پیامبر(ص) عنوان نموده است. این مراسم در مکانی به نام غدیر خم، واقع در مسیر مکه به مدینه برگزار شد. مسلمانان حاضر در غدیر خم که شمار آنان به دهها هزار نفر می رسید، پس از این انتخاب، با شور و اشتیاق بسیار، با امام علی(ع) بیعت کردند. خداوند، انتخاب امام علی(ع) را اکمال دین و اتمام نعمت ها عنوان کرده و دین اسلام را برای امت برگزید. با تمام سفارشی که پیامبر اسلام به جانشینی امام علی(ع) نمود، ولی پس از رحلت ایشان، برخی از مهاجرین و انصار ولایت ایشان را نپذیرفته و ابوبکر بن ابی قحافه را به خلافت برگزیدند. (منبع : برنامه روز شمار تاریخ از مرکز پژوهش های صدا و سیما)

پیامبر صلی الله علیه وآله : یا علی لولا أنت و شیعتک ما قام لله دین . ای علی ! اگر تو و شیعیانت نبودید ، دینی برای خدا پا برجا نمی ماند . (بحار الأنوار ، ج ۳۹ ، ص ۳۰۷) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : یا علی أنت العلم لهذه الأمة من أحبک فاز و من أبغضک هلك . ای علی ! تو نشان هدایت این امتی ؛ هر که تو را دوست بدارد ، رستگار شود و هر که تو را دشمن بدارد ، به هلاک افتد . (بشارة المصطفی ، ص ۱۸۰) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : ولاية علی بن أبی طالب ولاية الله و حبه عبادة الله و اتباعه فريضة من الله . ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام ولایت خدا ، و محبت او عبادت خدا و پیروی از او فریضه ای از جانب خدا است . (بشارة المصطفی ، ص ۱۶) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : من كنت مولاة فعلي مولاة . هر که من مولای اویم پس علی مولای او است . (الغدیر ، ج ۱ ، ص ۱۹۶) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : يوم غدیر خم أفضل أعياد امتی . روز غدیر خم برترین عید امت من است . (بحار الأنوار ، ج ۹۷ ، ص ۱۱۰) .

حضرت فاطمه علیها السلام : ما جعل الله بعد غدیر خم من حجة و لأعذر . خداوند پس از غدیر خم برای کسی حجت و عذری باقی نگذاشت . (دلائل الإمامه ، ص ۱۲۲) .

فی دعاء النديه: فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَ الْمَلَأَ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيَ أَمِيرُهُ وَ قَالَ أَنَا وَ عَلِيُّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ سَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى...

بیست و چهار ذیحجه الحرام ذیحجه، روز مباهله رسول خدا «ص» با ترسایان نجران

آیه مباهله، آیه ۶۱ سوره آل عمران است که پیرامون مناظره ای بین حضرت محمد «صلی الله علیه وآله» پیامبر اسلام و هیأت نجرانی نازل شده است . (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۲۹۰) فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ ... به آنها (مسیحیان نجران) بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می نماییم شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می کنیم شما نیز از نفوس خود را، آنگاه مباهله می کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم . فتح مکه در سال هشتم هجری توسط سپاه اسلام که بدون خونریزی انجام گردید ، موجب درخشش تدریجی قدرت فرهنگی و سیاسی اسلام در حجاز و بلکه در سراسر جهان گردید . از این رو ، مدینه که کانون اصلی انقلاب اسلامی بود ، مورد توجه رهبران مذهبی و سیاسی جهان قرار گرفت . این

پدیده فرهنگی و سیاسی، بستر مناسبی شد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با اعزام نماینده ویژه و ارسال نامه برای رهبران سیاسی و مذهبی جهان، بویژه مناطق نزدیک به مدینه، آنها را به پذیرش اسلام و یا به رسمیت شناختن دولت اسلامی و التزام به مقررات آن، فرا خواند. طبعاً بسیاری از مخاطبان نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله، مایل بودند که با آمدن به مدینه، از نزدیک با کانون انقلاب اسلامی و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آشنا شوند. از این رو در سال نهم هجری به تدریج، هیئت های نمایندگی طوایف و قبایل عرب به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رسیدند و بدین جهت، مورخان، این سال را «عام الوفود» نامیده اند. نامه پیامبر صلی الله علیه و آله به مسیحیان نجران، از جمله نامه های ارسالی ایشان در سال نهم هجری است. پس از ارسال این نامه، یک هیئت بلندپایه از رهبران مسیحیان نجران، به مدینه آمدند و با پیامبر صلی الله علیه و آله مذاکره و مناظره نمودند. آنها از روی تعصب و لجاجت، دلایل روشن پیامبر صلی الله علیه و آله را برای اثبات رسالت او نپذیرفتند. از این رو، گفتگوهای آنان به نتیجه نرسید و در نهایت، با نزول آیه ۶۱ سوره آل عمران، پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خداوند متعال مأموریت یافت که به آنها پیشنهاد مباحله دهد تا خداوند متعال، خود، میان مدعی نبوت (پیامبر صلی الله علیه و آله) و مسیحیان، داوری کند و دروغگو را رسوا سازد. این پیشنهاد پیامبر صلی الله علیه و آله برای فیصله دادن به مجادلات هیئت اعزامی مسیحیان نجران، نزد خاص و عام مسلمانان و مسیحیان، از هر دلیل و برهانی، کارسازتر بود؛ اما رهبران مسیحیان نجران، با این که ابتدا پیشنهاد مباحله را پذیرفته بودند، پس از این که در روز موعود به میعادگاه وارد شدند و نشانه های صدق و حقایق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدند، از انجام آن منصرف شدند و به امضای صلح نامه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله شروط آن را مشخص فرمود و به پرداخت جزیه، تن در دادند.

بیست و پنج ذیحجه الحرام روز خانواده (نزول سوره ی دهر در شأن امام علی(ع) و...)

پس از آن که امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) برای برآوردن حاجت خویش، سه روز روزه را نذر کرده بودند و نوبت به ادای آن رسید، در سه روز متوالی مسکین و یتیم و اسیری به در خانه ی آنها آمد و غذایی طلب کرد. آن بزرگواران نیز غذای خود را به آنها داده و خود با آب، افطار نمودند. این خانواده ی کریم در مقابل این عمل، هیچ جزایی را از افراد نخواستند و اجر خود را از خدا طلبیدند. در این هنگام بود که وحی بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد و سوره ی دهر یا انسان در شأن امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) نازل گردید (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

نقش مرد در خانواده

پیامبر صلی الله علیه وآله : أَحَسُّ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ . باایمان ترین مردم ، خوش اخلاق ترین آنها و مهرورزترین شان با خانواده خود است . (بحار الأنوار ، ج ۷۱ ، ص ۳۸۷) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : رَحِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ . خداوند رحمت کند پدری را که فرزندش را بر نیکی کردن بر خود کمک کند . (میزان الحکمه ، ج ۲۲۷۴۴) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ اغْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا . نشستن مرد پیش زن و فرزندش نزد خداوند محبوبتر است از اعتکاف در این مسجد من . (تنبيه الخواطر ، ج ۲ ، ص ۱۲۲) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ . خداوند دوست دارد که میان فرزندانان عادلانه رفتار کنید . حَتَّى در بوسیدن آنها . (میزان الحکمه ، ج ۲۲۶۶۵) .

امام سجّاد علیه السلام : إِنَّ أَرْضَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ . خداوند از آن کس خوشنودتر است که خانواده خود را بیشتر در رفاه و نعمت قرار دهد . (بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۱۳۶) .

امام سجّاد علیه السلام : وَ أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا ، فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمَهَا وَ تَرْفُقَ بِهَا . حَقِّ زن این است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی این نعمتی است که خداوند به تو داده ؛ پس باید او را گرامی داری و با وی نرمی کنی . (بحار الأنوار ، ج ۷۴ ، ص ۵) .

امام سجّاد علیه السلام : لَأَنْ أَدْخَلَ السُّوقَ وَ مَعِيَ دِرْهَمٌ أَتْبَاعٌ بِهِ لَحْمًا لِعِيَالِي وَ قَدْ قَرَمُوا إِلَيْهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً . چنانچه وارد بازار شوم و درهمی داشته باشم و با آن برای خانواده ام گوشتی بخرم که بدان رغبت کرده اند ، برای من محبوبتر است از این که بنده ای را آزاد کنم . (وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۵۴۳) .

امام صادق علیه السلام : إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ : مُعَاشَرَةً جَمِيلَةً وَ سَعَةً بِتَقْدِيرٍ وَ غَيْرَةً بِتَحْصُنٍ . مرد برای اداره منزل و خانواده خود به سه خصلت نیاز دارد که اگر در طبیعت او نباشد ، باید خود را با تکلف به آنها وادارد : خوش رفتاری ، گشاده دستی سنجیده و غیرت برای حفاظت از آنها . (تحف العقول ، ص ۳۲۲) .

امام صادق علیه السلام : لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ وَ هِيَ : الْمُوَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا وَ حُسْنُ خُلُقِهِ مَعَهَا وَ اسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةً قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَ تَوْسِيعَتِهِ عَلَيْهَا . شوهر در رابطه خود با همسرش از سه چیز بی نیاز نیست : سازگاری با او تا به این وسیله سازگاری و محبت و عشق او را به خود جلب کند ، و خوش خوئی با او و دلبری از او با آراستن خود برای وی و فراهم آوردن امکانات رفاهی او . (میزان الحکمه ، ج ۷۸۷۶) .

امام صادق علیه السلام : مَنْ حَسُنَ بَرُّهُ بِأَهْلِ بَيْتِهِ مُدُّ لَهُ فِي عُمَرِهِ. هر کس به خانواده اش نیکی کند ، عمرش زیاد شود. (الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵) .

نقش زن در خانواده

پیامبر صلی الله علیه وآله : لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا. اگر قرار بود دستور دهم کسی در برابر کسی سجده کند ، به زن دستور می دادم تا شوهرش را سجده کند. (بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۴۶) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : مَا مِنْ امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا إِلَّا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يَعْذِبْهُ. هر زنی که در خانه شوهر خود به قصد سامان دادن کارهای خانه چیزی را جا به جا کند خداوند به او نظر می کند و هر که خداوند به او نظر کند عذابش نمی دهد. (بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۵۳) .

پیامبر صلی الله علیه وآله : أَيْمًا امْرَأَةً حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَمَا لَا يَطِيقُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهَا حَسَنَةً. زنی که شوهر خود را بر انجام دادن کارهایی وادار کند که او توانایی انجام دادن آنها را ندارد، هیچ یک از کارهای نیک او پذیرفته نخواهد شد. (مکارم الأخلاق، ص ۲۱۵) .

امام باقر علیه السلام : لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحَ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا. برای زن نزد پروردگارش هیچ شفاعت کننده ای کارسازتر از خشنودی شوهرش نیست. (میزان الحکمه ، ج ۷۸۶۴) .

امام صادق علیه السلام : سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تَكْرُمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ. خوشبخت است خوشبخت ، آن زنی که شوهر خود را گرامی می دارد و آزارش نمی هد و در همه حال از وی فرمان می برد. (کنز الفوائد ، ج ۱، ص ۱۵۰) .

امام صادق علیه السلام : لَا غِنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ زَوْجِهَا الْمُرَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَ هُنَّ : صِيَانَةُ نَفْسِهَا عَنْ كُلِّ دَنَسٍ حَتَّى يَطْمَئِنَّ قُلُوبُهُ إِلَى الثَّقَةِ بِهَا فِي حَالِ الْمَحَبُوبِ وَالْمَكْرُوهِ وَ حِيَاطَتُهَا لِتَكُونَ ذَلِكَ عَاطِفًا عَلَيْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ تَكُونُ مِنْهَا وَ إِظْهَارُ الْعِشْقِ لَهُ بِالْخَلَابَةِ وَ الْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ .

زن با شوهر سازگار خود ناگزیر از رعایت سه نکته است : حفظ کردن خود از هر گناه و آلودگی تا شوهرش در هر حال ، خوشایند یا ناخوشایند ، در دل به او اطمینان داشته باشد ؛ مراقبت از او و زندگی اش تا شوهرش در صورتی که لغزشی از او سرزند با او مهربانی کند ، و اظهار عشق به او با عشو و دلبری و ظاهر مناسب و خوشایند در نظر او. (بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۲۳۷) .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله : إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ لِعَفِيفَةٍ، الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا، الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحِصَانُ عَلَى غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ... ؛ بهترین زنان آن ، زن زایا، بسیار مهربان و پاکدامن است که برای شوهرش خودآرایی می کند و از غیر او خود را

محفوظ نگه می دارد، حرف شوهرش را می شنود و فرمان او را اطاعت می کند... (کافی ط) -
الاسلامیه) ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله : إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظَمِهِ ، فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كِعْدِلِ عِتْقِ مُحَرَّرٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ عَلَى جَنْبِهَا وَ قَالَ : إِسْتَأْنَفِيَ الْعَمَلُ ، فَقَدْ غُفِرَ لَكَ ؛ هنگامی که زن باردار می شود ، همانند روزه دار شب زنده دار و مجاهدی است که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند و هنگامی که فارق شود ، پاداشی دارد که نمی دانی عظمت آن چه قدر است و هنگامی که شیر بدهد ، در هر بار مکیدن ، پاداش آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل علیه السلام برای اوست و آن گاه که شیردادن تمام شود ، فرشته ای بر پهلوی او می زند و می گوید : «عمل را از نو آغاز کن که بی تردید ، آمرزیده شدی» . (امالی (صدوق) ص ۴۱۲ - ۴۱۱)

نقش فرزندان در خانواده

قرآن کریم: وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ، وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا. و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو ، یا هر دو ، در کنار تو به سالمند رسیدند، به آنها [حتی] أُفِّ مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها به شایستگی سخن گوی و از سرِ مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو : پروردگار! آن دو را رحمت کن، چنان که مرا در خردی پروردند. (اسراء، آیه ۲۴ - ۲۳).

امام علی علیه السلام : بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ. نیکی به پدر و مادر، بزرگترین فریضه است. (غررالحکم و دررالْحکلم، ح ۴۴۲۳).

امام رضاعیه السلام : إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ... أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ. خداوند به سپاسگزاری از خود و پدر و مادر فرمان داده است ؛ پس هر که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند ، خداوند را سپاس نگفته است. (الخصال، ص ۱۵۶).

امام رضاعیه السلام : بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ. نیکی کردن به پدر و مادر واجب است ، اگر چه مشرک باشند و نباید در معصیت خالق از آنان اطاعت کرد. (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله : مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ طُوبَى لَهُ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ. خوشا به حال کسی که به پدر و مادرش نیکی کند ، خداوند عمرش را زیاد می کند. (کنز العمال ، ح ۴۵۴۸۳) .

امام صادق علیه السلام: یَجِبُ لِلْوَالِدَیْنِ عَلَی الْوَلَدِ ثَلَاثَةُ أَشْیَاءَ؛ شُكْرُهُمَا عَلَی كُلِّ حَالٍ وَ طَاعَتُهُمَا فِيمَا یَأْمُرَانِهِ وَ یَنْهَیَانِهِ عَنْهُ فِی غَیْرِ مَعْصِیَةِ اللَّهِ وَ نَصِیحَتُهُمَا فِی السِّرِّ وَ الْعِلَانِیَةِ. پدر و مادر را بر فرزند سه حق است: در همه حال شکرگزار آنها باشد؛ در هر چه او را امر و نهی می کنند، به جز معصیت خدا، اطاعتشان کند و در نهان و آشکار خیرخواه آنان باشد. (تحف العقول، ص ۳۲۲).

امام صادق علیه السلام: أَلْبَنُونَ نَعِیمٌ وَ الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ اللَّهُ یَسْأَلُ عَنِ النَّعِیمِ، وَ یُثِیبُ عَلَی الْحَسَنَاتِ؛ پسران، نعمت‌اند و دختران خوبی. خداوند، از نعمت‌ها سؤال می کند و به خوبی‌ها پاداش می دهد. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۶، ص ۷، ح ۱۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله: أَحِبُّوا الصِّبْیَانَ وَ ارْحَمُوهُمْ، وَ إِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَیْئًا فُقُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا یَدْرُونَ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا تَرْزُقُونَهُمْ؛ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و هرگاه به آنان وعده دادید، به آن وفا کنید، زیرا آنان، روزی دهنده خود را کسی غیر از شما نمی دانند. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۶، ص ۴۹، ح ۳)

امام باقر علیه السلام: إِنَّا نَمُرُّ صِبْیَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنَى خَمْسِ سِنِینَ، فَمُرُوا صِبْیَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنَى سَبْعِ سِنِینَ، وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْیَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنَى سَبْعِ سِنِینَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِیَامِ الْیَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْغَرْتُ أَفْطَرُوا، حَتَّى یَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ یَطِيقُوهُ، فَمُرُوا صِبْیَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنَى تِسْعِ سِنِینَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِیَامِ الْیَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا؛ ما کودکان خود را وقتی پنج ساله اند، به نماز امر می کنیم؛ ولی شما کودکان‌تان را وقتی هفت ساله شدند، به نماز امر کنید. ما کودکان خود را وقتی هفت ساله اند، به روزه وامی داریم، به اندازه ای که توان دارند، چه نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر. وقتی تشنگی و گرسنگی بر آنان چیره شد، افطار می کنند تا این که به روزه، عادت کنند و توان آن را بیابند، ولی شما کودکان‌تان را وقتی نه ساله شدند، به اندازه ای که توان دارند، به روزه و دارید و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد، افطار کنند. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۳، ص ۴۰۹، ح ۱)

اول فروردین عید نوروز

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّيَرِوزِ فَأَغْتَسِلْ وَ الْبَسْ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ ؛ هرگاه نوروز فرار رسید ، غسل کن و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش . (وسائل الشیعه ، ج ۵ ، ص ۲۸۸)

ابراهیم کرخی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که: شخصی مزرعه ای دارد. روز مهرگان یا نوروز، هدایایی به او داده می شود و قصد تقرب جُستن به وی را ندارند [آیا بپذیرد؟]. حضرت فرمودند: آیا نمازگزار هستند؟ گفتم: آری. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: باید هدیه آنان را بپذیرد و تلافی کند. به درستی که رسول خدا فرمودند: اگر برایم ران بُزی هدیه آورند، می پذیرم و این، جزو دینداری است و اگر کافر یا منافقی ران گاو یا گوسفندی برایم هدیه آورد، نخواهم پذیرفت و این هم جزو دینداری است. خداوند، خوراک و دستاورد مشرک و منافق را برای ما روا نداشته است. (اصول کافی، ج ۵، ص ۱۴۱)

امام صادق «ع» فرمودند: نَيْرُوزُ نَاكُلُ يَوْمٍ؛ هرروز ما نوروز است. (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که نوروز شد، غسل کن و لباس پاکیزه بپوش و خودت را خوشبو ساز و آن روز را روزه بدار. پس هنگامی که نماز ظهر و عصر و نافله های آن را به جای آوردی، نمازی چهار رکعتی بگزار که در رکعت اَوَّل آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره قدر را می خوانی. در رکعت دوم آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره کافرون را می خوانی. در رکعت سوم آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره توحید را می خوانی و در رکعت چهارم، سوره حمد را با سوره های فلق و ناس. پس از نماز هم سجده شکر می گزاری و دعا می کنی. [بدین ترتیب] گناهان پنجاه ساله ات بخشوده می شود. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۸ و ج ۵، ص ۲۸۸ و ج ۷، ص ۳۴۶)

مُعَلّی پسر خُنَیس گوید: در روز نوروز، بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، حضرت فرمودند: یکی از پیامبران بنی اسرائیل از خداوند پرسید چگونه مردمانی را که خارج شدند، زنده می کند. خداوند بدو وحی کرد که در نوروز، آب بر قبر آنان بپاشد و آن، اولین روز سال فارسیان است و آنها زنده شدند، در حالی که سی هزار نفر بودند. از همین جا پاشیدن آب در نوروز، سنّت شده است. گفتم: آیا نام های روزهای فارسی را به من تعلیم نمی دهید؟ حضرت فرمودند: ای معلّی! اینها روزهایی کهن از ماه هایی کهن است. هر ماه، سی روز است، بدون کم و کاست... (بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۹۱)

مفضّل، فرزند عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: ... فَأُوحِيَ اللَّهُ إِلَيْهِ: «يَا حَزَقِيلُ! هَذَا يَوْمٌ شَرِيفٌ عَظِيمٌ قَدْرُهُ عِنْدِي، وَ قَدْ أَلَيْتَ أَنْ لَا يَسْأَلَنِي مُؤْمِنٌ فِيهِ حَاجَةٌ إِلَّا قَضَيْتُهَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ هُوَ يَوْمٌ نَيْرُوزٍ»؛ ... خداوند بر حَزَقِيلُ وحی فرستاد که: «این روز، روزی گرامی و بلند مرتبه نزد من است. با خود عهد کرده ام هر مؤمنی در این روز از من حاجتی بخواهد آن را برآورده سازم و آن روز، نوروز است». (مستدرک الوسائل چاپ سنگی ، ج ۱، ص ۴۷۱)

مُعَلّی پسر خُنَیس گوید: در روز نوروز، بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم، حضرت فرمودند: این همان روز است که خورشید طلوع کرد، بادهای وزیدن گرفت و گل های زمین رویدند. این همان روزی است که کشتی نوح (علیه السّلام) بر ساحل جودی آرامش یافت و همان روزی است که خداوند، گروهی چند هزار نفره را که از ترس مرگ از خانه ها بیرون رفته بودند زنده ساخت، پس از آن که آنان را میرانده بود. این، روز فرود جبرئیل بر پیامبر اسلام است و روزی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) امام علی (علیه السّلام) بر دوش گرفت تا بت های قریش را در مسجد الحرام شکست و در همین روز، ابراهیم، بت ها را شکست. (بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۹۱)

مُعَلّی پسر خُنَیس گوید: در روز نوروز، بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم، حضرت فرمودند: «آیا این روز را می شناسی؟». گفتم: قربانت گردم! این روز را فارسیان گرامی می دارند و به یکدیگر هدیه می دهند. امام صادق علیه السّلام فرمودند: سوگند به خانه کعبه که این، رمزی دیرینه دارد و برایت روشن می سازم تا آگاه گردی». گفتم: سرورم! آموختن این امر از شما برایم بهتر از آن است که مردگان زنده شوند و دشمنانم بمیرند. آن گاه فرمودند: ای معَلّی! روز نوروز، همان روز است که خداوند از بندگان پیمان گرفت او را پرستند و به او شرک نوزند، به پیامبران و حجت هایش بگروند و به امامان ایمان آورند. (بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۹۱)

امام علی علیه السّلام فرمودند: كُلُّ يَوْمٍ لَا يَعْبُدُ اللَّهَ فِيهِ فَهَوَ عِيدٌ؛ هر روزی که در آن خداوند نافرمانی نشود، عید است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸)

برای امام علی علیه السلام هدیه نوروزی آورده شد. حضرت فرمودند: این چیست؟ گفتند: امروز نوروز است. حضرت فرمودند: اصْنَعُوا لَنَا كُلَّ يَوْمٍ نِيرُوزًا؛ پس در این صورت - هر روز ما را نوروز سازید. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ۲۱۴)

امام صادق علیه السّلام فرمودند: يَوْمُ النَّيْرُوزِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ قَائِمُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ؛ نوروز، روزی است که قائم ما اهل بیت در آن ظهور می کند. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: فَتَيْرُوزَا إِن قَدَرْتُمْ كُلَّ يَوْمٍ يَعْنِي تَهَادُوا وَتَوَاصَلُوا فِي اللَّهِ؛ اگر می توانید هر روز را نوروز کنید؛ یعنی در راه خدا به یکدیگر هدیه بدهید و با یکدیگر پیوند داشته باشید. (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۲۶)

امام صادق علیه السّلام فرمودند: مَا مِنْ يَوْمٍ نَيْرُوزٍ إِلَّا وَنَحْنُ نَتَوَقَّعُ فِيهِ الْفَرَجَ لِأَنَّهُ مِنْ أَيَّامِ شِيعَتِنَا؛ هیچ نوروزی نیست مگر آن که ما در آن روز منتظر فرج [ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم] هستیم؛ چرا که نوروز از روزهای ما و شیعیان ما است. (مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۵۲)

دوم فروردین روز جهانی آب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: فِي الْمَاءِ وَ الْكَلَاءِ وَ النَّارِ ؛ مسلمانان در سه چیز شریک اند: آب، مرتع، آتش (مواد سوختی). (میزان الحکمه، ج ۹۶۳۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خَيْرُ شَرَابٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْمَاءُ ؛ بهترین نوشیدنی در دنیا و آخرت آب است . (جامع الصغير، ج ۱، ص ۶۱۹)

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا تُفْسِدُ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ ؛ آب مورد نیاز مردم را آلوده نکن . (تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۸۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: سَيِّدُ شَرَابِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْمَاءُ ؛ سرآمد نوشیدنی های دنیا و آخرت آب است . (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۶)

امام رضا علیه السلام فرمودند: طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ؛ مزه آب، مزه زندگی است. (بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۹۹)

امام رضا علیه السلام فرمودند: نام آب خشیه الله است، یعنی مخلوقی که از خدا ترسیده، زیرا خداوند با هیبت به آن گوهر نظر افکند و تبدیل به آب شد. (بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۱۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: مزه آب، حیات است و طعم نان، قوت. (بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند: اولین آفریده خدا چیزی بود که تمام اشیاء از آن بوجود آمد و آن هم آب است. (بحار الانوار، ج ۵، ص ۶۷)

امام صادق علیه السلام فرمودند: نخستین چیزی که خدای عزوجل از بنده اش سؤال میکند این است که آیا تو را از آب گوارا سیراب نساختم. (وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۳۳)

محمد بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام از اولین چیزی که خداوند آفرید سؤال کردم. حضرت فرمودند: اول چیزی که خداوند عزوجل خلق کرد چیزی است که همه اشیاء را از او آفرید. عرض کردم فدایت شوم آن چیست؟ حضرت فرمودند: آب. (بحار الانوار، ج ۵، ص ۵۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: کسی که آب و خاک یعنی نیروی طبیعی دارد و نیروی انسانی خود را برای بهره‌برداری به کار نمی‌بندد و با فقر و گدایی می‌گذراند نفرین و لعنت بر او باد. (بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۹)

امام علی علیه السلام فرمودند: شریفترین نوشیدنی، آب است. (بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۴۰)

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند: ای مفضل! بدان که اساسترین نیاز زندگی مادی انسان آب است و نان. بنگر که خداوند چگونه در این دو تدبیر کرده است: نیاز انسان به آب بیشتر از نیازش به نان است زیرا انسان آب را هم برای خوردن استفاده میکند و هم برای وضو، غسل، شستشوی

لباسها، سیرابسازی حیوانات و آبیاری باغ و مزارع، از این رو آب خرید و فروش نمیشود. (بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۷۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین نوشیدنی در دنیا و آخرت آب و بهترین خوراکی در دنیا و آخرت گوشت و سپس برنج است. (کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۹۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: بهترین نوشیدنی در دنیا و آخرت، آب است. (وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۳۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای زمین پایداری نیست مگر با آب (زمین بدون آب پایدار نمیماند). (بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۹)

قال الله تعالى: كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ؛ (اعراف، آیه ۳۱) .

قال الله تعالى: بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست نمی دارد .
پیامبر صلی الله علیه و آله: فِي الْوُضوءِ إِسْرَافٌ وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِسْرَافٌ ؛ (میزان الحکمه، ج ۸۴۹۷) .
پیامبر صلی الله علیه و آله: در وضو نیز اسراف هست ؛ در هر چیزی اسراف وجود دارد .

پیامبر صلی الله علیه و آله: الْوُضوءُ بِمُدٍّ وَ الْغُسْلُ بِصَاعٍ وَ سَيَأْتِي أَقْوَامٌ بَعْدِي يَسْتَقِلُّونَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ عَلَى خِلَافِ سُنَّتِي ؛ (الأشعثيات، ص ۱۶) .

پیامبر صلی الله علیه و آله: برای وضوء يك مُدٍّ (۷۵۰ گرم) و برای غسل يك صاع (۳ كيلو) آب بس است. پس از من گروهی می آیند که این مقدار را کافی نمی دانند ؛ آنها برخلاف سُنَّت من هستند .
پیامبر صلی الله علیه و آله: سَتَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ قَوْمٌ يَعْتَدُونَ فِي الطَّهْوَرِ ؛ (سنن أبی داود، ج ۱، ص ۲۹) .

پیامبر صلی الله علیه و آله: به زودی در این امت گروهی پدید خواهند آمد که در استفاده از پاک کننده ها زیاده روی می کنند .

امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - وَ إِنَّ السَّرْفَ يَبْغِضُهُ . . . وَ حَتَّى صَبُّكَ فَضْلَ شَرَابِكَ ؛ (الكافی، ج ۴، ص ۵۲) .

امام صادق علیه السلام: میانه روی چیزی است که خدای - عَزَّوَجَلَّ - آن را دوست دارد و اسراف را ناخوش می دارد . . . حَتَّى دُرِ رِيختن زیاده نوشیدنی ات را .

امام صادق علیه السلام: أَدْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ ؛ (الكافی، ج ۶، ص ۴۶۰) .

امام صادق علیه السلام: کم ترین اندازه اسراف، دور ریختن ته مانده ظرف (غذا یا آب) است .

امام صادق علیه السلام: لَا تُفْسِدْ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ ؛ (تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۸۵)

امام صادق علیه السلام: آب مورد نیاز مردم را آلوده نکن .

امام علی (علیه السلام): «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْإِقْتِصَادَ وَحُسْنَ التَّدْبِيرِ، وَجَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَالْإِسْرَافِ. هَرَّاهُ خَدَاوَنَدُ خَيْرِ بِنْدَهَائِ رَا بِخَوَاهِدْ، بَهْ اَوْ صَرْفَهَجَوِی وَ حَسَن تَدْبِیْر عَطَا کَنْد وَ اَزْ بَی تَدْبِیْرِ وَ اِسْرَافْ دُورَش سَازَد.» (میزان الحکمه، ج ۵۳۶۴)

پیامبر صلی الله علیه وآله: خَيْرُ شَرَابٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْمَاءُ؛ (جامع الصغير، ج ۱، ص ۶۱۹)
پیامبر صلی الله علیه وآله: بهترین نوشیدنی در دنیا و آخرت آب است.
پیامبر صلی الله علیه وآله: الْوُضُوءُ يُمَدُّ وَالْغُسْلُ بِصَاعٍ وَ سَيَأْتِي أَقْوَامٌ بَعْدِي يَسْتَقِيلُونَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ عَلَى خِلَافِ سُنَّتِي؛

پیامبر صلی الله علیه و آله: برای وضوء یک مُد (۷۵۰ گرم) و برای غسل یک صاع (۳ کیلو) آب بس است. پس از من گروهی می آیند که این مقدار را کافی نمی دانند؛ آنها برخلاف سنت من هستند
پیامبر صلی الله علیه و آله: الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: فِي الْمَاءِ وَ الْكَلَاءِ وَ النَّارِ؛ (میزان الحکمه، ۹۶۳۴)

سوم فروردین: روز هواشناسی

امام رضا علیه السلام فرمودند: طِبَائِعُ الْجِسْمِ عَلَى أَرْبَعَةٍ: فَمِنْهَا الْهَوَاءُ الَّذِي لَا تَحْيَا النَّفْسُ إِلَّا بِهِ وَ بِنَسِيمِهِ؛ طَبِيعَتِ جِسْمِ بَرِ چَهَارِ گُونَه است: یَکِی از آن‌ها هوا است که جان با آن و با نسیمش زنده می شود. (اصول کافی، ج ۸، ص ۲۳۰)

امام صادق علیه السلام فرمودند: وَ هَكَذَا الْهَوَاءُ، لَوْلَا كَثْرَتُهُ وَ سَعَتُهُ لَأَخْتَنَقَ هَذَا الْأَنَامُ مِنَ الدُّخَانِ وَ الْبَخَارِ الَّذِي يَتَحَيَّرُ فِيهِ؛ هوا نیز چنین است: اگر فراوان و گسترده نبود، مردم از دود و بخار سرگردان در هوا خفه می شدند. (بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۸۸)

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِعْتَبِرْ بِهَذِهِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ كَيْفَ يَتَعَاوَرَانِ الْعَالَمَ وَ يَتَصَرَّفَانِ، هَذَا التَّصَرُّفُ فِي الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ وَ الْإِعْتِدَالِ لِإِقَامَةِ هَذِهِ الْأَمْنَةِ الْأَرْبَعَةِ مِنَ السَّنَةِ وَ مَا فِيهِمَا مِنَ الْمَصَالِحِ؛ به گرما و سرما بنگر که چگونه چرخ نظام جهان را به گردش در می آورند و خود نیز در گردش اند. این گردش در فزونی و کاستی و اعتدال، برای برقرار ماندن فصل های سال و مصالحی است که در آن دو است. (بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۷۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّ الصَّحْوَ إِذَا دَامَ جَفَّتِ الْأَرْضُ وَ احْتَرَقَ النَّبَاتُ وَ غِيَصَ مَاءُ الْعُيُونِ وَ الْأَوْدِيَةِ فَأَضَرَّ بِالنَّاسِ وَ غَلَبَ الْيَبْسُ عَلَى الْهَوَاءِ فَأَحْدَثَ ضَرْوبًا أُخْرَى مِنَ الْأَمْرَاضِ؛ اگر هوا همیشه صاف و آفتابی بود، زمین خشک می شد و گیاهان می سوخت؛ آب چشمه ها و رودها فرو می رفت و به مردم زیان می رسید؛ خشکی بر هوا چیره می شد و گونه دیگری از بیماری را پدید می آورد. (بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۲۵)

امام صادق علیه السلام فرمودند: فَإِنَّهُ يَلِينُ الْأَبْدَانَ وَيَجْلُو كِدَرَ الْهَوَاءِ فَيَرْتَفِعُ الْوَبَاءُ الْحَادِثُ مِنْ ذَلِكَ ؛ بارش باران بدن ها را لطیف می کند و آلودگی را از هوا می زداید و وبای پدیدآمده از آن را از بین می برد. (بحار الأنوار ، ج ۵۹ ، ص ۳۸۶)

نُفُور دین به توپ بستن گنبد مطهر امام رضا(ع) توسط سربازان روسیه (۱۲۹۱ش)

السلام عليك ايها الامام الغريب السلام عليك ايها الامام الشهيد السلام عليك ايها الامام المعصوم السلام عليك ايها الامام المظلوم السلام عليك ايها الامام المغموم السلام عليك ايها الامام الهادي و الولي المرشد ابرء الى الله تعالى من اعدائك و اتقرب الى الله تعالى بموالاتك السلام عليك و رحمة الله و برکاته، پس از تشکیل ژاندارمری مخصوص خزانه داری کل ایران توسط مورگان شوستر آمریکایی، دولت روسیه که این اقدام را مخالفت مطامع خود در ایران می دانست، طی اولتیماتومی به دولت ایران، خواستار اخراج شوستر از ایران و نیز استخدام اتباع خارجی با اجازه دُول روس و انگلیس شد. در پی ردّ این اولتیماتوم دخالت آمیز توسط مجلس شورای ملی، قوای روسی مستقر در تبریز وارد قزوین شدند. هم چنین یکی از دست نشانندگان دولت روس در مشهد به نام یوسف هراتی به تحریک روس ها، شورشی مصنوعی در مشهد به پا کرد. قوای روس نیز به بهانه ی این که جان اتباع آن ها در خطر است به شهر مقدس مشهد وارد شدند و سپس برای تهدید دولت ایران و نیز بی احترامی به عقاید و احساسات مذهبی مردم، حرم مطهر امام رضا(ع) را در روز نهم فروردین ۱۲۹۱ش (نهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ق برابر با ۲۹ مارس ۱۹۱۲م) به توپ بستند و جنایتی دیگر آفریدند. در اثر شلیک توپخانه، به سردرها و گلدسته های حرم رضوی، خسارات فراوانی وارد آمد. هم چنین خزانه حضرتی را به بانک روس منتقل کرده و اشیای قیمتی حرم را به غارت بُردند. پس از آن، مقداری از اموال را برگردانده ولی متولی حرم را با تهدید به مرگ وادار کردند که تصدیق کند که تمام خزانه را تحویل گرفته است. علاوه بر این، عده ی بسیاری از مردم مشهد در این تهاجم وحشیانه کشته و مجروح شدند.

حوادثی که برای حرم مطهر امام رضا علیه السلام پیش آمده

حرم علی بن موسی الرضا طی چنده سده اخیر در اثر ۴ حادثه دچار تخریبهای جزئی و کلی ای گردید.

در اثر یورش عبدالمومن خان ازبک در سال ۹۷۷ طلا کوبی ها و زیورآلات گنبد و گلدسته های حرم به تاراج رفت که توسط شاه عباس صفوی در بین سال های ۱۰۱۰-۱۰۱۶ قمری ترمیم شدند.

در سال ۱۰۸۴ قمری زلزله شدیدی در مشهد رخ داد که سطح خارجی گنبد ترک برداشت و تعدادی از خشت‌های زرانود ریخت که شاه سلیمان صفوی گنبد را تعمیر و تجدید طلا کرد که جریان این طلاکاری توسط محمد رضا امامی خوشنویس در چهار ترنج دور گنبد نوشته شده است. در سال ۱۳۳۰ خورشیدی روس‌ها گنبد را به توپ بستند و نقاطی را در بدنه گنبد به اندازه کله قند سوراخ کردند که هنوز جای تعمیرها از درون گنبد قابل مشاهده است و در سال ۱۳۳۱ خورشیدی نیرالدوله والی خراسان دستور تعمیر آن را داد. در عاشورای ۱۳۷۳ خورشیدی در یک حمله تروریستی در اثر انفجار بمب در حرم ۲۶ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند. خرابی‌های حاصله بر بنا کم بود و فقط بخشی از کاشی‌کاری‌ها و آینه‌کاری‌های قدیمی آسیب دیدند که بعداً تعمیر شدند و پس از آن تاکنون در قسمت ورودی‌های مجموعه خادم‌هایی برای بازرسی بدنی و وسایل زائرین، خدمت می‌کنند. (عالم‌زاده، بزرگ، حرم رضوی به روایت تاریخ. انتشارات آستان قدس رضوی)

دوازده فروردین روز جمهوری اسلامی (۱۳۵۸ ش)

همه پرسی نظام حکومتی ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و رأی مثبت اکثریت قاطع (۹۸/۲٪) ملت به نظام جمهوری اسلامی، بزرگترین تحول کشور ایران پس از انقلاب افتخارآفرین ۲۲ بهمن بود. اگرچه مردم مسلمان ایران در جریان انقلاب اسلامی نیز بارها خواستار برقراری جمهوری اسلامی در کشورشان شده بودند، اما حضرت امام، پس از پیروزی انقلاب، بر برگزاری یک همه پرسی از مردم، در مورد نوع نظام آینده ایران تأکید کردند. نتیجه این نظرخواهی نه تنها معدود مخالفان حکومت اسلامی را منزوی کرد بلکه به همه جهانیان نشان داد که مردم ایران خواهان نظامی مردمی بر اساس تعالیم و قوانین دین مبین اسلام هستند. تشکیل جمهوری اسلامی، نه تنها آزاده ملت ایران بر تعیین سرنوشت خود را تثبیت کرد و برای آنان استقلال و آزادی به ارمغان آورد، بلکه این بارقه امید در دل محرومان و مستضعفان جهان درخشید که بعد از قرن‌ها رنج و درد، جلوه ای از وعده خداوند تبارک و تعالی را شاهد باشند. بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) در پیامی به مناسبت یوم الله ۱۲ فروردین فرمودند: صبحگاه دوازدهم فروردین که روز نخستین حکومت الله است، از بزرگترین اعیاد ملی و مذهبی ماست و ملت ما باید این روز بزرگ را عید بگیرند و زنده نگهدارند. روزی که پایه های ۲۵۰۰ ساله حکومت طاغوتی در ایران فرو ریخت و سلطه شیطنانی برای همیشه رخت برپست و حکومت دینی مبتنی بر خواست و اراده مردم جانشین آن گردید.

بیشتر فقهای شیعه، تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت، ضروری می دانند و بر این باورند که فقهای عادل، باید به این مهم اقدام کنند و اگر یکی از آنان تشکیل حکومت داد، بر دیگران واجب است که از او پیروی کنند. در مقابل، شماری اندک برآنند که اقامه حکومت از شؤون امام معصوم است، بنابراین، در عصر غیبت تشکیل حکومت جایز نیست. هر چند با تلاش عالمان آگاه و پیروزی انقلاب اسلامی، این باور غلط، از صحنه بیرون شد و بسیاری از هواداران آن، به صف انقلاب و مبارزان پیوستند، ولی این بدان معنی نیست که این تفکر به کلی ریشه کن شده و دیگر هیچ هواخواهی نداشته باشد، زیرا هنوز در گوشه و کنار، حتی از سوی برخی از خواص به آن دامن زده می شود. از این روی، بسیاری از دانشوران و صاحب نظران، پس از انقلاب اسلامی، برخی به اجمال و برخی به تفصیل به نقد و بررسی این اندیشه و مبانی آن پرداخته اند. (فقه سیاسی، عمید زنجانی، ج ۱۸۹/۲ - ۱۹۶؛ - دادگستر جهان، ابراهیم امینی ۲۷۱/ - ۳۰۰؛ - دراسات فی ولایة الفقیه، حسینعلی منتظری، ۲۰۵/۱۹۰ - ۲۵۴) پیامبر اکرم (ص) می فرماید: یخرج اناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه. (بحارالانوار، ج ۸۷/۵۱؛ - سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۸، احیاء التراث العربی. در سنن، این روایت، چنین آمده است: یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی یعنی سلطانه) مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی (ع) را فراهم می سازند. در برخی دیگر از روایات فریقین، به شکل گرفتن دولت حقّی، پیش از ظهور مهدی (ع)، که تا قیام آن حضرت ادامه پیدا می کند، تصریح شده است: امام باقر (ع) می فرماید: کائى بقوم قدخرجوا بالمشرق، یطلبون الحقّ فلا یعطونه، ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا رأوا ذلک وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سألوا، فلا یقبلونه، حتی یقوموا، ولا یدفعونها إلاّ الی صاحبکم قتلا هم شهداء اما انّی لو ادرکت ذلک لابقیت نفسی لهذا الامر. (بحارالانوار ج ۲۴۳/۵۲؛ - کتاب الغیبة، نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری ۲۷۳/، مکتبة الصدوق، تهران) گویا می بینم مردمی را از مشرق، که در طلب حقّ قیام کرده اند، ولی [حاکمان] به آنان پاسخی نمی دهند. پس از مدتی، دوباره قیام می کنند. این بار نیز، به آنان پاسخی داده نمی شود. ولی این مرتبه وضع را چنین می بینند، شمشیرهای خود را برشانه هایشان می نهند. در این هنگام، آنچه را می خواهند به آنان می دهند. اما نمی پذیرند و دست به قیام می زنند [و رژیم حاکم را ساقط و حکومتی بر اساس مبانی اسلام تشکیل می دهند] اینان، این حکومت را جز به صاحب شما [حضرت مهدی (عج)] تسلیم نمی کنند. کشتگان این قیام، همه شهید به شمار می آیند. اگر من، آن زمان را درک کنم، خود را برای خدمت مهدی (ع) نگه می دارم. نعیم بن عبدالله، به سند خود از ابراهیم بن علقمه، از عبدالله نقل می کند که ما روزی نزد پیامبر اسلام (ص) نشستیم بودیم که گروهی از بنی هاشم نزد ما آمدند. تا چشم پیامبر (ص) به آنان افتاد، رنگش دگرگون و آثار ناراحتی در چهره اش نمایان شد. اصحاب علّت ناراحتی را پرسیدند، حضرت چنین توضیح داد: انا اهل بیت

اختار الله لنا الآخرة على الدنيا وإنَّ اهل بيتي هؤلاء يلقون بعدى بلاء وتطريداً وتشريداً حتى ياتي قوم من هاهنا نحو المشرق اصحاب رايات سود يسألون فلا يعطونه مرّتين او ثلاثاً فيقاتلون فينصرون فيعطون ما سألو فلا يقبلونها حتى يدفعونها الى رجلٍ من اهل بيتي فيملأ الارض عدلاً كما ملأوها ظلماً، فمن ادرك ذلك منكم فليأتهم ولو حبوا على الثلج فأنّه المهدي. (تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی، محمدی ری شهری ۵۶/ وی حدیث یاد شده را با نقلهای مختلف و شرح و تفسیر آن آورده است) ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما، آخرت را بر دنیا برگزیده، و اینان که خاندان من هستند، پس از من دچار بلا و آوارگی و دوری و تبعید از وطن می گردند و این سختیها، ادامه می یابد، تا زمانی که مردمی از مشرق زمین قیام می کنند. آنان که اصحاب پرچمهای سیاه هستند. در آغاز قیام، خواسته مردم از حکومت، حقّ است، ولی سرمداران حکومت زیر بار نمی روند، دو یا سه بار قیام با این انگیزه صورت می گیرد، تا این که مردم به مبارزه خود ادامه داده و حکومت تسلیم خواسته های آنان می گردد، ولی این بار، مردم نمی پذیرند. و حکومت جدیدی براساس حقّ تشکیل می دهند و این حکومت تداوم می یابد. تا این که مردم آن را به مردی از خاندان من تحویل می دهند و او زمین را پر از عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم کرده اند. پس اگر کسی از شما آن زمان را درک کند، باید به آن مردم بپیوندد، هر چند سینه خیز روی برف برود، چون او مهدی (ع) است. گروهی احادیث فوق را بر قیام و نهضت امام خمینی حمل کرده اند و جمهوری اسلامی را زمینه ساز حکومت مهدی (ع) شمرده اند. (تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی، محمدی ری شهری ۵۶/ وی حدیث یاد شده را با نقلهای مختلف و شرح و تفسیر آن آورده است) امام رضا علیه السلام: أنا لا نجد فرقة من الفرق و لا ملة من الملل بقوا و عاشوا إلا بقیم و رئیس لما لا بد لهم منه فی أمر الدین و الدنیا و لا قوام لهم إلا به... (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۱). امام رضا علیه السلام می فرماید: هیچ فرقه و ملتی را نمی یابیم که پایدار مانده و زندگی کرده باشند مگر با داشتن فرمانروایی قوامبخش و این از آن رو است که مردم ناچارند برای امر دین و دنیای خود حاکمی داشته باشند تا آنها را سرپرستی کند و زندگی مردم بدون آن حاکم، قوام و سامان نمی یابد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: مردم تمام بلاد از سه طبقه بی نیاز نیستند تا در تنظیم امور دنیا و آخرت خود به آنان پناهنده شوند و اگر گروهی فاقد آن سه باشند زندگی وحشی و حیوانی خواهند داشت نه زندگی انسان، اول، فقیهی که عالم و متقی باشد، دوم حکومتی که خیرخواه و فرمانروا باشد، سوم طبیبی که در کار خود بینا و مورد اعتماد مردم باشد. (منبع: تحف العقول، ص ۳۲۱) حضرت امام علی (علیه السلام) فرمودند: سخن حقّی است، که از آن اراده ی باطل شد! آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی اینها می گویند زمامداری جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مومنان در سایه ی

حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهره مند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می گردد و به کمک آن با دشمنان می توان مبارزه کرد. جاده ها امن و امان، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می باشند. [در روایت دیگری آمده، چون سخن آنان را درباره حکمت شنید فرمود] منتظر حکم خداوند درباره ی شما هستم. [و نیز فرمود:] اما در حکومت پاکان، پرهیزکار به خوبی انجام وظیفه می کند، ولی در حکومت بدکاران، ناپاک از آن بهره مند می شود تا مدتش سرآید و مرگ فرا رسد. (نهج البلاغه، خطبه ۴۰) فضل بن شاذان از حضرت رضا (علیه السلام) شنیده است که فرمودند: هیچ طائفه و ملتی را نمی یابم که به زندگی ادامه داده و پایدار مانده باشند مگر به وجود رئیس و سرپرستی که ضروریات مادی و معنوی آنان از ناحیه ی او تأمین شده باشد. (بحار، ج ۳، ص ۱۰۸)

سیزده فروردین روز طبیعت

امام کاظم علیه السلام فرمودند: ثَلَاثَةٌ يَجْلِيَنَّ الْبَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ؛ سه چیز دیده را روشنی می بخشد: نگاه به سبزه، نگاه به آب جاری و نگاه به صورت زیبا. (الخصال، ص ۹۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ نُشْرَةٌ؛ نگاه کردن به سبزه موجب شادابی است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰)

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا تَطِيبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ: الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْغَزِيرِ الْعَذْبِ وَ الْأَرْضِ الْخَوَازَةِ؛ زندگی با سه چیز خوش می شود: هوای پاک، آب فراوان گوارا و زمین نرم و سست [آماده زراعت]. (تحف العقول، ص ۳۲۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ عِبَادَةٌ: النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ فِي الْمُصْحَفِ وَ فِي الْبَحْرِ. نگاه کردن به سه چیز عبادت است: به صورت پدر و مادر، به قرآن و به دریا. (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَ لَا تُغْرِقُوا بِالْمَاءِ وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَ لَا تُحْرِقُوا زَرْعاً لِأَنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّكُمْ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ. نخل را نسوزانید و آن را در آب غرق نکنید. درخت بارور را قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید؛ زیرا شما نمی دانید، شاید در آینده به آن نیازمند شوید. (الکافی، ج ۵، ص ۲۹)

امام صادق علیه السلام: التَّشَوُّهُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْمَشْيُ وَالرُّكُوبُ وَالْإِرْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَالنَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ. شادابی در ده چیز است: پیاده روی، [اسب] سواری، آب تنی (شنا) و نگاه کردن به سبزه... (الخصال، ص ۴۴۳).

هیجده فروردین روز بهداشت

امام علی علیه السلام فرمودند: نَظَّفُوا بُيُوتَكُمْ مِنْ حَوْكِ الْعَنْكَبُوتِ؛ خانه هایتان را از تار عنکبوت پاک کنید. (قرب الإسناد، ص ۵۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: كُنْشِ الْبَيْتِ يَنْفِي الْفَقْرَ؛ جاروب کردن خانه، فقر را از بین می برد. (الکافی، ج ۶، ص ۵۳۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَا تُبَيِّتُوا الْقُمَامَةَ فِي بُيُوتِكُمْ وَأُخْرِجُوهَا نَهَارًا؛ خاکروبه را شب در خانه نگذارید و آن را در روز از خانه خارج کنید. (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵)
امام علی علیه السلام فرمودند: تَنْظِفُوا بِالْمَاءِ مِنَ النَّتَنِ الرَّيْحِ الَّذِي يَتَأَدَّى مِنْهُ؛ خود را با آب از بوی ناخوشایند که دیگران را می آزارد، پاک کنید. (الخصال، ص ۶۲۰)

امام صادق علیه السلام فرمودند: الدُّهْنُ يَلِينُ الْبَشْرَةَ وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَيَسْهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَيَذْهَبُ الْقَشْفَ وَيُسْفِرُ اللَّوْنَ؛ روغن [مالیدن به پوست] آن را نرم و عقل را زیاد می کند؛ روزنه های پوست را پاک می کند و آلودگی تن را از بین می برد و رنگ پوست را روشنی می بخشد. (الکافی، ج ۶، ص ۵۱۹)

امام صادق علیه السلام فرمودند: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ تَقْلِيمِ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از کوتاه کردن ناخن با دندان نهی فرمودند. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلرِّجَالِ: قُصُّوا أَظْفَارَكُمْ وَلِلنِّسَاءِ: أَتْرَكْنَ مِنْ أَظْفَارِكُنَّ؛ فَإِنَّهُ أَزِينُ لَكُنَّ؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به مردان فرمودند: ناخن هایتان را کوتاه کنید، و به زنان فرمودند: ناخن هایتان را بلند بگذارید؛ زیرا برای شما زینت بخش تر است. (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۸)

امام صادق علیه السلام فرمودند: مِنَ السُّنَّةِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ؛ گرفتن ناخن از سنت پیامبر است. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّمَا قُصُّوا الْأَظْفَارَ لِإِنَّهَا مَقِيلُ الشَّيْطَانِ؛ ناخن ها را کوتاه کنید؛ زیرا جایگاه شیطان (و میکرب) است. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا تَسْرَحْ فِي الْحَمَامِ فَإِنَّهُ يَرِقُّ الشَّعْرَ ؛ در حمام شانه زنید که موی را سست می کند . (مکارم الأخلاق ، ج ۱ ، ص ۱۶۵) .

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۳۱ سوره اعراف (به هنگام عبادت زیورهای شایسته به خود برگیرید) فرمودند: الْمِشْطُ ، فَإِنَّ الْمِشْطَ يَحْسِنُ الشَّعْرَ ؛ منظور شانه کردن است ؛ زیرا شانه کردن مو را زیبا می کند . (وسائل الشیعه ، ج ۲ ، ص ۱۲۶) .

امام صادق علیه السلام فرمودند: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَغْسِلُ رَأْسَهُ بِالسَّدْرِ ؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سرش را با سدر می شست . (وسائل الشیعه ، ج ۲ ، ص ۶۳) .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ كِسْوَةِ اللَّهِ فَأَكْرَمُوهُ ؛ موی نیکو از پوشش های خدادادی است ؛ آن را گرامی بدارید . (وسائل الشیعه ، ج ۲ ، ص ۱۲۹) .

امام علی علیه السلام فرمودند: التَّنْظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ يَذْهَبُ الْهَمُّ وَالْحُزَنُ ؛ لباس پاکیزه اندوه را می زداید . (الکافی ، ج ۶ ، ص ۴۴۴) .

امام صادق علیه السلام فرمودند: الْبَسْ مَا لَتَشْتَهَرُ بِهِ وَلَا يَزِرُ بِكَ ؛ نه لباس شهرت بیوش و نه لباسی که تو را بی مقدار جلوه دهد . (میزان الحکمه ، ج ۱۸۰۸۰) .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الْبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ ، فَإِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ ؛ لباس های سفید بر تن کنید که از بهترین جامه های شما است . (میزان الحکمه ، ج ۱۸۰۶۱) .

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِيَّاكَ وَ شَرِبَ الْمَاءِ الْبَارِدَ فِي الْحَمَامِ فَإِنَّهُ يَفْسِدُ الْمِعْدَةُ ؛ از نوشیدن آب سرد در حمام بپرهیز که معده را تباه می کند . (الأمالی ، صدوق ، ص ۴۴۵) .

امام صادق علیه السلام فرمودند: وَصَبَّ الْمَاءُ الْبَارِدَ عَلَى قَدَمَيْكَ إِذَا خَرَجْتَ فَإِنَّهُ يَسْلُ الدَّاءَ مِنْ جَسَدِكَ؛ هنگام خارج شدن از حمام بر دو پای خود آب سرد بریز ؛ این کار بیماری را از بدنت بیرون می کند . (الأمالی ، صدوق ، ص ۴۴۵) .

امام کاظم علیه السلام فرمودند: لَا تَدْخُلُوا الْحَمَامَ عَلَى الرَّيْقِ وَلَا تَدْخُلُوهُ حَتَّى تَطْعَمُوا شَيْئًا ؛ ناشتا وارد حمام نشوید . وارد حمام نشوید مگر آن که چیزی خورده باشید . (من لایحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۱۱۶) .

امام باقر علیه السلام فرمودند: إِذَا خَرَجْنَا مِنَ الْحَمَامِ خَرَجْنَا مُتَعَمِّمِينَ شِتَاءً كَانَ أَوْ صَيْفًا . . . هُوَ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ ؛ وقتی از حمام خارج می شویم - چه در زمستان و چه در تابستان - سر خود را می پوشانیم ؛ این کار برای جلوگیری از سردرد است . (مکارم الأخلاق ، ص ۵۵) .

امام صادق علیه السلام فرمودند: الطَّعَامُ الْحَارُّ غَيْرُ ذِي بَرَكَةٍ ؛ غذای داغ ، بی برکت است . (الکافی ، ج ۶ ، ص ۳۲۲) .

امام رضا علیه السلام فرمودند: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُؤْذِيَهُ مِعْدَنُهُ فَلَا يَشْرَبُ بَيْنَ طَعَامِهِ مَاءً؛ دهر که می خواهد معده اش آزارش ندهد، در بین غذا آب نخورد. (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: إغسلوا أيديكم قبل الطعام و بعده؛ دست هایتان را قبل از خوردن غذا و بعد از آن بشویید. (المحاسن، ج ۱، ص ۴۲۵).

امام صادق علیه السلام فرمودند: وَ نَهَى [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] أَنْ يَنْفَخَ فِي طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ؛ پیامبر خدا از فوت کردن در غذا و آشامیدن نهی فرمودند. (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۵۰).
امام علی علیه السلام فرمودند: اِبْدُؤُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ؛ غذا خوردن را با چشیدن نمک آغاز کنید. (وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۴۰۴).

امام باقر علیه السلام فرمودند: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُضِرَّهُ طَعَامٌ . . . وَلْيَجِدِ الْمَضَغَ؛ هر که می خواهد غذا به او زیان نرساند . . . باید غذا را خوب بجود. (وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۴۳۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَطْنُهُ وَ صَفَا قَلْبُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقَمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ؛ هر کس کم بخورد، بدنش سالم می ماند و صفای دل می یابد، و هر که پر خوری کند، بدنش بیمار و قلبش سخت می شود. (میزان الحکمه، ج ۵۷۹).

امام علی علیه السلام فرمودند: نِعْمَ الْبَيْتُ الْحَمَامُ تَذْكُرُ فِيهِ النَّارُ وَ يَذْهَبُ بِالْذَّرَنِ؛ چه خوب جایگاهی است حمام، یادآور دوزخ است و چرک را از میان می برد. (من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۲۳۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ اتَّخَذَ شَعْرًا فَلْيَحْسِنْ وَّلَايَتَهُ، أَوْ لِيَجْزُهُ؛ هر کس مو می گذارد، آن را خوب نگه دارد و گرنه کوتاهش کند. (کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: كُلْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي، وَأَمْسِكْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي. وقتی اشتها داری غذا بخور و هنوز اشتها داری دست از خوردن بشوی. (بحار الأنوار، ج ۶۲ / ۲۹۰)

امام صادق علیه السلام فرمودند: أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعِشَاءِ. سرچشمه ویرانی تن، و ا گذاردن شام است. (الکافی، جلد ۶، صفحه ۲۸۸، حدیث ۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: التَّوْبُ النَّقِيُّ يَكْبِتُ الْعَدُوَّ. لباس پاکیزه دشمن را ذلیل مینماید. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ اتَّخَذَ ثَوْبًا فَلْيَنْظِفْهُ. هر که جامه ای می پوشد، باید آن را پاکیزه نگه دارد. (الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِي نُشْرَةً. شستن سر با خطمی، مایه شادابی است. (ثواب الأعمال، ص ۳۶، حدیث ۲ عن سفیان بن السمط دانش نامه احادیث پزشکی: ۱ / ۴۷۸)

امام کاظم علیه السلام فرمودند: الْحَمَامُ يَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا، يَكْثُرُ اللَّحْمُ، وَإِدْمَانُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَذِيبُ شَحْمَ الْكُلَيْتَيْنِ. حَمَام رفتن يك روز در میان، گوشت بدن را می افزاید؛ اما عادت به آن در هر روز، پیه کلیه ها را آب می کند. (بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۸، ح ۲۱. دانش نامه احادیث پزشکی: ۱ / ۵۸۸)

بیست فروردین روز هنر اسلامی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ مِنْ أَجْمَلِ الْجَمَالِ . . . نَعْمَةُ الصَّوْتِ الْحَسَنِ؛ از زیباترین زیبایی ها نغمه آواز خوش است. (الکافی، ج ۲، ص ۶۱۵).

امام صادق علیه السلام فرمودند: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا حَسَنَ الصَّوْتِ؛ خداوند هیچ پیامبر را مبعوث نکرد مگر این که خوش آواز بود. (الکافی، ج ۲، ص ۶۱۶).

امام صادق علیه السلام فرمودند: كَانَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ . . . وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا؛ علی بن حسین علیهما السلام خوش صداترین مردم در قرائت قرآن بود و امام باقر (علیه السلام) نیز خوش صداترین مردم بود. (میزان الحکمه، ج ۱۶۵۱۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید، خدای بزرگ برای او در بهشت خانه ای می سازد. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ حُسْنَ الصَّوْتِ زِينَةٌ لِلْقُرْآنِ؛ صدای خوش، زیور قرآن است. (میزان الحکمه، ج ۱۶۵۰۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نِعْمَتِ النَّعْمَةُ الصَّوْتُ الْحَسَنُ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ؛ چه نیک نغمه ای است آواز خوش برای مسلمان. (جامع الأحادیث، ص ۱۲۴).

امام علی علیه السلام فرمودند: خَيْرُ الشَّعْرِ مَا كَانَ مَثَلًا؛ بهترین شعر، آن است که مَثَل شود. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةً؛ برخی از شعرها حکمت است. (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: «درباره شاعران چه می فرمایید؟» حضرت فرمودند: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مُجَاهِدٌ بِسَيْفِهِ وَ لِسَانِهِ؛ «مؤمن با شمشیر و زبانش جهاد می کند». (تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۷۰).

امام علی علیه السلام فرمودند: جَوْدَةُ الْكَلَامِ فِي الْإِخْتِصَارِ؛ نیکویی گفتار در کوتاه بودن آن است. (المواعظ العديدة، ص ۵۵).

امام علی علیه السلام فرمودند: أَفَةُ الْكَلَامِ الْإِطَالَةُ؛ آفت سخن، طولانی کردن آن است. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۳۹۶۶).

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّمَا سُمِّيَ الْبَلِيغُ؛ لِأَنَّهُ يَبْلُغُ حَاجَتَهُ بِأَهْوَنِ سَعْيِهِ؛ بلیغ از آن جهت بلیغ نامیده شد که خواسته خود را با کم ترین تلاش به مخاطب می رساند. (تحف العقول، ص ۳۵۹).
امام علی علیه السلام فرمودند: إِحْدَرُ كَلَامٍ مَنْ لَا يَفْهَمُ عَنْكَ؛ فَإِنَّهُ يَضْجُرُكَ؛ از سخن گفتن با کسی که گفتارت را نمی فهمد بپرهیز که تو را به ستوه می آورد. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۲).

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا تَتَكَلَّمَنَّ إِذَا لَمْ تَجِدْ لِلْكَلَامِ مَوْقِعًا؛ وقتی برای گفتار، زمان مناسبی نمی بینی سخن مگو. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۱۰۲۷۴).
امام علی علیه السلام فرمودند: خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يَمِلُّ وَلَا يَقِلُّ؛ بهترین گفتار آن است که نه ملال آور باشد و نه نارسا. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۴۹۶۹).

امام علی علیه السلام فرمودند: عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخَطِّ فَإِنَّهُ مِنْ مَفَاتِيحِ الرِّزْقِ؛ بر شما باد به زیبایی خط که از کلیدهای روزی است. (بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۱).

امام علی علیه السلام فرمودند: أَلِقِ دَوَاتَكَ وَأَطْلِ جَلْفَةَ قَلَمِكَ وَفَرِّجْ بَيْنَ السُّطُورِ وَقَرِّمِطْ بَيْنَ الْحُرُوفِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَجْدَرُ بِصَبَاحَةِ الْخَطِّ؛ دوات خود را لایقه بگذار و نوک قلمت را دراز بتراش و میان خط ها فاصله بگذار و حرف ها را نزدیک هم بنویس؛ این کار باعث زیبایی خط می شود. (میزان الحکمه، ج ۴۷۲۹).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الْخَطُّ الْحَسَنُ يَزِيدُ الْحَقَّ وَضَحًا؛ خط نیکو وضوح حق را افزون می کند. (نهج الفصاحه)

امام علی علیه السلام فرمودند: الْخَطُّ لِسَانُ الْيَدِ؛ خط، زبان دست است. (غررالحکم: ۷۰۶)
امام علی علیه السلام فرمودند: افْتَحْ بَرْيَةَ قَلَمِكَ، وَأَسْمِكْ شَحْمَتَهُ، وَأَيْمِنْ قِطْعَتِكَ يَجُذُّ خَطُّكَ؛ نوک قلمت را بشکاف و پره آن را ستبر گردان و آن را از راست برش بزن تا خطت خوش شود. (غررالحکم: ۲۴۶۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمًا، وَإِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا؛ برخی شعرها حکمت آمیز است و برخی بیانها افسونگر. (أمالی الصدوق: ۴۹۵ / ۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: حَسَّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصَوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا. قرآن را با صوت زیبا، زینت دهید، زیرا که صوت نیکو بر زیبایی قرآن می افزاید. (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۹)

امام علی علیه السلام فرمودند: أحسن الكلام ما زانه حسن النظام، وفهمه الخاص والعام. بهترین سخن، آن است که به زیبایی نظم (نیکویی تألیف و ترکیب) آراسته باشد و خواص و عوام آن را بفهمند. (غررالحکم، ح ۳۳۰۴)

بیست و سه فروردین روز دندان پزشکی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: تَخَلَّلُوا عَلَى إِثْرِ الطَّعَامِ وَ تَمَضَّضُوا فَإِنَّهُمَا مَصِحَّةُ النَّابِ وَ النَّوَاجِدِ؛ پس از خوردن غذا دندان هایتان را خلال کنید و آب در دهان بگردانید که این دو کار مایه سلامتی دندان های نیش و آسیا است. (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: تَخَلَّلُوا عَلَى إِثْرِ الطَّعَامِ فَإِنَّهُ مَصِحَّةٌ لِلْفَمِ وَ النَّوَاجِدِ وَ يَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ؛ پس از خوردن غذا خلال کنید که مایه سلامتی دهان و دندان های آسیا است و روزی را بر بنده فرو می ریزد. (مکارم الأخلاق، ص ۱۵۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ السَّوَاكُ؛ مسواک کردن از اخلاق پیامبران است. (میزان الحکمه، ح ۹۰۵۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ -كَانَ يَتَخَلَّلُ وَ هُوَ يَطِيبُ الْفَمَ؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دندانهایش را خلال میکرد و خلال کردن، دهان را خوش بومیکنند. (الکافی، ج ۶، ص ۳۷۶). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: تَخَلَّلُوا فَإِنَّهُ مِنَ النَّظَافَةِ؛ (دندان هایتان را) خلال کنید که بخشی از پاکیزگی است. (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَالِكُمْ لَا تَسْتَاكُونَ؟؛ چرا شما را با دندان های زرد می بینم؟ چرا مسواک نمی زنید؟ (الکافی، ج ۶، ص ۴۹۶).

امام علی علیه السلام فرمودند: السَّوَاكُ يَجْلُو الْبَصَرَ؛ مسواک کردن مایه روشنایی دیدگان است. (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: عَلَيْكُمْ بِالسَّوَاكِ فَنِعَمَ الشَّيْءُ السَّوَاكُ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَخْرِ وَ يَصْلِحُ الْمِعْدَةَ وَ يَزِيدُ فِي دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ وَ يَسْخِطُ الشَّيْطَانَ؛ بر شما باد به مسواک کردن! مسواک کردن چه کار خوبی است؛ لثه را محکم می کند، بوی ناخوشایند دهان را می زداید، معده را اصلاح می کند، بر درجات بهشتی می افزاید و شیطان را به خشم می آورد. (نهج الفصاحه، ح ۱۹۷۵) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لِأَمْرِهِمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ؛ اگر ترس از سختگیری بر امت نبود، دستور می دادم که با هر نمازی مسواک زنند. ۰ الکافی: ۱/۲۲/۳

امام صادق علیه السلام: فِي السَّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً: هُوَ مِنَ السُّنَّةِ، وَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَ مَجَلَّةٌ لِلْبَصَرِ، وَ يُرْضَى الرَّحْمَنُ، يُبَيِّضُ السِّنَانَ، يَذْهَبُ بِالْحَقَرِ، وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ يُسَهِّلُ الطَّعَامَ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَ يَزِيدُ

فِي الْجَفِظِ، وَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتِ، وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ؛ در مسواک زدن دوازده فایده وجود دارد: ۱. از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است، ۲. دهان را پاکیزه می کند، ۳. نور چشم را زیاد می کند، ۴. باعث خشنودی خداوند است، ۵. دندانها را سفید می کند، ۶. پوسیدگی آنها را از بین می برد، ۷. لثه را محکم می سازد، ۸. اشتها آور است، ۹. بلغم را می برد، ۱۰. حافظه را زیاد می کند، ۱۱. حسنات دو چندان می شوند، ۱۲. فرشتگان شاد می گردند. (خصال ص ۴۸۱، ح ۵۳ - شبیه این حدیث در محاسن ج ۲، ص ۵۶۲، ح ۹۵۳ - کافی (ط - الاسلامیه) ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۶)

بیست و نه فروردین روز ارتش

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بیاهی الله تعالی الملائكة بالمجاهدين؛ خداوند بزرگ با مجاهدان بر فرشتگان می بالد. (جامع الأخبار، ص ۹۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَعَزُوزَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَرْبَعِينَ حَجَّةً؛ یک بار پیکار در راه خدا، نزد من محبوب تر از به جا آوردن چهل حج است. (کنز العمال، ح ۱۰۶۹۴).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قُودًا أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ رزمندگان در راه خدا، راهبران اهل بهشت اند. (بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۹۹)

امام علی علیه السلام فرمودند: الْمُجَاهِدُونَ تَفْتَحُ لَهُمُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ؛ درهای آسمان بر روی مجاهدان گشوده می شود. (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۱۳۴۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: الْجُنُودُ عِزُّ الدِّينِ وَ حُصُونُ الْوَلَاةِ؛ لشکریان، مایه عزت دین و دژهای حاکمان اند. (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۱۹۵۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النَّبُوَّةِ أَهْلُ الْجِهَادِ وَ أَهْلُ الْعِلْمِ. نزدیک ترین مردم به مقام نبوت، اهل جهاد و دانش اند. (کنز العمال، ح ۱۰۶۴۷)

قال الامام علی - علیه السلام - : خَيْرُ النَّاسِ رَجُلٌ حَبَسَ نَفْسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجَاهِدُ أَعْدَاءَهُ يَلْتَمِسُ الْمَوْتَ أَوْ الْقَتْلَ فِي مَصَافِهِ. امام علی - علیه السلام - فرمودند: بهترین مردم کسی است خود را در راه خدا وقف کرده و با دشمنان او به نبرد بر می خیزد، و مرگ یا کشته شدن در میدان نبرد را آرزو می کند. (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۷)

قال الامام علی - علیه السلام - : الْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرِّعِيَةِ وَ زِينُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرِّعِيَةُ إِلَّا بِهِمْ. امام علی - علیه السلام - فرمودند: سربازان، به اذن خداوند، دژ مردم، زینت زمامداران، مایه عزت دین و امنیت اند و کار مردم، جز به آنان استوار نمی شود.

«عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ رَأَى بَعْثَةَ الْعُيُونِ وَالطَّلَائِعِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبُوشِ، وَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ عَامَ الْحَدِيثِ بَيْنَ يَدَيْهِ عَيْنًا لَهُ مِنْ خُرَاعَةٍ» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۶۸) «از

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده که ایشان، اعزام کسانی را به منظور کسب اطلاعات و خبر (از دشمن که) در پیشاپیش لشکرها (حرکت می کردند)، دید، و فرمود: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در سال حدیبیه، کسی را از (قبیله) خزاعه به منظور کسب خبر اعزام کرد».

از نامه حضرت امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) به فرماندهان جنگ: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ مُقَدِّمَةَ الْقَوْمِ عُيُونُهُمْ، وَعُيُونُ الْمُقَدِّمَةِ طَلَائِعُهُمْ» (نهج البلاغه، فیض الاسلام، نامه ۱۱، ص ۸۵۴) «بدانید که جلوداران لشکر، دیده بانان ایشانند، و دیده بانان، جلوداران لشکر (چند تنی که جلو لشکر می روند جاسوسان هستند) خلاصه باید چند تن بلدچی و آگاه به منطقه جلو و باقی لشکر پس از ایشان بروند تا از دشمن آگاه بوده، و در هر موضوع دانسته اقدام نمایند». الزَّيَّانُ قَالَ: «سَمِعْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وَجَّهَ جَيْشًا فَأَمَّهُمْ أَمِيرًا، بَعَثَ مَعَهُمْ مِنْ ثِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَةً». (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۶۱ - قرب الاسناد، ص ۱۴۸) ریان می گوید: از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که فرمود: «هر وقت که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) می خواست لشکری را گسیل دارد، برای آن فرماندهی قرار می داد و همراه آنان، کسانی را که مورد اطمینان او بودند، می فرستاد تا خبرهای او را به پیامبر گزارش دهد».

خداوند در آیه ی ۶۰ سوره ی انفال می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ؛ هَر قَدْر می توانید نیروی نظامی فراهم کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود را بترسانید». علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل این آیه می فرمایند: این آیه امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر تواناییشان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد، تهیه کنند. زیرامسأله ی جنگ و جدال امری است که در مجتمعات بشری گریزی از آن نیست.

پنج اردیبهشت شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طبس (۱۳۵۹ش)

آمریکا پس از سرخوردگی در جریان گروگان گیری جاسوسانش در سفارت این کشور از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و ناامیدی از پیروزی در این جریان به وسیله فشار سیاسی و تحریم اقتصادی، درصدد حل این قضیه از طریق نظامی برآمد. دولت کارتر بر اساس نقشه ای بسیار محرمانه جهت آزادی گروگان ها، در ۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ شمسی با تعدادی هواپیمای نظامی و ۲۰ هلی کوپتر، حمله خویش را به ایران تازه از بند رها شده، آغاز کرد. این هواپیماها و هلی کوپترها که حامل موتورسیکلت، جیب نظامی، توپ، مسلسل و مهمات لازم بودند، در صحرای طبس فرود آمدند تا از آن مکان، عملیات آزادسازی گروگان ها را آغاز نمایند. با وجود تجهیزات فراوان، کماندوهای ماهر و آموزش دیده، برنامه ریزی دقیق حمله، عدم وجود مانع و غفلت نیروهای اطلاعاتی ایران، این بار دست غیبی امداد الهی از آستین شن های صحرای طبس بیرون آمد و

شکستی سخت و مفتضحانه را نصیب ابرهه صفتان آمریکایی کرد. ماجرای طبس یکی از رسواترین شکست های توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران است. بدون شک حادثه طبس و شکست مزدوران آمریکایی علی رغم مجهز بودن به پیشرفته ترین وسایل و تجهیزات روز، یکی از معجزات بزرگ قرن به شمار می آید. واقعه این روز، نه تنها یک اتفاق ساده، زودگذر و فراموش شدنی نبود، بلکه تمثیلی است ماندگار و همیشگی برای کسانی که با چشم دل خویش، جز آنچه هست می بینند و تذکری است برای اثبات قدرت تامه الهی و سستی کید دشمنان خدا.

همان گونه که خداوند متعال وعده داده است: «و لا یحیی المکر السیء الا باهلہ؛ (سوره فاطر، آیه ۴۳) نیرنگ های بد و اندیشه های زشت تنها دامن صاحبانش را می گیرد». همه توطئه ها و نقشه های شیاطین شرق و غرب به خودشان برگشته و نقش بر آب شده است. پرواضح است که این رویه و سنت الهی در ناکام گذاشتن اهل باطل تا زمانی ادامه خواهد یافت که ملت مسلمان ایران و متولیان نظام جمهوری اسلامی ایران با خلوص نیت در مسیر الهی گام بر می دارند اما اگر خدای نخواستہ روزی از این مسیر منحرف شوند و یا انگیزه های غیر الهی را در اقدامات خود مد نظر داشته باشند آنگاه دیگر نمی توان به امید امدادهای الهی چشم دوخت چرا که خداوند متعال می فرماید: «ان تنصروا الله ینصرکم و یتبئ اقدامکم؛ (سوره محمد، آیه ۷) اگر آئین خدا را یاری کنید او هم شما را یاری خواهد کرد و گامهایتان را استوار می گرداند.» اما خداوند متعال این وعده اش را مشروط به استواری در راه حق و صراط مستقیم قرار داده است و اگر از این طریق مسلمانان تخطی کنند دیگر دست غیبی الهی بر سر آنان سایه افکن نخواهد بود خداوند متعال فرمود: «عسی ربکم ان یرحمکم و ان عدتم عدنا؛ (سوره اسراء، آیه ۸) امید است پروردگارتان به شما رحم کند اما هرگاه (از راه حق) برگردید ما هم (از اندیشه امداد و یاری شما) بر می گردیم.

وَمَكْرُوا اللَّهَ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ. (ال عمران ۵۴) و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش، نقشه کشیدند؛ و خداوند (بر حفظ او و آیینش،) چاره جویی کرد؛ و خداوند، بهترین چاره جویان است. إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا. أَنَّهُمْ يُبَوِّسُونَ حِيلَهُ مِی کنند، وَأَكِيدُ كَيْدًا. و من هم در برابر آنها چاره می کنم. (سوره مبارکه الطارق آیه ۱۶. يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند. (سوره مبارکه الصف آیه ۸). إِنْ يَنْصَرِكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. اگر خداوند شما را یاری کند پس هرگز کسی بر شما چیره نخواهد شد، و اگر خداوند دست از یاری شما بردارد، پس چه کسی شما را یاری خواهد کرد؟! باید مؤمنان تنها بر خداوند توکل کنند. (سوره آل عمران - آیه ۱۶۰). وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ. (انفال ۶۲). پس اگر خواستند

که با تو مکر نمایند، همانا خداوند تو را کفایت می کند، اوست آنکه تو را با نصرت خود و وسیله مؤمنان تأیید نمود)، این آیه جواب از سؤال مقدر است که حال که خداوند امر به توکل نمودن و تمایل یافتن به صلح نمود، ممکن است تمایل دشمن به صلح از باب خدعه و نیرنگ باشد و دشمن بخواهد به این وسیله مؤمنان را گمراه کرده تا در موقع مناسب بر آنان شبیخون بزند، خدای سبحان در جواب می فرماید اینکه ما تو را امر به توکل کردیم، برای همین بود که بدانی اگر دشمن بخواهد به این وسیله به تو نیرنگ بزند، خداوند نگهدار توست و هر کس به خدا توکل نماید، خداوند به کار اومی رسد و او را کفایت می کند، (ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره)، و او همان کسیست که تو را با نصرت خود و به وسیله مؤمنان تأیید نمود و این سخن به منزله احتجاج و استدلال بر فراز سابق است، و می خواهد با ذکر شواهدی حمایت و کفایت خدای تعالی را اثبات کند و آن شواهد عبارتند از نصرت خود و یاری مؤمنین و اینکه میان دلهای مؤمنان که با هم دشمن بودند الفت و مهربانی برقرار نمود. یا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (انفال ۶۴). ای پیامبر، خدا و کسانی از مؤمنین که از تو پیروی می کنند، تو را کفایت می نمایند)، این آیه در مقام آرامش و تسلیت خاطر رسول خداست و می فرماید: ای رسول ما، خدا تو را به یاری خودش و به وسیله کسانی از مؤمنان که پیرویت کردند از شر دشمنان کفایت می کند، اگر چه تعداد مؤمنان پیرو تو کم باشد، لذا نصرت خدا و یاری مؤمنان برای کفایت رسول خدا دو سبب مستقل از هم نیستند، چون استقلال مؤمنان در این امر با توحید منافات دارد. بعضی از مفسران هم گفته اند، معنای آیه اینست که خدا تو را و کسانی از مؤمنین را که از تو پیروی کردند، کفایت می کند، یعنی جمله (و من اتبعک من المؤمنین) را عطف بر محل (کاف) در (حسبک) دانسته اند. وَ إِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. (انفال ۷۱). اگر قصد خیانت به تو را دارند، قبلاً هم خدا را خیانت کرده بودند و خداتو را بر آنان مسلط نمود و خداوند دانای فرزانه است)، می فرماید: اگر این اسراء می خواهند به تو خیانت کنند و دوباره به همان عناد و مفسده جوئی و جنگ طلبی سابقشان برگردند، این امر تازه ای نیست برای آنکه قبلاً هم با کفر خود و اصرارشان در خاموش نمودن نور خدایی، نسبت به خدا خیانت ورزیده اند و خداوند تو را بر آنان مسلط کرد و همو قادر است تا بار دیگر هم، تو را بر آنان غلبه دهد و اگر اینها خیانت کنند، خداوند نسبت به آن داناست و در برتری دادن و تسلط تو بر ایشان درست کردار و حکیم است. (تفسیر المیزان - خلاصه) إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا (۳۸- حج)؛ بدون تردید خداوند از اهل ایمان دفاع می کند. این آیه نویدی به رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ به آن حضرت در برابر تهدیدها و تعرضات دشمنان اسلام چنین بشارت می دهد: بگذار طوائف و قبائل عرب و یهود و نصارا و مشرکان شبه جزیره دست به دست هم

بدهند تا مؤمنان را تحت فشار قرار داده و به گمان خود نابود کنند، ولی خداوند وعده دفاع از آنها را داده است. (تفسیر نمونه ج ۱۴ ص ۱۱۱)

هشت اردیبهشت روز جوان

امام باقر علیه السلام فرمودند: لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَّقُهُ [فِي الدِّينِ] لِأَدْبَتِهِ؛ اگر جوان شیعه ای رانزدمن بیاورند که علم [دین] نمیآموزد، اورا تادیب میکنم. (المحاسن، ج ۱، ص ۳۵۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيَا فِي حَالَيْنِ: إمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا؛ دوست ندارم جوانی از شما [شیعیان] را جز بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو. (الأمالی، طوسی، ص ۳۰۴).

امام علی علیه السلام فرمودند: إِذَا احْتَجَّتْ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ، فَاسْتَبَدَّ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَأَسْرَعُ حَدْسًا، ثُمَّ رُدَّ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رِيِّ الْكُهُولِ وَالشُّيُوخِ لِيَسْتَعْقِبُوهُ وَيَحْسِنُوا، الْإِحْتِيَاظَ لَهُ فَإِنَّ تَجَرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ؛ هنگامی که در پیش آمدی احتیاج به مشورت داشتی ابتدا به جوانان مراجعه نما زیرا که آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع تر دارند سپس (نتیجه) آن را به نظر بزرگسالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند زیرا تجربه آنان بیشتر است. (شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۷، ح ۸۶۶).

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ. آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند. (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ح ۱۰۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أَوْصِيَكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْعِدَّةٌ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشِيرَا وَنَذِيرًا فَحَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَخَالَفَنِي الشُّيُوخُ؛ شما را به نیکی با جوانان سفارش می کنم، چرا که آنان، دل های رقیق تری دارند، به راستی که خداوند، مرا بشارت دهنده و هشدار دهنده برانگیخت، جوانان با من هم پیمان شدند و پیران با من به مخالفت برخاستند. (سفينة البحار، ج ۲، ص ۱۷۶).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَفْنَى شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛ خداوند جوانی را که عمر خود را در عبادت خدا به سر می برد دوست دارد. (نهج الفصاحه) امام علی علیه السلام فرمودند: شَيْئَانِ لَا يَعْرِفُ فَضْلَهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا؛ الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ؛ دو نعمت است که قدر آنها را نمی داند مگر کسی که از دستشان می دهد: جوانی و تن درستی. (غرر الحكم و درر الكلم، حدیث ۵۷۶۴)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله : مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْوُشْمِ فِي الْحَجَرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَ هُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ؛ هر کس در جوانی اش بیاموزد، آموخته اش مانند نقش بر سنگ است و هر کس در بزرگ سالی بیاموزد، مانند نوشتن بر روی آب است. (نوادیر راوند ص ۱۸)

امام صادق علیه السلام : عَلَيْكَ بِالْحَدِيثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ نوجوانان را دریاب زیرا که آنان سریع تر به کارهای خیر روی می آورند. (کافی ط - الاسلامیه ج ۸، ص ۹۳، ح ۶۶)

نُه اردیبهشت روز شوراها

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا تُكُونَنَّ أَوَّلَ مُشِيرٍ وَإِيَّاكَ وَالرَّأْيَ الْفَطِيرَ؛ در مشورت نخستین کس مباش که نظر می دهد و از اظهار نظر ناسخته بپرهیز. (میزان الحکمه، ح ۹۸۶۸)

امام کاظم علیه السلام فرمودند: مَنْ اسْتَشَارَ لَمْ يَعْدَمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحًا وَ عِنْدَ الْخَطِإِ عَازِرًا؛ کسی که مشورت کند، اگر کارش را درست انجام دهد، مردم او را بستانند و اگر به خطا رود، معذورش دارند. (میزان الحکمه، ح ۹۸۴۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: اسْتَشِرْ عَدُوَّكَ الْعَاقِلَ وَاعْذَرِ رَأْيَ صَدِيقِكَ الْجَاهِلِ؛ با دشمن خردمندت مشورت کن، ولی از رأی دوست نادان خود بیمناک باش. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۴۷۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: عَلَى الْمُشِيرِ الْإِجْتِهَادُ فِي الرَّأْيِ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانُ النُّجْحِ؛ مشورت دهنده باید در ارائه نظرش کوشا باشد و ضمانت پیروزی بر عهده او نیست. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۶۱۹۴)

امام علی علیه السلام فرمودند: أَفْضَلُ النَّاسِ رَأْيًا مَنْ لَا يَسْتَعْنِي عَنْ رَأْيِ مُشِيرٍ؛ رأی و نظر کسی برتر است که خود را از رأی مشاور بی نیاز نداند. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۱۵۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ پشتیبانی اطمینان بخش تر از مشورت نیست. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۶۹۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: يَا عَلِيُّ لَا تُشَاوِرْ جَبَانًا فَإِنَّهُ يَضِيقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ وَ لَا تُشَاوِرِ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْصُرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ وَ لَا تُشَاوِرْ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يَزِينُ لَكَ شَرَّهَا؛ ای علی! با ترسو مشورت مکن؛ زیرا راه حل مشکل را بر تو تنگ می کند و با بخیل مشورت مکن؛ زیرا تو را از هدف باز می دارد و با حریص مشورت مکن؛ زیرا آزمندی را در نظرت زینت می دهد. (علل الشرائع، ص ۵۵۹)

امام علی علیه السلام فرمودند: خَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ ذَوُو الثَّهْيِ وَالْعِلْمِ، وَ أَوْلُو التَّجَارِبِ وَ الْحَزْمِ؛ بهترین مشاوران، دارندگان عقل، علم، تجربه و دوراندیشی اند. (غررالحکم، ح ۴۹۹۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: المشاوره حصن من الدَّامه و أَمِنَ مِنَ الْمَلَامه؛ مشورت حصار ندامت است و ایمنی از ملامت. (نهج الفصاحه)

امام علی علیه السلام فرمودند: شاور قَبْلَ أَنْ تَعَزِمَ ، وَ فَكِّرْ قَبْلَ أَنْ تُقَدِّمَ ؛ قبل از تصمیم گیری مشورت کن و پیش از اقدام ، بیندیش . (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۵۷۵۴)
 امام حسن علیه السلام فرمودند: مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَىٰ رُشْدِهِمْ؛ هیچ ملتی با هم مشورت نکردند مگر آن که راه درست خود را پیدا کردند. (تحف العقول، ص ۲۳۳)
 امام علی علیه السلام : شاور فی أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرُشِدُ؛ در کارهای خود با افراد خدا ترس مشورت کن، تا راه درست را بیابی. (تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۴۴۲ ، ح ۱۰۰۷۷)

یازده اردیبهشت روز کار و کارگر

پیر مرد فرتوت و نابینایی، در حال گدایی بر امیرمؤمنان گذشت. امام علی علیه السلام فرمودند: «این مرد کیست و چرا گدایی می کند؟» جواب گفتند: «نصرانی است» . امام فرمودند: اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّىٰ إِذَا كَبُرَ وَ عَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ ، أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ ؛ «تا آن زمان که قدرت کار کردن داشت از او کار کشیدید و اینک که پیر شده و قدرت کار کردن ندارد، از تأمین روزی وی دریغ می ورزید؟ از بیت المال زندگی او را تأمین کنید». (وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۶۶)
 امام صادق علیه السلام فرمودند: أُعْطِيَهُمْ أَجُورَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُمْ؛ پیش از آن که عرق آنان (کارگران) خشک شود، مزدشان را بپرداز . (الکافی ، ج ۵ ، ص ۲۸۹) .
 امام صادق علیه السلام فرمودند: مَنْ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا ثُمَّ حَبَسَهُ عَنِ الْجُمُعَةِ يَبُوءُ بِإِثْمِهِ وَإِنْ كَانَ هُوَ لَمْ يَحْبِسْهُ اشْتَرَكَ فِي الْأَجْرِ ؛ هر کس کارگری را به کار گیرد و او را از شرکت در نماز جمعه باز دارد، گنااهش را به عهده گرفته است و اگر او را باز ندارد، در اجر او شریک است . (تهذیب الأحکام ، ج ۲ ، ص ۱۷۵) .

امام علی علیه السلام فرمودند: إِرْحَمَ مَنْ دُونَكَ يَرْحَمَكَ مَنْ فَوْقَكَ؛ با فرو دست خود مهربان باش تا فرادستت با تو مهربان باشد. (میزان الحکمه ، ح ۶۹۶۰) .

امام علی علیه السلام فرمودند: نَهَى [رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وآله] أَنْ يَسْتَعْمَلَ أَجِيرٌ حَتَّىٰ يَعْلَمَ مَا أُجْرَتُهُ؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از به کار گرفتن کارگر، پیش از تعیین مزدش نهی فرمود. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴ ، ص ۱۰۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ظَلَمَ الْأَجِيرُ أَجْرَهُ مِنَ الْكِبَائِرِ ؛ کم دادن مزد مزدبَر (کارگر) از گناهان بزرگ است . (بحار الأنوار : ۱۰۳ / ۱۷۰ / ۲۷)

ابی عمرو شیبانی می گوید: امام صادق (علیه السلام) را دیدم که بیلی در دست و جامه ی خشنی در بر داشت، در محوطه ی شخصی خود کار می کرد و عرق از پشتش می ریخت. عرض کردم بیل را

به من بدهید تا کار شما را انجام دهم. حضرت فرمودند: دوست دارم که مرد در راه بدست آوردن معاش آزار حرارت آفتاب را ببیند و رنج آن را تحمل نماید. (منبع: کافی ۵، ص ۷۶)

علی بن ابی حمزه گوید: روزی امام موسی بن جعفر (ع) را دیدم که در مزرعه اش کار می کرد و از سختی کار، سر تا پا در عرق فرو رفته بود. عرض کردم: مگر کارگران کجایند که شما خود کار می کنید؟ فرمود: آن کس که از من و از پدرم بهتر بود به دست خویش در مزرعه اش کار می کرد! گفتم: آن که بود؟ فرمود: پیغمبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع)، و نیز همه پدرانم به دست خود کار می کردند، و این روش پیامبران و اوصیای آنان و بندگان شایسته خدا است. (منبع: محجة البیضاء ۳، ص ۱۴۷)

دوازده اردیبهشت روز معلم

امام سجاد علیه السلام فرمودند: حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ ؛ حق استاد تو این است که بزرگش داری و محضرش را محترم شماری و با دقت به سخنانش گوش بسپاری. (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُعَلِّمِينَ وَ أَطِلْ أَعْمَارَهُمْ وَ بَارِكْ لَهُمْ فِي كَسْبِهِمْ؛ خدایا! آموزگاران را بیامرزد؛ عمرشان را دراز و کسبشان را با برکت کن. (تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۶۴)

امام علی علیه السلام فرمودند: قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أُمِيرًا؛ به احترام پدر و معلّم از جای برخیز، گرچه فرمان روا باشی. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۳۴۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفًا صِرَتْ لَهُ عَبْدًا ؛ از هر کس که حرفی آموختی، بنده او شده ای. (عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۹۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا ؛ من معلّم برانگیخته شدم. (کنز العمال، ح ۲۸۸۷۳).

امام باقر علیه السلام فرمودند: زكاة العلم أن تعلمه عباد الله؛ زکات دانش، آموختن به بندگان خداست. (اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱).

قال علی علیه السلام : زَكَاةُ الْعِلْمِ بَذْلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ وَاجْهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ؛ زکات دانش، آموزش به کسانی که شایسته آنند و کوشش در عمل به آن است. (غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۹۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: تواضعوا لمن طلبتم منه العلم ؛ در پیشگاه کسی که از او دانش می آموزید، فروتن باشید. (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أَجُودُكُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْماً فَتَشَرَ عِلْمُهُ ؛ بخشنده ترین شما پس از من کسی است که دانشی بیاموزد آنگاه دانش خود را بپراکند. (میزان الحکمه، ج ۱۳۸۲۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ كَانَ كَفَّارَهُ لِمَا مَضَى؛ هر که علم جوید کفارۀ گناهان گذشته وی باشد. (نهج الفصاحه)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ؛ طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. خداوند جویندگان دانش را دوست دارد. (مصباح الشریعه، ص ۱۳)

امام علی علیه السلام: قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِإِيَّكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ به احترام پدر و معلمت از جای برخیز هرچند فرمان روا باشی. (غررالحکم، ص ۱۳۶)

چهارده خرداد رحلت امام خمینی

امام علی علیه السلام فرمودند: الْعُلَمَاءُ أَطْهَرُ النَّاسِ أَخْلَاقاً وَ أَقْلُهُمْ فِي الْمَطَامِعِ أَعْرَاقاً؛ دانشمندان پاک ترین مردم در خلق و خوی و کم طمع ترین آنان در خلقت و طبیعت اند. (غررالحکم و دررالکلم ، ج ۲۱۰۸)

امام علی علیه السلام فرمودند: إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَلَّمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ با مرگ هر دانشمند، چنان رخنه ای در اسلام پدید می آید که تا روز قیامت هیچ چیز آن را فرو نمی پوشد. (المحاسن، ج ۱، ص ۳۶۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ مِدَادَ الْعُلَمَاءِ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلُ مِنْ دَمِ الشُّهَدَاءِ وَ أَكْثَرُ ثَوَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ در روز قیامت، مداد عالمان در ترازو از خون شهیدان سنگین تر، و پاداشش بیشتر است. (الفردوس، ج ۵، ص ۴۸۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الْعُلَمَاءُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ عالمان، امنای خدا در میان خلق اویند. (کنز العمال : ۲۸۶۷۵ منتخب میزان الحکمه : ۴۰۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْعَالِمِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ ؛ نگاه مهرآمیز به چهره عالم ، عبادت است . (نوادر الراوندی : ۱۱ منتخب میزان الحکمه : ۳۹۸)

عن احمد بن سالم، عن محمد بن يحيى بن ضريس، عن محمد بن جعفر، عن نصر بن مزاحم و ابن ابي حماد، عن ابي داود عن عبدالله بن شريك، عن ابي جعفر عليه السلام قال: اقبل ابوبكر و عمر و الزبير و عبدالرحمن بن عوف، جلسوا بفناء رسول الله صلى الله عليه، و آله فخرج اليهم النبي صلى الله عليه و آله: فجلس اليهم، فانقطع شسعه، فرمى بنعله الى علي بن ابي طالب عليه السلام ثم قال:

ان عن یمن الله عروجل، او عن یمین العرش، قوماً منا علی منابر من نور، وجوههم من نور، و ثیابهم من نور، تغش وجوههم ابصار الناظرین دونهم، قال ابوبکر: من هم یا رسول الله؟ فسکت، فقال الزبیر: من هم یا رسول الله؟ فسکت، فقال عبدالرحمن: من هم یا رسول الله؟ فسکت، فقال علی علیه السلام: من هم یا رسول الله؟ فقال: هم قوم تحابوا بروح الله علی غیر انساب و لا اموال، اولئک شیعتک و انت امامهم یا علی. (بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۹) ترجمه: «از احمد بن سالم، از محمد بن یحیی بن ضریس، از محمد بن جعفر، از نصر بن مزاحم و ابن ابی حماد، از ابی داود از عبدالله بن شریک از ابی جعفر علیه السلام که فرمود: ابوبکر و عمر و زبیر و عبدالرحمن بن عوف به درگاه رسول الله (ص) نزدیک شدند و نشستند، پس پیامبر (ص) بر آنها وارد شد، کنارشان نشست، دمپایی اش گسیخته شد و با دمپایی اش اشاره وار به حضرت علی بن ابی طالب (ع) زد، سپس فرمود: همانا از سمت راست خداوند عزوجل - یا از سمت راست عرش - قومی از ما برخاستند که بر منبری از نورند، صورت هایشان نورانی است و لباسهایشان نورانی است، صورت هایشان بر چشم ناظرین دیگر پرده می اندازد. ابوبکر گفت: ای پیامبر، خدا آنها کیستند؟ پس ایشان سکوت کردند. زبیر گفت: ای پیامبر خدا، آنها کیستند؟ پس ایشان سکوت کردند. عبدالرحمن بن عوف گفت: ای پیامبر خدا، آنها کیستند؟ پس ایشان سکوت کردند. سپس حضرت علی (ع) فرمودند: ای پیامبر خدا، آنها چه کسانی هستند؟ پس ایشان فرمودند: آنها قومی هستند که به واسطه ی روح الله به یکدیگر محبت می ورزند (دلهایشان به هم نزدیک می شود)، درحالی که هیچ نسب یا اموال مشترکی ندارند؛ آنها شیعه ی تو هستند و تو امامشان هستی ای علی.»

امام موسی کاظم (ع) در منابع روایی آمده است: وَ عَنْ عَلِي بْنِ عِيسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى الْجَنْدَلِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ قَالَ قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تُرْلُهُمُ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُونُ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۵، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ش.) مردی از اهالی قم، مردم را به سوی حق دعوت می کند. گروهی با او هم پیمان می شوند که مانند پاره های آهن هستند، بادهای تند قدم هایشان را نمی لغزاند، از نبرد و دفاع ترسی ندارند و از آن خسته نمی شوند، و توکلشان بر خدا است. [گفتنی است که در این حدیث عنوان مردی از اهل قم آمده است، و از شخص خاصی نام برده نشده است، اما با توجه به قیام ملت ایران در سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و شروع آن از شهر قم، به رهبری امام خمینی (ره) برخی این روایت را بر ایشان تطبیق داده اند].

از امام موسی کاظم (ع) نقل شده است که فرمود: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تُرْلُهُمُ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُونُ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، سال ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۵۷،

ص ۲۱۶). مردی از قم، مردم را به حق دعوت کند، افرادی پیرامون او گرد آیند که قلبهایشان همچون پاره های آهن استوار است. بادهای تند حوادث آنان را نلغزاند، از جنگ خسته نشده و ترسند، اعتمادشان بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است.

امام صادق (ع): مَنْ يَضْمَنْ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنْ لَهُ الْقَائِمَ ثُمَّ قَالَ إِذَا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ يَجْمَعْ النَّاسُ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدٍ وَلَمْ يَتَنَاهَ هَذَا الْأَمْرُ دُونَ صَاحِبِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ يَذْهَبُ مُلْكُ سِنِينَ وَ يَصِيرُ مُلْكُ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ فَقُلْتُ يَطُولُ ذَلِكَ قَالَ كَلَّا. (بحار الانوار ۵۲، ص ۲۱۰) هرکس برای من مرگ عبدالله را تضمین کند، من ظهور را برای او تضمین می کنم آنگاه که مرگ عبد الله فرا رسد، مردم در جانشینی او نسبت به هیچکس به توافق نمی رسند و این جریان تا ظهور حضرت صاحب الامر همچنان ادامه می یابد، عمر سلطنتهای چندین ساله به سر آمده، نوبت پادشاهی چند ماهه و چندین روزه فرا می رسد. ابوبصیر می گوید: پرسیدم: آیا این وضع به طول می انجامد؟ فرمود: هرگز» [این حدیث را با اوضاع واحوال عربستان و عراق و یمن و حکومت های عربی تطبیق کرده اند]

پانزده خرداد روز قیام ملت ایران

فرمایشات امام خمینی (ره) درباره ۱۵ خرداد

خروش تاریخی: ۱۵ خرداد ۴۲، اولین خروش تاریخی و تاریخ ساز مردم مبارز و مسلمانی بود که در اعتراضی آگاهان، مخالفت با سیاستها و برخوردهای ظالمانه و جبارانه حکومت شاهنشاهی را بنیان گذاشتند.

تجلی آرمان ها: موج خرداد هیچگاه از جوش، و خروش نمی افتد و هیچ زمانی شعله های سرکش این حرکت انقلابی فرو نخواهد نشست زیرا آرمانهای یک ملت بزرگ و شجاع در این روز و در قالب یک اجتماع حقیقت طلبانه متجلی شد.

قیام حماسه انگیز: آنچه در قیام حماسه انگیز خرداد ۴۲ از اهمیت و اعتبار به سزایی برخوردار است حفظ وحدت کلمه یکپارچگی و بیداری ملّتی بود که علیرغم خفقانها، با اراده ای مصمّم به مقابله با حکومت ظلم و جور برخاست.

روز سرنوشت: قیام ۱۵ خرداد ۴۲، گویای این واقعیت بود که اگر ملّتی مورد تجاوز و زورگویی های عده ای قدرت طلب دیکتاتور مآب قرار گیرد؛ تنها اراده آن ملت است که می تواند در مقابله با ظلمها و ستمها ایستادگی کند و سرنوشت خود را رقم زند و ۱۵ خرداد، روز ورق خوردن سرنوشت مبارکی بود که اگر چه با خون های جوانان پاک این سرزمین آغشته شد؛ اما مبدأ تحول بزرگ در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی جامعه بود.

شکستن هیبت شاهنشاهی: آنچه در قیام تاریخی ۱۵ خرداد ۴۲ حائز اهمیت است، شکستن هیبت پوسیده و پوشالی رژیم شاهنشاهی بود که با توهمات و خیالهای خام، خود را قیم مردم می‌پنداشتند اما با یک حرکت هماهنگ و با یک وحدت و وفاق ملی، همه شکوه و اقتدار نظام ستمشاهی به یکباره فرو ریخت و سرنگون شد.

پیام ۱۵ خرداد: قیام انقلابی و مردمی ۱۵ خرداد ۴۲، دارای یک پیام بزرگ برای همه نظامهای سیاسی بود و آن اینکه الملك یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم، هیچ حکومتی با ظلم نمی‌ماند، اگر چه با کفر شاید ماندنی باشد و این بیانگر آن است که نظام ستمشاهی، نظامی ظالمانه بود که سرانجام طومار حیاتش درهم پیچیده شد.

رستخیز فرهنگی ۱۵ خرداد گذشته از حماسه آفرینی یک رستخیز فرهنگی بود. رستخیزی برخاسته از بلوغ شعور و ادراک مردم بیداری که دیگر جور و ظلم رژیم را تحمل نمی‌کرد و نمی‌خواست در یوغ ظلم و ستم گرفتار باشد.

منابع: کلمات قصار امام خمینی (رحمت الله علیه) پاسدار اسلام - خرداد ۱۳۸۳، شماره ۲۷۰ - گلبرگ :: اردیبهشت ۱۳۷۹، شماره ۲)

پانزده خرداد روز محیط زیست

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَقَدْ كَانَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُمُرٌ عَلَى الْمَدْرَةِ فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ فَيَنْزِلُ عَنْ دَابَّتِهِ حَتَّى يَنْحِيَهَا بِإِدِهِ عَنِ الطَّرِيقِ ؛ امام سجّاد (علیه السلام) هرگاه در میان راه به کلوخی بر می خورد، از مرکب پیاده می شدند و با دستشان آن را از راه دور می کردند. (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۵۰)

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا تُؤْوُوا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ فَإِنَّهُ مَأْوَى الشَّيَاطِينِ؛ خاکروبه را پشت در منزل نریزید؛ زیرا جایگاه شیاطین (و میکرب) است . (علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۸۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا تَطْيِبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ: الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْغَزِيرِ الْعَذْبِ وَ الْأَرْضِ الْخَوَازَةِ ؛ زندگی با سه چیز خوش می شود: هوای پاک، آب فراوان گوارا و زمین نرم و سست [آماده زراعت]. (تحف العقول، ص ۳۲۰)

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا تُفْسِدْ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ ؛ آب مورد نیاز مردم را آلوده نکن .

(تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۸۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ أَمَاطَ عَنِ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِ مِائَةِ آيَةٍ كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ. هر کس چیز آزار دهنده ای را از راه مسلمانان

بردارد، خداوند پاداش قرائت چهارصد آیه را که برای هر آیه ده حسنه است، در نامه اعمال او می نویسد. (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۵۰)

بیست وهفت خرداد روز بیابان زدایی

امام علی علیه السلام فرمودند: وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَلْبَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ؛ امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر فرمودند: باید توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن مالیات باشد؛ زیرا مالیات جز در نتیجه آبادانی فراهم نمی آید. (نهج البلاغه، نامه ۵۳). امام باقر علیه السلام فرمودند: أَيْمًا قَوْمٌ أَحْيَاوْا شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ وَ عَمَرُوهَا فَهُمْ أَحَقُّ بِهَا؛ هر گروهی که قطعه زمینی را احیا کنند، همانان به [مالکیت] آن سزاوارترند. (الکافی، ج ۵، ص ۲۷۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ عَرَسَ شَجَرًا أَوْ حَفَرَ وادِيًا بِدَاءٍ لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيْهِ أَحَدٌ أَوْ أَحْيَا أَرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ قِضَاءٌ مِنَ اللَّهِ - وَ رَسُولِهِ؛ هر که درختی بکارد و یا آبراهی حفر کند که کسی در آن بر او پیشی نگرفته باشد و یا زمین مرده ای را آباد کند، آن زمین، به حکم خدا و رسولش، از آن او است. (تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۵۱).

امام صادق علیه السلام: اِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا وَاللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَجَلٌ وَ لَا أَطِيبَ مِنْهُ؛ کشت کنید و درخت بنشانید؛ بخدا قسم آدمیان کاری برتروپاکتر از این نکرده اند. (بحار الأنوار: ج ۱۰۳، ص ۶۸)

یک تیر روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی و تاسیس سازمان تبلیغات اسلامی به فرمان امام خمینی "ره" (۱۳۶۰) الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا . (احزاب ، آیه ۳۹) کسانی که پیام های خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند . و خدا برای حسابرسی کفایت می کند .

رسول الله صلی الله علیه و آله : يَا عَلِيُّ ، لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ وَعَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ . ای علی! این که خداوند به دست تو انسانی را هدایت کند ، از آنچه خورشید بر آن تابیده است برای تو بهتر باشد.

المطالب العالیة عن عبد الرحمن بن عائد: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا بَعَثَ بَعْثًا قَالَ: تَأَلَّفُوا النَّاسَ ، وَتَأَنَّنُوا بِهِمْ ، وَ لَا تُغَيِّرُوا عَلَيْهِمْ حَتَّى تَدْعُوهُمْ ؛ فَمَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا وَ إِنْ تَأْتُونِي بِهِمْ [مُسْلِمِينَ] أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَقْتُلُوا رِجَالَهُمْ وَتَأْتُونِي بِنِسَائِهِمْ . هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله دسته ای را گسیل می داشت، [به آنان] می فرمود: «با مردم ، الفت بگیرید و به آنان فرصت دهید، و تا آنان را [به اسلام] فرا نخوانده اید ، به آنان هجوم نیاورید که هیچ خانواده روستایی یا

چادرنشینی بر روی زمین نیست مگر آن که آنان را مسلمان شده نزد من آورید، برایم دوست داشتنی تر از آن است که مردانشان را بکشید و زنانشان را نزد من آورید»

الإمام علی علیه السلام: لَمَّا وَجَّهَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْيَمَنِ قَالَ: يَا عَلِيُّ، لَا تُقَاتِلْ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ؛ وَإِيْمُ اللَّهِ، لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ، وَلَكَ وَلَاؤُهُ يَا عَلِيُّ. هنگامی که رسول خدا مرا به سوی یمن روانه ساخت، فرمود: «ای علی! با هیچ کس پیش از آن که او را به اسلام فرا خوانی، جنگ مکن. سوگند به خدا، این که خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، برایت بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده، و تو مولای اوئی، ای علی!».

عن علي عليه السلام: نِعِمَّ الْهَدْيَةُ الْمَوْعِظَةُ. چه خوب هدیه ای است اندرزا!

عنه عليه السلام: مَنْ وَعَظَكَ أَحْسَنَ إِلَيْكَ. هر کس تو را موعظه کند، به تو نیکی کرده است.

عنه عليه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ): لَيْسَ كُلُّ ذِي عَيْنٍ يَبْصِرُ، وَلَا كُلُّ ذِي أُذُنٍ يَسْمَعُ. فَتَصَدَّقُوا عَلَى أَوْلَى الْعُقُولِ الزَّمَنَةِ وَالْأَلْبَابِ الْحَائِرَةِ بِالْعُلُومِ الَّتِي هِيَ أَفْضَلُ صَدَقَاتِكُمْ. ثُمَّ تَلَا: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ» امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان): «هر صاحب چشمی نمی بیند، و هر صاحب گوش می شنود. پس علوم را به عاقلان فرسوده و خردمندان حیران، صدقه دهید که برترین صدقه های شما همین است». آن گاه این آیه را تلاوت نمود: «کسانی که نشانه های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده ایم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب روشن ساختیم، پنهان می دارند، خدا آنان را لعنت کند، و لعنت کنندگان، لعنتشان می کنند».

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي أُمَّةٍ قَبْلِي إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُونَ وَأَصْحَابٌ، يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ، وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ. ثُمَّ إِنَّهَا تَخْلُفُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلُوفٌ؛ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ، وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ. فَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِيَدِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِلِسَانِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِقَلْبِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ؛ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةٌ خَرَدَلٍ. رسول خدا صلى الله عليه وآله: خداوند در هر امتی پیش از من در میان امتی برینگیخت، مگر آن که از میان امتش یاران خاص و همراهانی داشت که به سنت او اقتدا می کردند و به فرمان او عمل می کردند. اما پس از آنان، جانشینانی به جای ایشان نشستند که از آنچه [خود] بدان عمل نمی کنند، سخن می گویند و بدانچه فرمان ندارند، عمل می کنند. هرکس با دست خود با آنان جهاد کند، با ایمان است، و هر کس با زبان خود با آنان جهاد کند، با ایمان است، و هر کس با قلبش با آنان جهاد کند، با ایمان است؛ و اگر این هم نباشد، دیگر به اندازه دانه خردلی هم ایمان وجود ندارد.

الإمام على عليه السلام: أَنْصُرِ اللَّهَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ وَيَدِكَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ تَكَفَّلَ بِنُصْرَةِ مَنْ يَنْصُرُهُ. امام علی علیه السلام: خدا را با دل، زبان و دستت یاری کن؛ زیرا خداوند سبحان، یاری آن کس که او را یاری رساند، بر عهده گرفته است.

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ عَلَى عَدُوِّنَا أَنْطَقَهُ اللَّهُ بِحُجَّتِهِ يَوْمَ مَوْفِقِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ عِزٍّ وَ جَلٍّ. امام باقر علیه السلام: هر کس با زبانش ما را در برابر دشمنانمان یاری دهد، خداوند به هنگام حضور در پیشگاهش، وی را بر بیان دلیل و عذرش گویا می سازد.

الإمام على عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي! - ثَلَاثًا - . قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ -، وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَبْلُغُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي، ثُمَّ يَعْلَمُونَهَا أُمَّتِي. امام علی علیه السلام: رسول خدا سه بار فرمود: «خداوندا، به جانشینانم رحم کن!» . گفته شد: ای رسول خدا! جانشینان شما چه کسانی اند؟ فرمود: «آنان که گفتار و کردار مرا تبلیغ می کنند و آنها را به امت من می آموزند».

عنه عليه السلام: رُسِلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ تَرَاجِمَةً الْحَقِّ، وَالسُّفَرَاءَ بَيْنَ الْخَالِقِ وَالْخَلْقِ. امام علی علیه السلام: فرستادگان خداوند سبحان، مترجمان حق [تعالی] و سفیران میان خالق و خلق اند. الإمام زين العابدين عليه السلام (فِي دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَهُدَايِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَمِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. امام زین العابدین علیه السلام (در دعایش برای خود و نزدیکانش): خداوندا! بر محمد و آل او درود فرست، و ما را از دعوت کنندگانی که به سوی تو فرا می خوانند، و هدایت کنندگانی که [مردم را] به تو رهنمون اند، و از خواصّی که نزد تو ویژه اند، قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان!

رسول الله صلى الله عليه و آله: يَا مَعْشَرَ قُرَاءِ الْقُرْآنِ، اتَّقُوا اللَّهَ - عِزٌّ وَ جَلٌّ فِي مَا حَمَلَكُمْ مِنْ كِتَابِهِ؛ فَإِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ؛ إِنِّي مَسْئُولٌ عَنْ تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ، وَأَمَّا أَنْتُمْ فَتَسْأَلُونَ عَمَّا حَمَلْتُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ - وَسُنَّتِي. رسول خدا صلى الله عليه و آله: ای گروه قاریان قرآن! نسبت به آنچه خداوند از کتابش به شما آموخته، از خدا پروا کنید که من و شما مسئولیم. از من تبلیغ رسالت سؤال خواهد شد؛ ولی از شما آنچه از قرآن و سنت من آموخته اید، سؤال می شود.

عنه صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ دَاعٍ دَعَا إِلَى شَيْءٍ إِلَّا كَانَ مَوْقُوفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا زِمًا بِهِ لَا يَفَارِقُهُ، وَإِنْ دَعَا رَجُلٌ رَجُلًا. ثُمَّ قَرَأَ قَوْلَ اللَّهِ: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ». رسول خدا صلى الله عليه و آله: هیچ فراخواننده ای نیست که به چیزی فراخواند، مگر آن که روز قیامت در گروهی آن خواهد بود و آن، همراهش باشد و از او جدا نشود؛ اگرچه کسی تنها يك نفر را فرا خوانده باشد. آن گاه این آیه را خواند: «وَأَنَّا نَرَاكَ دَارِدًا نَكَّةً بَارِئًا شَوْشًا» . شما را چه می شود که همدیگر را یاری نمی کنید؟».

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّمَا أَنَا مُبَلِّغٌ ، وَاللَّهُ يَهْدِي . رسول خدا صلى الله عليه و آله :من تنها ابلاغ کننده ام ، و خداوند است که هدایت می کند.

عنه صلى الله عليه و آله :بُعِثْتُ دَاعِيًا وَمُبَلِّغًا ، وَلَيْسَ إِلَيَّ مِنَ الْهُدَى شَيْءٌ . وَخُلِقَ إِبْلِيسُ مُرِينًا ، وَلَيْسَ إِلَيْهِ مِنَ الضَّلَالَةِ شَيْءٌ . رسول خدا صلى الله عليه و آله :من فراخواننده و ابلاغ کننده برانگیخته شدم ، و چیزی از هدایت نزد من نیست ، و ابلیس ، زینتگر آفریده شده است و چیزی از گمراهی نزد او نیست.

عنه صلى الله عليه و آله :مَا أَخَذَ اللَّهُ الْمِيثَاقَ عَلَى الْخَلْقِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ يَعْلَمُوا . رسول خدا صلى الله عليه و آله :خداوند ، از مردم برای فراگرفتن دانش پیمان نگرفت ، تا آن که از علما برای آموختن آن پیمان گرفت.

عنه صلى الله عليه و آله :لَا يَنْبَغِي لِلْعَالِمِ أَنْ يَسْكُتَ عَلَى عِلْمِهِ ، وَلَا يَنْبَغِي لِلْجَاهِلِ أَنْ يَسْكُتَ عَلَى جَهْلِهِ ؛ قَالَ اللَّهُ :جَلَّ ذِكْرُهُ : «فَسْءَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» . رسول خدا صلى الله عليه و آله :سزاوار نیست عالم با داشتن علم ، خاموشی گزیند ؛ و سزاوار نیست جاهل در جهل خود ساکت بماند . خداوند متعال می فرماید : «پس اگر نمی دانید ، از اهل ذکر (علما) ، جویا شوید».

الإمام على عليه السلام :مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَى كُلِّ عَالِمٍ أَنْ يَصُونَ بِالْوَرَعِ جَانِبَهُ ، وَأَنْ يَبْذُلَ عِلْمَهُ لَطَالِبِهِ . امام على عليه السلام :بر هر عالمی واجب است که جانب ورع نگاه دارد و دانش خود را به جوینده آن بذل نماید.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ ، لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ . رسول خدا صلى الله عليه و آله :هر کس دانشی را آموزش دهد ، پاداش آن که بدان عمل کند ، از آن اوست ، بی آن که از پاداش عمل کننده کاسته شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه و آله : أَلَا أُحَدِّثُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ ، يَغِيْطُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ وَ الشُّهَدَاءُ بِمَنَازِلِهِمْ مِنَ اللَّهِ ، عَلَى مَنَازِلٍ مِنْ نُورٍ ؟ قِيلَ : مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : هُمُ الَّذِينَ يَحْبِبُونَ عِبَادَ اللَّهِ -إِلَى اللَّهِ- ، وَ يَحْبِبُونَ اللَّهَ -إِلَى عِبَادِهِ- . قُلْنَا : هَذَا حَبَبُ اللَّهِ -إِلَى عِبَادِهِ- ، فَكَيْفَ يَحْبِبُونَ عِبَادَ اللَّهِ -إِلَى اللَّهِ- ؟ قَالَ : يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يَحِبُّ اللَّهُ ، وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ ، فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ . (مشكاة الأنوار) رسول خدا فرمود : «آیا برای شما از اقوامی بگویم که با آن که پیامبر و یا شهید نبودند ، اما در روز قیامت ، به خاطر مقامی که نزد خداوند دارند و بر روی منبرهایی از نورند ، پیامبران و شهیدان ، به آنان غبطه می خورند؟» . گفته شد : ای رسول خدا! آنان کیان اند؟ فرمود : «آنان ، کسانی هستند که خدا را در نظر مردم و مردم را در نظر خداوند ، محبوب می سازند» . گفتیم : این که خداوند را در نظر بندگان محبوب می سازند ، روشن است ؛ اما چگونه بندگان خدا را در نظر خداوند ، محبوب می سازند؟ فرمود : «آنان را بدانچه خداوند دوست می دارد ،

فرمان می دهند و از آنچه خداوند ناپسند می شمارد ، نهی شان می کنند. وقتی مردم از آنان اطاعت کنند ، خداوند ایشان را دوست خواهد داشت» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «المؤمن اذا مات وترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترا فيما بينه وبين النار واعطاه الله تبارك وتعالى بكل حرف مكتوب عليها مدينة اوسع من الدنيا سبع مرات؛ (بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۴). مؤمن چون از دنیا رود و برگهای دانش دار از خود بر جای نهد، این برگه در روز رستخیز، میان او و آتش دوزخ پردهای شود. و خدای خجسته و بزرگ برای هر حرفی که بر آن برگه نوشته شده باشد، شهری به فراخناکی هفت گیتی به وی بخشد.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «یؤتی بصاحب القلم يوم القيامة فی تابوت من نار یقل علیه باقفال من نار فینظر قلمه فیما اجراه فان كان اجراه فی طاعة الله ورضوانه فك عنه التابوت وان كان اجراه فی معصية الله هوی فی التابوت سبعین خریفا... (میزان الحکمة، ج ۸، ص ۲۶۶). در روز رستخیز، قلمزن را در تابوتی آتشناک بیاورند که قفلهایی آتشناک نیز بر آن بسته باشند. آن گاه به قلمش بنگرند که در چه راه به کار بسته است. اگر در فرمانبری و خرسندی کردگار به کار بسته است، آن تابوت از او بگیرند. و اگر در فرمان نابری کردگار به کار بسته است، هفتاد خزان در آن تابوت به عذابش کشند.» (منبع تبلیغ بر پایه قرآن و حدیث ری شهری)

پنج تیر روز مبارزه با مواد مخدر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: سیأتی زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَأْكُلُونَ شَيْئًا اسْمُهُ الْبَنْجُ ، أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ بَرِيئُونَ مِنِّي؛ زمانی فرا می رسد که اُمّت من چیزی به نام «بنگ» استفاده می کنند. من از این گروه بیزارم و آنان از من دورند. (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۸۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ احْتَقَرَ ذَنْبَ الْبَنْجِ فَقَدْ كَفَرَ؛ کسی که گناه کشیدن بنگ را ناچیز بشمرد، کافر است. (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۸۶) .

امام رضا علیه السلام فرمودند: كُلُّ نَافِعٍ مُقَوٍّ لِلْجِسْمِ فِيهِ قُوَّةٌ لِلْبَدَنِ فَحَلَالٌ وَ كُلُّ مُضَرٍّ يَذْهَبُ بِالْقُوَّةِ أَوْ قَاتِلٌ فَحَرَامٌ؛ هر چیز سودمند و نیروزا برای جسم که موجب تقویت بدن می شود، حلال است، و هر چیز زیان آور که نیروی آدمی را می گیرد، یا کشنده است، حرام است . (فقه الرضا علیه السلام ، ص ۲۵۴).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ؛ زیان رساندن به خود و به دیگران ممنوع است. (الکافی، ج ۵، ص ۲۹۲)

لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آیه ۱۹۵ سوره بقره) ترجمه: خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید که بی تردید خداوند نیکوکاران را دوست دارد. (موادمخدر نوعی تهلهکه است)

لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (آیه ۲۹ سوره نساء) ترجمه: خودکشی نکنید و همدیگر را نکشید، و خود را به هلاکت گناه نیفکنید که همانا خداوند همواره به شما مهربان است. (موادمخدر نوعی خودکشی است «البته تدریجی»)

قال رسول الله (ص): حَرَامٌ عَلَى أُمَّتِي كُلِّ مُفْتِرٍ وَ مُخَدِّرٍ. کل سستی آورها ومخدرها بر امت من حرام است (کتاب الضاروالنافع)

سؤال از مراجع: استعمال مواد مخدر از قبیل بنگ، حشیش، تریاک، هروئین، مرفین، ماری جوانا و . . . به صورتهای گوناگون (خوردن، آشامیدن، دود کردن، تزریق، شیاف) چه حکمی دارد؟

حضرت امام خمینی (ره): هروئین حرام است و ارتزاق به آن جایز نیست و اعتیاد به تریاک جایز نیست و معتاد در صورت عدم لزوم ضرر (یعنی اگر ضرر نداشته باشد) باید آن را ترك کند و خرید و فروش یا کشت منوط است به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست، (استفتات، ج ۲، ص ۳۵ الی ۳۷) توصیه امام خمینی در خصوص مواد مخدر: «این هم (مواد مخدر) یک توطئه است که قدرتهای بزرگ به این وسیله به ما ضربه می زنند»

حضرت امام خامنه ای (مد ظله العالی): استعمال مواد مخدر و استفاده از آنها مطلقاً حرام است، به خاطر ضررهای فردی و اجتماعی که بر آنها مترتب است و به همین جهت خرید و فروش و حمل و نقل و نگهداری آنها هم حرام است، مگر در مورد معالجه مرض آن هم به تشخیص پزشک حاذق و مورد اعتماد که در این مورد استعمال آن به مقدار ضرورت اشکال ندارد، (اجوبه الاستفتات، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۳۲۵) توصیه مقام معظم رهبری در خصوص مواد مخدر: «غرق کردن نسل جوان در فسادهای گوناگون و اعتیاد به مواد مخدر و سکرآور یک سیاست پیاده شده استعمار و استکبار است»

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: استفاده از مواد مخدر برای هیچ کس جایز نیست؛ مگر این که اگر کسی بخواهد آن را ترك کند جانش به خطر بیفتد. هم چنین معامله (یعنی خرید و فروش) این مواد باطل است، (استفتات، ص ۱۵۵) توصیه حضرت آیت الله مکارم شیرازی در خصوص مواد مخدر: «به عقیده بنده مهمترین راه مبارزه با مواد مخدر مبارزه فرهنگی است؛ یعنی اگر ابعاد و آثارش را از طریق مختلف نشان بدهند و جامعه آگاهی پیدا کند بسیاری از مواد مخدر فاصله می گیرند. اگر از طرق مختلف آموزش داده شود و سطح فرهنگ مخصوصاً نسل جوان بالا برود درباره مواد مخدر و

بدانند بلائی است که وقتی انسان گرفتارش بشود نجات از آن بسیار مشکل است، من معتقدم که تا حد بسیار زیادی ما جلو این کار را می‌توانیم بگیریم و موفق خواهیم شد»

حضرت آیه الله العظمی بهجت: مصرف هروئین و نظیر آن حرام است و آنچه در ارتباط با آن است حکم خود را دارد و خرید و فروش آن هم جایز نیست و اعتیاد به تریاک جایز نیست و مقدمات آن هم جایز نیست و احتراز لازم است. توصیه حضرت آیه الله العظمی بهجت در خصوص مواد مخدر: «شکی نیست که مصرف مواد مخدر حرام است، ضرر مرض آور است، نمی‌شود بگوئیم که حرام نیست، تریاک کشی هم همینطور است... چه ضرری! که هم در مال و هم در بدن و در همه چیز است. این را همه می‌دانند که اضرار حرام است، شما می‌توانید از همه علماء که واسطه بین ما و اعلاء علیین هستند سؤال کنید. این اشتباه محض است که بعضی فکر می‌کنند اینها (مصرف مواد مخدر) لذاذ است»

حضرت آیه الله العظمی فاضل لنکرانی: استعمال مواد مخدر و خرید و فروش آنها حرام است و استعمال دخانیات نیز اگر زمینه اعتیاد را ایجاد کند حرام است و معتاد در صورت عدم ضرر باید آن را ترك کند و فروش یا کشت منوط است به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست، (جامع‌المسائل، ص ۲۴۹ - ۲۵۰) توصیه حضرت آیه الله العظمی فاضل لنکرانی در خصوص مواد مخدر: «من اتفاقاً شخصا خودم نسبت به این مسئله مواد مخدر یک حساسیتی دارم، برای اینکه ملاحظه می‌کنم افرادی که گرفتار این مسئله هستند، حالا بر طبق آنچه من تشخیص دادم، اینها یا به طور کلی از انسانیت منحرف شدند و دیگر نمی‌شود کلمه انسان را بر ایشان اطلاق کرد و یا حداقل تا حدی از انسانیت منحرف شده‌اند. انسان نمی‌تواند با مواد مخدر ارتباط داشته باشد، برای اینکه این مستلزم خروج از انسانیت است یا به نحو مطلق یا فی الجمله و عملاً هم ما این معنا را می‌بینیم. باید سازمان تبلیغات ما یکی از مسائلی را که به مبلغین تاکید می‌کند مسئله مواد مخدر و مبارزه با آن باشد، اینها صحبت کنند در مجالسی که متناسب است و ضررهای دنیوی و اخروی استفاده از مواد مخدر را بیان کنند، اکتفا نکنید به مسئله رادیو و تلویزیون...»

حضرت آیه الله العظمی نوری همدانی: از آنجا که مضرات مواد مخدر این بلای خانمانسوز از همه جهت روشن و واضح است، لذا حمل و نقل، خرید و فروش و تولید و توزیع آن به هر شکل که باشد مانند مصرف نمودن آن حرام است و ترك اعتیاد نیز لازم است و باید مبلغین محترم و کلیه کسانی که با توفیق خداوند در راه ارشاد و هدایت جامعه گام برمی‌دارند مردم جامعه را از مضرات این بلای بزرگ آگاه نمایند. توصیه حضرت آیه الله العظمی نوری همدانی در خصوص مواد مخدر: در قرآن کریم هست هر چیزی که برای بدن مضر باشد حرام است این فرهنگ باید در جامعه جا بیافتد که چیزی که مضر است حرام است و مواد مخدر برای بدن مضر است.

حضرت آیه الله العظمی میرزا هاشم عاملی: اعتیاد به مواد مخدر حرام است و بر مسلمانان واجب است که از این مواد خانمانسوز دوری نمایند.

حضرت آیه الله العظمی اراکی: استعمال به نحو مذکور اضرار به نفس است و حرام می باشد.

حضرت آیه الله العظمی تبریزی: اعتیاد به مواد مخدر مزبوره که نوعاً آفت اجتماعی دارند جایز نیست.

حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی: باید با این جوان (معتاد) مثل پدری با فرزند مریض معامله کنیم، به لطف، به عنایت، به نصیحت، ممکن نیست عوض نشود و از آن چیزها (مواد مخدر) منعش کنیم و نگذاریم به او برسد، وسایل علاجش را فراهم کنیم. اگر چنانچه این راهها طی شود، سال دیگر تعداد معتادان کمتر می شود، منتهی همه باید دست به دست هم بدهیم، این یک کاری است که تنها از دست یک گروه بر نمی آید. مثل آتشی است که به یک شهر افتاده، آن وقت یک عده برای خاموش کردن آتش کافی نیستند، همه باید کمک کنند.

حضرت آیه الله مشکینی: برای ما فرق نمی کند خریدن یا فروختن یا استعمال همه اش حرام است... فتوائی که در زمان طاغوت درباره تریاک از مرحوم آیت... العظمی حاج ابوالحسن اصفهانی رسیده، ایشان نوشته اند افیون حرام است حرام.

بنا به گفته حضرت آیه الله العظمی بهجت حضرت آیت... بروجردی (ره) هم فتوای به حرام بودن مواد مخدر دادند. ایشان فرموده اند: مصرف هروئین و نظیر آن حرام است.

این بود گزیده ای از بیانات و فتاوای مراجع معظم تقلید و علما در خصوص بحث حرام بودن مصرف مواد مخدر و یا کاشت، خرید، فروش و...

هفت تیر روز قوه قضاییه

امام علی علیه السلام فرمودند: أَعْدَلُ السَّيَرَةِ أَنْ تُعَامِلَ النَّاسَ بِمَا تُحِبُّ أَنْ يَعَامِلُوكَ؛ عادلانه ترین روش این است که با مردم آن گونه رفتار کنی که دوست داری با تو چنان باشند. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۱۷۰).

امام علی علیه السلام فرمودند: أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ أَنْصَفَ عَنْ قُوَّةٍ؛ عادل ترین مردم کسی است که با داشتن قدرت، عدالت بورزد. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۲۴۲).

امام علی علیه السلام فرمودند: أَعْدَلُ الْخَلْقِ أَقْضَاهُمْ بِالْحَقِّ؛ عادل ترین مردم کسی است که بیش از همه به حق دآوری کند. (میزان الحکمه، ح ۱۲۰۱۶).

امام علی علیه السلام فرمودند: الْعَدْلُ أَسَاسُ بِهِ قِوَامُ الْعَالَمِ؛ عدالت شالوده ای است که جهان بر آن استوار است. (میزان الحکمه، ح ۱۱۹۵۵).

امام علی علیه السلام فرمودند: الْعَدْلُ يَرْيخُ الْعَامِلَ بِهِ مِنْ تَقْلِيدِ الْمَظَالِمِ؛ عدالت، عمل کننده به آن را از به گردن گرفتن حقوق مردم و مظالم آسوده می کند. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۴۳۷) .

امام علی علیه السلام فرمودند: فِي الْعَدْلِ الْاِقْتِدَاءُ بِسُنَّةِ اللَّهِ - وَ ثَبَاتُ الدُّوَلِ؛

پیروی از سنت خدا و پایداری دولت ها نتیجه عدالت است. (میزان الحکمه، ح ۱۱۹۷۹) .

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا يَقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ - سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يَصْنَعُ وَلَا يَضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ؛ فرمان خدای سبحان را بر پا ندارد جز آن کس که [در حق] مدارا نکند و خود را خوار نسازد و در پی طمع نرود. (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۰) .

امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمودند: ثُمَّ اخْتَرِ لِلْحَكَمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ؛ برای داوری میان مردم، برترین فرد را از نظر خودت برگزین. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ اللَّهَ - مَعَ الْقَاضِي مَالَمَ يَحِفْ عَمْدًا؛ خداوند با قاضی است تا آن گاه که به عمد، ستم نکند. (میزان الحکمه، ح ۱۶۸۶۳) .

امام علی علیه السلام فرمودند: مَنْ ابْتَلَى بِالْقَضَاءِ فَلْيُؤَاسِ بَيْنَهُمْ فِي الْإِشَارَةِ وَ فِي النَّظَرِ وَ فِي الْمَجْلِسِ؛ آن که بر مسند قضاوت می نشیند، باید میان مردم در اشاره و نگاه و نشستن برابری را مراعات کند. (الکافی، ج ۷، ص ۴۱۳) .

امام علی علیه السلام فرمودند: أَفْضَلُ الْخَلْقِ أَقْضَاهُمْ بِالْحَقِّ؛ برترین مردم، داورترین آنها به حق است. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۳۲۳) .

امام صادق علیه السلام فرمودند: أَلْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الْمَاءِ يَصِيبُهُ الظَّمَانُ؛ عدالت، گواراتر از آبی است که تشنه به آن می رسد. (الکافی، ج ۲، ص ۱۴۶) .

امام صادق علیه السلام فرمودند: الْقَضَاءُ أَرْبَعَةٌ: ثَلَاثَةٌ فِي النَّارِ وَوَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ: رَجُلٌ قَضَى بَجَوْرٍ وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ ، وَرَجُلٌ قَضَى بَجَوْرٍ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ ، وَرَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ ، وَرَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ . قاضیان چهار گروهند: سه گروه در آتشند و یک گروه در بهشت . مردی که دانسته حکم ناحق صادر کند ، این قاضی در آتش است . مردی که ندانسته (و بی اطلاع از احکام و قوانین) حکم ناحق دهد ، این نیز در آتش است . مردی که ندانسته حکم درست و حق صادر کند ، این هم در آتش است و مردی که دانسته حکم حق و درست را صادر کند ، این قاضی در بهشت است . (الکافی: ۷ / ۴۰۷ / ۱ منتخب میزان الحکمه: ۴۷۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله : إِنَّ اللَّهَ - مَعَ الْقَاضِي مَالَمَ يَحِفْ عَمْدًا. خداوند با قاضی است تا آن گاه که ، به عمد ، ستم نکند. (میزان الحکمه ، ح ۱۶۸۶۳) .

امام علی علیه السلام: مَنْ ابْتَلَى بِالْقَضَاءِ فَلْيَوَاسِ بَيْنَهُمْ فِي الْإِشَارَةِ وَ فِي النَّظَرِ وَ فِي الْمَجْلِسِ. آن که بر مسند قضاوت می‌نشیند، باید میان مردم در اشاره و نگاه و نشستن برابری را مراعات کند. (الکافی، ج ۷، ص ۴۱۳۹).

امام علی علیه السلام: أَفْضَلُ الْخَلْقِ أَقْضَاهُمْ بِالْحَقِّ. برترین مردم، داورترین آنها به حق است. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۳۲۳).

امام علی علیه السلام: لَا يَقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يَصْنَعُ وَ لَا يَضَارِعُ وَ لَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ. فرمان خدای سبحان را بر پا ندارد جز آن کس که [در حق] مدارا نکند و خود را خوار نسازد و در پی طمع نرود. (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۰).

امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمودند: ثُمَّ اخْتَرِ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ. برای داوری میان مردم، برترین فرد را از نظر خودت برگزین. (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علی (ع) به شریح قاضی فرمود: یا شریح هذا مجلس لا يجلسه الا نبي او وصي نبي او شقي، (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶، ح ۲) ای شریح، قضاوت، جایگاهی است که کسی در آن نمی‌نشیند مگر آنکه یا پیامبر باشد یا وصی پیامبر، یا شقی.

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لَا تَكُونُ الْمَرْأَةُ حَكَمًا تَقْضِي بَيْنَ الْعَامَّةِ. زن، نباید قاضی باشد و میان مردم داوری کند. (کنز العمال: ۱۴۹۲۱ منتخب میزان الحکمة: ۴۷۲)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْمَرْأَةَ لَا تُؤَلَّى الْقَضَاءَ وَلَا تُؤَلَّى الْإِمَارَةَ. زن، نه عهده‌دار مسند قضاوت می‌شود و نه عهده‌دار منصب امارت. (بحار الأنوار: ۱۰۴ / ۲۷۵ / ۱ منتخب میزان الحکمة: ۴۷۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ (نساء(۴) آیه ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را!

«قضاات منصوب و ماذون از جانب اولی الامر حق قضاوت دارند و باید از اولی الامر هم اطاعت کنند».

بیست و هفت تیر روز نیروی انتظامی

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى بِرَجُلٍ اخْتَلَسَ دُرَّةً مِنْ أُذُنٍ جَارِيَةٍ فَقَالَ: هَذِهِ الدُّعَاةُ الْمُعْلَنَةُ فَضْرَتُهُ وَ حَبْسُهُ؛ مردی را که مرواریدی از گوش دختری ربوده بود به محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) آوردند؛ حضرت فرمودند: «این ربودنی آشکار است.» او را (تازیانه) زد و به زندان افکند. (الکافی، ج ۷، ص ۲۲۶).

امام حسین علیه السلام فرمودند: لَا يَجُلُّ لِعَيْنِ مُؤْمِنَةٍ تَرَى اللَّهَ. يعصى فتطرف حتى تغيرة؛ بر هیچ چشم مؤمنی روا نیست که ببیند خدا نافرمانی می‌شود و چشم خود را فرو بندد، مگر آن که آن وضع را تغییر دهد. (الأمالی، طوسی، ص ۵۵).

امام علی علیه السلام فرمودند: أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نُلْقِيَ أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَرَةٍ؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ما فرمان داد که با اهل گناه با چهره ای درهم کشیده روبه رو شویم. (الکافی، ج ۵، ص ۹۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَنْصُرْ إِلَّا عَامِلَهَا وَ إِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ أَصْرَتَ بِالْعَامَّةِ؛ هرگاه بنده، پنهانی گناه کند، تنها به خود زیان می رساند، و هرگاه آشکارا گناه کند و بر این کار غیرت نورزد، آن گناه به همه مردم آسیب خواهد رساند. (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۷۴).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نِعَمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ؛ دو نعمت است که شکر آنها گزارده نمی شود: امنیت و سلامتی. (الخصال، ص ۳۴)

امام علی علیه السلام فرمودند: شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ؛ بدترین وطن، آن جاست که اقامت کنندگان در آن، ایمن نباشند. (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۵۷۱۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ؛ سه چیز است که مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و رفاه. (تحف العقول، ص ۳۲۰)

امام علی علیه السلام فرمودند: شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ. بدترین شهرها، شهری است که در آن ایمنی نباشد. (عیون الحکم و المواعظ، ح ۵۲۵۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: الْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرِّعْيَةِ وَ زِينُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرِّعْيَةُ إِلَّا بِهِمْ. سربازان، به اذن خداوند، دژ مردم، زینت زمامداران، مایه عزت دین و امنیت اند و کار مردم، جز به آنان استوار نمی شود. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: يَا عَلِيُّ لَا خَيْرَ فِي ... الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَ السُّرُورِ.

ای علی! خیری نیست در ... وطن مگر با امنیت و خوشی. (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۹)

پیامبر صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ لَا خَيْرَ فِي ... الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَ السُّرُورِ. ای علی! خیری نیست در ... وطن مگر با امنیت و دل خوشی. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۹).

امام علی علیه السلام: شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ. بدترین وطن، وطنی است که ساکنانش در آن ایمن نباشند. (غرر الحکم و درر الکلم، ح ۵۷۱۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَنْصُرْ إِلَّا عَامِلَهَا وَ إِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ أَصْرَتَ بِالْعَامَّةِ. هرگاه بنده، پنهانی گناه کند، تنها به خود زیان می رساند، و هرگاه آشکارا گناه کند و بر این کار غیرت نورزد، آن گناه به همه مردم آسیب خواهد رساند. (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۷۴).

امام حسین علیه السلام: لَا يَجِلُّ لِعَيْنِ مُؤْمِنَةٍ تَرَى اللَّهَ يَعْصِي فَتَطْرِفَ حَتَّى تَغْيِرَهُ. بر هیچ چشم مؤمنی روا نیست که ببیند خدا نافرمانی می‌شود و چشم خود را فرو بندد، مگر آن که آن وضع را تغییر دهد (الأمالی، طوسی، ص ۵۵).

برخورد امام علی علیه السلام با گروه‌های مختلفی از مجرمان، که اهم آنها این موارد عبارتند از: اشراق، ارادل و اوباش هر محل: کان علی (ع) اذا کافی القبيلة او القوم الرجل الاعر حبسه (ابی یوسف، الخراج، ص ۱۵۰)

اختلاس کنندگان و دزدها: ان امير المؤمنين اتي برجل اختلس درة من اذن جارية فقال: هذه الدغارة المعلنه، فضر به و حبسه (کافی، ج ۷، ص ۲۶۶)

خیانت کنندگان در اموال مردم: کان علی (ع) لا يحبس في السجن الاثلاثة: الغاصب، و من اكل مال اليتيم ظلماً و من أتمن على امانة فذهب بها. (رسائل، ج ۱۸، ص ۱۸۱)

عالمان فاسق و پزشکان بی‌سواد و ورشکستگان: قال علی (ع) يجب علی الامام ان يحبس الفساق من العلماء، و الجهال من الاطباء و المفاليس من الاكبراء (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۰)
گواهان به دروغ: انه (ع) کان اذا اخذ شاهد زور،.... طيف به ثم حبسه اياماً ثم يخلی سبيله (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۴۴)

امتناع کنندگان از ادای حقوق همسر: قال علی (ع): يجبر الرجل علی النفقة علی امرأته فان لم يفعل حبس (مستدرک، ج ۱۵، ص ۱۵۷)

زنان مرتد: ان علیاً (ع) قال: اذا ارتدت المرأة عن الاسلام لم قتل ولكن تحبس دائماً (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۹۰)

دستیاران قاتل: مثل کسی که دیگری را نگهدارد تا قاتل او را به قتل برساند. (کافی، ج ۷، ص ۲۸۷)
اسیرانی که در شورش‌های مسلحانه‌ی اهل بغی دستگیر می‌شوند. (مستدرک، ج ۱۱، ص ۵۷)
کارگزاران خائن: (نهج السعادة، ج ۲، ص ۵۷۷ و ج ۴، ص ۳۴) (ابن ابی الحديد، ج ۴، ص ۸۳ و ج ۱۸، ص ۵۴)

ده مرداد روز جهانی شیر مادر

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ اللَّبَنَ يَغْلِبُ الطَّبَاعَ؛ زن نابخرد را به دایگی نگیرید، که شیر بر سرشت‌ها چیره می‌شود. (الکافی، ج ۶، ص ۴۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: يَا أُمَّ إِسْحَاقَ! لَا تُرْضِعِيهِ مِنْ ثَدِي وَاحِدٍ وَ أَرْضِعِيهِ مِنْ كِلَيْهِمَا يَكُونُ أَحَدُهُمَا طَعَامًا وَ الْآخَرُ شَرَابًا؛ ای مادر اسحاق! فرزند خود را نه از یک پستان بلکه از دو پستان شیر بده که یکی برایش غذا و دیگری آب باشد. (وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛ برای کودک، شیری بهتر از شیر مادرش نیست. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸).

امام علی علیه السلام فرمودند: مَا مِنْ لَبَنٍ يَرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمُ بَرَكَهً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛ هیچ شیری برای تغذیه کودک از شیر مادرش با برکت تر نیست. (الکافی، ج ۶، ص ۴۰).

امام علی علیه السلام فرمودند: أَنْظَرُوا مَنْ يَرْضَعُ أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشْبُ عَلَيْهِ؛ بنگرید که چه کسی فرزندان را شیر می دهد؛ زیرا فرزند بر صفات و سرشت او می تابد. (وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۶۷).

یک شهریور روز پزشک

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا يَسْتَغْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ... طَبِيبٍ بَصِيرٍ نَفَقَةٍ؛ مردم هیچ شهری از پزشک بصیر مورد اعتماد بی نیاز نیستند. (تحف العقول، ص ۳۲۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ تَطَبَّبَ فَهُوَ لَا يَعْلَمُ مِنْهُ طَبٌّ قَبْلَ ذَلِكَ فَهُوَ ضَامِنٌ؛ کسی که بدون پیشینه پزشکی طبابت کند، ضامن است. (میزان الحکمه، ج ۱۱۱۴۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اللَّهُ الطَّبِيبُ، بَلْ أَنْتَ رَجُلٌ رَفِيقٌ، طَبِيبُهَا الَّذِي خَلَقَهَا؛ خدا طبیب است و تو یاور و مهربان هستی. طبیب درد کسی است که آن را آفریده است. (کنز العمال، ج ۲۸۱۰۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: مَنْ تَطَبَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَنْصَحْ وَلِيَجْتَهِدْ؛ هر که طبابت می کند باید از خدا بترسد و خیر خواه باشد و سعی خود را به کاربرد. (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الْعِلْمُ عِلْمَانِ: عِلْمُ الْأَدْيَانِ، وَعِلْمُ الْأَبْدَانِ؛ دانش بر دو قسم است: شناخت ادیان و شناخت کالبدها. (بحار الأنوار: ۱ / ۲۲۰ / ۵۲ منتخب میزان الحکمه: ۴۰۴)

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ... (نهج البلاغه دشتی، خطبه ۱۰۸) امام علی «ع» فرمود: پیامبر طبیبی است که برای درمان بیماران سیار است «خود به سراغ بیمار میرود». مرهم های شفا بخش او آماده، و ابزار داغ کردن زخم ها را گداخته.

دوم تا هشتم شهریور هفته دولت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا فَوَلَّى رَجُلًا وَ هُوَ يَجِدُ مَنْ هُوَ أَصْلَحُ لِلْمُسْلِمِينَ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ؛ کسی که عهده داری یکی از امور مسلمانان شود و فردی را سرپرست کاری کند، با این که می تواند کسی را که برای مسلمانان بهتر از او باشد بیابد، به خدا و رسولش خیانت کرده است. (سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۱۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ وَ لَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهَكَ ؛ میان تو و مردم رابطی جز زبانت و پرده ای جز چهره ات نباشد . (نهج البلاغه، نامه ۶۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِيَخْلُقَهُ فَقَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كُضْعَاءِ النَّاسِ ؛ خداوند مرا پیشوای خلقش کرده ، و مرا واداشته که بر خود تنگ بگیرم ، و در خوردن و آشامیدن و لباس مانند مستمندان باشم . (الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰)

امام علی علیه السلام فرمودند: مَنْ سَمَا إِلَى الرِّيَاسَةِ صَبَرَ عَلَى مَضِضِ السِّيَاسَةِ ؛ هر کس بر مسند سیاست نشیند ، باید بر رنج سیاست صبر کند . (میزان الحکمه، ح ۹۰۰۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: مَنْ كَثُرَ جَمِيلُهُ أَجْمَعَ النَّاسُ عَلَى تَفْضِيلِهِ ؛ آن که رفتار نیکش فراوان شود ، مردم بر برتری اش اتفاق کنند . (عیون الحکم و المواعظ، ح ۸۲۱۸)

امام علی علیه السلام فرمودند: ثُبَاتُ الدُّوَلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ ؛ پایداری دولتها به برپا داشتن راه و رسم دادگری است . (غررالحکم و درر الکلم، ح ۴۷۱۵)

امام علی علیه السلام فرمودند: مِنْ أَمَارَاتِ الدُّوَلَةِ الْيَقَظَةُ لِحِرَاسَةِ الْأُمُورِ ؛ از نشانه های [پایداری] دولت ، بیداری برای حراست از امور است . (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۹۳۶۰)

امام علی علیه السلام فرمودند: رَأْسُ السِّيَاسَةِ اسْتِعْمَالُ الرِّفْقِ ؛ سرلوحه سیاست ، به کار بردن مداراست . (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۵۲۶۶)

امام علی علیه السلام فرمودند: مِلَاكُ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ . ملاک و اساس سیاست، عدالت است . (میزان الحکمه، ح ۹۰۱۶)

امام علی علیه السلام فرمودند: حُسْنُ السِّيَاسَةِ يَسْتَدِيمُ الرِّئَاسَةَ . سیاست نیکو، موجب پابندگی و دوام ریاست است . (میزان الحکمه، ح ۸۹۹۸)

امام علی علیه السلام فرمودند: حُسْنُ السَّيْرِ جَمَالُ الْقُدْرَةِ وَ حِصْنُ الْإِمْرَةِ . رفتار نیکو، نشان زیبایی قدرت و پناهگاه زمام داری است . (غررالحکم، ح ۴۸۴۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: مِنْ دَلَائِلِ الدُّوَلَةِ قِلَّةُ الْغَفْلَةِ . از نشانه های (پایداری) دولت، کمی غفلت از کارها است . (غررالحکم، ح ۹۴۱۰)

امام علی علیه السلام فرمودند: إِيَّاكَ وَ الْإِسْثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسُوءَ . بپرهیز از آن که چیزی را به خود مخصوص کنی که مردم همه در آن یکسانند . (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: اجْعَلْ لِرَأْسِ كُلِّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِكَ رَأْسًا مِنْهُمْ ، لَا يَقْهَرُهُ كَبِيرُهَا وَ لَا يَتَشَتُّ عَلَيْهِ كَثِيرُهَا . برای سامان دادن به هر يك از کارهایت، سرپرستی از میان آنان بگمار که بزرگی کار، او را مقهور خود نسازد و بسیاری آن، آشفته اش نکند . (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

امام علی علیه السلام در نامه ای به یکی از کارگزارانش: إخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ، وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ. در برابر شهروندان، فروتن باش و با ایشان نرمخویی نما. (تحف العقول: ص ۱۷۷؛ الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث، ص ۱۳۸)

امام علی علیه السلام: اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ اخْذِرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يُعْوِدُ بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفَ يُدْعُو إِلَى السَّيْفِ. عدالت را اجرا کن و از زورگویی و ستمگری بپرهیز زیرا زورگویی مردم را به ترك از وطن وامی دارد، و ستم آنان را به قیام مسلحانه می کشاند. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۵۹، ح ۴۷۶)

امام علی علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ عَلَى أئِمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ؛ خداوند عزوجل بر پیشوایان عادل واجب کرده که سطح زندگی خود را با مردم ناتوان برابر کنند تا فقیر را، فقرش برآشفته نکند. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۱، ص ۴۱۱)

امام علی علیه السلام: اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ اخْذِرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يُعْوِدُ بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفَ يُدْعُو إِلَى السَّيْفِ. عدالت را اجرا کن و از زورگویی و ستمگری بپرهیز زیرا زورگویی مردم را به ترك از وطن وامی دارد، و ستم آنان را به قیام مسلحانه «شورش علیه حکومت» می کشاند «چنانکه در سالهای قبل از پیروزی انقلاب مردم ایران با حکومت ستمشاهی کردند». (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۵۹، ح ۴۷۶)

امام علی علیه السلام: مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ؛ امام علی علیه السلام: هر کس به عدالت رفتار کند، خداوند حکومتش را حفظ خواهد کرد «دولتش بیمه میشود». (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۴۰، ح ۷۷۷۵)

امام علی علیه السلام: خَيْرُ الْمُلُوكِ مَنْ أَمَاتَ الْجَوْرَ وَ أَحْيَى الْعَدْلَ؛ بهترین فرمانروا کسی است که ظلم را از بین ببرد و عدل را زنده کند. (شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم ج ۳، ص ۴۳۱، ح ۵۰۰۵)
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أُمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ، وَ ذُو ثَرَوَةٍ مِنَ الْمَالِ لَمْ يَعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ وَ فَقِيرٌ فَخَوْرٌ؛ اولین کسی که به جهنم می رود فرمانروای قدرتمندی است که به عدالت رفتار نمی کند و ثروتمندی که حقوق مالی خود را نمی پردازد و نیازمند متکبر. عیون الاخبار الرضا ج ۲، ص ۲۸، ح ۲۰)

چهارشنبه‌یور روز کارمند

از فرمایشات آیت الله بهجت قدس سره: کار امروز را به فردا احاله کردن، غبن است؛ زیرا فردا کاری برای خود و مخصوص به خود دارد. امروز که برود، از دست رفته و قابل جبران نیست. توفیق می خواهد، توفیق ربطی به سرمایه و دارایی و نداری و خواب و بیداری ندارد. گاهی انسان سرمایه دارد

ولی موفق به کار خیر نمی گردد، و گاهی هم کم درآمد ولی پر خیر و برکت است. بنابراین خوب است انسان کار امروز را به فردا، بلکه کار هیچ ساعتی را به ساعت دیگر احاله نکند، مگر از روی عذر؛ وگرنه نمی داند که بعد از این ساعت چه طور می شود.

در سفینه البحار، ماده «رفق»، از رسول اکرم نقل می کند (خطاب به جابر): ان هذا الدين لمتين فاوغل فيه برفق... فاحرث حرث من يظن انه لا يموت و اعمل عمل من يخاف انه يموت غدا. این دین توام با متانت است، بر خود سخت نگیر بلکه مدارا کن... کشت کن مانند کسی که گمان می برد نمی میرد و عمل کن مانند کسی که می ترسد فردا بمیرد «یعنی کار امروز را بفردا مینداز».

امام علی علیه السلام فرمودند: أَمْضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ؛ کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا هر روزی را کاری است [ویژه آن روز]. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

امام باقر علیه السلام: إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ؛ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرُقُ فِيهِ الْهَلْكَى. زنهار از افکندن کار امروز به فردا؛ زیرا این کار دریایی است که مردمان در آن غرق و نابود می شوند. (بحار الأنوار: ۱/۱۶۴/۷۸).

عنهم عليهم السلام: جَدُّوا واجتهدوا، وإن لم تعلموا فلا تعصوا، فإن من يبنی ولا يهدم يرتفع بناؤه وإن كان يسيراً، وأن من يبنی ويهدم يوشك أن لا يرتفع بناؤه. (بحار الأنوار ج ۸، ص ۲۸۶). امامان معصوم (ع): تلاش و کوشش کنید و اگر عمل نمی کنید، گناه هم نکنید؛ زیرا کسی که بنایی می سازد و ویرانش نمی کند، ساختمانش برافراشته می شود، هر چند کوچک باشد. اما کسی که می سازد و سپس ویران می کند، بنایش برافراشته نمی شود.

الإمام علی (ع): العمل العمل، ثم النهاية النهاية، والاستقامة الاستقامة، ثم الصبر الصبر، والورع، إن لكم نهاية فانتهاوا إلى نهايتكم. (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶). امام علی (ع): کار کنید و آن را به پایانش رسانید و در آن پایداری کنید؛ آن گاه شکیبایی ورزید و پارسا باشید. همانا شما را پایانی است؛ پس، خود را به آن پایان (بهشت) رسانید.

الإمام علی (ع): مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يَسْرَعْ بِهِ نَسْبُهُ (حسبه). (نهج البلاغه: حکمت ۲۳). امام علی (ع): هرکس کارش او را کند برد، نسبش (حسبش) او را شتابان نبرد.

الإمام علی (ع): المداومة المداومة! فإن الله لم يجعل لعمل المومنين غاية الا الموت. (مستدرک الوسائل: ۱/۱۳۰/۱۷۷). امام علی (ع): در کار پیگیر باشید، زیرا خداوند برای کار مؤمنان پایانی جز مرگ قرار نداده است.

الإمام علی (ع): قليل تدوم عليه، أرجى من كثير مملول منه. (نهج البلاغه: حکمت ۲۷۸). امام علی (ع): کار (خیر) اندک، که بر آن مداومت ورزی، از کار بسیار که از آن خسته شوی، امیدوار کننده تر است.

الإمام الباقر (ع): ما من شيء أحب إلى الله من عمل يداوم عليه، وإن قلَّ. (الكافي: ۲/۸۲/۳). امام باقر (ع): هیچ چیز نزد خداوند، محبوبتر از کاری نیست که بر آن مداومت شود، هر چند اندک باشد.

الإمام علي (ع): عليكم بالجد والاجتهاد والتأهب والاستعداد. (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۰). امام علي (ع): بر شما باد به تلاش و سخت کوشی و مهیا شدن و آماده گشتن.

الإمام علي (ع): فعل الخير ذخيرة باقية وثمرة زاكية. (غررالحکم: ۶۵۴۵). امام علي (ع): «کار خوب» اندوخته‌ای ماندنی و میوه‌ای پاکیزه و خوشگوار است.

الإمام علي (ع): إذا هبت أمراً فقع فيه، فإنَّ شدة توقيه أعظم ممّا تخاف منه. (غررالحکم: ۸۹۵۵). امام علي (ع): هرگاه از کاری ترسیدی، خود را به کام آن بینداز. زیرا ترس شدید از آن کار، دشوارتر و زیان‌بارتر از اقدام به آن کار است.

الإمام علي (ع): أفضل الأعمال ما أكرهت عليه نفسك. (البحار: ۷۸/۶۹/۲۰). امام علي (ع): برترین کارها، کاری است که نفس خود را بر انجام آن مجبور گردانی.

الإمام علي (ع): أفضل العمل ما أريد به وجه الله. (غررالحکم: ۲۹۵۸). امام علي (ع): برترین کار، کاری است که برای خدا باشد.

الإمام علي (ع): أفضل الأعمال لزوم الحق. (غررالحکم: ۳۳۲۲). امام علي (ع): برترین کارها، پایبندی به حق است.

رسول الله (ص): ثلاثة لا ينفع معهنَّ عمل: الشرك بالله، وعقوق الوالدين، والفرار من الزحف. (کنز العمال: ۴۳۸۲۴). پیامبر خدا (ص): سه چیز است که با وجود آنها هیچ عملی سود نمی‌بخشد: شریک قرار دادن برای خدا، نافرمانی و آزردن پدر و مادر و گریختن از جهاد «بعضی از افراد شغلشان توأم با جهاد است از زیر کار در روی نکنند».

الإمام علي (ع): إياك وكل عمل إذا ذكر لصاحبه أنكره. (البحار: ۷۱/۳۶۹/۱۹). امام علي (ع): پرهیز از هر کاری که اگر برای کننده آن یادآوری شود، آن را زشت شمارد.

رسول الله (ص): إن الله تعالى يحب إذا عمل أحدكم عملاً إن يتقنه. (کنز العمال: ۹۱۲۸). پیامبر خدا (ع): خداوند تعالی دوست دارد که هرگاه فردی از شما کاری کند آن را محکم (و بی‌عیب) انجام دهد.

رسول الله (ص): إن أعمالكم تعرض على كل يوم، فما كان من حسن استزدت الله لكم، وما كان من قبيح استغفرت الله لكم. (الفقيه: ۱/۱۹۱/۵۸۲). پیامبر خدا (ص): کارهای شما هر روز به من نشان داده می‌شود. اگر خوب باشد، از خدا می‌خواهم بر کارهای شما بیفزاید و اگر زشت باشد، برایتان از خدا آمرزش می‌طلبم.

الإمام الحسين (ع): إن أعمال هذه الأمة ما من صباح إلا وتعرض على الله تعالى. (عيون أخبار الرضا: ۲/۴۴/۱۵۶). امام حسين (ع): هر بامداد، اعمال این امت بر خداوند متعال عرضه می شود.

الإمام الرضا (ع). وقد قال عبدالله بن أبان له: إن قوماً من مواليك سألونني أن تدعوا لله لهم -: والله إني لأعرض أعمالهم على الله في كل يوم. (وسائل الشيعة: ۱۱/۳۹۲/۲۵). عبدالله بن أبان به امام رضا (ع) عرض کرد: گروهی از دوستان شما از من خواسته اند از شما تقاضا کنم برایشان دعا کنید.

حضرت فرمود: به خدا قسم من خود هر روز اعمال آنها را بر خدا عرضه می کنم.

الإمام علي (ع): كُلُّ امْرِيٍّ يَلْقَى مَا عَمِلَ وَيَجْزَى بِمَا صَنَعَ. (غررالحكم: ۶۹۱۸). هر انسانی کرده خود را می بیند و سزای کردارش را می گیرد.

الإمام علي (ع): من قَصَّرَ فِي الْعَمَلِ، ابْتَلَى بِالْهَمِّ. (نهج البلاغه: حکمت ۱۲۷). امام علي (ع): هر که در عمل کوتاهی کند، به اندوه گرفتار آید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ ؛ کسی که حاجت برادر مؤمن خود را برآورده سازد، مانند کسی است که عمر خود را به عبادت گذرانده باشد . (الأمالي ، طوسی ، ص ۴۸۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ ؛ ای کمیل! هیچ کاری نیست مگر این که تو در آن نیازمند شناخت هستی . (تحف العقول، ص ۱۷۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: أَلْزِمَ الْحَقُّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ وَ كُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَاقِعًا ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ ؛ حق را ، از آن هر که بود ، نزدیک یا دور ، بر عهده گیر ؛ در این راه شکیبیا باش و آن را به حساب خداوند بگذار ، هر چند این رفتار با نزدیکان و خویشاوندان باشد . (نهج البلاغه ، نامه ۵۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ ، مَا يَفْسِدُ أَكْثَرُ مِمَّا يَصْلِحُ ؛ هر کس کاری را بدون شناخت انجام دهد ، تباه کاری او بیشتر است از آنچه سامان می دهد . (تحف العقول ، ص ۴۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: عَلَيْكَ بِالْبَشَاشَةِ فَإِنَّهَا حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ ؛ بر تو باد خوش رویی ، که خوش رویی ، کمند دوستی است . (غررالحکم و درر الکلم، حدیث ۶۱۰۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: أَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَ اصْبِرُوا لِخَوَائِجِهِمْ ... وَ لَا تُحَسِّمُوا أَحَدًا عَنْ حَاجَتِهِ وَ لَا تَحْسِبُوهُ عَنْ طَلِبَتِهِ. داد مردم را از خود بستانید و در برآوردن نیازهایشان شکیبیا باشید ... کسی را برای نیازش شرمگین نسازید و از خواسته اش باز مدارید. (نهج البلاغه، نامه ۵۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: فَأَخْفِضْ لَهُ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ آسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ. بال های محبت خود را بر آنان بگستر و با آنان «ارباب رجوع» نرم خو و گشاده

رو باش و مساوات را در توجه و نگاه خود (به آنان)، مراعات کن «درانجام کارها پارتی بازی و... نکن».
(نهج البلاغه، نامه ۲۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: مَا أَيقَنَ بِاللَّهِ مَنْ لَمْ يَرْعَ عَهْدَهُ وَ ذِمَّتَهُ. به خدا یقین ندارد کسی که عهد و پیمان خود را فرو گذارد. (غررالحکم، ح ۹۵۷۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: قُلِ الْحَقُّ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. حق را بگو و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت گری، نه راس. (کنز العمال، ح ۴۳۵۵۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ. هر که به خدا و روز معاد ایمان دارد باید به وعده خود عمل کند. (الکافی، ج ۲، ص ۳۶۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَجِبُ مِنَ الْعَامِلِ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسِنَ. خدای تعالی دوست دارد وقتی کسی کاری می کند، آن را به خوبی انجام دهد. (میزان الحکمه، ح ۱۴۳۷۱)

سیزده شهریور روز تعاون

امام علی علیه السلام فرمودند: طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ دِيَانَةٌ وَ أَمَانَةٌ ؛ درخواست همکاری برای برپا کردن حق ، نشانه دیانت و امانت [داری] است . (عیون الحکم والمواعظ ، ح ۵۵۶۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ ؛ از حقوق واجب خدا بر بندگان ، خیرخواهی به اندازه توان ، و یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است . (نهج البلاغه ، خطبه ۲۱۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى ؛ مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند ، و در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری می رسانند . (تهذیب الأحکام ، ج ۶ ، ص ۱۸۱)

امام علی علیه السلام : طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ دِيَانَةٌ وَ أَمَانَةٌ درخواست همکاری برای برپا کردن حق ، نشانه دیانت و امانت [داری] است. (عیون الحکم والمواعظ ، ح ۵۵۶۳) .

امام علی علیه السلام : مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ. از حقوق واجب خدا بر بندگان ، خیرخواهی به اندازه توان ، و یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است. (نهج البلاغه ، خطبه ۲۱۶) .

امام علی علیه السلام : أَلَا إِنَّ الدُّلَّ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَقْرَبُ إِلَى الْعِزِّ مِنَ التَّعَاوُنِ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ. آگاه باشید که خواری در راه اطاعت خدا به عزت نزدیکتر است از یاری کردن یکدیگر برای نافرمانی خدا. (تحف العقول ، ص ۲۱۷) .

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ. در نیکوکاری و پرهیزکاری یکدیگر را یاری کنید و در گناه و تجاوز، به یکدیگر یاری نرسانید. (مائده، آیه ۲). در این آیه به مؤمنان امر شده که در کارهای نیک و تقوا یاور یکدیگر باشند و از تعاون در گناه و تعدی پرهیزند. برخی مفسران، با ارائه مفهومی وسیع برای تعبیر «برّ» و «تقوی» و «إثم» و «عُدوان»، مراد از این آیه را همکاری برای هموار ساختن راه خیر و نیکی، و بستن راه شرارت و دشمنی دانسته‌اند.

هفده شهریور روز شهدا

امام صادق علیه السلام فرمودند: مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَعْرِفُهُ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ سَيِّئَاتِهِ؛ هر که در راه خدا کشته شود، خداوند چیزی از گناهانش را به او نمی‌نماید. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ شَهِيدٌ؛ نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود شهید است. (میزان الحکمه، ج ۲۶۳۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ؛ هر کس صادقانه از خداوند شهادت بخواهد، خداوند او را به مقام شهیدان می‌رساند، هر چند در بستر بمیرد. (میزان الحکمه، ج ۹۷۸۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ. شرافتمندانه ترین مرگ، شهادت است. (بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۸ / ۴ منتخب میزان الحکمه: ۳۰۶)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: فوق كل ذي بر حتى يقتل في سبيل الله فاذا قتل في سبيل الله فليس فوقه بر. بالاتر از هر کار خیری، خیر و نیکی دیگری است تا آنکه فردی در راه خدا کشته شود، و بالاتر از کشته شدن در راه خدا خیر و نیکی نیست. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، حدیث ۲۱) قال امير المؤمنين عليه السلام: ان الموت طالب حثيث لا يفوته المقيم ولا يعجزه الهارب ان اکرم الموت القتل. مرگ، با شتاب و تعقیب کننده است ((همه را دریابد)) نه ماندگان از دست برهند و نه فراریان او را بازدارند، گرامی ترین مرگ، کشته شدن است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳)

قال امير المؤمنين عليه السلام: والذى نفس ابن ابي ابيطالب بيده لالف ضربه بالسيف اهون على من ميته على الفراش. قسم به کسیکه جان فرزند ابیطالب در دست اوست، هزار ضربه شمشیر بر من آسانتر از مرگ در بستر است. (بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۰، حدیث ۴۴)

قال امير المؤمنين عليه السلام: ايها الناس ان الموت لا يفوته المقيم ولا يعجزه الهارب ليس عن الموت محيص و من لم يمت يقتل و ان افضل الموت القتل، والذى نفسى بيده لالف ضربة بالسيف اهون على من ميته على فراش. ای مردم همانا ایستادگان و فراریان را از مرگ گریزی نیست و هر کس به مرگ طبیعی نمیرد کشته می‌شود و شهادت بهترین مرگ است و سوگند به خدایی که جانم

در دست اوست، هزار ضربه شمشیر آسانتر است بر من از مرگ در بستر. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸، حدیث ۱۲)

قال السجاد علیه السلام: القتل لنا عادة و کرامتنا الشهاده. حضرت امام سجاد علیه السلام فرمود: کشته شدن عادت ما و شهادت کرامت ماست. (بحار الانوار، ج ۴۵، حدیث ۱۱۸)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من طلب الشهاده صادقا اعطيها و لولم تصبه. هر کس از روی صدق شهادت را طلب کند، خداوند به او (ثواب) آن را عطا خواهد کرد، هر چند به شهادت نرسد. (کنز المعال، ج ۴، ص ۴۲۱، حدیث ۱۱۲۱۰)

قال امير المؤمنين عليه السلام: ان الله كتب القتل على قوم و الموت على آخرين و كل آتیه منيته كما كتب الله له فطوبى للمجاهدين فى سبيل الله و المقتولين فى طاعته. خداوند برای گروهی کشته شدن و برای گروهی دیگر مرگ را مقرر نموده و هر کدام به اجل معین خود آسان که او مقدر کرده است می رسند، پس خوشا به حال مجاهدان راه خدا و کشتگان راه اطاعت او. (نهج السعاده، ج ۲، ص ۱۰۷)

انّ على ابن الحسين عليه السلام كان يقول: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ما من قطره احبّ الى الله عزوجلّ من قطره دم فى سبيل الله. امام زين العابدين عليه السلام پیوسته از قول رسول خدا صلى الله عليه و آله می فرمود: هیچ قطره ای در نزد خداوند دوست داشتنی تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می شود نیست. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸، حدیث ۱۱)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: الشهيد لا يجد الم القتل الا كما يجد احدكم مس القصره. شهید درد کشته شدن را احساس نمی کند، مگر در حدی که یکی از شما پوست دست خود را بین دو انگشت فشار دهد. (کنز المعال، ج ۴، ص ۳۹۸، حدیث ۱۱۱۰۳)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: للشّهيد سبع خصال من الله أوّل قطره من دمه مغفور له كلّ ذنب. به شهید هفت امتیاز از طرف خداوند عطا می شود، اولین آنها بخشیدن تمام گناهان اوست بواسطه اولین قطره خونش. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹، حدیث ۲۰)

قال الباقر عليه السلام: أوّل قطره من دم الشّهيد كفّاره لذنوبه الا الدّين فانّ كفّارته قضاء. اولین قطره خون شهید کفاره گناهان اوست مگر بدهیها، که کفاره آن ادای آن است. (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۵، حدیث ۵)

قال الصادق عليه السلام: من قتل فى سبيل الله، لم يعرفه الله شیئاً من سیئاته. کسی که در راه خدا کشته شود، خداوند هیچ یک از گناهان او را به روی او نمیآورد. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹، حدیث ۱۹)

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فِي شَهْدَاءِ أَحَدٍ : زَمَلُوهُمْ بِدَمَائِهِمْ وَثِيَابِهِمْ. پیامبر اکرم درباره شهدای اُحد فرمودند : آنها را با همان خونهایشان و لباس های خودشان دفن کنید. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۰۱، حدیث ۱۱)

عن امیر المومنین علیه السلام قال : لَمَّا كَانَ يَوْمُ بَدْرٍ، فَأُصِيبَ مِنْ أَصِيبِ الْمُسْلِمِينَ، أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ بِدَفْنِهِمْ فِي ثِيَابِهِمْ، وَ أَنْ يَنْزَعَ عَنْهُمْ الْفِرَاءَ، وَ صَلَّى عَلَيْهِمْ. در روز بدر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به کسانی که از مسلمانان به شهادت رسیده بودند، دستور داد که آنها را با لباسهایشان دفن کنند، و تنها لباسهای چرمین را از تنشان بیرون آورند، و سپس بر آنها نماز خواند. (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۶، حدیث ۵)

عن اسماعیل بن جابر و زُرَّارَه عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ : قُلْتُ لَهُ كَيْفَ رَايْتَ الشَّهِيدَ يَدْفَنُ بِدَمَائِهِ؟ قَالَ : نَعَمْ فِي ثِيَابِهِ بِدَمَائِهِ وَ لَا يَحْنُطُ وَ لَا يَغْسِلُ وَ يَدْفَنُ كَمَا هُوَ... از اسماعیل بن جابر و زرارَه نقل شده است که : از امام صادق سوال کردم، نظر شما در این باره چیست که شهید با بدن خون آلود دفن شود؟ حضرت فرمود : آری شهید بدون غسل و حنوط، در لباس خونین خود همانگونه که هست دفن می شود. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۰۰، حدیث ۸)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ لَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَبَرَ حَتَّى يَقْتَلَ أَوْ يَغْلِبَ لَمْ يَفْتَنَ فِي قَبْرِهِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس رو در روی دشمن قرار گرفت. (با دشمن درگیر شد) و استقامت کرد تا کشته و یا پیروز شد، در قبر مورد آزمایش قرار نمی گیرد. (از او سوال نمی شود). (کنز المعال، ج ۴، ص ۳۱۳، حدیث ۱۰۶۶۲)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : يُعْطَى الشَّهِيدُ سِتٌّ خِصَالٍ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ : يَكْفَرُ عَنْهُ كُلُّ خَطِيئَةٍ وَ يَبْرِي مَقْعَدُهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يَزُوجُ مِنْ حُورٍ الْعَيْنِ وَ يُؤَمِّنُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ يَحْلِي حُلَّةَ الْإِيمَانِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : ۱- با اولین قطره خون او تمام گناهانش بخشیده می شود. ۲- جایگاه خود را در بهشت می بیند. ۳- از حوریان با او ازدواج می کنند. ۴- از وحشت بزرگ روز قیامت در امان می باشد. ۵- از عذاب قبر ایمن است. ۶- به زیور ایمان آراسته می گردد. (کنز المعال، ج ۴، ص ۴۱۰، حدیث ۱۱۵۲)

سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا بَالُ الْمُؤْمِنِينَ يَفْتَنُونَ فِي قُبُورِهِمْ إِلَّا الشَّهِيدَ؟ فَقَالَ : كَفَى بَبَارِقَةِ السَّيْفِ عَلَى رَأْسِهِ فِتْنَةً. از پیامبر اکرم سوال شد : چگونه است که همه مومنین در قبر مورد سوال و امتحان قرار می گیرند مگر شهید؟ حضرت فرمود : امتحانی که در زیر برق شمشیر داده است، برای او کافی است. (کنز المعال، ج ۴، ص ۴۰۷، حدیث ۱۱۳۸ و ص ۵۹۵، حدیث ۱۱۷۴۱)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : يَشْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِهِ. شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند. (کنز المعال، ج ۴، ص ۴۰۱، حدیث ۱۱۱۱۹)

عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام ان رسول الله قال : ثلاثة يشفعون الى الله يوم القيامة فيشفعهم : الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء. امام صادق علیه السلام از پدران خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود : سه گروهند که روز قیامت شفاعت می کنند و شفاعت آنها مورد پذیرش خداوند قرار می گیرد، انبیاء و علما و شهداء. (بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، حدیث ۲۴)

عن الرضاء علیه السلام عن آبائه علیه السلام، قال، قال رسول الله صلی الله علیه و آله : افضل الاعمال عند الله ايمان لا شك فيه و غزو لا غلول فيه و حج مبرور و اول من يدخل الجنة شهيد. امام رضا علیه السلام از پدران خود علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود : برترین اعمال نزد خداوند، ایمانی است که در آن تردیدی نباشد و رزم و پیکاری که در آن خیانت در (غنیمت) نباشد و حج مقبول . و اولین کسی که وارد بهشت می شود شهید است. (بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۳، حدیث ۷۵)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ما من احد يدخل الجنة يحب ان يرجع الى الدنيا و له ما على الارض من شيء الا الشهيد. فانه يتمنى ان يرجع الى الدنيا فيقتل عشر مرات لما يرى من الكرامة. از افرادی که وارد بهشت می شوند هیچکس آرزوی بازگشت به دنیا را ندارد گر چه تمام آنچه در زمین است از آن وی شود، مگر شهید که او به سبب کرامتی که در شهادت می بیند آرزو می کند به دنیا برگردد و دهها مرتبه در راه خدا کشته شود. (صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۶)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : افضل الشهداء الذين يقاتلون في الصف الاول فلا يلفتون وجوههم حتى يقتلوا، اولئك يتلبطون في الغرف العلى من الجنة يضحك اليهم ربك فاذا ضحك ربك الى عبد في موطن فلا حساب عليه. برترین شهیدان کسانی هستند که در صف اول (خط مقدم) پیکار می کنند و روی بر نمی گردانند تا کشته شود، اینها هستند که جایگاه آنان غرفه های عالی بهشت است، و خداوند بر آنها متبسم است و اگر خداوند بر بنده ای تبسم کند (خشنود شود) هیچ حسابی بر او نیست. (کنز المعال، ج ۴، ص ۴۰۱، حدیث ۱۱۱۲۰)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : شهيد البحر مثل شهيد البر ... و ان الله عزوجل وگل ملک الموت بقبض الارواح الا شهيد البحر فانه يتولى قبض ارواحهم. شهيد در جنگ دریایی مثل شهید در جنگ و جهاد در خشکی اجر دارد و خداوند ملک الموت را برای قبض روح همه افراد مامور ساخته است، مگر شهیدان جنگ دریایی که آنقدر مقام و فضیلت دارند که خداوند، خودش ارواح آنها را قبضه می کند. (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸، حدیث ۲۷۷۸)

قال على علیه السلام عن قول رسول الله صلی الله علیه و آله : و يقول الله عزوجل انا خليفة في اهله و من ارضاهم فقد ارضاني و من اسخطهم فقد اسخطني. حضرت امیر علیه السلام در ادامه حدیثی مفصل که در باب مقام شهید از قول رسول خدا بیان داشته اند می فرماید : خداوند می

فرماید من جانشین شهید در خانواده او هستم، هر کس رضایت آنها را جلب کند رضایت مرا جلب کرده و هر کس آنها را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من أريد ماله بغير حقِّ فقاتل فهو شهيد. هر کس مالش مورد سوء قصد قرار گیرد و برای دفاع از آن مبارزه کند و کشته شود شهید است. (کنز المعال، ج ۴، ص ۴۲۹، حدیث ۱۱۲۰۱)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من قاتل دون نفسه حتّى يقتل فهو شهيد و من قتل دون ماله فهو شهيد. و من قاتل دون اهله حتّى يقتل فهو شهيد و من قتل فى جنب الله فهو شهيد. هر کس برای دفاع از جان و مال اهل و عیال خود پیکار کند و کشته شود شهید است و کسی که در راه قُرب به خدا کشته شود شهید است. (کنز المعال، ج ۴، ص ۴۲۰، حدیث ۱۱۲۳۶)

عن على بن الحسين عليه السلام : من اعتدى عليه فى صدقه ماله فقاتل فقتل فهو شهيد. هر کس به ظلم اموالش مورد تجاوز قرار گیرد و در برابر آن پیکار کند تا کشته شود شهید است. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۳، حدیث ۱۱)

عن ابی عبدالله عليه السلام، قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من قتل دون عیاله فهو شهيد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند هر کس در راه دفاع از بستگان خود کشته شود شهید است. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۱، حدیث ۵)

عن الرضا عليه السلام فى كتابه الى المامون : الجهاد واجب مع امام عادل و من قاتل فقتل دون ماله و رحله و نفسه فهو شهيد. امام رضا علیه السلام در نامه خود به مامون نوشت : جهاد همراه امام عادل واجب است و هر کس پیکار کند و در راه دفاع از مال و ره توشه و جان خویش کشته شود شهید است. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵، حدیث ۱۰، تحف العقول، ص ۱۰۲)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما من احدٍ يدخل الجنة يحب ان يرجع الى الدنيا و له ما على الارض من شىء الا الشَّهيد. فانه يتمنى ان يرجع الى الدنيا فيقتل عشر مرّاتٍ لما يرى من الكرامه. از افرادی که وارد بهشت می شوند هیچکس آرزوی بازگشت به دنیا را ندارد گر چه تمام آنچه در زمین است از آن وی شود، مگر شهید که او به سبب کرامتی که در شهادت می بیند آرزو می کند به دنیا برگردد و دهها مرتبه در راه خدا کشته شود. (صحیح بخاری، ج ۴)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : للشَّهيد سبع خصال من الله أوّل قطره من دمه مغفور له كلّ ذنب. به شهید هفت امتیاز از طرف خداوند عطا می شود، اولین آنها بخشیدن تمام گناهان اوست بواسطه اولین قطره خونس. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹، حدیث ۲۰)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (آل عمران ۱۶۹) (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد

پروردگارشان روزی داده می‌شوند. فَرَحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (آل عمران ۱۷۰)

سی و یک شهریور تاشش مهر هفته دفاع مقدس

امام علی علیه السلام در وصیت به حسنین علیهما السلام فرمودند: وَاللَّهِ - اللَّهُ - فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ؛ خدا را خدا را در باره جهاد با مال و جان و زبان تان در راه خدا. (نهج البلاغه ، نامه ۴۷) امام علی علیه السلام فرمودند: إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ. جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی اولیای خاص خود گشوده است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَ لَا يِقَاتِلُ. خداوند دشمن می دارد مردی را که در خانه اش بر او حمله کنند و او نجنگد. (عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲، ص ۲۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. هر که در راه (حفظ) مالش کشته شود، شهید است. (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۹۸) امام علی (علیه السلام) فرمودند: جاهدوا فی سبیل الله بأیذ یکم فإن لم تقدرُوا فجاهدُوا بألسنتکم فإن لم تقدرُوا فجاهدُوا بقلوبکم؛ در راه خدا با دستهای خود جهاد کنید، اگر نتوانستید با زبانهای خود و اگر باز هم نتوانستید با قلب خود جهاد کنید. (بحار الانوار ۱۰۰/۴۹/۲۳)

امام علی (علیه السلام) فرمودند: إِنْ اللَّهُ فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَمَهُ وَ جَعَلَهُ نَصْرَهُ وَ نَاصِرَهُ. وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ ؛ در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگداشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد. به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی شود. (وسائل الشیعه ۱۱/۹/۱۵) قال رسول الله - صلی الله علیه و آله - : يباهي الله تعالى الملائكة بالمجاهدين. خداوند بزرگ با مجاهدان بر فرشتگان می بالد. (جامع الأخبار، ص ۹۳) قال رسول الله - صلی الله علیه و آله - : أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النَّبُوَّةِ أَهْلُ الْجِهَادِ وَ أَهْلُ الْعِلْمِ. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمودند: نزدیک ترین مردم به مقام نبوت، اهل جهاد و دانش اند. (کنز العمال، ح ۱۰۶۴۷) قال رسول الله - صلی الله علیه و آله - : لَغَزْوَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَرْبَعِينَ حَجَّةً. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمودند: یک بار پیکار در راه خدا، نزد من محبوب تر از به جا آوردن چهل حج است. «کنز العمال، ح ۱۰۶۹۴» قال الامام علی - علیه السلام - : الْمُجَاهِدُونَ تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ. امام علی - علیه السلام - فرمودند: درهای آسمان به روی مجاهدان گشوده می شود. «غرر الحکم، ح ۱۳۴۷»

به احادیث صفحه ۳۲۳ بیست و نه فروردین روز ارتش . صفحه ۳۴۴ بیست و هفت تیر روز نیروی انتظامی . صفحه ۳۵۴ هفده شهریور روز شهدا مراجعه شود

اول مهر روز بازگشایی مدارس

نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ؛ (نهج الفصاحه ص ۲۱۸) از گهواره تا گور دانش بجوئید.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ. (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۷) برای تحصیل علم به دورترین نقطه عالم سفر کنید

طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ. (بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۱ ص ۱۷۷). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آموختن علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ دانش را فرا گیرید، گرچه در چین باشد؛ زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است.

(کنز العمال: ۲۸۶۹۷، ۲۸۶۹۸ منتخب میزان الحکمة: ۳۹۸)

از این رو پیامبر اکرم (ص) فرمود: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ يَأْخُذُهَا حَيْثُ وَجَدَهَا. (بحار الانوار/ ج ۲ ص ۹۹) حکمت و دانش حکیمانه گمشده مؤمن است هر جا که آن را یافت، دریافت می کند.

علی (ع) فرمود: خذوا الحکمة ولو من المشركين. حکمت را فرا بگیرید اگرچه از مشرکین باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ. (نهج البلاغه حکمت

۷۷) حکمت گمشده مؤمن است پس حکمت را فراگیرید گرچه از اهل نفاق باشد، زیرا ملاک ارزیابی

گفته حق و یا باطل بودن آن است که انسان باید حق را اقتباس و از باطل پرهیز کند از این رو

فرمود: خذوا الحق من اهل الباطل و لا تأخذوا الباطل من اهل الحق، کونوا نقاد الکلام. ((بحار الانوار/

ج ۲ ص ۹۶) حق را از اهل باطل اخذ کنید و باطل را از اهل حق دریافت نکنید، نقاد سخن باشید.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: خُذِ الْحِكْمَةَ حَيْثُ كَانَتْ وَ أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ،

(غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۵۸) حکمت را هر جایی

است فرا بگیر و نگاه کن به آنچه گفته می شود نه به گوینده سخن.

امام علی علیه السلام فرمودند: أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ. (غرر الحکم و درر الکلم،

ج ۵۰۴۸)

تحصیل علم از نظر اسلام یک ضرورت مطلق است و هیچ قید و شرطی ندارد. «نه قید زمانی نه قید

مکانی و فردی و نه هیچ قید و محدودیت دیگری. از حدیث معروف «اطلبوا العلم و لو بالصین؛ علم را

طلب کنید؛ اگر در چین باشد»، درمی یابیم که از نظر اسلام، طلب علم فریضه ای است که جا و مکان

خاصی نمی شناسد و محدودیت مکانی ندارد

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنَحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ رِضَى بِهِ. فرشتگان، با

خشنودی، بال هایشان را برای جوینده علم می گسترند. (ثواب الأعمال، ص ۱۳۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند: إِنَّ جَمِيعَ دَوَابِّ الْأَرْضِ لَتُصَلِّيَ عَلَى طَالِبِ الْعِلْمِ حَتَّى الْجِيتَانِ فِي الْبَحْرِ؛ همه جنبندگان زمین، حتی ماهیان دریا، بر جوینده دانش درود می فرستند. (بصائر الدرجات، ج ۴، ص ۲۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ انْتَقَلَ لِيَتَعَلَّمَ عِلْمًا غُفِرَ لَهُ قَبْلُ أَنْ يَخْطُو؛ آن که در پی آموختن دانش به راه افتد، پیش از آن که گام بردارد، آمرزیده می شود. (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۸۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: لِطَالِبِ الْعِلْمِ عِزُّ الدُّنْيَا وَ فَوْزُ الْآخِرَةِ؛ جوینده دانش را عزت دنیا و رستگاری آخرت است. (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۷۳۴۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: طَالِبُ الْعِلْمِ مَحْفُوفٌ بِعِنَايَةِ اللَّهِ؛ عنایت خداوند جویای دانش را فرا گرفته است. (حکمت نامه پیامبر اعظم، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۳۰۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَانَتْ الْجَنَّةُ فِي طَلَبِهِ؛ هر که در جستجوی دانش باشد، بهشت در جستجوی او برآید. (کنز العمال: ۲۸۸۴۲ منتخب میزان الحکمه: ۳۹۸)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ؛ خیر دنیا و آخرت با دانش است و شر دنیا و آخرت با نادانی. (بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۷۰)
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ بُعَاةَ الْعِلْمِ؛ طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. خداوند جویندگان دانش را دوست دارد. (مصباح الشریعه، ص ۱۳)

قال علی علیه السلام: كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَسَّعُ بِهِ؛ فضای هر ظرفی در اثر محتوای خود تنگتر می شود مگر ظرف دانش که با تحصیل علوم، فضای آن بازتر می گردد. (نهج البلاغه، ص ۵۰۵)

قال علی علیه السلام: زَكَاةُ الْعِلْمِ بَذْلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ وَإِجْهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ؛ زکات دانش، آموزش به کسانی که شایسته آند و کوشش در عمل به آن است. (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۱)
قال علی علیه السلام: خَيْرُ الْعِلْمِ مَانَفَعٌ؛ بهترین علم آن است که مفید باشد. (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۴)

قال الصادق علیه السلام: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ؛ هر کس برای خدا دانش بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد شود و گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد. (الذریعه الی حافظ الشریعه (شرح اصول کافی) ج ۱، ص ۵۶)

قال علی علیه السلام: يَأْنُ الْعِلْمَ حَيَاةَ الْقُلُوبِ وَ نَوْرَ الْبَصَارِ مِنَ الْعَمَى وَ قُوَّةَ الْإِبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ؛ به راستی که دانش، مایه حیات دل‌ها، روشن کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن‌های ناتوان است. (تحف العقول، ص ۲۸)

قال الصادق علیه السلام: لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَ الدِّبَّ الصَّالِحَ حَتَّى يَدْخُلَهُمُ الْجَنَّةَ جميعاً؛ مؤمن همواره خانواده خود را از دانش و ادب شایسته بهره مند می سازد تا همه آنان را وارد بهشت کند. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۱)

قال علی علیه السلام: أَلْعِلْمُ قَاتِلُ الْجَهْلِ؛ دانش، نابود کننده نادانی است. (غررالحکم و درر الکلم، ص ۵۶)

قال علی علیه السلام: قال علی علیه السلام: أَلْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ لَا يَفْنَى؛ علم گنج بزرگی است که با خرج کردن تمام نمی شود. (غررالحکم و درر الکلم، ص ۶۶)

قال علی علیه السلام: الْعِلْمُ وَرَاثَةُ كَرِيمَةٍ، وَ الْإِدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ، وَ الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ؛ علم میراث گرانبهائی است و ادب لباس فاخر و زینتی است و فکر آئینه ای است صاف. (نهج البلاغه، ص ۴۶۹)

امام علی علیه السلام: تَغَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ وَ سَافَرَ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسَ فَوَائِدَ تَفَرُّجٌ هَمٌّ وَ اكْتِسَابٌ مَعِيشَةٍ وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةُ مَاجِدٍ؛ برای کسب بلند مرتبگی از وطن خود دور شو و سفر کن که در مسافرت پنج فایده است: برطرف شدن اندوه، بدست آوردن روزی و دانش و آداب زندگی، و هم‌نشینی با بزرگواران. (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۱۵)

پیامبر صلی الله علیه و آله: أَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَ الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ؛ دانایی سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه بدی‌هاست. (بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵)

امام علی علیه السلام: أَلْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ، أَلْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ؛ دانایی، ریشه همه خوبی‌ها و نادانی ریشه همه بدی‌هاست. (غررالحکم، ص ۴۸)

امام علی علیه السلام: رَأْسُ الْعِلْمِ التَّمْيِيزُ بَيْنَ الْأَخْلَاقِ وَ إِظْهَارُ مَحْمُودِهَا وَ قَمْعُ مَذْمُومِهَا؛ بالاترین درجه دانایی، تشخیص اخلاق از یکدیگر و آشکار کردن اخلاق پسندیده و سرکوب اخلاق ناپسند است. (غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۷۸)

امام علی علیه السلام: جَالِسِ الْعُلَمَاءَ يَزِدُّكَ عِلْمُكَ وَ يَحْسُنُ آدَبُكَ وَ تَزَكُّ نَفْسُكَ؛ با علما معاشرت کن تا علمت زیاد، ادبت نیکو و جاننت پاک شود. (غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۴۱ و ص ۴۳۰)

امام علی علیه السلام: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن که

دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، باکرده‌اش ادب آموزد و البته آموزش دهنده و ادب آموز خود بیش از آموزگار و ادب‌آموز مردم، شایسته تجلیل است. (مشیرالاحزان، ص ۵۰)

امام علی علیه السلام: يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ ثَمَنُ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهِمَا، فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَادَبِكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَقَدْرِكَ، فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَبِالْأَدَبِ تَحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ وَبِأَدَبِ الْخِدْمَةِ يَسْتَوْجِبُ الْعَبْدُ وَلَايَتَهُ وَقُرْبَهُ، فَاقْبَلِ النَّصِيحَةَ كَيْ تَنْجُوَ مِنَ الْعَذَابِ؛ ای مؤمن! به تحقیق این دانش و ادب بهای جان توست پس در آموختن آن دو بکوش که هر چه بر دانش و ادب افزوده شود بر قیمت و قدرت افزوده می‌شود؛ زیرا با دانش به پروردگارت راه می‌یابی و با ادب به پروردگارت خوش خدمتی می‌کنی و با ادب در خدمت‌گزاری، بنده سزاوار دوستی و نزدیکی به او می‌شود. پس [این] نصیحت را بپذیر تا از عذاب پرهی. (بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۱، ص ۱۸۰)

امام علی علیه السلام: قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِابْنِكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ به احترام پدر و معلمت از جای برخیز هرچند فرمان روا باشی. (غررالحکم، ص ۱۳۶)

امام علی علیه السلام: الْعِلْمُ يَنْجِدُ الْفِكَرَ. دانش روشنی بخش اندیشه است. (غررالحکم و درر الکلم، ص ۴۸)

امام صادق (سلام الله علیه): لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا. دوست ندارم جوانی از شما [شیعیان] را جز بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو. (امالی طوسی ص ۳۰۳)

امام علی (سلام الله علیه): لَا عَمَلَ كَالْتَّحْقِيقِ. هیچ عملی مانند پژوهش نیست. (غررالحکم و درر الکلم - ص ۷۶۸)

قال رسول الله (ص): أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ؛ داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید. (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۵)

عن جميل، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَغْدُو النَّاسُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: عَالِمٍ، وَ مُتَعَلِّمٍ، وَ غُثَاءٍ، فَتَحْنُ الْعُلَمَاءُ، وَ شِيعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ، وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاءٌ؛ جميل گوید: شنیدم از آن حضرت «امام صادق علیه السلام» که می‌فرمود: مردم سه دسته صبح می‌کنند: عالم و متعلم و ورآبی، ما علماء هستیم، و شیعیان ما متعلم و دانش آموزند، و مردم دیگر ورآیند. (الکافی، ج ۱، ص ۸۲)

امام حسین علیه السلام: مِنْ دَلَائِلِ الْعَالِمِ إِنْتِقَادُ إِحْدِيثِهِ وَ عِلْمُهُ بِحَقَائِقِ فُنُونِ النَّظَرِ؛ از نشانه های عالم، نقد سخن و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۹)

پیامبر صلی الله علیه وآله: أَنَّهُ إِذَا قَالَ الْمُعَلِّمُ لِلصَّبِيِّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَقَالَ الصَّبِيُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَ بَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ وَ بَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ؛ وقتی معلم به کودک بگوید:

بگو بسم الله الرحمن الرحيم و کودک آن را تکرار کند خداوند برای کودک و پدر و مادرش و معلم، برأت از آتش در نظر خواهد گرفت. (بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۸۹، ص ۲۵۷)

تعلیم و تعلم قرآن

قال رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله - : خيرُكم من تعلَّم القرآن و علَّمه. «مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۵» پیامبر اکرم - صَلَّى الله عليه و آله - فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله : ما من مؤمن ذكر او انثى حُرّاً او مملوكاً إلا و لله عليه حق واجب ان يتعلم القرآن. «مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۸۷» پیامبر اکرم - صَلَّى الله عليه و آله - فرمود: نیست بر مؤمن مرد یا زن، آزاد یا برده مگر این که برای خدا حقی واجب برگردن آنها است و آن حق این است که قرآن را یاد بگیرند.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله : معلم القرآن يستغفرله كل شيء حتى الموت في البحر. «مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۸۸». برای معلم قرآن تمام موجودات حتی ماهیان دریا، طلب آمرزش می کند.

قال الامام على عليه السلام : تعلموا القرآن فانه احسن الحديث و تفقهوا فيه فانه ربيع القلوب و استشفوا بنوره فانه شفاء الصدور و احسنوا تلاوته فانه انفع القصص فان العالم العامل بغير علمه كالجاهل الحائر ... «نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰». قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است و تفقه کنید در آن که بهار دلهاست و شفاعت بجوئید به نورش که او شفادهنده سینه ها است و آن را نیکو تلاوت کنید، زیرا بهترین و مفیدترین داستانها است، پس بدرستی که عالم عامل به غیر علمش مثل جاهل و نادانی است که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت، بلکه حجت بر او قویتر و حسرت و اندوه بر او استوارتر و در پیشگاه خدا سزاوارتر به نکوهش است.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله : ما من رجل علّم ولده القرآن الا توجَّ الله ابويه يوم القيامة تاج الملك و كسبا حلتين لم ير الناس مثلهما. «وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۱۶۸». پاداش مردی که به فرزند خود قرآن بیاموزد نیست مگر این که خداوند در روز قیامت تاج پادشاهی بر سرش گذارد و او را حله هایی بپوشاند که مردم مثل آن را ندیده اند.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله : من علّم ولده القرآن فكأنما حج البيت عشرة آلاف حجة و اعتمر عشرة آلاف عمرة و اعتق عشرة آلاف رقيه من ولد اسماعيل و ... «مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۹۰». کسی که به فرزند خود قرآن بیاموزد مثل این که ده هزار حج و ده هزار عمره انجام داده و ده هزار بنده از اولاد اسماعیل را آزاد کرده و در ده هزار غروه شرکت کرده و ده هزار مسکین گرسنه را طعام داده است.

سئل ابوذر عن النبی صلی الله علیه و آله : انی اخاف ان اتعلم القرآن و لا اعمل به، فقال رسول الله - صلی الله علیه و آله - : لا یعذب الله قلباً اسکنه القرآن. «مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۳» ابوذر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: یا رسول الله من می ترسم از این که قرآن را فراگیرم ولی به آن عمل نکنم، پس پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: خداوند قلبی را که قرآن در آن جای گرفته است، عذاب نمی کند.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : تعلموا القرآن و اقرؤوه. «مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۵۴». قرآن را فراگیرید و آن را بخوانید.

قال الامام الصادق علیه السلام : و یجاء بعبدٍ قد تعلم القرآن فيقول يا رب تعلمتُ القرآن ابتغاء وجهك فيقال له بل تعلمت ليقال ما احسن صوت فلان اذهبوا به الى النار. «بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۸۰». می آید روز قیامت بنده ای که قرآن را فرا گرفته و می گوید: پروردگارا، من قرآن را به خاطر رضا و خشنودی تو فرا گرفتم، پس گفته می شود به او که تو قرآن را فراگرفتی تا به تو بگویند فلانی چه صوت زیبایی دارد، ببرید او را به سوی آتش. قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من تعلم القرآن للدنيا و زينتها حرم الله عليه الجنة. «بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۱». هر کس قرآن را برای دنیا و زینتهای آن فراگیرد، خداوند بهشت را بر او حرام می کند.

قال الامام الصادق علیه السلام : من شدد عليه القرآن كان له اجران و من يسرَّ عليه كان مع الابرار. «بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۸۷». هر که به سختی قرآن را یاد بگیرد برای او دو اجر است و هر که به آسانی یادگیرد با نیکان می باشد.

قال الامام علی - علیه السلام - : و اما حق الولد علی الوالد ان يحسن اسمه و يحسن ادبه و يعلمه القرآن. «نهج البلاغه، حکمت ۳۹۱» حق فرزند بر پدر آن است که برای او اسم نیکو انتخاب کند و او را نیکو ادب کند و به او قرآن بیاموزد.

هفت مهر روز آتش نشانی و ایمنی

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه: «و من أحيها فكأنما أحيأ الناس جميعاً؛ هر که کسی را زنده کند گویی همه مردم را زنده کرده است» [مائده: ۳۲]؛ فرمودند: یعنی آنان را از آتش و غرق شدن نجات بخشد. (الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أمِطِ الْأَذَى عَنِ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَكَ صَدَقَةٌ؛ آنچه را که موجب آزار می شود از سر راه مسلمانان دور کن، که این کار برای تو صدقه است. (مسند أحمد، ج ۴، ص ۴۲۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَعْضُنِ شَوْكِ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ عَنْهُ ؛ ای به سبب برداشتن شاخه خاری از سر راه مسلمانان به بهشت رفت . (میزان الحکمه ، ح ۱۲۶۷۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةً مَاءً أَوْ نَارًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ؛ کسی که دسته ای از مسلمانان را از خطر سیل یا آتش سوزی نجات دهد ، بهشت بر او واجب می شود . (الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۵)

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَبَارِهِمْ وَ تَرَاحِمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى (عُضْوًا) تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ (جَسَدُهُ) بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَّى . (بحار الانوار، ج ۷۴ ، ص ۲۷۴ ، ح ۱۹) امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنان را در نیکی و مهرورزی به یکدیگر و دوستی و ملاطفت به همدیگر، همانند یک پیکر می بینی که وقتی عضوی به درد آید و شکایت کند، اعضای دیگر با بی خوابی و تب با او هم صدا شوند و یکدیگر را فراخوانند. چو عضوی به درد آورد روزگاردگر عضوها را نماند قرار.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه خواستی مردم تو را دوست بدارند، به آنان نیکی کن و آنچه را در دست دارند رها کن. (بحار الانوار، ج ۸۵ ، ص ۱۶۴ ، ح ۱۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین کارها پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم است. . (نهج الفصاحه، ص ۷۴ ، ح ۳۸۷)

حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: «برادر مؤمنی که برای رفع نیاز به خانه مؤمنی می آید، رحمتی از جانب خداست که به سوی او سوق داده است؛ اگر این درخواست را پذیرفت، این کار او را به ولایت اهل بیت (ع) پیوند داده است و ولایت ما به ولایت خداوند متصل است».

امام رضا (ع) افرادی که به گره گشایی از کار بندگان خداوند مشغول اند را بندگان خاص خدا می داند و می فرماید: «خداوند در روی زمین بندگان دارد که سعی می کنند نیازهای مردم را برآورده سازند، این گروه از افراد، روز قیامت در امان اند و کسی که مؤمنی را شاد سازد، خداوند در روز قیامت قلب او را شاد می سازد».

هفت مهر روز جهان گردی

امام علی علیه السلام فرمودند: سَلِّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ ؛ پیش از سفر از هم سفر جویا شو . (نهج البلاغه ، نامه ۳۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ رَحْمَةَ اللَّهِ لِلْمُسَافِرِ لَأَصْبَحَ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ ، إِنَّ اللَّهَ بِالْمُسَافِرِ رَحِيمٌ ؛ اگر مردم از رحمت خدا به مسافر آگاه بودند ، همگی بار سفر می بستند . همانا خداوند با مسافر ، مهربان است . (تنبيه الخواطر ، ج ۱ ، ص ۴۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: السَّفَرُ مِيزَانُ الْأَخْلَاقِ ؛ سفر ترازوی اخلاق است . (شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، ج ۲۰ ، ص ۲۹۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: سَافِرُوا تَصِحُّوا ؛ سفر کنید تا سالم باشید . (بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۲۲۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَعْنَمُوا مَالاً أَفِدْتُمْ عَقْلاً ؛ سفر کنید ، که اگر در سفر مالی به چنگ نیاورید ، عقل [تجربی] شما فزونی خواهد یافت . (مکارم الأخلاق ، ص ۲۴۰)

در اشعار عربی، در دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که: تَغَزَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى - وَسَافِرٌ فَقَى الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدَ - تَفَرُّجُهُمْ وَ اكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ - وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةٌ مَاجِدٌ. برای کسب فضایل، از زادگاه خود قدم بیرون گذار و غربت و دوری از شهر و دیار را انتخاب کن و راه سیر و سیاحت و مسافرت را در پیش گیر که در مسافرت پنج فایده نهفته است: كَانْ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِسْمِ اللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (حدیث ۱۵۰۸۰ وسائل الشیعه) حضرت امام باقر علیه السلام هنگام خروج از منزل می گفت: "به نام خدا و به یاد او قدم بیرون می نهم و به نام و یاد او در راه مسافرت وارد می گردم و تنها به خداوند یکتا توکل و اعتماد دارم. هیچ حرکت و قدرت و نیرویی نیست جز اینکه از سرچشمه قدرت لایزال او نشأت می گیرد".

پیامبر اکرم به علی علیه السلام وصیت می فرماید: يَا عَلِيُّ لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ طَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ وَ أَوْ تَزْدِدُ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. (حدیث ۱۴۹۷۵ وسائل الشیعه). یا علی انسان عاقل برای یکی از سه امر مسافرت می کند: بهبود و تامین زندگی، تهیه زاد و توشه آخری، آسایش و لذت و خوشی حلال

آداب مسافرت

قال الامام علی علیه السلام: أَمَّا مَرْوَةُ السَّفَرِ، فَبَدَلُ الرِّادِ وَ قِلَّةُ الْخِلَافِ عَلَى مَنْ صَحِبَكَ وَ كَثْرَةُ ذِكْرِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - فِي كُلِّ مَصْعَدٍ وَ مَهْبِطٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ. «بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۶۶» ... اما مردانگی در سفر، عبارت است از: بخشش مال، کمی اختلاف (سازگاری) با همسفران، و زیادی ذکر خدای عزوجل در هر پستی و بلندی و نشست و برخاستی (در هر یک از منازل سفر). قال رسول الله - صلی الله علیه و آله - : حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا أَنْ يَعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَ حَقُّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ. «وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۲۹». شایسته است مسلمان، هنگام مسافرت برادرانش را مطلع گرداند و برادرانش نیز هنگام بازگشت، به استقبال او بروند.

قال الامام على عليه السلام: لا يَخْرُجُ في سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَصَلَاتِهِ. «بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸». به سفری که در آن بیم خطر بر دین و نماز هست، نروید.

قال الامام الصادق - عليه السلام - : إِفْتَتَحَ سَفَرَكَ بِالصَّدَقَةِ، وَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِذَا بَدَأَ لَكَ. «فروع کافی، ج ۴، ص ۲۸۳». سَفَرَت را با صدقه آغاز کن و هر گاه برایت مشکلی پیش آمد، آیه الکرسی را بخوان. كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا، قَالَ: اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا، وَ أَحْسِنْ تَسْيِيرَنَا، وَ اعْظِمْ عَافِيَتَنَا. «من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۷۱». امام صادق علیه السلام وقتی اراده سفر می کرد، می فرمود: خدایا راه را بر ما بگشا، و سفر ما را نیکو قرار بده، و سلامت و عافیت ما را زیاد گردان.

قال الامام الرضا عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرَ، فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. «أصول کافی، ج ۲، ص ۵۴۳». هر گاه برای سفر یا غیر آن از منزل خارج شدی، بگو: به نام خدا، ایمان آوردم به خدا، توکل کردم به او، هر چه خدا بخواهد، همان می شود، و هیچ قدرت و نیرویی غیر از خدا نیست.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مِنَ السُّنَّةِ إِذَا خَرَجَ الْقَوْمُ فِي سَفَرٍ أَنْ يَخْرِجُوا نَفَقَتَهُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَطْيَبُ لَأَنْفُسِهِمْ، وَ أَحْسَنُ لِأَخْلَاقِهِمْ. «من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۷». از کارهای نیک این است که وقتی گروهی به مسافرت می روند، خرج سفرشان را با خود بردارند که این کار موجب آرامش خاطر و خوش اخلاقی آنان خواهد بود.

كان رسول الله صلى الله عليه و آله يسافرُ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ قَالَ: يَوْمَ الْخَمِيسِ يَوْمٌ يَجِبُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَلَائِكَتُهُ. «بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۲۶». پیامبر صلی الله علیه و آله در روز پنج شنبه مسافرت می کرد و می فرمود: پنجشنبه روزی است که خدا و رسولش و ملائکه آن را دوست دارند.

قال الامام الصادق عليه السلام: يَكْرَهُ السَّفَرُ وَ السَّعْيُ فِي الْحَوَائِجِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بُكْرَةً مِنْ أَجْلِ الصَّلَاةِ فَأَمَّا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَجَائِزٌ يَتَبَرَّكُ بِهِ. «بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۲۴». سفر و تلاش برای برآوردن حاجات خود در صبح جمعه، به خاطر نماز جمعه مکروه است، اما بعد از نماز جمعه جائز و پر برکت می باشد. قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالسَّيْرِ فِي اللَّيْلِ فَإِنَّ الْأَرْضَ تُطَوَّسُ بِاللَّيْلِ. «روضة کافی، ج ۸، ص ۳۱۴». شبانه سفر کنید که زمین به وسیله شب پوشیده می شود.

في وصية رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله - لعلی - عليه السلام - : يا على لا تَخْرُجَ فِي سَفَرٍ وَحْدَكَ. «روضة کافی، ج ۸، ص ۳۰۳». در وصیت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است: یا علی تنها مسافرت نکن.

كان أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ يَقُولُ: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ يَسْتَبِيحُ اللَّهَ سَبْعًا وَ يَحْمَدُ اللَّهَ سَبْعًا وَ يَهْلِلُ اللَّهَ سَبْعًا. «من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۷۲».

امام صادق علیه السلام زمانی که سوار مرکب می شد این آیه را می خواند: (سبحان الذی ...) پاک و منزّه است خدایی که این مرکب را برای ما رام کرد در حالی که ما قادر به آن نبودیم، سپس هفت سبحان الله، هفت الحمدلله و هفت لا اله الا الله می گفت.

قال الامام الصادق علیه السلام: إِنَّ أَبَى كَان يَقُولُ: مِنْ قُوَّةِ الْمُسَافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ. «فروع کافی، ج ۴، ص ۳۶۳». امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم (امام باقر (ع)) می فرمود: نگهداری و حفظ آذوقه (در طول سفر) موجب قدرت و توانایی مسافر می شود.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤْمَرُوا أَحَدُهُمْ. «میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۷۱». هرگاه سه نفر همسفر باشند، باید یکی را از میانشان سرپرست خود نمایند.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. «مکارم اخلاق، ص ۲۶۵». رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود: بزرگ قوم، خادم آنها در سفر است.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَ سَبْعِينَ كُرْبَةً. «من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۳». هر کس مسافر مؤمنی را کمک کند، خداوند از او هفتاد و سه گرفتاری رادفع می کند.

قال الامام الصادق علیه السلام: أَلْتَوَاصَلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْخَصْرِ التَّرَاوُزُ وَ فِي السَّفَرِ التَّكَاتُبُ. «وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۹۴». ارتباط با برادران در حضر (وطن) به وسیله دید و بازدید انجام می گیرد و در مسافرت با نامه.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ عَلَى أَهْلِهِ فَلْيَهْدِهِمْ. «بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۸۳». هرگاه کسی از شما به سفر برود و سپس به خانه اش باز گردد، برای اهل خانه هدیه ای بیاورد.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤْمَرُ أَحَدُهُمْ أَقْرَبُهُمْ وَإِنْ كَانَ أَصْغَرُهُمْ سِنًا فَإِذَا أَمَّهُمْ فَهُوَ أَمِيرُهُمْ. «کنز العمال، ج ۱۷۵۴۸». هرگاه در سفر سه نفر شد، باید آنکه آگاه تر است، سرپرست باشد، اگر چه از نظر سن کوچکتر از دیگران باشد و آنکه سرپرستی دیگران را پذیرفت او رهبر و امیر آنهاست.

قال علی علیه السلام: سل عن الرفیق قبل الطريق و عن الجار قبل الدار. (نهج البلاغه / نامه ۳۱) قبل از مسافرت، از رفیق و همسفر سوال کن و اطلاع بیاب، و قبل از تهیه مسکن از همسایهات آگاه شو

قال الصادق علیه السلام: افتتح سفرک بالصدقة و اخرج اذا بدالك فانك تشتري سلامة نفسك. (بحار / ۱۰۰ / ۱۰۳)

قال لقمان لابنه: تزود معك الادوية فتنتفع بها و من معك و كن لاصحابك موافقا الا في معصية الله. (بحار / ۷۳ / ۲۷۵). [در مسافرت] توشه زیاد بردار تا خود و همراهانت از آن بهره برند و با همراهانت موافق و همراه باش جز در گناه و عصیان پروردگار

قال الصادق عليه السلام: من قرأ قل هو الله احد حين يخرج من منزله عشر مَرَّات لم يزل في حفظ الله عزَّ و جلَّ... حتى يرجع الى منزله. (كافي / ۴ / ۳۳). هر که هنگام خروج از خانه اش ده بار "قل هو الله" را بخواند، تا آنگاه که به خانهاش برگردد در پناه خدا خواهد بود.

قال النبي صَلَّى الله عليه و آله:... و ترك الرواية عليهم اذا انت فارقتهم. (مستدرک / ۲ / ۴۳) یکی از آداب سفر این است که: بعد از جدایی از همسفران پشت سرشان حرف نزنی.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله: سافروا تصحوا و جاهدوا تغنموا. (بحار / ۷۶ / ۲۲۱). سفر کنید تا صحت و سلامتی بدست آرید. و جهاد کنید تا غنیمت یابید.

نُه مهر روز جهانی سالمندان

امام علی علیه السلام فرمودند: وَقَارُ الشَّيْبِ نُورٌ وَ زِينَةٌ؛ وقار پیری، روشنایی و زیور است. (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱۰۰۷۶)

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَوْقُرْ كَبِيرَنَا وَ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا؛ از ما نیست کسی که به بزرگ سالان ما حرمت نهد و با خردسالان ما مهربان نباشد. (الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ. إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ؛ از جمله تجلیل خدا، بزرگداشت مسلمان سپیدموی است. (الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ مِنْ إِجْلَالِي تَوْقِيرَ الشَّيْخِ مِنْ أُمَّتِي؛ احترام به فرد سال خورده از اُمّت من، احترام به من است. (میزان الحکمه، ج ۹۹۲۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الْبِرُّ مَعَ آبَائِكُمْ؛ برکت، با بزرگان شماست. (جامع الأخبار، ص ۲۴۲، ج ۶۱۷).

امام صادق علیه السلام فرمودند: عَظُّوا كِبَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ. بزرگسالان خود را احترام کنید و صله ارحام به جای آورید. (الکافی: ۲ / ۱۶۵ / ۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٌ فَأَكْرِموهُ؛ هرگاه بزرگ قومی بر شما وارد شد، گرامی اش بدارید. (الکافی، ج ۲، ص ۶۵۹).

امام صادق علیه السلام: عَظُّوا كِبَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ. بزرگسالان خود را احترام کنید و صله ارحام به جای آورید. (الکافی: ۲ / ۱۶۵ / ۳)

امام علی علیه السلام: وَقَارُ الشَّيْبِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَضَارَةِ الشَّبَابِ؛ وقار پیری، نزد من دوست داشتنی‌تر از نشاط جوانی است. (غرر الحکم: ۱۰۰۹۹ منتخب میزان الحکمة: ۳۰۸)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: ثَلَاثَةٌ لَا يَسْتَحِفُّ بِحَقِّهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيْنُ النَّفَاقِ: ذُو الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ، وَالْإِمَامُ الْمُقْسِطُ، وَمُعَلِّمُ الْخَيْرِ؛ سه کس اند که جز منافقی که نفاقش آشکار است در حق آنان بی حرمتی نکند: ریش سفید اسلام، پیشوای دادگر و آموزگار خوبیها. (کنز العمال: ۴۳۸۱۱)

منتخب میزان الحکمة: ۴۰۰) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: وجود پیران سالخورده بین شما باعث افزایش رحمت و لطف پروردگار و گسترش نعمتهای الهی بر شماست. (نهج الفصاحه، ص ۲۲۲)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اِرْحَمِ الصَّغِيرَ وَوَقِّرِ الْكَبِيرَ تَكُنْ مِنْ رُقَقَائِي؛ به کودکان رحم کن و بزرگسالان را احترام نما تا از دوستان من باشی. (کافی، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۷)

امام علی (علیه السلام) فرمودند: وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ يَوْقَرُكُمْ صِغَارُكُمْ؛ پیرانان را حرمت نهید تا کودکانتان شما را حرمت نهند. (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۱۰۰۶۹)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: مَا أَكْرَمَ شَابٌ شَيْخًا لِسَنِّهِ إِلَّا قِيضَ اللَّهُ عِنْدَ سَنِّهِ مِنْ يَكْرَمِهِ؛ هر جوانی که پیری را برای سنش گرامی دارد خدا هنگام پیری وی یکی را بیارد که وی را گرامی دارد. (نهج الفصاحه)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: لَيْسَ مَنَّا مَنْ لَمْ يَوْقِرِ الْكَبِيرَ وَ يَرْحَمِ الصَّغِيرَ وَ يَأْمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛ هر که بزرگتر را محترم ندارد و به کوچکتر رحم نکند و به نیکی و اندارد و از بدی باز ندارد از ما نیست. (نهج الفصاحه) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وَقَّرَ ذَا شَيْبَةٍ فِي الْأَسْلَامِ أَمَّنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ هر کس بزرگ سال مسلمانی را گرامی دارد و احترام نماید، خداوند او را در قیامت از سختی ها و مشکلات در امان می دارد. (الکافی، ج ۲، ص ۶۵۸، ح ۳)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: الْخَيْرُ مَعَ أَكَابِرِكُمْ؛ خوبی همراه بزرگان شماست. (نهج الفصاحه) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: الْبِرْكَه مَعَ أَكَابِرِكُمْ؛ برکت با بزرگان شماست. (نهج الفصاحه) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: الْبِرْكَه فِي أَكَابِرِنَا فَمَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ يَجْلُ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا؛ برکت در بزرگان ماست و هر کس بر کوچک ما رحم نکند و بزرگ ما را محترم نشمارد از ما نیست. (نهج الفصاحه)

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ. احترام به مسلمان سالخورده، احترام به خداوند است. (الکافی: ۲ / ۱۶۵ / ۱ منتخب میزان الحکمة: ۳۰۸)

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: وجود پیران سالخورده بین شما باعث افزایش رحمت و لطف پروردگار و گسترش نعمتهای الهی بر شماست. (نهج الفصاحه، ص ۲۲۲)

چهارده مهر روز دام پزشکی

امام علی علیه السلام فرمودند: لِيَرْفَهُ عَلَى اللَّاعِبِ وَلَيْسْتَ أَنْ بِالتَّقَبِّ وَالظَّالِعِ ؛ و باید شتر خسته را استراحت دهد و آن را ، که آسیب دیده یا از رفتن ناتوان شده ، آرام براند . (نهج البلاغه ، نامه ۲۵)
 امام علی علیه السلام فرمودند: مَنْ تَبَيَّطَرَ فَلْيَأْخُذِ الْبِرَاءَةَ مِنْ وَلِيِّهِ وَإِلَّا فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ ؛ دام پزشک هنگام مداوای دام باید از صاحب آنها برائت نامه (اجازه) بگیرد وگرنه به ازای (صدمه دیدن یا تلف شدن مال) ضامن است . (الكافی ، ج ۷ ، ص ۳۶۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْغَنَمِ ؛ چون خداوند اسباب زندگی را آفرید ، برکت را در کشاورزی و دام قرار داد . (کنز العمال ، ح ۹۳۵۴)
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ صَاحِبَ الْكَلْبِ [الَّذِي] أَرَوَاهُ مِنَ الْمَاءِ ؛ [در شب معراج] به بهشت وارد شدم و دیدم که صاحب سگی که آن را سیراب کرده بود [به پاداش این عمل] در بهشت جای دارد . (بحار الأنوار ، ج ۶۲ ، ص ۶۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتٌّ خِصَالٌ: يَغْلُفُهَا إِذَا نَزَلَ ، وَيُعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ ، وَلَا يَضْرِبُهَا إِلَّا عَلَى حَقٍّ ، وَلَا يَحْمِلُهَا مَا لَا تُطِيقُ ، وَلَا يَكْلِفُهَا مِنَ السَّيْرِ إِلَّا طَاقَتَهَا ، وَلَا يَقِفُ عَلَيْهَا قُؤَافًا . حیوان شش حق به گردن صاحب خود دارد: هر گاه از آن پیاده شد علفش دهد ، هرگاه از آبی گذشت آن را آب دهد ، بی دلیل آن را نزند ، بیشتر از قدرتش آن را بار نکند ، بیشتر از توانش آن را راه نبرد و مدت زیادی روی آن درنگ نکند . (مستدرک الوسائل: ۸ / ۲۵۸ / ۹۳۹۳ منتخب میزان الحکمه: ۱۷۰)

... عن جعفر بن محمد عن أبيه عليهم السلام قال : نهى رسول الله صلى الله عليه و آله عن أن تؤسم البهائم في وجوهها و أن يضرب وجوهها فانها تسبح بحمد ربها. (تفسير عیاشی / ج ۱ / ص ۲۹۴) امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) روایت کرده است که پیامبر (ص) از علامت گذاری در صورت حیوانات و زدن به صورت آنان نهی فرموده است زیرا آنان به حمد پروردگارشان تسبیح می گویند.
 اسحق بن عمار ابی عبدالله (ع) قال : ما من طير يصاد في بر و لا بحر و لا شئى ء يصاد من الوحش الا بتضييعه التسبيح. (تفسير عیاشی ، ج ۱ ، ص ۲۹۴). اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) روایت نموده که فرمود: هیچ پرنده ای در خشکی و دریا صید نگردد و هیچ حیوان وحشی صید نمی شود مگر از آن سبب که او تسبیح خداوند را ضایع نموده است .

عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا تضربوا وجوه الدواب فان كل شئى ء يسبح بحمده . (تفسير الدر المنثور ، ج ۵ ، ص ۲۹۰) ابی سعید خدری از پیامبر (ص) روایت نموده است که آن حضرت فرمود: به صورت چهارپایان و جنبندگان زنید که هر چیزی تسبیح به حمد خداوند می کند.

عبدالله بن سنان از امام صادق نقل می کند که فرمود: اذا اتخذ اهل بيت شاة أتاها الله بارزاقهم وارتحل عنهم الفقر مرحلة. فاذا اتخذوا شاتين أتاها الله بارزاقها وزاد في ارزاقهم وارتحل الفقر عنهم مرحلتين و ان اتخذوا ثلاثة أتاها الله بارزاقها وارتحل عنهم الفقر رأساً. (وسائل الشیعه، ج ۳۷۲/۸، ابواب احکام الدواب، باب ۲۹، ح ۴). هرگاه اهل خانه ای، گوسفندی در اختیار گیرند خداوند، روزی آن را به ایشان بدهد و در روزی شان بیفزاید و فقر و نداری، يك درجه از آنان دور شود. و هرگاه دو گوسفند در اختیار گیرند، روزی آنها را به ایشان بدهد و در روزی شان بیفزاید و فقر، دو درجه از آنان دور شود و اگر سه گوسفند در اختیار گیرند، روزی آنها را به ایشان بدهد و فقر، به کلی از آنان رخت بربندد.

عن ابي ذر، قال: سمعت رسول الله (ص) يقول: انّ الدابة تقول: اللهم ارزقني ملوك صدق يشبعني ويسقيني ولا يكلفني ما لا يطيق. (وسائل الشیعه، ج ۳۵۱/۸، ابواب احکام الدواب، باب ۹، ح ۲) ابوذر می گوید: شنیدم رسول خدا (ص) می فرمود: حیوان می گوید: پروردگارا! به من مالکی که اهل راستی باشد و سیرم کند و سیرابم سازد و مرا به کاری افزون بر توان وادار نکند، روزی نما!

مرفوعه شیخ صدوق از علی (ع): من سافر منكم بدابة فليبدء حين ينزل بعلفها وسقيها. (وسائل الشیعه، ج ۳۵۰/۸، ابواب احکام الدواب، باب ۹، ح ۴) هرکس از شما با حیوان خود، مسافرت کند، باید هنگامی که فرود می آید، نخست آن را علف دهد و سیراب سازد.

عن عبدالله بن سنان، عن ابي عبدالله (ع) قال: قال رسول الله (ص): نظفوا مريضها وامسحوا رغامها. (وسائل الشیعه، ج ۳۷۲/۸، ابواب احکام الدواب، باب ۲۹، ح ۳) امام صادق (ع) فرمود: پیامبر (ص) فرمود: جای نگهداری و آغل گوسفند را پاکیزه نگهدارید و آب بینی آن را پاک کنید.

عن سليمان بن جعفر الجعفری رفعه قال: قال رسول الله (ص): امسحوا رغام الغنم، وصلوا في مراحلها فانها دابة من دواب الجنة. (وسائل الشیعه، ج ۳۷۵/۸، ابواب احکام الدواب، باب ۳۰) آب بینی گوسفند را پاک کنید و در آغوش نماز بگذارید؛ زیرا او حیوانی از حیوانات بهشت است.

مرفوعه شیخ صدوق: قال النبی (ص): اُخروا الاحمال فان الیدين معلقة والرجلين موثقة. (وسائل الشیعه، ج ۳۹۴/۸، ابواب احکام الدواب، باب ۵۰، ح ۲) پیامبر (ص) فرمود: بارها را قسمت عقب پشت حیوان باربر قرار دهید؛ زیرا دستان حیوان بسته و پاهاى او استوار است.

عن ابي عبدالله (ع) عن ابيه (ع) انه كره اخضاء الدواب والتحريش بينهم. (لمحاسن، ج ۶۳۴/۲). امام صادق (ع) می فرماید: پدرش امام باقر (ع) عقیم سازی چارپایان و به جان هم انداختن آنها را ناپسند می دانست.

عن غياث بن ابراهيم عن ابي عبدالله (ع): انَّ اميرالمؤمنين (ع) قال: لاتذبح الشاة عند الشاة ولا الجزور عند الجزور وهو ينظر اليه. (مسالك الافهام، ج ۱/ ۳۰۷). امام صادق (ع) از اميرالمؤمنين (ع) نقل می کند که فرمود: گوسفند در برابر دیدگاه گوسفند و شتر در برابر دیدگان شتر، ذبح نمی شود. مرفوعه يعقوب بن سالم: قال اميرالمؤمنين (ع): قال رسول الله (ص): لايرتد ثلثة على دابة فان احدهم ملعون. (وسائل الشيعه، ج ۳۶۳، باب ۱۹، ح ۳). اميرالمؤمنين (ع) فرمود: پیامبر (ص) فرمود: سه نفر در ردیف هم بر يك حيوان سوار نشوند؛ زیرا [در این صورت] یکی از ایشان از رحمت خدا به دور خواهد بود.

عن ابراهيم بن علي، عن ابيه، قال: حججت مع علي بن الحسين فالتاثت عليه الناقة في سيرها فأشار اليها بالقضيب، ثم قال: آه! لولا القصاص وردَّ يده عنها. (وسائل الشيعه، ج ۳۵۴، باب ۱۰، ح ۱۵) ابراهيم بن علي از پدرش نقل می کند: با علي بن حسين (ع) به سفر حج می رفتم. شتر ایشان، در راه رفتن کندی کرد. حضرت با چوب دستی به آن حیوان اشاره کرد. سپس فرمود: آه، اگر قصاص در کار نبود [او را می زدم] و دست خود را از او برگرداند.

امام صادق (ع) می فرماید: امام سجاد (ع) هنگام رحلت، به فرزند خود، محمد (ع) فرمود: من با این شتر خود، بیست حج انجام داده ام و [در این مدت] يك تازیانه به آن نزد، پس هرگاه مرد، آن را به خاک بسپار تا خوراك درندگان نشود؛ زیرا پیامبر (ص) فرمود: هر شتری که در هفت سفر حج، بر عرفة، وقوف پیدا کند، خداوند او را از حیوانات بهشت قرار داده در نسلش برکت دهد. امام محمد باقر (ع) پس از مردن آن شتر، گودالی کند و او را به خاک سپرد. (وسائل الشيعه، ج ۳۹۵/۸، ابواب احکام الدواب، باب ۵۱، ح ۱).

شانزده مهر روز جهانی کودک

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّهُ مَنْ يَرْضَى صَبِيًّا لَهُ صَغِيرًا مِنْ نَسْلِهِ حَتَّى يَرْضَى، تَرْضَاهُ اللَّهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَرْضَى؛ هرکس کودک خردسالی از نسل خود را راضی کند تا خشنود شود، خداوند در روز قیامت در پی خشنودی او باشد تا آن گاه که خشنود شود. (میزان الحکمه، ج ۲۲۶۲۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ وَهُوَ يَعْقُو عَنْ سَيِّئَتِهِ وَ يَدْعُو لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ؛ خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را به نیکی کردن بر خود یاری رساند، بدین گونه که از گناه و خطای او درگذرد و در درگاه خدا برایش دعا کند. (بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۹۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **إِتَّقُوا اللَّهَ - وَاعْدِلُوا فِي أَوْلَادِكُمْ** ؛ از خدا بترسید و میان فرزندان به عدالت رفتار کنید . (میزان الحکمه ، ج ۲۲۶۵۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم** ؛ کودکان را دوست دارید و با آنان مهربان باشید . (الکافی ، ج ۶ ، ص ۴۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ** ؛ میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید ، همان گونه که دوست دارید آنان در نیکی و مهربانی با شما به عدالت رفتار کنند . (بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: **لَا يَصْلَحُ . . . أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ** ؛ شایسته نیست فردی از شما به کودکش وعده ای دهد و به آن وفا نکند . (الأمالی ، صدوق ، ص ۳۴۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَزُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ** ؛ هنگامی که به کودکان قولی می دهید ، به آن عمل کنید ؛ زیرا آنان می پندارند شما روزیشان می دهید . (وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۸۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: **إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ** ؛ بهترین ارثی که پدران برای فرزندان باقی می گذارند ، ادب است نه ثروت . (الکافی ، ج ۸ ، ص ۱۵۰)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: **وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَبِرِّهِمْ** ؛ خدایا ! مرا در تربیت و نیکی به فرزندان یاری فرما . (الصحيفة السجادية ، ص ۱۳۵)

امام صادق علیه السلام فرمودند: **عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا** ؛ از دانش ما به کودکان خود بیاموزید . (وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۷۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَعْلَمَهُ الْكِتَابَةَ** ؛ حق فرزند بر پدرش این است که به او نوشتن بیاموزد . (کنز العمال ، ج ۴۵۳۴۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ** ؛ کودکان خود را ، وقتی به هفت سالگی رسیدند ، به خواندن نماز امر کنید . (مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۲۸)

امام کاظم علیه السلام فرمودند: **لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ** ؛ فقر وارد خانه ای نمی شود که در آن خانه نام محمد ، احمد ، علی ، حسن ، حسین ، جعفر ، طالب ، عبدالله یا فاطمه ، از نام های زنان ، باشد . (وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۳۹۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحَسِّنَ اسْمَهُ** ؛ حق فرزند بر پدرش این است که برایش نام نیکو انتخاب کند . (کتاب من لایحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۳۷۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ؛ با خشم، تربیت [ممکن] نیست. (غرر الحکم، ح ۱۰۵۲۹).

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَاهُ؛ بدون تردید، خداوند بر بنده خود به خاطر شدت محبت به فرزندش، رحم می کند. (کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ؛ فرزندانان را گرامی بدارید و نگو تربیت شان کنید. (عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۵۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُّ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ: الْأَسْمُ الْحَسَنُ، فَلْيَحْسِنْ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ؛ نخستین چیزی که هر یک از شما به فرزندش پیشکش می کند نام نیکوست. بنا بر این، هر کدام شما نامی نیکو بر فرزند خویش نهد. (بحار الأنوار: ۲۰/۱۳۰/۱۰۴).

امام کاظم علیه السلام فرمودند: تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ؛ بازیگوشی (و شیطننت) پسر در دوران کودکی پسندیده است، برای این که در بزرگسالی بردبار شود. (الفقیه: ۳ / ۴۹۳ / ۴۷۴۸ منتخب میزان الحکمه: ۳۲۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: مَرُّوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ؛ فرزندان خود را به آموختن دانش وادارید. (کنز العمال: ۴۵۹۵۳ منتخب میزان الحکمه: ۶۱۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالرَّيَاةَ؛ به کودکان خود شنا و تیراندازی یاد دهید. (وسائل الشیعه: ۱۲ / ۲۴۷ / ۱۳ منتخب میزان الحکمه: ۶۱۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ. آن کس که نزد او کودکی است باید (در پرورش وی) کودکانه رفتار نماید. (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۶)

هفده مهر روز جهانی پست

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: تَوَاصَلُوا بِالْكِتَابِ وَ إِن شَطَطَ الدِّيَارُ؛ با نامه خود را به یکدیگر پیوند دهید، اگر چه شهرها از هم دور باشند. (الفردوس، ج ۲، ص ۵۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ حَقٌّ كَرَدَ السَّلَامِ؛ جواب نامه نیز مانند جواب سلام لازمست. (نهج الفصاحه) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بَغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ؛ هر که بی اجازه برادرش در نامه او نگرد گوئی در جهنم نگرسته است. (نهج الفصاحه)

امام صادق علیه السلام فرمودند: التَّوَاصُلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ، وَالتَّوَاصُلُ فِي السَّفَرِ الْمُكَاتَبَةُ؛ ارتباط میان برادران در حَضَر، دید و بازدید است و در سفر، نامه نگاری. (تحف العقول: ۳۵۸)

امام صادق علیه السلام فرمودند: رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ وَاجِبٌ كَوُجُوبِ رَدِّ السَّلَامِ؛ جواب دادن به نامه، همچون جواب دادن به سلام، واجب است. (الکافی: ۲ / ۶۷۰ / ۲)

بیست و چهار مهرروز جهانی غذا

امام رضا علیه السلام فرمودند: فَاَنْظُرْ مَا يُوَافِقُكَ وَ يُوَافِقُ مَعْدَتَكَ وَ يَقْوَى عَلَيْهِ بَدَنُكَ وَ يَسْتَمِرُّهُ مِنْ الطَّعَامِ فَقَدْرُهُ لِتَنْفْسِكَ وَاجْعَلْهُ غَدَاؤَكَ ؛ بنگر چه چیزی با تو و معده تو سازگار است ، و بدنت از آن نیرو می گیرد و آن را گوارا می داند ؛ چنین غذایی را برای خود برگیر و آن را خوراک خود بدان . (بحار الأنوار ، ج ۶۲ ، ص ۳۱۰)

امام صادق علیه السلام فرمودند: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَطْعَمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ لَهُ ؛ برای مؤمن شایسته است که تا غذایی نخورده از خانه اش خارج نشود ؛ زیرا این کار برای او عزت مندانه تر است . (بحار الأنوار ، ج ۶۶ ، ص ۳۴۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: تَعَدُّ وَ تَعَشُّ وَ لَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ ؛ صبحانه و شام بخور و میان آنها چیزی مخور که مایه تباهی بدن است . (الكافی ، ج ۶ ، ص ۲۸۸)

امام صادق علیه السلام فرمودند: طَعَامُ اللَّيْلِ أَنْفَعُ مِنْ طَعَامِ النَّهَارِ ؛ غذای شب سودمندتر از غذای روز است . (الكافی ، ج ۶ ، ص ۲۸۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَ لَابِقَاءَ فَلْيَبَاكِِرِ الْغَدَاءَ ؛ هر که خواستار بقا است - و [کسی را] بقا نباشد- پیش از طلوع خورشید صبحانه بخورد . (وسائل الشیعه ، ج ۵ ، ص ۶۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: طَهُوْرُ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الطَّعَامِ وَالذِّينِ وَ الرِّزْقِ ؛ پاکی خوراک بر خوراک، دین و روزی می افزاید . (کنز العمال ، ج ۴۰۷۶۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خَيْرُ طَعَامِكُمُ الْخُبْزُ ؛ بهترین غذای شما نان است . (مستدرک الوسائل ، ج ۱۶ ، ص ۳۹۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: قُوْتُ الْأَجْسَادِ الطَّعَامُ وَ قُوْتُ الْأَرْوَاحِ الْإِطْعَامُ؛ غذای جسم، خوردن و غذای روح، خوراندن است. (مشكاة الأنوار، ص ۵۶۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ أَطْيَبَ طَعَامِكُمْ مَا مَسَّتْهُ النَّارُ؛ بهترین غذاهای شما آن است که به آتش پخته شود. (نهج الفصاحه)

بیست و شش مهرتا دوم آبان هفته تربیت بدنی و ورزش

امام صادق علیه السلام فرمودند: النَّشْرَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْمَشْيُ وَ الرُّكُوبُ وَ... شادابی در ده چیز است: پیاده روی ، سوارکاری و... (الخصال ، ص ۴۴۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ . . . أَنْ يَعْلَمَهُ السَّبَاحَةَ ؛ حق فرزند بر پدرش این است که . . . به او شنا کردن بیاموزد . (میزان الحکمه ، ج ۲۴۳۴)

امام باقر علیه السلام فرمودند: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ -سَابِقَ بَيْنَ الْخَيْلِ وَ أُعْطِيَ السَّوَابِقَ مِنْ عِنْدِهِ ؛

رسول خدا مسابقه اسب دوانی ترتیب داد و جوایز را از مال خویش پرداخت . (وسائل الشیعه ، ج ۱۹ ، ص ۲۲۵)

امام صادق علیه السلام فرمودند: دَخَلَ النَّبِيُّ ذَاتَ لَيْلَةٍ بَيْتَ فَاطِمَةَ وَ مَعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ لَهُمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: قُومَا فَاصْطَرِعَا ، فَقَامَا لِيَصْطَرِعَا . . . ؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شبی به خانه فاطمه رفت و حسن و حسین با او بودند . پیامبر به آن دو فرمودند: «برخیزید و کشتی بگیرید». آن دو بزرگوار بر خاستند و کشتی گرفتند . (بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۱۸۹) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: أَحَبُّ إِلَهُو إِلَى اللَّهِ إِجْرَاءُ الْخَيْلِ وَ الرَّمْيُ ؛ بهترین سرگرمی در نزد خدا ، اسب دوانی و تیراندازی است . (کنز العمال ، ج ۱۰۸۱۲)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: عَلَيَكُمْ بِالرَّمْيِ فَإِنَّهُ مِنْ خَيْرِ لَهْوِكُمْ ؛ به تیر اندازی روی آورید ، که یکی از بهترین سرگرمی های شما است . (میزان الحکمه ، ج ۷۴۶۵)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: عَلَّمُوا بَنِيَكُمْ الرَّمْيَ فَإِنَّهُ نِكَايَةُ الْعَدُوِّ ؛ تیراندازی را به پسرانتان بیاموزید ، که موجب شکست دشمن است . (کنز العمال ، ج ۴۵۳۴۱)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ ؛ مؤمن نیرومند نزد خداوند بهتر و محبوب تر است از مؤمن ضعیف . (صحیح مسلم ، ج ۸ ، ص ۵۶) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خَيْرُ لَهْوِ الْمُؤْمِنِ السَّبَاحَةُ ؛ بهترین سرگرمی برای مرد با ایمان ، شنا است . (نهج الفصاحه : ج ۱۵۲۷)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: الْهَوَا وَ الْعَبْوَا فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَرَى فِي دِينِكُمْ غَلْظُهُ ؛ تفريح کنید و بازی کنید زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونت دیده شود . (نهج الفصاحه)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ ؛ به کودکان خود شنا و تیراندازی یاد دهید . (وسائل الشیعه: ۱۲ / ۲۴۷ / ۱۳ منتخب میزان الحکمه: ۶۱۴)

یک آبان روز آماروبرنامه ریزی

امام جواد علیه السلام فرمودند: التَّذْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ ، يَوْمُنكَ مِنَ النَّدَمِ ؛ تدبیر و برنامه ریزی (درهرکاری قبل از اقدام) انسان را از پشیمانی حفظ و نگهداری می کند . (منتهی الامال ، ج ۲ ، ص ۲۳۰) امام رضا علیه السلام فرمودند: اجْتَهِدُوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ: سَاعَةً مِنْهُ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ . وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ وَ الَّذِينَ يَعْرِفُونَ غُيُوبَكُمْ وَ يَخْلُصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ وَ بِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ ؛ بکوشید که زمانتان را به چهار بخش تقسیم کنید: زمانی برای مناجات با خدا ؛ زمانی برای تأمین معاش ؛ زمانی برای معاشرت با

برادران و معتمدانی که عیب هایتان را به شما می شناسانند و در دل شما را دوست دارند ، و ساعتی برای کسب لذت های حلال با بخش چهارم توانایی انجام دادن سه بخش دیگر را به دست می آورید. (فقه الرضا علیه السلام ، ص ۳۳۷)

امام صادق علیه السلام فرمودند: التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعِيشِ؛ برنامه ریزی نیمی از زندگی است . (تحف العقول، ص ۲۲۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند: الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛ همه کمال در شناخت عمیق دین و شکیبایی در پیشامدهای ناگوار و اندازه نگاه داشتن در زندگی است . (تحف العقول ، ص ۲۱۳)

امام باقر علیه السلام فرمودند: إِيَّاكَ وَ التَّفْرِيطَ عِنْدَ إِمْكَانِ الْفُرْصَةِ فَإِنَّهُ مَيْدَانٌ يَجْرَى لِأَهْلِهِ الْخُسْرَانُ؛ مبادا فرصت های به دست آمده را از دست بدهی که در این میدان آن که وقت را ضایع کند ، زیان می بیند . (تحف العقول ، ص ۲۸۶)

امام علی علیه السلام فرمودند: التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ؛ عاقبت اندیشی پیش از عمل ، تو را از پشیمانی در امان می دارد . (عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲ ، ص ۵۴)

امام علی علیه السلام فرمودند: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ - وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ؛ شما را به تقوای الهی و نظم در کارتان سفارش می کنم . (نهج البلاغه ، نامه ۴۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: مَاضِي يَوْمِكَ فَائِتٌ وَ آتِيهِ مُتَّهِمٌ وَ وَقْتُكَ مُعْتَمَنٌ فَبَادِرْ فِيهِ فُرْصَةَ الْإِمْكَانِ؛ دیروزت از دست رفت و به فردایت یقین نیست و امروزت غنیمت است ؛ پس این فرصت به دست آمده را دریاب . (غررالحکم و درر الکلم ، ج ۹۸۴۰)

امام علی علیه السلام فرمودند: أَذْلُ شَيْءٍ عَلَى غَزَاةِ الْعَقْلِ حُسْنُ التَّوْبَةِ؛ بزرگ ترین دلیل بر خردمندی ، نیک عاقبت نگری است . (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۳۱۵۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: قَوَامُ الْعِيشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مِلَاكُهُ حُسْنُ التَّوْبَةِ؛ پایداری زندگی به برنامه ریزی درست و وسیله رسیدن به آن ، مدیریت صحیح است . (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۶۸۰۷)

هشت آبان روزنوجوان

امام صادق علیه السلام فرمودند: بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَةُ؛ نوجوانان را قبل از این که دشمنان اعتقادی به سراغ آنان بروند، حدیث بیاموزید . (میزان الحکمه ، ج ۲۲۷۵۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدَّثَ فَاتَّزَكِ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لئَلَّا يَحْمِلَهُ الْإِخْرَاجُ عَنِ الْمَكَابِرَةِ؛ هرگاه نوجوانی را سرزنش می کنی ، جایی برای عذرخواهی از گناهش برای او باقی بگذار تا

نیافتن راهی برای عذرخواهی، او را به ستیزه جویی نکشاند. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: اُولَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْيَاءُ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالاً إِنْجَاجُوا إِلَيْهَا؛ بهترین چیزی که نوجوانان باید فراگیرند، چیزهایی است که در بزرگ سالی خود به آنها نیاز خواهند داشت. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۳۳۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ؛ قلب نوجوان، همچون زمین ناکشته است که هر چه در آن افکنده شود می پذیرد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ أَحَبَّ الْخَلَائِقِ إِلَيَّ اللَّهُ شَابٌّ حَدَّثَ السَّنَّ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبَابَهُ وَجَمَالَهُ لِلَّهِ وَفِي طَاعَتِهِ ذَلِكَ الَّذِي يَبَاهِي بِهِ الرَّحْمَنُ مَلَائِكَتَهُ يَقُولُ: هَذَا عَبْدِي حَقًّا؛ محبوب ترین خلائق نزد خدا نوجوان خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه طاعت او بگذارد. خداوند رحمان به وجود چنین نوجوانی بفرشتگان می بالد و می فرماید: «این است بنده راستین من!». (میزان الحکمه، ج ۹۰۹۶)

امام صادق علیه السلام فرمودند: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ اسْرَعُوا إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ نوجوانان را در یاب، که این گروه در پذیرش هر خوبی، بیشتر شتاب می کنند. (الکافی، ج ۸، ص ۹۳) به صفحه ۲۱۷ هشت اردیبهشت روز جوان نیز مراجعه شود.

بیست و چهار آبان روز کتاب و کتابخوانی

امام صادق علیه السلام فرمودند: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْنِسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ؛ روزگار پر آشوبی فرامیرسد که در آن روز مردم جز با کتاب های خود انس نمی گیرند. (الکافی، ج ۱، ص ۵۲) امام علی علیه السلام فرمودند: نَعَمْ الْمُحَدَّثُ الْكِتَابُ؛ چه سخن گوی خوبی است کتاب! (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۹۹۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: الْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ؛ کتاب ها بوستان های دانشمندان اند. (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۹۹۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: مَنْ تَسَلَّى بِالْكِتَابِ لَمْ تَفْتَهُ سَلَوَةٌ؛ هر که با کتاب آرامش یابد، هیچ آرامش بخشی را از دست نداده است. (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۸۱۲۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ مَاتَ وَمِيرَاثُهُ الدَّفَائِرُ وَالْمَحَابِرُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ هر که بمیرد و میراث او دفترها و دوات باشد، بهشت بر او واجب است. (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۲)

نخستین قلمزن که بود؟؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «یا اباذر اربعة من الانبياء سريانين: ادم وشيث واخنوخ (وهو ادریس وهو اول من خط بالقلم) و نوح...»؛ (بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۲) ای

ابوذر! چهارتن از پیامبرانند که سریانی اند و آن آدم است و شیث است و اخنوخ است و نوح. و اخنوخ همان ادریس است و نخستین کسی است که با قلم نوشته است.»

پژواک قلم تا کجا که نمی رسد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «ثلاث تخرق الحجب وتنهي الی ما بین یدی الله: صریر اقلام العلماء ووطی اقدام المجاهدين و صوت مغازل المحصنات؛ (تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۷۷) سه [بانگ طنین انداز] است که پرده ها می درد و پژواک آن در فرجام به خدا می رسد: بانگ قلم های دانشمندان؛ بانگ قدم های مجاهدان؛ و بانگ چرخ بافندگی پاکزان.»

چرا زکات دست خود نمی دهی؟: امام صادق علیه السلام: «... زکوة اليد البذل والعطاء والسخاء بما انعم الله عليك به وتحريكها بكتبه العلوم ومنافع ينتفع بها المسلمون في طاعة الله تعالى...»؛ (سفينة البحار، ج ۲، ص ۴۶۱) زکات دست بذل و دهش و بخشش است از نعمت هایی که خدا به تو ارزانی داشته است و جنباندن آن است به نگارش دانش ها و بهره هایی که مسلمانان از آن در راه فرمانبری خدای بزرگ بهره مند شوند.»

مرکب دانشوران، برتر آمد ز خون شهیدان: امام صادق علیه السلام: «اذا كان يوم القيامة جمع الله عزوجل الناس في صعيد واحد ووضعت الموازين فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء؛ (کتاب من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۸) آن گاه که روز رستخیز شود، خدای بزرگ همگان را در یک سرزمین گرد هم آورد و ترازوهای ارزش سنج در پیش نهاده شود. چون خون های شهیدان با مرکب قلم دانشمندان به سنجش آید، مرکب قلم دانشمندان بر خون های شهیدان برتری یابد.»

آنان که ادیب ترند، از همسانان خود برترند: امام جواد علیه السلام: «ما استوى رجلان في حسب ودين قط الا كان افضلهما عند الله عزوجل ادهما...»؛ (وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۸۶۶) دو کس که در شرافت و دیانت همسنگ همدیگر یافت نمی شود مگر آنکه نزد خدای بزرگ ادیب ترینشان برتر از دیگری است.»

فرهنگ مکتوب و این همه پاداش! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «المؤمن اذا مات وترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترا فيما بينه وبين النار واعطاه الله تبارك وتعالى بكل حرف مكتوب عليها مدينة اوسع من الدنيا سبع مرات؛ (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۴) مؤمن چون از دنیا رود و برگه ای دانش دار از خود بر جای نهد، این برگه در روز رستخیز، میان او و آتش دوزخ پرده ای شود. و خدای خجسته و بزرگ برای هر حرفی که بر آن برگه نوشته شده باشد، شهری به فراخناکی هفت گیتی به وی بخشد.»

ای قلمزنان! به کدامین راه می زنید؟: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «يؤتى بصاحب القلم يوم القيامة في تابوت من نار يقفل عليه باقفال من نار فينظر قلمه فيما اجراه فان كان اجراه في طاعة الله

ورضوانه فک عنه التابوت وان کان اجراه فی معصية الله هوی فی التابوت سبعین خریفا...؛ (میزان الحکمة، ج ۸، ص ۲۶۶) در روز رستخیز، قلمزن را در تابوتی آتشناک بیاورند که قفل هایی آتشناک نیز بر آن بسته باشند. آن گاه به قلمش بنگرند که در چه راه به کار بسته است. اگر در فرمانبری و خرسندی کردگار به کار بسته است، آن تابوت از او بگیرند. و اگر در فرمان نایری کردگار به کار بسته است، هفتاد خزان در آن تابوت به عذابش کشند.»

تحقیقات و تالیفات خود را نقد بنید: امام حسین علیه السلام: «... من دلائل العالم انتقاده لحديثه...» (تحف العقول، ابن شعبه حرانی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۸) ... از نشانه های دانشور، به نقد کشیدن سخن خویش است. اگر که پاک نگاری جای تو در بهشت است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «من مات ومیراثه الدفاتر والمحابر وجبت له الجنة» (ارشاد القلوب دیلمی، باب ۵۱) هر که از دنیا رود و میراثش دفترها و دوات ها بود، باید بهشت ارزانی او شود.»

در سایه سار قلم، زندگی بس چه زیباست! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «... القلم من الله نعمة عظيمة ولولا القلم لم يستقم الملك والدين ولم یکن عیش صالح» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸) قلم نعمتی است بزرگ از سوی کردگار. و قلم اگر نبود، سیاست و دیانتی استوار نمی شد و زیستن خوشی در روزگار نبود.»

قلم جاودانه می کند همه را: امام صادق علیه السلام: «تأمل یا مفضل! ما انعم الله [به علی الانسان] ... الكتابة التي بها تقيد اخبار الماضين للباقيين واخبار الباقيين لللاتين وبها تخلص الكتب فی العلوم والاداب وغيرها...» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸) درنگی کن مفضل! از نعمت های الهی برای آدمی «نوشتن» باشد که به وسیله آن رخدادهای گذشتگان برای بازماندگان و رویدادهای زندگان برای آیندگان به بند کشیده می شود و نوشتارهای علمی و اخلاقی و جز آن جاودانه می ماند. شگفتا! نوشتار برتر از گفتار گشته: امیرمؤمنان علی علیه السلام: «رسول الرجل ترجمان عقله وکتابه ابلغ من نطقه» (معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۱) پیک آدمی نمایانگر خرد اوست و نوشتار آدمی رساتر زگفتار اوست.»

این گونه نگار: امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «کتاب المرء معیار فضله ومسبار نبیله» (معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۰) نوشتار هر کسی نشان از فرزاندگی اش دارد و میزان فرهیختگی اش را نمایاند.»

برکرانه قلمت چه جلوه گر است؟ امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «عقول الفضلاء فی اطراف اقلامها» (معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۳۹) خرد ورزی های فرهیختگان [جلوه گر است] برکرانه قلم هایشان.»

کیفیت نوشته ات نشانه عقل توست: امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «ثلاثة تدل علی عقول اربابها الرسول والكتاب والهداية» (معجم الفاظ غرر الحكم، ص ۹۶۱) سه چیز است نمودار خردمندی خردمندان: پیک است و نوشتار است و ارمغان انسان.»

فرصت از دست مده که پشیمان می شوی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «اكتبوا العلم قبل ذهاب العلماء وانما ذهاب العلم بموت العلماء» (میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۲۴) دانش نگار باشید پیش از آنکه دانشوران از دست روند؛ که با از دست رفتن دانشوران، دانش نیز از دست رود.»

تا نوشته ات باقی است پاداش تو هم جاری است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «من كتب عني علما او حديثا لم يزل يكتب له الاجر ما بقي ذلك العلم والحديث» (میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۲۵) هر که دانش یا سخنی از من نگاشته است، پاداش او نیز همواره نگاشته شده است تا هنگامی که آن دانش و سخن برجا مانده است.»

خوشا آنان که دائم در کتابند: امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند: «اكتب وبث علمك في خوانك فان مت فاوثر كتبك بنیک فانه ياتي علی الناس زمان هرج لا يانسون فيه الا بكتبهم» (الكافي، ج ۱، ص ۵۲) دانش خویش به نگارش در آر و در میان برادرانت گسترده دار. و چون مرگت فرا رسد، نگاشته های خویش برای فرزندان به ارث گذار؛ که مردمان را روزگاری در پیش است آشوبدار و همدمی ندارند به جز نوشتار.»

نگارش، شکارچی دانش است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «العلم صيد والكتابة قيد...» (مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۳۶۱) دانش شکار است و نگارش دام [آن] است.»

تویی دلارام من: امام صادق علیه السلام: «القلب يتكل علی الكتابة» (الكافي، ج ۱، ص ۵۲) دل با نگارش مطمئن می شود.»

با مشکل حافظه، این کار باید کردن: امام حسن علیه السلام به فرزندان خود و فرزندان برادر خود فرمودند: «فتعلموا العلم فمن لم يستطع منكم ان يحفظه فليكتبه وليضعه فی بيته» (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۲) دانش فراگیرید. و هر که از شما در حفظ آن تاب و توان ندارد، دانش به نگارش آرد و در خانه خود نگه دارد.»

دانش در بند نگارش بکش: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «قيدوا العلم بالكتاب [بالكتابة]» (تحف العقول (مترجم)، ص ۳۵) در بند [خویش] کشید دانش را با نگارش.»

بی نام تو نامه کی کنم باز: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «كل كتاب لا يبداء فيه بذكر الله فهو اقطع» (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۴) هر نگاشته که یاد کردی از کردگار در آغازش نباشد، آن نگاشته بس گسسته باشد.»

ترک «بسم الله...» چون ترک نماز است: امام هادی علیه السلام به شخصی که نامش داوود بود، فرمودند: «... یا داوود لو قلت: ان تارك التسمية كتارك الصلاة لكنت صادقا؛ (بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵۰) ای داوود! اگر بگویم آن کس که «بسم الله...» را ترک کند همسان آن کس است که نماز به جا نمی آورد، سخنی راست گفته ام.»

به نام آن که رحمان و رحیم است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بسم الله الرحمن الرحيم مفتاح کل کتاب؛ (میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۲۶) «بسم الله...» آغاز هر نوشته ای است.»
 با خط زیبا بنویس: «بسم الله...»: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «من كتب «بسم الله الرحمن الرحيم» فجوده تعظيما [لله] فقد غفر [الله] له؛ (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۳) هر که «بسم الله...» با خط خوش نگارد تا بزرگی خدا را پاس دارد، خدا [نیز] وی را ببخشايد.»
 به پر برگی کتابت نناز؛ به پر باری کتابت بناز! امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «احق الناس من حشى كتابه بالترهات...؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۲۲) هر که نگاشته خویش با یاوه نگاری ها انباشته کرده است، ناخردترین مردم است.»

چرا نوشته هایت را موضوع بندی و دسته بندی نمی کنی؟ امام باقر علیه السلام به نویسنده نوشته هایش فرمودند: «ان يصنع هذه الدفاتر كراريس وقال عليه السلام: وجدنا كتب على عليه السلام مدرجة؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۹۳) این دفترها باید قسمت قسمت شوند؛ [و فرمودند:] که ما خودمان نوشته های علی علیه السلام را نیز تقسیم بندی شده دیدیم.»

همراه خود چرا قلم نداری؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به کسی که برخی از کارهایش را به وی می گفت و او می نوشت، فرمودند: «ضع القلم على اذنك فهو اذكى للمملى؛ (بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵۰) قلم برگوش خود بگذار که این کار به یاد آورنده تر است هر نگارنده ای را.»

قلم به داد حافظه می رسد: مردی از انصار هماره در مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله حضور می یافت و احادیثی را می شنید و شیفته آن ها می شد، ولی نمی توانست آن ها را حفظ کند. مشکل خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد. حضرت به او فرمودند: «استعن بيمينك (واوما بیده، ای خط)؛ (بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵۰) یاری بجو از دست خویش (و حضرت به دست او اشاره فرمود که با آن بنویس).»

نه غلط بگوئیم، نه غلط بنویسیم: امام صادق علیه السلام: «اعربوا حديثنا فانا قوم فصحاء؛ (الكافي، ج ۱، ص ۵۲) سخن ما [شیوا گوئید و] شیوا نگارید؛ که ما از [تبار] شیوا سخنانیم.»

هان! چرا فیش برداری نمی کنی؟ امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمودند: «دخل على اناس من اهل البصرة فسالوني عن احاديث وكتبوها فما يمنعكم من الكتاب؟ اما انكم لن تحفظوا حتى تكتبوا؛ (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۳)

مردمانی از بصره نزد من آمدند و سخنانی از من پرسیدند و آن هارا همه نوشتند. پس آن چه چیز است که شما را از نوشتن باز داشته است؟ هان! که تا به نوشتن رو نیاورید، به حفظ هم دست نمی یابید.»

برای حروفچین و ویراستار، خوش خط بنگار و فاصله هم بگذار: امام امیر مؤمنان علی علیه السلام: «الق دواتک واطل جلفة قلمک وفرج بین السطور وقرمط بین الحروف فان ذلک اجدر بصباحة الخط؛ (نهج البلاغه، سخن کوتاه ۳۰۷) در دوات خویش لایقه گذار و نوک قلم خویش دراز بدار و میان سطرها فاصله گذار و حروف نزدیک به یکدیگر نگار که این چنین کار، زیبایی خط را بود سزاوار.» چرا نوشته هایت را بازنگری و بازنگاری نمی کنی؟ امام امیر مؤمنان علی علیه السلام: «اذا کتبت کتابا فاعد فيه النظر قبل ختمه فانما تختتم علی عقلک؛ (معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۰) هرگاه چیزی نوشتی، باید که پیش از مهر نمودنش دگربار در آن بنگری، چرا که بر خرد ورزی خویش مهر پایان می زنی.»

دلم جز با کتاب آرام ندارد: امام امیر مؤمنان علی علیه السلام: «من تسلی بالکتب لم تفتت سلوة؛ (معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۰) آرامشی از دست نداده است آن که با کتاب ها آرامش به دست آورده است.»

هر کتابی ترجمانی است: امام امیر مؤمنان علی علیه السلام: «الکتاب ترجمان النية؛ (معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۰) کتاب یک برگردان است از آنچه درون [کتاب نگار] است.» گل سرای دانشوران چیست؟ امام امیر مؤمنان علی علیه السلام: «الکتب بساتین العلماء؛ (معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۱) کتاب ها باغستان های دانشورانند.»

این سخنگو کیست که در برابرت نیست؟ امام امیر مؤمنان علی علیه السلام: «نعم المحدث الکتاب؛ (معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۱) چه خوش سخن گوید این کتاب.»

آینده را هم به تماشا بایست: امام صادق علیه السلام: «احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیهما؛ (الکافی، ج ۱، ص ۵۲) کتاب های خویش نگاهبان باشید، زودا که نیازمندشان شوید.»

تا این زمان، یک «چهل حدیث» نوشته ای؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «من کتب عنی اربعین حدیثا رجاء ان یغفر الله له غفر له واعطاه ثواب الشهداء؛ (مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۳۶۱).

هر کس چهل حدیث از من بنگارد به آن امید که خدایش آمرزد، خدا نیز او را آمرزد و پاداش شهیدانش دهد.»

مجله: مبلغان - اسفند ۱۳۸۱، شماره ۳۸ تبلیغ نوشتاری در احادیث اسلامی - نویسنده: عبد الرحیم موگهی، صفحه ۹۱)

پنج آذر آغاز هفته بسیج

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». در این آیه مبارکه ۵۴ سوره مائده، که الهام بخش تدوین کتاب حکمتنامه بسیج شد، خداوند متعال، ضمن تهدید جمعی از همراهان پیامبر اسلام که در باورهای دینی و دفاع از ارزشهای اسلامی استوار نیستند، با صراحت پیش بینی می کند در آینده تاریخ، گروهی به یاری این آیین خواهند شتافت که خداوند متعال، آنان را دوست دارد و آنان نیز به خدا علاقه دارند. آنان با اهل ایمان، فروتن و مهربان اند و در برابر دشمنان ارزشهای دینی، سرفراز و قاطع، در راه اقامه ارزشهای الهی با دشمنان پیکار می کنند و از سرزنش ملامتگران پروایی ندارند. (منبع: پایگاه حدیث نت)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لَمَّا سُئِلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...» فَقَالَ وَهُوَ يَضْرِبُ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ -: هَذَا وَذَوُّهُ، ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعْلَقًا بِالثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رَجُلًا مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ به سؤال از این آیه: «ای مؤمنان هر کس از شما از دینش (اسلام) برگردد، [بداند که] خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند...» -: در حالی که به شانه سلمان می زد، فرمود: «[آنان] این مرد و هموطنان اویند». سپس فرمود: «اگر دین به ثریا آویخته باشد، هرآینه، مردانی از ایرانیان به آن دست یابند». (حکمت نامه بسیج، ص ۲۶)

امام صادق علیه السلام: فی قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...»: الموالی. امام سجاد علیه السلام - در بیان وقایع روز تاسوعا، هنگامی که امام حسین علیه السلامیانش را در نزدیکی غروب جمع کرد -: به امام علیه السلام نزدیک شدم تا سخنانش را امام صادق علیه السلام - درباره آیه «خداوند، خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند...» -: مقصود، آزاد شدگان [ایرانی] است. (تفسیر العیاشی: ۱ / ۳۲۷ / ۱۳۶؛ حکمت نامه بسیج، ص ۲۸)

تفسیر القمی: قوله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».... نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابِهِ «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ». - در تفسیر سخن خداوند متعال: «ای مؤمنان! هر کس از شما از دینش (اسلام) برگردد، [بداند که] خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، مهربان و فروتن اند و با کافران، سختگیرند، در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسند»

:- [این آیه] درباره قائم (عج) و یارانش است که در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسند. (تفسیر القمی : ۱ / ۱۷۰؛ حکمت نامه بسیج، ص ۲۸)

مجمع البیان : فی قوله تعالى : «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِطَآئِفٍ غَيْرِكُمْ» :- یعنی إِنْ يَشَأْ اللَّهُ يَهْلِكْكُمْ «أَيُّهَا النَّاسُ» وَيَفْنِيَكُمْ ، وَقِيلَ : فِيهِ مَحْذُوفٌ ؛ أَيْ إِنْ يَشَأْ أَنْ يَذْهِبَكُمْ يَذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ «وَيَأْتِ بِطَآئِفٍ غَيْرِكُمْ» أَيْ : بِقَوْمٍ آخَرِينَ غَيْرِكُمْ يَنْصُرُونَ نَبِيَّهُ وَيُؤَازِرُونَهُ . وَيُرْوَى أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ضَرَبَ النَّبِيُّ يَدَهُ عَلَى ظَهْرِ سَلْمَانَ وَقَالَ : هُمْ قَوْمٌ هَذَا ، يَعْنِي : عَجَمَ الْفُرسِ . مجمع البیان درباره سخن خدای تعالی : «اگر [خدا] بخواهد، همه شما را از میان می برد» :- یعنی اگر خدا بخواهد، شما را هلاک می کند ، ای مردم، و نابودتان می گرداند. به قولی در این آیه، کلمه ای محذوف در تقدیر است؛ یعنی: اگر بخواهد شما را ببرد، می برد ، ای مردم ، و عده ای دیگر را می آورد؛ یعنی مردم دیگری غیر از شما را می آورد که پیامبرش را یاری می رسانند. روایت شده است که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله دستش را به پشت سلمان زد و فرمود: «آنان ، هموطنان این مرد هستند، یعنی ایرانیان» . (مجمع البیان : ۳ / ۱۸۷؛ حکمت نامه بسیج، ص ۲۸)

سخنان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) درباره بسیج:

— بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد.

— اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید.

— بار دیگر تأکید می کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت.

— ملیت که در خط اسلام ناب محمدی (ص) و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجرگرایی و مقدس نمایی است باید همه افرادش بسیجی باشند.

— در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجیم.

— بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضاء نموده اند.

— بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن اذان شهادت و رشادت سر داده اند.

— من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند.

— تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف جلایه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد.

- سخنان ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره بسیج:
- بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان (ارواحنا و فداه) و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است.
 - پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر (ارواحنا و فداه) مهدی موعود عزیز یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است.
 - شما جوانان بسیجی و سپاهی و جوانان مؤمن آگاهی را با احساس مسئولیت و شور و شعور همراه کردید.
 - نیروهای نظامی و بسیجی ما مؤمن و با اخلاصند و به عنوان پشتوانه‌ای که هیچ خدشه‌ای در آن راه ندارد، محسوب می‌شوند.
 - انکار بسیج، انکار بزرگترین ضرورت و مصلحت برای کشور است.
 - اگر بسیج در دوران پس از جنگ نبود و اگر امروز هم نباشد، کمیت این انقلاب و این نظام واهمه حرکت‌های سازنده این کشور لنگ است.
 - انکار بسیج و بی‌احترامی به آن یا نابردارانه است یا خائنانه است.
 - تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد، به نیروهای بسیج، به انگیزه بسیج به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج است.
 - فرزندان بسیجی‌ام با حضور خود در هر صحنه‌ای که لازم است دشمنان زیون را مرعوب و منکوب سازند.
 - بسیج، یعنی نیروی کارآمد کشور برای همه میدانها
 - همه جا چیزی شبیه بسیج هست، تنها به این درخشندگی، به این فراگیری، به این زیبایی، به این فداکاری، من در جایی سراغ ندارم.
 - این فداکاری، من در جایی سراغ ندارم.
 - نیروی عظیم بسیج مردمی است، این بسیج در همه قشرها هست.
 - بسیج، اختصاص به یک منطقه جغرافیایی و یک منطقه انسانی و طبقاتی و قشری ندارد، همه جا هست.
 - ایمان عاشقانه، ایمان عمیق، ایمان توأم با عواطف که از خصوصیات ملت ایران است باعث درخشان شدن بسیج شد.
 - دانشجوی بسیجی دشمن کمین گرفته را از یاد نمی‌برد و غافلانه خو و دانشگاه و کشورش را به دست تناول دشمن نمی‌سپرد.
 - بسیاری از پیشرفتهای کشور مرهون تفکر بسیجی است.

- هريك از آحاد قشرهای مختلف جامعه كه دارای روحیه حساس مسئولیت و ایمان باشد، بسیجی است.

- بسیاری از پیشرفته‌ها و موفقیت‌های نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف مرهون تفکر و میل بسیجی است.

- بسیجی یعنی علی که تمام وجودش وقف اسلام بود.

به گزارش بلاغ، از آن روزی که امام راحل، بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی بسیج را شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری نامید که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد، شاید هیچ‌گاه تصور نمی‌کردیم که آن امام سفر کرده چه آینده پرثمر و ارزشمندی را در قامت انقلاب اسلامی برای «بسیج» رقم زده است. بدون شک یکی از اهداف والای نظام اسلامی ایران صدور انقلاب به دیگر کشورهای اسلامی است و اینک بسیج به عنوان الگویی موفق و آزمون پس داده، توانسته است نقش مهمی را در این زمینه ایفا کند. امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح چهارشنبه هفته گذشته در دیدار هزاران نفر از بسیجیان، بسیج را «لشکر انقلاب» و «مظهر مردم‌سالاری دینی» و متکی بر بصیرت خواندند و با تأکید بر لزوم برنامه‌ریزی دقیق و مبتنی بر تشکیل هیئت‌های اندیشه‌ورزی برای هم‌افزایی لایه‌های مختلف بسیج به‌منظور حضور پرقدرد و تأثیرگذار در عرصه‌های گوناگون جامعه، فرمودند: «روحیه بسیجی یعنی خدا را همواره در کنار و همراه خود دیدن، و دچار ناامیدی و افسردگی و بن‌بست نشدن؛ بنابراین در پاسخ افراد ضعیف‌النفس که دچار ترس از دشمن و روحیه «نمی‌توانیم» شده‌اند، می‌گوییم با اتکا به قدرت الهی و باور قدرت حضور مردم، می‌توان بر همه مشکلات فائق آمد و از هیچ قدرتی هم نهراسید». و اینک همین بسیج مردمی که پایه گذار آن امام خمینی (ره) بودند در کشورهای دیگر به عنوان یک الگوی موفق مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال «حشدالشعبی» نیروی بسیج مردمی عراق است که از بطن فتوای وجوب کفایی آیت الله سیستانی مرجع عالیقدر شیعه و زمانی که گروه تروریستی داعش مناطق عمده‌ای از عراق را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده بود متولد شد، و با الگوپذیری از نیروهای مقاومت بسیج در ایران اسلامی توانسته است بازوی قدرتمند ارتش عراق در رویارویی با تروریست‌های تکفیری باشد. نیروهای مردمی عراق موسوم به «حشدالشعبی» از صدها هزار جوان شیعی عراقی که در بیش از ۴۲ گروه فعالیت می‌کنند تشکیل شده و اخیراً نیز به آموزش نیروهایی از جوانان اهل سنت در برابر تروریست‌های اشغال‌گر همت گماشته است و موفقیت حشدالشعبی در نبرد با داعش بسیار پررنگ و چشمگیر بوده است. برخی از گروه‌های تشکیل دهنده بسیج عراق تشکل‌های بزرگی هستند که قبل از فتوای آیت الله سیستانی موجود بوده‌اند و برخی دیگر تشکل‌های کوچکی هستند که پس از فتوا شکل گرفته‌اند که همه اینها در لوای «بسیج مردمی» قابل

تعریف است. با این حال دنیای استکباری غرب چه بخواهد و چه نخواهد، صدور انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک الگوی موفق اسلامی در دیگر سرزمین‌های اسلامی آغاز شده و برای آن کشورها هم دستاوردهای گرانبهایی کسب کرده است و اینک ما به عنوان یک ایرانی مسلمان به خود می‌بالیم که عضوی کوچک از جامعه بزرگ بسیجی هستیم که الگوی هر نوع مبارزه و جهاد با دنیای کفر و استکبار است.

«نوری المالکی» با ابراز خرسندی از موفقیت‌های پی در پی نیروهای بسیج مردمی عراق تصریح کرد: ما این نیروها را در ابتدای نا آرامی‌ها تشکیل دادیم و در ساختار آن از بسیج ایران الگو گرفتیم. مالکی گفت: سلاح نیروهای بسیج مردمی پیروزی یا شهادت است و برای همین در قاموس آنها عقب نشینی، تسلیم شدن و خیانت وجود ندارد. حشد الشعبی به کابوسی برای دشمنان عراق و تشیع مبدل شده است. وی با اشاره به الگوگیری کشورهای منطقه از عراق اظهار داشت: اکنون بسیاری از کشورها می‌گویند که چرا ما از تجربه عراق در تشکیل نیروهای بسیج مردمی استفاده نکنیم و چنین تشکلی را تاسیس نکنیم. (انتخاب تاریخ انتشار: ۱۲: ۲۰ - ۲۵ مرداد ۱۳۹۴) عقیل حسینی رئیس شورای بسیج عراق آن را ادامه بسیج ایران توصیف کرد. (ر.سا. ۹ آذر ۱۳۹۳) وی پیشتر گفته بود که بسیج عراق با تجربه بسیج ایران تشکیل شده است. (ر.سا. ۲۵ آبان ۱۳۹۳) نوری مالکی نیز که هنگام سقوط موصل نخست‌وزیر عراق بود تصریح کرد که ما در ساختار بسیج عراق از بسیج ایران الگو گرفتیم. (خبرگزاری اهل بیت، ۲۵ مرداد ۱۳۹۴) در سپتامبر ۲۰۱۵ حیدر عبادی نخست‌وزیر عراق اعلام کرد که گروه‌های حشد شعبی بخشی از نیروهای حکومتی هستند. (القرطاس نیوز) «در حال حاضر این نیروها تحت وزارت داخله فعالیت دارند». سرلشکر جعفری فرمانده سپاه تأکید کرد: اگر در عراق حشد الشعبی تشکیل نمی‌شد، معلوم نبود اوضاع عراق در صحنه جنگ تروریست‌های تکفیری چه می‌شد. (مشرق نیوز تاریخ انتشار: ۱۲ مهر ۱۳۹۵ - ۲۸:۱۳)

نیروهای دفاع ملی (به عربی: قوات الدفاع الوطني) که به بسیج سوریه معروف است، شاخه‌ای از نیروهای مسلح سوریه است که از بخش مهمی از نیروهای داوطلب مردمی پس از تابستان ۱۳۹۱ (۲۰۱۲ میلادی) تشکیل شد. این تشکیلات را ایران برای مبارزه در جنگ داخلی سوریه سازمان داد. تحلیلگران معتقد اند که این نیروها الگو گرفته از نیروهای بسیج ایران است. [«اذعان» کریستین ساینس مانیتور: «محبوبیت ایران در میان مردم سوریه / هسته‌های مقاومت مردمی سوریه "بسیج" ایران را الگوی خود قرار داده اند». باشگاه خبرنگاران. ۱۵ فروردین ۱۳۹۲] «لئون پانه تا»، وزیر وقت دفاع آمریکا در کنفرانسی مطبوعاتی و در واکنشی منفعلانه با فرافکنی در قبال مسئولیت کشورش نسبت به زمینه سازی برای سازمان دهی مجدد القاعده در سوریه، پای ایران و «جیش الشعبی» سوریه را به میان کشید و تلاش کرد، تشکیل یک نیروی مردمی همچون نیروی «بسیج» در کشور

سوریه و با هدف دفاع از این کشور را مهمترین نگرانی و مشکل حال حاضر سوریه بیان کند. پانه تا با اشاره به انتشار خبر تشکیل جیش الشعبی در سوریه اعلام کرد: «نشانه هایی وجود دارد که نشان می دهد، ایران در حال تشکیل و آموزش گروه های شبه نظامی در سوریه برای نبرد در کنار نیروهای ارتش این کشور علیه مخالفان است». وی افزوده بود: «ما اعتقاد داریم که ایران در این موقعیت نباید چنین نقشی را در سوریه ایفا کند و این اقدام تهران، اقدام بسیار خطرناکی است». این در حالی است که نیروهای مردمی یا همان جیش الشعبی سوریه که با الگو گیری از نیروی بسیج ایران پس از سال اول بحران در سوریه شکل گرفته بود، نقش مهمی را در پاک سازی شهر «حلب»، در شمال سوریه از گروه های تروریستی مسلح به خصوص گروه مسلح موسوم به «ارتش آزاد» ایفا کرد. به نظر می رسد تشکیل «جیش الشعبی» سوریه، بزرگترین دستاویزی بود که لئون پانه تا پس از گذشت یک هفته در واکنش به اتهام سازمان دهی القاعده در سوریه، توانست دست و پا کند. در حالی که پانه تا همچون اتهامات دیگرش به ایران در ماجرای عراق و افغانستان و لبنان، مدرک قابل استنادی برای نقش ایران در تشکیل این نیروی مردمی ارائه نکرد. همچنین روزنامه انگلیسی گاردین به نقل از ژنرال اسرائیلی "آویو کوچاوی" چندی پیش مدعی شده بود که ایران و حزب الله برای کمک به ادامه حیات دولت سوریه، در این کشور، ارتشی مردمی به استعداد ۵۰ هزار نفر تشکیل داده اند و قصد دارند تعداد افراد آن را به دو برابر نیز افزایش دهند.

در واقع مقامات سوری با الهام گیری از الگوی نیروی مقاومت بسیج ایران، اقدام به تشکیل «جیش الشعبی» در سوریه کردند که نقش مهمی در کنترل ناآرامی های این کشور و مقابله با گروه های مسلح تروریستی در مناطق مختلف سوریه داشته است. تشکیل «جیش الشعبی» سوریه را باید نتیجه مقاومت و حمایت مردم این کشور از «بشار اسد» رئیس جمهوری سوریه و در جهت شکست توطئه غرب در این کشور دانست. (کد خبر: ۳۱۵۳۲۹ تاریخ انتشار: ۱۷ خرداد ۱۳۹۳ - ۴۶:۰۰ آشنایی با جیش الشعبی سوریه؛ "بسیج"؛ شاهکاری که اسد را از سقوط نجات داد + فیلم و تصاویر)

هفت آذر روز نیروی دریایی

به مناسبت رشادت ها و دلاوری های نیروی دریایی ارتش در دفاع از جزایر، بنادر، سواحل و شهرهای جنوبی به ویژه دفاع از آبادان و خرمشهر و آب های نیلگون خلیج فارس در دوران جنگ تحمیلی و انهدام نیروی دریایی دشمن بعثی، در همان آغاز جنگ، با تأیید حضرت امام خمینی (ره)، هفتم آذر، سالروز حماسه آفرینی ناوچه موشک انداز پیکان، به عنوان روز نیروی دریای ارتش نام گرفت تا همه ساله، حماسه با شکوه دریادلان نیروی دریایی و یاد شهدای عزیز و گرانقدر این نیرو گرامی داشته شود. هفتم آذر، تبلور ایثار و جان فشانی های پرسنل قهرمان و جان بر کف نیروی

دریایی مهین اسلامی ایران در برقراری ثبات وامنیت در آب‌های نیلگون خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد. این نیرو با یگان‌های شناور دریایی، تفنگداران و تکاوران، اسکادران‌های هواناو و هوادریا، واحدهای پروازی نیرو و با غواصان ورزیده و... هر نوع فعالیت از سوی دشمن را در محدوده قانونی خود خنثی خواهد کرد. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهش‌های صدا و سیما)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ جَلَسَ عَلَى الْبَحْرِ اخْتِسَابًا وَ نِيَةً اخْتِطَا لِلْمُسْلِمِينَ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ قَطْرَةٍ فِي الْبَحْرِ حَسَنَةً. هر کس برای خدا و به خاطر دفاع از مسلمانان، قدم به دریا گذارد، خداوند به تعداد هر قطره ای از دریا، برایش ثواب و حسنه می نویسد. (میزان الحکمه، جلد دوم)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ لَمْ يَدْرِكِ الْعَزْوُ مَعِيَ فَلْيَغْزُ فِي الْبَحْرِ. کسی که موفق نشده در رکاب من بجنگد، در دریا به جنگ رود. (میزان الحکمه، جلد دوم)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: إِنَّ شُهَدَاءَ الْبَحْرِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ شُهَدَاءِ الْبَرِّ. شهدای جنگ دریایی نزد خداوند برترند از شهدای جنگ زمینی. (میزان الحکمه، جلد دوم)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: غَزْوَةٌ فِي الْبَحْرِ مِثْلُ عَشْرِ غَزَوَاتٍ فِي الْبَرِّ؛ (یک بار جنگیدن در دریا مانند ده بار جنگیدن در خشکی است. (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: حَرَسَ لَيْلَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ رَجُلٍ وَ قِيَامِهِ فِي أَهْلِهِ أَلْفَ سَنَةٍ؛ يك شب نگهبانی در راه خدا بر کرانه دریا، بهتر از هزار سال نماز و روزه مرد در میان خانواده اش است. (کنز العمال، ج ۱۰۵۷۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شَهِيدُ الْبَحْرِ مِثْلُ شَهِيدِ الْبَرِّ؛ [يك شهید در دریا مانند دو شهید در خشکی است. (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شَهِيدُ الْبَحْرِ يَغْفَرُ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَالَّذِينَ وَالْأُمَّةُ؛ همه گناهان شهید دریا آمرزیده می شود، حتی بدهی و امانتش. (جامع الصغير، ج ۲، ص ۸۰)

در احادیثی یک غزوه دریایی را با ده نبرد برّی و یک شهید دریا را با دو شهید صحرا برابر می‌داند، (سنن ابن ماجه، باب ۱۰، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱ - عبدالله بن عبدالرحمن دارمی، سنن الدارمی، باب ۲۹، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱ - سنن ابن ماجه، باب ۱۰، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱) (از کتاب دانشنامه جهان اسلام نویسنده: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی جلد: ۱ صفحه: ۵۹۳)

يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ، اَيُّ خِدَائِي كِه آفريده های شگفت انگيزت در درياهاست. (بند ۵۸ از دعای جوشن کبیر) يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ سَبِيلُهُ، اَيُّ كِه هم در خشکی و هم در دریا راه رسیدن به او هست. (بند ۴۲ از دعای جوشن کبیر) يَا رَبَّ الْبَرِّ اَرِي وَ الْبَحْرِ، اَيُّ پروردگار صحراها و درياها. (بند ۵۴ از دعای جوشن کبیر)

«وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا . (نحل : آیه ۱۴) اوست کسی که دریا را مسخّر شما کرد تا از آن ، گوشت تازه بخورید».

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به فداکاریهای نیروی دریایی در مقاطع مختلف بخصوص در دوران دفاع مقدس، اظهار داشتند: نیروی دریایی هم برای نیروهای مسلح و هم برای کشور مایه آبرو و عزت بوده و یاد شهدای این نیرو از جمله شهدای فداکار ناوچه پیکان همواره در تاریخ این کشور ماندگار خواهد بود... نیروی دریایی باید با افزایش روزآمد آمادگیها و تواناییهای نظامی، و همچنین تقویت انگیزه‌های ایمانی و روحیه فداکاری، نقش بزرگ و مهم خود را در حفظ امنیت ملی و دفاع عمومی و حفاظت از حصار مستحکم کشور استمرار دهد... نیروی دریایی هم برای نیروهای مسلح و هم برای کشور مایه آبرو و عزت بوده و یاد شهدای این نیرو از جمله شهدای فداکار ناوچه پیکان همواره در تاریخ این کشور ماندگار خواهد بود.. (ازبیانات رهبر معظم انقلاب پنجشنبه ۹۴/۹/۵)

شانزده آذر روز دانشجو

قال الله تعالى : قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ . (زمر ، آیه ۹) قال الله تعالى : بگو : «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسان اند» .

امام علی علیه السلام : تَعَلَّمِ الْعِلْمَ وَ اَعْمَلْ بِهِ وَ اَنْشُرْهُ فِي اَهْلِهِ ؛ (أعلام الدّین ، ص ۲۵۴) امام علی علیه السلام : دانش بیاموز و آن را به کار بند و در میان اهلسش بپراکن .

امام علی «ع» فرمودند: مَجْلِسُ الْعِلْمِ رَوْضَةُ الْجَنَّةِ؛ مجلس دانش، باغ بهشت است. (الدرّة الباهرة، ح ۳۵) امام علی علیه السلام فرمودند: تَعَلَّمِ الْعِلْمَ وَ اَعْمَلْ بِهِ وَ اَنْشُرْهُ فِي اَهْلِهِ ؛ دانش بیاموز و آن را به کار بند و در میان اهلسش بپراکن . (أعلام الدّین ، ص ۲۵۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: طَالِبُ الْعِلْمِ لَا يَمُوتُ اَوْ يَمُتُّعَ جَدَّةً يَقْدِرُ كَدَّهُ ؛ جوینده دانش نمی میرد تا آن گاه ، که به اندازه زحمتش ، از خوش بختی بهره برد. (عوالی اللآلی ، ج ۱ ، ص ۲۹۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ خَرَجَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَانَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ ؛ آن که در جست و جوی دانش بیرون رود ، در راه خدا است ، تا آن گاه که بازگردد . (المحجّة البيضاء ، ج ۱ ، ص ۱۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: النَّاسُ رَجُلَانِ: عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ لَا خَيْرَ فِيمَا بَيْنَهُمَا. مردم، دو گروهند: دانشمند و دانش اندوز و در غیر این دو، خیری نیست. (نهج الفصاحه، ح ۳۱۴۵)

امام علی علیه السلام فرمودند: اَعْلَمُوا اَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ؛ بدانید که کمال دین در طلب دانش و به کار بستن آن است. (الكافی، ج ۱، ص ۳۰)

قال الصادق عليه السلام: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ؛ هَر كَسْ بَرَايِ خُدا دَانَشْ بِيَامُوزْد وَ بَه آن عَمَلْ كَنْد وَ بَه دِيْگَرَانْ آمُوزَشْ دَهْد، دَر مَلَكُوتِ آسْمَانِهَا بَه بَزَرگِي يَاد شُود وَ گُويَنْد: بَرَايِ خُدا آمُوخْت وَ بَرَايِ خُدا عَمَلْ كَرْد وَ بَرَايِ خُدا آمُوزَشْ دَاد. (الذريعة الى حافظ الشريعة (شرح اصول کافی) ج ۱، ص ۵۶)

به صفحه ۲۲۰ دوازده اردیبهشت روز معلم؛ و به صفحه ۲۵۰ اول مهر روز بازگشایی مدارس نیز مراجعه شود.

بیست و پنج آذرروز پژوهش

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا عَمَلَ كَالْتَحْقِيقِ؛ هیچ کرداری مانند پژوهش نیست. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۴۸۳) امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ بَغَيْرِ تَحْقِيقٍ»، «هر تلاشی که در آن تحقیق و حقیقت جویی نیست، بهره ای ندارد.» (معجم الفاظ غررالحکم، ص ۲۴۹)

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «لَا سُنَّةَ أَفْضَلَ مِنَ التَّحْقِيقِ.» «هیچ راهی برتر از تحقیق و حقیقت جویی نیست.» (معجم الفاظ غررالحکم، ص ۲۴۹) امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «لَا عَمَلَ كَالْتَحْقِيقِ.» «هیچ کاری چون تحقیق و حقیقت جویی نیست.» (معجم الفاظ غررالحکم، ص ۲۴۹)

امام حسین علیه السلام: «مَنْ دَلَّاهُ الْعَالَمُ إِنْتِقَادَهُ لِحَدِيثِهِ وَ عِلْمَهُ بِحَقَائِقِ فَنُونِ النَّظَرِ» از نشانه های عالم، نقد سخن و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است. «بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹»

امام باقر علیه السلام فرمودند: تَذَاكُرُ الْعِلْمِ دِرَاسَةٌ وَ الدَّرَاسَةُ صَلَوةٌ حَسَنَةٌ: گفت و گوی علمی درس است، و درس نمازی نیکو است. (الكافی، ج ۱، ص ۴۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: لَا فِقْهَ لِمَنْ لَا يَدِيْمُ الدَّرْسَ؛ آن که آموختن را استمرار نمی بخشد، از درک دانش بی نصیب است. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۵۵۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: مَنْ أَكْثَرَ مُدَارَسَةَ الْعِلْمِ لَمْ يَنْسَ مَا عِلِمَ وَ اسْتَفَادَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ هر که بحث علمی بسیار کند، آموخته هایش را از یاد نمی برد و آنچه را که نمی داند، فرا می گیرد. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۹۱۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: تَذَاكُرُ الْعِلْمِ بَيْنَ عِبَادِي مِمَّا تَحْيِي عَلَيْهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، إِذَا هُمْ انْتَهَوْا فِيهِ إِلَى أَمْرٍ؛ خداوند می فرماید: بحث علمی میان بندگانم، چون به من بینجامد، دل های مرده با آن زنده می شود. (عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۷۸)

امام علی علیه السلام فرمودند: عَلَيكُمْ بِالدَّرَايَاتِ لَا بِالزَّوَايَاتِ؛ بر شما باد به فهمیدن، نه نقل کردن. (میزان الحکمه، ح ۳۳۵۵)

امام علی علیه السلام فرمودند: کل وعاء یضیق بما جعل فیہ الا وعاء العلم فانه یتسع؛ گنجایش هر ظرفی با آنچه در آن نهند، تنگ می شود، جز ظرف دانش که هر چه در آن نهند، گسترش می یابد. (اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۲).

امام علی علیه السلام فرمودند: فَضْلُ فِکْرٍ وَ تَفْهَمٍ أَتَجْعُ مِنْ فَضْلِ تَکْرَارٍ وَ دِرَاسَةٍ. زیاد اندیشیدن و فهمیدن سودمندتر از زیاد تکرار کردن و خواندن است. (غررالحکم، ج ۴۷۰۸)

بیست و شش آذرروز حمل و نقل

امام کاظم علیه السلام فرمودند: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ ، يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ سِيرُوا عَلَى جَنْبِ الطَّرِيقِ ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند ، می گوید: «ای سوارگان! از وسط راه و ای پیادگان از دو سو حرکت کنید.» (تهذیب الأحکام ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: مَنْ أَضَرَّ بَشَىٍّ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ ؛ هر کس بخشی از راه عبور مسلمانان را تباہ کند ، ضامن آن است . (الکافی ، ج ۷ ، ص ۳۵۰)

امام علی علیه السلام فرمودند: کُنَّا فِي غَزَاةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَازْدَحَمَ النَّاسُ وَ تَضَايَقُوا فِي الطَّرِيقِ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُنَادِيًا فَنَادَى: مَنْ ضَيَّقَ طَرِيقًا فَلَا جِهَادَ لَهُ؛ در جنگی همراه پیامبر بودیم . مردم ازدحام کردند و راه تنگ شد . پیامبر به شخصی دستور داد تا ندا دهد: «هر کس راه را بند آورد هیچ جهادی نکرده است.» (دعائم الإسلام ، ج ۱ ، ص ۳۴۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: صَاحِبُ النَّاقَةِ أَحَقُّ بِالْجَادَةِ مِنَ الرَّاجِلِ ؛ سواره به راه سزاوارتر است تا پیاده . (مستدرک الوسائل ، ج ۱۷ ، ص ۱۲۱)

یک دی روز کشاورزی

کشاورزی در فرهنگ اهل بیت (ع) از اهمیت بسیار بر خور دار است. این کار نه تنها در کلمات آن بزرگان مورد بیشترین تاکید قرار گرفته، بلکه اکثر پیامبران الهی، پیشوایان معصوم و بندگان صالح عملاً به این کار پرداخته و به آن افتخار کرده اند. آن بزرگان کشاورزان را انسانهایی ارزشمند، متوکل، نیکوکار، صاحب پاک ترین و حلال ترین شغل ها و سودمند به حال جامعه معرفی کرده، در جهان آخرت، صاحب بهترین مقامات دانسته اند. اهمیت و ارزش دادن به کشاورزی در فرهنگ غنی اسلام تا آنجا پیش رفته که ذات مقدس باری تعالی در قرآن خودش را کشاورز معرفی کرده، خطاب به مردم می فرماید: «افرايتم ما تحرثون. ء انتم تزرعونه ام نحن الزارعون» آیا ندیدید تخمی را که در زمین می کارید؟ آیا شما کشاورزید یا ما؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْغَنَمِ؛ چون خداوند، وسایل زندگی مردم را آفرید، برکت‌ها را در کشاورزی و گوسفندداری قرار داد. (کنز العمال، ح ۹۳۵۴)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا. اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد، چنانچه بتواند برنخیزد تا آن نهال را بکارد این کار را بکند. (کنز العمال: ۹۰۵۶ منتخب میزان الحکمة: ۲۹۰) عنه صلی الله علیه و آله و سلم: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. مسلمانی نیست که بذری بيفشاند یا نهالی بنشاند و از حاصل آن بذر و نهال پرنده‌ای یا انسانی یا چرنده‌ای بخورد، مگر آن که برای او صدقه محسوب شود. (کنز العمال: ۹۰۵۱ منتخب میزان الحکمة: ۲۹۰)

عنه صلی الله علیه و آله و سلم: مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ. هیچ کسی نیست که درختی بنشاند، مگر این که خداوند به اندازه میوه‌ای که آن درخت می‌دهد، برایش اجر بنویسد. (کنز العمال: ۹۰۷۵ منتخب میزان الحکمة: ۲۹۰)

عنه صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ نَصَبَ شَجَرَةً وَصَبَرَ عَلَى حِفْظِهَا وَالْقِيَامِ عَلَيْهَا حَتَّى تَثْمَرَ، كَانَ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يَصَابُ مِنْ ثَمَرِهَا صَدَقَةٌ عِنْدَ اللَّهِ. هر که درختی بنشاند و در راه نگهداری و رسیدگی به آن صبر کند تا میوه دهد، در قبال هر میوه‌ای که از آن بخورند، یک صدقه نزد خدا برایش منظور می‌شود. (کنز العمال: ۹۰۸۱ منتخب میزان الحکمة: ۲۹۰)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَقْطَعُوا الثَّمَارَ فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا. درختان میوه را قطع نکنید، که خداوند بر سر شما عذاب سختی فرو می‌ریزد. (الکافی: ۵ / ۲۶۴ / ۹ منتخب میزان الحکمة: ۲۹۰)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. هر مسلمانی درختی بنشاند، یا کشته‌ای بکارد و انسانی یا پرنده‌ای یا حیوانی از محصول آن بخورد، برای وی صدقه محسوب شود. (مستدرک الوسائل: ۱۳ / ۴۶۰ / ۱۵۸۹۲ منتخب میزان الحکمة: ۲۴۴)

عنه عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ وَجَدَ مَاءً وَثَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ. امام باقر عليه السلام: امير المؤمنين عليه السلام می‌فرمود: هر که با وجود داشتن آب و خاک نیازمند باشد، خدای (از رحمت خود) دورش گرداند. (قرب الإسناد: ۱۱۵ / ۴۰۴ منتخب میزان الحکمة: ۲۴۶) امام محمد باقر (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ لِأَنْبِيَائِهِ الْحَرْثَ وَالزَّرْعَ. خداوند برای انبیای خود عمل زراعت و کشاورزی را برگزید. (لئالی الأخبار، ج ۳، ص ۲۸۰)

عنه عليه السلام : ما فى الأعمالِ شىءٌ أحبَّ إلىَّ الله تعالى مِنَ الزَّراعةِ، وما بَعَثَ اللهُ نبياً إلا زَرَّاعاً إلا إدریسَ عليه السلام فَإِنَّهُ كَانَ حَيَّاطاً . امام صادق عليه السلام : درمیان کارها هیچ کاری نزد خدا محبوبتر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری برنمیگذاشت مگر آن که کشاورز بود ، به جز ادریس عليه السلام که خیاط بود . (مستدرک الوسائل : ۱۳ / ۴۶۱ / ۱۵۸۹۸ منتخب میزان الحکمة : ۲۴۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اُطْلُبُوا الرِّزْقَ فى حَبَايا الأرضِ. روزی را از آنچه در زمین پنهان است، بجویید. (کنز العمال، ج ۹۳۰۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: الزَّارِعُونَ كُنُوزُ الْأَنْامِ. کشاورزان گنج های مردمان اند. (الكافی، ج ۵، ص ۲۶۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: الْكیمیاءُ الْأَكْبَرُ الزَّراعةُ. بزرگ ترین کیمیا، کشاورزی است. (الكافی، ج ۵، ص ۲۶۱)

امام باقر علیه السلام: خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْثُ. بهترین کارها کشاورزی است. (میزان الحکمه، ج ۷۵۴۵)
امام جعفر صادق (علیه السلام): الْكیمیاءُ الْأَكْبَرُ الزَّراعةُ. بزرگترین اکسیر و کیمیا حرفه کشاورزی است. (وسائل، ج ۱۳، ص ۱۹۴)

امام جعفر صادق (علیه السلام): الْفَلَاخُونَ هُمُ الزَّارِعُونَ، (هُمْ) كُنُوزُ اللَّهِ فى أَرْضِهِ. کشاورزان همان زارعان و بزرگران هستند. آنان گنج های خداوند در زمین به شمار می آیند. (تهذیب، ج ۲، ص ۱۱۵)
امام جعفر صادق (علیه السلام): فى قول الله: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» قال: الزَّارِعُونَ. درباره این فرموده خداوند: «متوکلان باید که بر خدا توکل کنند» حضرت فرمود: آنان کشاورزان هستند. (وسائل، ج ۱۲، ص ۲۵)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِناً مِنْ ظَمَاءٍ. کسی که یک شکوفه خرما یا یک درخت سدری را آب بدهد گویا یک مؤمن تشنه ای را آب داده است. (لئالی الأخبار، ج ۳، ص ۲۸۰)

امام جعفر صادق (علیه السلام): خَيْرُ الْمَالِ زَرْعُ زَرْعُهُ صَاحِبُهُ وَأَصْلَحُهُ وَأَدَى حَقُّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ. بهترین مال و دارایی آن زراعتی است که صاحبش آن را کشت کند و به خوبی پرورش دهد و در هنگام درو حقوق شرعی آن را ادا نماید. (مستدرک، ج ۱۳، ص ۴۶۰)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: أَكْرِمُوا الْخُبْزَ فَإِنَّهُ قَدْ عَمِلَ فِيهِ مَا بَيْنَ الْعَرْشِ إِلَى الْأَرْضِ وما فيها مِنْ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ. نان را (که فراورده حیاتی و زراعتی است) عزیز و گرامی بدارید چه آنکه عوامل سماوی و ارضی و بسیاری از آفریده های خداوندی در به عمل آوردن آن سهیم بوده اند. (فروع کافی، ج ۶، ص ۳۰۲)

امام موسی کاظم (علیه السلام): ثَمَنُ الْعِقَارِ مَمْحُوقٌ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ فِي عِقَارٍ مِثْلَهُ. قیمت فروش زمین زراعتی برکت ندارد مگر اینکه با آن زمین دیگری خریداری شود (کشاورز نباید زمین زراعتی را از دست بدهد). (فروع کافی، ج ۵، ص ۹۲)

امام جعفر صادق (علیه السلام): مَنْ بَاعَ أَرْضاً أَوْ مَاءً وَلَمْ يَضَعْهُ فِي أَرْضٍ أَوْ مَاءٍ ذَهَبَ ثَمَنُهُ مُحَقًّا. کسی که زمینی یا چاه و قناتی را بفروشد و با آن زمین و آبی دیگر تهیه نکند مال خود را به هدر داده و برکتی نخواهد داشت (فروع کافی، ج ۵، ص ۹۱)

امام جعفر صادق (علیه السلام): إِنَّ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ الْفَسِيلَةَ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا! اگر زمان قیام قیامت فرا برسد و در دست یکی از شما نهال درختی باشد چنانچه به قدر کاشتن آن فرصت دارد باید آن را بکارد! (مستدرک، ج ۱۳، ص ۴۶۰) (مجله فرهنگ کوثر اسفند ۱۳۷۷، شماره ۲۴ کشاورزی در فرهنگ اهل بیت (ع))

هفت دی روز سواد آموزی

سواد آموزی به توفیق فرمان امام خمینی (ره) از يك حرکت محدود فرهنگی، به نهضتی فراگیر تبدیل شد و از آن پس در شمار مقدس ترین آرمانهای انقلاب اسلامی در آمد. به حتم، چنین آرمان مقدسی، شایستگی آن را دارد که در کنار مهم ترین اهداف و برنامه های معجزه قرن، یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی بنشیند و سطری طلایی در کارنامه نهضت اسلامی در جهان معاصر باشد. نیاز به توصیه و توجیه نیست؛ زیرا همگان می دانند که آموختن تنها دستاویز انسان در سراسیمه نشناختن و ندانستن است. اما همتی بلند می خواهد و توفیقی مدام. در دین و آیینی که تعلیم و تعلم، عبادت است، جستجوی دانش، فریضه و عالم ارجمندترین کس در میان مردم است، محرومیت از خواندن و نوشتن، بخشودنی نیست. اولین کلمه و نخستین فرمان آخرین کتاب آسمانی، امر به خواندن است. چنین کتابی و چنان آیینی، مسلمانی را که نخواند و ننویسد، سرزنش می کند. آموزاندن، بهایی بود که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) برای آزادی اسیران جنگ بدر مقرر فرمود، و آموختن، هنری است که همه توانایی ها و هنری های دگر، از آن می جوشد و سر برمی آورد. راست است که از دانایی می خیزد و دانستن، توانستن می آفریند. تشکیل نهضت مقدس سوادآموزی، اقتضای روح و مرام انقلاب اسلامی بود و اگر چنین نبود، جای هزار شگفتی و تاسف بود. به یمن فرمان امام خمینی (ره) پایه و اساس نهضتی گذارده شد که در هر گام، طاغوتی را شکست و در هر مرحله توفیقی به چنگ آورد. هر سرزمینی که به تصرف این قیام ستودنی، در می آید، بر بام آن پرچم فخر و برازندگی افراشته می شود و چراغ سعادت و بالندگی افروخته تر می گردد. رهبران و کوشندگان این نهضت را سپاس می گوئیم و توفیق بیشتر آنان را از خداوند خواستاریم. به جا و شایسته است که

هدف ها و رسالت والای نهضت سوادآموزی مورد توجه و دقت قرار گیرد. این هدف ها در پیام تاریخی امام امت که روز هفتم دی ماه سال ۱۳۵۸ به این مناسبت صادر فرمودند، بین شده است. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

اسلام، دین دانش آموزی و یادگیری است؛ از بدو تولد تا آخرین فرصت باقی مانده. دانشگاه اسلام، فارغ التحصیل ندارد، بلکه دانشجویان آن همیشه و همه جا در حال ادامه تحصیل اند. آموزه قرآنی برای همگان این است: «پروردگارا! علم مرا زیاد کن». (سوره طه: آیه ۱۱۴)

قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون ، انما یتذکر اولوا الالباب (سوره زمر ، آیه ۹) بگو آیدانایان با نادانان مساویند ؟ جز این نیست که تنها خردمندان یادآور می شوند

رسول اکرم (ص) : طلب العلم فريضة على كل مسلم. یعنی جستجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی فرض و واجب است .

امام صادق علیه السلام فرمودند: مَنْ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ بَرِّهِمْ وَ فَاجِرِهِمْ بِالْكِتَابِ وَ الْحِسَابِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَتَغَالَطُوا ؛ خداوند با نعمت نوشتن و حساب کردن ، بر مردم ، از نیک و بد، مَتَّ نهداد و اگر این دو کار نبود آنان گرفتار اشتباه می شدند . (الکافی ، ج ۵ ، ص ۱۵۵)

امام باقر علیه السلام فرمودند: سَارِعُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ ؛ در جست و جوی دانش شتاب کنید . (المحاسن ، ج ۱ ، ص ۳۵۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ . . . أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ ؛ از حقوق فرزند بر پدرش این است که او را نوشتن بیاموزد . (مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۶۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: قِيدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ؛ علم را ، با نوشتن در بند کشید . (کنز العمال : ۲۹۳۳۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى ذُلِّ التَّعَلُّمِ سَاعَةً بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا ؛ هر کس بر خواری ساعتی دانش آموختن صبر نکند، برای همیشه در خواری نادانی بماند . (عوالی اللالی : ۱ / ۲۸۵ / ۱۳۵ منتخب میزان الحکمه : ۳۹۸)

كَانَ نَاسٌ مِنَ الْأَسْرَى يَوْمَ بَدْرٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ فِدَاءٌ فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه و آله- فِدَاءَهُمْ أَنْ يَعْلَمُوا أَوْلَادَ الْأَنْصَارِ الْكِتَابَةَ ؛ (مسند أحمد ، ج ۱ ، ص ۲۴۷) جمعی از اسیران جنگ بدر چیزی برای فدیة دادن نداشتند ؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فدیة آنان را این قرار داد که به کودکان انصار نوشتن بیاموزند . رسول اکرم (ص) فرمود : اطاعت از فرمان الهی و پرستش ذات اقدس او بر اثر علم است ، خیر دنیا و آخرت در پرتو علم بدست می آید، و شرّ دنیا و آخرت از جهل و نادانی دامنگیر انسان میشود. (منبع: بحار، جلد ۱، ص ۶۴) به صفحه ۲۵۰ اول مهر روز بازگشایی مدارس نیز مراجعه شود.

یک بهمن ارایه نظریه ولایت فقیه توسط حضرت امام خمینی در نجف اشرف (۱۳۴۸ ش)

نظریه ولایت فقیه توسط امام خمینی ره مبنای حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی «نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» [که یکی از شعارهای مردم در راهپیماییهای سال ۵۷] شد و مبنای قانون اساسی و سایر قوانین بعد از تصویب قانون اساسی و تشکیل جمهوری اسلامی «از سال ۵۸ به بعد» شد و قوانین قبل از سال ۵۷ را نقض و ملغی و یا اصلاح کرد.

اول بهمن ۱۳۴۸ ش، سرآغاز سلسله درس های زیربنایی "ولایت فقیه" یا "حکومت اسلامی" بود که حضرت امام خمینی (ره) همزمان با رهبری حرکت سرنوشت ساز بسیج نیروهای جوان و دانشگاهی و تشویق آنان به مطالعه و بررسی قوانین همه جانبه اسلام، در حالی که چند سالی از تبعیدشان در نجف اشرف می گذشت، در طی دوازده جلسه در مسجد شیخ انصاری ارائه نمودند. این بحث علمی نه تنها حوزه های علمیه و محافل علمی روحانیت را با بیانی مستدل و فقهی به اصل تفکیک ناپذیری دین و سیاست متوجه می نمود، بلکه محیطهای دانشگاهی را نیز با نظام سیاسی اسلام به عنوان یک تئوری کامل و الهی برای حکومت اسلامی آشنا می کرد و روح خودکم بینی و خودباختگی را از این محافل آشنا با فرهنگ غرب می زدود. سخنان حضرت امام خمینی در این جلسات پس از مدتی تبدیل به کتابی با همین عنوان گردید و علی رغم ممنوعیت و تدابیر شدید ساواک ایران، به طرق گوناگون و مخفیانه به دست مبارزان داخل کشور می رسید. هر چند این کتاب در ابتدا جز در میان پیروان امام خمینی بازتاب گسترده و مهمی نیافت اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از اهمیت ویژه ای برخوردار شد.

ولایت فقیه اصطلاح و نظریه ای شیعی و فقهی و به معنای سرپرستی و حکومت فقیه است. این سرپرستی و حکومت و نیز شخصی که شایسته آن است، تعریف، شرایط و ویژگی هایی دارد که فقیهان شیعه آن ها را از منابع روایی شیعی استنباط کرده اند. موضوع ولایت فقیه در آثار فقهی بسیاری از فقیهان شیعه آمده است و اختلافی در آن نیست؛ اما درباره کمیت و کیفیت اختیارات فقیه میان آنان اختلافاتی وجود دارد.

ملا احمد نراقی در کتاب مستند الشیعه به ولایت فقیه توجه ویژه ای کرده است. امام خمینی پیش از بنیانگذار جمهوری اسلامی، در حوزه علمیه نجف این نظریه را به صورت مفصل به بحث گذاشت و به عنوان یک نظریه حکومتی مطرح ساخت که برخی از مباحث ولایت فقیه ایشان در کتاب ولایت فقیه امام خمینی به چاپ رسیده است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش که منجر به برپایی حکومتی دینی براساس باورهای شیعی شد، این نظریه به صورت عملی امکان اجرا پیدا کرد.

حاکمیت ولایت فقیه در قالب نظام جمهوری اسلامی در ایران، به بحث درباره ولایت فقیه و نسبت آن با سایر نظام‌های حکومتی دامن زد و انتشار هزاران کتاب و مقاله در اثبات یا نقد ولایت فقیه، این نظریه را به یک گفتمان تبدیل کرد.

بنابر ادله و شواهد دینی، تشکیل حکومت اسلامی یعنی حکومتی که بر مبنای احکام خداوندی باشد لازم است؛ در رأس این حکومت باید کسی قرار بگیرد که در فهم احکام الهی صاحب نظر و متخصص بوده و دارای امتیازاتی باشد که بتواند مشکلات جامعه را حل و فصل کند؛ به این انسان ولی فقیه می‌گویند و این یعنی ولایت فقیه.

سرپرستی فقیه جامع الشرائط در عصر غیبت را ولایت فقه می‌گویند.

در عصر غیبت کبری که مردم از نعمت حضور امام معصوم (علیه السلام) در جامعه انسانی و راهبری او در عرصه‌های گوناگون همانند معرفت، حکومت و قضاوت محروم‌اند، فقیه عادل دارای شرایط فتوا بر آنان ولایت دارد. (امامت؛ اجتهاد؛ غیبت کبری) ولایت فقیه، در حقیقت نیابت عام از امام معصوم (علیه السلام) است و به معنای سرپرستی امور شیعیان در عصر غیبت کبری است.

این بدان سبب است که حضور کامل دین در جامعه انسانی در گرو برپایی حکومت اسلامی است. ضرورت وجود حکومت اسلامی محدود به عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا روزگار حضور امام معصوم (علیه السلام) نیست. (ولایت فقیه، امام خمینی ص ۱۹)

ولایت فقیه در رهبری جامعه‌ی اسلامی و اداره‌ی امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه‌ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد. از آن جا که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره‌ی امور جامعه است، لذا همه‌ی طبقات جامعه‌ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه‌ی اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند. (درس "چهارم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است)

دوازده تا بیست و دو بهمن دهه فجر

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ حضرت امام خمینی پس از نزدیک به ۱۵ سال دوری و تبعید از وطن، در میان استقبال پرشور مردم قدم به خاک ایران اسلامی گذاشت و بزرگ‌ترین استقبال تاریخ در تهران شکل گرفت. استقبال گسترده مردم آگاه و بیدار ایران از امام، چنان بی‌نظیر بود که می‌توان گفت در هیچ

دوره ای از تاریخ معاصر، مردم، از يك شخصیت محبوب خود، این چنین استقبال نکرده اند. امام، پس از يك سخنرانی کوتاه تشکرآمیز در فرودگاه، برای ادای احترام به شهیدان انقلاب اسلامی به مرقده آنها در بهشت زهرا رفتند. در مسیر بهشت زهرا، دریایی از انسان‌ها موج می‌زد و اتومبیل با کندی می‌توانست حرکت کند. ساعت‌ها طول کشید تا این فاصله طی شد. اتومبیل حامل امام را ده‌ها موتور سوار حفاظت می‌کرد. بر سقف اتومبیل حامل حضرت امام، جوانان عضو کمیته استقبال قرار داشتند و از مردم درخواست می‌کردند که راه را باز نمایند. صدها خبرنگار و عکاس، از این مراسم عکس می‌گرفتند تا هر چه زودتر، این حادثه تاریخی را مخابره نمایند. جمعیت استقبال‌کننده در طول ۳۳ کیلومتر از فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا را بین ۵ تا ۸ میلیون نفر یعنی بیش از جمعیت آن روز تهران تخمین زدند. صدها هزار نفر از شهرهای مختلف کشور به تهران آمده بودند تا در این مراسم باشکوه شرکت نمایند. ورود اتومبیل حامل امام، با آن جمعیت انبوه امکان‌پذیر نبود لذا از هلی کوپتر استفاده شد. امام در بهشت زهرا، در جایی که هزاران شهید گلگون کفن انقلاب آرمیده بودند و در میان انبوه جمعیت سخنان مهمی ایراد فرمودند. ایشان در این سخنرانی که یکی از پرجمعیت‌ترین اجتماعات تاریخ بود، غیرقانونی بودن رژیم سلطنت پهلوی را با استدلال مطرح و خطوط آینده انقلاب و دولت اسلامی را ترسیم نمودند. (منبع: برنامه روزشمار تاریخ از مرکز پژوهشهای صدا و سیما)

دهه فجر: قرآن کریم: وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ. قسم به سپیده دم و به شب های ده گانه . (فجر، آیه ۱ - ۲) قرآن کریم: جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا. حق آمد و باطل نابود شد. یقیناً باطل نابود شدنی است. (اسراء، آیه ۸۱) .

امام کاظم علیه السلام: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كُزِبَ الْحَدِيدُ. مردی از قم مردم را به حق فرا می‌خواند و گروهی استوار، چون پاره‌های آهن، پیرامون او گرد می‌آیند. (بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶) .

امام صادق علیه السلام: سَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بِلَدَةِ قُمْ وَأَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةٍ قَائِمًا إِلَى ظُهُورِهِ. روزگاری خواهد آمد که شهر قم و مردمان آن حجت بر دیگر مردمان باشند؛ آن روزگار در زمان غیبت قائم ما است تا آن‌گاه که ظهور کند. (بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳) .

پیامبر صلی الله علیه وآله: يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ. مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌آورند. (کنز العمال، ج ۳۸۶۵۷) .

پیامبر صلی الله علیه وآله: لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعْلَقًا بِالثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ أَنَاسٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ. اگر دین به ستاره ثریا آویزان باشد، مردمانی از ایرانیان آن را به زیر خواهند کشید. (کنز العمال، ج ۳۴۱۳۰) .

امام باقر (ع) می فرمایند: اصحاب القائم ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً اولاد العجم. اصحاب حضرت قائم (ع) ۳۱۳ تن ایرانی هستند. (بحار الانوار ج ۵۲/۳۶۹).

امام علی (ع) می فرماید: کأَنِّي بالعجم فساطيطهم في مسجد الكوفة يعلمون الناس القرآن كما انزل. گویا خیمه های ایرانیان را در مسجد کوفه می بینم که قرآن را همان گونه که نازل شده یاد می دهند. (میزان الحکمه) محمد محمدی ری شهری ج ۱/۳۵۵

امام صادق (ع) می فرماید: لو انزل القرآن على العجم ما آمنت به العرب وقد نزل على العرب فأمنت به العجم فهذه فضيلة العجم. اگر قرآن به ایرانیان نازل می شد، عرب به آن ایمان نمی آورد، ولی بر عرب نازل شد و ایرانیان به آن ایمان آوردند. این فضیلتی است برای ایرانیان. (میزان الحکمه، ج ۳/۲۳۹۱)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: معاشر قریش! تضربون العجم على الاسلام هذا والله ليضربنكم عليه عوداً. ای گروه قریش! شما، ایرانیان را به خاطر اسلام با شمشیر می زنید. به خدا سوگند، آنان در آینده شما را برای بازگرداندن به اسلام با شمشیر می زنند. (نفس الرحمن فی فضائل سلمان ۱۹۹)

امام باقر (ع) میفرماید: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ، قَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛

گویا میبینم مردمی در شرق قیام کرده، حق را طلب میکنند، ولی به آنان نمیدهند، دوباره حق را میطلبند، به آنان داده نمیشود. وقتی اوضاع را چنین دیدند شمشیرهای خود را بر شانها میگذارند، پس آنگاه حاضر میشوند که حق آنان را بدهند، اما آنان دیگر قبول نمیکنند تا اینکه قیام می کنند و آن را جز به صاحب شما تحویل نمی دهند. کشته های آنها شهید به شمار می روند. آگاه باشید! اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای صاحب این امر نگاه میدارم.» (کتاب الغیبة، ص ۱۴۵)

امام صادق (ع) نیز میفرماید: «سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّ فِي جُحْرِهَا. ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ، وَ تُصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا، فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجٌّ، فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجُّ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَالْعِلْمُ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ (عج)؛ به زودی کوفه از مؤمنان خالی میشود، و علم از آن میگریزد و پنهان میشود، آنگونه که مار در سوراخ پنهان میگردد. سپس علم در شهری به نام قم ظاهر میگردد و شهر قم کانون علم و فضل میشود، و چنان دنیا را به حقایق آشنا میسازد که در روی زمین مستضعفی در دین باقی نماند، حتی زنان در پرده، و چنین زمانی نزدیک ظهور قائم آل محمد (ص)

است. سپس خداوند قم و اهل آن را قائم مقام حجت خدا قرار میدهد، که اگر چنین نشود زمین اهل خودش را فرو میبرد و حجتی باقی نمیماند. آنگاه علم (علوم اسلامی) از قم به تمام دنیا میرسد و مشرق و مغرب عالم را فرامیگیرد و حجت خدا بر خلق تمام میگردد، زیرا در تمام روی کره زمین کسی باقی نمیماند که دین و علم به او ابلاغ نشده باشد. آنگاه امام زمان (ع) ظاهر میشود. (منتخب الاثر، ص ۴۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳).

عن ابی الحسن الاول «علیه السلام» قال رجال من اهل قم يدعوا الناس الى الحق يجتمع معه قوم كزبر الحديد لاتزلهم الرياح العواصف و لا يملون من الحرب و لا يجبنون و علی الله يتوكلون و العاقبه للمتقين؛ (بحار الانوار، ج ۶۰، آیه ۲۱) از امام سجاد «علیه السلام» روایت است که فرمود: مردی از اهل قم (خواهد آمد) که مردم را به حق دعوت می کند گروهی با او اجتماع می کنند که (در صلابت و استحکام ایمان مانند پاره های آهن می باشند تند باده ها و طوفان ها آنان را نمی لغزاند و از جنگ خسته نمی شوند و از (دشمنان) نمی ترسند و تنها بر خدا توکل می کنند و عاقبت (فرجام نیکویی) از آن پرهیزکاران است.

بنابر نقل روایات اصحاب و یاران خاص آن حضرت حدود ۳۱۳ نفر به تعداد یاران رسول خدا (ص) در غزوه بدر خواهد بود که تعداد آنان از شهرهای مختلف مشخص است. مرحوم سید محسن امین در کتاب گرانسنگ اعیان الشیعه از هشتاد و چند شهر و دیار نام میبرد که این عده (سیصد و سیزده تن) از آن شهرها بر میخیزند. بدینسان یاران حضرت از شهرها و ملیت ها و کشورهای مختلف هستند از جمله آن ها قم، کوفه، طالقان، گرگان، طبرستان، طرابلس، بیروت، دمشق، ری (تهران)، فلسطین، قزوین، شیراز، دیلمان، بصره، اهواز و کرمان است. این ها همدیگر را نمیشناسند و بدون این که با هم وعده ای گذاشته باشند، در موعد مقرر جمع میشوند «يجتمعون من أقالی الارض علی غیر میعاد لا یعرف بعضهم بعضاً». (آینده جهان، رحیم کارگر) برخی در مورد کشور و شهر های یاران امام زمان را این گونه نوشته اند: ۲۴ نفر از طالقان، ۱۸ نفر از قم، ۱۴ نفر از کوفه، ۱۲ نفر از هرات، ۱۲ نفر از مرو، ۳ نفر از سجستان، ۳ نفر از رقه، (نزدیک مرز سوریه و ترکیه)، ۱۲ نفر از جرجان، ۹ نفر از بیروت، ۸ نفر از مدائن، ۸ نفر از نیشابور، ۳ نفر از بصره، ۳ نفر از خابور (نزدیک مرز عراق و سوریه در استان حسکه و دیرزور)، ۷ نفر از ری (تهران) ۷ نفر از طبرستان (مازندران)، ۶ نفر از یمن، ۵ نفر از طوس (مشهد)، ۳ نفر از دمشق، ۲ نفر از مدینه منوره، ۵ نفر از تفلیس، ۴ نفر از همدان، ۴ نفر از دیلم، ۴ نفر از زنجان، ۴ نفر از فسطاط (در کشور عراق)، ۲ نفر از سبزووار و بقیه از سایر شهرها و مناطق خواهند بود.

اصبغ بن نباته از یاران حضرت امیر (ع) - می گوید: «امیرالمومنین علی (ع) ضمن ایراد خطبه ای، به ذکر مهدی و یاران او پرداخت؛ ابو خالد حلبی عرض کرد: یا امیرالمومنین! مهدی را برای ما توصیف

کن! حضرت علی (ع) فرمود: آگاه باشید! او شبیه ترین مردم از نظر صورت و سیرت - به رسول خدا (ص) می باشد بعد فرمود: آیا می خواهید شما را بر یاران او و تعدادشان آگاه کنم؟ عرض کردم: بله یا امیرالمومنین؛ حضرت فرمود: از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: اولین آنها از بصره و آخرین آنها از یمامه است. و علی (ع) شروع کرد به شمردن یاران مهدی و فرمود: از بصره دو نفر؛ از اصفهان چهار نفر؛ از قم ده نفر؛ از زوراء (تهران - بغداد) ده نفر؛ از اهواز، آمل، دامغان، ساوه، بروجرد، مراغه، خوی، کازرون، اردبیل و ابهر هر کدام یک نفر؛ از سلماس و همدان و شیراز و واسط آبادان و حلب، هر کدام سه نفر و ...» (الملاحم و الفتن، ص ۱۴۵ - ۱۵۰)

در برخی از روایات اهل بیت (ع) به حضور فعال عجم در سپاه و ارتش مخصوص امام مهدی (ع) اشاره شده است. البته مقصود از عجم ملت‌های غیر عرب است، ولی به احتمال زیاد بیشترین مصداق آن در عصر ظهور، ایرانیان خواهند بود به ویژه که مرکز شیعه در ایران است. مجموعه روایات وارده در مورد ایرانیان نشان می‌دهد که این گروه، زمینه سازان حکومت حضرت مهدی (ع) در جهان هستند و بیشترین تأثیر را در روند استقرار حکومت آن خورشید عالم‌تاب دارند. به هر حال کلیه منابع روایی شیعه و سنی، پیرامون حضرت مهدی، علیه السلام، اتفاق نظر دارند که آن بزرگوار بعد از نهضتی مقدماتی که برایش به وجود می‌آید، ظهور می‌کند... و یاران درفش‌هایی سیاه، ایرانیانند که زمینه ساز حکومت آن حضرت و آماده‌کننده مقدمات فرمانروایی وی میشوند. در این روایات، اتفاق است که دو شخصیت وعده داده شده، سید خراسانی و یا هاشمی خراسانی و یاور او شعیب بن صالح هر دو ایرانی هستند... میتوان، نقش ایرانیان زمینه ساز را با توجه به پیشامدها و حوادثی که ذکر آنها در اخبار آمده است نیز، به چهار مرحله تقسیم نمود: مرحله اول: از آغاز نهضت توسط مردی از قم تا ورودشان در جنگ. مرحله دوم: داخل شدن در جنگی طولانی، تا اینکه خواسته های خویش را بر دشمن تحمیل کنند. مرحله سوم: رد کردن خواسته های نخستین خود که اعلام کرده بودند و به پا داشتن قیام همه جانبه آنان. مرحله چهارم: سپردن پرچم اسلام به دست توانای حضرت مهدی، علیه السلام، و شرکت جستن آنها در نهضت مقدس آن حضرت. در برخی از روایات، آمده است که ظاهر شدن خراسانی و شعیب در اثنای جنگ ایرانیان به وقوع می‌پیوندد، به گونه ای که آنها با توجه به طولانی شدن نبردشان با دشمن، خودشان سید خراسانی را به عنوان سرپرستی امور اجتماعی و سیاسی خود برمیگزینند گرچه وی از پذیرفتن این منصب خرسند نیست، اما آنها او را سرپرست خود قرار میدهند، سپس سید خراسانی، شعیب بن صالح را به فرماندهی نیروهای مسلح خویش برمیگزیند. در تعدادی از روایات، زمان آخرین مرحله زمینه سازی آنان که متصل به ظهور حضرت مهدی، علیه‌السلام، است مشخص گردیده که شش سال خواهد بود. (برای مطالعه بیشتر ر.ک.:

امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی - مهدویت (پس از ظهور)، رحیم کارگر (نشر معارف)

به صفحه ۲۲۲ چهارده خرداد رحلت امام خمینی و صفحه ۲۲۴ پانزده خرداد روز قیام ملت ایران نیز مراجعه شود.

نوزده بهمن روز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

در روز نوزدهم بهمن ۱۳۵۷، نظامیان متعهد نیروی هوایی با حضور در اقامتگاه رهبر بزرگ انقلاب اسلامی در مدرسه رفاه و بیعت با آن حضرت، سندی از افتخار، حماسه، رشادت و ایمان را در برگ های زرین تاریخ انقلاب اسلامی به ثبت رسانیدند. نقش ارزنده همبستگی باشکوه ارتش و خصوصاً نیروی هوایی در اضمحلال و شکست رژیم، نشان دهنده شعور ایمانی و انقلابی این عزیزان فداکار و عشق ورزیدن به آرمان های مقدس و آزادی خواهانه ملت در این سرزمین بود که موجب شد تا علی رغم فشارها و اختناق شدید آن روز، این عزیزان، گام در میدان مبارزه با ظلم و جور نظام پهلوی برداشته و یک صدا با ملت دلاور در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷، حماسه پرشکوه این بیعت را در صفحات تاریخ انقلاب اسلامی ثبت نمایند. عظمت رویداد باشکوه ۱۹ بهمن نه تنها در خاطره نسل انقلاب، بلکه در اذهان نسل های آتی این کشور نیز، همیشه به عنوان یک حماسه جاویدان، متجلی و منور خواهد ماند. همچنین نیروی هوایی، پس از پیروزی انقلاب و در طول دوران جنگ، با همان روحیه والا ظاهر شد و به عنوان نیرویی پیشتاز در تمامی صحنه ها، از دستاوردهای انقلاب اسلامی پاسداری نموده است.

اعلام همبستگی همافران با انقلاب اسلامی در حضور حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۵۷ ش) از شکننده ترین ضربات بر پیکر رژیم شاهنشاهی، حرکت شجاعانه پرسنل نیروی هوایی در نوزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷ ش بود که به حق می توان آن روز را از ایام الله خواند. در این روز و به دنبال گسترش انقلاب اسلامی در تمام نقاط کشور و دعوت حضرت امام خمینی (ره) از نظامیان برای پیوستن به ملت، جمع کثیری از همافران و پرسنل نیروی هوایی ارتش، به محل اقامت امام رفته و پس از رژه در مقابل آن حضرت و دیدار تاریخی خود با امام، همبستگی خود را با انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی اعلام کردند. از آن پس، روز نوزدهم بهمن ماه هر سال به عنوان روز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، گرامی داشته می شود.

راهپیمایی عظیم مردم در تایید دولت موقت به فرمان امام خمینی (۱۳۵۷ ش) به دنبال آغاز به کار دولت موقت، امام خمینی از مردم خواست از طریق تظاهرات آرام، نظر خود را درباره دولت موقت اعلام نمایند. پس از این درخواست، جامعه روحانیت مبارز تهران، مردم را به یک

راهپیمایی بزرگ و همگانی در روز ۱۹ بهمن ماه دعوت نمود. در اعلامیه ای که به همین منظور صادر شد خاطر نشان گردید "پس از ۷۵ سال، این نخستین بار است که ملت ایران، تشکیل دولتی را به راستی جشن می گیرند." در این حال و در شرایطی که آمریکا همچنان از بختیار پشتیبانی می کرد و زمینه های کودتا را در ایران فراهم می نمود و مردم توسط بازمانده های رژیم به آتش سوزی و قتل تهدید می شدند، این راهپیمایی خط بطلانی بر تمامی پندارهای سلطنت طلبان کشید و خواب های پریشان آنان را بی تعبیر گذاشت. در این زمان امام خمینی ادامه نهضت را به عنوان یک تکلیف الهی اعلام نمود و راهپیمایی میلیونی مردم به عنوان پشتیبانی از دولت موقت منصوب شده از طرف رهبر انقلاب اسلامی ایران، تهران و شهرستان ها را غرق در تظاهرات نمود. در پایان این راهپیمایی عظیم، قطعنامه هفت ماده ای قرائت شد و نخست وزیری بازرگان مورد تایید قرار گرفت.

فرار "جعفر شریف امامی" نخست وزیر رژیم پهلوی در پی فراگیر شدن نهضت اسلامی (۱۳۵۷ ش) شریف امامی در دوران دوم نخست وزیری خود، برای آرام کردن اوضاع، دست به یک سلسله کارهای نمایشی و غیرعادی از نظر رژیم زد. اولین کار او این بود که گفت با حزب رستاخیز، تنها حزب سیاسی کشور که پارلمان را در اختیار داشت، کاری ندارد و به این ترتیب عملاً موجبات انحلال این حزب را فراهم ساخت. وی همچنین تاریخ موهوم و مجعول شاهنشاهی را لغو کرد و مجدداً تاریخ هجری شمسی را برقرار نمود. او همچنین قمارخانه ها و مراکز فساد را بست ولی هیچ کدام از این اقدامات عوام فریبانه و تسکینی، محبوبیت و موقعیتی برای او نزد مردم به وجود نیاورد. اقدامات شریف امامی و آزادی عملی که به مخالفان داده شد، بر دامنه تظاهرات و اغتشاشات ضد رژیم افزود به طوری که در چندین شهر بزرگ کشور، حکومت نظامی اعلام شد و فجایع خونینی از قبیل جمعه سیاه تهران در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و کشتار دانش آموزان تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ به وجود آمد. جعفر شریف امامی، نخست وزیر سرسپرده محمد رضا پهلوی، پس از آن که نتوانست، اوضاع دگرگون مملکت را به نفع رژیم تغییر دهد، پس از ۵۷ روز نخست وزیری، از این سمت استعفا داد و به جمع و جور کردن ثروت خود در ایران پرداخت. وی به سرعت اموال خود را به خارج منتقل کرد و در نهایت سه روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در نوزدهم بهمن ۱۳۵۷، بدون کوچکترین مانع، راه آمریکا را پیش گرفت و دور از غوغا و سروصدا به زندگی ننگین خود ادامه داد.

روزیست بهمن حمله گارد شاهنشاهی به همافران نیروی هوایی در پی بیعت همافران با حضرت امام (۱۳۵۷ ش) واقع شد

در پی اعلام همبستگی گروهی از همافران و پرسنل نیروی هوایی با انقلاب اسلامی ایران و بیعت با حضرت امام، مزدوران گارد شاهنشاهی در شامگاه ۲۰ بهمن به یکی از پادگان های نیروی هوایی در تهران حمله ور شدند. به محض انتشار این خبر، مردم مسلمان از همه نقاط تهران برای یاری

رساندن به پرسنل نیروی هوایی که در حال مقاومت بودند، به طرف پادگان نیروی هوایی شتافتند. مردم انقلابی که سلاح های ابتدایی و ناچیزی در اختیار داشتند با رشادت های خود، حمله مزدوران رژیم شاه را با شکست مواجه کردند و به این ترتیب، مرحله نهایی مبارزه مردم برای براندازی رژیم شاهنشاهی در ایران آغاز شد.

بیست و دو بهمن روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران

امام علی علیه السلام فرمودند: *إِسْتَعْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مُرَاقَبَةَ الْإِمْكَانِ وَ انْتِهَازَ الْفُرْصَةِ ، تَظَفَّرْ ؛* برای رویارویی با دشمن در انتظار قدرت و لحظه مناسب باش تا پیروز شوی . (غررالحکم و دررالکلم ، ج ۲۳۴۷)

امام علی علیه السلام فرمودند: *أَصْلُ النَّجْدَةِ الْقُوَّةُ ، وَ ثَمَرَتُهَا الظَّفَرُ ؛* ریشه دلاوری، توانمندی است و میوه اش، پیروزی . (بحار الأنوار: ۵۹/۷/۷۸).

امام علی علیه السلام فرمودند: *الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ ، وَ الْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ ، وَ الرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ .* پیروزی در پرتو تدبیر و احتیاط است و تدبیر و احتیاط به تفکر است و تفکر صحیح به نگهداری اسرار است . (نهج البلاغه)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: *يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيَوْطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ ؛* مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می آورند . (کنز العمال ، ج ۳۸۶۵۷)
رسول اکرم صلی الله علیه و آله : *إِنَّ الْمَعُونَةَ تَأْتِي مِنَ اللَّهِ عَلَى قَدَرِ الْمُؤْنَةِ وَإِنَّ الصَّبْرَ يَأْتِي مِنَ اللَّهِ عَلَى قَدَرِ الْمُصِيبَةِ ؛* برآستی که کمک از جانب خداوند به اندازه هزینه می رسد و صبر از جانب خداوند به اندازه گرفتاری می آید . (کنز العمال، ج ۶، ص ۳۴۷، ح ۱۵۹۹۳)

امام علی علیه السلام : *إِنَّكَ إِنْ صَبَرْتَ جَزَتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَ أَنْتَ مَا جُوزَ ، وَ إِنْ جَزَعْتَ جَزَتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَ أَنْتَ مَا زُوِيَ ؛* اگر صبر کنی مقدرات الهی بر تو جاری می شود و اجر خواهی بُرد و اگر بیتابی کنی باز هم مقدرات خداوند بر تو جاری می شود و گناهکار خواهی بود . (جامع الأخبار، ص ۳۱۶، ح ۸۸۲)

امام علی علیه السلام : *مَنْ حَلَمَ عَنْ عَدُوِّهِ ظَفِرَ بِهِ ؛* هر کس در مقابل دشمن بردبار باشد بر او پیروز می شود . (کنز الفوائد، ص ۱۴۷)

امام علی علیه السلام: *لَا يَعْدُمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَ إِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ ؛* شخص صبور پیروزی را از دست نمی دهد و عاقبت به پیروزی می رسد اگر چه زمانی طولانی بر او بگذرد . (جهاد النفس، ح ۲۵۱)
پیامبر اکرم: *الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِالْأَنْوَارِ* . (بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۶۵) پیروزی، در گرو اراده قاطع و دوراندیشی است.

امام علی (ع): الْأَخْذُ عَلَى الْعَدُوِّ بِالْفَضْلِ أَحَدُ الظَّفَرَيْنِ. (غرر الحکم، ح ۱۶۷۶) برتری جستن بر دشمن با احسان و بخشش، یکی از پیروزی هاست.

امام علی علیه السلام: الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ. (نهج البلاغه، حکمت ۴۸) پیروزی، وابسته به دوراندیشی (و احتیاط) است و دوراندیشی در گرو به کار انداختن رأی.

امام علی علیه السلام: اسْتَعْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مُرَاقَبَةَ الْإِمْكَانِ وَ انْتِهَارَ الْفُرْصَةِ، تَظْفَرُ. (غرر الحکم، ح ۲۳۴۷) برای مقابله با دشمن، منتظر توانایی یافتن بر او و به دست آوردن فرصت باش که در این صورت، پیروز می شوی.

امام علی علیه السلام: لَا تَبْطِرَنَّ بِالظَّفَرِ، فَإِنَّكَ لَا تَأْمَنُ ظَفَرَ الزَّمَانِ بِكَ. (غرر الحکم، ح ۱۰۲۹۲) از پیروزی سرمست مشو؛ زیرا که از پیروزی زمانه بر خود در امان نیستی.

امام علی علیه السلام: ظَفَرُ الْكِرَامِ عَفْوٌ وَ إِحْسَانٌ، ظَفَرُ اللَّئَامِ تَجَبُّرٌ وَ طُغْيَانٌ. (غرر الحکم، ح ۶۰۴۴ و ۶۰۴۵) پیروزی مردان بزرگوار، گذشت و احسان است و پیروزی مردان فرومایه، زورگویی و گردنکشی.

امام علی (ع): وَلَا تَجْتَمِعْ عَزِيمَةً وَ وَلِيمَةً؛ مَا أَنْقَضَ النَّوْمُ لِعِزَائِمِ الْيَوْمِ وَأَمَحَى الظُّلُمَ لِتَذَاكِيرِ الْهَمِّ. (نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱) عزم و اراده (برای رسیدن به کمالات و مقامات عالیه) با سوزچرانی (و راحت طلبی) سازگار نیست؛ چه بسیار خواب های شبانگاهی که تصمیمات روز را برهم زده، و چه بسیار تاریکی هایی که یاد همت های بلند را از خاطره ها زدوده است!

امام علی علیه السلام: أَصْلُ الْعَزْمِ الْحَزْمُ، وَتَمَرُّهُ الظَّفَرُ. (غرر الحکم، ح ۳۰۹۵) ریشه اراده و تصمیم، دوراندیشی است و میوه آن، کامیابی.

امام علی (ع): مَنْ بَذَلَ جُهْدَ طَاقَتِهِ بَلَغَ كُنْهَ إِرَادَتِهِ. (غرر الحکم، ح ۸۷۸۵) هر که نهایت توان خود را به کار گیرد، به نهایت خواست خود دست یابد.

امام علی علیه السلام: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ بَلَغَ مِنَ الْخَيْرِ غَايَةَ أُمْنِيَّتِهِ. (غرر الحکم، ح ۸۹۰۲) هر کس که آخرت، هم و غم او باشد، در خیر و خوبی به اوج خواست خود می رسد.

امام علی (ع): وَمَا الْمَغْرُورُ الَّذِي ظَفَرَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْلَى هِمَّتِهِ كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفَرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سَهْمَتِهِ. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۰). مرد مغرور و فریب خورده ای که تا آخرین درجه سعی و تلاش کوشیده و بر جهان پیروز گردیده است، همانند رادمردی که آخرت را با کم ترین بهره خویش به دست آورده، همانند نیست.

امام صادق (ع): يَظْفَرُ مَنْ يَحْلُمُ. (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۶۹) بردبار، پیروز است.

امام علی (ع): مَنْ حَلَمَ عَنْ عَدُوِّهِ ظَفَرَ بِهِ. (کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹) آن که در برابر دشمنش بردباری نشان دهد، بر او پیروز شود.

امام علی علیه السلام: مَنْ اسْتَعَانَ بِالْحِلْمِ عَلَيْكَ غَلَبَكَ وَ تَفَضَّلَ عَلَيْكَ. (غررالحکم، ح ۹۱۳۲). آن کس که در برابر تو از بردباری مدد جوید، بر تو چیره می شود و برتری می یابد.
 امام علی (ع): بِالصَّبْرِ تُدْرِكُ مَعَالِيَ الْأُمُورِ. (غررالحکم، ح ۴۲۷۶) با صبر، به مقامات بلند می توان رسید.

حضرت مسیح (ع): إِنَّكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ. (مسکن الفؤاد، ص ۴۷ و ۴۸) شما به آنچه دوست دارید، نخواهید رسید، مگر با صبر در برابر آنچه ناخوش می دارید.

هشت اسفند روز امور تربیتی و تربیت اسلامی

امام سجاد علیه السلام: اَللّهُمَّ... اَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ؛ خدایا مرا بر تربیت، ادب آموزی و نیکی کردن به فرزندانم یاری فرما. (صحیفه سجادیه دعای ۲۵، ص ۱۲۰)
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله: اُكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ. فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود. (مکارم الأخلاق ص ۲۲۲)
 امام علی علیه السلام فرمودند: عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَ ادَّبُوهُمْ؛ به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید. (میزان الحکمه، ح ۴۰۰)
 امام علی علیه السلام فرمودند: أَفْضَلُ الْأَدَبِ مَا بَدَأَتْ بِهِ نَفْسُكَ؛ بهترین ادب آن است که از خود آغاز کنی. (میزان الحکمه، ح ۳۶۹)
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فرزندان خود را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او، و خواندن قرآن. (کنز العمال، ح ۴۵۴۰۹)
 امام علی علیه السلام فرمودند: کَفَاكَ أَدَبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ؛ برای تربیت کردن خود همین بس که از آنچه در دیگران نمیپسندی، دوری کنی. (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۷۳)
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اُكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ؛ فرزندان را گرامی بدارید و نگو تربیت شان کنید. (عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۵۴)
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله: ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ. فرزندان خود را به کسب سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان و دوستی خاندانش و قرائت قرآن. (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶، ح ۴۵۴۰۹؛ فیض القدیر، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۳۳۱ - قاموس قرآن مقدمه ص ۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ عِنْدَ حَدِّهِ وَ لَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ ؛ بهترین ادب، آن است که انسان در حد و مرز خود بماند و از اندازه خویش درنگذرد . (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۳۲۴۱)

امام علی علیه السلام : فِی وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالرَّضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ ؛ در وصیت به فرزندش امام حسن علیه السلام: دل جوان، مانند زمین کشت نشده است. آنچه در آن افکنده شود، می پذیرد. از این رو، پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتیم. (تحف العقول ص ۷۰ - نهج البلاغة (صبحی صالح) از نامه ۳۱، ص ۳۹۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَ ادَّبُوهُمْ ؛ به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید . (میزان الحکمه ، ح ۴۰۰)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: حَقٌّ وَلَدِكَ ... أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ [به] مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدِلَالِهِ عَلَى رَبِّهِ ... وَ الْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَيْكَ وَ فِي نَفْسِهِ ... حق فرزند تو این است ... در سرپرستی وی مسئولیت داری که ادب او را نیکو کنی و به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری از او، نسبت به وظایف تو و خودش، یاری اش دهی. (تحف العقول، ص ۲۶۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: إنا نأمر صبياننا بتسبيح فاطمه عليها السلام كما نأمرهم بالصلاة فالزّمة فإنّه لم يلزّمه عبد فشقى؛ ما همان گونه که فرزندان خود را به نماز و می داریم به تسبیح حضرت فاطمه (سلام الله علیها) وادار می سازیم پس به آن پایبند باش که هرکس به آن پایبند شود، بدبخت نخواهد شد. (کافی ۱۳/۳۴۳/۳)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: واءما حق الولد فتعلم اءنه منك ومضاف اليك فى عاجل الدنيا بخيره و شره واءنك مسؤؤل عما وليته من حسن الادب والدلالة على ربه والمعونه له على طاعته ... حق فرزند این است که بدانی او از تو است در دنیا با هر خیر و شری که دارد به تو منسوب است و تو مسئول تربیت نیکو و راهنمایی اش به سوی خدا و یاریش در اطاعت از پروردگارش هستی ... (تحف العقول ص ۲۶۳)

قال الباقر عليه السلام: انا نأمر صبياننا بالصلاة اذا كانوا بنى خمس سنين، فمروا صبيانكم بالصلاة اذا كانوا بنى سبع سنين. هنگامی که فرزندان ما پنج ساله شدند دستور می دهیم نماز بخوانند، پس شما هم وقتی فرزندانتان به هفت سالگی رسیدند آنها را به نماز دستور دهید. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند : حق الولد علی والده ان یعلمه الكتابة والسباحة والرمایة وان لا یرزقه الا طیباً وان یزوجه اذا بلغ؛ حق فرزند (پسر) بر عهده پدرش این است که به او

نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را آموزش دهد و روزی او را تنها از راه حلال و پاکیزه تهیه نماید. (نهج الفصاحه: ح ۱۳۹۴)
رسول خدا (ص): هیچ پدری مالی بهتر از ادب نیک، به فرزند خود نداده است. (نهج الفصاحه، ح ۲۶۱۳)

نُه اسفند روز جهانی مبارزه با تبعیض نژادی

امام سجاد علیه السلام فرمودند: لَاحَسَبَ لِقُرْشَى وَ لَاعَرَبَى إِلَّا بِتَوَاضُعٍ وَ لَا كَرَمٍ إِلَّا بِتَقْوَى؛ قریشی و عرب را افتخاری نیست مگر به فروتنی، و هیچ کرامتی نیست مگر به تقوا. (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۸۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لَافْضَلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَ لَاعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَ لَا أَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ وَ لَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ هیچ عرب را بر عجم، و هیچ عجم را بر عرب و هیچ سفید را بر سیاه و هیچ سیاه را بر سفید برتری نیست مگر به تقوا. (میزان الحکمه، ح ۲۲۳۹۶)
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ وَ أَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْقَاطُكُمْ؛ همه شما از نسل آدم هستید و آدم از خاک است و ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است. (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۲۲).

آیات بسیاری از قرآن کریم، وجود دارند که افراد بشر را با تمام تفاوت‌هایی که دارند، از یک سرمنشأ دانسته و اعلام نموده اند که برتری هر فردی، تنها با توجه به پرهیزکاری او سنجیده خواهد شد و نه با ویژگی‌های بدنی و قومی و جنسیتی و... به نمونه‌ای از این آیات توجه فرمایید:
آیه ۱۳ سوره حجرات: ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریده و در ملت‌ها و گروه‌های متفاوتی قرار دادیم. بدانید هر که پرهیزکارتر باشد، از ارزش بیشتری نزد خداوند برخوردار است.
آیه ۱ سوره نساء: ای مردم! خدایی را در نظر داشته باشید که تمامتان را از نسل یک نفری آفرید که همسر او نیز آفریده همان خداست و سپس از آن دو نفر، مردان و زنان بسیاری را به وجود آورد.
آیه ۹۸ سوره انعام: او پروردگاری است که تمامتان را از یک سرمنشأ آفرید.

با دقت در این آیات، هیچ تفاوتی را بین نژاد سفید و سیاه نخواهیم یافت و با مطالعه ای در تاریخ پیامبر - صلی الله علیه و آله - و پیشوایان دینی، مشاهده می‌نماییم که سیاهان چون سفیدان و در کنار آنان، در راستای انتشار دین اسلام فعالیت می‌نمودند، بعید است شخصی با دین اسلام آشنایی داشته باشد، اما بلال سیاه‌پوست، مؤذن پیامبر را نشناسد!

در بحار الانوار مجلسی آمده است هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر محمد نازل کرد، سر محمد در دامان علی بود. جبرئیل اذان و اقامه را گفت. محمد برخاست و فرمود: «ای علی، شنیدی؟» علی پاسخ داد: «آری.» پس از آن پیامبر علی را مامور نمود که به عنوان اولین نفر

اذان را به بلال پیاموزد (بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۶۲، حدیث ۹۶) محمد او را مؤذن اسلام قرار داده بود. پس از فتح مکه، بلال در بالای کعبه ایستاد و اذان گفت و در حالی که مشرکان به او سنگ می‌زدند به اذان گفتن ادامه می‌داد. و نقل شده که «شین» را «سین» می‌گفت، و در روایت اسلامی است که سین بلال نزد حق تعالی شین است. (منتهی الآمال، محدث قمی (م ۱۳۵۹ هـ)، دلیل، قم، چاپ اول ۱۳۷۹ ش، ص ۲۹۲) پس از مرگ محمد، بلال با سپاه اسامه بن زید به سوریه رفت و اسامه را در این جنگ یاری کرد. او پس از وفات پیامبر فقط یک بار وقتی فاطمه از او خواست اذان گفت که وقتی به نام محمد رسید گریه شدید او را از ادامه اذان بازداشت. او در سال ۶۴۰ میلادی در دمشق وفات یافت.

چهارده اسفند روز احسان و نیکوکاری

امام صادق علیه السلام فرمودند: **أَيُّمَا مُؤْمِنٍ نَفَسٌ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا وَ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛** هر مؤمنی که گرفتاری مؤمنی را بر طرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری دنیا و آخرت را از وی دور می‌سازد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: **تَوَاصَلُوا وَ تَبَاوَأُوا وَ تَرَاخَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَ اللَّهُ؛** با یکدیگر پیوند داشته باشید و به هم نیکی کنید، و با یکدیگر مهربان باشید و همچنان که خداوند به شما دستور داده است، برادرانی نیکوکار باشید. (الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵)

امام علی علیه السلام فرمودند: **إِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ مَنْ أَعَانَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ مِنَ الْفَقْرِ فِي دُنْيَاهُ وَ مَعَاثِهِ؛** محبوب‌ترین مؤمن نزد خداوند، کسی است که مؤمن فقیری را، در تنگدستی دنیا و گذران زندگی، یاری رساند. (تحف العقول، ص ۳۷۶)

امام علی علیه السلام فرمودند: **كَمَا تُعِينُ تُعَانُ؛** آن گونه که یاری می‌کنی، یاری می‌شوی. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۷۲۰۹)

امام علی علیه السلام فرمودند: **طُوبَى لِمَنْ أَحْسَنَ إِلَى الْعِبَادِ وَ تَزَوَّدَ لِلْمَعَادِ؛** خوشا به حال آن که به بندگان خدا نیکی کند و برای آخرت خود زاد و توشه بگیرد. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۵۹۵۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **وَاللَّهُ يُحِبُّ إِغَاثَةَ اللَّهْفَانِ؛** خداوند کمک به اندوهگین و یاری خواه را دوست دارد. (الکافی، ج ۴، ص ۲۷)

امام صادق علیه السلام فرمودند: **اللَّهُ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ، مَا دَامَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ؛** خداوند در پی یاری مومن است، تا وقتی که مومن در پی یاری برادر خویش است. (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۲۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ عَالَ يَتِيماً حَتَّى يَسْتَعْنِيَ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ؛ هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا بی نیاز شود، خداوند در برابر، بهشت را بر او واجب می کند. (میزان الحکمه ج ۱۳، ص ۵۶۴ ح ۲۲۸۴۸)

امام کاظم علیه السلام فرمودند: إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْآهِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. خدا را در زمین بندگانی است که برای رفع نیازهای مردم می کوشند. اینان در روز قیامت در امان هستند. (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۲)

پانزده اسفند روزدرخت کاری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ نَصَبَ شَجَرَةً وَ صَبَرَ عَلَى حِفْظِهَا وَالْقِيَامِ عَلَيْهَا حَتَّى تُثْمِرَ كَانَ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يَصَابُ مِنْ ثَمَرِهَا صَدَقَةٌ عِنْدَ اللَّهِ؛ هر کس درختی بکارد و در نگهداری آن بکوشد تا میوه دهد، در برابر هر چه از آن میوه به دست آید، پاداشی نزد خدا خواهد داشت. (میزان الحکمه، ج ۳، ص ۹۱۴۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا؛ اگر رستاخیز باشد و نهالی در دست یکی از شماست اگر می تواند آن را بکارد، باید بکارد. (نهج الفصاحه)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ؛ هر که درختی بنشاند خدا به اندازه میوه ای که از آن درخت برون می شود پاداش برای وی ثبت کند. (نهج الفصاحه)

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا تَقْطَعُوا الثَّمَارَ فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبْأً؛ درختان میوه را قطع نکنید که خداوند بر سر شما عذاب فرو می ریزد. (الکافی: ج ۵، ص ۲۶۴، ح ۹)
امام صادق علیه السلام فرمودند: اِزْرَعُوا وَاغْرِسُوا وَاللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلاً أَجَلٌ وَلَا أَطِيبَ مِنْهُ؛ کشت کنید و درخت بنشانید، به خدا قسم، آدمیان کاری برتر و پاک تر از این نکرده اند. (بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۶۸)

بیست و دو اسفند روز بزرگداشت شهدا و تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (۱۳۵۸ ش)

هدف از تشکیل نهاد انقلابی بنیاد شهید، رسیدگی و صیانت از خانواده های شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است. البته این مسأله در تاریخ معاصر ایران، سابقه دارد. زیرا پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، گروهی از روحانیان مبارز و افراد نیکوکار به دستور حضرت امام، در جهت

رسیدگی به خانواده های معظم شهدا عمل می کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (ره) برای رسیدگی به مسائل رفاهی، مادی، معنوی و فرهنگی خانواده معظم شهیدان، این بنیاد تشکیل یافت که با آغاز جنگ تحمیلی و بیشتر شدن تعداد شهدا، وظیفه و تکلیف بنیاد شهید سنگین تر شد. احیا، حفظ و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت طلبی، زنده نگه داشتن یاد شهیدان و حفظ آثار آنان، تجلیل و تکریم از خانواده های معظم شهیدان، جدیت در امور فرهنگی خانواده های شاهد، خوداتکایی و قانونمند کردن ارایه خدمات به آنان و بسیج امکانات نظام به منظور پراکندن عطر ملکوتی شهادت در جامعه، محور فعالیت های این نهاد مقدس است. در سال ۱۳۸۲ بنیاد شهید انقلاب اسلامی با ستاد رسیدگی به امور آزادگان ادغام شده و سازمانی به نام بنیاد شهید و امور ایثارگران زیر نظر رئیس جمهور ایجاد شد.

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ. (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹) خداوند تبارک و تعالی می فرماید: هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

بالاترین نیکیها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بِرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، حدیث ۲۱) رسول خدا (ص) فرمود: بالاتر از هرکاری خیری، خیر و نیکی دیگری است تا آنکه فردی در راه خدا کشته شود، و بالاتر از کشته شدن در راه خدا خیر و نیکی نیست.

برترین مرگها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ. (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۸، حدیث ۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شهادت برترین مرگها است.

مرگ برتر

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمَوْتَ طَالِبٌ حَتَّى لَا يَفُوتَهُ الْمُقِيمُ وَلَا يَعْجِزُهُ الْهَارِبُ، إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳) امام علی علیه السلام فرمود: مرگ، با شتاب تعقیب کننده است «همه را در یابد» نه ماندگان از دست برهند و نه فراریان او را باز دارند، گرامی ترین مرگ، کشته شدن است.

برترین قتل شهادت است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَشْرَفُ الْقَتْلِ قَتْلُ الشُّهَدَاءِ. (نهج الفصاحه، ص ۶۶۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: والاترین قتل، کشته شدن شهیدان است.

هزار ضربه شمشیر به از مرگ در بستر

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَالَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ صَرِيَّةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مِائَةِ عَلَى الْفَرَّاشِ. (بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۰، حدیث ۴۴) حضرت علی علیه السلام فرمود: قسم به کسیکه جان فرزند ابیطالب در دست اوست، هزار ضربه شمشیر بر من آسانتر از مرگ در بستر است.

شهادت، نه مرگ بر بستر

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْمَوْتَ لَا يَقُوتُهُ الْمُقِيمُ وَلَا يَعْجِزُهُ الْهَارِبُ لَيْسَ عَنِ الْمَوْتِ مَحِيضٌ وَ مَنْ لَمْ يَمُتْ يُقْتَلْ وَ إِنَّ أَفْضَلَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ، وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَلْفُ صَرِيَّةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مِائَةِ عَلَى فَرَّاشٍ. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸، حدیث ۱۲) حضرت علی علیه السلام فرمود: ای مردم همانا ایستادگان و فراریان را از مرگ گریزی نیست و هرکس به مرگ طبیعی نمیرد کشته می شود و شهادت بهترین مرگ است و سوگند به خدائی که جانم در دست اوست، هزار ضربه شمشیر آسانتر است بر من از مرگ در بستر.

شهادت کرامت است

قَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْقَتُلْ لَنَا عَادَةً وَ كَرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ. (بحار الانوار، ج ۴۵، حدیث ۱۱۸) حضرت امام سجاد علیه السلام فرمود: کشته شدن عادت ما و شهادت کرامت ماست.

شهادت آرزوی اولیاء

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ «لَوْ لَا أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَطِيبُ أَنْفُسُهُمْ» لَوَدِدْتُ أَنِّي أَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ أُخِيَا ثُمَّ أَقْتُلُ ثُمَّ أُخِيَا ثُمَّ أَقْتُلُ ثُمَّ أُخِيَا ثُمَّ أَقْتُلُ. (صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱، باب تمنی الشهادة) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به آنکه جانم به دست اوست «اگر نبود اینکه جمعی از مؤمنین خوش ندارند» دوست داشتم که در راه خدا نه یکبار و دوبار، که چندین بار زنده گشته و بار دیگر کشته گردم.

روزی شهادت

مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا عَزَمَ عَلَى لِقَاءِ الْقَوْمِ بِصِفَيْنَ: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ... إِنَّ أَظْهَرَنَا عَلَى عَدُوِّنَا فَجَنَّبْنَا الْبَغْيَ وَ سَدَّدْنَا لِلْحَقِّ وَإِنْ أَظْهَرْتَهُمْ عَلَيْنَا فَارْزُقْنَا الشَّهَادَةَ وَ اعْصِمْنَا الْفِتْنَةَ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۰) از دعاهاى حضرت امير عليه السلام هنگام عزيمت به صفين: خدایا، ای پروردگار آسمان برافراشته ... اگر ما را بر دشمنان پیروز گرداندی، از ستم و تجاوز دورمان دار و بر حق استوارمان گردان و اگر دشمنان بر ما پیروز شدند، شهادت را روزیمان فرما و از فتنه بازمان دار.

فرجام سعادت و شهادت

عن أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ أَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ بِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَ عَظِيمِ قُدْرَتِهِ عَلَى إعْطَاءِ كُلِّ غَبَةٍ ... أَنْ يُخَيِّمَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ. (نهج البلاغه نامه ۵۳) حضرت علی علیه السلام در پایان عهد نامه

خود به مالک اشتر نوشت: من از خدا به گشایش رحمت و بزرگی قدرتش (بر آنکه هرچه بخواهد عطا می کند) می خواهم که پایان زندگی من و تو را به نیکبختی و شهادت قرار دهد.

شهادت در راه خدا

دُعَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِهَاشِمِ بْنِ عُتْبَةَ فَقَالَ: اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الشَّهَادَةَ فِي سَبِيلِكَ وَ الْمُرَافَقَةَ لِنَبِيِّكَ. (نهج السَّعَادَةِ، ج ۲، ص ۱۰۸) حضرت علی علیه السلام در دعای خود به هاشم بن عتبّه فرمودند: خداوندا! شهادت در راهت را و همراهی با پیامبرت را به او روزی کن.

همسایگی با شهدا

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مُعَايِشَةَ السُّعَدَاءِ وَ مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳) حضرت امام علی علیه السلام فرمود: ... از خداوند جایگاه شهیدان و زندگی با سعادتمندان و همراهی با پیامبران را طلب می کنم.

عشق به شهادت

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَوَ اللَّهِ إِنِّي لَعَلَى الْحَقِّ. وَ إِنِّي لِلشَّهَادَةِ لَمُحِبٌّ. (شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۹۹ و ۱۰۰) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ... پس بخدا قسم من بر حَقِّم و دوستدار شهادت.

امید شهادت در جبهه

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَوْلَا رَجَائِي الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِي الْعَدُوَّ لَوْقَدْ حُمَّ لِي لِقَاءُهُ لَفَرَّيْتُ رِكَابِي، ثُمَّ شَخِصْتُ عَنْكُمْ فَلَا أَطْلُبُكُمْ مَا اخْتَلَفَ جَنُوبٌ وَ شِمَالٌ. (شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۸۵، خطبه ۱۱۸) حضرت امام علی علیه السلام فرمود: به خدا قسم اگر آرزوی شهادت را در پیکار با دشمن نمی داشتم، (که یکاش زودتر فراهم آید) بر مرکب خود سوار می شدم و از میان شما کوچ میکردم و تا باد شمال و جنوب بوزد (برای همیشه) در جستجوی شما نمی پرداختم.

در ردیف شهیدان

قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ نَصِيرُهُ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ. (صحیفه سجّادیه، ج ۴۱، دعاء ۱) حضرت امام سجّاد علیه السلام فرمود: سپاس خدای را، سپاسی که بدان در زمره اولیاء نیکبختی قرار گیریم و بواسطه آن در ردیف شهیدان با شمشیر دشمنانش در آییم.

شهادت طلبی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقًا أُعْطِيَهَا وَ لَوْ لَمْ تُصِبْهُ. (کنز العمال، ج ۴، ص ۴۲۱، حدیث ۱۱۲۱۰) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس از روی صدق شهادت را طلب کند، خداوند به او «ثواب» آن را عطا خواهد کرد، هرچند به شهادت نرسد.

تبریک به شهیدان

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْقَتْلَ عَلَى قَوْمٍ وَالْمَوْتَ عَلَى آخَرِينَ وَكُلَّ آيَةٍ مَبْيُتَةٍ كَمَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ فَطَوْبَى لِلْمُجَاهِدِينَ فَيَسِيلُ اللَّهُ وَالْمُقْتُولِينَ فِي طَاعَتِهِ. (نهج السعادة، ج ۲، ص ۱۰۷) حضرت امام علی علیه السلام فرمود: خداوند برای گروهی کشته شدن و برای گروهی دیگر مرگ را مقرر نموده و هرکدام به اجل معین خود آنسان که او مقدر کرده است می رسند، پس خوشا بحال مجاهدان راه خدا و کشتگان راه اطاعت او.

خون شهید

إِنَّ عَلَى ابْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۸، حدیث ۱۱) امام زین العابدین علیه السلام پیوسته از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هیچ قطره ای در نزد خداوند دوست داشتنی تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می شود نیست.

شهید درد جراحت را احساس نمی کند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشَّهِيدُ لَا يَجِدُ أَلَمَ الْقَتْلِ إِلَّا كَمَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ مَسَّ الْقُرْصَةِ. (کنز العمال، ج ۴، ص ۳۹۸، حدیث ۱۱۱۰۳) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شهید درد کشته شدن را احساس نمی کند، مگر در حدی که یکی از شما پوست دست خود را بین دو انگشت فشار دهد.

آمرزش گناهان شهید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلشَّهِيدِ سَبْعُ خِصَالٍ مِنَ اللَّهِ أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ مَغْفُورٌ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ. (وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۹، حدیث ۲۰) حضرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به شهید هفت امتیاز از طرف خداوند عطا می شود، اولین آنها بخشیدن تمام گناهان اوست بواسطه اولین قطره خونس.

«لِلشَّهِيدِ سَبْعُ خِصَالٍ مِنَ اللَّهِ أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ مَغْفُورٌ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ الثَّانِيَةُ يَقَعُ رَأْسُهُ فِي حَجَرٍ زَوْجَتِيهِ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَ تَمْسَحَانِ الْغُبَارَ عَنْ وَجْهِهِ تَقُولَانِ مَرْحَبًا بِكَ وَ يَقُولُ هُوَ مِثْلَ ذَلِكَ لَهُمَا وَ الثَّالِثَةُ يَكْسَى مِنْ كِسْوَةِ الْجَنَّةِ وَ الرَّابِعَةُ يَتَدَرُّهُ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ بِكُلِّ رِيحٍ طَيِّبَةٍ أَيُّهُمْ يَأْخُذُهُ مَعَهُ وَ الْخَامِسَةُ أَنْ يَرَى مَنْزِلَتَهُ وَ السَّادِسَةُ يُقَالُ لِرُوحِهِ اسْرُخْ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْتَ وَ السَّابِعَةُ أَنْ يُنْظَرَ فِي وَجْهِ اللَّهِ وَ إِنَّهَا لَرَاخَةٌ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَ شَهِيدٍ» (تهذيب، شيخ طوسي، دار الكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۶، ص ۱۲۱، باب ۵۴، فصل جهاد، ح ۳) برای شهید، هفت خصلت است [که] از طرف خداوند [عطا می شود]: ۱. اولین قطره از خون او [که ریخته می شود]، خداوند، تمام گناهان او را می بخشد؛ ۲. دوم اینکه سرش بر دامن دو همسرش از حور العین قرار می گیرد. و غبار را از چهره او پاک می کنند و

می گویند مرحبا بر شما و شهید نیز این جمله را به آن دو می گوید؛ ۳. سوم اینکه کسوتی از کسوتهای بهشت بر او پوشانده می شود؛ ۴. چهارم اینکه نگهبانان بهشت هر یک با رائحه خوشبوی بهشتی به استقبال او می شتابند؛ ۵. پنجم اینکه جایگاهش را [در بهشت] می بیند؛ ۶. ششم اینکه به روح او گفته می شود در بهشت هر جا می خواهی گردش کن؛ ۷. هفتم اینکه به وجه الهی نظر می کند که این نگاه باعث راحتی هر پیامبر و شهیدی می شود.»

شهادت، کفاره گناهان

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ كَفَّارَةٌ لِدُنُوبِهِ إِلَّا الدَّيْنَ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ قَضَاءُهُ. حديث. (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۵، حدیث ۵) امام باقر علیه السلام فرمود: اولین قطره خون شهید کفاره گناهان اوست مگر بدهیها، که کفاره آن ادای آن است.

موجب آمرزش گناهان

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَمْ يَعْرِفْهُ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ سَيِّئَاتِهِ. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹، حدیث ۱۹) امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در راه خدا کشته شود، خداوند هیچیک از گناهان او را به روی او نمیآورد.

شهید غسل و کفن ندارد

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي شَهْدَاءِ أُحُدٍ: زَمَلُوهُمْ بِدِمَائِهِمْ وَثِيَابِهِمْ. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۰۱، حدیث ۱۱) پیامبر اکرم درباره شهدای اُحد فرمودند: آنها را باهمان خونهایشان و درلباس های خودشان دفن کنید.

دفن با جامه خونین

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا كَانَ يَوْمَ بَدْرٍ، فَأُصِيبَ مَنْ أُصِيبَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ بِدَفْنِهِمْ فِي ثِيَابِهِمْ، وَأَنْ يُنَزَعَ عَنْهُمْ الْفِرَاءُ، وَصَلَّى عَلَيْهِمْ. (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۶، حدیث ۵) حضرت علی علیه السلام فرمود: در روز بدر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به کسانی که از مسلمانان به شهادت رسیده بودند، دستور داد که آنها را با لباسهایشان دفن کنند، و تنها لباسهای چرمین را از تنشان بیرون آوردند، و سپس بر آنها نماز خواند.

گلگون کفن

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَ زُرَّازَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَيْفَ رَأَيْتَ الشَّهِيدَ يُدْفَنُ بِدِمَائِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ فِي ثِيَابِهِ بِدِمَائِهِ وَلَا يُحْتَضُّ وَلَا يُعَسَّلُ وَ يُدْفَنُ كَمَا هُوَ... (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۰۰، حدیث ۸) از اسماعیل بن جابر و زرارة نقل شده است که: از امام صادق سؤال کردم، نظر شما در این باره چیست که شهید با بدن خون آلود دفن شود؟ حضرت فرمود: آری شهید بدون غسل و حنوط، در لباس خونین خود همانگونه که هست دفن می شود.

شهید سؤال قبر ندارد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ لَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَبَرَ حَتَّى يُقْتَلَ أَوْ يُغْلِبَ لَمْ يُفْتَنْ فِي قَبْرِهِ. (کنز العمال، ج ۴، ص ۳۱۳، حدیث ۱۰۶۶۲) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس رو در روی دشمن قرار گرفت «با دشمن درگیر شد» و استقامت کرد تا کشته و یا پیروز شد، در قبر مورد آزمایش قرار نمی گیرد «از او سوال نمی شود».

آثار شهادت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُعْطَى الشَّهِيدُ سِتَّ خِصَالٍ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ: يَكْفَرُ عَنْهُ كُلُّ خَطِيئَةٍ وَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيَزُوجُ مِنْ حُورٍ أَعْيُنٍ وَيُؤَمِّنُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَيُحَلِّي حُلَّةَ الْإِيمَانِ. (کنز العمال، ج ۴، ص ۴۱۰، حدیث ۱۱۵۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به شهید شش امتیاز داده می شود: ۱ - با اولین قطره خون او تمام گناهانش بخشیده می شود. ۲ - جایگاه خود را در بهشت می بیند. ۳ - از حوریان با او ازدواج می کنند. ۴ - از وحشت بزرگ روز قیامت در امان می باشد. ۵ - از عذاب قبر ایمن است. ۶ - به زیور ایمان آراسته می گردد.

معافیت از سؤال قبر

سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا بَالُ الْمُؤْمِنِينَ يُفْتَنُونَ فِي قُبُورِهِمْ إِلَّا الشَّهِيدُ؟ فَقَالَ: كَفَى بِبَارِقَةِ السُّيُوفِ عَلَى رَأْسِهِ فِتْنَةً. (کنز العمال، ج ۴، ص ۴۰۷، حدیث ۱۱۱۳۸ و ص ۵۹۵، حدیث ۱۱۷۴۱) از پیامبر اکرم سؤال شد: چگونه است که همه مؤمنین در قبر مورد سوال و امتحان قرار میگیرند مگر شهید؟ حضرت فرمود: امتحانی که در زیر برق شمشیر داده است، برای او کافی است.

شفاعت شهید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَشْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِهِ. (کنز العمال، ج ۴، ص ۴۰۱، حدیث ۱۱۱۱۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند.

مقام شفاعت

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُشَفَّعُهُمْ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ. (بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، حدیث ۲۴) امام صادق علیه السلام از پدران خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود: سه گروهند که روز قیامت شفاعت می کنند و شفاعت آنها مورد پذیرش خداوند قرار می گیرد، انبیاء و علماء و شهداء.

اول کسی که وارد بهشت می شود

عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ إِيْمَانٌ لَا شَكَّ فِيهِ وَ عَزْوٌ لَا غُلُولَ فِيهِ وَ حَجٌّ مَبْرُورٌ وَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ شَهِيدٌ. (بحار الانوار، ج

۶۶، ص ۳۹۳، حدیث ۷۵) امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود: برترین اعمال نزد خداوند، ایمانی است که در آن تردیدی نباشد و رزم و پیکاری که در آن خیانت در «غنیمت» نباشد و حج مقبول و اولین کسی که وارد بهشت می شود شهید است.

آرزوی شهید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُحِبُّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَلَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا الشَّهِيدُ، فَإِنَّهُ يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ لِمَا يَرَى مِنَ الْكَرَامَةِ. (صحيح بخاری، ج ۴، ص ۲۶) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از افرادی که وارد بهشت می شوند هیچکس آرزوی بازگشت به دنیا را ندارد گرچه تمام آنچه در زمین است از آن وی شود، مگر شهید که او به سبب کرامتی که در شهادت می بیند آرزو می کند به دنیا برگردد و دهها مرتبه در راه خدا کشته شود.

برترین شهدا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ فَلَا يَلْفِتُونَ وَجُوهَهُمْ حَتَّى يَقْتُلُوا، أَوْ لَيْكَ يَتَلَبَّطُونَ فِي الْعُرْفِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ يَضْحَكُ إِلَيْهِمْ رَبُّكَ فَإِذَا ضَحِكَ رَبُّكَ إِلَى عَبْدٍ فِي مَوْطِنٍ فَلَا حِسَابَ عَلَيْهِ. (كنز العمال، ج ۴، ص ۴۰۱، حدیث ۱۱۱۲۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برترین شهیدان کسانی هستند که در صف اول «خط مقدم» پیکار می کنند و روی بر نمی گردانند تا کشته شود، اینها هستند که جایگاه آنان غرفه های عالی بهشت است، و خداوند بر آنها متبسم است و اگر خداوند بر بنده ای تبسم کند «خشنود شود» هیچ حسابی بر او نیست.

شهید در دریا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَهِيدُ الْبَحْرِ مِثْلُ شَهِيدِ الْبَرِّ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَكَّلَ مَلَكَ الْمَوْتِ بِقَبْضِ الْأَزْوَاجِ إِلَّا شَهِيدَ الْبَحْرِ فَإِنَّهُ يَتَوَلَّى قَبْضَ أَزْوَاجِهِمْ. (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸، حدیث ۲۷۷۸) پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: شهید در جنگ دریائی دو برابر شهید در جنگ و جهاد در خشکی اجر دارد و خداوند ملك الموت را برای قبض روح همه افراد مأمور ساخته است، مگر شهیدان جنگ دریائی که آنقدر مقام و فضیلت دارند که خداوند، خودش ارواح آنها را قبض می کند.

دیگر شهیدان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أُرِيدَ مَالُهُ بِغَيْرِ حَقٍّ فَقَاتَلَ فَهُوَ شَهِيدٌ. (كنز العمال، ج ۴، ص ۴۲۰، حدیث ۱۱۲۰۱) پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس مالش مورد سوء قصد قرار گیرد و برای دفاع از آن مبارزه کند و کشته شود شهید است.

شهیدان دفاع

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَاتَلَ دُونَ نَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قَاتَلَ دُونَ أَهْلِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قُتِلَ فِي جَنْبِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. (کنز العمال، ج ۴، ص ۴۲۰، حدیث ۱۱۲۳۶) پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس برای دفاع از جان و مال اهل و عیال خود بیکار کند و کشته شود شهید است و کسی که در راه قرب به خدا کشته شود شهید است.

دفاع از مال

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اغْتَدَى عَلَيْهِ فِي صَدَقَةٍ مَالِهِ فَقَاتَلَ فَقُتِلَ فَهُوَ شَهِيدٌ. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۳، حدیث ۱۱) امام سجاد علیه السلام: هرکس به ظلم اموالش مورد تجاوز قرار گیرد و در برابر آن بیکار کند تا کشته شود شهید است.

کشته راه خانواده

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۱، حدیث ۵) از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند هرکس در راه دفاع از بستگان خود کشته شود شهید است.

در رکاب امام

عَنْ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ: الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ وَمَنْ قَاتَلَ فَقُتِلَ دُونَ مَالِهِ وَرَحْلِهِ وَنَفْسِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵، حدیث ۱۰، تحف العقول، ص ۱۰۲) امام رضا علیه السلام در نامه خود به مأمون نوشت: جهاد همراه امام عادل واجب است و هرکس بیکار کند و در راه دفاع از مال و ره توشه و جان خویش کشته شود شهید است.

بیست و نه اسفند ملی شدن صنعت نفت

قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که به امضای همه اعضای کمیسیون مخصوص نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد و در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی تصویب گردید. متن پیشنهاد تصویب شده: به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرارگیرد. مجلس سنا نیز این پیشنهاد را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد و پیشنهاد قانونی شد.

به گزارش ایرنا، زمانی که اولین چاه نفت در ایران در بیش از یکصد سال قبل در منطقه مسجد سلیمان در استان خوزستان توسط یک شرکت انگلیسی کشف شد، دولت وقت ایران هیچ آگاهی و درکی از این اتفاق مهم نداشت. اما کاشفان آن به خوبی می‌دانستند به چه ثروتی در ایران دست یافته‌اند و پایه‌های استعمار خود در ایران را با قراردادهای استثمار استخراج، تولید و فروش نفت خام ایران بنا نهادند.

شرکت‌های خارجی سال‌ها سرمایه مردم ایران را به تاراج بردند و دولت‌های وقت ایران هیچ گونه تلاش و توجهی برای احقاق حقوق مردم انجام ندادند. دکتر 'محمد مصدق' حرکت بزرگی را در کشور آغاز کرد که سنگ بنای تفکر اقتصاد 'بدون نفت' بود. وی در شهریورماه ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان، در انتخابات دوره چهاردهم مجلس وقت، بار دیگر به مجلس راه یافت.

شرایط بین‌المللی در این دوره، به نحوی بود که کشورهای مختلف به ویژه روسیه، انگلیس و آمریکا با پیشنهادهایی به دولت ایران، خواستار کسب امتیاز نفتی بودند و از آنجا که انگلیس، امتیاز بهره‌برداری از منابع نفت جنوب کشور را در اختیار داشت، روسها درصدد کسب امتیاز منابع نفتی شمال و آمریکایی‌ها نیز به دنبال امتیاز نفت، در ایران بودند.

دکتر مصدق که رهبری گروهی متشکل از ۱۶ تن از نمایندگان مجلس چهاردهم را برعهده داشت، در خصوص واگذاری امتیاز نفت به خارجی‌ها گفت: 'به بهانه اینکه به یک کشور نفت داده شده است، نباید به هیچ کشور دیگری امتیاز داد چرا که این دور باطل تمامی نخواهد داشت.'

مصدق در دوران مبارزات خود برای ملی کردن صنعت نفت، بارها بر این نکته تاکید داشت که ایرانیان باید خود منابع نفتی کشورشان را اداره و بهره‌برداری کنند.

دکتر مصدق برای مقابله با فشار شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران، قانونی را در این دوره مجلس به تصویب رساند که دولت از مذاکره در مورد امتیاز نفت تا زمانی که نیروهای خارجی در ایران هستند، منع می‌شد.

حرکت ملی شدن صنعت نفت در شرایطی شکل گرفت که ایران بزرگترین تولیدکننده نفت خام خاورمیانه بود و پس از آمریکا، ونزوئلا و شوروی سابق؛ چهارمین تولیدکننده معتبر نفت خام دنیا محسوب می‌شد. در آن دوران، کل تولید نفت خام ایران، ۳۲ میلیون تن در سال معادل بیش از یک سوم مجموع تولید نفت خام خاورمیانه (۹۰ میلیون تن در سال) بود. از سوی دیگر، ایران ۹۰ درصد نفت خام مورد نیاز اروپای غربی را در آن دوران تامین می‌کرد.

بدنبال تلاش‌های دکتر مصدق برای نجات سرمایه‌های کشور از دست بیگانگان، دربار پهلوی اجازه نداد وی در دوره پانزدهم مجلس، به مجلس راه یابد. در این دوره هدف عوامل وابسته به انگلیس

این بود که قرارداد سال ۱۹۳۳ دوره رضاشاه را به دست دولت ساعد مراغه‌ای و با تصویب مجلس تنفیذ کنند. اما بر اثر فشار افکار عمومی مقصود انگلیسی‌ها تأمین نشد و عمر مجلس پانزدهم به سر رسید.

لذا، نارضایتی انگلیس از حرکت ملی شدن صنعت نفت و تلاش برای برهم زدن این حق خواهی ملت ایران، امری کاملاً طبیعی بود. شرکت نفت انگلیس که به دلیل تاراج منابع نفتی ایران، دارای سرمایه هنگفتی شده بود اکنون منافع خود را در خطر می دید.

گسترش فعالیت‌های سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ سبب گسترش مبارزات مردم و به ویژه توجه آنان به وضع قرارداد نفت شده بود. دکتر مصدق در مجلس و بیرون از آن این جنبش را که به «نهضت ملی شدن نفت» معروف شد، هدایت می کرد.

در انتخابات مجلس شانزدهم با همه تقلبات و مداخلات شاه و دربار، مصدق در دور دوم انتخابات، به مجلس راه یافت و در این دوره طرح 'ملی شدن صنعت نفت' به رهبری وی در مجلس تصویب شد. قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که به امضای همه اعضای کمیسیون نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد.

کمیسیون نفت، کمیسیونی بود که در اول تیرماه ۱۳۲۹ در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ایران برای رسیدگی به لایحه نفت (معروف به لایحه گس-گلشائیان) تشکیل شد. همین کمیسیون پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را در اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه داد.

سرانجام با تلاش های دکتر مصدق و همراهان وی ، ماده واحده ملی شدن صنعت نفت در روز ۲۴ اسفند ماه سال ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی مطرح و در روز ۲۹ اسفندماه همان سال به تصویب رسید.

در متن پیشنهاد تصویب شده ، آمده بود: 'به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرارگیرد.' مجلس سنا نیز این پیشنهاد را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد و پیشنهاد به قانون تبدیل شد.

انگلیس که با تصویب این قانون منافع خود را در خطر می دیدی، برای جلوگیری از به ثمر نشستن حرکت ملی شدن صنعت نفت، از تمامی شگردهای ممکن استفاده کرد و یکی از این شگردها، تحریم نفت ایران در نیمه اول سال ۱۳۳۰ با هدف به خطر انداختن ثبات سیاسی و اقتصادی کشور بود. انگلیس به تمام خریداران نفت خام ایران هشدار داده بود که نفت ایران را خریداری نکنند.

اما دولتمردان وقت ایران در ادامه مبارزات خود با تلاش زیاد توانستند بر این حرکت استعمارگر پیر فائق آیند. دکتر مصدق که در آن زمان نخست وزیر بود، برای خنثی کردن توطئه انگلیس و کسب درآمد برای کشور، ترجیح داد نفت خام را با تخفیف به مشتریان بفروشد.

نکته قابل توجه آن است که درآمدی که دولت مصدق با فروش تخفیفی نفت خام و فرآورده نفتی برای کشور کسب کرد دو برابر رقمی بود که 'شرکت نفت انگلیس و ایران' بابت فروش سالانه 31 میلیون تن نفت خام به ایران پرداخت می کرد.

اجرای برنامه ریاضت اقتصادی با محوریت عدم اتکا به درآمدهای نفتی و تلاش برای مصرف نفت خام در داخل کشور، اقدام دیگری بود که دکتر مصدق برای خنثی کردن تحریم نفت از سوی انگلیس انجام داد و موفق شد اقتصاد کشور را در آن دوره، سرپا نگاه دارد.

گرچه حرکت ملی شدن صنعت نفت تاحدودی منافع مردم ایران را در قراردادهای نفتی حفظ کرد، اما تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام قطعات و تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت از خارج وارد می شد و پایانی برای حضور شرکت های نفتی خارجی در صنعت نفت ایران متصور نبود.

بسیاری از کارشناسان صنعت نفت براین باورند که هدف مصدق به عنوان بنیانگذار حرکت 'ملی شدن صنعت نفت' مبنی براینکه مردم ایران بر منابع زیرزمینی و روزمینی خود حاکمیت داشته باشند، در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی محقق شد. از آن بابت که نه فقط دولت بر منابع نفت و گاز کشور تسلط یافت، بلکه اداره آن را نیز نیروهای متخصص ایرانی عهده دار شدند.

نیروهای مومن و متخصص صنعت نفت ایران در طول سال های جنگ تحمیلی عراق که تاسیسات نفتی ایران بارها از سوی دشمن بعثی بمباران شد، نه فقط توانستند با کار شبانه روزی این تاسیسات را سرپا نگاه دارند، بلکه اجازه ندادند یک روز تولید و صادرات نفت ایران قطع شود.

با پایان جنگ و شروع دوران بازسازی نیز نیروهای توانمند صنعت نفت ایران بودند که تجهیزات آسیب دیده را بازسازی کردند و سبب شدند تولید، فراورش و صادرات نفت خام برای تامین نیازهای مالی کشور جریان داشته باشد.

حضور شرکت های ایرانی در طرح های بالادستی و پایین دستی صنعت نفت ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هرروز پررنگ تر شده است. به طوری که اکنون در شرایط تحریم های غرب، شرکت های داخلی نه فقط توسعه میدان های بزرگ نفت و گاز کشور را عهده دار هستند، بلکه بخش عمده تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت را تامین می کنند. (منبع تابناک)

نقش آیت الله کاشانی در ملی شدن صنعت نفت

مقدمه

ملی شدن صنعت نفت ایران و پیروزی چشمگیر مردم مسلمان ایران در این نهضت یکی از برگ های زرین تاریخ کشورمان در مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی است . در این پیروزی درخشان عوامل متعددی نقش ایفا نمودند که بررسی نقش و نحوه عملکرد هریک از این عوامل می تواند نکات آموزنده و مثبتی در ادامه راه مبارزه با استبداد و استعمار خارجی برای ملت انقلابی ایران در بر داشته باشد. این نوشتار می کوشد تا به بررسی نقش بسیار مهم و سرنوشت ساز نیروهای مذهبی خصوصاً آیت الله کاشانی در این نهضت بپردازد ؛ بر اساس واقعیات و اسناد معتبر تاریخی آیت الله کاشانی در تمامی مراحل نهضت ملی شدن نفت، شکل گیری، پیروزی و بعد از آن، نقش اساسی و بسیار با اهمیتی داشته اند که در ادامه به بررسی اجمالی آن می پردازیم :

یکم - نقش آیه الله کاشانی در شکل گیری نهضت

۱ . در مجلس شانزدهم، زمانی که قرارداد «گس-گلشائیان» در مجلس در حال بررسی بود، آیه الله کاشانی - به عنوان نماینده مجلس شانزدهم - بعد از بازگشت از تبعید به لبنان، پیامی درباره این قرارداد صادر کرد که توسط دکتر مصدق در مجلس قرائت شد که در بخشی از آن آمده بود: «وقتی که مسئله نفت مطرح شد، وظیفه دینی و ملی دانستم که نظر ملت ایران را در باب مظالم شرکت نفت و حقوق مغضوبه ملت ایران در طی اعلامیه ای منتشر کنم و جداً استیفاي حقوق از دست رفته آنها را بخواهم و مخالفت مردم را با هر قرارداد یا عملی که مُشعر بر تثبیت و تأیید عمل اکراهی... باشد، اظهار نمایم.... نفت ایران متعلق به ملت ایران است و به هر ترتیبی که بخواهد نسبت به آن رفتار می کند...» (زندگی نامه آیه الله کاشانی، انتشارات بشیر، ص ۷ و ۸؛ نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۴۸۲)

۲ . در اعلامیه ای که آیه الله کاشانی در مورد ملی شدن صنعت نفت صادر کرد، آمده است: «بر همه کس واضح و آشکار است که تمام بلیات و مصائب، خصوصاً هرج و مرج دستگاه اداری و غارت بیت المال و تسلط زمام داران نالایق و مملکت فروش و به طور کلی تشویق خیانت کاران و حبس و تبعید و زجر وطن پرستان در اثر سیاست جابر انگلستان در مملکت ما به وجود آمده... برای غارت نفت ایران که بزرگ ترین و مهم ترین ثروت ملی ماست، مرتکب شده و می شود... ملی شدن صنعت نفت در ایران، تنها چاره بیچارگی های ماست...» (نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۴۸۴)

بعد از انتشار این اعلامیه، اجتماع بزرگی در مسجد شاه (سابق) برپا گردید و در آن، سخنرانان راجع به ابطال قرارداد نفت ۱۳۱۲ ش. (۱۹۳۳ م.) به سخنرانی پرداختند و خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند. به دنبال آیه الله کاشانی، آیه الله العظمی خوانساری، آیه الله بهاء الدین محلاتی، آیه الله شاهرودی و حجت الاسلام سید محمود روحانی قمی و عده ای دیگر از علما و مراجع تقلید، با صدور فتاوی،

ضمن تجلیل از آیه‌الله کاشانی، نظر ایشان را در مورد ملی شدن صنعت نفت قویاً مورد تأیید قرار دادند. آیه‌الله خوانساری در اعلامیه خود چنین نوشت:

«با این که مثل حضرت مستطاب آیه‌الله کاشانی دامت برکاته که مجتهدی عادل و باشهامت و دل سوز و فداکار برای مصالح دین و دنیای مردمند، با این همه جدیت و ترغیب و تحریض، مردم را بیدار می‌کنند، دیگر مجال عذری برای کسی باقی نمی‌ماند». (اسرافاش نشده از نهضت ملی ایران، ص ۱۴)

دوم - نقش آیه‌الله کاشانی در ملی شدن نفت

رزم آرا، یکی از مهم ترین موانع در مقابل ملی شدن نفت بود. بعد از نخست وزیر شدن وی، آیه‌الله کاشانی اعلامیه شدیدالحنی صادر و مردم را به مقاومت در مقابل حکومت وی دعوت کرد. مقاصد حکومت رزم آرا که برای سرکوبی نهضت ملی ایران و توافق با شرکت انگلیسی قدرت یافته بود، با مبارزات مردم عقیم ماند و بالاخره با اقدام حماسی خلیل طهماسبی - که از پیروان آیه‌الله کاشانی و یاران نزدیک نواب صفوی بود - در به قتل رساندن این مهره استعمار، این مانع جدی بر سر راه ملی شدن صنعت نفت برداشته شد. آیه‌الله کاشانی در یک مصاحبه مطبوعاتی صریحاً چنین بیان داشت:

«قاتل رزم آرا باید آزاد شود؛ زیرا این اقدام او، در راه خدمت به ملت ایران و برادران مسلمانانش انجام شده و در حقیقت حکم اعدام رزم آرا را ملت صادر کرده است». (تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۳۷۰)

پیامد قتل رزم آرا این بود که نمایندگان وابسته به انگلیس در مجلس شانزدهم که مانع ملی شدن صنعت نفت بودند، عقب نشینی کرده، آیه‌الله کاشانی سیطره کاملی بر اوضاع پیدا کرد. (سیاست، دیانت و آیه‌الله کاشانی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ص ۴۰)

سرانجام با پشتوانه مردمی و رهبری مذهبی و سیاسی آیه‌الله کاشانی و کوشش نمایندگان اقلیت مجلس شانزدهم، خصوصاً دکتر مصدق، اصل ملی شدن صنعت نفت در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ ش. به مجلس شورای ملی ارائه شد و در ۲۹ اسفند در مجلس سنا به تصویب رسید.

سوم - نقش آیه‌الله کاشانی بعد از ملی شدن نفت

بررسی واقعیات تاریخی به خوبی بیان گر این موضوع است که آیه‌الله کاشانی نقش بسیار مهمی در تثبیت ملی شدن صنعت نفت و کمک به دولت در این زمینه داشته اند که اهم این اقدامات عبارتند از:

۱. تصویب اصل ملی شدن صنعت نفت اولین گام بود و اجرای آن و مواجهه با تهدیدات و فشارهای خارجی و نیز دولت تازه کار دکتر مصدق به حمایت جدی آیه‌الله کاشانی که نقش به سزایی در بسیج مردم و فراهم آوردن زمینه های ملی شدن صنعت نفت داشت، شدیداً نیازمند بود.

از سوی دیگر، دولت انگلیس که حاضر نبود به غارت گری خود خاتمه دهد، از تاریخ دهم اردیبهشت، از پرداخت حق امتیاز خودداری کرد که در مقابل این کارشکنی ها، به منظور تقویت دولت در برابر

انگلیس، به دعوت آیه‌الله کاشانی، تظاهراتی در میدان بهارستان و با پیام آیه‌الله کاشانی برگزار شد. (زندگی نامه آیه‌الله کاشانی، انتشارات بشیر، ص ۷ و ۸؛ نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ۴۲) با این تظاهرات پرشور، امکان اخراج انگلیسی‌ها از شرکت نفت فراهم شد و بدین ترتیب زمینه‌های اجرایی قانون ملی شدن صنعت نفت عملی گردید.

۲. بعد از این اقدامات، دولت انگلیس، ایران را به دخالت نظامی تهدید کرد و چند کشتی جنگی به سواحل ایران اعزام کرد. در دادگاه بین‌المللی لاهه علیه ایران شکایت و خرید نفت ایران را تحریم نمود و بدین وسیله، نهضت ملی شدن نفت ایران را با مخاطره‌ای جدی مواجه ساخت. آیه‌الله کاشانی در مقابل تهدید نظامی انگلستان سخن از اعلام جهاد به میان آورد. انعکاس این تهدید در جهان به گونه‌ای بود که روزنامه فرانسوی «لوموند» در این باره نوشت:

«آیه‌الله کاشانی، پیشوای سیاسی و مذهبی ایران، دنیای غرب را به جنگ مقدس بر سر نفت، تهدید می‌کند و قدرت او در به راه انداختن چنین جهاد مقدس، به قدری زیاد است که حتی ممکن است میلیون‌ها مسلمان شوروی را هم از پشت پرده آهنین، به میدان جهاد و جدال بکشاند». (نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۴۹۳)

رادیو باکو اعلام کرد که در صورت اعلام جهاد از سوی آیه‌الله کاشانی، هیچ نیرویی نمی‌تواند سی میلیون مسلمان شوروی را از انجام وظیفه دینی خود بازدارد. (زندگی نامه آیه‌الله کاشانی، ص ۷ و ۴۶) سرانجام روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ ش. برنامه خلع ید از شرکت نفت انگلیس آغاز شد و در مهرماه همین سال خاتمه یافت. (نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۴۸۹)

۳. در مواجهه با وضعیت بد اقتصادی و بحران‌های ناشی از تحریم نفت ایران و ... آیه‌الله کاشانی در اعلامیه‌های متعدد، مردم را به حفظ وحدت و تحمل مشکلات و ادامه نهضت دعوت نمود. در یکی از این اعلامیه‌ها آمده است: «... بنابراین بی‌انصافی است که کسی تصور کند گناه این بحران و بیکاری، گردن دولت کنونی است. عمال بیگانه مخصوصاً سعی می‌کنند ملت ایران را از فقر عمومی و بیکاری، نگران و وضع را متشنج سازند و آن را نتیجه رکود نفت جنوب و غفلت دولت وانمود سازند، [تا] تحت فشار احساسات عمومی به پیشنهاد آنها تن در دهد؛ البته شما هموطنان عزیز توجه دارید که نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود و هیچ ملت و جامعه و فردی، بدون تحمل رنج و محرومیت نتوانسته است به کسب عزت و سعادت نائل آید... و باید به این نکته متوجه باشند که آقای دکتر مصدق که تمام اوقات خود را با وجود کسالت مزاج برای تجدید عظمت و عزت ایران و سعادت ملت مصروف می‌دارند و سلامت و آسایش خود را در این خدمت ملی و اجتماعی به خطر انداخته‌اند، با تمام حسن تدبیر و لیاقت و حسن نیت، بالاخره ممکن نیست که... کلیه امور به نحو مطلوب انجام پذیرد...». (نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۴۸۹)

راه اندازی میتینگ علیه مداخلات بیگانگان، ارسال پیام به کارگران و اهالی خوزستان و مشغول به کار شدن هیئت مدیره موقت نفت، پیام به اعتصاب کنندگان خوزستان و ... همه نمایان گر نقش مهم آیه‌الله کاشانی در تثبیت و تداوم این نهضت می باشد.

عزم و اراده راسخ آن مرحوم در این موضوع تا آن جا بود که زمانی که مرحوم دکتر مصدق به انتشار اوراق قرضه ملی دست زد، آیه‌الله کاشانی طی اعلامیه مفصلی لزوم خرید آن اوراق و یاری دولت را این گونه فتوا داد: «خریداری اوراق قرضه ملی که از هر جهت معتبر و اسنادش مورد اطمینان است و به وسیله این حکومت ملی و مورد اعتماد خودتان به مصارف مقتضی و ضروری مقدمات کار نفت خواهد رسید، فرض ذمه آحاد مسلمانان ایران است». (نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۵۰۵)

۴ . نقش آیه‌الله کاشانی در قیام سی تیر

به دنبال استعفای دکتر مصدق از نخست وزیری به خاطر اختلافی که با شاه در مورد گرفتن سمت وزارت جنگ، پیدا کرده بود، شاه و سایر مخالفان نهضت، تصمیم به قلع و قمع کامل نهضت گرفتند. از این رو، قوام به نخست وزیری انتخاب و رادیو، با رجزخوانی و ارباب، مردم را تهدید و تانک ها و نیروهای نظامی در مراکز حساس شهر تهران مستقر شدند و تصمیم داشتند برای همیشه رهبر مذهبی نهضت یعنی آیه‌الله کاشانی را خاموش کنند؛ اما آیه‌الله کاشانی طی اعلامیه ای مردم را به جهاد و مبارزه دعوت کرد: در این اطلاعیه آمده است: «... بر عموم برادران مسلمان من لازم است که در این جهاد اکبر، کمر همت محکم بر بسته و برای آخرین مرتبه به صاحبان سیاست استعماری ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره گذشته، محال است...» (نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۵۰۶) و به دنبال آن با خبرگزاری های داخلی و خارجی مصاحبه و سوگند یاد کرد که اگر قوام کنار نرود، اعلام جهاد خواهد نمود و شخصاً کفن پوشیده، مردم را همراهی خواهد کرد.

مردم مسلمان در برخی از شهرها از جمله تهران، برای جهاد، کفن پوشان به خیابان ها ریختند و مأموران قوام هم بسیاری از آنان را به خاک و خون کشیدند؛ ولی نهضت همچنان رو به گسترش بود و آیه‌الله کاشانی به حسین علاء - وزیر دربار - گفت: «به اعلیحضرت بگویند که اگر بی درنگ دکتر مصدق بر سر کار بازنگردد، شخصاً به خیابان خواهد رفت و مبارزه مردم را مستقیماً متوجه دربار خواهد کرد». (نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۵۰۶)

شاه که خود را در خطر می دید، ناچار شد مصدق را دوباره به نخست وزیری انتخاب کند. این پیروزی با اعلام رأی دادگاه لاهه به نفع ایران همراه شد و شادمانی مردم را دوچندان کرد.

۵ . تلاش آیه‌الله کاشانی برای جلوگیری از شکست نهضت

آیه‌الله کاشانی، با وجود این که دکتر مصدق بعد از نخست وزیری مجدّد خود، سعی نمود تا او و سایر نیروهای مذهبی را از صحنه خارج کرده، خانه نشین نماید، یک روز قبل از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. با ارسال نامه ای به دکتر مصدق، به او خطر بروز کودتا را گوشزد کرد و پیشنهاد همکاری مجدّد را برای جلوگیری از کودتا داد و نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از وقوع کودتا و شکست نهضت به کار برد؛ هر چند دکتر مصدق در پاسخ او نوشت: «این جانب مستحضر به پشتیبانی ملت هستم». (انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، نشر معارف، ص ۶۴؛ و ر.ک: حدیث پیمان، حمید پارسانیا، نشر معارف، ۱۳۷۶، ص ۲۷۸)

نفت از مصادیق بیت المال و انفال عمومی است که باید در حفظ آن کوشش شود

امام علی (ع): «فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم»؛ (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۱، ح ۶) انسان ها مورد سؤال واقع می شوند حتی در مورد زمین ها و چهارپایان. یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ...؛ [ای پیامبر] از تو در باره غنایم جنگی می پرسند بگو غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد.

اموال اختصاص یافته به رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و امامان علیهم السّلام را انفال می گویند و از این موضوع هرچند فقها به تفصیل در بخش پایانی کتاب خمس یا در بابی مستقل تحت همین عنوان بحث کرده اند، لیکن از آن در بابهای جهاد و احیاء موات نیز سخن گفته اند.

انفال، جمع نَفْل یا نَفْل به معنای زیادی، بخشش و غنیمت است. (مستند الشیعه ج ۱۰، ص ۱۳۹) وجه نام گذاری اموال ویژه پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و پس از آن حضرت، ائمه علیهم السّلام به انفال که از قرآن کریم نشأت گرفته (انفال /سوره ۸، آیه ۱) این است که خداوند به منظور گرامیداشت و برتری بخشیدن وجود مبارک رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و امامان علیهم السّلام بر دیگران، افزون بر خمس، انفال را نیز به آنان اختصاص داده است. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۱۵) در این جا به دو محور مهم آن، یعنی انواع انفال و احکام آن اشاره می کنیم.

انفال انواع و مصادیق مختلفی دارد که به این موارد اشاره می شود.

زمین کافران که مسلمانان بدون جنگ و خونریزی بر آن دست یافته اند؛ خواه مالکانش آن را رها کرده باشند، مانند زمینهای یهودیان بنی نضیر در مدینه، و یا خود آنان به حکومت اسلامی داده باشند، مانند فدک. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۱۶) به این نوع، فیه نیز گفته می شود. (مجمع البحرین ج ۴، ص ۳۵۴)

زمین موات یعنی زمینی که به سبب موانعی همچون بی آبی یا آب گرفتگی و مانند آن، بدون عمران و اصلاح قابل بهره برداری نیست؛ خواه مالکی داشته و از بین رفته یا آن را رها کرده باشد و یا از اصل، مالکی نداشته باشد، مانند بیابانها. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۱۹-۱۱۷)

زمین مواتی که مالک مشخص دارد، در صورتی که وی، به غیر احیاء، مانند ارث بردن یا خریدن، مالک آن شده باشد، در ملک او باقی است و از انفال به شمار نمی‌رود، لیکن در صورتی که آن زمین را به احیاء تملک کرده باشد، در اینکه تبدیل زمین به موات، سبب خروج آن از ملک مالک می‌شود یا نه، اختلاف است. (مستند الشیعة ج ۱۰، ص ۱۴۶)

ساحل دریا و کناره رود و هر زمین بدون مالک؛ هرچند موات نباشد، مانند برخی جزایر. (مستند العروة (خمس) ج ۱۵، ص ۳۶۶) قلّه کوه‌ها، درّه‌ها، نیستان‌ها و جنگلها. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۲۲-۱۲۰)

اموال اختصاصی پادشاهان کافر، اعم از منقول (صفایا) و غیرمنقول. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۲۳) غنائم برگزیده؛ یعنی بهترینهای غنائم. در اینکه صفایای غنائم از انفال است یا تنها در صورتی که امام علیه السلام آنها را برای خود برگزیند از انفال می‌گردد، اختلاف است. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۲۴-۱۲۶)

به قول مشهور غنائمی که با جنگیدن بدون اذن امام علیه السلام به دست آمده باشد. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۲۶-۱۲۸)

ارث بدون وارث هم از مصادیق انفال می‌باشد.

در اینکه معدن به طور مطلق جزء انفال است یا به طور مطلق نیست و یا تنها معادنی که در زمین متعلق به امام علیه السلام، مانند زمین موات وجود دارد، از انفال می‌باشد، اختلاف است. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۳۲-۱۲۹)

انفال ملک رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از آن حضرت، ملک ائمه علیهم السلام است. از این رو، هر گونه تصرف در آن، بدون اذن آنان جایز نیست؛ لیکن در زمان غیبت، تصرف در انفال و تملک آن، برای شیعه بنابر قول مشهور مباح است؛ هرچند در قلمرو آن اختلاف است که تمامی انواع انفال است یا آنچه که به مناکح (نکاح کنیزهای به اسارت گرفته شده در جنگ بدون اذن امام علیه السلام)، مسکن (منازل واقع در زمینهای امام) و متاجر (خرید و فروش غنائم جنگی که جنگ بدون اذن امام صورت گرفته و نیز داد و ستد یا اجاره زمینها و درختان متعلق به امام) مرتبط می‌شود.

همچنین در اینکه مراد از مناکح، مسکن و متاجر چیست و اینکه مباح از آنها، تنها انفال است یا خمس و یا هر دو، اختلاف وجود دارد. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۳۳) اقوال دیگری نیز در این مسئله مطرح است. (مدارک تحریر الوسيلة ج ۳، ص ۷۰۲-۷۰۳)

قول به حلیت و اباحه مطلق انفال برای شیعیان در عصر غیبت، به مشهور نسبت داده شده است. (مستند الشیعة ج ۱۰، ص ۱۶۵)

همچنین بر حلیت تصرف در مثل زمین موات، ادعای اجماع و اتفاق شده است. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۳۶)

تصرف غیر شیعه در انفال حرام است و به تصریح برخی با خریدن، احیاء و غیر آن مالک آن نمی‌شود. (جواهر الکلام ج ۱۶، ص ۱۴۱) برخی تملک برای غیر شیعه را نیز صحیح دانسته‌اند. (منیة الطالب ج ۲، ص ۲۶۹) (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام ج ۱، ص ۷۳۵-۷۳۳)

احادیث حفظ بیت المال

عن النبی صلی الله علیه و آله : خمسة لعنتهم و کل نبی مجاب الزائد فی کتاب الله و التارک لسننی و المکذب بقدر الله و المستحل من عترتی ما حرم الله و المستأثر بالفیء المستحل له. «الکافی، ج ۲، ص ۲۹۳» پنج کس اند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای، آنان را لعنت کرده است: آن کس که در کتاب خدا، آیه ای را زیاد گرداند و کسی که سنت و روش مرا رها کند و کسی که قضا و قدر خدا را تکذیب کند و کسی که حرمت عترت مرا که خدا واجب فرموده نگه ندارد، و کسی که اموال عمومی را به خود منحصر سازد و (تصرف در) آن را (به نفع خود) حلال شمارد.

قال الامام علی علیه السلام : و الله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء لرددته، فان فی العدل سعة و من ضاق علیه العدل، فالجور علیه أضیق. «نهج البلاغه، خطبه ۱۵» به خدا سوگند! اگر ببینم آنچه را (عثمان بیهوده از بیت المال، به این و آن) داده، حتی اگر مهر زنان یا بهای کنیزان شده باشد، آن را باز می‌گردانم، زیرا، عدالت، گشایش می‌آورد و آن کس که عدالت بر او گران آید، ظلم و ستم بر او گران تر خواهد بود.

قال الإمام علی علیه السلام : جود الولاية بقیء المسلمین جور و ختر. «میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۴۵» بخشش (نا به جای) حکمرانان از اموال عمومی مسلمانان، ستم و خیانت است.

قال الإمام علی علیه السلام : یا صفراء و یا بیضاء غری غیری، المال یعسوب الظلمة و انا یعسوب المؤمنین. «الجمل، ص ۱۵۴» امام علی علیه السلام (پس از فتح بصره، گروهی از قاریان و خزانه داران را فرا خواند و دستور داد درهای بیت المال را گشودند. امام با دیدن آن اموال) فرمود: ای زردها و ای سپیدها (طلاها و نقره ها) غیر مرا بفریبید، مال پیشوای ستمگران است و من پیشوای مؤمنان.

قال الامام علی علیه السلام : لیس لك أن تفتات فی رعية و لا تخاطر إلا بوثیقة و فی یدیک مال من مال الله عز وجل و أنت من خزانه حتی تسلمه إلی. «نهج البلاغه، نامه ۶» امام علی علیه السلام (به یکی از کارگزاران خود) فرمود: حق نداری به دلخواه خویش به مردم چیزی بگویی و بدون دستور به کارهای دشوار اقدام ورزی! در دست تو، مالی از اموال خداوند عز و جل است و تو یکی از خزانه داران اویی تا آن را به دست من بسپاری.

قال الامام علی علیه السلام: فلا یکن حظک فی ولایتک ما لا تستفیده و لا غیظا تشتفیه و لکن إماتة باطل و احیاء حق. «بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۲۸» امام علی علیه السلام (طی نامه ای به ابن عباس) فرمود: بهره تو از حکومت نباید مالی باشد که از آن استفاده کنی و نه غیظ و خشمی که با امر و نهی شفا یابد. بلکه باید هدف تو نابودی باطل و زنده داشتن حق باشد.

قال الامام علی علیه السلام: ایاک و الاستئثار بما الناس فیه أسوة ... «نهج البلاغه، نامه ۵۳» امام علی علیه السلام (خطاب به مالک اشتر) فرمود: پرهیز از انحصار طلبی در چیزهایی که همه مردم در آنها برابرند.

قال الامام علی علیه السلام: فانما غرک من نفسک و جرأک علی آخرک املاء الله لک، اذ ما زلت قدیما تأکل رزقه و تلحد فی آیاته و تستمتع بخلافک و تذهب بحسناتک. «نهج السعادة، ج ۴، ص ۸۷» امام علی علیه السلام (در نامه ای به اشعث والی آذربایجان) فرمود: تنها چیزی که تو را از جانب نفست مغرور ساخته و بر دیگران جرأت یافتی، مهلت خدا به تو است، زیرا، تو از قدیم روزی خدا را می خوری، اما نسبت به آیات و نشانه های او انکار و الحاد می ورزی و از نصیب و بهره خود استفاده می کنی و تا به امروزت نیکی های خود را از بین برده ای. هرگاه فرستاده من، این نامه مرا به تو داد، به سوی ما بیا و آنچه از اموال مسلمانان نزد تو می باشد، همراه خود بیاور! ان شاء الله.

قال امیر المؤمنین علیه السلام: أتأمرونی أن أطلب النصر بالجور؟ لا، و الله لا أفعل ما طلعت شمس و (ما) لاح فی السماء نجم. (و الله) لو كانت أموالهم لی لواسیت بینهم، فکیف و انما هی أموالهم! «امالی مفید، ص ۱۹۳» آیا مرا می گوئید که پیروزی را از راه ستم بجویم؟! نه، به خدا سوگند تا خورشید می تابد و ستاره ای در آسمان می درخشد، دست به چنین کاری نمی زنم. به خدا سوگند اگر این اموال از خودم بود، هر آینه مساوات را در میان آنان مراعات می کردم، چه رسد به این که مال خودشان است (بیت المال).

قال الامام علی علیه السلام: لیس المسلم بالخائن إذا ائتمن، و لا بالمخلف و إذا وعد، و لا بالكذوب إذا نطق. نحن أهل بیت الرحمة، و قولنا الحق، و فعلنا القسط و منا خاتم النبیین ... «امالی مفید، ص ۲۵۹» مسلمان در امانت خیانت نورزد و در وعده، تخلف نکند و در سخن، دروغ نگوید. ما خاندان رحمت ایم، گفتار ما، حق و کردار ما، عدل است. خاتم پیامبران از ماست و پیشوایان اسلام و امینان کتاب خدا، در میان مایلند. شما را به سوی خدا و پیامبرش و جهاد با دشمن اش و سختگیری و پایداری در امرش و طلب خرسندی اش، و بر پایداری در نماز و پرداخت زکات و (به جا آوردن) حج خانه خدا و روزه ماه رمضان و پرداخت کامل فیء (غنائمی که بدون جنگ و درگیری از کفار به دست مسلمانان می افتد) به اهل اش دعوت می کنیم.

کتب أمير المؤمنين عليه السلام الى عماله: أدقوا أفلامكم و قاربوا بين سطوركم و أحذفوا عنى فضولكم و اقصدوا قصد المعانى، و اياكم و الاكثار فان أموال المسلمين لا تحتمل الاضرار. «بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۴۹» برای کارگزاران اش نوشت: قلم های خود را نازک کنید و سطرها را نزدیک به هم گیرید و زیادتی کلمات را حذف کنید و مقاصد و منظورها را در نظر بگیرید! بر حذر می دارم شما را از پر نویسی، زیرا اموال مسلمانان نمی تواند این گونه خسارت ها را تحمل کند.

کتب الامام على عليه السلام (إلى بعض عماله): أما بعد. فقد بلغنى عنك أمر، ان كنت فعلته فقد اسخطت ربك و عصيت امامك، و اخزيت امانتك. بلغنى أنك جردت الارض فأخذت ما تحت قدميك، و اكلت ما تحت يدك ... «نهج البلاغه، نامه ۴۰» (به یکی از کارگزاران اش) نوشت: اما بعد، درباره تو به من خبری رسیده است، اگر چنین کرده باشی، همانا که خدای خویش را به خشم آورده و از فرمان پیشوای خود سرباز زده و در امانت، کار به رسوایی کشانده ای، مرا گفته اند که (به ستم)، زمین را از بار و بر، تهی ساخته ای و چیزهای زیر پای مردمان (باغ و بستانشان) را گرفته ای و اموالشان را خورده ای. اینک، حساب خود را نزد من بفرست و بدان که حساب خواهی خدا از حساب رسی آدمیان، عظیم تر است. و السلام.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: ما با لكم! لا سددم لرشدا! و لا هديتم لقصدا! أفي مثل هذا ينبغي لي أن أخرج؟ و إنما يخرج في مثل هذا رجل ممن أراضه من شجعانكم و ذوى بأسكم، و لا ينبغي لي أن أدع الجند ... «نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹» (امام علی علیه السلام سپاهی را به شام فرستاده بود و در صدد بود که سپاهی دیگر در پی آنها بفرستد. امام مردم را به جهاد بر می انگيخت و مردم، مدتی طولانی خاموش بودند.) امام علی علیه السلام فرمود: شما را چه می شود؟ به راه رشد توفیق نمی یابید؟ به راه میانه رهبری نشوید! آیا در زمانی چنین، سزاوار است که من از شهر بیرون بروم؟ همانا در چنین هنگام باید مردی از دلیران و نیرومندان شما که من بپسندم، بیرون رود و سزاوار نیست که من لشکریان و شهر را و بیت المال و جمع آوری خراج زمین و داوری بین مسلمانان را واگذارم و رسیدگی به درخواست های مطالبین را رها کنم و با دسته ای در پی دسته ای دیگر بیرون روم.

قال الامام على عليه السلام: ... ثم أسبغ عليهم الأرزاق، فان ذلك قوة لهم على استصلاح أنفسهم و غنى لهم عن تناول ما تحت أيديهم و حجة عليهم ان خالفوا أمرک أو ثلموا أمانتك ... «نهج البلاغه، نامه ۵۳» (پس از دستوراتی که در مورد گزینش کارگزاران حکومتی به مالک اشتهر صادر کرد) فرمود: (وقتی آنان را این چنین برگزیدی) باید که روزی شان را فراخ گردانی، که این کار، آنان را به اصلاح خویشتن بسی نیرومند گرداند و از خوردن اموالی که در اختیار دارند بی نیاز سازد که هرگاه از فرمان تو سرپیچی کنند یا در امانت خیانت ورزند با آنان اتمام حجت شده باشد.

قال امیر المؤمنین علیه السلام: ... و من استهان بالأمانة، و رتع فی الخيانة و لم ینزه نفسه و دینه عنها، فقد أحل بنفسه الذل و الخزی فی الدنيا و هو فی الآخرة أذل و أخزى و ان أعظم الخيانة، خيانة الامة ... «نهج البلاغه، نامه ۲۶» (در نامه ای به یکی از کارگزاران خود که برای جمع آوری زکات فرستاده بود)، فرمود: ... آن کس که امانت داری را خوار انگارد و در اموال مردم، به خیانت چرا کند و نفس و آیین خویش را از خیانت کاری، پاکیزه نگرداند، همانا در این سرا، خواری و ذلت بر خود روا داشته است و در آخرت، خوارتر و ذلیل تر از این سرا باشد و همانا بزرگ ترین خیانت، خیانت به ملت است و زشت ترین دغل کاری، دغل کاری با پیشوایان.

کتب الامام علی علیه السلام: و انی أقسم بالله قسما صادقا، لئن بلغنی أنک خنت من فیء المسلمین شیئا صغیرا أو کبیرا، لأشدن علیک شدة تدعک قلیل الوفر، ثقیل الظهر، ضئیل الامر. و السلام. «نهج البلاغه، نامه ۲۰» (عبد الله بن عباس، از طرف امیر مؤمنان علیه السلام در بصره و نواحی اهواز و کرمان و ... سمت کارگزاری داشت. او، زیاد بن ابیه را که چندان هم خوشنام نبود، عامل بصره کرد). امام اعمال او را زیر نظر داشت و این نامه را برای او نوشت: به خدای سوگند، سوگندی راست! که اگر آگاه گردم که در مال مسلمانان، کم یا زیاد، خیانت ورزیده ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال و گران پشت از فاقه و خوار مایه گردی. و السلام.

قال الامام علی علیه السلام: الله الله فی الطبقة السفلی ... و اجعل لهم قسما من بیت مالک. «نهج البلاغه، نامه ۵۳» خدا را، خدا را، در نظر بگیر درباره گروه فرودستان ... و آنان را از بیت المال که در اختیار تو است، نصیبی بخش.

قال الامام الصادق علیه السلام: ... ایاک أن تعطی درهما او تخلع ثوبا او تحمل علی دابة فی غیر ذات الله لشاعر أو مضحک أو ممتزح الا أعطیت مثله فی ذات الله. «وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۰» امام صادق علیه السلام (به نجاشی والی اهواز) فرمود: ... بپرهیز از این که در غیر رضای خدا، به شاعری یا لطیفه گویی یا دلچسبی، درهمی ببخشی، یا جامه ای را از تن بیرون بیاوری، یا متاعی را بر چارپایی، حمل کنی و هدیه دهی، مگر آنکه همانندش را در راه خدا بخشش کنی.

کتب امیر المؤمنین علیه السلام: بسم الله الرحمن الرحیم من عبد الله علی امیر المؤمنین الی عبد الله بن عباس اما بعد، فانظر ما اجتمع عندک من غلات المسلمین و فیئهم فاقسمه علی من قبلک حتی تغنیهم ... «بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۴۰۱» امام علی علیه السلام (در نامه ای به عبد الله بن عباس) نوشت: به نام خداوند بخشنده مهربان، از بنده خدا علی امیر مؤمنان به عبد الله بن عباس، اما بعد، بنگر آنچه را نزد تو جمع شده از غلات مسلمانان و درآمدها و غنایم متعلق به ایشان. پس آنها را بین افرادی که نزد تو هستند (و احتیاج دارند) تقسیم کن تا ایشان را بی نیاز سازی و باقی مانده آن را نزد ما بفرست تا بین کسانی که نزد ما هستند، تقسیم کنیم. و السلام

قال الامام الرضا عليه السلام: ... و البراءة من الذين ظلموا آل محمد عليهم السلام ... و البراءة من الناكثين و القاسطين و المارقين ... و البراءة من أهل الاستئثار ... «عیون أخبار الرضا - علیه السلام -، ج ۲، ص ۱۲۶»... بیزاری از کسانی که به آل محمد علیهم السلام، ظلم روا داشتند ... و برائت از پیمان شکنان و منحرفان و مرتدان ... و برائت از ویژه سازان اموال عمومی مسلمانان بر خود، ... از شرایط اسلام راستین است.

قال الامام علی علیه السلام: ... و لکننی آسی أن یلی أمر هذه الأمة سفهاؤها و فجارها فیتخذوا مال الله دولا و عباده خولا و الصالحین حربا و الفاسقین حزبا. «نهج البلاغه، نامه ۶۲» امام علی علیه السلام (در طی نامه ای به اهل مصر) فرمود: ولی از این اندوهناکم که سرپرستی حکومت این امت به دست بی خردان و نابکاران افتد، بیت المال را به انحصار در آورند، آزادی بندگان خدا را سلب کنند و آنها را بنده خویش سازند، با صالحان نبرد کنند و فاسقان را هم دستان خود قرار دهند.

قال الامام الکاظم علیه السلام: ان الله لم یترك شيئا من صنوف الاموال الا و قد قسمه و أعطى كل ذي حق حقه الخاصة و العامة و الفقراء و المساکين و كل صنف من صنوف الناس ... «الکافی، ج ۲، ص ۴۹۵» همانا خدا، تمامی مال ها را تقسیم کرده و حق هر مستحق را از خاصه و عامه و فقیر و مسکین و اصناف دیگر مردم را، به آنها داده است. سپس فرمود: اگر در میان مردم عدالت حکمفرما باشد، همه، بی نیاز شوند و باز فرمود: عدالت، از غسل شیرین تر است و عدالت را پیشه نکنند، جز کسی که عدالت را خوب بدانند.

قال الامام الصادق علیه السلام: هیهات یا معلی أما و الله أن لو کان ذاک، ما کان الا سياسة الليل و سیاحة النهار و لبس الخشن و أكل الجشب ... «الکافی، ج ۲، ص ۲۷۳» (معلی بن خنیس می گوید: روزی به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: نعمت هایی را که بنی عباس دارند بیاد آوردم و با خود گفتم: اگر این نعمت ها برای شما می بود، ما هم با شما، در خوشی بودیم.) امام صادق - علیه السلام - فرمود: هیهات ای معلی! اگر چنین می بود (و ما حاکم بودیم) برای ما جز تدبیر شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت و خوراک سخت و بی خورش، چیزی نبود

قال الامام علی علیه السلام: ان هذا المال ليس لی و لا لک و انما هو فیء للمسلمین و جلب أسیافهم. فان شرکتهم فی حربهم، کان لک مثل حظهم و الا فجنة أیدیهم، لا تكون لغير أفواههم. «نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲» (عبد الله بن زمعة که شیعه مولا علی علیه السلام بود هنگام خلافت وی، به خدمت اش رفت و مالی از او درخواست کرد.) امام علی علیه السلام (در پاسخ) فرمود: همانا این مال، نه از آن من است و نه از آن تو، بلکه آن، غنیمت مسلمانان است. این مالی است که به ضرب شمشیر آنان، فراهم گردیده است. پس اگر در نبرد آنان شرکت داشته ای، سهمی به اندازه سهم آنان داری، اگر نه، میوه چیده شده به دست آنان، لقمه ای برای دهان های دیگران نیست.

قال الامام على عليه السلام : أتأمروني أن أطلب النصر بالجور في من وليت عليه؟! و الله! لا أطور به ما سمر سمير، و ما أم نجم في السماء نجما. لو كان المال لي، لسويت بينهم فكيف و انما المال مال الله؟ «نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶» (وقتی به حضرت علی علیه السلام خرده گرفتند که چرا به کسانی که در اسلام، سابقه بیشتر دارند و در جنگ ها شرکت جسته اند و به آنان که دارای حسب و نسب عالی هستند، بیش از دیگران، از بیت المال، بخشش نمی فرماید)، امام علی علیه السلام فرمود: آیا به من می گوئید تا از راه ستم کردن به کسی که مرا به او ولایت داده اند، پیروزی به دست آورم؟ نه، به خدا سوگند! تا دهر باقی است و اختران در پی یکدیگر بچرخند، به چنین کاری نزدیک نگردم. اگر مال از من بود، همانا میان مردمان به مساوات پخش می کردم، چه رسد به این که مال، مال خدا است.

قال الامام على عليه السلام : يا شريح! لا تكون ابتعت هذه الدار من غير مالک، أو نقدت الثمن من غير حلالک، فأذن أنت قد خسرت دار الدنيا و دار الآخرة. «نهج البلاغه، نامه ۳» (شریح بن حارث، به فرمان امام علیه السلام به منصب قضا نشسته بود. روزی به حضرت علی - علیه السلام - خبر رسید که وی، سرائی به هشتاد دینار خریداری کرده است.) امام علی علیه السلام (وی را فرا خواند و) فرمود: ای شریح! مبادا که این خانه را با مال غیر خریده باشی و بهای آن را جز از مال حلال خود پرداخته باشی و گرنه هم در این سرا و هم در آن سرا، زیان کرده ای.

قال النبی صلی الله علیه و آله : کلا، و الذی نفس محمد بیده! ان شملته الآن لتحترق علیه فی النار، کان غلها من فیء المسلمین یوم خیبر. «سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۵۴» (مدعم، از خدمتکاران پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ ها، همراه وی بود. او، در آن جنگ، به تیر دشمن شهید گشت. مسلمانان، کنار پیکر او گرد آمده، می گفتند: بهشت بر تو گوارا باد! ولی پیامبر صلی الله علیه و آله سخنی نمی فرمود و خشمناک به نظر می رسید. حاضران، علت خشم را نمی دانستند که ناگهان) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه هرگز، سوگند به خداوندی که جان محمد در دست اوست، روپوش او هم اکنون وی را در میان آتش شعله ور خود می سوزاند، چون او، آن روپوش را از فیء مسلمانان (بدون رعایت مقررات) در روز (جنگ) خیبر برداشته بود.

قال الامام الحسین علیه السلام : ان الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، دعاء الی الاسلام مع رد المظالم و مخالفة الظالم و قسمة الفیء و الغنائم و أخذ الصدقات من مواضعها و وضعها فی حقها. «تحف العقول، ص ۲۷۰» امر به معروف و نهی از منکر، آن است که: کافران را به اسلام دعوت کنی، حقوق ستمدیدگان را باز ستانی، با ستمگر به مخالفت برخیزی، غنیمت ها و بیت المال را عادلانه بین اهل اش قسمت کنی، صدقات (زکات) را از آنجا که باید، بگیری و در آنجا که باید، مصرف کنی.

کتب امیر المؤمنین علیه السلام: ... و لئن کان ما بلغنی عنک حقاً، لجمل أهلك و شسع نعلک خیر منک ... «نهج البلاغه، نامه ۷۱» امیر المؤمنین علیه السلام (بعد از خیانت «منذر بن جارود» در ولایت فارس، به وی) نوشت: ... اگر آنچه که از خیانت تو، به من رسیده است، درست باشد، شتر اهل ات و بند کفش ات، با ارزش تر از تو است.

قال الامام الصادق علیه السلام: أهل الاسلام، هم أبناء الاسلام اسوی بینهم فی العطاء و فضائلهم بینهم و بین الله. أجعلهم کینی رجل واحد، لا یفضل أحد منهم لفضله و صلاحه فی المیراث علی آخر ضعیف منقوص ... «وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۱» (حفص بن غیاث می گوید: شنیدم که از امام صادق علیه السلام درباره تقسیم بیت المال پرسیدند)، امام صادق - علیه السلام - فرمود: اهل اسلام، فرزندان آن محسوب می شوند، در امکانات بیت المال، من برابرشان می دانم. امتیازات معنوی آنان بین آنها و خدا محاسبه می شود. (لذا) همانند فرزندان یک نفر که فضیلت و صلاحیت، سبب فزونی ارث بردن یکی بر دیگری که ضعیف و ناقص است نمی شود، (مسلمانان نیز، این چنین هستند). حضرت در ادامه فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام، چنین رفتار می کرد ولی دیگران (غیر ما اهل بیت) گفتند: ما، برخی را بر اساس سابقه بیشتر در اسلام، از نظر عطای بیت المال امتیاز می بخشیم.

قال النبی صلی الله علیه و آله: ما من غریم ذهب الی و ال من ولاة المسلمین و استبان للوالی عسرته، الا براء هذا المعسر من دینه و صار دینه علی والی المسلمین فی ما بین یدیه من أموال المسلمین. «مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۹۱» هر بدهکاری که نزد حاکمی از حاکمان مسلمانان برود و فقر و ناچاری وی، برای والی روشن شود، بدهکاری او، بر عهده حاکم مسلمانان نهاده می شود و او از اموال عمومی، قرض آن شخص را پرداخت می کند.

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۱	خلاصه حالات و احادیث چهاره معصوم علیهم السلام
۱	خلاصه حالات آخرین پیامبر و اشرف مخلوقات
۴	احادیث پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله
۲۷	خلاصه حالات دّومین معصوم ، اوّلین اختر امامت امیرالمومنین (ع)
۳۰	احادیث امیرالمومنین علیه السلام
۴۶	خلاصه حالات سوّمین معصوم حضرت زهراعلیهاسلام
۴۹	احادیث از حضرت زهراعلیهاسلام
۵۷	خلاصه حالات چهارمین معصوم ، دّومین اختر امامت امام حسن مجتبی (ع)
۵۹	احادیث امام حسن مجتبی علیه السلام
۶۵	خلاصه حالات پنجمین معصوم ، سوّمین اختر امامت امام حسین (ع)
۶۷	احادیث امام حسین علیه السلام
۹۰	خلاصه حالات ششمین معصوم ، چهارمین اختر امامت امام سجاد (ع)
۹۲	احادیث امام سجاد علیه السلام
۱۰۰	خلاصه حالات هفتمین معصوم ، پنجمین اختر امامت امام باقر (ع)
۱۰۳	احادیث امام باقر علیه السلام
۱۱۶	خلاصه حالات هشتمین معصوم ، ششمین اختر امامت امام صادق (ع)
۱۱۸	احادیث امام صادق علیه السلام
۱۴۳	خلاصه حالات نهمین معصوم ، هفتمین اختر امامت امام کاظم (ع)
۱۴۵	احادیث امام کاظم علیه السلام
۱۶۱	خلاصه حالات دهمین معصوم ، هشتمین اختر امامت امام رضا (ع)
۱۶۳	احادیث امام رضا علیه السلام
۱۷۸	خلاصه حالات یازدهمین معصوم ، نهمین اختر امامت امام جواد (ع)
۱۸۰	احادیث امام جواد علیه السلام
۱۸۹	خلاصه حالات دوازدهمین معصوم ، دهمین اختر امامت امام هادی (ع)
۱۹۱	احادیث امام هادی علیه السلام
۱۹۹	خلاصه حالات سیزدهمین معصوم ، یازدهمین اختر امامت امام عسکری (ع)

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۲۰۱	احادیث امام عسکری علیه السلام
۲۰۸	خلاصه حالات چهاردهمین معصوم : دوازدهمین اختر امامت زمان (عج)
۲۱۰	احادیث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۲۵	حدیث‌های مناسبت‌های قمری
۲۲۵	یک محرم آغاز هفته احيائي امر به معروف و نهی از منکر
۲۲۶	نهم محرم تاسوعای حسینی
۲۲۹	دهم محرم عاشورای حسینی
۲۳۱	دوازدهم یایست وینجم محرم شهادت امام سجادعلیه السلام
۲۳۱	بیست وینجم محرم شهادت امام سجادعلیه السلام
۲۳۱	سه صفر ولادت حضرت امام محمد باقر (ع) (۵۷ ق)
۲۳۱	هفت صفر شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) (به روایتی)
۲۳۱	هفت صفر ولادت امام موسی کاظم (ع) (۱۲۸ ق)
۲۳۲	بیست صفر اربعین حسینی
۲۳۵	بیست و هفت صفر روز وقف
۲۴۰	بیست و هشت رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص)
۲۴۰	بیست و هشت صفر شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع)
۲۴۰	آخر صفر شهادت حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع)
۲۴۱	یک ربیع الاول هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه و لیلۃ المبیت (۱ ق)
۲۴۲	هشت ربیع الاول شهادت امام حسن عسکری (ع)
۲۴۱	نهم ربیع الاول آغاز ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۲۴۳	عید الزهرا عملی اختلاف برانگیز
۲۴۵	ده ربیع الاول ازدواج پیامبر اکرم با حضرت خدیجه (س)
۲۴۷	دوازده تا هفده ربیع الاول هفته ی وحدت
۲۴۷	دوازده یا هفده ربیع الاول ولادت پیامبر اکرم (ص)
۲۴۷	هفده ربیع الاول ولادت امام صادق (ع)
۲۴۸	پانزده ربیع الاول بنای مسجد قبا توسط پیامبر در نزدیکی مدینه (۱ ق)

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۲۵۰	بیست و شش ربیع الاول صلح امام حسن (ع) با معاویه بن ابی سفیان (۴۱ ق)
۲۵۱	چهار ربیع الثانی تولد حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) (۱۷۳ ق)
۲۵۳	هشت ربیع الثانی ولادت باسعادت حضرت امام حسن عسکری (ع) در سامرا (۲۳۲ ق)
۲۵۳	ده ربیع الثانی وفات کریمه ی اهل بیت، حضرت فاطمه ی معصومه (س) (۲۰۱ ق)
۲۵۳	پنج جمادی الاولی ولادت با سعادت عقیله ی بنی هاشم حضرت زینب (س)
۲۵۵	پنج جمادی الاولی روز پرستار و بهورز
۲۵۷	سیزده جمادی الاولی شهادت حضرت فاطمه ی زهرا (س) به روایت ۷۵ روز (۱۱ ق)
۲۵۷	سوم جمادی الثانی شهادت حضرت فاطمه ی زهرا (س) به روایت ۹۵ روز (۱۱ ق)
۲۵۷	سیزده جمادی الثانی وفات ام البنین مادر گرامی حضرت ابا الفضل العباس (ع) (۶۴ ق)
۲۵۹	بیست جمادی الثانی ولادت حضرت فاطمه ی زهرا (س) (۵ بعثت)
۲۵۹	بیست جمادی الثانی تولد رهبر عظیم الشأن انقلاب حضرت امام خمینی (۱۳۲۰ ق)
۲۶۱	بیست جمادی الثانی روز زن و هفته ی بزرگداشت مقام مادر
۲۶۳	یک رجب میلاد امام محمد باقر (ع) بنا به روایتی (۵۷ ق)
۲۶۳	سه رجب شهادت امام علی النقی الهادی (ع) (۲۵۴ ق)
۲۶۳	ده رجب ولادت امام محمد تقی (ع)، جواد الائمه (ع) (۱۹۵ ق)
۲۶۳	سیزده رجب میلاد پیشوای اول مسلمانان امیرالمؤمنین امام علی (ع) سال ۳۰ عام الفیل
۲۶۴	پانزده رجب وفات عقیله ی بنی هاشم، حضرت زینب کبری (س) (۶۲ ق)
۲۶۴	بیست و پنج رجب شهادت امام موسی کاظم (ع) در زندان هارون الرشید (۱۸۳ ق)
۲۶۴	بیست و هفت رجب مبعث حضرت محمد بن عبدالله (ص) (۱۳ سال قبل از هجرت)
۲۶۶	سوم شعبان ولادت امام حسین سلام الله علیه (۴ ق)
۲۶۶	سوم شعبان روز یاسدار
۲۶۸	چهارم شعبان ولادت حضرت ابا الفضل العباس (ع) (۲۶ ق)
۲۶۹	چهارم شعبان روز جانباز
۲۷۰	پنج شعبان ولادت حضرت امام سجاد (ع) (۳۸ ق)
۲۷۰	یازده شعبان ولادت حضرت علی اکبر (ع) فرزند ارشد امام حسین (ع) (۳۳ ق)
۲۷۱	یازده شعبان روز جوان

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۲۷۳	پانزده شعبان ولادت با سعادت حضرت مهدی، امام زمان (عج) (۲۵۵ ق)
۲۷۳	پانزده شعبان روز جهانی مستضعفان
۲۷۵	ماه مبارک رمضان
۲۷۷	دهم رمضان المبارک وفات حضرت خدیجه علیها سلام سال دهم بعثت
۲۷۸	پانزده رمضان المبارک ولادت سبط اکبر، امام حسن مجتبی (ع) (۳ ق)
۲۷۸	نوزده رمضان المبارک اولین شب قدر
۲۸۰	نوزده ماه مبارک رمضان ضربت خوردن حضرت امام علی (ع)
۲۸۱	بیست و یک ماه مبارک رمضان شهادت مظلومانه ی حضرت امام علی (ع) (۴۰ ق)
۲۸۳	جمعه آخر ماه مبارک رمضان روز جهانی قدس
۲۸۵	یک شوال المکرم عید سعید فطر
۲۸۶	پانزده شوال المکرم وفات حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام (۲۵۲ ق)
۲۸۷	پانزده شوال المکرم جنگ احد و شهادت حضرت حمزه (ع) (۳ ق)
۲۸۸	بیست و پنج شوال المکرم شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) (۱۴۸ ق)
۲۸۸	یک ذیقعدة الحرام ولادت حضرت معصومه (س) (۱۷۳ ق)
۲۸۹	یک ذیقعدة الحرام روز دختران
۲۹۲	شش ذیقعدة الحرام بزرگداشت شاه چراغ
۲۹۴	یازده ذیقعدة الحرام ولادت حضرت امام رضا سلام الله علیه (۱۴۸ ق)
۲۹۴	سی ذیقعدة الحرام شهادت امام نهم حضرت جواد الائمه (ع) (۱۹۵ ق)
۲۹۴	یک ذیحجة الحرام ازدواج امیر المؤمنین امام علی (ع) و حضرت فاطمه ی زهرا (س) (۲ ق)
۲۹۵	هفت ذیحجه، شهادت امام محمد باقر (ع) به دست هشام بن عبدالملک أموی (۱۱۴ ق)
۲۹۵	هشت ذیحجة الحرام يوم الترويه
۲۹۶	هشت ذیحجة الحرام حرکت امام حسین علیه السلام از مکه به سوی کربلا (۶۰ ق)
۲۹۷	نُه ذیحجة الحرام روز عرفه «روز نیایش»
۲۹۸	نُه ذیحجة الحرام شهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام (۶۰ ق)
۲۹۹	ده ذیحجة الحرام عید سعید قربان
۳۰۰	پانزده ذیحجة الحرام ولادت حضرت امام هادی (ع) (۲۱۲ ق)

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۳۰۰	هجده ذیحجه الحرام عید غدیر و انتخاب امام علی (ع) به جانشینی پیامبر اسلام (۱۰ق)
۳۰۱	بیست و چهار ذیحجه الحرام ذیحجه، روز مباحله رسول خدا «ص» با ترسایان نجران
۳۰۲	بیست و پنج ذیحجه الحرام روز خانواده (نزول سوره ی دهر در شأن امام علی (ع) و...)
۳۰۷	احادیث مناسبت‌های شمسی
۳۰۷	اول فروردین عید نوروز
۳۰۹	دوم فروردین روز جهانی آب
۳۱۱	سوم فروردین: روز هواشناسی
۳۱۲	نُه فروردین به توپ بستن گنبد مطهر امام رضا (ع) توسط سربازان روسیه (۱۲۹۱ش)
۳۱۳	دوازده فروردین روز جمهوری اسلامی (۱۳۵۸ ش)
۳۱۶	سیزده فروردین روز طبیعت
۳۱۷	هیجده فروردین روز بهداشت
۳۲۰	بیست فروردین روز هنر اسلامی
۳۲۲	بیست و سه فروردین روز دندان پزشکی
۳۲۳	بیست و نه فروردین روز ارتش
۳۲۴	پنج اردیبهشت شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طبس (۱۳۵۹ش)
۳۲۷	هشت اردیبهشت روز جوان
۳۲۸	نُه اردیبهشت روز شوراها
۳۲۹	یازده اردیبهشت روز کار و کارگر
۳۳۰	دوازده اردیبهشت روز معلم
۳۳۱	چهارده خرداد رحلت امام خمینی
۳۳۳	پانزده خرداد روز قیام ملت ایران
۳۳۴	پانزده خرداد روز محیط زیست
۳۳۵	بیست و هفت خرداد روز بیابان زدایی
۳۳۵	یک تیر روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی
۳۳۹	پنج تیر روز مبارزه با مواد مخدر
۳۴۲	هفت تیر روز قوه قضاییه

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۳۴۴	بیست وهفت تیر روز نیروی انتظامی
۳۴۶	ده مرداد روز جهانی شیر مادر
۳۴۷	یک شهریور روز پزشک
۳۴۷	دوم تا هشتم شهریور هفته دولت
۳۴۹	چهارشهریور روز کارمند
۳۵۳	سیزده شهریور روز تعاون
۳۵۴	هفده شهریور روز شهدا
۳۵۹	سی ویک شهریورتا شش مهر هفته دفاع مقدس
۳۶۰	اول مهر روز بازگشایی مدارس
۳۶۵	هفت مهر روز آتش نشانی و ایمنی
۳۶۶	هفت مهر روز جهانگردی
۳۷۰	نُه مهر روز جهانی سالمندان
۳۷۲	چهارده مهر روز دامپزشکی
۳۷۴	شانزده مهر روز جهانی کودک
۳۷۶	هفده مهر روز جهانی پست
۳۷۷	بیست و چهارمهرروز جهانی غذا
۳۷۷	بیست و شش مهر تا دوم آبان هفته تربیت بدنی و ورزش
۳۷۸	یک آبان روز آمار و برنامه ریزی
۳۷۹	هشت آبان روز نوجوان
۳۸۰	بیست و چهار آبان روز کتاب و کتابخوانی
۳۸۶	پنج آذر آغاز هفته بسیج
۳۹۱	هفت آذر روز نیروی دریایی
۳۹۳	شانزده آذر روز دانشجو
۳۹۴	بیست و پنج آذر روز پژوهش
۳۹۵	بیست و شش آذر روز حمل و نقل

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۳۹۵	یک دی روز کشاورزی
۳۹۸	هفت دی روز سواد آموزی
۴۰۰	یک بهمن ارایه نظریه ولایت فقیه توسط حضرت امام خمینی در نجف اشرف (۱۳۴۸ ش)
۴۰۱	دوازده تا بیست و دو بهمن دهه فجر
۴۰۶	نوزده بهمن روز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی
۴۰۸	بیست دو بهمن روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران
۴۱۰	هشت اسفند روز امور تربیتی و تربیت اسلامی
۴۱۲	نُه اسفند روز جهانی مبارزه با تبعیض نژادی
۴۱۳	چهارده اسفند روز احسان و نیکوکاری
۴۱۴	پانزده اسفند روز درخت کاری
۴۱۴	بیست و دو اسفند روز بزرگداشت شهدا
۴۲۲	بیست و نه اسفند ملی شدن صنعت نفت
۴۳۹	فهرست کتاب

کتابهای الکترونیکی ما :

در اینترنت ، وب سایت ما «بنام هُذانت hodanet.net» در فهرست عناوین مطالب - در عنوان اشعار باقری اشعار و سروده های ما موجود است ، و در عنوان کتاب موبایل باقری ، کتابهای الکترونیکی ، موبایلی ما با عناوین زیر موجود است:

همراه زائرین عتبات عالیات «چاپ اول آن به اتمام رسیده» ، قرآن مجید ۱۱۴ سوره ای ، قرآن مجید سی جزئی برای ماه مبارک رمضان ، نهج الفصاحه ، نهج البلاغه ، حلیة المتقین ، خصال شیخ صدوق ، ریاحین الشریعه ، ثواب الاعمال ، امالی شیخ صدوق و شیخ مفید ، تحریر الوسیله ، کلیات مفاتیح الجنان «با انضمام باقیات الصالحات» ، مقتل خوانی «حاوی کتب مقاتل ابی مخنف - سیدبن طاووس - مقرر - روضه الشهداء - مقتل امام حسین» ، منازل الآخرة ، نزهة النواظر ، چهارده معصوم علیهم السلام به ترتیب نام از معصوم اول تا معصوم چهاردهم ، حضرت زینب «س» ، حضرت عباس «ع» ، فاطمه ام البنین «س» ، فاطمه معصومه «س» ، رساله توضیح المسائل بیست و پنج مرجع هم جدا جدا و هم ۲۵ رساله بصورت یکجا ، ذکر خدا ، روضه خوانی ، محرم و صفر ، پنجاه روز عزاداری از اول محرم تا اربعین ، پیام رهبری «پیامهای نوروزی و سخنرانیهای اول هر سال از سال ۶۹ تا ۹۴» ، کشکول باقری حاوی ۵۰۰۰ صفحه مطالب گوناگون ، امام روح الله «زندگینامه و مقالات در رابطه با حضرت امام خمینی ره» ، منتخب قوانین «قوانین کاربردی دادگاهها» ، منتخب دادخواستها «نمونه دادخواستها و شکوائیه ها» ، آداب معنوی ، گنجینه معنوی ، سیاحت غرب ، احادیث فارسی ، معجم احادیث ، صدچهل حدیث ، احکام نماز ، احکام روزه ، بهجت عارفان «زندگینامه آیه الله بهجت ره» ، فضائل و رذائل «درباب اخلاق» ، هزار عنوان «برای منبر و سخنرانی» ، جهاد و شهادت ، راهیان نور ، شهدا و جبهه ها ، زنان نمونه ، ختومات هُدا ، ماه رجب «اعمال ماه رجب» ، ماه شعبان «اعمال ماه شعبان» ، ماه رمضان «اعمال ماه رمضان» ، همراه زائرین مکه و مدینه ، همراه زائرین سوریه ، همراه زائرین مشهد الرضا «ع» ، سه هزار داستان ، و چندین کتاب موبایل دیگر...

به علاوه ده ها عنوان مقاله که در سایت ما موجود است

تهیه ، تنظیم ، ویرایش ، تنظیم صفحات ، فهرستنگاری ، طرح جلد و چاپ کتاب ، توسط مؤلف حجة الاسلام سید محمد باقری پور در مؤسسه فرهنگی هدایت مشهد مقدس انجام شده است.

سید محمد باقری پور : مدیر سایت هُذانت

سایت هُذانت : «www.hodanet.net»

ایمیل : «hodarayaneh@gmail.com»

تلفن همراه : «۰۹۱۵۵۸۱۹۲۳۰»

کتاب

احادیث مناسبتها

حاوی حدیثهای مناسبتی چهارده معصوم علیهم السلام
جهة ولادتها و وفاتها و شهادتها چهارده معصوم
و حدیثهای مناسبتی جهة مناسبتها شمس و قمری که در
تقویمها آمده است

جهة استفاده مبلغین، ائمه جماعات، مدیران ادارات و سازمانها
که در مناسبتها تقویمی از آن استفاده و درابتدای سخنرانیها
مجلس و جلسه را به عطر حدیثی از معصومین معطرکنند
و وعاظ و مبلغین نیز در غیر مناسبتها تقویمی نیز از عناوین
مطرح شده جهة سخنرانیها استفاده نمایند

تهیه و تنظیم توسط

حجة الاسلام سید محمد باقری پور

در مؤسسه فرهنگی هدایت

www.hedayt.tv

دیباچه کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ . وَاَمَّا بَعْدُ لَيْسَ كِتَابُ مُسْتَطَابِ احَادِيثِ مَنْاسِبَتِهَا «حَاوِي حَدِيثِهَاي مَنْاسِبَتِي چهارده معصوم عليهم السلام جهة ولادتها ووفاتها وشهادتهاي چهارده معصوم، وحديثهاي مناسبتي جهة مناسبتهاي شمسي وشمري که در تقويمها آمده است»، هر چند که ران ملخي است نزد سليمان بردن ، ولكن اميداست که ذخيره يوم لاينفع مالٌ ولابنون باشد انشاءالله .

نظر به اينکه اينجانب سيدمحمد باقري پور «طلبه اي از جمع طلاب و فضلاي حوزه علميه مشهد مقدس فرزند شهيد سيدرضا باقري پور و نوه حجة الاسلام شيخ محمد حسين سيّاره از باز ماندگان واقعه مسجد گوهرشاد مشهد در ۲۱ تير ۱۳۱۴ که قيام مردم مشهد عليه کشف حجاب رضاخاني بوقوع پيوست»، از سال ۱۳۵۰ تحصيل در حوزه علميه مشهدرا آغاز کردم . و سالهاي ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ که طلعيه ي انقلاب اسلامي آغاز شد مجالس وعظ و خطابه و به اصطلاح روضه خواني در نکايا و بعضي از سراها «کاروانسراهاي آن زمان که محل تجمع تجار و کسبه و بُنکداران بود بجاي پاساژهاي امروزي» زياد شده بود مخصوصاً در ماه محرم وصفر و دهه فاطميه ، و استقبال خوبي هم ميشد و بيشتريين مجالس مشهد به منبرهاي مرحوم کافي اختصاص پيدا کرده بود البته غير از ايشان وعاظ ديگري هم مانند موسوي محبّ الاسلام ، دانش سخنور ، شيخ عبدالله يزدي سخنراني داشتند ، اينجانب که اوائل طلبيگي ام بود به منبرهاي مرحوم کافي علاقه بيشتري داشتم هرموقع شب ياروز که ايشان جائي منبرداشتند اينجانب حضورپيدا ميکردم «معمولاً محرم يا صفر و دهه فاطميه هرسال حدود پنج سال قبل از انقلاب تا زمان شهادتشان مشهد ميآمدند از ساعت هشت و نه قبل از ظهر تا دوازده شب گاهي يک بعد از نصف شب سخنراني داشتند» و همچنين از بيانات شيخ عبدالله يزدي ، موسوي محبّ الاسلام صاحب کتاب اقوال الائمه، دانش سخنورفردوسي ، علامه بهلول گنابادي ، شيخ محمد رضا نوغاني هروقت درمشهد سخنراني داشتند استفاده ميکردم. لذا بعد از گذشت چهل سال ، انگيزه اي دروني مرا برآن داشت که شنيده هاي از اين بزرگان را که بعداً با خواندن احاديث در کتب روايي مورد نظر تطبيق ميشد را تحت عنوان مباحث منبري به رشته تحرير درآورم و احاديثي را که در اکثر منابر از آنها استفاده ميشد را شرح دهم که دوستان اهل منبر و خطباء وسخنرانان و مبلغين رسالات الله از آن استفاده نمايند و اينجانب را هم دردعای خيرخود شريک فرمايند.

کتابهاي چاپ شده از تهيه کننده اين کتاب: مباني اسلام «شرح حديث بُنَي الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ از امام باقرعليه السلام» ، بانوان وجامعه امروز «شرح حديث كَيْفَ يَكُمُ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ» ، قصه هاي قرآني «شرح حال مختصر پيامبران درآيات قرآني» ، مردان و زنان بافضيلت «شرح آيه ۳۵ سوره احزاب» ، هفت پايه اسلام «شرح حديث شريف قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ از امام علي عليه السلام» ، چهارپايه دين ودنيا «شرح حديث قَوَامُ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ از امام علي عليه السلام» ، شرح حديث شريف سلسلة الذهب از امام رضا عليه السلام درباب توحيد وامامت و... ، شرح حديث عبدالعظيم حسني از امام رضاعليه السلام ، ذکر خدا «دعاهاي مورد نياز مؤمنين درطول هفته» مکالمات عربي ، شهر رمضان «درباب اعمال ودعاهاي ماه مبارك رمضان» ، حديث زيارت ، کتاب مختصر دعاهاي ماه رجب، شعبان ورمضان ، زيارتنامه امام رضاعليه السلام ، روضه هاي محرم وصفر ، همراه زائرين عتبات عاليات ، همراه زائرين مشهد الرضاعليه السلام ، همراه زائرين حضرت معصومه شاه عبدالعظيم وشاه چراغ عليهم السلام ، همراه زائرين مکه ومدينه «براي آشنائي زائرين با عربستان، مکه، مدينه ومختصر مناسک حج وعمره» ، مجموعه اشعار باقري ، پرسشهاوپاسخهاي حقوقي ، مواعظ حسنه ، چننه حکايات باقري ، کشکول حکايات باقري ، کشکول اشعار باقري ، کشکول مواعظ باقري ، کشکول مدايح ومرائي باقري ، کشکول ضرب المثلها ، بزرگان علم ودین ، مردان وزنان با فضيلت ، وظائف انساني ، توصيه هاي اخلاقي، آداب اسلامي ، احاديث مناسبتها. وبعضي ازکتابهاي موبايلى ساخته شده که در آخرکتاب اسامي آنها ذکر شده و قبلاً در سايت هُدا نت انتشار يافته است آماده ويراستاري و فهرست بندي و ... است براي چاپ کاغذي انشاء الله تعالى. وما توفيقى الا بالله عليه توكلت واليه انيب. تحرير شد در زمستان ۱۳۹۵ - مشهد مقدس پايتخت معنوي جمهوري اسلامي ايران ، سيدمحمد باقري پور

